بسم الله الرحمن الرحيم

مکتوبات سربازی

(مجموعۀ نامه‌های مسترشدان و پاسخ به سؤالات دینی و اخلاقی
و توضیح احوال و وقایع سلوک و تعبیر خواب‌ها)

(جلد پنجم)

حضرت قطب الارشاد علامه مولانا محمّد عمر سربازی
(رحمه‌الله تعالی رحمةً واسعة)

شناسنامۀ کتاب:

- **نام کتاب: مکتوبات سربازی (جلد پنجم)**
- **مؤلف: علامه «محمّدعُمر» سربازی (ملازهی)** (رَحِمَهُ‌اللهُ‌تعالی)
- **ناشر: مدرسه‌ی دینی منبع العلوم کوه‌ون**
- **ترتیب، حروف‌چینی و صفحه‌آرایی: ابوحسّان، مدرسه‌ی دینی منبع العلوم**
- **شمارگان:**
- **قیمت:**

مرکز پخش: ایرانشهر- سرباز- کوه‌ون، مدرسه‌ی دینی منبع العلوم کوه‌ون - خداآباد

مکتوب ۹۳۷

در جواب فردی در مورد تدبیر دفع مشکلات و تعبیر خواب

(۱. بنده خوابی دیده‌ام در حوزهٔ علمیهٔ کوه‌ون چنین بود که به مازندران رفته بودم و نشسته بودیم سائل روسیاهی که چهره‌اش سیاه بود آمد و چیزی خواست خاله‌ام رفت تا چیزی به او بدهد، او خودش آمد من گفتم نیا جلو که زنان این‌جا هستند ولی آمد من چوبی برداشتم و او را خوب زدم، گفت ای شخص! اگر با حضرت مولانا بیعت نمی‌کردید، به حساب شما می‌رسیدم، ۲. به‌همین زودی‌ها یکی از خویشاوندان من از مازندران آمده بود و آن‌ها خیلی به دین پایبندند ولی گفت مشکلات زیادی بر سر آن‌ها می‌آید، امیدوارم اگر ارشادی هست ارسال دارید).

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ اما بعد: از مضمون نامهٔ شما باخبر شدم.

۱. خواب شما بد نیست. این خوابی بود، اما در بیداری زدن چنین افراد مناسب نیست. ممکن است او یکی از اجنهٔ صالحه بود که از مریدان شیخم بود و مرا می‌شناخت یا یکی از متصرّفین آن مناطق بود.

۲. برای آن مازندرانی‌ها بگویید که وقت مشکلات سورهٔ اخلاص را ۳۰۰ بار بخوانند و به دفع مشکلات خود دعا کنند؛ در شب بخوانند یا در روز، اختیار دارند و تا هفت یا ده شب بخوانند.

۱۰ جمادی‌الثانی ـ ۱۴۲۱ هـ.ق.

مکتوب ۹۳۸

در جواب فردی در تعبیر خواب و غیره

(نوشته بود: در ماه رمضان واقعهٔ عجیبی در مسجد دیدم. روزی بعد از نماز صبح تلاوت کردم و تنها در مسجد خوابیده بودم ناگاه یکی مرا صدا زد من بیدار شدم و نگاه کردم کنار ستون یک پسر جوان که سر تا پا نورانی بود و مسجد را روشن کرده بود من گفتم تو کیستی؟ گفت: من قرآنم بلند شو کمی بخوان گفتم من تازه خوانده‌ام بگذار بخوابم و بدون ارادهٔ خود احساس کردم کسی دست روی سینه‌ام گذاشته و مرا خواباند و دیگر نفهمیدم چه شد. بفرمایید این از احسان الله تعالی بود یا از مقامات؟ ۲. خواب دیدم سوار بر شتری هستم و به محلی عبور کردم که سیل آمده و خانه‌ها و

زراعت‌ها را می‌بُرد و مردم در آب دست و پا می‌زدند ولی من باکمال آرامش عبور کردم و به خانه‌ای گلی رسیدم که سیل آن‌را تکان نداده بود).

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

خواب اول شما که به صورت واقعهٔ عجیبی بود، خیلی بزرگ و مهم است. شما را مبارک که این واقعاً تجسّم روحانیت قرآن مقدس بود که جناب را به جانب خود دعوت فرمود. این از مقامات نیست بلکه این محض از لطف و احسان خداوند کریم است.

خواب دوم هم برای شما خیلی مبارک است، اما برای همان شهر و محله کـه سـیل آن‌را بُرده بود، خیلی خطرناک است. آب سیل، فتنه و بلای آخر زمانه و ظلم ظالمان است. **حفظنـا الله وجمیع المسلمین عن جمیع الشرور والفتن.** موفق باشید و التماس دعا دارم.

۱۰ جمادی‌الثانی ـ ۱۴۲۱ هـ.ق.

مکتوب ۹۳۹

به شخصی در مورد نقض بیعت و أخذ بیعت دیگر

(گزارش یہ ہے کہ بندہ آپ سے بیعت ہواتا بعد ایران سے میں پاکستان آیا تھا قدرت کیطرف سی وهی عشق و محبت مجھ سے ختم ہوگیا اس بارہ میں بہت دُکھ ہوا ایک سال بعد کوئی اللہ والا مل گیا اب میں تقریباً پانچ مقام طی کیا مگر مجھ کو کوئی اصلاح نہیں ہوا ہے پھر کسی آدمی نے مجھ کھا کہ آپ اپنی مرشد کی پاس جائیں وہ آپ کے مقامات طی کرائینگی کیونکہ آپ پہلی واصل تھی اب فاصل ہوگئی ہوا۔ آپ جناب کیا مشورہ دیتے ہوں کہ میں آپکی پاس آجاؤں یا وہاں سی توجہ کرتے ہوں؟ ہر مشورہ پر حاظر ہوں)۔ [1]

وعلیکم السلام ورحمۃ اللہ وبرکاتہ، اما بعد:

۱- بنده با شما بیعت کرده بودم و به پاکستان آمدم و قدرتاً آن عشق و محبت تمام شد و تقریباً یکسال به همین منوال گذشت تا این که یک شخص الله والا به من رسید و تاحال پنج مقام طی کرده‌ام، ولی اصـلاح چنـدانی نشده است. بعد، کسی به من گفت نزد مرشد خود برو و مقامات را طی کنانید؛ زیرا قبلاً شـما واصـل بـودی و الآن فاصل شده‌ای. حال هر مشوره‌ای شما بفرمایید، حاضرم).

آپکی یاد آوری سے ممنون ہوں ۔ بندہ پہلی سے اہل بیعت نہیں ہوں لیکن لوگ خود بخود مجھ پر حسن ظنّ رکھتی ہیں بقول رومی:

هرکسی از ظنّ خود شد یار من　　　از درونم کس نجُست اسرار من

اب آپکو اللہ والا مل گیا ہے یا مل جائی میرے مشورہ یہ ہے کہ آپ وہاں اپنی کسب سلوک کو جاری رکھیں اور مقامات طی کرتی رہیں فقط یہ وصیت کرتاہوں کہ اپنی مسیر کو نہ چھوڑ دیں اور ایسے شیخ سے کسب سلوک کریں کہ عالم کامل اور عارف اور مسلک دیوبندیت پر ہو و اگر نہ آپکو دنیا و آخرت میں ضرر ہوگا۔ مزید دعا کے درخواست ہے ۔[1]

۱۰ جمادی‌الثانی ـ ۱۴۲۱ هـ.ق.

مکتوب ۹۴۰

در جواب فردی در موضوع مبادی عرفان

(نوشته بود: من طلبه‌ای در مدرسهٔ مکی هستم و این افتخار نصیبم شده که با شما بیعت تبرّکی نموده‌ام و در شبانه روز نیم ساعت بر اذکار مواظبت می‌کنم. اکنون حالتی بـه مـن دسـت داده کـه می‌خواهم از تمام افراد کناره بگیرم و تنها باشم و احساس می‌کنم هیچ کس نمی‌تواند حالتم را درک کند و به حدی است که حاضر به رفتن به نزد گروه تکرار خود نیستم. بفرمایید این حالت مثبتی است یاخیر؟ فکر می‌کنم تنها راه تزکیه برایم قطع تعلقات با جامعه و حتی دوستان نزدیک است).

عزیزم! وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

نامهٔ شما را مشاهده کردم خدا کند که به ذکر و عبادت و تحصیل علم بیشتر موفق شوید. این حالت و خلوت‌پسندی که برای شما رُخ داده اسـت، یکـی از حـالات مبـادی سـلوک و

۱- از یادآوری‌تان ممنونم. اولاً بنده اهل بیعت نیستم، اما مردم خود به خود نسبت به من حسن ظنّ دارند. اکنون که شما به یک شخص الله والا دست یافته‌ای یا نصیب‌تان بگردد، مشورهٔ من این اسـت کـه در آن‌جـا کسـب سلوک را ادامه داده و مقامات را طی کنید البته فقط این وصیت را به شما می‌کنم که مسیر خودتـان را تـرک نکن و به نزد شیخی کسب سلوک کن که عالم کامل و عارف و بر مسلک دیوبندیت باشد وگرنـه در دنیـا و آخرت ضرر خواهی کرد. مزید درخواست دعا دارم.

عرفان و حالتی خوب است. این حالت را به این نحوه حفاظت کنید که در وقت درس گرفتن و تکرار با همکلاسان خود باشید، اشکال ندارد و در اوقات دیگر با مردم بسیار صحبت نکنید بلکه متوجه ذکر و مطالعهٔ کتب باشید. این حالت، حالت مثبتی است البته ادامه نـدارد و وقتـی مفقود می گردد و این هم مسلّم است که تا از خلق نُبری، به خالق نرسی، اما مبالغه نباید کـرد. **خير الأمور أوساطها.**

۱۰ جمادی‌الثانی ـ ۱۴۲۱ هـ.ق.

مکتوب ۹۴۱

در جواب فردی در مورد توضیح هدف اصلی از سلوک و عرفان

(من در اذکار خودم و نیز در عبادات خیلی سست هستم و ذکر برایم مشکل شده است. خیالات باطله می‌آید. در منطقهٔ ما تبلیغی‌ها هر روز بعد از نماز صبح مشوره می‌کنند، آیا من در مشوره شرکت کنم یا در ذکر مشغول شوم؟ دیگر این‌که می‌خواهم از مدرسهٔ نیکشهر بیایم به مدرسـهٔ شـما، ولـی اساتید نمی‌گذارند، آیا بدون اجازه بیایم؟).

عزیزم! وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

نامهٔ شما دیده شد. بیعت و سبقات شما را مبارک باد، اما بدانید هدف اصلی در راه سلوک و عرفان کثرت اسباق نیست بلکه هدف اصلی، کثرت اذکار است. نباید در آن تنبلی کنید.

ذکر کن ذکر تا تو را جان‌ست　　　پاکـی دل ز ذکـر رحـمان‌ست

شما به ذکر ادامه دهید، همه شکایات شما؛ از کسالت و سستی و... برطرف می گردند.

(در این صورت) به جای مشوره به ذکـر خـود مشـغول شـوید البتـه در فرصـتی دیگـر از جماعت حصه بگیرید.

بدون کسب اجازه از اساتید نیایید که ضرر می کنید بلکـه آن‌هـا را راضـی کـرده و طبـق رضای آن‌ها بیایید.

۱۰ جمادی‌الثانی ـ ۱۴۲۱ هـ.ق.

مکتوب ۹۴۲

در جواب فردی در راهنمایی در مورد تعلیم زنان

(نوشته بود: ۱. من در زاهدان درس می‌خوانم و همسرم در مدرسهٔ تایباد و چون خانهٔمان از مدرسه دور است، او با خواهرش در مدرسه شبانه روزی است و محرمی ندارند. آیا برای‌شان جایز است درس بخوانند؟ ۲. نظرتان در مورد تحصیل دختران در مدرسهٔ شبانه روزی چیست؟ لطفاً شرایط را بنویسید، ۳. برای من که مقدور نیست همسرم را به زاهدان بیاورم و نمی‌خواهم در تایباد درس بخوانم، چه کار کنم؟ لطفاً پیشنهاد خود را مرقوم فرمایید).

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

۱ـ اگر در مدرسه کلاس خواب و درس دختران جداست و به هیچ وجه با مردان برخورد ندارند، جایز است که آن‌جا شبانه روزی درس بخوانند البته محارم گاه گاهی از وضع حال آن‌ها تحقیق کنند و سر بزنند.

۲ـ جایز است با شرایط: رعایت حجاب و بودن امتیاز درکلاس‌ها و اتاق‌های خواب و عدم برخورد با مردان و درس هم با شرایط شرعیه باشد. بنده فرصت نوشتن برنامهٔ کامل را ندارم.

۳ـ شما گاه وقتی برای بررسی احوالش بروید و مراقب اخلاقش باشید. التماس دعا دارم.

۱۰ جمادی‌الثانی ـ ۱۴۲۱ هـ.ق.

مکتوب ۹۴۳

به فردی در تشویق به همّت در امور و دفع وساوس و...

(از آن‌جایی‌که در جوانی هستم، وساوس شیطانی از هر طریقی وارد بدن می‌شود و ذهن و فکر انسان را مشوّش می‌کند، از شما تقاضای دعا دارم. من شوخ مزاجم و شخصاً تمایلی ندارم وآرزو دارم این عدات از بین برود، اما خود به خود از من صادر می‌شود، توصیه‌ای بفرمایید. یکی از وساوس انسان این‌ست که دوست دارد مورد توجه دیگران باشد و در اطراف او مردم جمع شوند. تا حدودی این وسوسه در درونم هست. افتخار دارم که به‌دست بزرگواری چون شما بیعت کرده‌ام، ولی طریق ذکر قلب را به‌طور صحیح نمی‌دانم. سعی دارم ذکر کنم، اما وساوس فشار می‌آورند. مدتی است در درس‌ها سست و همّتم پست شده است، ارشاداتی بفرمایید).

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

نامهٔ شما رسید. خداوندکریم به تحصیل علم و عمل بر سنت موفق گرداند.

عزیزم شما همت خود را قوی دارید، قدرت نفس و شیطان می‌کاهد و چون نصرت خداوندی پشتیبان شما باشد، تمام وساوس نفس و شیطان متلاشی می‌گردند.

شوخی تا حدود شرعی گنجایش دارد، اما چون از حدود شرع متجاوز گردد، آن وقت خیری ندارد.

به ذکر قلبی خود سعی فرموده باشید که سعادت دارَین به آن وابسته است و اگر طریق آن را کاملاً متوجه نمی‌شوید، به‌کتاب «خلاصة التصوف» مراجعه کنید.

رومی رحمه‌الله می‌فرماید:

اندر این ره می‌تراش و می‌خراش — تا دم آخر دمی غافل مباش

در بهاران کی شود سر سبز سنگ — خاک شو تا گُل بروید رنگ رنگ

تا نگرید ابر کی خندد چمن — گر نگرید طفل کی جوشد لبن

عزیزم! مناطق شما خیلی ضرورت به علم و عرفان دارد پس، در این هردو بکوشید تا ارمغانی به مناطق خود ببرید. مواظب باشید تا دست خالی نروید. مشتی نمونهٔ خرواری است.

مزید التماس دعا دارم.

۱۲ جمادی‌الثانی ـ ۱۴۲۱ هـ.ق.

مکتوب ۹۴۴

در جواب شخصی در تعبیر خواب و راهنمایی

(مدتی است حالی از شما نگرفته‌ام شرمنده‌ام. هر هفته می‌خواستم نامه بنویسم، اما توفیق نشده است. قبل از بیعت چند خواب دیده‌ام و این چند حالت پیش آمده: ۱) قبلاً وقتی به بازار می‌رفتم، در چهرهٔ بسیاری گناه مشاهده می‌کردم، حالا این حالت نیست چون گناه‌کار شده‌ام، ۲) گاهی در وقت خواندن احادیث یا فداکاری‌های صحابه، منقلب می‌شدم وگریه می‌کردم و خصوصاً با نام حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وسلم، ۳) هنگامی‌که می‌خواهم لفظ «الله» ضرب کنم، قلبم خود به خود شروع

می‌کند و گاهی تا پایان ذکر ادامه دارد و گاهی در نماز شروع به ضرب کردن و تپیدن می‌کند و...).

عزیزم! ملا... دانش! السلام علیکم و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

حال بنده بد نیست خداوندکریم شما را سالم دارد و حفظ فرماید.

عزیزم! نامه فرستادن به شیخ خود به تأخیر اولی‌تر است. عجله کردن و تکرار نامه‌ها که موجب مزاحمت در وقت شیخ باشند، بهتر نیست بلکه بهتر آن‌ست که مسایل مهمّ را به شیخ خود بنویسد و هر جزئیات و غیرمهمّ را ننویسید. طریق نامه فرستادن شما را پسند می‌کنم.

خواب‌هایی که قبل از بیعت دیده‌اید، این‌ها را در اصطلاح صوفیه «إرهاصات» می‌نامند (یا مقدمات و مبادیات). این إرهاصات برای انبیاء علیهم‌السلام و برای اولیاء علیهم‌الرحمة قبل از رسیدن به مقام نبوت و ولایت و رسیدن به بیعت به صورت خواب وغیره در نظر می‌آیند تا موجب یکنوع تشویق و جالب (جلب کننده) به همان کار باشند.

خلاصه خواب‌های شما از همین نحو بودند و بحمد الله همه مبارکند. خواب الآنی هم خوب است، اما حالت اول شما یکنوع کشف وُجدانی بود. از احساس نکردن آن دل‌خور نشوید؛ زیرا حال کشفیات همین تلوّن است، گاه پنهان وگاهی آشکارا می‌باشند. ادامۀ عمل و اتباع سنت، کمالی است نه دیدن کشف وکرامات. این‌ها را مثل سایۀ صبح بی‌اعتبار باید دید.

حال دوم شما خیلی مبارک است. این از اثر جذب محبت دوستان است.

حال سوم از همه بهتر است که دلیل جریان ذکر و تأثر لطایف است.

عزیزم! اگر میل و شوق این راه داری، باید بکوشی تا به‌جایی برسی. «**ای مردان بکوشید تا جامۀ زنان نپوشید**»، «**ای بی‌خبر بکوش تا صاحب خبر شوی**».

مولانا رومی رحمه‌الله سروده است:

اندرین ره می تراش و می خراش	**تا دم آخر دمی غافل مباش**
در بهاران کی شود سر سبز سنگ	**خاک شو تا گُل بروید رنگ رنگ**
تا نگرید ابر کَی خندد چمن	**گر نگرید طفل کی جوشد لبن**

پیش یوسف نازش خوبی مکن جز نیاز و آه یعقوبی مکن

عارف شیرازی رحمه‌الله می‌فرماید:

من آن زمان طمع ببریدم ز عافیت کین دل نهاد درکف عشقت زمام را

حکیم سنائی رحمه‌الله می‌فرماید:

شراب عشق روی خرمت کرد بسان نرگسِ تو مست ما را

حضرت شیخ احمد جام رحمه‌الله می‌فرماید:

گر بر سر کوی عشق ما کشته شوی شکرانه بده که خون‌بهای تو منم

شیخ عطار رحمه‌الله چه خوش سروده است:

بمیر ای شیخ! چون منصور حلاج که بینی بی‌گمان بر فرق جان تاج

شاعر هندی رحمه‌الله می‌گوید:

عاشقی آموز و محبوبی طلب چشم نوحی قلب ایوبی طلب

کیمیا پیدا کن از مُشت گِلی بوسه زن بر آستانِ کاملی

شما را به خداوند کریم می‌سپارم و التماس دعا دارم.

۱۲ جمادی‌الثانی ـ ۱۴۲۱ هـ.ق.

مکتوب ۹۴۵

در جواب زنی محترمه در مورد چند سؤال

(نوشته بود: نامهٔ گرامی شما رسید و خوشنود گردیدم. از همین لحظه تمام سعی خویش را می‌کنم که هیچگاه نماز و ذکرم ترک نشود، امیدوارم از دعای خیر محروم نسازید. و اما چند سؤال دارم: ۱. اگر دختری عقد کرده باشد ولی هنوز در خانهٔ پدر باشد، آیا برای بیرون رفتن از خانه باید از نامزدش هم اجازه بگیرد؟ ۲. آیا می‌توان یک غسل را به دو نیت انجام دهد؟ ۳. در مدرسه‌ای که معلّم مرد تدریس می‌کند، رفتار ما در چه حد باشد؟ آیا می‌توان صحبتی غیر از مسایل درسی با معلّم داشت؟).

دختر عفیفه‌ام خانم باوجود! وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

نامهٔ شما رسید و شادمان شدم. دخترم! برای انجام نماز که ستون اسلام و نور چشم پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وسلم است، چه تأکید کنم!. هرچه کنم و هرچه بگویم، کم است. برای انجام ذکر و وظایف هم شما را متوجه می‌کنم. به جوانی خود و به دنیای دون نباید اعتماد کنی. دنیا ارزش ندارد بلکه زودگذر است؛ مثل سرابی که بعد از چند دقیقه نابود می‌گردد.

۱ـ آری! در این وقت آن عقد کننده صاحب اختیار دختر شده است.

۲ـ آری! می‌تواند یک غسل را از دو نیت انجام دهد.

۳ـ غیر از درس و مسایل دینی، صحبت‌های دیگر با استاد خود هم درست نیست البته با حجاب یا پس پرده درس بگیرد و سلام و علیک کند.

شما را به خداوندکریم می‌سپارم و التماس دعا دارم.

۱۲ جمادی‌الثانی ـ ۱۴۲۱ هـ.ق.

مکتوب ۹۴۶

در جواب فردی در راهنمایی به چند سؤال

(نوشته بود: ۱. من در ماه هفتاد هزار تومان حقوق می‌گیرم حالا پریشانم چگونه خرج کنم؟ می‌خواهم برای زن و بچه و وسایل خانه خرج نکنم چون تا فردا زنده هستم یا نیستم. بفرمایید چگونه مصرف کنم؟ پدر و مادر پیر با دو فرزند هم دارم و در راه خدا تشکیل می‌شوم ۲. در کارها وسوسهٔ زیادی دارم، ترکیبی بگویید تا ازآن نجات یابم،۳. گاهی در کار دین کوشش کننده و گاهی تنبل می‌شوم، ۴. ذکری بفرمایید که در مکانی‌که مشغول هستم در یاد الله باشم، ۵. من با این کارهای خود همیشه قرضدارم، چه‌کار کنم؟).

عزیزم وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

نامهٔ شما رسید و از هدفش باخبر شدم.

۱. اگر از گذاشتن پول در خانه خطرهٔ دزد وغیره غالب است، می‌توانید بدون سود در

بانک پس‌انداز کنی و اگر روزی چیزی اضافه دادند، بدون امید ثواب به فقرا بدهید. مقداری از حقوق خود به نفقهٔ اهل و عیال خود و مقداری برای تشکیل در جماعت و مقداری به خرج پدر و مادر صرف کنید و مقداری در راه دین به مدارس دینی بدهید.

۲. برای دفع وسوسه، بعد از هر نماز صد یا پنجاه بار **«لاحول...»** شریف را تا آخر بخوانید.

۳. ذکر الله را زیاد بکنید، شوق در هر عمل پیدا می‌گردد.

۴. در هر کار و بار این ذکر را بسیار کنید: **«الله، الله»**.

۵. برای ادای قرض، بعد از هر نماز صد بار بخوانید: **«یاقاضی‌الحاجات»**.

مزید التماس دعا دارم.

۲۲ جمادی‌الثانی ـ ۱۴۲۱ هـ.ق.

مکتوب ۹۴۷

در جواب خواهری در راهنمایی به ذکر و تعبیر خواب

(من دیر وقت است که بیعت کرده‌ام و اذکاری‌که تعیین فرموده‌اید، به‌ترتیب طبق توان خود انجام می‌دهم، ولی کوشش می‌کنم تا حواسم جمع شود، نمی‌توانم و با همین حال ذکر می‌کنم. دوم این‌که خوابی دیده‌ام که یک کِتری بزرگ را که درآن آب بود، بلند می‌کنم ولی آب آن خود به‌خود بیرون می‌ریزند و معلوم می‌شود چیزی در آن هست، دهان آن‌را باز کردم دیدم یک ماهی در آن هست، سر را بیرون کرد برای رفتن من هرچه کردم تا در آب برود، نشد).

دختر عفیفه‌ام! بهرامزهی وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

نامهٔ شما رسید و نگاهش کردم. خداوند کریم شما را مزید به ذکر خود موفق گرداند و غفلت را از شما دور کند. جمع حواس اگر باشد، خوب است و اگر نباشد، دل‌خور نباشید بلکه [با همین حالت هم] ذکر را ادامه دهید که هدف اصلی ذکر است. همین‌که موفق به ذکر هستید، نعمتی بزرگ است. از خداوندکریم شکر این نعمت را ادا کنید.

خواب شما مبارک است. آب کِتری، فیض رحمت است که به برکت ذکر و علم بر شما

می‌ریزد و ماهی، رزق حلال است که نصیب شما می‌شود.

الآن ذکر را ۵۰۰ بار کنید و دعاهای کنزالدارین را که در ص۱۶ [۱] موجودانـد، بـه وقـت فرصت بخوانید. خداوند کریم شما را معرفت نصیب فرماید. برای بنده هم دعا کنید.

۲۱ جمادی‌الثانی ـ ۱۴۲۱ هـ.ق.

مکتوب ۹۴۸

در جواب خویردی که در مورد سفر و سیاحتش و... نوشته بود

(من۱۰ روزی به تهران وکردستان سفری داشتم و پیش جناب زارعی رفتم و به چنـد خانقـاه و پیش چند خلیفه رفتم و خیلی چیزها دیدم. خیلی چیزها دال به ردّ گفته‌های مریدان از خلفای‌شـان شنیدم و همهٔ شان اظهار عجز و ناتوانی می‌کردند و همه با این اصل شریعت و طریقـت و حقیقـت معتقد بودند و اعتراف کردند که ضعف هایی وجود دارد. جناب زارعی خیلی احترام گذاشتند و تأکیـد کردند که سفرها خوبست، اما نه درمیان این خانقاه‌ها؛ چراکه سنت‌شکنی می‌کنند و...).

عزیز مکرم! السلام علیکم و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

نامهٔ شما رسید و ملاحظه شد. شما را برای سفرتان تبریک می گویم.

صحبت جناب زارعی واقعیت دارد. در هر خانقاهی که سنت‌شکنی موجود است، نفع آن موهوم و ضرر آن متیقّن است.

حضرت سلطان‌العارفین قُدس‌سرّه از راهی دور به خدمت شیخی معـروف رسـیدند، دیدنـد که شیخ مذکور آب دهنش را به‌سوی قبله انداختنـد. حضـرت سـلطان‌العـارفین بـه راه خـود برگشتند و فرمودند: کسی که احترام قبله را در نظر ندارد، او صاحب قبلـه را چـه مـی‌شناسـد؛ گرچه قطب و غوث هم باشد، ما از او بیزاریم. مزید خیر است و التماس دعا دارم.

۲۳ جمادی‌الثانی ـ ۱۴۲۱ هـ.ق.

۱- در «گنجینهٔ دعا و اوراد» که «کنزالدارَین» جزو آن‌ست، ص ۲۹ الی ۳۱ می‌باشد.

مکتوب ۹۴۹

به فردی در پاسخ چند سؤال که پرسیده بود

(نوشته بود: ۱. کتب تصوف را مطالعه کردم، اما فواید بیعت را نیافتم لذا به کتابی سراغ دهید، ۲. آیا اوراد را می‌توان درحال تکلم ادامه داد یا این‌که وقتی درس دارم، در ساعتی دیگر بخوانم؟ ۳. بـرای دوستان دعا می‌کنم، ولی رنجم می‌دهند که به نظر خوب نگاه نمی‌کنند، ۴. گاهی برای دعوت بـه بعض جاها می‌روم، اما در منطقه اکثراً اهل بدعات‌اند و وقتی همگـام بـا آن‌هـا نباشـم، مـرا آن‌جـا نمی‌گذارند لذا راهنماییم بفرمایید. در دعاهای خصوصی برایم دعا کنید و حتی نام مرا ببرید).

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

۱. مکتوبات حضرت مجدد الف‌ثانی قُدس‌سرّه را مطالعه فرمایید.

۲. آری درحال تکلّم اگر اوراد را تمام کنید، اشکال ندارد و اگر در اوقـات مقـرر موفـق نشدید، در وقتی دیگر بخوانید.

۳. با خداوندکریم صادق باش و با دوستان با اخلاق شیوا و ملایمت زندگی کن، محبوب خواهید شد.

۴. با اهل بدعات با تدبیر و ملایمت بسازی، ولی بدعت نکن؛ گرچه به تبلیغ نگذارند. دیگر خیر است.

۲۳ جمادی‌الثانی ـ ۱۴۲۱ هـ.ق.

مکتوب۹۵۰

در جواب فردی در راهنمایی به چند مورد

(بنده مدت۸ سال است که مشغول تحصیلم، اما در این مدت نتواستم از آن‌چه خداوند به من داده استفاده کنم. همیشه می‌خواسته‌ام به مقام علم و معرفت برسم، اما این راه و مقصد را طی نکردم و ملّوث به‌گناه شدم. اساتید بزرگوار با أندرزها ما را مؤثر می‌کردند، ولی آن اثر از بین رفت. بارها آستین همّت را بالا می‌زدم، اما «نفس و شیطان زد کریما راه من». بزرگترین سدّ راه من فوتبال بود و نمی‌توانستم آن‌را ترک کنم، اما خداوند به من مرضی داد که پایم ورم کرد و جراحی شدم و فوتبال

را ترک کردم و این در واقع خیری بود. بنده می‌دانم راه را بدون مربّی و مرشد نمی‌توان طی کرد پس شما را به‌عنوان مربّی و مرشد انتخاب می‌کنم. الف) بهترین راه برای بدست آوردن اخلاص و علاج عُجب و محبت گناه چیست؟ ب) بهترین راه برای بدست آوردن محبت الله تعالی و رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم چیست؟ ج) برای طلبه إهتمام به دروس چه اندازه مهمّ است و به مطالعهٔ خارجی چه؟ د) آیا طلبه در زمان طلبگی مطالعهٔ کتاب خارجی داشته باشد و بهترین کتاب‌ها چیست؟ و) ما طریقهٔ خواستن و چی خواستن را نمی‌دانیم، هر نصیحتی شما پدر بزرگوار دارید بفرمایید).

فرزند عزیزم! السلام علیکم و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

عزیزم! به کوتاهی خود نظر نکنید؛ زیرا انسان همیشه در قصور و کوتاهی هست، اما از لطف ایزد منّان امیدوار باشید که رحمت او بسیار است. بازی‌های بی‌مورد همواره سدّ راه اهداف صحیح انسان می‌باشند و واقعاً این مرض برای شما یک نوع تذکر بوده است تا متوجه شوید.

الف) اخلاص به سه وسیله پیدا می‌شود:

۱. صحبت مخلصین.

۲. کثرت ذکر الله خاص به رضای خدا.

۳. کثرت تلاوت قرآن کریم.

علاج عُجب وغیره هم همین است.

ب) کثرت ذکر و صحبت کاملین و کثرت تلاوت و اتباع سنت و تبرّی از بدعت و اهل آن.

ج) اهمّ‌تر برای طلبه، إهتمام به درس و مطالعهٔ آن است. مطالعهٔ خارجی چندان مهمّ نیست.

د) آری! کتب عربی را هم مطالعه کند. بهترین کُتُب مطالعه، کُتُب تفسیر و شروح احادیث و کتب فقه و عقاید و تاریخ اسلام است و کُتُب تصوف و احوال اهل تصوف و سلوک.

و) تا می‌توانید به علمی که می‌خوانید، بر آن عمل کنید و نیت را به اخلاص صحیح کنید و از جماعت تبلیغی حصه بردارید و از اهل بدعات و صوفی‌های بدعتی و غیرمقلدین و مودودی‌ها خیلی بدور باشید. اوقات را به مطالعه و ذکر و تلاوت معمور دارید.

مشتی نمونهٔ خرواری است. «**خیر الکلام ماقلّ ودلّ**».

۲۵ جمادی‌الثانی ـ ۱۴۲۱ هـ.ق.

مکتوب ۹۵۱

در جواب شخصی در مورد راهنمایی به ذکر لطایف

(نوشته بود: این حقیر بر اثر سستی وکوتاهی در اعمال در مقابل شیطان و نفس امّاره مغلوب می‌شوم. در بدن و دلم اکثراً درد وکسالت هست و دکتر از روزه گرفتن منع کرده است. بیدار شدن برای تهجد مشکل شده است. روزی ۲۰۰۰ بار اسم ذات را ورد می‌کنم و در درس و مطالعه و از نظر سلامتی ضعیف‌تر می‌شوم. لذا در این مورد عددی را مشخص و بنده را راهنمایی بفرمایید. و اما چند سؤال: ۱. آیا یک طلبه مانند من می‌تواند صاحب نسبت شود؟ کدام نسبت و چطور؟ ۲. گاهی در یک حبس (نَفَس) ممکن است دو دقیقه طول بکشد و ۲۰۰ یا بیشتر «الله، الله» ورد شود، اشکال دارد؟ و زود و زود بر اثر تنگی نَفَس «الله، الله» چطور است؟ ۳. بعد از عصر یا شب‌های جمعه که به تبلیغ می‌رویم، آیا بعد از ذکر می‌توانیم دعای دست‌جمعی کنیم؟ اگر وقت بود، چه قدر و بر هر لطیفه چطور ذکر کنم؟).

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

خداوند سستی و کوتاهی شما را رفع و به ذکر خود موفق و سرگرم فرماید. به مشورهٔ دکتر عمل کنید. روزهٔ نفل چندان مهمّ نیست بلکه حفظ صحت بدن واجب و مهم‌تر از هر مهمّ است و اگر توفیق سحرخیزی نباشد، به همین نوافل بعد از نماز عشاء کفایت کنید.

در وقت مرض همین ۲۰۰۰ ذکر غنیمت است و ذکر را دو نوبتی کنید؛ مثلاً یک هفته نوبت قلب و یک هفته نوبت روح، روزی بر قلب یا روح. حد اقل ذکر سه هزار و حد متوسط شش هزار و اعلی نُه هزار؛ هر تعدادی که در توان شما باشد، بکنید.

۱. بسیاری از طلبه در زمان طلبگی صاحب نسبت شده‌اند؛ اگر توفیق خدا شامل حال باشد. صاحب نسبت بودن مهمّ نیست. نسبت‌ها، عطای الهی‌اند و به سعی حاصل نمی‌شوند. نسبت اکثر نقشبندی‌ها، نسبت احسان است که نسبت صحابه می‌باشد و آن‌را در اصطلاح‌شان «نسبت یادداشت» می‌گویند. [در این مورد] خلاصة التصوف را ببینید [و مطالعه کنید].

۲. هر قدر که در حبس نفَس ممکن باشد، همان مقدار از ذکر خوب است و زود هم

اشکال ندارد.

۳. دعا با دست‌جمعی در این مورد اشکال ندارد.

همان عدد که روزانه نوشتم، اگر در یک جلسه باشد یا چند جلسه، اشکال ندارد. شما بـه [روش] آسان‌تر [و فرصت] خود ببینید و در اوقات مختلف تقسیم کنید و التماس دعا دارم.

۲۵ جمادی‌الثانی ـ ۱۴۲۱ هـ.ق.

مکتوب ۹۵۲

در جواب فردی در راهنمایی به چند مورد که پرسیده بود

(نوشته بود: خوف غیر الله از زمان طفولیت تا الآن همراه من است. نمی‌توانم در خانـۀ تاریـک داخل شوم روز یا شب و می‌ترسم مبادا مار یا جنی بر من حمله کند. اگر کتاب یا مطلبی بخوانم، لرزه و ترس عجیبی داخل دلم می‌شود. قدرت و جرأت تکلم ندارم و حتی نمی‌توانم از حق خود دفاع کنم و دیگر این‌که سطح فکری‌ام کم است. خلاصه در این موارد مرا راهنمایی فرمایید).

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

عزیزم! غیر الله چه ارزش دارد؟!. غیر الله از انسان می‌ترسد نباید انسان از غیر الله بترسد. بعد از هر نماز سورۀ «ابابیل» (الم‌تر کیف) را یکبار بخوانید و بر سینه دم کنید، إن شاء الله این ترس نابود می‌گردد.

شما به ذکر الله ادامه دهید، این همه مشکلات شما إن‌شاء الله تعالی دور می‌شوند.

داروی هر مشکلی شد ذکر یار	**یار را با خود بخوان ترسی مدار**
داروی هر درد باشد ذکر دوست	**ذکر اورا جا بده در جان و پوست**
ذکر دلدارت رهانَد از مرض	**چون کنی ذکرش همه دم بی‌غرض**
مرهم هر ذکر باشد ذکر یار	**ذکر کن تا خود رسی با آن دیار**
غفلت از ذکرش بود چون سمّ مار	**می‌کَشد غفلت تو را با سوی نار**

من تو را پندی دهم ای دلبرم! یاد او کن ترس هر شیئی را برم

۲۵ جمادی‌الثانی ـ ۱۴۲۱ هـ.ق.

مکتوب ۹۵۳

به شخصی که درمورد علاج کبر و... پرسیده بود

(۱. بنده در هرکار؛ در سلام دادن، در وقت یاد داشتن درس و وقتی‌که ذکر کنم و روزه بگیرم و دیگری را ببینم که نمی‌کند، تکبرم می‌آید، ۲. در مورد خرید و مطالعهٔ کُتُب خارجی راهنماییم کنید که چه‌کتابی بگیرم؟ خصوصاً کتاب‌هایی‌که در آن‌ها سرگذشت بزرگان عرفان باشد، ۳. انسان و من در وقت ذکر «الله» در چه مورد فکر کند؟).

عزیزم! السلام علیکم و رحمة الله و برکاته؛ امابعد: نامهٔ شما را نگاه کردم.

۱. عزیزم! علاج کبر، خود را کم زدن و ناقص دانستن و تواضع را پیشه کردن و کثرت ذکر الله است.

۲. کتب تاریخ صحابه و جهادهای‌شان را و هم‌چنین تذکرة الأولیاء، نفحات‌الأنس، حضرات القُدس و سفینة الأولیاء را مطالعه کنید.

۳. در وقت گفتن لفظ «الله» این‌را در فکر خود بیاورد که الله تعالی ذات مقدس است که به او ایمان آورده‌ام.

۲۴ جمادی‌الثانی ـ ۱۴۲۱ هـ.ق.

مکتوب ۹۵۴

به شهنوازی در راهنمایی در مورد ذکر و حالات و تعبیر خواب

(نوشته بود: ۱. حالم بحمد الله بسیار خوب شده و امراض جسمانی و اندکی درونی درمان شده‌اند. روزه و ذکر به تعداد هشت و نُه هزار آسان شده و اکثراً مشغول ذکرم و هنگام راه رفتن و نشستن، قلبم مشغول ذکر است. شوق تلاوت و محبت اولیاء زیاد شده است. لرزه و تکان تندی درکنار لطیفهٔ قلب و روحم احساس می‌شود. و این از توجه و دعای شماست. ۲. خواب دیدم شما مرا به اتاق خود

بردید و در راه سگ سیاهی در تعقیب من بود و شما با عصـا آن‌را دور کردیـد و دوم مـرغ سـفید و بزرگی بالای سرم و در تعقیب و صید من بود، ۳. بسیار مایلم نزد شیخ محبـوبم مشـغول تحصـیل ظاهر و تهذیب اخلاق باشم، ولی اساتید نمی‌گذارند و دوم این‌جا نیاز به تبلیغ و متوجه کردن طلاب به عرفان و پاکسازی ذهن‌شان از افکار باطله هست، ۴. در مورد حلقهٔ ذکر اگر اجازه بدهیـد باعـث می‌شود طلاب به ذکر متوجه شوند و اثرات دارد).

از احقر محمّدعُمر مجدّدی خدمت عزیز محترم شهنوازی! شوق علمت زیاد باد.

السلام علیکم و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

نامهٔ شما رسید و شادمانی حاصل شد. حالات شما الحمد لله خوب شـده‌انـد مزیـد موفـق باشید. خداوندکریم به شما ذوق و شوق علم دین و معرفت و سنّت عطا فرماید.

عزیزم! گرچه من و تو از نهایت عرفان صحیح خیلی فاصله داریم، اما باید بکوشیم. **«ای بی‌خبر بکوش تا صاحب خبر شوی».**

همّت بلند دار که نزد خدا و خلق … باشد به قدر همّت تو اعتبار تو

به قول رومی:

اندرین ره می‌تراش و می‌خراش … تا دم آخر دمی غافل مباش

آن وقت شاید لطف خداوند کریم شامل حال گردد و به جایی برساند.

این سگ سیاه در خواب، شیطان ملعون بود و مرغ سفید و بـزرگ، علـم و عرفـان اسـت. موفق باشید.

بدون مشورهٔ اساتید این‌جا نیایید؛ زیرا اگر اساتید ناراض شوند، برکت علم شما باقی نمی‌ماند. ماندن شما آن‌جا برای طلبهٔ آن‌جایی و مسلمانان آن منطقه و خود مدرسه و برای بنده خیلی مفید و مصلحت است. البته زمانی که به کلاس اول یا دوم خارج می‌رسـید، اگـر بنـده در قیـد حیـات باشم، اگر این‌جا بیایید، مصلحت است و در تعطیلات ممکن است که بنده این‌جا نباشم.

۲. زمانی که حلقهٔ ذکر را برای شما مصلحت ببینم، خودم به شما اجازه می‌دهم الآن وقتش نرسیده است.

مزید التماس دعا دارم و به مدرسین کرام و طلبهٔ احوال‌پرسان سلام عرض است، والسلام.

۲۴ جمادی‌الثانی ـ ۱۴۲۱ هـ.ق.

مکتوب ۹۵۵

در جواب فردی در مورد تجدید سبق و...

(یکبار به‌دست مبارک شما بیعت کرده‌ام، ولی متأسفانه موفق به ذکر نشده‌ام لذا می‌خواهم تجدید بیعت کنم امیدوارم مرا بپذیرید و اصل این‌که شوق به ذکر ندارم، راهنماییم بفرمایید تا شوق بیشتری پیدا گردد و برای هدایت بنده و برادرم که مریض است، دعا کنید).

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

دو مرتبه برای تجدید سبق بیایید، اشکال ندارد شما در شبا روزی بـه هـر نحـو کـه باشـد، ۱۰۰۰ بار اسم ذات (الله) را با قلب خود ذکر کنید، کم‌کم به شما خود به خـود شـوق ذکـر و عبادت پیدا خواهد شد.

الله تعالی من و شما و همه را هدایت فرمایـد و بـرادر شـما را از مرضـش صـحت عاجـل و کامل عطا فرماید و از هر آفت و بلیه و مرض حفظ فرماید.

۲۸ جمادی‌الثانی ـ ۱۴۲۱ هـ.ق.

مکتوب ۹۵۶

در جواب فردی در مورد تجدید سبق و...

(۱. قبلا به دست مبارک شما بیعت کرده‌ام و اکنون می‌خواهم تجدید بیعت نمایم، ۲. برای دفع غرور و حسد، وردی به من نشان دهید. ۳. خواب دیدم نماز تراویح می‌دهم و در خواب دیگری دیدم سوار یک نهنگ بزرگ هستم و مرا به این طرف و آن طرف دریا بُرد و دوباره به جای اول آورد. ۳. دعا کنید خداوند بنده را یک عالم با تمام معنی و مخلص و همانند شما درد دین عنایت کند).

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

۱. برای تجدید سبق هر وقت فرصت دارید، بیایید و برای دفع غرور وغیره «**لاحول...**» را بسیار بخوانید و همیشه خود را از دیگران کمتر بدانید و همه وقت عیب خود را در نظر دارید و عیب دیگران را زیر پا بنهید.

۲. نماز دادن در خواب خیلی مبارک و سواری بر نهنگ شدن نیز بسیار خوب است.

۳. خداوند کریم شما را موفق گرداند و علم با عمل و اخلاص و با استقامت عطا فرماید و همانند بنده فردی بی‌کار نگرداند و همانند علمای ربانی فردی کاری و خادم دین بگرداند. مزید التماس دعا دارم.

۲۸ جمادی‌الثانی ـ ۱۴۲۱ هـ.ق.

مکتوب ۹۵۷

در جواب شخصی در مورد تعبیر خواب

(۱. خواب دیدم یک آبتابه در دست داشتم و وارد بیت‌الخلا شدم. در سوراخ دو مار باهم پیچیده و درحال جنگ بودند. از داخل سوراخ یک دهان بزرگ بیرون آمده و هردو را بلعید و فرو بُرد. وقتی بیرون آمدم به دنبال من افتاد و من فرار کردم. ۲. دیدم مولانا عبدالحمید با پسر کوچکش به خانهٔ ما آمده بودند. ۳. بعضی از دکتران قایل‌اند که افرادی نیز وجود دارد که قلب‌شان در سمت راست سینه قرار دارد. اگر راست باشد، آیا لطیفه‌ی قلب‌شان هم در راست است؟ یا چگونه؟ ۴. دایی‌زاده‌ام خواسته تا به اطلاع شما برسانم که در نماز خیال او به این طرف و آن طرف می‌رود. در آخر از شیخ‌الإسلام و قطب‌الإرشاد خواستارم حقیر و تمام امت را در دعاهای خود به یاد داشته باشید).

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ اما بعد: از مضمون نامهٔ شما باخبر شدم.

۱ـ این دستشویی خانهٔ اخلاق رذیلهٔ شما بود و گرفتن آبتابه و رفتن درآن، تصمیم گرفتن شما هست برای تزکیهٔ آن‌ها وآن دو مار باهم پیچیده، نفس و شیطان بودند و بزرگتر، نفس امّاره بود. آن صورت بلعندهٔ این هردو کمکی از روحانیات بود وآمدنش به دنبال شما به هدفی دیگر بود شما بی‌جا از او ترسیدی.

۲ـ آمدن مولانا صاحب اشاره به روحانیت فردی از سلسله بود.

۳ـ قلب هیچ فردی به جانب راست نمی‌باشد. این امر بـه اتفـاق جمهـور امـت اسـت و در حدیث هم به همین اشاره رفته است. اگر بالفرض چنین واقعه‌ای باشد پـس، شـاید از قـدرت خداوندی برای تحصیل عبرت، خرق عادت شده باشد.

۴ـ به دایی زاده‌ات بگویید که بعد از هر نماز صد بار «**لاحول...**» را بخوانید.

آینده در مورد القاب مبالغه نکن؛ مثل «شیخ‌الإسلام» و «قطب‌الإرشاد» وغیره بلکه با الفـاظ خیلی ساده بنویسید. مزید التماس دعا دارم.

۲۸ جمادی‌الثانی ـ ۱۴۲۱ هـ.ق.

مکتوب ۹۵۸

در جواب خانمی محترمه در مورد چند سؤال که پرسیده بود

(۱. آیا خوردن قرص یا زدن آمپول برای جلوگیری از بچه‌دار شدن که تمام زنان انجام می‌دهند و در تمام رسانه‌ها تبلیغ می‌شود، درست است یاخیر؟ ۲. در بانک پول می‌گذارند برای قرعه‌کشی، پول یا وسیله‌ای‌که در قرعه‌کشی می‌رسد، حلال است یانه؟ ۳. چند وقت است در تاریکی و در شب و در تنهایی می‌ترسم بنابر همین نمی‌توانم بیرون بروم ونماز تهجد بخوانم، چه کار کنم؟).

دختر محترمه‌ام! وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

نامۀ شما رسید و موجب شادمانی شد.

۱ـ مسألۀ حکم خوردن قرص یا زدن آمپول سه صورت دارد:

ـ به این خاطر و نیت این عمل را انجام می‌دهد که اگر بچه و فرزند بسیار باشند، تأمین رزق آن‌ها مشکل خواهد شد، در این صورت استعمال قرص و آمپول نادرست و در شرع مقـدس روا نیست بلکه انسان مجرم و مجازات خواهد شد.

ـ اگر به این خاطر قرص و آمپول استعمال می‌کند که زن مرض دارد و تحمّـل و توانـایی آوردن بچه ندارد یا خوف هلاکت دارد، در این صورت قبل از افتادن روح در بچه که مدت آن بعد از گذشتن چهار ماه بر حمل است، جایز است و بعد از دمیدن روح جایز نیست بلکـه

حرام است.

ـ (به این هدف و عقیده جلوگیری از باردار شدن می کند که) تربیت اولادِ بسیار و زیاد، مشکل است، در این صورت هم قبل از آمدن روح در بچه رواست و بعد از آن روا نیست.

۲ـ روا نیست بلکه در حکم قُمار و مَیسر داخل است.

۳ـ برای دفع ترس، هر شب سه مرتبه آیت‌الکرسی و یکبار فاتحه و چهار سورهٔ قُل ﴿قُلۡ يَٰٓأَيُّهَا ٱلۡكَٰفِرُونَ ، قُلۡ هُوَ ٱللَّهُ أَحَدٌ ، قُلۡ أَعُوذُ بِرَبِّ ٱلۡفَلَقِ، قُلۡ أَعُوذُ بِرَبِّ ٱلنَّاسِ﴾ را یکبار بخوانید و به هردو کف خود دم بزنید و بر تمام بدن خود بمالید. مزید التماس دعا دارم.

۲ رجب ـ ۱۴۲۱ هـ.ق.

مکتوب ۹۵۹

به طالب العلمی در مورد راهنمایی برای اصلاح اخلاق و دفع وساوس

(نوشته بود: از دست اخلاق رذیله‌ام رنج می‌برم، حواسم روی نماز، ذکر، تلاوت و ... جمع نیست، وقت بلند شدن از خواب تنبلی می‌کنم، در وقت ذکر نَفَس من بی‌اختیار از بینی خارج می شود و گاهی‌که لفظ «الله» را بر قلب ضرب می‌کنم، ضربه به قلب نمی‌رسد و بعد از ذکر دلم نرم نمی‌شود، افکارم بیرون از مدرسه است، از ماحول متأثر می‌شوم و اثر بد می‌گیرم و توفیق اعمال نمی‌یابم. موقعی‌که از خواب بیدارم می‌کنند، تنبلی می‌کنم و خلاصه در هر کار فکر می کنم و حوصله ندارم، اما به محض زنگ غذا حوصله‌ام می‌آید. بنده را در دعاهای خصوصی‌تان فراموش نکنید).

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

عزیزم! برای دفع وساوس و تنبلی، کثرت ذکر الله مفید است و دوم این‌که به دنبال وساوس نروید و آن‌ها را تحویل نگیرید و اگر بی‌اختیار بیایند، اشکال ندارد.

در وقت ذکر، رسیدن و نرسیدن ضربه به قلب لازم نیست. شما فقط ادامهٔ ذکر داشته باشید و بس.

الله الله بگو و بس است، ما سوی الله هوس است

دوام ذکر و توجه الی الله داروی هر مرض است

شما به‌کار خود مشغول باشید، إن‌شاء الله تعالی خداوند همه چیز را آسان می‌فرماید.

۲ رجب ـ ۱۴۲۱ هـ.ق.

مکتوب ۹۶۰

در جواب مولوی فرحمند در مورد چند مسأله

(۱. چه کار کنم که خوف غیر الله بر من غلبه نکند؟ چون طبعاً طوری شده که حتماً علیه رسومات عروسی‌ها و شرکیات و... صحبت کنم، اما مردم ناراض می‌شوند وگاهی ذهن به من تلقین می‌کند که خاموش باش، اما مگر می‌شود سکوت کنم؟! محتاج نصایح شما هستم. ۲. زید خانه یا مغازه‌ای دارد و به محمد به‌طور رهن می‌دهد و یک ملیون تومان قیمت می‌زند (منظور قیمت رهن سرا در طول یکسال می‌باشد) و بنابر عرف بازار چهار در صد در ماه بالا بودِ آن یعنی هر صد هزار، چهار هزار تومان بالا بودِ آن می‌شود. حالا اگر محمد قبول کند، باید همان وقت یک ملیون را بدهد و زید از آن پول استفاده می‌کند و محمد از خانه و بعد از پایان سال زید باید پول را تکمیل به محمد بدهد و محمد خانه را مسترد کند. آیا این معامله با مشکلاتی‌که امروز مردم دارند، جایز است یا خیر؟).

عزیز مکرم جناب مولوی فرحمند صاحب! السلام علیکم و رحمة الله و برکاته؛ امابعد: نامهٔ شما رسید و موجب شادمانی گردید. خداوند شما را حفظ فرماید.

۱ـ از کثرت ذکر الله و توکل علی الله، خوف غیر الله برطرف می‌گردد. در مورد امر بالمعروف سکوت روا نیست، اما کار را با ملایمت و اخلاق و تدبیر انجام دهید تا «نه سیخ بسوزد و نه کباب». مدارات در امر دین خوب است، اما فقط مداهنت نکنید.

آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است   با دوستان مروت با دشمنان مدارات

۲ـ این معامله جایز نیست و در این مورد هیچ مشکلی وجود ندارد و به مشکل‌های دنیوی، سود و رشوه حلال نمی‌شود. مردم چرا رهن ساده نمی‌گیرند؟؛ مثلاً زید بگوید من نیاز به یک

میلیون تومان دارم به من قرض حسنه بدهید و تا زمانی که پول شما را ندادهام، این منزل نزد شما رهن است و اجازه دارید آنرا به کسی دیگر به اجاره بدهید و پول اجاره هر قدر که بـه شـما می‌رسد، همان مقدار را بگیرید و مصرف کنید و از قرض خود قصر کنید.

مزید خیر است و التماس دعا دارم و شما را به خدا می‌سپارم.

۲ رجب ـ ۱۴۲۱ هـ.ق.

مکتوب ۹۶۱

در جواب خانمی محترمه در مورد چند مسأله

(۱. اگر مردی از راه حرام پولی بدست بیاورد و به زنش بدهد یا خرج خانه کند و زن نداند، آیا زن هم مرتکب گناه شده است؟ ۲. درس خواندن زن و انتخاب شغل بیرون از خانه مثل معلّمی و... چطور است؟ چون بعضی از مولوی‌ها می‌گویند نباید زن بیرون خانه سرکار باشد و بعضی می گویند این کار صحیح است؛ چون اگر ما معلم و دکتر زن داشته باشیم، دختران و زنان ما مجبور نمی‌شوند برای معالجه و تحصیل پیش مردها بروند. حضرت مولانا! اگر نامههای من آن طور که باید باشند نیستند، به بزرگی خود مرا ببخشید چون من هیچ وقت به بزرگی نامه ننوشته‌ام).

الهی غنچه‌ی امید بکشا گلی از روضه‌ی جاوید بنما

دختر محترمه‌ام خانم باوجود! وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

نامۀ شما رسید و شادمانی حاصل شد، موفق باشید. خانم قربانی و خویردی را هم به ادامـۀ نماز و تلاوت و ذکر و تحقیق مسائل تشویق کنید.

۱ـ در صورت ندانستن، زن مرتکب گناه نشده بلکه مسئولیت فقط بر شوهر می‌باشد.

۲ ـ درس خواندن و درس دادن زن در خانه و بیرون از خانه بـه شـرط رعایـت حجـاب و احتیاط از اجنبی‌ها؛ خصوصاً درس دینی جایز و رواست. البته بدون رعایت حجـاب، هـزاران خرابی در بر دارد و به شرط این که معلم زن یا محرم از مردان یا مرد بیگانه باشد، اما پشت پرده و با حجاب، جواز دارد.

از نوشتن مسائل کوتاهی نکنید. خط شما خیلی خوب و عبارت شما خیلی ساده هست در

آن هیچ نقصی نیست. شما را به‌خدا می‌سپارم و التماس دعا دارم.

۱۰ رجب ـ ۱۴۲۱ هـ.ق.

مکتوب ۹۶۲

در جواب گنجی در مورد ترغیب به ذکر و...

(نوشته بود: ۱. دو هفته قبل همراه دوستان برای زیارت شما به انزاء آمدیم اما متأسفانه سعادت نصیب نشد و ما دور افتادگان را نمی‌دانم از بهر چه به محرم‌خانهٔ اسرار راه ندادند شاید تقصیری سر زده باشد بالآخره با کوله‌باری از غم به زاهدان برگشتیم و گویا در فراق، لذت بیشتری است تا دیدار و وصل و ما به این راضی هستیم و با عشق و سوزمان می‌سازیم و می‌سوزیم. به امید روزی که وصل حقیقی صورت گیرد. ۲. مدتی است به لطف و توفیق خداوند متعال بعد از عصرها هر چند که مدتش کم باشد، به ذکر مشغول می‌شوم و اوقات دیگر در قلب و روح هم احساس ذکر می‌کنم، اما چیزی‌که مرا ناراحت کرده، حواسم متمرکز نمی‌شود و توجهم به ذکر نمی‌ماند ولی با وجود آن ذکر را ادامه می‌دهم آیا این نوع ذکر فایده دارد؟ ۳. از اشعار مولانا روم و دیگر بزرگان دیده می‌شود که انسان نباید خود و استعداد خود را نمایان کند تا وقتی‌که به پایهٔ کمال نرسیده باشد حال ما در تعطیلات که به منطقه می‌رویم آیا از صحبت و سخنرانی در مساجد و... خودداری کنیم یا این کار را ادامه دهیم؟ چون آن‌جا خیلی تبلیغ دین ضرورت دارد در این زمینه راهنمایی بفرمایید.

نی حور و قصور نی جنان می‌خواهم　　نی میوه و گل زگلستان می‌خواهم

دردی‌که دوای آن جز وصل تو نیست　　آن می‌خواهم همیشه آن می‌خواهم

از احقر محمّدعُمر مجددی خدمت عزیزم ملا ایوب گنجی حفظه الله! وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته.

۱ـ عزیزم! از نوشتن حرف بی‌سابقهٔ شما تعجب کردم که همراه دوستان جهت زیارت به انزاء آمده‌اید. عزیزم! اولاً عادت طول عمر بنده نبوده و نیست که زایر را تحویل نگیرم و سابقه‌ای در این مورد ندارم. ثانیاً دو هفته قبل بنده به انزاء اصلاً نرفته‌ام. شما که نامه را در تاریخ ۸ رجب نوشته‌اید، این روز خود جمعهٔ دوم رجب است و بنده در جمعهٔ اول رجب رفته‌ام که

یک هفته قبل‌تر از نامۀ شما هست نه دو هفته و درآن جمعه گروهی از علمای زاهدان و خاش و چند طلبه از لوتک زابل آمده بودند و بنده کاملاً با آن‌ها صحبت داشته‌ام و شما را ندیـده‌ام البته از ساعت ۹ تا ۱۱/۵ بنده به جنازه‌ای رفته بودم، شاید شما در همین دو ساعت و نیم آمده و برگشته‌اید، ولی بنده که آن‌جا نبوده‌ام، ملامت ندارم. یا ممکن است جنابعالی خوابی دیده‌اید و یا وقت نوشتن نامه سرگیجه بوده‌اید.

۲ـ در وقت ذکر تمرکز حواس شرط نیست؛ اگر باشد، بهتر و الا عیبی نـدارد کـه انسـان نگران باشد.

کار کـن کار بگذر از گفتار — کـاندرین راه کـار دارد کار
کار کن دام را از دست مده — هرچه آید بیاید از کـه ومـه

ذکر با همین حالت هم فایدۀ بزرگی دارد بلکه بساست که ذکر بی‌لذت و بـا پراکنـدگی حواس از ذکر با جمع و تمرکز حواس به درجه‌ها بالاتر می‌شود؛ زیرا در این، ندامت و عجز و شرمندگی هست که در این صورت ضربه بر نفس اماره می‌آید و در صورت عکس آن، حظّ نفس و خودی هست.

۳ـ به منطقۀ خود که می‌روید، از صحبت و سخنرانی دریغ نکنید، ولـی بـا حسـن تـدبیر و مدارات و ملایمت که نه سیخ بسوزد نه کباب. به قول حافظ شیرازی رحمه‌الله:

بـا دوسـتان مـروت با دشمنان مدارات — آسایش دو گـیتی تفسیر این دو حـرفست

شعر را بنابر مصلحتی تقدیم و تأخیر کردم.

۱۱ رجب ـ ۱۴۲۱ هـ.ق.

مکتوب ۹۶۳

در جواب کاشانی در مورد چند سؤال که پرسیده بود:

(چند سؤال در ذهن حقیر خطور کرده اگر در این باره مرا راهنمایی فرمایید، بر من منت نهاده اید. ۱. مرید چه وقت و چگونه تجدید سبق نماید؟ ۲. آیا مرید اجازه دارد ذکر لسانی نماید و اگر ذکر لسانی غالب باشد بر ذکر قلبی چه؟ ۳. اگر مرید بعد از بیعت مرتکب گناه صغیره یا کبیره شود

و بعد توبه نماید و به سنت پایبند باشد و قلب را ذاکر یابد و در مدرسه احکام و آداب را محترم داند، آیا قرب الی‌الله حاصل می‌نماید؟ ۴. کسی که به سن ۱۶ و ۱۷ سال برسد و هنوز محاسن او نروییده باشد، آیا می‌تواند امامت کند؟ ۵. چگونه انسان به‌کمال و رشد و اوج علمی و عملی نایل می‌تواند شد؟ ۶. بیان حالت خود با غیر مرشد خود با استاذ و مدرس و... صحیح است یانه؟).

عزیزم ملا کاشانی! وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

نامهٔ دستی شما خیلی دیر رسید. در ذیحجهٔ ۱۴۲۰ نوشته بودید، به تاریخ ۱۲ رجب ۱۴۲۱ به دست بنده رسید نمی‌دانم علتش چه بود. پاسخ پرسش‌های شما در زیر تحریر می‌شود:

۱ـ مرید وقتی که ذکر در سبقش جاری شد، آن وقت تجدید سبق کند. علامت جریان در خلاصة التصوف دیده شود.

۲ـ آری! می‌تواند و غلبهٔ ذکر لسانی از ذکر قلبی اشکال ندارد، اما ذکر قلبی افضل است.

۳ـ آری! بعد از توبه و این همه انابات، قرب الی الله او را میسر می‌شود؛ إن‌شاء الله.

۴ـ بعد از سن بلوغ برای امامت، بودن ریش ضروری نیست بلکه بدون برآمدن ریش امامت می‌تواند کرد. البته اگر شخص خوشگل باشد و امامی دیگر میسر شود، بهتر این‌ست که او امامت نکند.

۵ـ به توفیق خداوند کریم و سعی شرعی و مطالعهٔ کتب و اتباع سنت و تقوٰی و کثرت ذکر الله.

۶ـ بدون شیخ خود با کسی دیگر مناسب نیست؛ مگر با عالمی عامل و صالح و عاقل.

خواب شما خوابی مبارک بود. موفق باشید.

۱۱ رجب ـ ۱۴۲۱ هـ.ق

مکتوب ۹۶۴

در جواب یک طالب علم در مورد چند حالت و سؤالی که پرسیده بود:

(بنده پایبند اذکارم اما تپش احساس نمی‌کنم، ولی در آخر خوب احساس می‌کنم، بنده پر از عیب هستم، تواضع ندارم، گاهی به سبب بعضی چیزها کبر و غرور در دل پیدا می‌شود، بر سر یک مسأله با دوستان خیلی مخاصمه و مناظره می‌کنم، در نماز خشوع نیست، در خواندن قرآن حضور

قلب ندارم، اکثر شوخی و زیاد قهقهه می‌کنم، از خداوند متعال خودم را دور می‌بینم وگاهی ریا می آید و... امیدوارم در اصلاح این‌ها راهنمایی فرمایید. سؤال: آیا صحن مسجد در حکم مسجد است؟ نماز جنازه در آن و نشستن معتکف داخل آن چطور است).

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد: نامۀ شما رسید موفق باشید.

ذکر کنید که از برکت ذکر، نورانیت در دل می‌آید و این نواقص کم‌کم برطرف خواهند شد. اصلاح تمام نواقص، ذکر الله است. ذکر الله برای هر مرض معنوی، تریاک مجرّب است.

حیاط مسجد، حکم مسجد را دارد و در آن نماز جنازه نزد حنفیه مکروه و اعتکاف صحیح است. مزید التماس دعا دارم.

۱۴ رجب ـ ۱۴۲۱ هـ.ق

مکتوب ۹۶۵

در مورد تسلّی در هجوم حوادث دنیوی و راهنمایی در دفع آن

(بنده ۲ سال است مبلغی از کمیتۀ امداد وام گرفته‌ام و ضرر کرده‌ام و شانس بنده کم است و باید این وام‌ها پرداخت شوند و خرج سنگینی دارم لذا تقاضای دعای خیر دارم).

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

عزیزم! حوادث دنیوی بر انسان می‌آیند و می‌گذرند، خداوند کریم آخرت ما و شما همه را به خیر گرداند. اگر می‌خواهی در رزق و عمر و هر کارتان برکت بیاید، به نماز خود پایبند باشید و در تجارت خود راستی و راه حلال طلب کنید و این دعا را روزانه و اگر در روز نباشد در شب ۱۲۰۰ بار در یک نشست بخوانید و اول و آخرش ده ده بار درود هم بخوانید، به همه مشکلات شما کفایت می‌کند. دعا این است: «**یا بدیع العجائب بالخیر یابدیع**». برای بنده هم دعای خیر نمایید.

۱۷ رجب ـ ۱۴۲۱ هـ.ق

مکتوب ۹۶۶

در جواب جاویدان که از احوال خویش نوشته بود

(۱. در مراقبهٔ روح بودم، دیدم در محل روح ظرفی گلی بزرگ گذاشتند و دو نفر با موهای بلند آمدند و نگاه کردند، ۲. در مراقبهٔ روح در محل بالا رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم را دیدم عبایی زیبا پوشیده و عبا آمد در مقابل روحم رسید و شما سریع آمدید و در محل قلبم نشستید و فرمودید از کجا معلوم که مکر شیطان نباشد گفتم در هر نماز دو بار أعوذ بالله را می‌خوانم با گفتن این حرف عبای پیامبر مثل اول نورانی شد و یک دفعه از سر عصا بر لطیفهٔ روحم آمد و نصف بدنم را فراگرفت، ۳. در مراقبه بودم سه لیوان آب پرتقال از طرف پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وسلم در محل لطیفهٔ روحم آمد، ۴. در مراقبه می‌خواستم پیش پیامبر بروم، گفتند: با که می‌روی؟ گفتم با یک نفر دیگر، گفت: نمی‌شود، بعد هر دو تای ما را در سیخ کباب زدند و خواستند بفرستند بالا، ۵. در مراقبه دیدم کیسه‌ای خیلی سفید از طرف پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وسلم برای من فرستادند، ۵. در مراقبه چند شعاع از نور به‌طرف روحم آمد و... . التماس دعا و توجه دارم چون در اعمال کوتاهی می‌کنم و اعمالم خیلی کم است، اما به‌برکت توجهات شما احوالم خوب است و به خاطر این اعمال و گناهانم گریه‌ام سرازیر می‌شود. امیدوارم از من ناراحت نشوید و منتظر راهنمایی هستم).

از احقر محمّدعُمر مجددی خدمت عزیزم جاویدان! وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد: احوال شما همه مبارک کند.

عزیزم! به کار باطن خود ادامه دهید، هر جا که باشی با خدا باش. «**الله بس، ماسوی الله هَوَس**» و به این طریق در اذکار خود دوره کنید: بر لطیفهٔ اخفی ذکر کنید و همه لطایف را جمعاً به قُرب اسم ذات مشغول کنید و وقتی دیگر به ذکر سلطان الاذکار با نفس جمعاً متوجه شوید و گاهی چند لحظه در نفی و اثبات به نفی معبودیت و چند لحظه به نفی مقصودیت و چند لحظه به نفی موجودیت و چند لحظه به نفی مشهودیت و محبوبیت مشغول شوید و در وقتی دیگر به مراقبات به ترتیب و چون به درس خود برسید، دو سه روز توقف کنید در سبق خود و دو مرتبه از اول شروع کنید. مزید التماس دعا دارم.

۲۰رجب ـ ۱۴۲۱ هـ.ق

مکتوب ۹۶۷

در موضوع تعبیر خواب فردی

(۱. خواب دیدم دجال ظهور کرده بود و او را در مقابل خود دیدم. خواست دست به من ببرد من نگذاشتم بعد بیدار شدم و استغفار خواندم. ۲. گاهی در مراقبه می‌نشینم حالت ترس به من راه می‌دهد).

عزیزم! وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد: خداوند کریم شما را حفظ فرماید.

۱ـ خواب شما اشاره به آن است که ظهور این بدبخت قریب آمده است. **أعاذنا الله من شرّه.**

۲ـ هنگامی که به مراقبه می‌نشینید، سه بار آیت الکرسی را بخوانید و بر بدن خود دم زنید. به ذکر خیلی کوشش کرده و آن‌را ادامه دهید.

ذکر کن ذکر تا تو را جان‌ست   پاکی دل ز ذکـر رحمن‌ست

شما را به خدا می‌سپارم.

۱۷ رجب ـ ۱۴۲۱ هـ.ق

مکتوب ۹۶۸

در مورد راه اصلاح اخلاق و عصبانی شدن و دوری از سستی در اعمال

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

خداوند کریم شما را علم با عمل و اخلاص و استقامت نصیب فرماید و یکی از خدّام دین مبین با قبولیت بگرداند.

برای همه امراض که نوشته‌اید، بعد از هر نماز ۵۰ بار «**لاحول...**» را بخوانید، امید است که این نواقص اصلاح می گردند.

کتابی جدید نیامده است که برای‌تان بفرستم.

۲۰ رجب ـ ۱۴۲۱ هـ.ق

مکتوب ۹۶۹

در جواب فردی در مورد راه علاج و داروی بواسیر

(بنده به مرض بواسیر مبتلا هستم و قبلاً خون‌ریزی داشته و الآن خون‌ریزی بند شده و به دکتر هم مراجعه کرده‌ام دکتر می‌گوید این بیماری سه قسم است و بیماری تو قابل علاج نیست).

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

عزیزم! این مرض اگرچه سه قسم است، اما هر سه قسمش قابل علاج است. دکتر دروغ گفته است که علاج ندارد.

شما هر شب یک دانه نمک غذایی بخورید و بعد ازآن یک قاشق غذاخوری از روغن زیتون بخورید و سر صبح قبل از میل چای به مقدار یک دهن تنباک از سیاه دانه و بعد از ناهار به مقدار یک دهن تنباک از مغز شریش ساییده همراه آب میل کنید، إن‌شاء الله تعالی صد در صد فایده می‌بینی و اگر [فایده و اثری] ندیدی بنده را بعد [از استفادۀ] یک ماه [از این داروها] معلوم کنید.

به اذکار لطایف خود و به قدر طاقت و فرصت خود متوجه باشید و از غفلت دور شوید. مزید التماس دعا دارم.

۴ شعبان ـ ۱۴۲۱ هـ.ق

مکتوب ۹۷۰

در موضوع تعبیر خواب یک مولوی صاحب

(۱. در هر چند شب خواب می‌بینم مسافر هستم برای ادای حج اما از این‌که موفق شوم، خبری نیست. ۲. خواب دیدم به کوه‌ون آمدم شما از خانه بیرون تشریف آوردید گفتید: بیا پشت سر من. بنده پشت سر شما با سرعتی بیش از حد بالای کوه‌ها رفتیم ولی متأسفانه تا آخر نتوانستم همراه شما باشم و نمی‌دانم انجام سفر چه شد).

مکرمی جناب مولوی صاحب! زاد فضله السلام علیکم و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

خواب دیدن تصمیم برای سفر حج و ادای مناسک آن، اشاره به مقامات سلوک است. گویا سالک هم مصمّم به هدف نهایی خود است؛ همان‌طور که حاجی برای ادای مناسک مصمّم تکمیل اهداف خود است.

خواب دوم شما خیلی مبارک است. عروج بر کوه‌ها، عروج بر مقامات سلوک است. همین که به همراهی (من) به سرعت می‌رفتید، مبارک باد. امید است که به بالا هم برسی. موفق باشید. ای عزیزم!:

کار کن کار بگذر از گفتار   کاندرین راه کار دارد کار

۴ شعبان ـ ۱۴۲۱ هـ.ق

مکتوب ۹۷۱

به شخصی در پاسخ به چند سؤال که پرسیده بود

(۱. اگر کسی یک تلویزیون یا عکاسی داشت و بعداً از حکم آن اطلاع یافت، حالا تلویزیون را بفروشد یا بشکند؟ ۲. بعضی بعد از وتر دو رکعت نفل می‌خوانند و ثواب را برای (سیده) عایشه رضی‌الله‌عنها می‌بخشند، التزاماً چطور است؟ و می‌گویند ایشان شفاعت ما را می‌کند. ۳. در بین مردم مروج است که در نماز تهجد دو رکعت اول ۱۲ بار سورهٔ اخلاص و در رکعت دوم ۱۱ بار می‌خوانند و همینطور کم می‌کنند تا آخر یکبار می‌خوانند، اینطور افضل است یا چه؟ ۴. جماعت تبلیغ به این نحو که امروزه هست سنت است یا مستحب؟ و این‌که می‌گویند سال و چهار ماه و چهل روز بروید و در هفته یکبار گشت و روزی دو تعلیم کنید، اعتراض می‌کنند این روش‌ها از کجا و از چه کسی تقلید می‌شود؟ ۵. یک طالب علم عروسی می‌کند و در آن سخنرانی می‌شود و خرافات وجود ندارد، اما به هر حال اسراف در خرج و ... هست، چطور است و شرکت کردن در آن جایز است یانه؟ ۶. نشسته بودم اعتراض شد که مردم می‌گویند چهل روز اراده دارم برای تبلیغ در حالی‌که یک ساعت هم تشکیل نمی‌شود و اراده هم ندارد، آیا برای این شخص دروغ نوشته می‌شود؟).

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ اما بعد:

۱. آن‌را بفروشد و پولش را بخورد یا صدقه کند؛ هردو صورت جایز است.

۲. خواندن این نفل به این هدف و إلتزام ثابت نیست و خلاف شریعت است. البته اگر بدون إلتزام فقط به نیت ثواب بخواند، جایز است.

۳. این طریق در نماز تهجد جایز است، ولی افضل آن است که گاهی سوره‌های مختلف اگر یاد دارد، بخواند و گاهی به همین طریق بخواند.

۴. جماعت تبلیغ به این قیود و نحوه نزد بعضی مستحب و نزد بعضی مباح است البته اصلاح نفس فرض یا واجب است به هر نحو که باشد. بدعت گفتن آن صحیح نیست؛ زیرا اصل تبلیغ و صورت جماعت از احادیث صحیح ثابت است و عموماً فرض کفایه می‌باشد و در زمان نبی‌اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم بوده است؛ گرچه به این قیود و شرایط نبوده است، اما این قیود چون إحداث در امر دین نیستند، اشکال ندارند.

۵. عروسی به این هیئت خلل ندارد البته همان اسراف ناجایز است و شرکت نکردن اولیٰ‌تر است و اگر شرکت کرد، اشکال ندارد.

۶. وقتی‌که با زبان می‌گوید و نیت هم داشته باشد، ثواب نیت به او می‌رسد و اگر نیت نداشته باشد، ثواب نمی‌رسد، ولی دیگران حق اعتراض ندارند.

۵ شعبان ـ ۱۴۲۱ هـ.ق

مکتوب ۹۷۲

در موضوع تشویق به توبه و دوری از ناامیدی

(نوشته بود: بنده از سراوان و از خانواده‌ای مذهبی می‌باشم. تا قبل از دانشگاه پایبند به تمام واجبات و فرایض و... بودم. چند سال است که غرق در امور دنیوی و غافل از یاد خداوند متعال و اسیر وساوس شیطان و انسانی خودپرست و مغرور و از طرفی ضعیف النفس وکم‌اراده هستم، ولی باوجود این به خزاین رحمت خداوند متعال معتقد و در هر امور توکّلم بر خدای عزوجل بوده است. اکنون به لطف صاحب هستی روزنه‌ای در قلب سیاه من و میل عبادت و ذکر پدیدار شده است امیدوارم حقیر را از راه دور به شاگردی و مریدی خود قبول فرموده و راه حقیقت و طریقت را بنمایانید و راهنمایی‌ام فرمایید و اذکار و اورادی تعیین نمایید. ضمناً سؤالی دارم: آیا برای ادای زکات اسماء الله و آیات صورت چلّه‌کشی و حصارکشی پیش می‌آید یا خیر؟ اگر صلاح دانستید، طریقه‌اش را شرح دهید).

عزیزم...! السلام علیکم و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

عزیزم! بنده هر قدر که مقصّر و مجرم باشد، اما زمانی که توبه کرد و به‌جانب رحمن و رحیم متوجه شود، رحمت خداوندی او را استقبال می‌کنند لذا من و تو هر قدر که مجرم باشیم، بازهم از رحمت‌های بی‌پایان کردگار جلیل ناامید نباشیم.

صد بار اگر توبه شکستی باز آ — باز آ باز آ هر آن چه هستی باز آ

گر کافر و گبر و بت‌پرستی باز آ — کین درگه ما درگه ناامیدی نیست

الآن شما بعد از هر نماز ۲۰۰ بار ذکر «الله» بکنید و در رسالهٔ «کنزالدارین» بنده، ص۱۷ ادعیه و اذکاری مرتب نوشته‌ام آن‌ها را به مقدار فرصت معمول کنید؛ تا روزی که به بنده برسید، آن وقت دست به دست شما را مرید می‌کنم إن‌شاء الله تعالی.

طریق زکات کشی و... را کنار بنهید.

۶ شعبان ـ ۱۴۲۱ هـ.ق

مکتوب ۹۷۳

به‌فردی از جناح در راهنمایی به دارو برای لکنت زبان

فرزند عزیزم! السلام علیکم و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

زمانی بود که بنده طبابت می‌کردم، اما امروزه از کثرت مشاغل برای کار و بارهای طبی فرصتی ندارم. البته جنابعالی را یک راهنمایی طبی می‌کنم، اگر موفق شدید، خدا را شکر کنید و اگر موفق نشدید، به خداوند کریم اعتماد و صبر کنید و برای آخرت ذخیره کنید.

نسخهٔ دارو: «کَرَنْجُوَه» دارویی هست که در عطاری‌های پاکستان به همین نام مشهور است و از کراچی پاکستان آن‌را پیدا و دریافت کنید. از آن به‌مقدار ۸ توله بگیرید و پوستش را جدا کنید و مغزش را بگیرید و آن‌را خوب بکوبید و در ده توله آب لیمون خوب حل و یک جان کنید. بعد، روزی سه وقت یکی وقت صبح قبل از میل چای و بعد از نماز ظهر و شب قبل از خواب مقداری از آن گرفته مضمضه کنید و تا یک و دو دقیقه در دهن خود حرکت دهید. این عمل را تا ۲۰ روز (ادامه دهید) و تا زمانی که این دارو را استعمال می‌کنید، در شب غذایی

بخورید که در آن روغن حیوانی یا نباتی و هم فلفل سیاه در آن باشد تا دهن و زبـان سـوزش پیدا کند. **الله هوالشافی.** التماس دعا دارم.

۶ شعبان ـ ۱۴۲۱ هـ.ق

مکتوب ۹۷۴

در مورد راهنمایی دعا برای دفع غم و همّ

(نوشته بود: من انسانی بی‌اراده و خودپرست هستم که مانند شاخه‌ای شکسته و نازک در رودخانه‌ای قرار گرفته‌ام که امکان دارد در قعر نیستی فرو افتد یا آن‌که فرو افتاده ولی خود خبر ندارد. موجودی ظاهربین، خجالتی، بی‌ایمان و ترسو هستم که از هر طرف راه را برای خود بسته می‌بینم. حال که از صمیم قلب دست نیاز بر آستان حق برآورده‌ام و اسبابی فراهم شد که با نام و نشان شما بندهٔ حقیقت‌جو آشنا شدم، جرقهٔ امیدی بر دلم افتاد تا شاید ذره‌ای از خوان نعمت آن بزرگوار نصیب من شود. ملتمسانه و عاجزانه تقاضا دارم تا خواسته‌ام را بی‌پاسخ نگذارید و راه رهایی از رنج و وسوسهٔ نفس و حصول یقین یا دعا و... اگر صلاح می‌دانید به این حقیر بیاموزید جهت رفع غم و زدنده شدن دل).

فرزند عزیزم...! السلام علیکم و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

نامهٔ شما رسید و ملاحظه کرده شد. عزیزم! بنده یک فرد خیلی ناچیزم، اما مسلمانان فقـط حسن ظنّ بدون تحقیقی دارند. به قول رومی رحمه الله:

هرکسی از ظن خود شد یار من   از درونُم کـس نجُست اسرار من

عزیزم! در حق نفس خود خیلی کوتاهی نوشته‌اید. عزیـزم! خـود را وگناهـان خـود را در جنب رحمت خداوند کریم چیزی تصور نکنید؛ زیرا «کمر کوه کم است از کمر مور». این‌جا بنده هر قدر که مجرم باشد، باید امیدوار رحمت او باشد.

عزیزم! برای دفع تمام غم و اندوه و مشکلات دینی و دنیوی به خداوند رحیم رجوع کنید.

آری! این سه دعا را برای همه مشکلات به شما می‌نویسم اگر فرصت یاری کنـد، عمـل پیرا باشید:

۱ـ صبح و شام «**لاحول...**» را ۲۰۰ بار بخوانید.

۲ـ «**یاخفِیَّ اللُّطْفِ أدرِکْنِی بلُطفِک الخفیّ**» را هر صبح ۲۰۰ بار و هر شب ۱۰۰ بار بخوانید.

۳ـ «**یابدیع العجائب بالخیر یابدیع**» را در ساعت‌های ۸ و ۹ یا ۱۰ ۱۲۰۰ بار بخوانید، همه مشکلات را کفایت می کند.

۶ شعبان ـ ۱۴۲۱ هـ.ق

مکتوب ۹۷۵

در مورد دفع اشتباه در برداشت از کلام اهل تحقیق و تصوف

(بند همیشه مترصدم تا کجا نشانی از اهل دل بیابم، از خرمنش خوشه‌چینی کنم. اخیراً اطلاع حاصل نمودم که منطقهٔ ایرانشهر به وجود نورانی شما منوّر می‌باشد، بر آن شدم که به وسیلهٔ نامه عرض ارادت نمایم. عقایدی دارم که مجملاً می‌نویسم و شما دیدگاه‌های خویش را ارسال فرمایید. جناب مولانا در مثنوی می‌فرماید:

**تا کـه بی رنگی اسیر رنگ شد		موسئی با موسئی در جنگ شد**

**رنگ را اگـر از میان بـرداشتی		مـوسی و فـرعون دارند آشـتی**

یا حضرت شمس تبریزی می‌فرماید: «**دوستان داریم در دیرها و کلیساها و معابد و...**»

یا حضرت غزالی می‌فرماید: «سالک و طالب حقیقت می‌باید توحید و نبوت را بگیرد و خود را در پیچ و خم تعصبات مذهبی نیندازد» و یا از حضرت منصور پرسیدند: مذهب شما چیست؟ فرمود: هیچ مذهبی اختیار نکرده‌ام، از مذاهب آن‌چه سخت‌تر یافتم، بر نفس خویش تحمیل نمودم، و نمونه‌های فراوان دیگر. با توجه به مطالب فوق که بر زبان اولیا جاری شده و حقیر خود را در بین فرقه‌های مختلف رفت و آمد دارم و نیز بر اساس و ارادات قلبی به این نتیجه رسیده‌ام که پیروان تمام مذاهب و ادیان توحیدی اهل نجات هستند و فی‌المثل برای خداوند متعال فرقی ندارد که کسی با دست باز یا دست بسته نماز بخواند و... اصل کار روح توحید و یکتاپرستی است که در تمام مذاهب آسمانی وجود دارد.

**هرکس به زبانی صفت وحمد تو گوید		بلبل به غزل‌خوانی و قُمری به ترانه**

در قرآن کریم نیز می‌فرماید: «از صابئین و یهود ونصاریٰ هرکس که موحد باشد، اهل نجات است». من معتقدم تعصب و سخت‌گیری خامی است البته در بین فرقه‌های مختلف به اشخاصی

برخورد نموده‌ام که به‌درجهٔ کشف و شهود و اتصال و ارتباط با عالم غیب رسیده‌اند و متأسفانه همدیگر را انکار می‌کنند و جملگی نیز به‌دنبال یک هدف هستند. ظاهراً مولانا الیاس نیز بر این عقیده بود و انسان‌ها را در پیش حق تعالی برابر می‌دانسته‌اند. بنده بر مذهب شافعی هستم و در بیعت مرحوم شیخ حسام‌الدین نقشبندی اما خوشبختانه فاقد هرگونه تعصب و تنگ‌نظری بودند و از اهل‌تشیع افرادی به بهرهٔ معنوی رسیده‌اند. یکی از اساتید و عُرفای خاور دور بنام استاد پوریجی دربارهٔ ذات حضرت ربوبیت می‌گوید: «آیا ممکن است هریکی از هندوها، یهودی‌ها، مسلمان‌ها و... جداگانه خدایی داشته باشند؟! در عالم تنها یک خدا هست و عمومی و عالمگیر و برای همه و اصل راهنما و رهبر لایتناهی و الهی و نور مرکزی این اصل خدا نام دارد. خدا یک خدای فردی و مستقل که برای اشخاصی مخصوص در نظر گرفته شده، نیست، خدا همگانی و عالمگیر است و...». آیا سخنان این استاد ـ به‌ظاهر بودایی مذهب ـ ترجمان کلام مولانا (در شعر فوق) نیست؟ آیا مذاهب توحیدی مغز و مفهومی یکسان ندارند که فقط رنگ ظاهر بین آنان اختلاف افکنده و مگر غیر از این‌ست که در فرهنگ قرآنی هم به یکی بودن مذاهب و اتحاد جمیع انبیا تصریح شده است؟! و ایضاً حضرت مولانا رحمه‌الله می‌فرماید:

پیش بی‌حد هرچه محدود است لاست ‌‌‌‌‌‌‌‌‌ کل شیئ غیر وجه الله فناست

کفر و ایمان نیست آن‌جایی که اوست ‌‌‌‌‌‌‌ زانکه او مغز است و این دو رنگ و پوست

نمی‌دانم چرا اهل تصوف و روندگان، این پیام‌های واضح و روشن را نمی‌شنوند و غرق در تعصبات و قشری‌گری‌های عامیانه هستند؛ با تنگ نظری که غیر خود را انکار می‌کنند؛ حال آن‌که کفر و ایمان پوست و رنگ است. این بود مختصری از عقایدم، علی أی حال منتظر نظرات مبارک شما هستم).

فرزند عزیزم! السلام علیکم و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

عزیزم! آن‌چه از وصف احقر به‌گوش گرامی شما رسیده است، حقیقتی ندارد. فقط این شهرت عوامی است وگرنه «**من آنم که خود دانم**» و طبق مقولهٔ عربی: «**إن تسمع عن معیدی خیر من أن تراه**».

و به قول سعدی رحمه‌الله:

طاؤس را به نقش و نگاری که هست خلق ‌‌‌‌ تحسین کنند و او خجل زپای زشت خویش

بنده به‌جای اهل دل بودن، اهل تنم. فقط این قدر هست که یکی از (...) خواجگان نقشبندم

رحمهم‌الله تعالی. وجود احقر چه برسد به‌این‌که دیگران را نورانی کند، تا به‌حال از چادر ظلمانی خودش قدمی بیرون نیاورده است.

من آن خاکم که ابر نوبهاری   کند از لطف بر من قطره باری

عزیزم! آن‌چه از کلام اولیاء در موضوع عدم تعصب و توسعهٔ نظریات نقل فرموده‌اید، صحیح است اما:

چو بشنوی سخن اهل دل مگو که خطاست   سخن شناس نه ای دلبرا! خطا این جاست

عزیزم! این صحبت‌ها و حرف‌هایشان مناسب مقام آن‌ها بوده نه مناسب مقام من و تو. به قول رومی رحمه‌الله:

کار پاکان را قیاس از خود مگیر   گر چه باشد در نوشتن شیر شیر

شیر آن باشد که مردم می‌خورد   شیر آن باشد که مردم می‌خورند

عزیزم ولایت سه مرحله دارد:

۱ـ در مرحلهٔ مبادی تا ولایت کبریٰ او را مقید شدن به شرع مقدس در قول و فعل و حال لازم و اتباع سنت فرض می‌شود وآن زمان ایشان از أغیار خیلی احتیاط و فرار می‌کنند مثل گوسفند از گرگ و در این مرحله گرچه متعصب نیستند، ولی سخت متصلّب‌اند.

۲ـ در مرحلهٔ دوم تا این‌که به ولایت علیا برسند، نظرشان وسیع‌تر می‌شود. این وقت می‌گویند هم‌چنان‌که اقبال رحمه‌الله می‌گوید:

زهره و ماه و مشتری از تو رقیب یکدیگر   از پی یک نگاه تو کشمکش تجلیات

و در مرحلهٔ نهایی نظرشان سریع‌تر و وسیع‌تر می‌گردد و همه آفاق و أنفس را وابسته به مظاهر صفات الهی می‌بینند و نظرشان از کم و کیف و لِمّ و إنّ کاینات و مکوّنات برتر می‌افتد. کفر و اسلام و حق و باطل را در یک رشتهٔ بسته می‌بینند و در این وقت می‌گویند:

به چشمان دل مبین جز دوست   هر چه بینی بدان که مظهر اوست

ما مقیمان کوی دلداریم رُخ به دنیا و دین نمی آریم
بلبلان کز قضا و قدر اوفتاده جدا ز گلزاریم

امیر خسرو رحمه الله می گوید:

کافر عشقم مسلمانی مرا در کار نیست هر رگ من تار گشته حاجت زنّار نیست
ما غریبان را تماشای چمن درکار نیست داغ های سینهٔ ما کمتر از گلزار نیست

ایشان بعد از مرگ بر سر تخت غسّال گویند این شعر را سروده است:

جان زتن بُردی و در جانی هنوز دردها دادی و درمانی هنوز
قیمت خود هر دو عالم گفته ای نرخ بالا کن که ارزانی هنوز

خلاصه عزیزم! این حرف‌ها بالاتر از مقام من و تواند. بنده تا به حال به مرحلهٔ اول نرسیده‌ام لذا تا حال تصلّب دارم؛ گرچه از تعصب بیزارم شما اختیار دارید. البته برای من و تو این شعر شیرازی اندرزی است:

دور است سرآب درین بادیه هوشدار تا غول بیابان نفریبد به سرابت

در پایان شما را به خدا می‌سپارم و التماس دعا دارم.

۸ شعبان ـ ۱۴۲۱ هـ.ق.

مکتوب ۹۷۶

در راهنمایی به طریق ذکر و اقسام آن

(ما عده‌ای از جوانان تربت‌جام در مورد ذکر بالجهر استفتاء می‌نماییم که شب‌های جمعه در جوار مزار شیح احمد جام مشغول به ذکر جهری و درود و... می‌شویم وگاهی دو رکعت نفل یا چهار رکعت صلاة التسبیح با جماعت می‌خوانیم و چون عده‌ای از صوفیان بی‌علم همه شب جمعه در این مکان مشغول به ذکر جهر و مزاحم همسایگان می‌شوند، لذا عده‌ای از علمای کرام دیوبند ما را به سوی شما راهنمایی نموده‌اند لذا این مسأله را توضیح دهید).

فرزندان گرامیم و فرزندان اسلام! السلام علیکم و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

نامۀ گرامی جنابعالیان رسید. جواب استفتاء را در زیر ملاحظه فرمایید:

بدانید که ذکر در شرع مقدس اولاً بر دو قسم است:

۱) ذکر خفی، ۲) ذکر جلی (جهری).

باز ذکر جهری هم بر سه قسم است:

۱) جهر ادنا، ۲) جهر متوسط و۳) جهر مُفرط.

جهر ادنا آن‌ست که صدای ذکر را خودش وکسی که درکنار او نشسته است، بشنود و صدایش به این طرف وآن طرف منزل نرسد.

جهر متوسط آن‌ست که صدای ذاکر در داخل همان خانه که ذکر می کند، به این طرف وآن طرف برسد.

جهر مفرط آن‌ست که صدایش به بیرون از منزل و خانه و دور می‌رسد.

حکم هریکی: ذکر خفی بالإصالة از همه اقسام افضل است و در چهار مذهب و در تمام سلاسل طریقت شرعاً و عرفاناً جایز و به‌حکم قرآن و حدیث مرغوب و برای آن ترغیب و تشویق شده است.

جهر ادنا و جهر متوسط هم به إتفاق قرآن و حدیث و مذاهب اربعه و تمام سلاسل؛ از نقشبندیۀ مجددیه، چشیته، قادریه و سهروردیه و شاذلیه، طیفوریه، علائیه، اویسیه، شطاریه، دیوبندیه، بریلویه و نجدیه همه جایز و خوب است. البته فقط اختلاف در جهر مُفرط است که نزد حنفیه، نقشبندیه، مجددیه و دیوبندیه بدعت و مکروه است؛ مگر در زمان تعلیم شیخ؛ بدین صورت که شیخ او را به جهر تعلیم می‌دهد و او از زبان شیخ می گیرد. پس شخص بعد از تعلیم شیخ، جهر مفرط را ترک و ادنا و متوسط را اختیار کند. البته اگر کسی بی‌اختیار شد و در عالم جذب به إفراط رفت، گنجایش دارد. و نزد قادریه، چشتیه، شاذلیه و سهروردیه ذکر به جهر مفرط گاه وقتی گنجایش دارد نه در جمیع اوقات. البته ذکر جهر با اجتماع نزد حنفیه و نقشبندیه و دیوبندیه عموماً بدعت و مکروه است.

خواندن نوافل غیر از تراویح؛ هرچه باشند، با جماعت و إعلان مکروه و بدعت است و

ذکر جهر به‌حدی که برای همسایگان یا ذاکر دیگر و... مزاحم باشد، نیز به إتفاق مکروه است.

۹ شعبان ـ ۱۴۲۱ هـ.ق.

مکتوب۹۷۷

در راهنمایی شخصی دربارۀ رفع یک مشکل

(مدتی است که شب‌ها در خواب می‌بینم که گربه‌ای است به بدنم می‌چسبد و بدنم را می‌خراشد و جیغ می‌زند و من هم از ترس آن جیغ می‌زنم و بلند می‌شوم و خانواده‌ام هم بلند می‌شوند و این مشکل همه‌ی ما را نگران کرده است. دعاها و سوره‌ها خوانده‌ام و با وضو می‌خوابم و...، اما ویل‌کن نیست وگاهی وقتی برای خواب دراز می‌کشم و برق را خاموش می‌کنم یکدفعه یک سنگینی بر بدنم می‌آید با آن‌که بیدارم ولی نمی‌توانم حرکت کنم و...).

بنام آنکه نامش حرز جان‌هاست   ثنایش جوهر تیغ زبان‌هاست

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

عزیزم! برای این مشکل که نوشته‌اید، یک راهنمایی می‌کنم اگر موفق شدید، امید است که این مشکل از شما دور شود وآن این‌که قبل از خواب سورۀ فاتحه را سه بار، آیت الکرسی را سه بار، آخر سورۀ بقره از ﴿ءَامَنَ ٱلرَّسُولُ بِمَآ أُنزِلَ إِلَيۡهِ مِن رَّبِّهِۦ﴾ را یک بار، اول سورۀ «حم مؤمن» تا ﴿إِلَيۡهِ ٱلۡمَصِيرُ﴾ را سه بار، آخر سورۀ حشر از ﴿لَوۡ أَنزَلۡنَا هَٰذَا ٱلۡقُرۡءَانَ ...﴾ را یک بار، سورۀ طارق را یک بار، چهار سورۀ قُل هریک را سه سه بار وآیات حفظ که در «شفاء الأسقام» نوشته‌ام همه را یک بار بخوانید و به هردو کف دست خود دم زنید و بر تمام سر و رُو و تمام بدن بمالید و هم‌چنین اسم حضرت عمر فاروق رضی الله عنه را (با انگشت) بر سینۀ خود بنویسید. اگر بعد از این بازهم چیزی دیدید، بنده را معلوم کنید. ممکن است که این یک جنّ باشد که با شما محبت یا عداوت دارد.

۹ شعبان ـ ۱۴۲۱ هـ.ق.

مکتوب ۹۷۸

به شخصی در مورد تعبیر خواب و جواب چند مسأله

(۱. خواب دیدم گویا همسرم که به تازگی ازدواج کرده‌ام، دختر شما بود و سه سبق گرفته بود از شما ولی از من مخفی می‌کرد. ۲. یکی از حالاتم این است که وقتی کتابی از تألیفات شما مطالعه می‌کنم و یا نامه می‌نویسم، قلبم به شدت حرکت می‌کند و لطیفهٔ قلبم اکثراً مشغول است، آیا نیازی به تجدید سبق دارم؟ ۳. خواب دیدم حضرتعالی برای مأموریتی خاص که پوشیده کرده بودید، در شهر خُنج آمده بودید. من فقط این قدر دانستم که یک طالب همراه آورده بودید و می‌خواستید او را به جایی خاص بسپارید تا تعلیم ببیند. (آن‌جا شهری است که همه اهل‌سنت هستند و در قدیم اهل طریقت زیاد بوده و هنوز اندکی هست) ۴. راجع به آن ولیّ بزرگ که همیشه ذهن و فکر مرا مشغول کرده و او را ندیده‌ام، راهنمایی بفرمایید که روز به روز طاقتم کمتر و شوق به او بیشتر می‌شود. به هر قیمتی‌که باشد، می‌خواهم به‌آن‌جا برسم ۵. در بعضی از مناطق ما مانند گذشته شب‌های جمعه بعد از نماز عشا بلند و دست‌جمعی ذکر می‌کنند، چطور است؟ ۶. آیا ممکن است نور اولیا بعد از مرگ‌شان سبب کمک به ما دیگران باشد؟ چطور؟ ۷. نذر برا ی مُرده و فلان ولی و پیامبر به چه معنی و صحیح است یاخیر؟ ۸. آیا صدقه یا فلان عمل صالح یا نذر از جانب شخصی جهت فلان مُرده و ولی صحیح است و سبب برآمدن حاجت می‌شود؟ آیا این کار سبب خوشحالی ارواح‌شان می‌شود؟ (از بستک).

فرزند عزیزم! السلام علیکم و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

خداوندکریم همهٔ شما را حفظ و به عبادت و بندگی خود موفق فرماید و امراض جسمی و روحی شما را شفا بخشد.

۱. خواب شما مبارک است. همسر شما گویا دختر معنوی بنده است.

۲. حالات شما مبارک‌اند. سبق دوم (لطیفهٔ روح) که زیر پستان راست به فاصلهٔ دو انگشت است، را به شما اجازه می‌دهم. در آن‌جا مثل قلب ذکر کنید.

۳. آمدن بنده در خُنج اشاره به آمدن نسبت علمی و عرفانی به آن مناطق می‌باشد.

۴. عزیزم آن شخص بزرگ ممکن است که قطب التکوین باشد و رسیدن من و تو به او مشکل است. همین شوق و محبت کافی است.

۵. ذکر به این جمعیت و جهر، عادتاً و عموماً ثابت نیست از آن احتیاط کنید که خطر

بدعت و کراهیت دارد.

۶. آری نور اولیاء و کرامت‌شان بعد از مرگ هم هست و آن این طور می‌شود که قسمتی از قرآن را بخواند و به روح‌شان ببخشد و از خداوندکریم إلتجا کند.

۷. نذر را خاص به خداوندکریم باید کرد و ثوابش را به روح انبیاء و اولیاء هدیه کند و حکم صدقه هم همین است. اگر خداوندکریم بخواهد، این کار سبب برآمدن حاجت و خوشنودی روح اولیاء می‌شود. بدون إذن خداوند متعال هیچ کاری نشده و نمی‌تواند شد.

۹ شعبان ـ ۱۴۲۱ هـ.ق.

مکتوب ۹۷۹

در جواب خواهری در تشویق به علم و در مورد بیعت

۱. من متعلمهٔ حوزهٔ علمیه شمس‌العلوم ایرانشهر می‌باشم. چیزی که مرا سخت مضطرب کرده و حتی دچار یأس می‌شوم، مشکل نسیان است که مطالب تعلیم دیده و دروس در ذهنم ضبط نمی‌شوند. ۲. می‌خواهم با شما بیعت کنم، لطفاً راهنمایی لازم را مبذول فرمایید).

دختر عفیفه‌ام! صدیقی وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

نامهٔ شما رسید و ملاحظه شد. آن‌چه از غلبهٔ نسیان خود نوشته‌اید، دست‌پاچه و ناامید نشوید و در طلب علوم دینی کوتاهی نکنید بلکه با این همه همّت را بلند دارید.

به هر کاری همّت بسته گردد　　　اگر خاری بود گلدسته گردد

خواندن علم دینی اگر بدون فهم هم باشد، از ثمرات و ثواب و فواید خالی نیست.

در موضوع بیعت اولاً تا سه شب استخاره کنید. اگر بعد از استخاره میل‌تان زیاده شد یا به حال اول ماند، بنده را اطلاع دهید آن وقت جواب قطعی به شما خواهد رسید؛ إن‌شاء الله تعالی.

شما را به خدا می‌سپارم و التماس دعا دارم.

۱۰ شعبان ـ ۱۴۲۱ هـ.ق.

مکتوب ۹۸۰

در جواب فردی در مورد تعبیر خوابی و صحبت صالحین

(۱. خواب دیدم شما به خانهٔ ما آمده بودید. به وضو رفتید وقتی برگشتید، عصبانی بودید. سؤال کردم گفتید: این زن‌ها که هستند چون خیلی شلوغ کرده بودند من آن‌ها را مرخص کردم. بله سه زن خانم معلم در زیر زمین خانهٔ ما می‌نشینند. ۲. کارها خوب پیش می‌رود؛ اما به صورت عادت و مثل حالت نماز که حالت عادی به خود گرفته و هرگز قضا نمی‌شود، اما لذت و حالت نیست و از نظر تجسّم خیلی ضعیف هستم مثلاً می‌خواهم شما را به نظر بیاورم، قادر نیستم. خیلی وقت پس از ذکر در تفکر می‌پردازم و خود را همراه شما و شاه نقشبند و امام ربّانی می‌کنم و وارد مسجدالنبی می‌شویم و...، نمی‌توانم و حالیه‌ام تغییر نمی‌کند. برای این‌که از کارها لذت ببرم، کلیهٔ کارها چگونه است؟)

محبّی و مخلصی! زاد لطفه السلام علیکم و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

آن سه زن که در خواب دیدید، دنیا، نفس و شیطان بودند. الحمدلله که شما غالب آمدید و آن‌ها را از سینهٔ خود بیرون کردید. این عصبانی شدن بنده، یکنوع توجه جلالی بود به إخراج این مفاسد و الحمد لله یکنوع تزکیه حاصل شد. إخراج این‌ها را «تزکیهٔ نفس» می‌گویند.

احساس کیفیت (و لذت در ذکر و کارها) لازم نیست.

نقشبندیه عجب قافله سالارانند — که برند از رهِ پنهان به حرم قافله را

از دل سالک ره جاذبهٔ صحبت شان — می‌برد وسوسهٔ خلوت و فکر چله را

فکر تصوّر بنده را نیز بگذارید بلکه فکر خود را به ذکر و مذکور متوجه کنید. همین شوق و کوشش که شما الآن برای تحصیل عرفان و عشق روضهٔ جانان دارید، بزرگترین دلیل ذوق عرفان و کشش رب ذوالجلال است. رومی رحمه‌الله فرموده است، تدبّر کن:

گفت این الله تو لبیک ما ست — این نیاز و درد و سوزت پیک ماست

دیگری فرموده است:

چو کشش در قلب خود بینی بدان — یار می جوید تو را با سوی آن

میل دل چون سوی پاکان می‌رود **دان تو را پاکی به دربارش خِرد**

کلیهٔ کارها را از این شعر مثنوی بدان. مثنوی:

اندرین ره می‌تراش و می‌خراش **تا دم آخر دمی غافل مباش**

جلمه‌ی عرفان بُود شوق دلت **شوق داری عشق محبوبت بَرَد**

عزیزم! این مشتی نمونهٔ خرواری است.

۱۰ شعبان ـ ۱۴۲۱ هـ.ق.

مکتوب ۹۸۱

در راهنمایی شخصی در مورد یک بیماری و...

(نوشته بود: اینجانب ۱۸ ساله دو سال و اندی است که به بیماری عصبی دچارم و به چند پزشک مجرّب در تهران و شیراز مراجعه کرده‌ام، ولی نتیجه‌ای نگرفته‌ام و اعلام ناتوانی در درمان نموده‌اند. دیگر خسته شده وگاهی ناامید می‌شوم لذا از شما بزرگ دین و مقرب درگاه خالق بی‌نیاز عاجزانه استدعا دارم که در حق من دعا و با ارشادات خردمندانهٔ خود مرا راهنمایی بفرمایید. ۲. صوفی مسلکی در منطقهٔ بندر لنگه هست که طبیبی حاذق است و داروهایش بسیار مؤثر واقع می‌شود و مردم به او اعتقاد و ارادت خاصی دارند، اما مشکل این‌جاست که طبق شواهد اصلاً نماز با جماعت و در أنظار مردم نمی‌خواند لذا اجماع علمای منطقه است که مراجعه به وی مطلقاً حرام است. می‌خواهم فتویٰ و نظرتان را در مورد مراجعه به وی تنها به قصد دارو اعلام دارید).

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

خداوندکریم امراض جسمی و روحی شما را شفا بخشد و دعا می‌کنم: خداوندکریم جوانی مثل شما را صحت و عافیت عطا فرماید و از هر گزند و مرض سالم داشته و به‌خدمت دین و ملت موفق گرداند.

شما به این دعاها همان طوری که می‌نویسم عمل کنید:

بعد از نماز عشاء ۳۰۰ بار البته در اول و آخر درود شریف را پنج پنج بار بخوانید و بعد از تمام شدن برای مشکل خود دعا کنید تا ۲۱ شب و بعد از نماز صبح این دعا (آیه) را به همین ترتیب بالا بخوانید: ﴿(رَبِّ) أَنِّي مَسَّنِيَ ٱلضُّرُّ وَأَنتَ أَرۡحَمُ ٱلرَّٰحِمِينَ﴾[انبیاء: ۸۳] و بعد از نماز مغرب یا عصر این دعا (آیه) را به همین نحو بخوانید: ﴿سَلَٰمٞ قَوۡلٗا مِّن رَّبّٖ رَّحِيمٖ﴾[یس: ۵۸].

در مورد شخص مذکور، بنده نیز با إجماع علمای منطقهٔ شما اتفاق دارم و فتوای بنده این است که نزد چنین اشخاص رفتن و نیاز و دعا خواستن حرام است. مسلمان باید ایمان خود را کاملاً حفظ کند و نگهدارد. رومی رحمه الله می‌فرماید:

کار شیطان می‌کند نامش ولی   گر ولی این است لعنت بر ولی

این‌ها شیّادها و دجال‌ها و گربزهااند که هدف‌شان شکم پروری و مادیات است.

۲۰ شعبان ـ ۱۴۲۱ هـ.ق.

مکتوب ۹۸۲

در جواب شخصی در مورد اظهار مسرّت بر خدمت دینی

(این شاگرد حقیرتان به‌حول و قوهٔ الهی و به برکت دعای شما در یکی از مساجد مشهد مشغول امامت جمعه و جماعات هستم ضمناً مکتب دانش‌آموزی را هم راه انداختیم. می‌خواستم شما را در جریان بگذارم تا در دعاهای خصوصی یاد فرمایید که خداوند متعال اخلاص و توفیق بیشتر عنایت فرموده و از ریا و سُمعه حفاظت کند. نیازمند ارشادات و راهنمایی‌های شما هستم).

فرزند عزیزم! زادفضله السلام علیکم و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

نامهٔ شما رسید و موجب خوشی گردید و از خدمتی که در امور دینی شروع کرده‌اید، خیلی مسرور و خوش شدم و از ته دل دعا می‌کنم که خداوندکریم شما را موفق فرموده و یکی از خدّام دین بگرداند و در حضرت خود قبولیت عطا فرماید و از تمام آفات زمینی و زمانی و فتَن آخر زمانه و ظالمین حفظ فرماید و شما را سبب و وسیلهٔ پخش کردن علوم دینی که از این حوزه حاصل کرده‌اید، در آن دیار و شهرستان بگرداند.

عزیزم! تا می‌توانی به خدمت قرآن و حدیث و تفسیر و سنت و فقه حنفی اوقات خود را مصروف کنید. طمع و ترس از خلق نداشته باشید و خود را همه تن به خداوندکریم بسپارید، آن ذات کریم خود متکفّل تمام امور شما هست و إن‌شاءالله تعالی کامیابی شما را استقبال می‌کند.

دیدهٔ احقر و دل همراه تو ست   اوست کافی اوست شافی فی مهمّات الامور

۱۹ شعبان ـ ۱۴۲۱ هـ.ق.

مکتوب ۹۸۳

در جواب خانمی در مورد بیعت و راهنمایی به ذکر و اموری چند

(نوشته بود: ۱. می‌خواهم مرید بشوم، راهنمایی فرمایید، ۲. از زندگی خود خسته شده‌ام و دیگر طاقت ماندن در این دنیا را ندارم گاهی می‌خواهم خودکشی کنم ولی اندکی فکر می‌کنم آن‌ها که این کار کرده‌اند، چیزی به دست نیاورده‌اند ولی چه کنم در برابر مسایل زود شکست می‌خورم و ناامید می‌شوم. آیا کسی که خودکشی کند، مرتد است؟ دعایی بدهید تا بر نفس و شیطان پیروز شوم. چرا انسان در دنیا این قدر رنج و سختی ببیند؟ ۳. آیا دوست داشتن و علاقه به کسی گناه دارد؟ نگاه کردن به کسی‌که دوست دارد، خلاف شرع است؟ ۴. بعضی از کتاب‌های شما مثل مکتوبات را خوانده‌ام و افتخار می‌کنم که چنین کسی به نامه‌ام پاسخ می‌دهد).

دختر محترمه و عفیفه‌ام! وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

نامهٔ شما رسید. خداوند کریم شما را سالم و حفظ فرمایـد. وقتـی کـه میـل مریـدی داری، طریقش این‌ست که شبی بعد از نماز عشاء بر سر جای نماز خود به قبلـه بنشـینید و چنـان تصـور کنید که بنده در جلوتان هستم. در این وقت یکبار کلمهٔ طیبه و یکبار کلمهٔ شهادت و یکبار کلمهٔ استغفار بخوانید بعد از آن بگویید: **«ایمان آوردم به خدا و به رسول او و بر هر حکمی‌که ایشـان حکم فرموده‌اند و بیزار شدم از هر کاری‌که ایشـان منـع فرمـوده‌انـد و مریـد شـدم بـه دسـت «محمّدعُمر» ملازهی در طریقهٔ نقشبندیه مجددیه»** و بعد ۳۰۰ بار ذکر «الله» را بگویید. بعد از این، روزانه بعد از هر نماز صد بار همین ذکر را بخوان. (پس از آن) حالات بعدی خودتان را بنویسید.

از وجود خود متنفر نباشید. وجود انسان بزرگترین سرمایهٔ دنیا وآخـرت اسـت. بـه‌برکـت همین وجود، انسان نزد خداوندکریم محترم است و خداوندکریم بندهٔ خود را به‌قدری محترم و دوست می‌دارد که پدر و مادر فرزند خود را ندارند.

الله تعالی به برکت بندگی با همین بدن، بنده را جنت و دیدار خود و همهٔ نعمای اخروی و عیش ابدی می‌دهد.

آری! خودکشی انسان را قریب إرتداد می‌رساند و به برکت همین ذکر بر نفس و شـیطان پیروز خواهی شد. رنج و سختی انسان، برای این است که در عالم آخرت او را پاداش این‌ها خواهد رسید.

ابر و باران تا نبارد گل گلستان کی شود　　رنج و زحمت تا نبینند مرد کامل کی شود

اگر دوستی و محبت شخصی به‌خاطر خدا باشد، خوب است و اگر برای دنیا و نفس باشد، گناه دارد و نگاه کردن به‌سوی او با لذت حرام اسـت و خـلاف شـرع مقـدس. نگـاه کـردن دوستان خدا که در آن نفسانیت نباشد، امری دیگر است.

شما دختران و فرزندان اسلام همه نزد بنده محترم هسـتید و تـا مـی‌تـوانم جـواب همـه را می‌دهم؛ زیرا همهٔ امت محمد ﷺ را فرزندان خود و خدمت ایشان را خصوصاً در امـر دیـن لازم و واجب می‌دانم.

به دیدن من سعی نکنید. همین محبت غایبانه کافی اسـت. اگـر محبـت صـادق باشـد، در قیامت با هم ملاقات می‌کنیم و یکدیگر را می‌بینیم؛ إن‌شاء الله تعالی. مزید التماس دعا دارم.

۲۱ شعبان ـ ۱۴۲۱ هـ.ق.

مکتوب ۹۸۴

در پاسخ به دانشجویی در راهنمایی در مورد تحصیل علوم دنیوی و جماعت تبلیغ

(۱. بنده در خواب تکلّف بودم دیدم با چند نفر شراب می‌خوریم و حالت مستی به من رُخ داده بود، ۲. مشغول تحصیل در دانشگاه هستم البته خودم علاقهٔ زیادی نداشتم، اما والدم اصرار کرد. شما در تفسیر تبیین‌الفرقان این علم را نکوهش کرده‌اید و نیز حضرت مجدد الف‌ثانی رحمه‌الله که

می‌فرماید: «بدون علم نجوم می‌توان اوقات نماز را تشخیص داد». ولی در این حال می‌بینیم اساس پایه‌ریزی این علم به دست دانشمندان اسلام بوده است. اقبال در حال تحصیل، از عُرفای مشهور بوده است. می‌خواهم در این زمینه مرا راهنمایی و ارتباط این علم را با جهان مادی و معنوی بیان فرمایید و چگونه می‌توان از این ابزار در جهت نیکویی استفاده کرد؟ ۳. در حال حاضر در جهان، فساد و بی‌دینی به اوج خود رسیده است، ما به عنوان مسلمان در جهت اشاعهٔ اوامر الهی و شریعت در جهان به چه حیله‌ای متوسل شویم؟ و شما راهکارها و عوامل مؤثر در بهبودبت کیفیت تبلیغ را چه می‌دانید و از تبلیغ وکیفیت تبلیغی‌ها برداشت‌تان چیست؟).

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

حال بنده خوب است خداوند شما را سالم و محفوظ دارد.

تعبیر خواب شما: این شراب دنیوی نبود بلکه این اشاره به شراب عرفانی است. خداوندکریم به آن موفق فرماید.

نکوهشی که بنده به این علم کرده‌ام، زمانی است که این علوم انسان را به خود چنان بکشند که شخص از خداوندکریم و از علوم دینی دور بماند. اما اگر این علوم هم وسیلهٔ خداشناسی و علوم دینی بشوند، آن وقت خوب و مستحسن می‌باشند و همین است هدف امام العارفین، حضرت مجدّد الف‌ثانی قُدِّسَ سِرُّهُ و دیگر عارفین و آن زمان همین علوم مادیات با علوم دینیات مرتبط می‌شوند. بسیاری بوده‌اند که از راه مادیات یک‌هَو به معنویات رسیده‌اند مثل اقبال لاهوری و شورش کاشمیری و... . مثلاً اگر جناب در همین لباس مادیات به پیر کاملی و عالم عاملی دست بزنید و طبق دستورات او در مسیر قدم بزنید، صد در صد امکان وصول به معنویت ـ اگر یاری از خدا باشد ـ ممکن است.

استفاده و بهره‌گیری از گروه تبلیغی، خیلی کار با اثر و شایسته و موجب نجات است. عارف بلند پرواز شیخ حافظ شیرازی رحمه الله می‌فرماید:

ناامید هم مباش که رندان باده نوش　　　ناگه به یک خروش به منزل رسیده‌اند

عزیزم! کسی که او را خداوندکریم بخواهد، به یک لحظه از مَی‌کده به عرفان می‌کشد. فرموده‌اند:

ناگه به یک خروش به منزل رسیده‌اند   آن را بَری از بُتکده سرحلقهٔ مردان کنی

۲۱ شعبان ـ ۱۴۲۱ هـ.ق.

مکتوب ۹۸۵

در جواب شخصی در مورد چند سؤال که پرسیده بود:

(در حالات دگرگونی‌جامعه هیچ آرامشی احساس نمی‌کنم، از شما تقاضا دارم در حق احقر و هدایت مبتدعین دعا بفرمایید. ضمناً چند سؤال دارم: ۱. آیا پشت سر امام مبتدع، وام گیرنده، نگاه کننده به تلویزیون و از خدا و پیامبر استمداد طلب می‌کنند نماز خواندن درست است؟ در صورتی‌که مقتدی‌ها متابعت امام را می‌کنند و کسی دیگر را امام قرار نمی‌دهند، ۲. دعای «اللهم انت السلام...» بعد از نمازها درست است یا خیر؟ ۳. دعای طولانی بعد از نماز جمعه و تراویح درست است یا خیر؟ ۴. رهبانیت در اسلام نیست پس، چرا بزرگانی چون شیخ الاسلام احمد جام وغیره در غارها ریاضت می‌کشیدند؟ و آیا چله‌نشینی به صورتی‌که به نمازهای پنج‌گانه شرکت کند درست است؟ ۵. آیا بعد از مردن پیری، کرامت از او سر می‌زند؟ مثل جای ما که دو پیر هست و در آن‌جا روزهای دوشنبه و پنج شنبه شکر می‌بارد؛ به‌طوری‌که یکی گفت من خودم بودم از درخت پسته می‌ریخت و از آسمان چیزی نمی‌ریخت شما در این باره چه می‌فرمایید؟ ۶. التزام نگرفتن دعا بعد از سنت درست است یاخیر؟ به نظر شما با اهل بدعت به چه نحو کار کرد تا مؤثر واقع گردد؟ ۷. شخصی در نماز مثل مذهب شافعی دست می‌بندد و آمین بلند می‌گوید و دیگر افعالش مثل احناف است آیا این عمل او مقبول است؟).

فرزند عزیزم! وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

نامهٔ شما رسید و خوشحال شدم. بنده دعاگویم خداوند کریم قبول فرماید.

۱ـ اگر امامی دیگر موجود باشد، پشت سر این امام نماز روا نیست و اگر نباشد، پشت او نماز بخواند و بعداً اعاده کند.

۲ـ اگر آن‌را جداگانه با رفع الیدین خوانده بعداً دعای دیگر بخواند ثابت نیست.

۳ـ این هر دو ثابت نیستند.

۴ـ رهبانیت آن است که تنها در خلوت برود و طول عمر بر آن قرار بگیرد. ریاضت برای

تزکیهٔ نفس تا زمانی که تزکیهٔ نفس پیدا شود، اگر نماز با جماعت هم باشد، اشکال ندارد.

۵ـ نزد اهل‌سنت کرامات اولیاء بعد از مرگ هم امکان دارد. اما چون شکر باری کرامتی نیست، لذا این از شیطان می‌باشد یا یکی از مجاورین مکری در این مورد دارد. این کرامت شیطانی است نه رحمانی.

۶ـ درست است. با مبتدعین به تدبیر و حکمت و ملایمت کار کرده شود، بهتر مؤثر خواهد شد.

۷ـ این عمل او جایز است. مقبولیت نزد خداوندکریم است.

۲۱ شعبان ـ ۱۴۲۱ هـ.ق.

مکتوب ۹۸۶

در جواب سؤال دانشجویی در مورد استخدام شدن

فرزند عزیزم! السلام علیکم و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

خداوندکریم شما را به راه حق و صحیح هدایت و به خدمت فرزندان اسلام موفق فرماید.

بنده در این اداره (و نیرو) که نوشته‌اید، بسیج شدن شما را صلاح نمی‌بینم، شما اختیار دارید. کار و اداره‌های دیگر بسیار است.

خوش به حال تو که از شاگردان جناب ملاحسن زارعی هستید. دعای خیر دنبال شماست.

۲۴ شعبان ـ ۱۴۲۱ هـ.ق.

مکتوب ۹۸۷

در جواب فردی در تعبیر خواب

(من در یک شب تمام تسبیحات را خواندم و دعا کردم که خداوند متعال خواب نیکی نصیب فرماید. حدوداً ساعات۱و۲ خواب دیدم رفتم نزد دو تن از دخترها که آن‌ها را دوست داشتم و جلو آن‌ها ایستادم

و آیهٔ نوزدهم سورهٔ نساء را خواندم وکلمهٔ «کرهتموهنّ» را تکرار می‌کردم. من این صفحه از قرآن کریم را در همان روز از استاذ خود گرفته بودم. این خواب را با وجود مصلحت و فرصت تعبیر نمایید).

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

نامهٔ شما بعد از دیر مدتی رسید. اما تعبیر خواب شما برای بنده واضح نشد، ببخشید. بنده ابن‌سیرین رحمه الله یا حضرت جعفر (صادق) رحمه الله نیستم که هر خواب را بتوانم تعبیر کرد یا بدانم. اگر در جایی دیگر معبّری می‌دانی نزد او بفرستی تا تعبیر کند. مزید التماس دعا دارم.

۲۴ شعبان ـ ۱۴۲۱ هـ.ق.

مکتوب ۹۸۸

به شخصی در جواب چند مسائل و سؤالات

(برای بنده و مسلمین جهان همچنان‌که دعاگو هستید، دعا نمایید. من چند سؤال دارم: ۱. اگر کسی طبق فتوای شما و بقیه علمای کرام عملی انجام داد وکافر شد که زنش طلاق هست پس طلاق سه‌گانه می‌شود یانه و رجوع آن چگونه است؟ برای تازه بودن ایمانش چه عملی انجام دهد؟ ۲. اگر کسی جنّ مسخراتی داشته باشد به نیت دعوت و اصلاح آن‌ها به اسلام نه به دیگر قصدی و سوء استفاده، چگونه است؟ ۳. امام در رکعت سوم به التحیات نشست و مقتدیان تکبیر گفته بلند شدند، آیا باید سجدهٔ سهو نماید؟ ۴. امام در رکعت آخر وتر به رکوع رفت و بعضی از مقتدیان متوجه نشدند و دعای قنوت خواندند با «سمع الله لمن حمده» گفتن امام متوجه شدند و تنها رکوع کردند و در سجده با امام ملحق شدند و امام سجدهٔ سهو کرد و نماز پایان یافت آیا نماز مقتدیان درست است؟ ۵. شخصی از یک نفر قرضی طلب داشته و او منکر باشد، آیا بعد از مرگ وی چنان‌چه از مال وی بدست این شخص باشد، می‌تواند قرض خود را کسر کند؟ به نرخ امروز یا زمان فوت او؟ و اگر شاهدی نداشته و وارث را قبل و بعد مرگ وی خبر کرده باشد و وارث حالا منکر باشد، چگونه است؟ ۶. بعضی از زنان امروزه در بازار یا اداره با روپوش و چارقه که موها و بدن‌شان پوشیده است (بدون چادر) رفت و آمد دارند، از نظر شریعت چطور است؟

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

حال احقر بد نیست خداوند کریم شما را سالم دارد.

۱ـ زنش کاملاً مطلقه می‌شود. البته بعد از تجدید ایمان کـه از همـان عمـل توبـه کـرده و تجدید کلمهٔ طیبه و شهادت کند، بعداً اگر با نکاح و عقد جدید با او نکاح کند، جایز است.

۲ـ تسخیر جنّ و عمل آن به هر نحو که باشد خوب نیست؛ مگر این که جنّ بدون عمل او تابع او گردد.

۳ـ اگر به مقدار «**اللهم صل علی محمّد وعلی...**» یا مقدار سه تسبیح نشسته و بلند شد، سجدهٔ سهو کند و اگر کمتر بود سجدهٔ سهو نکند.

۴ـ نماز مقتدیان هم بعد ازسجدهٔ سهو امام درست شد.

۵ـ می‌تواند که مقدار قرض خود را از مال و ملك وی قصر کند به نرخ امروز و اگر وارث منکر شد، شریعت کند.

۶ـ وقتی که روپوش دارند و بدن و مو و رو پوشیده است، وقت ضرورت بـه بـازار و اداره رفتن جایز است و بدون ضرورت برای سیر و تفریح روا نیست.

۲۴ شعبان ـ ۱۴۲۱ هـ.ق.

مکتوب ۹۸۹

به دانشجویی در راهنمایی به داروی ازالۀ موهای زاید

(نوشته بود: زنی۳۰ ساله هستم که از حدود۱۰ سال پیش به مشکلی دچار شده‌ام و از دوران دانشجویی شروع شده و شاید به‌علت خوردن غذاهای حاوی کافور که به دانشجویان می‌دادند، باشد. بر اثر این بیماری موهای زاید و درشت در ناحیۀ صورت (مانند مردان) و روی شکم و سینه و بقیه اعضا پیدا شده است. دکترها می‌گویند تو مشکلی نداری و این بیماری بدون دلیل می‌باشد و شاید با درمان گیاهی درمان شود. وقت شما ارزشمند است و تعریف زندگی شما را از ارادتمندی که هر سال به زیارت شما می‌آید، شنیده‌ام لذا در این مورد اول دعا و نیز مرا راهنمایی بفرمایید).

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

بنده دکتر نیستم البته شما را راهنمایی کرده و داروی طبی گیاهی به شما می‌گویم.

۱ـ بگیرید «گوگِردِ» زرد آن‌را خوب مثل سرمه خورد کرده و آن‌را در آب «سِکَرَان» حل

کند و جایی که مو دارد آن‌جا را با تیغ از مو صاف کرده آن‌جا را روزانه دو یا سه بار به همین آب بمالید.

«سیکران» گیاهی است و به‌زبان عربی. از عربستان یا از عطاری‌ها دریافت کنید.

۲ـ یا بگیرید «زهرهٔ بُز» و مقدار کمی «نوشادر» و مقدار کمی از «گوگُردِ» سرخ همه را خورد کرده با روغن «کرچک» آمیخته و صبح و شام بمالید.

۲۴ شعبان ـ ۱۴۲۱ هـ.ق.

مکتوب ۹۹۰

در جواب فردی در تعبیر چند خواب

(۱. خواب دیدم شب است و همه جا سکوت و آرام و من و اعضای گروه من که جزو انتظامات مسجد مکی هستیم، خوابیده بودیم، یکبار از آسمان صدای مناجات به گوشم رسید. به بچه‌ها گفتم: این صدا را می‌شنوید؟ گفتند: نه. بعد شخصی آمد وگفت: این‌ها نمی‌شنوند گفتم چرا؟ گفت: «ذلک فضل الله یؤتیه من یشاء...» و این صدا مناجات حضرت علی رضی‌الله‌عنه است. آن صدا به من و همه مردم گفت که بلند شوید موقع نماز است. بیدار شدم ساعت ۳/۵ شب بود. ۲. دیدم شما و من وارد یک کلاس درس شدیم شما با دست به پشت من زدید وگفتید: برو کنار این شاگردان بنشین و متابعت کن، ۳. دیدم ریسمانی از هوا جلو من آمد و معلق بود بدون درنگ آن را گرفتم و بالا رفتم و پشت بام فرود آمدم، ۴. خواب دیدم کتابی به من دادند که در آن همهٔ اعضای بدن ترسیم شده بود وگفتند: اسرار همهٔ این کتاب را مولانا محمّدعُمر (رحمه‌الله) می‌داند و این بیماری‌ها را تشخیص می‌دهد، ۵. دیدم با مولانا عبدالحمید قدم می‌زدم و صحبت می‌کردم و ایشان از یکی از انتظامات گلایه داشتند، ۶. دیدم آن قدر آب شیرین خوردم که سیراب شدم، ۷. برایم یک استکان شربت آوردند که دو رنگ بود؛ بالای آن سبزرنگ و پایین مثل آب و خیلی شیرین بودند همه را خوردم، ۸. شما به خانهٔ ما آمدید با یک دُرُشکه که دو اسب آن را می‌کشیدند، تنها سوار بودید و برای همه تبلیغ می‌کردید. کنار خانهٔ ما پیاده شدید و ظاهراً مریض بودید من برای شما لحاف انداختم و شما دراز کشیدید).

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

حال بنده بد نیست خداوند کریم شما را سالم دارد.

عزیزم! در اذکار خود کوتاهی نکنید و همّت را کار بندید إن‌شاء الله تعالی به‌حرمت

مشایخ کبار قُدس‌اسرارهم تمام مشکلات را خداوند کریم حل می‌فرماید.

خواب‌هایی که دیده‌اید خیلی مبارک‌اند.

۱ـ روحانیت حضرت علی مرتضی رضی‌الله‌عنه با اهل سلوک ارتباط کامل دارد و شما را به نماز تهجد وادار کرده است.

۲ـ این خواب دلیل قبولیت شماست که در صف اهل سلوک قبول شده‌اید.

۳ـ این از همه مبارک‌تر است. این ریسمان سلسلهٔ اهل عرفان بود.

۴ـ این کتاب، مسألهٔ آن ناگفته به.

۵ـ این دلالت بر محبت و معیت علمای ربانی می‌کند.

۶ـ آب شیرین، فیض عرفانی بود.

۷ـ این هم مثل خواب ششم است.

۸ـ توضیح این هم ناگفته به. مزید التماس دعا دارم.

۲۴ شعبان ـ ۱۴۲۱ هـ.ق.

مکتوب ۹۹۱

در جواب خواهری در مورد چند سؤال که پرسیده بود:

(دختری از تربت‌جام هستم و چند سؤال دارم: ۱. امسال به پیش دانشگاهی رفتم ولی به یک مشکل و بیماری چشم برخوردم که مجبور شدم مدرسه را ترک کنم، نمی‌دانم چه کنم؟ ۲. به نماز توجه نداشتم ولی الآن می‌خوانم اما کامل نمی‌توانم بخوانم چون شیطان مرا رها نمی‌کند چطور از شیطان رهایی می‌یابم؟ ۳. مشکل دیگرم چاقی است با وجود مشکلات و غم‌ها، چاقی من کم نمی‌شود، ۴. مادرم فوت کرده و در خانه با پدر تنها هستم چطور کنم از تنهایی درآیم (منظور نماز و ذکر خداست) و سخت نگذرد و احساس آرامش کنم چون به اعصابم فشار آمده است).

بنام آنکه نامش حرز جان‌هاست　　　ثنایش جـوهـر تیـغ زبان‌هاست

دختر محترمه! السلام علیکم و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

۱ـ بعد از هر نماز ۳ بار ﴿فَكَشَفۡنَا عَنكَ غِطَآءَكَ فَبَصَرُكَ ٱلۡيَوۡمَ حَدِيدٞ﴾ را بخوانید و بر دو

انگشت دست راست (انگشت شهادت و انگشت میانه) دم بزنید و بر دو چشم بمالید تا ۴۰ روز.

۲ـ صبح بعد از بر آمدن آفتاب و بعد از نماز عشاء صد صد بار بخوانید: «**لاحول ولا قوة الا بالله**» اگر صد بار نباشد، ۵۰ بار بخوانید.

۳ـ صبح و شام خیال کنید که مرگ دنبال من است؛ نمی‌دانم امروز است یا فردا.

۴ـ یا رحمٰن، یا رحیم را بسیار بخوانید.

۲۴ شعبان ـ ۱۴۲۱ هـ.ق.

مکتوب ۹۹۲

به فردی در جواب چند سؤال

(... از ملا آباد مرید شما هستم و چند سؤال دارم: ۱. بعضی مردم پرهیز ندارند و حلال و حرام و جایز و ناجایز در رزق‌شان مخلوط است. من که گاهی برای‌شان نماز جنازه، دعا و... می‌خوانم یا کاری دیگر و مقداری پول به من دهند، تحویل بگیرم یانه؟ ۲. همسرم بیعت کرده است ولی پایبند اذکار نیست و در فرایض هم سست و ضعیف است، دعای هدایت بفرمایید. همیشه دعا می‌کنم که خدایا به من زن نیک و پارسا بده. آیا به نظر شما زن دوم برای من مناسب است؟).

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

۱ـ در این صورت برای شما گرفتن مُزد خود جایز است البته اگر از حرام خالص به‌شما بدهند، تحویل نگیرید.

۲ـ بنده دعای هدایت می‌کنم ولی او را نصیحت کنید و از جانب احقر به او بگویید که به وظایف و عبادات خود ادامه داده و مواظبت کند.

اگر شما قدرت دو زن دارید، در شرع مانعی نیست و اگر قدرت ندارید و ملاحظه و رعایت عدل نمی‌شود پس، احتیاط کنید. التماس دعا دارم.

۲۶ شعبان ـ ۱۴۲۱ هـ.ق.

مکتوب ۹۹۳

جواب یک نفر زندانی در مورد طلب بیعت و دعا و...

(نوشته بود: بنده اهل و ساکن خاش مدت چهار سال است که به جرم قتل در زندان به سر می‌برم و از اول حبس متوجه پیدایش و فنای بنی‌آدم شده و به اذکار پرداخته‌ام از جمله «الله الصمد». احتیاج به بیعت دارم و امیدوارم در إصلاح کامل باشم. آیا می‌شود غیاباً از مرشدی بیعت بگیرم؟).

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

عزیزم! می‌توانی غیاباً هم بیعت بگیری. البته اگر امید رهایی از زندان هست، بهتر آن‌ست که بعداً دست به‌دست از کسی بیعت بگیرید.

همان طور که ذکر «الله الصمد» را دنبال کرده‌ای، اگر شبانروزی پانصد بار (سورهٔ) **«قل هو الله»** را تمام بخوانید، ثوابش بیشتر و امید رهایی شما زودتر است.

ندامت‌گاه دنیوی را به ندامت‌گاه اخروی بدل کنید یعنی از گناهان خود خوب توبه کنید؛ بالخصوص در موضوع قتل که جرمی خیلی سنگین است.

۲۶ شعبان ـ ۱۴۲۱ هـ.ق.

مکتوب ۹۹۴

در جواب شخصی در تعبیر خواب و راهنمایی به ذکر

(نوشته بود: حال بنده خوبست و به کار باطن مشغولم و شب‌های جمعه به مرکز می‌رویم و از فیض تبلیغ هم بهره می‌گیریم. بنده در خواب دیدم که یک نفر هم اطاقی آمد وگفت: یک دانه کُنار چیده‌ام که برآن اسم شما (یعنی من محمدصالح) و در ضمن چیزهایی دیگر نوشته بود که نفهمیده‌ام و یک جمله این بود که «آیا من (محمد صالح) از رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم اتباع کنم یا از حضرت ابراهیم علیه‌السلام؟ گفتم: کجاست؟ گفت: کنار مسجد انداخته‌ام. من رفتم آن‌جا دیدم که کُنار نیست بلکه خربزه‌ای بود که اسم بنده و چیزهای دیگری نوشته بود که من نفهمیدم...).

فرزند عزیزم حاج... وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

نامهٔ شما در مکه مکرمه به احقر رسید. آن‌جا فرصت به‌جواب پیدا نشد و شما را هم بعد

از آن یک بار ملاقاتی، بار دیگر ندیدم. الآن از حوزۀ علمیه منبع‌العلوم کوه‌ون جواب شما نوشته می‌شود.

خوابی که دیده‌اید، خوابی خیلی مبارک است. تعبیرش به‌فکر بنده این‌طور می‌آید که مراد از کُنار که درخت سدرة المنتهی است، شجره و سلسلۀ عرفانی است که در آن داخل شده‌اید و نام شما هم نوشته شده است. «اتباع» اشاره است که اتباع هردو ضروری است. ﴿فَٱتَّبِعُواْ مِلَّةَ إِبۡرَٰهِيمَ حَنِيفٗا﴾. تبدیل شدن کُنار به خربزه، اشاره است که همین سلسلۀ عرفانی توأم با شریعت و تبلیغ است که در آن شفای روحی هست.

عزیزم! به ذکر خود ادامه داده و از جماعت تبلیغ بسیار حصه ببرید و با مولوی (سهرابی) که آن‌جاست، تماس داشته باشید و احقر را هم در دعاهای صالحه یاد فرموده باشید.

۲۶ شعبان ـ ۱۴۲۱ هـ.ق.

مکتوب ۹۹۵

به یک شخص مریض در مورد تسلّی و اندرز و دعا

(جوانی۲۳ ساله از شهرک «خور» استان فارس هستم. چند سال است که بر اثر تصادف دچار قطع نُخاع شده و از گردن به پایین کلاً فلج می‌باشم. امید علاج را از دست داده‌ام و بسیار پریشان هستم، نمی‌دانم خداوند متعال مرا شفا می‌دهد یانه؟ حتی از رحمت‌های خداوند متعال– نعوذبالله– مأیوس شده‌ام، زودتر بمیرم، در مورد آخرتم کاری نکرده‌ام می‌گویم هرچه خدا بکند می‌خواهد به جهنم ببرد یا به بهشت، سرگرمی ندارم مگر این‌که گاهی دوستی به دیدارم بیاید یا زیر تلویزیون دراز کشیده‌ام. توانایی وضو ندارم و اکثراً نماز نمی‌خوانم. ۱. چه کنم که امیدم را از دست ندهم؟ ۲. آیا بیماری من خوب می‌شود؟ ۳. نحوۀ نماز خواندن من با توجه به این‌که فقط سرم تکان می‌خورد و توانایی حرکت دیگر و وضو وکنترل ندارم، چطور است؟ ۴. به کبوترها علاقه‌مند بودم و در شب تصادف نیز علت خروج من هم همین بود. اطرافیان کبوتر را نحس می‌دانند و علت مصیبت‌ها را کبوترها می‌دانند، آیا از نظر شرع کبوتر نحس است؟ ۵. این مصیبت‌هایم بر اثر چشم زخم و نظر است یا امتحان خداوند متعال؟ ۶. اوقاتم را چگونه بگذرانم و چه سرگرمی بگیرم؟ من از یکی از برادران تبلیغی که خدمت شما مشرف شده بود، آشنا شدم و حسن شما را بیان کرد و مرا تشویق

به نوشتن این نامه کرد. با دلی پر از درد و غم خداحافظی می‌کنم و منتظر جواب هستم و دعا بفرمایید).

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

عزیزم! شما مسلمان و فرزند مسلمان هستید زیبای ایمان شما نیست که از رحمت خداوند کریم ناامید باشید بلکه از خداوند کریم امیدوار باشید. شفای شما و حل مشکلات نزد او هیچ اهمیتی ندارد. «کمر کوه کم است از کمر مور این‌جا». او به یک طرفة العینی اگر بخواهد، مرض شما را برطرف می‌گرداند. البته او مسلمان را درد و مصیبت می‌دهد، تا ایشان را در روز جزاء اجر عظیم عطا فرماید. اهل بلا و امراض و مصایب را در روز آخرت همین قدر اجر و پاداش می‌دهد که اهل عافیت تمنا می‌کنند که کاش ما هم به هم‌چنین بلاها مبتلا می‌شدیم.

۱ـ به‌خداوند کریم توکل نموده و فکر کنید که هیچ کار خدا بدون حکمت نیست. مرا که چنین مصیبتی داده است، امید است که پاداش بزرگی به من خواهد داد.

۲ـ امید است که خوب می‌شوید؛ إن‌شاء الله تعالی.

۳ـ نماز را به همین حالت بخوانید. اگر کسی دارید، در وقت نماز به شما تیمم دهد و نماز را با اشارهٔ سر بخوانید، ادا و قبول می‌شود و اگر کسی نباشد، با همین حالت بی‌وضویی و ناپاکی‌هم با اشاره نماز را ادا کنید.

۴ـ آری! کبوتر بازی و علاقهٔ زیاد و جالب (جلب کننده به‌سوی غفلت) با کبوترها مکروه و نحس است.

۵ـ به نظر بنده این امتحان خداوند است.

۶ـ در این مدت به‌ذکر خدا مشغول شوید، سرگرم می‌شوید و «الله الله»، «لااله الا الله»، درود شریف، الحمد شریف و قل هوالله شریف را بسیار بخوانید.

بنده دعا گویم و مزید التماس دعا دارم.

۲۶ شعبان ـ ۱۴۲۱ هـ.ق.

مکتوب ۹۹۶

به شخصی در راهنمای به چند امور و سؤال که پرسیده بود

(بنده چند مریضی دارم: ۱. خشوع و خضوع در نماز خیلی کم است، ۲. تفکر و تدبر در قرآن نیز کم است، ۳. موقع نیت کردن به کار نیک لوجه الله، وسوسه و ریا می‌آید، ۴. اخلاص و تقوی در عمل اندک است، ۵. اخلاق خشن و خشم در امر دعوت، ۶. شکست‌های پی در پی در برنامه‌ریزی کارها، ۷. با وجود این‌که زن و فرزند دارم، بازهم محبت زن غریبه؛ چه کوچک و بزرگ، چه سیاه یا سفید بدون امر شهوت یا این که یکی از چیزهای مختص به زن، محبتش یا همان مریضی مهلک در دل می‌آید. تقاضا دارم در این باره راهنمایی و اندرز کنید).

فرزند عزیزم! ملا ریگی وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

حال احقر بد نیست خداوند کریم شما را سالم دارد.

۱ـ این مرض برای نماز مضرّ نیست، دل‌خور نشوید.

۲ـ این هم ضرری برای دین ندارد، بی‌فکر شوید.

۳ـ این وسوسه هیچ خللی پیدا نمی‌کند شما فقط نیت خود را لوجه الله کنید.

۴ـ إن‌شاء اللّه کم‌کم زیاده می‌شود؛ اگر ادامه داده شود.

۵ـ در دعوت حُسن اخلاق و ملایمت ضروری است.

۶ـ از این شکست‌ها دست‌پاچه نشوید بلکه:

همّت بلند دار که نزد خدا و خلق　　　باشد به قدر همّت تو اعتبار تو

به هر کاری که همت بسته گردد　　　اگر خاری بود گلدسته گردد

۷ـ این امر غیراختیاری است. وقتی‌که خواهش نفسانی نباشد و شما از حد شرع متجاوز نشوید، مسئول نیستید.

۲۷ شعبان ـ ۱۴۲۱ هـ.ق.

مکتوب ۹۹۷

در جواب طالب علمی در مورد سؤال از شرکت در ذکر جهر و...

(۱. در منطقه‌ای‌که ما درس می‌خوانیم مشایخ طریقت قادری زیاد است و بعد از مغرب ذکر جهری می‌کنند، آیا ما در حلقهٔ ذکرشان شرکت کنیم؟ ۲. در نماز فکر جمع نمی‌شود، راهنمایی فرمایید، ۳. کامیابی طلبه در چیست و اخلاص چطور به دست می‌آید؟)

فرزند عزیزم ملا کاشانی! وعلیکم السلام و رحمة اله و برکاته؛ امابعد:

حال احقر بد نیست.

۱ـ در ذکر جهر شرکت نکنید. غالباً ایشان جهر مفرط می‌کنند و آن از نظر شرع مقدس اشکال دارد.

۲ـ فقط این‌قدر در نماز فکر کنید که من بندهٔ ذلیلم و در حضور رب جلیل ایستاده‌ام. بعد از این، اگر فکر جمع نشود، هیچ ضرری نیست.

۳ـ [کامیابی یک طلبه] در عمل بر علم و تقوٰی [گزیدن] و اخلاص و شفقت بر خلق و نیت خدمت به‌دین و اتباع شریعت و سنت و دوری از بدعت و معاصی است.

مزید التماس دعا دارم.

۲۷ شعبان ـ ۱۴۲۱ هـ.ق.

مکتوب ۹۹۸

به فردی در تعبیر خواب و جواب سؤال و راهنمایی به‌طُرُق ذکر

(بحمدالله از سلامتی جسمی برخوردارم، اما از لحاظ روح حالات چندان خوبی ندارم. گاهی شوق ذکر پیدا می‌شود ولی اکثراً سستی وجودم را می‌گیرد. گاهی در حال صحبت دربارهٔ ذکر و تذکرهٔ موت در لطیفهٔ قلب یا روح یک تیزی احساس می‌کنم و حالم دگرگون می‌شود و گریه می‌آید، هرچه کوشش می‌کنم تا کسی متوجه نشود، ولی کنترل نمی‌شود و از طرفی خوشحال می‌شوم و در هیچ چیزی مثل آن احساس لذت نمی‌کنم و در آن حال همهٔ مردم نزدم محبوب می‌شوند. دیگر این‌که هر چیزی حتی سگ در نظر بیاید، از خود بهتر می‌دانم زیرا در دلم هست که سعادتمند کسی است که با حُسن خاتمه از این دنیا برود و ... ۱. هنگام حبس دم در ذکر، نفس تنگ می‌شود اگر زود زود

الله الله کنم در یک دقیقه ۵۰ و۶۰ بار «الله» کنم، ۲. بر هر لطیفه (قلب، روح، و سرّ) چند مرتبه و بر هر کدام چند روز ذکر را دَور کنم؟ ۳. گاهی که تهجد می‌خوانم در آخر یا اول شب، بجای ۱۲ رکعت، ۴ رکعت می‌خوانم به علت کمی وقت تا بیشتر بر لطائف ذکر کنم، چطور است؟ ۴. برای دفع وسوسه و احساس حلاوت ذکر، چه دعایی مؤثر است؟ ۵. بعضی از علمای تصوف می‌گویند هر روز یا شب که ذکر از مرید فوت شود، برای تنبیه نفس در آن روز یا شب غذا داده نشود، در طریقت ما خوب است؟ ۶. مراد از تسبیحاتی که مجدد الف ثانی رحمه‌الله در یکی از مکاتیب نوشته که به‌جای محاسبه اعمال ۲۴ (ساعت) آخر شب خوانده شوند که از پیامبر نقل‌اند، همین تسبیحات فاطمی‌اند؟ ۷. اگر دعاهای کنزالدارین را از روی کتاب بخوانم اثر دارد؟ ۸. آیا درست است حضرت حاج امدادالله رحمه‌الله در حد اول سطح یا کمی بیشتر درس خوانده است؟).

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

حال احقر بد نیست خداوند کریم شما را سالم دارد و جسم و روح شما را سالم و خوب بگرداند.

حالاتی که رُخ می‌دهند همه خوب‌اند پریشان نباشید.

در طریقت هر چه پیش سالک آید خیر اوست

در صراط المستقیم ای دل کسی گمراه نیست

۱ـ این هر دو صورت ذکر خوب است.

۲ـ ذکر لطایف را به نوبت کنید روزی این لطیفه و روزی آن دیگر را.

۳ـ باید بیشتر شغل شما از همه نوافل به ذکر باشد.

۴ـ خود همین ذکر برای پیدا کردن حلاوت وغیره مؤثرتر است.

۵ـ در طریقهٔ ما این محاسبه لازم نیست. البته اگر کسی کند، اشکال ندارد.

۶ـ آری! همین تسبیحات فاطمی‌اند.

۷ـ اگر از بر بخوانی یا روی کتاب با اخلاص، فرق ندارد.

۸ـ درست است. ایشان علم به قدر ضرورت خوانده و همهٔ علوم رسمی را نخوانده‌اند و به ایشان علم وهبی رسیده است.

۲۷ شعبان ـ ۱۴۲۱ هـ.ق.

مکتوب ۹۹۹

در جواب فردی در ترغیب به محبت صالحین

(بنده شاهوزهی خواب دیدم گویا کنار مسجد مکی بود و جمعیت بزرگی برای استقبال مولانا عبدالحمید جمع شده بود. دیدم شخصی دهل می‌زند. من کاردم را کشیدم که دهلش پاره کنم، مرا نگذاشتند من به او گفتم مولانا از این کار تو ناراحت می‌شود. مرشد محترم! من ترا خیلی دوست دارم و همچنین با علما و صلحا محبت می‌ورزم، اما محبت بعضی در دلم بیشتر است مثل مولانا محمد قاسم و مفتی عبدالصمد و همیشه عشق خدا و رسول را از خداوند می‌خواهم).

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

خوابی که دیده‌اید، مبارک است.

همان طور که مرا دوست دارید، خداوند کریم تو را دوست دارد و در زمرهٔ دوستان خود شامل گرداند. محبت صالحین و علماء، نصف ایمان است. این نعمتی خیلی بزرگ است. شکر خدا را ادا کنید که این نعمت را به شما داده است. همین محبت علماء و صالحین، به محبت رسولﷺ و به الله تعالی می‌رساند.

به حب صالحین دل را گِرو کن — شوی در حضرت ذاتش مقرّب
غلام و چاکر ارباب دل شو — شوی در حضرت ذاتش مشرّف
بکن سرمه ز خاک پای ایشان — به چشمانت شوی محبوب حضرت
تو ای شاهوزهی دل بند درآنها — شَوی دلدار اندر کُوی حضرت

مزید التماس دعا دارم.

۲۷ شعبان ـ ۱۴۲۱ هـ.ق.

مکتوب ۱۰۰۰

در جواب شخصی در تسلّی خاطر و تعبیر خواب و...

(نوشته بود: تشریف فرمایی شما را از حرمین شریفین تبریک عرض می‌کنم و برای ما هم دعا بفرمایید. مشکلات و موانع در ذکر پیش می‌آید: ۱. مدتی است حواس و فکرم به جاهای ناخودآگاه می‌رود و نمی‌دانم شیطان چگونه فکرم را می‌دزدد و من مبارزه می‌کنم، ۲. در ذکر دو دفعه است شیطان به سراغم آمده و می‌گوید من خدا هستم، ۳. در ذکر بودم شخصی آمد وگفت رسول‌الله صلی الله‌علیه‌وسلم قبل از ذکر «سبحان الله» و «الحمدلله» و «الله اکبر» می‌گفته است، ۴. خواب دیدم در راه می‌روم ناگهان تعدادی گرگ جلویم آمدند و خواستم فرار کنم ولی با خود گفتم مرا تکه پاره می‌کنند و یک قدم عقب رفتم و سرجایم ایستادم ناگهان ناپدید شدند، ۵. خواب دیدم سگی مرا گاز گرفته بود و من بالای ساق پایم را گرفته بودم وگفتم مرا به دکتر برسانید تا زهرش بالا نرود، ۶. خواب دیدم تدریس می‌کنید و حلقه‌های دیگر هم بود که دور هم نشسته بودند. من آمدم کنار شما و شما دهان تان را روی قلبم گذاشتید، راحت توانستم ذکر نمایم. بعد فرمودید: می‌خواهید داماد حضرت علی رضی الله‌عنه شوید در خاطرم آمد حضرت حالا در قید حیات نیست، در دلم آمد مولانا خودش را می‌گوید).

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

خداوند کریم شما را و همهٔ مسلمین را به زیارت حرمین شریفین مشرّف گرداند.

۱ـ عزیزم از پریشانی فکر دل‌خور نشوید که در همین پریشانی فکر هم پاداش‌های بزرگ می‌رسد.

۲ـ به او جواب دهید که ای ملعون من تو را خوب می‌شناسم و «**لاحول**» را بخوانید و بگویید «**آمنت بالله ورسوله**».

۳ـ اگر این تسبیح را بخوانی اشکال ندارد.

۴ـ خواب‌ها خوب‌اند البته این‌ها را مقاصد ندانید. آن گرگ‌ها، شیاطین بودند که الحمد لله از شما دور شدند.

۵ـ گاز گیرنده هم از شیاطین بود وگازش اثر نکرد.

۶ـ مراد از دامادی حضرت علی رضی‌الله‌عنه حصول ولایت است یعنی می‌خواهید که با ولایت

حضرت علی رابطه پیدا کنی؛ زیرا حضرت علی بعد از نبی کریم صلی‌الله‌علیه‌وسلم مرجع کمالات ولایت است؛ همچنان‌که آن سه خلفاء دیگر مرجع کمالات نبوت‌اند. التماس دعا دارم.

۲۹ شعبان ـ ۱۴۲۱ هـ.ق.

مکتوب ۱۰۰۱

جواب شخصی در تعبیر خواب

(بنده خواب دیدم که گنجشک گرفتم و در گندم‌ها فرو بردم بعد شما آن‌جا آمدید من گفتم چنین کرده‌ام گفتید: برو آن‌را بیاور، رفتم دیدم در پای آن چند رشته سیم است و بو گرفته است. وقتی آوردم گفتید: این بی‌ادبی بوده نباید این کار را می‌کردی. من آن‌را بیرون شهر در گودالی انداختم و برگشتم. شما در خانهٔ پدرم با چند نفر دعا می‌خواندید و شما زلف سیاه داشته و جوان بودید من در دعا اسـم پدر، مادر، خواهر و خواهرم را به زبان شما می‌دادم ... و در خانه عکس و تلویزیون را جمع کردم و از این امور گفتم: ببخشید گفتید: بخشیدم و تکرار کردم این را).

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

خداوند کریم شما را به بندگی خود موفق و قبول فرماید.

خواب شما خوب است. گنجشک در خواب، مال و دنیا اسـت و پوسـیدن آن، کنایـه بـه زوال آن مال است یا مخلوط شدن آن به مشتبهی. شاید شما چنـین مـالی داشـته بـوده‌ای و از دست رفته است والله اعلم و امید است که شما یا خانوادهٔ شما از بنده فایدهٔ زیبایی دینی حاصل کرده و کثافات دنیوی از خانوادهٔ شما تا حدودی برطرف می‌گردند، إن‌شاء الله تعالی.

۲۸ شعبان ـ ۱۴۲۱ هـ.ق.

مکتوب ۱۰۰۲

جواب فردی در موضوع خوابی

(نوشته بود: چند کتاب از شما مطالعه کردم و دوست داشتم شما را در خواب ببینم اتفاقاً در شبی

خواب دیدم شما با چند نفر اسکورت به مدرسهٔ «ماخونیک» آمدید من سلام کردم و دستان شما را می‌بوسم و شما صورت مرا می‌بوسید و عرض می‌کنم که مرید شما می‌شوم و بعد به حوزه رفتیم و اتاق‌ها را به شما نشان دادم تا این‌که بیدار شدم).

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

خداوند کریم شما را به حفظ قرآن مجید و تحصیل علوم دینی موفق وکامیاب گرداند.

خواب شما خیلی مبارک است. آمدن بنده در آن مدرسه، به اعتبار آمدن روحی و دعایی است؛ زیرا روح و دعای بنده به آن مدرسه ارتباط دارد و امید است که شما هم روزی از احقر یا مدرسه‌ای دیگر متعلق به احقر استفادهٔ شیوا و خوب ببرید. والله اعلم.

۲۸ شعبان ـ ۱۴۲۱ هـ.ق.

مکتوب ۱۰۰۳

در تعبیر خواب و توجیه حالت و راهنمایی در مورد ذکر

نوشته بود: ۱. خواب دیدم که آلبوم عکسی در دست دارم و در هر برگ عکس بزرگان و اولیاء بود که اکثراً از بغداد بودند و عکس شما را هم دیدم که خود به‌خود به‌صورت مستقیم و جلسهٔ بزرگی نمایان شد و شما بالای سکوئی سرسبز و بوستانی نشسته بودی و مجری برنامه می‌خواست نام شما را برای موعظه اعلان کند و مردم منتظر بودند، اما همین‌که نام شما را خواست اعلان کند، نام ملااحسن زارعی را بُرد که درآن وقت بسیاری از علما علی‌الخصوص کُرد که بی‌ریش هم بودند، بلند شدند. ۲. وقتی ذکر قلبی می‌کنم، احساس می‌کنم شخصی با چنان تندی می‌آید که زمین می‌لرزد، اما وقتی می‌بینم کسی نیست وگاهی احساس می‌کنم گردنم خیلی بلند شده است، ۳. چه‌کار کنم و چه دعایی بخوانم که محبت و یقین خداوند متعال در دل بیاید؟).

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

خداوند کریم به‌علم دین و اخلاص و عمل موفق گرداند.

عزیزم! خواب شما خیلی مبارک است. امید است که جنبشی تازه و دینی در مناطق شما

رخ دهد و موجب اصلاح مردم باشد؛ از قبیل علم باشد یا عرفان.

حالت ذکر هم خوب است موفق باشید.

از کثرت ذکر و تلاوت قرآن مجید، در یقین و محبت الهی ازدیاد و ترقی پیدا می گردد. التماس دعا دارم.

۱۲ ذیقعده ـ ۱۴۲۱ هـ.ق.

مکتوب ۱۰۰۴

در جواب خواهری در مورد عرفان و حق وا لدَین

(در آغاز جوانی و سال آخر دبیرستانم. در سنین نوجوانی به دلیل سهل‌انگاری‌های پدر و مادرم، کم مانده بود که در منجلاب فساد غرق شوم؛ به‌طوری‌که حتی تا دوم دبیرستان نمی‌دانستم تسبیح به دست گرفتن یعنی چه؟ اما از لطف و رحمت خداوند متعال و با کمک دوستی‌که خداوند متعال او را همچون فرشتۀ نجاتی برایم فرستاده بود، در راه رسیدن به الله قدم گذاشته‌ام اما با گذشته‌ام و به‌دلیل ظلم پدر و مادرم بر من؛ با تمام محبتی‌که به آنان دارم، اما نمی‌توانم آن‌ها را ببخشم. از شما می‌خواهم راهنمائیم کنید که چطور می‌توانم گذشته را فراموش کنم و وظیفۀ فرزندی را به‌جا آورم؟ ۲. چطور می‌توانم بیماری‌ام را درمان کنم؛ بیماری‌ای‌که درمانش تنها محبت است ولی نه محبت دنیا و مادیات بلکه محبت به الله که من در ساحل آن نشسته‌ام و آبی برای آشامیدن نمی‌یابم. از این همه معصیت و از این نمازهای بی‌اخلاص و از تمام دروغ‌ها و غیبت‌ها و در یک کلام از این دنیا خسته شده‌ام، راهنمائیم بفرمائید که چطور می‌توانم محبت الله تعالی را بدست آورم؟).

دختر محترمه‌ام! وعلیکم السلام و رحمة اللّه و برکاته؛ امابعد:

نامۀ شما رسید و ملاحظه شد و از هدفش مطلع گردیدم.

۱ـ پدر و مادر انسان اگر هر قدر ظالم بر فرزند خود باشند، باز هم فریضـۀ اولاد اطاعـت و عفو است. لذا شما هم به خوشی کامل از آن‌ها عذر خواهی کنید و خود را جلو ایشان مقصر بدانید و مامضی را صلوات بگویید.

۲ـ محترمه‌ام! درمان محبت الله سبحانه و تعالی پنج چیز است:

۱) کثرت ذکر الله تعالی.

۲) پایبندی به فرایض اسلامی.

۳) اتباع از سنت‌های نبی کریم صلی‌الله‌علیه‌وسلم.

۴) صحبت (و مجالست با) دوستان خدا.

۵) علاقه با کتاب آسمانی (قرآن کریم).

حکیم سنایی غزنوی رحمه‌الله می‌سراید:

درجهان دردی طلب کان عشق سوز جان بود

پس به جـان و دل بـخر گـر عاقلی ارزان بـود

چاره تا کـی جویی از درمان و درد دل هـمی

رو به تـرک جـان بگو دردت همه درمان بـود

تا کـی انـدر انجمن دعوی ز هـجر و وصل یار

نیست شـو در راه تا هـم وصل و هم هجران بـود

گــر همی حق پرسی از من عاشقی کار تو نیست

زانکه می بینم کـه میلت با هــوا یکسان بود

عشق بازی زیبد آن کس را کـه جـان بازد به عشق

ذبح معـظم جـان او را دیّت قربان بـود

این چنین است ار بـرانـی تعبیه در راه عـشق

هـر که را در دل محبت، آتش اندر جـان بـود

آتش خلّت بـر آور بانگ ـبر جبریل زن

آتش نمـرود بین کـاندر زمـان ریـحان بود

در دبـیرستان عـشق از عاشقان آمـوز ادب

تا تو را فردا ز عزت بهره‌ی مردان بود

محترمه‌ام! همان طور که تقاضا کردید، دعا می کنم که به اهداف خود موفق باشید و خداوند کریم در هر امر نیک حسب دلخواه شما نیازت را برآرد.

شیخ احمد جام نَوَّرَاللهُ مَرْقَدَهُ می‌فرماید:

مـن از دل سـرّ دل مـی گـویم امـا — رمـوز سـرّ دل بـی دل چـه دانـد
بیـا در حلقـهٔ دیوانگـان بـاش — که عاقل نکتهٔ مشکل چـه دانـد
دلـی بایـد ز قتـل عشـق رنجـور — کـه هـر بـی‌دل دوای دل چـه دانـد
رمـوز عشـق احمـد کـرد تشـریح — نکـات عشـق را جاهـل چـه دانـد

و نیز شیخ فریدالدین عطّار نیشابوری قُدِّسَ سِرُّهُ می‌فرماید:

کیست که از عشق تو پردهٔ او پاره نیست
و ز قفس قالبش مرغ دل آواره نیست
هست همه گفتگو با می عشقش چه کار
هرکه درین میکده مفلس و این کاره نیست

شما را به خدا می‌سپارم.

۱۲ ذیقعده ـ ۱۴۲۱ هـ.ق.

مکتوب ۱۰۰۵

به خواهری در ترغیب به محبت صالحین و از احوال خویش نوشته بود

(نوشته بود: مدتی است نامه ننوشته‌ام چون فهمیدم از من گناهکارتر نیست. احساس می‌کنم هر روز از خداوند متعال دورتر می‌شوم و مرا دوست ندارد. از خودم و از زندگی و از هر چیز بدم می‌آید به همین خاطر این توفیق را نمی‌دهد که از بندگان خوب درگاه او باشم. از عذابی‌که در انتظارم هست، می‌ترسم به‌خاطر ترک عبادات و ارتکاب گناهان. نمی‌دانم چه کنم و چطور بر نفس و شیطان غلبه پیدا کنم؟. گاهی به عبادت علاقه پیدا می‌شود ولی بعضی اوقات نسبت به همه چیز بی‌توجه می‌شوم.

حضرت مولانا! برای من دعا کنید که مطمئناً دعای شما قبول می‌شود تا خداوند متعال مرا هدایت کند که من خیلی گمراه شده‌ام و همه درها را برای خود بسته می‌بینم).

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

عزیزه‌ام! خدا را شکر کنید. إن‌شاء الله تعالی روز به روز (به‌سوی الله تعالی) نزدیک‌تر می‌شوید. احساس کنید بلکه یقین دانید که خداوند شما را دوست داشته است که محبت راه دین و دوستان خدا به شما داده است. خداوند کریم ترا به‌عباداتش موفق گرداند و از هر گناه حفظ و محبت دوستان خود را و شوق ذکرش را در دلت زیاده گرداند.

بنده دعاگویم إن‌شاء اللّه تعالی اثر دعا به شما رسیده و می‌رسد و به همهٔ شما دعاگویم.

فکر نکنید. همین‌که خود را کم و هیچ مدان می‌دانید، کمالی خوب و عالیست.

شیخ فرید الدین عطّار قُدِّسَ سِرُّهُ می‌فرماید:

کسی کو خویش بیند بنده نبوَد	**وگر بنده بُوَد بیننده نبوَد**
به خود زنده مباش ای بنده آخر	**چرا شبنم به دریا زنده نبوَد**
در این دریا چو شبنم پاک گم شو	**که هرکو گم نشد داننده نبوَد**
فرو شَو در رهِ معشوق جاوید	**که هرگز رفتهٔ آینده نبوَد**
فلک هرگز نگردد محرم عشق	**اگر سر تا قدم گردنده نبوَد**

و نیز می‌گویند:

دل به امید وصل تو باد به دست می‌رود

جان ز شراب شوق تو باده پرست می رود

از مَیِ عشق جان ما یافت ز دور شمه‌ای

زیر زمین ز بوی آن با دل مست می رود

از مَیِ عشق ریختند بر دل آدم اندکی

از دل او به هر دلی دست به دست می‌رود

رُخ بنُمای گه‌گهی کز پی آرزوی تو
بر دل وجان عاشقان سخت شکست می‌رود
در راه تو رونده را در قدم نخستمین
نیست به‌نیست می‌فتد هست به‌هست می‌رود

۱۲ ذیقعده ـ ۱۴۲۱ هـ.ق.

مکتوب ۱۰۰۶

در جواب خواهری در تعبیر خواب و...

چند خواب دیده‌ام: ۱. دیدم در چیزی مانند هواپیمای بزرگ و سفید سوار شده‌ام و پر از زن بود اما هردو خلبان خارجی بودند و من از نظر حجاب خود راضی نبودم و از سازندۀ هواپیما احساس ناراضی می‌کردم، اما وقتی‌که پیاده شد، به من تسبیح۵۰۰ تایی شیشه‌ای داد و من به او تسبیح ۵۰۰ تایی چوبی دادم. ۲. دیدم چند بار نماز عصر را که اشتباه می‌شد، دوباره می‌خواندم. ۳. خواب دیدم مفتی مدرسۀ ما در تلفن من را به جلسه و جشن مدرسه دعوت می‌دهد. ۴. دیدم جشن نامزدی است و شیرینی زیاد ریخته می‌شد، ولی خواهر ۱۶ ساله‌ام برهنه و لُخت بود. ۵. کتابِ درود «دلائل‌الخیرات» را پایبندی می‌کنم آیا هنگام معذوریت هم می‌توانم بخوانم؟ ۶. همانطور که قبلاً گفتم من معلّم هستم و برای این بین سنی و شیعه در اداره‌ها تبعیض می‌شود، دارم روانی می‌شوم و از این شغل بیزارم، ولی خانواده‌ام از نظر مالی ضعیف است و خودم بدهکارم و مادر هم نمی‌گذارد استعفا دهم (چه کار کنم؟). هنگامی‌که دست‌های زحمت‌کش‌تان را بالا می‌برید، این حقیر را یاد کنید).

دختر محترمه‌ام!... قنبرزهی وعلیکم السلام و رحمة اللّٰه و برکاته؛ امابعد:

نامۀتان رسید و خوشحال شدم. خداوند کریم شما را از همه آفات حفظ کند و به راه مستقیم هدایت عطا فرماید.

خوابی‌که دیده‌اید، خواب خیلی مبارکی است. هواپیما، تعبیر راهنمای بزرگ دینی دارد. سوار شدن شما در آن، تحصیل هدایت به راه دین مستقیم است. این خلبان یکی از معاونان راهنمای دین است. دادن تسبیح، اشاره به آن است که شما به ذکر و تسبیح متوجه بشوید.

خواب دوم، خواب مفتی صاحب هم خوب است. این داعی، سروش غیبی بود که شما را به علم دین و تحصیل دینی متوجه کرد.

خواب [جشن نامزدی و تقسیم] شیرینی هم مبارک است. لُختی خواهرت، اشاره بـه کـم توجهی او در امور دینی است.

در هنگام معذوری فقط دو چیز ممنوع است: یکی نماز و دیگری تلاوت قرآن. دیگر همه اشکال ندارند؛ مثل ذکر و درود و تسبیح وغیره.

شما الآن شغل معلّمی خود را ترک نکنید البته در همین حـال هـم از خـدای خـود غافـل نشوید. همین معلّمی شما یک نوع خدمت به والدین شما هست.

بنده دعاگویم پریشان نشوید شما را به خدا می‌سپارم.

۲۴ ذیقعده ـ ۱۴۲۱ هـ.ق.

مکتوب ۱۰۰۷

در جواب خواهری که نوشته بود:

(۱. شنیدم به زیارت حرمین شریفین رفته‌اید. خوشا به حال شما و شاید تنها این آرزوی من است و نمی‌دانم خداوند متعال قبول می‌کند یانه؟ ۲. آیا در مذهب ما دست خواهری دادن قبول است و به چه صورت انجام شود؟ چون روز غدیرخُم انجام داده می‌شود. به امید دیدار که چه وقتی شما را از نزدیک ملاقات کنم، خیلی دوست دارم ولی چه کنم؟ همیشه در این فکر هستم که شما را ببینم).

دختر محترمه! وعلیکم السلام و رحمة اللّه و برکاته؛ امابعد:

نامهٔ مورخ ۷۹/۱۱/۱۶ شما رسید و خوشحال شـدم. بنـده بـرای شـما متعلقـین در حـرمین شریفین دعا کرده‌ام، الله تعالی قبول فرماید. خداوند کریم آرزوی شما و تمام مسـلمانان را بـه زیارت خانهٔ خود و زیارت گنبد خضراء رسول خود قبول و عملی فرماید.

نزد اهل‌سنت دست دادن، ثبوتی شرعی ندارد.

تمنای ملاقاتی از نزدیک نکنید بلکه سـعی کنیـد کـه محبـت غایبانـه و ارادت مخلصـانه

برقرار بماند.

برای وظایف خود مثل نماز و ذکر و تلاوت قرآن کریم سعی کرده باشید. اگر به این وظایف ادامه دهید، ملاقاتی و رفاقت اخروی را امیدوار باشید. التماس دعا دارم.

۲۴ ذیقعده ـ ۱۴۲۱ هـ.ق.

مکتوب ۱۰۰۸

در جواب خواهری در مورد بیعت غایبانه و راهنمایی

(خواهانم مرید شما بشوم و از قبل استخاره هم کردم و خیر فهمیدم، ولی چون از جنس مؤنث هستم، امید قبولی را از جانب شما کمتر می‌بینم اما می‌دانم خداوند راه عرفان و شناخت خود را تنها برای مردان نگذاشته بلکه همانطور که مردان بدین وظیفه مؤظفند، زنان نیز و پیامبر هم زنان را بیعت داده‌اند و نیز دیر باز است که در زنان جامعهٔ اسلامی زنان به‌نامی یافت نشده است و من دلیل آن‌را کم‌توجهی به‌تربیت این قشر می‌دانم لذا خواهشمندم خواستهٔ مرا رد نکنید؛ چون در مکتوبات خواندم آقای عبدالرحمن جاویدان از طریق نامه بیعت کرده اگر امکان دارد من هم با شما چنین بیعت نمایم. من حافظ ۱۹ جزء از قرآن عظیم الشأن و در حال خواندن حفظ و دورهٔ دروس دینی هستم و دیپلم دارم و به جماعت هم رفته‌ام. امیدوارم مرا ناامید نسازید. (سپس چند خواب بشارت‌آمیز نوشته بود)).

دختر محترمه و عفیفه‌ام... عیدخانی! وعلیکم السلام و رحمة اللّه و برکاته؛ امابعد:

نامهٔ شما رسید و خوشحال شدم.

بنده جواب نامه‌های قبلی شما را مثل این‌که فرستاده‌ام و در همان نامه به‌طریق بیعت غایبانه راهنمایی کرده‌ام. اگر به‌دست شما رسید، ملاحظه کنید و همان‌طور عمل کنید. احقر از دیر مدت است که زن‌ها را هم راهنمایی می‌کنم و بیعت هم می‌دهم. الحمد للّه بسیاری از زنان در راه عرفان قدم نهاده و می‌روند. در تربت‌جام خراسان چندتایی از زنان و در زاهدان و ایرانشهر و جاهای دیگر هم هستند. خداوند کریم در عرفان و حفظ و علم شما برکت و اخلاص و استقامت عطا فرماید و برای تبلیغ و تدریس موفق باشید.

خواب‌های شما خیلی مبارک‌اند. بنده همان‌طور که به‌خدمت مردان مسلمان این امت

مأموریت راهنمایی علمی و عرفانی دارم، به قشر زنان این امت مرحومه نیز همان مأموریت را انجام می‌دهم؛ تا قید حیات خود إن‌شاء الله تعالی. شما زنان تصور نکنید که راهنمایی دینی فقط برای مردان است. [خیر بلکه] این هردو گروه مخاطب و مکلّف دستور خداوند جلّ جلاله و رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم هستند بلا فرق و إمتیاز.

بنده به مرید کردن امثال شما زنان سوادددار دینی و پرهیزکار، افتخار دارم و از خدای خود سپاسگذارم که خدمتی ناچیز برای بندگان او می‌کنم و مرا به این داشته است.

در مورد داروی گوش نوشته بودید[1]، بگیرید قشر پیاز سرخ ۸ عدد و قشر سیر ۵ عدد در مقداری تیل (روغن) مَنده جوش دهید چون قشرها سیاه شوند، بنهید. بعد از سرد شدن از قشرها صاف کرده و در شیشه نگهدارید و هر شب وقت خواب دو تا سه قطره در گوش بچکانید. بعد از ده روز، اگر رو به بهبودی شد، تا آخر استعمال کنید و اگر اثری پیدا نشد پس، مجبورید و به دکتر مراجعه کنید. اگر جرّاح زن موجود باشد که بهتر و اگر نباشد، بنابر ضرورت به نزد جرّاح مرد هم گنجایش دارد.

شما را به خدا می‌سپارم و التماس دعا دارم.

۲۶ ذیقعده – ۱۴۲۱ هـ.ق.

مکتوب ۱۰۰۹

در جواب طلبه‌ای در اندرز و راهنمایی

(نوشته بود: من پسری ۱۵ ساله و در دبیرستان مشغول تحصیل هستم و به خاطر تعریف‌هایی‌که دربارهٔ شما شنیده ام، نامه ای نوشتم و درخواست کردم که مرا با دریای بی‌کران عرفان بیشتر آشنا کنید، اما مدت‌ها است که جوابی دریافت نکردم اکنون این دومین نامه است. امیدوارم آن‌را جواب بدهید و بنده را برای ورود به دنیای عرفان راهنمایی نموده و برای سعادت من دعا کنید).

عزیزم ساربانی! وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

۱- متأسفانه در دفتر مسوّدات در متن سؤال سایل محترمه چیزی نقل نشده بود و معلوم نمی‌شود که در علاج چه بیماری‌ای از بیماری‌های گوش سؤال کرده است.

نامهٔ شما رسید و خوشحال شدم. عزیزم! تعریف‌های زیادی که در حق بنده شنیده‌اید، محض حسن ظنّ‌اند از مسلمانان وگرنه خودم چیزی نیستم. بنده تا حال از عرفان آشنایی کاملی پیدا نکرده‌ام. خداوند من و شما را به‌عرفان کامل آگهی بخشد و از مزایای عرفانی باخبر گرداند. خداوند کریم ما و شما همه را سعادت دارین نصیب فرماید.

راهنمایی در مورد عرفان را چون به‌دست یکی از عارفین بیعت کردید، از او بپرسید.

شما را به خدا می‌سپارم.

۲۷ ذیقعده – ۱۴۲۱ هـ.ق.

مکتوب ۱۰۱۰

در جواب خواهری در ترغیب به ادای فرایض

(نوشته بود: در پیش دانشگاهی مشغول به‌تحصیل هستم و به امر تحصیل بسیار خوشحالم. پدرم مشغول کار و برادرم از زندان آزاد شده‌است. من از مرگ خیلی می‌ترسم و شب‌ها کابوس می‌بینم و اطرافیان می‌گویند تو کافری که از مرگ گریزانی ولی بدون دربایستی من گاهی حرف‌های خلاف شرع می‌زنم، مسایل کوچک را بزرگ می‌بینم و عصبانی می‌شوم امیدوارم مرا راهنمایی بفرمایید. پدرم از آن درد خانمان‌سوز نجات پیدا نکرده و آن دعا را مخفیانه به او خوراندم).

دختر محترمه‌ام مرادی! وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

حال بنده بد نیست خداوند کریم شما را به اهداف صحیح‌تان پیروز گرداند.

از این‌که پدر محترم مشغول به‌کار و برادرتان آزاد شده است، خدا را شکر کنید. این همه احسان خداوند کریم است بر بندگان خود، اما انسان کماحقه سپاسگذار نیست و ناسپاسی می‌کند. بزرگترین سپاسگذاری بنده، ادای فرایض و طاعات و بندگی اوست. باید من و شما همه تن خود را به بندگی او بسپاریم. آینده و مستقبل شما بهترین مستقبلی است، اما به شرط آن‌که از ادای فرایض او غافل نشوید و سعی کنید که بندگی آن ذات اقدس جلّ‌جلاله را ادامه داده باشید.

ترسیدن از مرگ بد نیست و اگر سورهٔ فاتحهٔ شریف و چهار قُل و آیهٔ کرسی را بخوانید و

بر بدن خود دم بزنید، إن‌شاء اللّه حملۀ کابوس گم می‌شود.

تا می‌توانی حرفی خلاف شرع نزنید؛ زیرا درآن ضرر دین و دنیا موجود است.

خداوند کریم پدر و تمام خانوادۀ شما را هدایت و اصلاح فرماید. اگر می‌توانید با پـدر و برادران به‌لطف و ملایمت صحبت کنید و ایشان را برای اتفاق و اتحاد ترغیب کنید.

۲۷ ذیقعده – ۱۴۲۱ هـ.ق.

مکتوب ۱۰۱۱

در جواب خواهری در راهنمایی در مورد رفع مشکلات

(نوشته بود: من از طریق دوستان با شما آشنا شدم و دوست دارم مثل آنان مشکلات خود را با شما درمیان بگذارم. من از داشتن پدر محرومم و در پیش دانشگاهی درس می‌خوانم. زمانی‌که پدرم زنده بود، شاگرد ممتاز بودم، اما با فوت پدرم، در امر تحصیل مشکل و افت دارم. موقعی‌که کتاب را برمی‌دارم، یادم می‌آید و نمی‌توانم کلمه‌ای بر زبان بیارم حالا شما به‌جای پدرم هستید، مرا راهنمایی کنید تا بتوانم از این به بعد که وارد دانشگاه می‌شوم، درس بخوانم. پدرم! من زود رنج، تندخو، خجالتی هستم و مسایل کوچک را بزرگ تلقی می‌کنم. مشکل دیگر این که نماز خواندن را فراموش می‌کنم، وضو می‌گیرم ولی به‌خدا فراموش می‌کنم نماز بخوانم. چهار برادر دارم که فقط یکی ازدواج کرده، برای‌شان دعا کنید تا به آرزوهای شان برسند چون واقعاً فقیر هستند و مادرمان پیر شده و آن‌ها فکر می‌کنند چگونه ازدواج کنند. خواهشمندم ما را راهنمایی کنید و برای‌مان دعا بفرمایید).

دختر محترمه‌ام شهریاری! وعلیکم السلام و رحمة اللّه و برکاته.

دخترم! برای مشکلات خودتان بعد از هر نماز صد بـار «**یـالطیـف**» را وظیفـه کنیـد و اول وآخرش سه سه بار درود هم بخوانید، بعداً به مشکلات خود دعا کنید. این عمـل را تـا ده یـا بیست روز انجام و ادامه دهید.

نماز را ادامه دهید بعد از این‌که نماز را ادامه دادید، با بنده دو مرتبه تماس بگیرید، شـما را مرید می‌کنم و به ذکر خدا آشنا می‌کنم. بـار بـار بـه دل خـود تکـرار کنیـد کـه «محمّـدعُمر ملازهی نقشبندی» من را به نماز تأکید کرده است و حتماً نماز می‌خوانم، (بدین ترتیب به ادای

نماز) موفق خواهید شد؛ إن‌شاء الله فراموش نمی‌کنید. بنده دعاگو هستم موفق باشید.

دختر عزیزه، عفیفه و محترمه‌ام! شما و برادران و خواهرانتان همه به عبادت خداوند کریم رجوع کنید همه مشکلات شما را خداوند کریم رفع می‌کند. شما را به خدا می‌سپارم.

۲۷ ذیقعده – ۱۴۲۱ هـ.ق.

مکتوب ۱۰۱۲

به شاگردی در راهنمایی به دفع امراض روحانی و پاسخ به چند سؤال

نوشته بود: ۱) من هر کاری را؛ مثل درس خواندن، خوب کردن اخلاق، خدمت به پدر و مادر و... شروع می‌کنم، در اول علاقه دارم دوباره به حالت اول بر می‌گردم. در این مورد راهنمایی کرده و ذکری بگویید تا عادات بد از من خارج و صفات خوب داخل شوند، ۲) فکرم با امر ازدواج پَرت شده، آیا در چه سنّی مناسب است ازدواج کنم؟ ۳) وردی بگویید که حافظه‌ام قوی گردد و در درس خواندن موفق شوم، ۴) هرچه در دل خودم دارم، آن‌را به رفیقان می‌گویم و نمی‌توانم زبان را نگهدارم. آیا رازها را به کسی بگویم؟ ۵) چندی از کتاب‌های شما را خوانده‌ام و علاقه به راه عرفان دارم، چگونه این راه را فراگیرم؟ ۶) بنده شوق خواندن کتاب‌های شما را دارم، ولی کتاب‌ها نیستند و پول خرید را ندارم، لذا چند نسخه در مورد علم و عرفان بفرستید و چگونه آن‌ها را فراگرفت؟.

فرزند عزیزم! وعلیکم السلام و رحمة اللّه و برکاته؛ امابعد:

۱ـ عزیزم برای تمام امراض روحانی بعد از هر نماز «**لاحول...**» را صد یا پنجاه بار بخوانید.

۲ـ اگر غلبۀ خواهش (به‌زن و ازدواج) هست، در همین زمان ازدواج کنید و تحصیل علم را ادامه دهید.

۳ـ بعد از هر نماز «**یاقوی**» را ۱۱ بار بخوانید و به کف دست دم بزنید و بر پیشانی بمالید.

۴ـ اگر می‌توانی راز دل را به هرکس نگویید.

۵ـ نزد عارفی بیعت کن و اتباع شریعت و سنت را لازم بگیر و دوام ذکر را یاد بگیر.

۶ـ الآن اکثر کتاب‌هایم تمام شده‌اند و اگر اینجا بیایید، از هرکدام که موجود باشد، به شما یک عدد مجانی می‌دهند. خداوند کریم ما و شما را موفق گرداند.

۲۷ ذیقعده – ۱۴۲۱ هـ.ق.

مکتوب ۱۰۱۳

در جواب خانمی در مورد خرابی و حرمت موسیقی و...

۱) من قبلاً نمی‌دانستم تسبیح یعنی چه؟! اما به لطف خدواند فرشتهٔ نجاتی مرا رهاند و پیشرفت های چشمگیری داشته‌ام. ۲) مسألهٔ مهمی دارم و در مورد موسیقی است نه موسیقی غربی و ترانه‌ها بلکه همین موسیقی و ترانه‌های انقلابی. در کتاب «حلال و حرام» نوشته: در صورتی‌که تحریک کننده نباشد، مباح است ولی فقه حنفی ما می‌گوید همین هم فسق به بار می‌آورد و حرامست. آیا می‌شود بین دو فرقه از یک مذهب این‌قدر تفاوت باشد! مگر می‌شود شافعی بگوید مباح است و حنفی بگوید حرام!. فکر می‌کنم با این حرف‌ها که تلویزیون نگاه نکنید، موسیقی انقلابی و عارفانه گوش نکنید، مردم را از دین می‌رهاند. چرا به‌جای مسایل اساسی به این‌ها پیله کنیم؟ واقعاً از آواز قرآن لذت می‌برم ولی نمی‌شود آدم همیشه قرآن گوش کند. گاهی یک موسیقی، آرام بخش دهندهٔ روح و آماده کننده برای عبادت می‌شود. من با نوارهای ترانه به شدت مخالفم، اما نه با موسیقی و سرودهای انقلابی. برای هدایت من و خانواده‌ام و تمام مسلمانان دعا کنید).

وعلیکم السلام و رحمة اللّه و برکاته؛ امابعد:

جواب نامهٔ قبلی را فرستاده‌ام إن‌شاء اللّه تعالی به‌شما می‌رسد و راهنمایی را درآن نوشته‌ام.

در موضوع موسیقی نوشته بودید. باید دانست که در مذاهب بین مسایل فروعی اختلاف و فاصله هست. اما نزد ما و شما حنفیه اگر آن سرودها دینی باشند مثل حمد خدا و نعت رسول و پند و اندرز و مضمون عرفانی و موضوع جهاد وغیره، شنیدن آن نوارها برای زن هم جایز است البته اگر سرودهای غیردینی باشند، روا نیست.

این مسلّم است که من و شما با نور قرآن کمتر مناسبت داریم پس، بدین علت شنیدن آن‌ها در مزاج ما چندان انقلاب نمی‌آورد و سرودها که مقام پایینی و به ناقصان امثال ما بیشتر مناسبت دارند، از این وجه بیشتر مؤثر و انقلاب آور در دل و روح می‌باشند. التماس دعا دارم.

۲۷ ذیقعده – ۱۴۲۱ هـ.ق.

مکتوب ۱۰۱۴

در جواب طالب العلمی در راهنمایی و تعبیر خواب

۱. بنده خواب دیدم که نماز را باجماعت در مدرسه خواندم و برای ادای سنت‌ها می‌خواستم به مسجد بروم، در وسط راه سگی سفید رنگ که از اهالی همین روستا بود، بر من حمله‌ور شد به‌خود جرأت بخشیدم و چند کلوخ زدم، کمی باز آمد و در مسیر گاوی بود که لاشهٔ حیوان می‌خورد. بعد آن سگ حرف زد به‌فارسی در همین وقت احساسم شد که این سگ... (فلانی) است، ۲. دیدم عمویم که مولوی است، زیبا قرائت می‌خواند یک گاو به محض شنیدن آواز به وَجد درآمد. سؤال: ۱) هدف از ذکر یا از هر عبادتی چیست؟ ۲) چه اعمالی به مخلص شدن انسان کمک می‌کند؟ ۳) نام چند تن از اولیاء الله که در جهان زنده‌اند، با محل سکونت‌شان یادداشت بفرمایید. ۳) آیا علامه اقبال لاهوری رحمه‌الله اهل طریقت بوده است یا نه؟ ۵) موقع و وقت ابتدایی و انتهایی تهجد را بنویسید.

فرزند عزیزم! وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

نامهٔ شما رسید و ملاحظه گردید.

خواب‌های شما الحمد لله همه خوبند. ...(فلانی) را که به‌آن صورت دیدی، این شیطان بود می‌خواست که تو را بدبین کند و به رنگ‌های مختلف گردیدنش، همین معنا دارد. گاو لاشه خور که در خواب دیدی، سال‌های قحط‌اند که سال‌های آبادی را از بین برده‌اند.

خواب دوم اشاره است که حیوان‌ها هم از قرآن کریم تأثر دارند، اما انسان‌ها از آن بی‌خبرند.

۱ـ هدف اصلی در عبادات فقط و فقط رضای خداوند تعالی باشد و بس. دیگرها همه در ضمن آن حاصل می‌شوند و دیگر: اظهار بندگی و امتثال دستور خداوندی است.

۲ـ وسیلهٔ اخلاص این سه چیز است: کثرت ذکر الله، صحبت مخلصین و قصر نفسی.

۳ـ بنده اهل کشف نیستم و از حال اولیاء زنده باخبر نیستم.

۴ـ شنیده‌ام که اقبال اهل درد و طریقت بود.

۵ـ وقت تهجد بعد از نماز عشاء شروع می‌شود و تا صبح صادق ادامه دارد.

۹ ذیحجه – ۱۴۲۱ هـ.ق.

مکتوب ۱۰۱۵

در جواب یکی از طلبه در تعبیر خواب و توجیه احوال

(نوشته بود: ۱. خواب دیدم پشت‌سر شما نماز می‌خوانم، ۲. دیدم شما ایستاده بودید و مریدان و من هم بودم و شما بسیار با هیبت بودید. یکی آمد و سنّی شد وگفت دست را بر پشتم بزنید، ۳. دیدم رفتم نزدیک غار حراء و می‌خواستم بالا بروم یکی پایین آمد وگفت انسان فکر می‌کند ارتفاع کوه چهار متر است، ولی وقتی می‌روی چهارصد متر است، ۴. دیدم گویا گاز باز بود و خانه پر از دود وگاز شده بود و می‌خواست منفجر بشود، یکدفعه گویا حاج امدادالله مهاجر مکی تشریف آورد و داخل خانه مشغول نماز شد من خوشحال شدم و نجات کردیم، ۵. دیدم سرم به شدت مشغول ذکر است. و اما حالات: ۱. این روزها وقتی به ذکر می‌نشینم، یکدفعه اسم ذات به شدت جاری می‌شود که سرم را به درد می‌آرد و گاهی اگر تنها باشم یا بخوابم همین‌طور می‌شود و روز به روز بیشتر می‌شود. اگر این حالت محمود است، خوشحالم و بعضی این‌را دیوانگی می‌دانند، ۲. وقتی راه می‌روم قلب مشغول ذکر است، ۳. وقتی می‌خوابم حرکتی در گوشم هست که اسم ذات را ذکر می‌کند و گاهی خوابم نمی‌آید و ذکر می‌کنم، ۴. خیلی از امور را چند لحظه قبل احساس می‌کنم و در ذهنم می‌آید، ۵. به ذکر بسیار حساس شده‌ام و محبت عجیبی دارم و شما را فوق‌العاده دوست دارم، ۶. گاهی سرم گیج می‌شود، لطیفه‌ام مشغول ذکر می‌شود و احساس می‌کنم در دنیای دیگری هستم، ۷. تمامی فکرم به عرفان شده و به بزرگان علاقه مند شده‌ام و در دل قبل از هر وقتی نفرت گناه می‌آید و حواسم وقت درس و تکرار جمع نمی‌شود.)

فیض روح القدس از باز مدد فرماید دیگران هم بکنند آنچه مسیحا می‌کرد

از احقر هیچ مدان به خدمت پسر ارجمندم زاد فضله و شوقه!

السلام علیکم و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

الحمد لله حال احقر بد نیست خداوند کریم آن پسر ارجمند را از همه آفات و بلیات زمانی و زمینی و تغیّرات آفاقی و أنفسی و از شرّ آشوب‌های آخر زمانه‌ای در حصن حَصین خود محفوظ و مصون دارد.

جان من! این همه خواب‌ها و حالات که در مبادی سلوک و عرفان رخ می‌دهند؛ مثل کشف وکشف قلوب و پیش‌بینی‌ها و... همه هدف اصلی عرفان نیستند بلکه همه به منزلهٔ جَوز و کشمش‌اند که بچه‌ها را تسلی می‌دهند و به همین وسیله به‌آن طرف تشویق می‌کنند. هدف

اصلی در این راه دوام ذکر و مراقبه با اتباع سنت و طلب رضای مولٰی است و بس. کار همین است دیگر همه هیچ.

حالات شما نیز الحمد لله بسیار خوبند خدا را شکر کنید، ولی منزل دور است. معلوم می‌شود که شما به این راه مناسبت دارید.

ای بی‌خبر بکوش که صاحب خبر شوی دیدهٔ احقر و دل همراه توست

خواب اول شما بر إقتداء و مناسبت با بنده دلالت دارد و از دوم معلوم می‌شود که إن‌شاء الله همسایه‌ها هم از این نسبت متأثر خواهند شد.

خواب سوم دلالت بر محبت قلبی شما به‌آثار صاحب رسالت ﷺ می‌کند.

چهارم دلالت می‌کند که گاز پُردود، بدعات و رسوم آن مناطق‌اند که در وضعیت بحرانی است. امید است که شرعاً و عرفاناً از شما اصلاح پیدا کنند. ظهور شیخ العرب و العجم رحمه الله اشاره به نسبت علوم دیوبندیت است.

خواب پنجم از همه خواب‌ها برتری دارد.

حالاتی که ذکر کرده‌اید، همه مبارک‌اند. این همه از نیرنگی‌های ذکر است محل پریشانی نیست. هر چه می‌آید بگذار. حافظ رحمه الله می‌فرماید:

گدای کوی تو از هشت خلد مستغنی‌ست

اسیر عشق تو از هر دو عالم آزاد است

گر چه مستیِ عشقم خراب کرد ولی

اساس هستی من زان خراب آباد است

برو فسانه مخوان و فسون مدم حافظ

کزین فسانه و افسون بسی مرا یاد است

و نیز می‌فرماید:

صبر کن حافظ به سختی روز و شب عاقبت روزی بیابی کام را

(و نیز می‌سراید):

هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد به عشق — ثبت است بر جریدهٔ عالم دوام ما

(و نیز می‌سراید):

عزیزم دیدار تو دارد جان بر لب آمده — باز گردد یا برآید چیست فرمان شما

دل خرابی می‌کند دلدار را آگه کنید — زنهار ای دوستان جان من و جان شما

(و نیز می‌سراید):

ای نسیم سحر آرامگه یار کجاست — منزل آن مَهِ عاشق‌کُش و عیّار کجاست

هرکه آمد به جهان نقش خرابی دارد — در خرابات بگویید که هشیار کجاست

آن کس‌است اهل بشارت که اشارت داند — رمزهاهست‌بسی‌محرم‌اسرار کجاست

بنده (رحمه الله) می‌گوید:

بکوش امداد تا باشی به امداد خداوندی — یکی از بندگان خاص دربار خداوندی

بشو دایم زکُوی خواجگان نقشبندی‌ها — طلبکاری ز نسبت های شان تا نقش بربندی

بیار آن‌عشق‌زوسازندنورقلب‌وروحت‌را — به‌عرفان‌می‌رسانندت‌شوی‌محرم‌چوآن‌رندی

زجام‌ساقی‌وحدت‌بنوش‌ای‌جان‌من‌نفرت — ز غیر عشق محبوبت اگر نخ با «عُمر» بندی

مزید التماس دعا دارم.

۹ ذیحجه - ۱۴۲۱ هـ.ق.

مکتوب ۱۰۱۶

در جواب شاگردی در تشویق و ترغیب به ادامهٔ تحصیل

(نوشته بود: گرفتار وسواس شیطانی هستم. در مورد ذات یگانهٔ پروردگار افکار بد می‌آید. در وقت گفتن نام «الله» شیطان لعین معنی بدی (کلمات ناسزا و ناروا) می‌آورد و من دفع می‌کنم. او می‌خواهد مرا از الله دور کند. قبلاً این فکرها خیلی زیاد بودند ولی حالا کم شده‌اند. نمی‌توانم ذکر کنم و به نحو احسن نماز بخوانم. لطفاً جهت رفع این وساوس راهنمایی و برای هدایتم دعا بفرمایید).

وعلیکم السلام و رحمة اللّه و برکاته؛ امابعد:

خداوند کریم وساوس شما را رفع کند و توفیق ذکر و نماز به‌نحو احسن عطا فرماید. پریشان نشوید، از همّت و إلتجاء به دربار خداوند قاضی الحاجات کار گیرید و زمانی که این افکار تنگ کنند «**لاحول...**» را تکرار کرده و اسم «**یا لطیف أُلطُف بی**» را بسیار ورد کنید إن‌شاء اللّه برطرف خواهند شد. مزید التماس دعا دارم.

۸ذیحجه – ۱۴۲۱ هـ.ق.

مکتوب ۱۰۱۷

به مولوی ... صاحب که در مورد ادای تشکر از نجات از مصایب و... نوشته بود

(قبل از این نیز با چند نامه مزاحم شده‌ام، الحمد لله مفید واقع شد. این بار می‌خواهم تشکر و امتنان کنم که بالآخره ادعیهٔ مستجاب شما رنگ آوردند و الله تعالی مسألهٔ مهم حوزهٔ علمیه محمدیه زابل را حل فرمود بدین صورت که إدعای اهل حوزه با قلم فرزندان مولانا محمدگل تأیید و تثبیت شد و شاکی من و حافظ محمّدعلی رضایت داد...، اما آن‌چه مرا نگران کرده، سه سال تبعید است زیرا برایم محروم شدن از معیت و خدمت اهل علم و طلاب سخت است. گرچه مردم شهر از رفتن بنده به آن‌جا استقبال می‌کنند، اما حوزه، آشیانهٔ ماست که دل کَندن از آن بسان دل کَندن از اعضای محبوب خانواده می‌باشد. محتاج ادعیه و راهنمایی).

محترم بنده جناب مولوی صاحب! زاد فضله السلام علیکم و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

نامهٔ آن محترم رسید و موجب مسرّت گردید و چون در آن سه حال مسرّت‌آمیز تحریر بود، شکر خدا را گفتم و برای این هر سه امر از ته دل دعا کردم و خیلی خیلی خوشحال شدم. خداوند کریم همیشه این حوزه را به‌لطف و کرم خود حفظ و موجب إحیای دین و سنت بگرداند و کارکنان آن‌را اخلاص و استقامت نصیب فرماید؛ خصوصاً الله سبحانه جناب را حفظ فرموده و یکی از خدّام با اخلاص دین مبین گرداند و جناب مولوی حافظ محمّدعلی را نیز.

این تبعید هم بسی حکمت دارد، پریشان نشوید. إن‌شاء الله تعالی به‌تقریب تبدیل خواهد شد. چند روزی به‌حکمتی شما را از نفعی عمومی به نفعی دیگر تبدیل کرده‌اند که این همه از

مقادیر یزدان لایزال است. شعر:

به رنج و راحت گیتی مرنجان دل مشو خرّم

که آیینهٔ جهان گاهی چنین گاهی چنان باشد

***

گرچه تیر از کمان همی گذرد　　　از کـمان دار بیند اهــل خــرد

الله تعالی اولیا و علمای ربانی را گاهی به جمال و گاهی به جلال پرورش می‌دهد. بسا است که این از آن دیگر برای بنده افضل و اولی است و او حکمت مخفی را نمی‌داند فتدبر.

ابر و باران تا نبارد گل گلستان کی شود

رنج و زحمت تا نبیند مرد کامل کی شود

رومی رحمه‌الله می‌فرماید:

تا نبارد ابر کی خندد چمن　　　تا نـگرید طـفل کی جوشد لبن

ما بلا را به کس رها نکنیم　　　تا کـه او را از اولیاء نـکنیم

هر چه از دوست آید آن نکوست　　　گـر چه شهدست یا خـون جـوست

شما را به خدا می‌سپارم و التماس دعا دارم. اساتید و طلبه را سلام عرض است.

تذکر: محترما! در حق این کمینه و ناچیز در آینده الفاظ مبالغه‌آمیز ننویسید؛ مثل «قطب الأقطاب». من آنم که خود دانم. بنده خجالت می‌کشم که به خاک پای سگ دربار بزرگان و عارفان و اقطاب نرسیده‌ام.

۸ذیحجه - ۱۴۲۱ هـ.ق.

مکتوب ۱۰۱۸

در جواب طلبه‌ای در ترغیب و تشویق به ادامهٔ تحصیل

۱) در مسیر علم و عمل و دریافت اخلاص محتاج ارشادات شما هستیم. در موقع ذکر حواسم پرت

می‌شود. ۲) بعضی از طلاب به‌خاطر این‌که ما در امر دعوت فعالیت داریم، لجبازی و ضدّ می‌کنند و جلوِ ما عمداً کار خلاف طبع و گاهی عمل نامشروع انجام می‌دهند، در مقابل شان چه کاری بکنیم؟

فرزند عزیزم! وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

۱ـ به پرت شدن حواس اصلاً نگران نباشید. شیطان لعین عمداً این کار را می‌کند تا به همین تدبیر شما را بزدل کند و چنین وسواس می‌کند که ببین! این کار و ذکر تو اثر ندارد، چرا ذکر می‌کنی، چه فایده به تو می‌رسد؟ پس شما جوابگوی او بشوید که هر قدر وسواس بیاید، من بیشتر ذکر می‌کنم.بدین صورت بالآخره او هم تنگ می‌آید.

۲ـ با ایشان به‌کمال دلجویی و ملایمت و اخلاق صحبت کنید و هرچه می‌گویند تحمّل کنید آخر پشیمان خواهند شد و بنده هم دعای خیر برای این فرزندان اسلام می‌کنم. شما و آن ها همه بچه و فرزندان ما هستید فرق ندارید. ما و شما همه با هدایت کامل و خدمت دین و اصلاح خود موفق باشیم (آمین). مزید التماس دعا دارم.

۸ذیحجه – ۱۴۲۱ هـ.ق.

مکتوب ۱۰۱۹

در جواب خواهری در راهنمایی به رفع وساوس شیطانی و...

(پدر بزرگوار! مدتی است دچار وساوس شیطانی شده‌ام هرکاری می‌کنم نمی‌توانم نجات پیدا کنم. شیطان مرا فریب می‌دهد و می‌گوید اسلام یا آخرت وجود ندارد و بدتر این‌که سعی می‌کند مرا به دشنام دادن خداوند متعال و پیامبران وا دارد و مخصوصاً موقع نماز و روز به رور بیشتر می‌شود و این باعث شده که از زندگی بیزار باشم. نمی‌دانم چطوری دچار این مشکل شده‌ام. بعضی وقت‌ها می‌گویم نماز و قرآن را ترک کنم شاید قبول نمی‌شوند وگاهی دوبار نماز می‌خوانم. لذا به‌خاطر خدا برایم دعا کن شاید دعای شما نزد خداوند مستجاب شود و راهنماییم بفرما تا از این بدبختی نجات یابم).

دختر محترمه‌ام! وعلیکم السلام و رحمة اللّه و برکاته؛ امابعد:

آن‌چه از وسواس شیطانی شکایت کرده‌اید، مهم نیست. فقط وقت آمدن وسواس این دو کار را بکنید.

۱ـ در دل خود خیال کنید که خداوند، کریم و وحده لاشریک له است.

۲ـ **«لاحول...»** را روزانه بعد از نمازها ۲۵ بار بخوانید، همه مشکل‌ها حلّ خواهند شد. بنده هم دعا می‌کنم پریشان نباشید و اگر بر شما فشار بیاورد، در دل خود تصور کنید و بگویید ای شیطان! اگر هر قدر بر من وسواس کنی «محمّدعُمر» زنده است و من شکایت وساوس تو را نزد او می‌رسانم و إن‌شاء الله وساوس تو به من اثر نخواهند کرد.

۲۲ ذیحجه – ۱۴۲۱ هـ.ق.

مکتوب ۱۰۲۰

در جواب ملا حسن رمشکی در تعبیر خواب

(۱. در مدرسهٔ منبع‌العلوم در خواب دیدم که به خانهٔ حضرت علی و حضرت زهراء رضی‌الله‌عنهما رفتم. ایشان مرا به داخل خانه صدا کرد. من داخل شدم و مصافحه کردیم، دستان حضرت علی رضی‌الله‌عنه خیلی نرم بودند و حضرت فاطمه رضی‌الله‌عنها نیز نشسته بود و صورت مبارکش را دیدم ولی شرم کردم و نگاه نکردم. تعجب کردم چرا از من حجاب نکرد. گویا صبح بود و فرزندان خواب بودند بی‌بی صدای‌شان کرد و بلند شدند. حضرت حسن و حسین رضی‌الله‌عنهما کنار پدرشان و زینب و ام‌کلثوم رضی‌الله‌عنهما کنار مادرشان نشستند. نگاه‌شان کردم، گریه کردم. خوشحالم ولی کمی ناراحتم که بی‌بی چرا حجاب نکرد شاید خواب خوبی نباشد، ۲. خواب دیدم جلو اتاقم دو گاو نر و جوان و فربه بودند؛ یکی سیاه رنگ و دیگری زرد رنگ. گاو سیاه رنگ مرا شاخ زد و زرد رنگ به تیزی آمد و مرا بر شاخ‌ها کرد و بالای اتاق‌ها پرتاب کرد و اندازه‌ای بالاتر رفتم و پشت بر هردو پا افتادم بدون درد. بعد، عالم دیگری بود که زمینی سرسبز بود و کنجشک زرد آن‌جا بود و یک گاو لاغر از همین سبزی‌ها خورد).

فرزند عزیزم! وعلیکم السلام و رحمة اللّه و برکاته؛ امابعد:

حال بنده بد نیست خداوند کریم شما را سالم دارد.

خواب‌های شما مبارک‌کند. خداوند کریم مزید موفق فرماید.

دیدن این بزرگواران، دلالت بر صدق و اخلاص و محبت شما می‌کند. حکم و مسایل عالم خواب و عالم ارواح غیر از این عالم حیات است. حجاب در این عالم لازم است و در آن عالم لازم نیست. بنده خودم یکبار حضرت زهراء با مادر محترمه‌اش (رضی‌اللّه‌عنهما) را در

مکه مکرمه در خواب دیدم که در خانهٔ ایشان رفتم و ایشان بی‌حجاب مثل مادر و پسر و خواهر و برادر با بنده صحبت فرمودند و از ایشان پرسیدم که رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم کجاست؟ مادر محترمه فرمودند: او نزد عایشه رضی‌الله‌عنها در مدینه است. آن عالَم چنین حسابی ندارد.

آن گاو سیاه، شیطان بود خواست به شما حمله کند و گاو زرد، فرشتهٔ خیر بود و شما را کمک کرد و از دست آن شیطان نجات داد. آن جای سرسبز که دیدی، یکی از آثار بهشت بود و گنجشک‌ها، فرشته‌ها بود و گاو لاغراندام که از سبزی می‌چرید، همین سال‌های قحط‌اند که آبادی دنیا را فنا کردند. والله اعلم بالصواب. دیگر خیر است و التماس دعا دارم.

۲۲ ذیحجه – ۱۴۲۱ هـ.ق.

<u>مکتوب ۱۰۲۱</u>

در جواب یک طلبه در موضوع تعبیر خواب و تسلی

(۱. بنده خواب دیدم شما با فردی از روستای‌مان ـ که ظاهراً آدم مؤمنی است ـ و فکر می‌کردم مرتکب بدعت شده، دعوی می‌کنید و می‌خواستید با عصایتان او را بزنید. پسر خواهر او با دو رفیقش آمد و قصد حمله بر شما داشت من گفتم با اولیای خدا خود را درگیر نکنید یک دعای خیر شما را کافی است خوشحال شدند و برگشتند، ۲. خواب دیدم ... (فلانی) را مردم منطقهٔ ما با یک وضع بسیار فجیعی کتک‌کاری کردند و سر و صورتش زخمی بود. بعد من و دیگری قرار گذاشتیم اسلحه برداریم و همان شب حکومتش را نابود کنیم، ۳. دیدم با شما در منطقهٔ ما نشسته‌ایم و شما را در حالتی دیگر دیدم که ریش شما کوتاه بودند (زبانم لال) و با لباس شخصی بودید وکلاه یا عمامه نداشتید. با خود فکر کردم و خود را متقاعد کردم که بنابر علتی ریش حضرتعالی بزرگ نشده و لباس را هم بنا بر مصلحتی این‌طور پوشیده‌اند، ۴. دیدم طلبه جمع هستند و هرکس داستانی تهیه کرده و من هم تهیه کرده‌ام و گفتم آیا کسی هست که تصویر آن‌را بکشد و به صورت برنامهٔ تلویزیون برای مردم نشان دهند. از این خواب خیلی می‌ترسم و دوست ندارم رابطه ای با این بت زمانه داشته باشم و یکی دیگر از دوستان نیز خواب دیده که من تلویزیون نگاه می‌کنم. و اما سؤالات: ۱. آیا محبت و خوف الله وهبی هستند یا کسبی؟ و چطور می‌توان آنها را

کسب کرد؟ ۲. خواهرم خدواند را در کوچکی به شکل (فلانی) خواب دیده آیا این خواب اعتبار دارد؟ ۳. دو خواهر من می‌خواهند بیعت کنند، راهنمایی‌شان بفرمایید، ۴. آیا درست است که زن در مدرسهٔ دینی شبانه روزی با شرایط پرده و... درس بخواند؟

وعلیکم السلام و رحمة اللّٰه و برکاته؛ امابعد:

خواب‌های شما خوبند. خواب اول شما اشاره است که به‌وسیلهٔ شما طلبهٔ بنده، در مبتدعین خراسان اصلاح پیدا می‌شود؛ إن‌شاء اللّٰه تعالی. عصای بنده شما طلبه هستید.

خواب دوم اشاره است که ظلم این ظالمان کم‌کم دارد مغلوب و ذلیل می‌شود.

خواب سوم شما دلالت دارد که در پسران بنده و شما طلبه و مولوی‌های محصّلین از احقر کسی تا به‌حال قابلیت آن ندارد که جانشین بنده شود. ریش، اولاد است و کوتاهی آن، نقص اولاد است و لباس، طلبه و مریدین‌اند که ناقص‌اند. سرلختی، اشاره است که جای عمامه بنده که تاج علم و عرفان است، خالی است.

در خواب چهارم، نگاه کردن شما به تلویزیون إن‌شاء اللّٰه تعالی ارادهٔ تردید و اصلاح آن است. پریشان نباشید.

۱ـ آری! وهبی هستند، اما کسب هم در آن دخیل است. طریق کسبش اختیار کردن تقوٰی و کثرت ذکر اللّٰه و تلاوت قرآن است.

۲ـ این خواب از أضغاث احلام است.

۳ـ نامه بنویسند و طلبگار باشند، بیعت کتبی داده می‌شوند.

۴ـ آری! اگر با کمال پرده و احتیاط و همراه محرم رفت و آمد کند، اشکال ندارد.

۲۷ ذیحجه - ۱۴۲۱ هـ.ق.

مکتوب ۱۰۲۲

در جواب خواهری در تسلی در موضوع دعا و تشکر در اظهار ارادات

(در طول مدت تحصیل موفق به حفظ کلام الله مجید شده‌ام و در مدرسهٔ شمس‌العلوم مشغول تحصیل هستم و سال بعد فارغ می‌شوم. چند سال پیش نامه‌ای فرستادم که بعد از یکسال بدستم رسید چون اتفاقی بدست کسی از منطقهٔ ما افتاده و او فراموش می‌کند. اتفاقاً شبی‌که فردایش مفتخر

به حفظ قرآن مجید می‌شوم، او شما را خواب می‌بیند که به او می‌گویید چرا نامهٔ دخترم را که فرستاده‌ام نمی‌رسانی؟ صبح بدست عمویم می‌دهد. راهنمایی و دعا بفرمایید تا علم با عمل نصیب شود و قرآن مجید از حافظه‌ام نرود. بسیار مشتاقِ ادامهٔ تحصیلات دینی در پاکستان هستم. من قلباً علاقه به فراگیری علوم دینی هستم، اما احساس می‌کنم آن‌چه فراگرفته‌ام هیچ چیز ندارم. در پایان در حسرت دیدارتان می‌سوزم و دوست دارم یکبار هم شما را از نزدیک ببینم؛ هرچند نیاز به افرادی چون من ندارید، اما «محبت پدر فرزندی است». همیشه دعا می‌کنم اگر قرار باشد شما در جمع خلائق نباشید، اصلاًخورشید طلوع نکند یا چشمان آن روز را نبینند. همشیه به دعاگویی شما و دیگر علما مشغولم و به مسایل دینی و علما بسیار حساس هستم. الحمد لله در این زمان پر فساد الله تعالی ما را در پناه خود محفوظ داشته است. دعا بفرمایید تا خواهرانم به سر بخت خود شان بروند.

خانم محترمه و دختر عفیفه‌ام! وعلیکم السلام و رحمة اللّه و برکاته؛ امابعد:

خداوند کریم برای حفظ قرآن و تحصیل علم، مزید موفق و علم با عمل نصیب و به خدمت جامعه موفق گرداند.

تا می‌توانید هرگونه تحصیلات خود را در این کشور انجام دهید و جایی دیگر مسافر نشوید.

اگر بعد از نماز عشاء صد بار سورهٔ فاتحه را ورد کنید إن‌شاء اللّه حافظه و حفظ قرآن مجید از دست نخواهد رفت.

ادامهٔ محبت از دور هم کافی است. برای دیدن من و نزدیکی تمنا نکنید. خداوند کریم محبت دینی شما را زیاده و ما و شما همه را در زمرهٔ نیکان و دوستان خود حشر بفرماید.

برای دیگر تقاضاهای شما هم دعا می‌کنم خداوند کریم تمام مشکلات را حل فرماید. مزید التماس دعا دارم و شما را به‌خدا می‌سپارم و والدین و برادران و خواهرانت را از بنده سلام عرض است.

۲۷ ذیحجه – ۱۴۲۱ هـ.ق.

مکتوب ۱۰۲۳

در جواب شخصی در تعبیر خواب و راهنمایی

۱) خواب دیدم با چند نفر به راهی می‌رویم یک مار به سرعت بسوی ما آمد و همه را ویل و مرا دنبال کرد. وقتی به نزدیک رسید از خواب بیدار شدم. ۲) چندین شب این خواب را به‌گونه‌های مختلف می‌بینم که دریا طوفانی است و پدر بزرگم در داخل روی صخره‌ای نشسته و مرا نگاه می‌کند

و یکبار دیدم درون کشتی کوچکی بودم و دریا طوفانی بود و ما این طرف و آن طرف پرت می‌شدیم و کشتی بزرگ (کشتی نجات) روی سرم افتاد، من سریعاً خود را نجات دادم.

فرزند ارجمندم! وعلیکم السلام و رحمة اللّه و برکاته؛ امابعد:

خداوند کریم شما را به علم و عرفان و اخلاص موفق و مزین فرماید.

خواب‌هایی که دیده‌اید، همه مبارکند. این مار یکی از شیاطین بود. الحمد لله شما نجاح حاصل گردید.

۲ـ این هم خوب‌اند. طوفان و دریا، دریای عرفان است. واقعاً عبور در آن خیلی وقت می‌خواهد و دچار مشکلات می‌گرداند. فرموده‌اند:

رسیدم من به دریایی که موجش آدمی خوار است

نه کشتیی در آن دریا نه ملاحی عجب کار است

شریعت کشتی باشد طریقت بادبان اوست

حقیقت لنگری دارد ز راه و فکر دشوار است

مزید التماس دعا دارم.

۲۷ ذیحجه - ۱۴۲۱ هـ.ق.

مکتوب ۱۰۲۴

در جواب شاگردی در راهنمایی و تسلی

نوشته بود: تقریباً ۸ ماه است که بیعت کرده‌ام، ولی از لحاظ ذکر بسیار پایین و در حد صفر هستم. نفس و شیطان مرا شکست داده‌اند و خوب می دانم لیاقت ندارم و شاید خداوند از من ناراض شود که با این پوچی به شما بزرگوار نامه می‌نویسم، ولی بازهم از خدا امیدوارم. بسیار بر من فشار می‌آورد که تو گناهکاری و درس خواندن برای تو فایده ندارد و اگر عالم بشوی هم از علمای سوء می‌شوی. تقاضا دارم مرا راهنمایی بفرمایید. ضمناً در کتابی خواندم که در طایفهٔ نقشبندیه در هنگام ذکر روح که از مجردات است، سپاه روح به نفس حمله می‌کند. البته این از خود من است از مطلب کتاب «تعدیل شریعت و طریقت» از مولانا باقر کرد. لذا اگر صلاح می‌دانید طریقهٔ ذکر روح

را به من نشان دهید. من به امید شکست خوردن شیطان از کردستان به این‌جا آمده‌ام.

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

فرزند عزیزم! هیچ فردی بی‌گناه نیست غیر از انبیاء علیهم‌السلام. باید هر انسان خود را گناه‌کار بداند، این وظیفهٔ انسان است. الله تعالی گناهان را از ما و شما و نفس و شیطان را دور بگرداند.

قدرت تصرف نفس و شیطان به برکت ذکر الله مغلوب می‌گردد شما به آن همت کنید، موفق می‌شوید. بنده هم دعا می‌کنم إن‌شاء الله تعالی موفق خواهی شد.

کُردهای قدیم مردانه‌وار در راه خدا رفته و خیلی‌ها کامل و مکمل بوده‌اند؛ امثال حضرت مولانا خالد نقشبندی شهرزوری که همسایهٔ شما بوده و تمام جهان را به عرفان آبیاری فرموده است. شما کُردها زمینه دارید نامرد و بزدل نشوید، خداوند کریم در کمک شما هست. کسی که پشتیبانش خداوند کریم باشد، هیچ قدرتی طاقت مقاومت با او ندارد.

شما را به خدا می‌سپارم و التماس دعا دارم.

۲۷ ذیحجه - ۱۴۲۱ هـ.ق.

مکتوب ۱۰۲۵

در تعبیر خواب مولوی خداشناس

نوشته بود: ۱) شما را به حالت عجیب خوب در خواب دیدم که مرا خطاب کردید: فلانی ترا از فرزندم حافظ بیشتر دوست دارم. بنده با شنیدن این کلمه شما را معانقه کردم و گفتم من هم بی‌حساب شما را دوست دارم و حالت گریه و اضطراب طاری شد که تمام لطایف ذاکر شدند و چون بیدار شدم هنوز هم به ذکر مشغول بودند. ۲) گاه‌گاهی بر اثر فشار روحی ناراحت می‌شوم و گاهی چون نام الله تعالی را یاد می‌کنم خوشحال می‌شوم که چون نام الله تعالی و این پروردگار محسن دارم برای چه غم کنم! و گاهی وساوس غلبه می‌کنند. در این شرایط بهترین عمل چیست؟

ارجمند عزیزم! وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

خداوند متعال علم نافع و عمل مقبول و شوق تدریس و تبلیغ و تألیف عطا فرماید و در علم

و عمل و اولاد و عمر شما برکت نصیب فرماید.

خواب شما مبارک است. همان‌طور که در بیداری بنده علاقهٔ قلبی با شما فرزندان روحانی دارم، در خواب هم عکس (تصویر) آن را دیده‌اید. خواب، دلالت بـر علاقـهٔ قلبـی و نسـبت علمی و معنوی می‌کند.

همان‌طور که به تدریس و تألیف به دل‌گرمی توجه می‌کنی، بایـد بـه ذکـر «اللّـه» متوجـه باشید که تحصیل معنویت و اخلاص بدون از ذکر «اللّه» مشکل است.

وساوس اگر بیایند، آن‌ها را کنار بزنید و تحویل نگیرید و به دفع آن‌ها هم زیاده پافشـاری نکنید. حساب وسوسه‌ها از این امت مرفوع است، چرا آدم در فکر آن بیفتد!. التماس دعا دارم.

۲ محرم – ۱۴۲۱ هـ.ق.

مکتوب ۱۰۲۶

در جواب یکی از طلبه در مورد تسلی و تعبیر خواب

۱) من از نظر روحی حالت درستی ندارم و وقتی با مردم روبرو شوم، یک قبضیت ناخوش می‌آید و حتی با دوستان و اهل ذکر نیز این حالت پیش می‌آید، ۲) خواب دیدم در جای نامعین و خیلی ضعیف پیامبر صَلَّىٰاللّٰهُعَلَيۡهِوَسَلَّمَ دعا می‌فرمایند و شما هم آمدید و فرمودید شما هم دعا کنید. وقتی من بیدار شدم، سینه‌ام ذکر می‌کرد، ۳. این چهارمین نامه است که می‌نویسم، ولی هیچ جوابی نگرفته‌ام، ۴. وقتی از پیش شما برگشتم، نمی‌توانستم رابطهٔ شما را بگیرم و حتی شما را به‌خواب هم نمی‌بینم

وعلیکم السلام و رحمة اللّه و برکاته؛ امابعد:

۱ـ این حالت کم‌کم دور می‌شود غصه نخورید.

۲ـ این خواب خیلی مبارک بوده مزید موفق باشید.

۳ـ بنده جواب نامه را عادتاً می‌دهم، شاید عذری بوده ببخشید.

۴ـ برای رابطه گرفتن تکلف نکنید. اگر خود به خود آید، بد نیست و اگر نیایـد، دل‌سـرد نشوید.

عزیزم! اگر می‌خواهید که در علم شما برکت بیاید، ذکر «اللّه» را ادامه دهید که در آن خیر دو جهانی نهفته است.

بنده را نیز در دعاها یاد فرمایید، دعای طلبهٔ مخلص و مسافر قبول می‌شود.

گنجی و همه فرزندان کردی را سلام بنده عرض کنید.

۲ محرم - ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۰۲۷

به ... در راهنمایی به چند مورد که پرسیده بود

۱) ضعیف الإراده هستم و همّتم پایین است و هرگاه ارادهٔ کار خیر کنم، زود سست شده و آن کار را رها می‌کنم. ۲) با شنیدن مذاکرات دینی همان لحظه متأثر می‌شوم اما بعد از چند دقیقه زایل می‌شود. ۳) احساس می‌کنم و تا حدّی یقین کردم که نفس به طور کامل مسلط شده و قدرت نفس امّاره بر لوّامه بیشتر است. ۴) محبت غیر و دوستی‌های مجازی، وجدان و شخصیتم را زایل کرده است و به علت ضعف اراده قدرت ترک ندارم. ۵) نمازها بی‌روح‌اند. خواندن نماز با فکر و حواس جمع غیرممکن است و گاهی به علت همین فکرم جلو حواسم را می‌گذارم که به هر طرف برود چون اگر مقداری بیش از حد درگیر شوم، آن و قت مجبور می‌شوم که نماز را رها کنم.

وعلیکم السلام و رحمة اللّه و برکاته؛ امابعد:

۱ـ قوّت اراده، کسبی نیست البته شما سعی کنید که در آن قوت پیدا گردد.

۲ـ همان تأثیر را ملاحظه کنید، ادامه پیدا می‌کند.

۳ـ از نفس امّاره محتاط باشید.

۴ـ حقیقت را از مجاز ترجیح دهید.

۵ـ شما فقط نمازها را صحیح بخوانید. کاری به وساوس وغیره نداشته باشید. معالجهٔ این همه، ذکر اللّه و تلاوت قرآن پاک است، موفق باشید.

۲ محرم - ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۰۲۸

در جواب طلبه‌ای در مورد چند سؤال سطحی

۱) بعضی می‌گویند برنج از عرق یا اشکان پیامبر صَلَّىٰاللَّهُعَلَيْهِوَسَلَّمَ است، آیا این حقیقت دارد؟ ۲) وقتی برای مرده قبری می‌زنند و سفت باشد و جایی دیگر می‌زنند نرم می‌شود، می‌گویند خلقت او از همین خاک نرم بوده، آیا این حقیقت دارد؟ ۳) بعضی می‌گویند بر پشت من ننشین که روز قیامت نمی‌توانم ترا به پشت خود سوار کنم. ۴) می‌گویند با کفش منشین که ملائکه با تو اذیت هستند. ۵) می‌گویند اگر جای بلند نان گذاشته باشد، قرآن را زیر پای خود بگذار و نان را بردار. آیا این‌ها صحت دارند؟ در آخر برایم دعا و وصیت هم بفرمایید.

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

۱ـ بودن برنج از این چیزها کاملاً بیهوده و غلط است.

۲ـ این هم صحیح نیست. البته در حدیثی هست که انسان همان‌جا دفن می‌شود که از آن پیدا شده است.

۳ـ این یکی از خرافات عوام است.

۴ـ صحیح نیست.

۵ـ این هم خرافات است.

بنده دعا می‌کنم و از شما هم التماس دعا دارم. برای طلب علم دین سعی کنید و به ذکر الله ادامه داده و اتباع سنت را لازم بگیرید و از خرافات و بدعات احتیاط و صحبت صالحین را دریافت کنید.

۲ محرم – ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۰۲۹

در جواب خواهری در راهنمایی و تسلّی

۱) نوشته بود: می‌خواستم از تألیفات شما تشکر کنم. کتاب شمشیر برّان واقعاً درد امت و امراض گوناگون است. حقیر چند سال پیش برای انجام احکام خداوندی بهتر عمل می‌کردم و حالا نمی‌دانم

چه مرگم شده که از بیان فضایل اعمال و... روی‌گردان و در نماز و حجاب و سایر احکام کاهل شده‌ام و قبلاً به فیلم و نوارها اهمیت نمی‌دادم و حالا نه. مطالعهٔ مکتوبات مرا امیدوار کرد که در پندها و اقوال زرین شما برای من هدایت باشد پس، به این امید دست به قلم بردم و می‌خواهم برای اصلاح من چند سطری بنویسید. ۲) آیا زن هم می‌تواند تعویذ بنویسد یا دم کند؟ برای این کار اجازه می‌خواهم؛ چون جامعهٔ زنان طوری شده است که با کوچکترین درد به نزد کسانی‌که مزد مقرر کرده‌اند یا به مطب پزشکان می‌روند، ۳) من معلم هستم و همکارانم به‌علت سُنّی بودنم گزارش دروغ می‌دهند؛ چون به دانش‌آموزان و مردم محل درس قرآن و روز جمعه فضایل اعمال تعلیم می‌کنم. ترسی برای جواب دادن ندارم، فقط از رو با رو شدن با نامحرم نگرانم. ۴) می‌خواهم بیعت کنم امیدوارم قبول کنید. ۵) من مجرد هستم و خواستگاران آمده‌اند ولی چون زن داشته‌اند، قبول نکرده‌ام پس، آیا زن می‌تواند تا آخر عمرش ازدواج نکند و روزهٔ نفل بگیرد و عبادت کند؟ ۶) پایبندی به درود کتاب «دلائل الخیرات» خوبست و این کتاب اعتبار دارد یاخیر؟ ۷) کتاب «ارشاد الطالبین» تألیف حضرت اسرار باری صاحب معتبر است یاخیر؟

وعلیکم السلام و رحمة اللّه و برکاته؛ امابعد:

۱. دختر محترمه‌ام! خداوند کریم شما را به‌حالت اول و بهتر موفق فرماید. برای انجام اعمال دینی سعی کنید تا نزد خداوند در روز قیامت سرخ رو باشید. دنیا سایهٔ صبح‌گاهی است که در فرار و رفتن است و ارزشی ندارد. به مطالعهٔ کُتُب دینی بسیار توجه کنید.

۲. دخترم! زن آزادانه نمی‌تواند تعویذ بنویسد؛ مگر به وقت ضرورت وآن هم برای زنان و محرمان خود و در حدود شرع. برای نامحرم نمی‌تواند؛ مگر وقت ضرورت شدیده که با زنان آن‌ها یا محارم خویش واسطه بگیرد.

۳. درس قرآن و بیان فضایل اعمال را ادامه دهید و از غیر اللّه نترسید و به ملاحظهٔ ستر (و حجاب) فوق العاده توجه کنید.

۴. اگر شما را بیعت نداده‌ام، الآن شما را بیعت می‌دهم.

۵. در شرع مقدس ازدواج امری مسنون است. از آن دوری کردن، نادرست است؛ مگر زمانی‌که خواستگار نباشد. اگر خواستگار مناسب پیدا شد، انکار نکنید که گنه‌کار می‌شوید.؛ گرچه قدرت تسلّط بر نفس داشته باشید.

۶،۷. کتاب «دلایل الخیرات» خوب است و «ارشاد الطالبین» قاضی ثناءاللّه و« ارشاد الطالبین» خواجه درویزه خوب‌اند. البته دوم خشک و تر جمع کرده است. و این ارشاد که شما می گویید، به فکرم آن‌را ندیده‌ام چون مصنّفش را مشخص نکرده‌اید.

۳ محرم - ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۰۳۰

در جواب مولوی حقانی در پاسخ به چند سؤال

۱) آیا در نماز عید سجدهٔ سهو هست یانه؟ ۲) آیا به ترک فرض نماز باطل می‌شود؟ امام جمعه در روز عید در یک رکعت یک سجده فراموش کرد، بار دیگر نماز را برگزار کرد و بار دوم هم سجده را فراموش کرد و سجدهٔ سهو کرد. ۳) اگر مرده در اول زرد و بعد سیاه شود، علامت چه است؟ ۴) آیا تخریب آثار باستانی‌ها و بت مثل مجسمهٔ بودا در افغانستان درست است؟ چون وقتی حکومت طالبان آن‌ها را تخریب کردند، با مخالفت جهانیان و حتی علمای جهان مواجه شدند؛ از جمله مفتی جامعهٔ ازهر و استدلال‌شان این بود که وقتی حضرت فاروق اعظم (رضی‌الله‌عنه) بیت المقدس را فتح کرد، کلیساهای مسیحیان را به‌جا گذاشت و تخریب نکرد. نظر شما در این مورد چیست؟

محترمی! السلام علیکم و رحمة اللّه و برکاته؛ امابعد:

۱ـ بالإصالت در نماز عید هم سجدهٔ سهو هست، اما به‌علت خوف فساد نماز بسیاری از نمازگزاران به‌سبب کثرت مردم و ازدحام، ترک داده شود.

۲ـ آری! به ترک فرض اگر تدارک آن کرده نشود، نماز باطل می‌شود؛ قصداً باشد یا سهواً و جبران آن به سجدهٔ سهو نمی‌شود بلکه باید نماز را اعاده کند. این نماز عید که در فنوج برگزار شده است، باطل شده و به ادای سجدهٔ سهو صحیح نشده است. مثل این‌که مردم نماز عید اصلاً نخوانده‌اند و نماز به هدر رفته است و گناه همه به گردن امام مانده است.

۳ـ این علامت خوبی ندارد.

۴ـ علمای افغانستان صحیح و حق می گویند. هر کشوری که کاملاً اسلامی باشد، در آن گذاشتن بت و مجسمه حرام است. بر حکومت مسلمین فرض است که آن‌را تکه تکه کند؛ به

دلیل نابود کردن بت‌های مکه مکرمه و دیگر کشورهای اسلامی. آری! اگر کشوری کاملاً و تمام اسلامی نیست بلکه در قسمتی غیرمسلمین و ذمّی باشند و عبادتگاه یا مجسمه‌ای داشته باشند، حکومت اسلامی آن‌ها را به حال خود بگذارد.

علما و مفتی اعظم «أزهر» فتوای اشتباهی داده‌اند و هیچ دلیلی شرعی در این مورد ندارند. حضرت عمر فاروق (رضی‌الله‌عنه) کلیساهای همان مناطق را نابود نکرد که مردم آن‌جا ذمی مسیحی وغیره بودند. از نظر حدیث و فقه و تاریخ، فتوای مصری‌ها بی‌اساس است.

۳ محرم - ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۰۳۱

در جواب حاجی ... شافعی در موضوع تعبیر خواب و غیره

۱) زمانی‌که در شهر شما بودم، همسرم در خواب می‌بیند که شخصی با لباس سبز به خانۀ ما آمد و گفت شما غم ندارید و ساده هستید و شوهرت این‌جا نیست و یکی از بچه‌هایت به دریا افتاده و به حرف شوهرت گوش بده و به نماز بلند شو و در خانۀ شما دشمنی وجود دارد و به ذکر «الله» نزدیک باش و... . مولانا! این دشمن چیست؟ ۲) خواب دیدم به شهر شما بودم و یک منزل در اختیار من دادید و درآن چاهی بود که آب آن شور بود و مردم برای وضو آمدند و یک دبّه بود برای آب بیرون آوردن من دست و صورتم را شستم و دیگری آمد و آن‌را از من گرفت. و چند شب دیگر دیدم به شهر ما آمده و مهمان شدید. ۳) خواب دیدم خواستم دست به‌کار بد بزنم در همین فکر قلب من همان مورد و نقطۀ ذکر به درد آمد و جلو کار را از من گرفت. ۴) خواب دیدم به ستاره‌ای در آسمان نگاه کردم که خیلی روشن بود و ناگهان آتش گرفت و سوخت. ۵. خواب دیدم باران فراوان شده است و من به صحرا رفتم و آب در انبار پر شده بود و من از آن نوشیدم بعد، بیدار شدم. وقت تهجد بود و بعد از سلام سمت چپ چشم من به یک گربۀ سیاه افتاد و چند قدم رفت و بعد ناپدید شد.

عزیز محترم حاجی ...! السلام علیکم و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

خداوند کریم شما را سالم و حفظ و توفیق ذکر و بندگی و اخلاص نصیب فرماید و از تمام آفات و بلیات در امان خود نگه دارد و محبت خاصان را در دل شما جا دهد.

۱ـ خوابی که همسر شما دیده است، بد نیست. این سبز پوش، فرشته‌ای بود که برای ایشان

اندرز و تهدید کرد که برای بندگی چستی کند نه سستی و به ذکر خداوند کریم متوجه شود. مراد از دشمن، شیطان است که برای فریب و خراب‌کاری دعوت داده و از عبادت باز می‌دارد.

۲ـ این خواب اشاره است که آن خانه، خانهٔ عرفان است که به شما واگذار شده است و آن چاه، فیض عرفان است، اما چون تازه است و شما کاملاً به آن کار نکرده‌اید، تا حال آب شور دارد و دبّه و دلو هم ناقص، اما امید بهبودی و شیرینی دارد. آمدن و مهمان شدن بنده، آمدن نسبت نقشبندی است به خانه و مناطق شما.

۴ـ این اشاره است که قلب شما تا حدودی زنده شده است.

۵ـ یک انقلاب در حکومتی پیش می‌آید.

۶ـ این آب باران و انبار، فیض رحمان بود؛ مبارک باد. گربه، ممکن است جنّی باشد. مزید التماس دعا دارم.

۵ محرم ـ ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۰۳۲

در جواب ملا ... در تشویق به ذکر

(بوی بدنم تاهنوز تمام بدن را احاطه کرده است و آشنایان و مردم از من گریزانند مگر چند نفر از دوستان با وفا. در جلسهٔ سالانهٔ کوه‌ون شرکت داشتم اما متأسفانه بدین علت نتواستم آن‌جا بمانم. دامادم نیز بعد از آمدن از حج به دیدارتان مشرّف شد و بازهم این مشکل مانع آمدن من شد. ضمناً بگویم که بدون اشتغال به ذکر سنگینی فرق سر بر این مذموم طاری است).

فرزند عزیزم! سلمه الله تعالی السلام علیکم و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

خداوند ما و شما را از بوی‌های بد صوری و معنوی نجات عطا فرماید و به بوی‌های معطر مشام ما و شما را خوشبو گرداند. خداوند کریم در امامتی و علم شما برکت ارزانی بخشد.

چیزی که محل تأسف است، نونشتن حال لطایف و اسباق باطنی خودت می‌باشد. آینده از احوال لطایف و اسباقت نوشته فرمایید و سعی کنید که ذکر قلبی جاری گردد تا بدبویی‌های

اندرونی رو به فرار نهند و نفس امّاره به لوّامه تبدیل گردد.

ذکر کن ذکر تا تو را جان‌ست　　　　پاکی دل ز ذکر رحمن‌ست

***

بوی مشام تو را آنچه کند مشک بو　　　　عطر کند گنده را مشک کند بوی او

ذکر بود ذاکرا فکر بود دلبرا　　　　ذکر معطر کند بوی بدِ هر چه را

باش که از بوی تو جمله جهان سرسبز　　　　چون گل و لاله شود عشق شود در بدر

مسلما مسلم شوی جان و دلا دل تویی　　　　در ره ذکر خدا چونکه تو آگه شوی

ساز ز ذکر خدا روح دلت آشنا　　　　باش به ما با وفا تا که شوی روشنا

جنبشی کن ای گدا در ره ایشان فدا　　　　جان و دلت را بساز تا که شوی با وفا

بوی بدت می‌رود در ره عرفان درآ　　　　گوش به آن خواجگان درده و بانگ درآ

۱۷ محرم ـ ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۰۳۳

در جواب طلبه‌ای در مورد تزکیهٔ نفس

(نوشته بود: مدتی پیش احوال باطنم خوب بود و به فضل الهی دارای اخلاق حمیده از قبیل خوف و محبت الهی و صبر و... بودم اما مدتی است که احوال من تغییر کرده است و اخلاق ذمیمه جای‌گزین شده است و احساس می‌شود مکائد نفس اضافه می‌شود. برای از بین بردن این احوال راهنمایی بفرمایید و این حقیر را مورد دعا و توجه قرار دهید).

وعلیکم السلام و رحمة اللّه و برکاته؛ امابعد:

عزیزم! شکایت از تغییر اخلاق خود کرده‌اید، بنده دعا می‌کنم و شما هم سعی کنید که اخلاق حمیده دو مرتبه عود کنند.

اگر تزکیهٔ نفس از این امور می‌خواهید، باید است که ذکر را به کثرت و ادامه انجام دهید.

خداوند کریم مشکلات دینی و دنیوی را برطرف کند و برای تزکیهٔ نفس موفق گرداند. مزید التماس دعا دارم.

۱۹ محرم ـ ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۰۳۴

در جواب صوفی رودینی در تعبیر چند خواب

(بنده همیشه مدیون زحمات و توجهات شما می‌باشم و ببخشید که مزاحم می‌شوم. همین‌که می‌خواهم نامه بنویسم، احساس ریا می‌کنم، دعا کنید. خواب دیدم در شب در راهی می‌روم و چراغ دستی کم‌نوری دارم. سگی از دور به من نزدیک شد و من آن‌را دور می‌کنم و بعد، نور چراغ زیاد شد و سگ هم ناپدید شد. نیز خواب دیدم با شخص غول‌پیکری اجباراً وادار کرده شدم تا کُشتی بگیرم و او مرا با دو دست پرش کرد بالای بام و به من آسیبی نرسید و بعد خواست مرا به پایین پرت کند، ولی پایش پیچ خورد و من پایش را جا انداختم).

فرزندم رودینی! وعلیکم السلام و رحمة اللّه و برکاته؛ امابعد:

عزیزم! هدف اصلی در راه عرفان، کثرت و دوام ذکر و اتباع شریعت و سنت است و دیگر خواب‌ها، کشف، کرامات و الهامات همه غیرمقصوداند.

این خواب که دیده‌اید، اشاره است که این سگ یکی از شیاطین بود و چراغ دستی، اشاره به نور ذکر بود و چون غالب شود، شیطان می‌گذارد و فرار می‌کند و خواب دوم هم به همین طرف اشاره است. التماس دعا دارم.

۱۹ محرم ـ ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۰۳۵

در جواب فردی در ترغیب به ذکر و ادامهٔ آن

(نوشته بود: به فضل الهی حیات مستعار سپری می‌شود. ترقی و پیشرفت مدرسه و طول عمر جنابعالی را آرزومندم و آرزوی بنده این‌ست همیشه به دست‌بوسی و زیارت شما وکسب فیض بیایم

اما عوائقات و مشکلات روزگار بی‌حد زیاد است. امید است حقیر را از دعای خیرتان فراموش نکنید).

عزیزم! وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

نامهٔ شما رسید و از یادآوری‌تان ممنونم.

عزیزم! برای اذکار و اسباق خود سعی کرده باشید تا لطایف جاری گردنـد. مسلّم اسـت که مشاغل دنیوی در هر حال مزاحم انسان می‌باشند، اما مرد مؤمن باید در فکر آخـرت باشـد و مشاغل اخـروی را از مشـاغل دنیـوی تـرجیح داده باشـد. عُمـر گرانمایـه را غنیمـت دانیـد. لحظات آن‌را به غفلت صرف نکنید. هر نَفَسی برای انسان ارزش جهانی دارد و بسا است کـه در یک نَفَس سعادت دو جهانی گیر می‌آورد و یک لحظه هـم خطـر نـابودی همـه را دارد. مزید التماس دعا دارم.

۱۷ محرم ـ ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۰۳۶

در جواب شخصی در مورد عشق مجازی و تقسیم و علاج آن

نوشته بود: اینجانب با مشکلات فراوانی مثل ضعف چشم‌ها و خیالات دنیوی از قبیل عشق مجازی مواجه گشته‌ام پس، جهت تشفی به شما طبیب روحای مراجعه نموده‌ام. بفرمایید عشق مجازی چه حکم دارد؟ عشق مجازی با پسر بچه طوری‌که او را برادر خود پندارد و پایبند فرائض و واجبات و سنن باشد و نیز در صورتی‌که به درس خلل ایجاد کند، چه حکم دارد؟ راه علاج آن و به جای آن دخول عشق حقیقی چیست؟ عشق علامه رومی به شمس تبریزی و محمود به ایاز از چه قبیل بود؟ تعبیر ارشاد رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم که هرکه کسی را دوست دارد به او اطلاع دهد و خود پیامبر دست معاذ رضی‌الله‌عنه را گرفت و فرمود من ترا دوست دارم، چیست؟ پدرم! هرچه زودتر راه علاج آن‌را بیان فرمایید.

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

خداوند کریم مشکلات شما را حل فرموده و ضعف چشم وغیره را برطرف کند.

عزیزم! عشق فی الأصل دو قسم است:

۱ـ حقیقی، ۲ـ مجازی.

باز هریکی از این دو بر دو قسم است:

۱ـ حقیقی ذاتی بلاواسطه، ۲ـ حقیقی بالواسطه.

به‌طور مثال: عشق ورزی به ذات و صفات خداوند عزّوجل، حقیقی بلاواسطه است و عشق ورزی با مولای خود جلّ‌جلاله به واسطهٔ نبی صلی‌الله‌علیه‌وسلم و اولیاء اللّه تعالی، حقیقی بالواسطه است.

مجازی هم بر دو قسم است:

۱) آن‌که در آن هوای نفس اصلاً دخیل نباشد و خلاف شرع اصلاً واقع نشود و عفت کامل و کتمان کلی باشد و هیچ فردی؛ حتی معشوق هم باخبر نشود.

۲) آن‌که در آن هوای نفس دخیل باشد؛ ولو این‌که دخالتی کوچک (و ناچیز) و مخالفت شرعی کوچکی باشد.

و اما حکم هر یکی:

اول و دوم مبارک است بلکه بر مسلمان به درجهٔ حب ایمانی و عقلی فرض است.

سوم اگر به اختیار پیدا کرده شود، حرام است و اگر بدون اختیار باشد، گنجایش جواز دارد، اما به‌شرطی که تا دم موت ادامه نداشته باشد و مرتکب کوچکترین فعلی نامشروع و ناجایز نگردد.

چهارم حرام و شیطانی و راهزن راه خداوند کریم است بلکه (مصداق) «**خسر الدنیا والآخرة**» است. اکثر و بلکه همه عشق‌های امروزه از همین قسم است الا ماشاء اللّه.

اگر با پسر بچه یا دختر یا هرکه باشد، روا نیست؛ چون در آن حتماً دخالت نفس هست؛ گرچه به عبادت و... همه پایبند باشد و چون به درس خلل ایجاد کند، حرام محض است که مانع دین و شریعت است. بسا است که به کوری هم منجر می گردد.

راه علاج:

با تکلّف خود را از معشوق دور دارد و به او نگاه و خلوت نکند و حرف نزند و از او نفرت کند و در خیال خود او را بد بداند و فکر کند که فردا اگر به مرضی مبتلا شود، این رنگ و صورت او فانی و از بین خواهد رفت و چون فردا بمیرد، کثیف خواهد شد و فکر کند که خدا و رسول به این عمل تهدید به عذاب قیامت کرده‌اند و مرا از محبت خدا و رسول محروم می‌کند. به این اسباب (و تدابیر) کم‌کم از بین خواهد رفت.

عشق رومی و محمود و دیگر عارفان و یعقوب علیه‌السلام به حضرت یوسف علیه‌السلام، از قسم دوم حقیقی بود.

کار پاکان را قیاس از خود مگیر — گر چه باشد در نوشتن شیر شیر

شِیر آن باشد که مردم می درد — شیر آن باشد که مردم می‌خورند

تعبیر فرمودهٔ نبی‌اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسم از قبیل قسم دوم حقیقی است که آن دیگر را خبر بدهد و هر آن‌چه که عُرفاء، عشق را هر جا مدح و ثنا کرده‌اند، مراد همان دو قسم اول است و گرنه قسم چهارم نزد همه حرام و ملعون است. حافظ شیرازی رحمه‌الله فرموده است:

همه کارم ز خود کامی به بدکامی کشید آخر

نهان کی ماند آن رازی که زو سازند محفل‌ها

رومی رحمه‌الله می‌گوید:

عشق هایی کز پی رنگی بود — عشق نبود عاقبت ننگی بود

عشق با فانی نباشد پایدار — عشق را با حیّ و با قیّوم دار

دیگری گفته است:

بر مجاز عاشقی صد لعنت است — زو خدا را با رسولش نفرتست

خلاصه همه اهل دل این عشق را سدّ راه خدا و راهزن شرع مقدس و ملعون و منحوس می‌دانند. **هدانا الله وإیاکم الی صراط مستقیم.**

۱۹ محرم ـ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۰۳۷

در جواب معلمی در تعبیر خواب و راهنمایی

۱) من پدری دارم که بازنشسته و اهل ذکر و تهجد است و به‌گفتهٔ خانوادهٔ ما خداوند جنی مسخر او گردانیده و برادر کوچکم نیز ادعا دارد جنی دارد، وردی به من نشان دهید تا آن جن را ببینم چون اکثر خانواده آن‌را دیده‌اند. ۲) خواب دیدم دو نامه برایم رسید یکی از طرف شما و دیگری از یکی از بزرگان پاکستان که نمی‌دانم که بود. ۳) خواب دیدم می‌خواستم حکم خود را به عنوان بسیجی از سپاه بگیرم و در راه چندین نظامی دیدیم که پیاده بودند به راننده گفتم مواظب باش گفت این‌ها هیچ نمی‌توانند بکنند. آن‌جا زنی بود پرونده‌ها را می‌نوشت و گویا دختر عموی پدرم بود و او پروندهٔ مرا ندید و گفت شما پرونده ندارید. البته دختر عمویم امسال از مدرسهٔ دینی فارغ می‌شود.

وعلیکم السلام و **رحمة** الله و برکاته؛ امابعد:

از هدف نامه‌ات اطلاع حاصل شد خداوند برای اصلاح و تربیت فرزندان ملت و جستجو (و تحقیق) دینی توفیق عطا فرماید. دوستی و علاقهٔ تو را با دوستان خدا و علمای ربانی روز افزون گرداند و از تمام فتَن و بلیات حفظ فرماید.

عزیزم! تسخیر جنّ را بگذارید که در آن نه نفع دینی هست نه دنیوی البته ضرر دین و دنیا موجود است. بنده چون تسخیر جنّ را حرام می‌دانم و قطعاً به آن علاقه هم ندارم، اگر میل این کار را دارید، به نزد کسی بروید که به این کار علاقه دارد.

خواب‌ها مبارک‌اند؛ خصوصاً خواب اول و خواب دوم از تخیلات قوة متخیله است.

آری! آن‌چه دختر به شما گفت یعنی در دفتر پرونده‌های تعلم و تعلیم دینی شما تا حال داخل نشده‌اید که به آن علاقه پیدا نکرده‌اید و در موضوع گزارش کننده نظر بنده همان است که پدر بزرگوارت فرموده است. قتل این فرد روا نیست. آری! انتقام آبروی خود به‌کمک حکومت وقت جایز است، اما عفو و درگذر کردن به‌طورکلی از همه بهتر است.

بنده إن‌شاء الله دعاگوی شما و همه مسلمانان هستم.

۱۹ محرم ـ ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۰۳۸

در تعبیر خواب و راهنمایی در مورد بیدار شدن در هنگام شب و ذکر صبح و شام

نوشته بود: ۱) بعد از نماز صبح به ذکر نشستم و لحظه‌ای به خواب رفتم دیدم استاد گرامی یک جفت تسبیح ۳۳ دانه‌ای درشت و به رنگ سبز به من دادید و فرمودید هرگاه به پادیگ آمدید این‌ها را با خود بیاورید. ۲) در تعویذات و تا جایی‌که یاد دارم در مکتوبات برای بیداری در هنگام شب آیات آخر سورهٔ کهف توصیه شده است، اما بنده همیشه می‌خوانم باز هم سر وقت بیدار نمی‌شوم. آیا ممکن است این یک علت روحی و معنوی داشته باشد؟ ۳) در «کنزالدارین» توصیه شده است که بعد از نماز صبح و عصر را در ذکر بگذرانند. آیا انجام ذکر در این اوقات به حالت نشسته و حبس نَفَس بهتر و مؤثرتر است یا آن‌که در باغی همراه با ذکر و یاد عظمت حق تعالی و تفکر بزرگی و قدرت او تعالی مشغول به ذکر شود، این هم درست است و همان تأثیر را دارد؟

ارجمند عزیزم مولوی سیریازهی! وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

خواب شما مبارک است. دادن تسبیح و آن هم ۳۳ دانه‌ای، اشاره است به تشویق و ترغیب به‌کثرت ذکر و تسبیح. رنگ سبز، دلالت بر آن است که صاحب ذکر به الوان مختلف با انوار معنوی مستفیض می‌شود و تأکید این امر که وقت آمدن پادیگ آن‌را همراه خود بیاورید، یعنی بر همین علوم و نسبت عرفانی که از پادیگ رسیده است، آن‌را حفظ کنید و ادامه بدهید.

بیدار نشدن بعد از خواندن این آیات، امکان دارد که از غفلت روحی باشد، ولی ترک نکنید که این عمل نزد اکابر مجرّب است.

ذکر بعد از نماز صبح و عصر به حالت نشسته و حبس نَفَس خیلی مفیدتر و افضل و مؤثرتر است البته اگر به این حالت خوف غلبهٔ خواب یا خستگی پا و غیره باشد، آن وقت به هر نحوی که باشد، اشکال ندارد.

برای مرید مبتدی توجه به ذکر، از توجه به مسمّی و فکر و تفکّر افضل است. مقام مراقبه و تفکّر آینده و جلوتر خودش منزلی دارد.

۲۰ محرم ـ ۱۴۲۲ هـ .ق .

مکتوب ۱۰۳۹

در جواب فردی درمورد راهنمایی حل مشکلات

(نامه‌ای فرستاده‌ام برای مشکلی‌که سال گذشته با شما درمیان گذاشتم، نمی‌دانم به دست شما رسیده یا چطوری است. به هرحال مشکل من به اوج خود رسیده است و نه تنها این‌که شما فرمودید که درد و مشکل شما به وسیلهٔ انسانی‌که کاری در این مورد کرده است، شاید برآورده شود بلکه چند نفر دیگر هم گفته و چندها بار به‌خواب من آمده است در این مورد که این عمل‌ها ظاهر باشند. یک نفر در سراوان مشهور است و به قول مردم این کارها را انجام می‌دهد ولی برای کسی‌که دلش بخواهد به نفع او یا به ضرر او انجام می‌دهد و اعمال باطلی انجام می‌دهد، آیا پیش او رفتن جایز است؟ تقاضایم این‌ست که اعمال بزرگوارانه و دعاهای کامل خود را انجام دهید تا من و خانواده از این گودال‌های مردم باطل نجات یابیم و الله تعالی راه نجات را برای ما باز بفرماید).

ارجمند عزیزم! السلام علیکم و رحمة اللّه و برکاته؛ امابعد:

عزیزم! برای حل مشکلات پیش چنین افراد مشکوک رفتن جایز نیست بلکه مشکلات خود را به مُحلّ مشکلات واگذار کنید و اگر فرصت داشته باشید، خواندن حزب البحر را همان‌طور که در رسالهٔ «دفع مصایب» نوشته است، اجازه می‌دهم و برای دفع مشکلات نزد اکابر مجرّب است یا سورهٔ یس شریف را در روز یا شب ۷ بار بخوانید و به هر «مبین» به مشکل‌های خود دعا کنید.

برای کثرت رزق، خواندن سورهٔ واقعه یکبار بعد از مغرب و یکبار بعد از نماز عشاء هم مجرّب است. مزید خیر است و التماس دعا دارم.

۲۰ محرم ـ ۱۴۲۲ هـ .ق .

مکتوب ۱۰۴۰

در جواب فردی درمورد بیعت غایبانه برای مردان و چند سؤال

(۱. ارادهٔ دیدار شما و بیعت دارم اما افسوس که موفق نمی‌شوم اگر صلاح می دانید به بنده بیعت

غایبانه بدهید. ۲) می‌خواهم از کتاب شفاءالأسقام تعویذ بدهم لذا اجازه و دعای خیر می‌طلبم. ۳) پدرم می‌خواهد از مدرسه اخراج بشوم و به سربازی بروم، برای هدایت او و عدم موفقیت او دعا بفرمایید. ۴) به مرض سلس البول مبتلا هستم و از مراجعه به پزشکان عاجز شده‌ام لذا نسخهٔ دارویی ارسال کنید. ۵) در یکی از سخنرانی‌ها فرمودید: زن بی‌نماز پدر و برادر و شوهر را نصیب جهنم می‌کند و در فتاوای منبع‌العلوم نوشته مردی‌که محارم او آزاد هرجا بروند، آن مرد دیّوث است. آیا برای حجاب، همهٔ محارم مسئول هستند یا فقط شوهر و چه کار کنند تا حق از گردن‌شان ادا شود؟ ۶) و نیز فرمودید یک زن بی‌نماز سه نفر مذکور را به همراه خود به جهنم می‌برد و نگاه نامحرم به زن بی‌حجاب چهار زنا دارد؛ یکی برای زن، دوم برای پدر، سوم برای برادر و چهارم برای شوهر. حالا مثلاً زید دو خواهر دارد که یکی ازدواج کرده و شوهرش معتاد است و هر دو در خانهٔ پدر زندگی می‌کنند و نماز نمی‌خوانند و بی‌حجاب‌اند و علت، کمبود مسکن است و پدر استطاعت دارد ولی بی‌توجه است و زید فقیر و طالب است و قدرت ندارد، آیا در این صورت زید هم در قبال خواهرانش مسئول است؟ او چه کار باید بکند تا گناه‌کار نگردد؟

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

۱ـ عزیزم! شما چون‌که مرد جوان و سالم هستید و راه دور هم نیست و پیدا شدن فرصت ممکن است، لذا بیعت غایبانه داده نمی‌شوید بلکه خودت بیایید و دست به دست بیعت کنید. بیعت غایبانه برای معذورین شرعی است و شما از آن‌ها نیستی.

۲ـ به تعویذ دادن عجله نکنید. دادن تعویذ زمانی دراز می‌خواهد.

۳ـ اطاعت والدین در این امر واجب و بلکه جایز نیست. اطاعت نکنید.

۴ـ سر صبح یک قاشق عسل خالص در نیم استکان آب قاطی کرده تا ۴۰ روز بخورید.

۵ـ آری! همه محارم مسئول‌اند البته اصل در این مورد شوهر است و دیگران با او همکاری کنند و اگر شوهر سستی به خرج داد، دیگران او را نصیحت کنند و اگر قبول نکرد و دیگران با إجبار نتوانستند، از گناه آزاد می‌گردند و سپس همه مشکل بر شوهر باقی می‌مانَد و اگر همه خاموش شوند، همه گنه‌کار می‌گردند.

۶ـ برای بی‌نمازی همه گنه‌کار می‌شوند باید با ضرب و کوب و تهدید آن‌ها را وادار و إجبار به نماز کرد و در مورد بی‌حجابی در صورت عذرهای مذکور این قدر لازم است که

برای گردش عمومی به بازار و نشست و برخاست با بیگانگان منع کنند و همراه با چادر و احتیاط به حفظ اعضای خود متوجه باشند.

۲۰ محرم ـ ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۰۴۱

به خواهری در مورد راهنمایی در امور دینی و مطالعهٔ کتب دینی و...

نوشته بود: من خواهر مسلمان شما از منطقهٔ دلگان هستم. مدتی است در من شوق دینی بیشتر شده و علاقه دارم کتاب‌های دینی بخوانم. اولین کتابی‌که خواندم و بر من اثر کرد، فضایل اعمال بود. بر ترک نماز توبه کردم و الآن پای‌بند هستم و شوق بیشتر می‌شود وکتاب‌هایی را درحال مطالعه دارم البته یکی گفت باید برای این کار پشتوانه داشته باشم چون حالتی دارم که نمی‌توانم بگویم، اما می‌توانم گفت که علاقه دارم راه دین را ادامه بدهم و به مقامات دینی برسم و در مدرسهٔ دینی درس بخوانم و به الله تعالی بیشتر نزدیک شوم اما معلم غیررسم هستم لذا راهنمایی‌ام کنید که چگونه قرب الی الله حاصل می‌شود؟. در ضمن همسرم به نماز کاملاً پایبند نیست و به‌همین خاطر حس می‌کنم علاقه‌ام به وی کم شده است. و نیز همیشه خواب می‌بینم و وقتی می‌خوابم هر یک ساعت بیدار می‌شوم می‌بینم که «سبحان الله» و... می‌گویم یا سوره‌ای می‌خوانم و گاهی تا صبح دارم قرآن می‌خوانم و گاهی در دل احساس پریشانی می‌کنم و در سرم جنب و جوش و حالت عجیبی هست. آیا این حالات خوبند؟ دعا کنید که همهٔ ما هدایت شویم و راه دین و اسلام را در پیش بگیریم).

دختر محترمه و عفیفه! وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

نامهٔ شما رسید و خوشحال شدم. خداوند کریم ذوق و شوق دینی شما را زیاده گرداند و به مطالعهٔ کتب دینی و علمی موفق گرداند. کتاب‌های بنده را هم در دسترس خود قرار دهید؛ خصوصاً تفسیر «تبیین‌الفرقان» را مطالعه کنید.

بنده برای مطالعهٔ کتب دینی و اذکار، شما را کاملاً اجازه می‌دهم. با این وضع که نوشته‌اید، نمی‌توانید که در مدرسهٔ دینی تحصیل کنید البته راه تحصیل شما این است اگر در نزدیک شما عالمی دینی وجود دارد، در اوقات فرصت نزد او با انتظام حجاب وکسب اجازه از همسر بروید و تحصیلات دینی حاصل کنید.

بنده دعا می‌کنم که خداوند کریم شوهرت را برای طاعت و عبادت موفق فرماید و ما و شما همه را به راه دین توفیق کامل عطا فرماید. توجه غایبانه هم برای شما کرده می‌شود.

حالاتی که نوشته‌اید، الحمد لله همه حالات خوب و مبارک‌اند. خوش وقت باشید. خداوند کریم موفق گرداند.

شما را به خدا می‌سپارم و التماس دعا دارم.

۳۰ محرم ـ ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۰۴۲

در جواب معلمّی در مورد هدف از ذکر الله و پاسخ به چند سؤال دیگر

نوشته بود: ۱) مدتی است به‌لطف خداوند به اذکار قلبی و لسانی مشغولم، اما اکثراً هنگام ذکر قلبی فکرم متمرکز نیست. طلب دعای استقامت و توجه و راهنمایی دارم. ۲) خوف آخرت دارم و فکر مرگ را می‌کنم. ۳) مقروض هستم، جهت خلاصی راهنمایی فرمایید. ۴) افکارم با همسرم فاصله دارد و برای آیندهٔ او و سه دخترم نگرانم، برای اصلاح‌شان دعا کنید. ۵) چندین سال را به غفلت گذرانده‌ام و نمازها و روزه قضا کرده‌ام. برای قضای نمازها ترتیبی‌که در کتاب «بهشتی زیور» بود شروع کرده‌ام، ولی برای روزه‌ها چگونه عمل کنم؟ ۶) خواب دیده‌ام با عمویم مشغول خُرد کردن گوشت گوسفند هستیم و پسر عمه‌ام که فوت کرده آمد و گفت از تو ناراض هستم، پرسیدم چرا؟ عمویم جواب داد: به او کمک نکرده‌ای. ۷) خواب دیدم سوار شتری هستم و از دو نفر سبقت گرفتم.

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

۱. الله جلّ‌جلاله به ذکر خود بیشتر موفق گرداند. عزیزم! هدف از ذکر، تمرکز فکر و خیال نیست بلکه هدف اصلی از ذکر طلب رضای مولٰی و اظهار بندگی است و نعمت رضا از ادامهٔ ذکر پیدا می‌شود؛ تمرکز فکر باشد یا نباشد!. رومی رحمه‌الله می‌گوید:

اندرین ره می‌تراش و می‌خراش   تا دم آخر دمی غافل مباش

توجه و دعا (برای‌تان) هست همّت خود را بلند دارید.

۲. خوف مرگ و فکر آخرت هردو، حالاتی بهتر و شیوا هستند.

۳. برای ادای قرض، بعد از نماز مغرب و عشاء یک یک بار سورهٔ واقعه را ورد کنید.

۴. خداوند کریم همسر و اولاد تو را توافق فرماید و فاصله را از بین ببرد.

۵. برای روزه‌ها که عمداً خورده‌اید، ۶۰ روز به نیت کفاره روزه بگیرید، (از همه) کفایت می‌کند.

۶. خواب‌های شما خوبند. در اول که گفت: «کمک نکرده‌اید» به این معنی است که برای او دعا و صدقه‌ای بفرستید.

۷. خواب شتر هم خوب است.

۳۰ محرم ـ ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۰۴۳

در جواب ملایی در مورد معالجهٔ حسد

(بنده طلبهٔ دارالعلوم زاهدان هستم و قبلاً با شما ملاقات و مکاتبات داشته‌ام و الحمد لله مفید واقع شده است. تنها چیزی‌که نتوانسته‌ام از خود دور کنم، یک خصلت بسیار زشت و خطرناک است که زندگی را بر من تلخ کرده و باطنم را آتش می‌زند و استعدادم را نابود می‌کند، آن حسد است البته دیگر صفات بد نیز دارم. بیشتر با یکی از هم‌کلاسی و هم‌اتاقی‌ها که تازه با ما نسبت فامیلی دارد، حسد دارم؛ درحالی‌که نمرات من از او بهتر است. آیا از اتاق خارج بشوم؟ البته در وجود من احساس حقارت بسیار است لذا بالواسطه و ریا و تظاهر بسیار به سراغ من می‌آید. لطفاً راه علاج را نشان داده و با دعا و راهنمایی مرا از این آتش نجات دهید).

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

معالجهٔ حسد دو چیز است: یکی این‌که شخص خود را از همه کمتر بداند.

دوم این‌که بداند که خداوندکریم هرکسی را مناسب حکمت خود کمالی داده است و حسد من بر او، اعتراض بر حکمت خداوند است. آری! از اتاق بیرون رفتن بهتر است.

همین دو عمل بالا را همیشه در ذهن بیاورید معالجهٔ حسد و ریا همه تمام می‌شود.

۴ صفر ـ ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۰۴۴

به طلبه‌ای درمورد معالجۀ رذایل عملی و پاسخ به چند سؤال

(الله تعالی عمر طولانی به شما عنایت فرماید. امیدوارم ارشادات لازم را در امور ذیل برایم ذکر کنید: ۱) نجات پیدا کردن از محبت مجازی و خصوصاً با کسانی‌که قبل از بیعت بود و احساس نفرت کردن از آن و این‌که وسوسه‌های شیطانی از من دور شود. ۲) مدتی بود وقتی زیر پستان احساس حرارت کردم، قلبم به تندی می‌زد ولی الآن آن کیفیت نیست و پریشان شده‌ام. ۳) مقداری از کتب تصوف (عربی، فارسی و اردو) برای سالک مبتدی. ۴) اذکار و اورادی قبل از بیعت داشتم و الآن با این سبق و دروس دورۀ حدیث مقداری مشکل هستند. ۵) گاه وقتی چون می‌خوابم، احساس می‌کنم چیزی مرا می‌ترساند و بر سر من سنگینی می‌کند و قدرت کلام از من سلب می‌شود).

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

خداوند کریم شما را به تحصیل علوم دینی موفق گرداند.

۱ـ وسیلۀ نجات از این همه کثافات، کثرت ذکر الله و تنفّر از این اشیا است.

۲ـ عدم احساس حرارت و حرکت قلب محل پریشانی نیست و در راه تصوف احوال همیشه متقلّب و متلوّن است.

۳ـ «عوارف المعارفِ» سهروردی (عربی)، «کیمیای سعادت» (فارسی)، «تربیت السالکِ» حکیم الأمة (اردو) و «بصایر حکیم الأمة» که ترجمه‌اش به فارسی با نام «ضمائر الحکمة» از احقر می‌باشد.

۴ـ هر مقدار که مشکل نباشد عمل کنید و اگر همه نباشند، هم اشکال ندارد.

۵ ـ این یک نوع مرض است که آن‌را به عربی «قابوس» و به بلوچی «وَپْسُوک» می‌نامند. این در اصل جنّی نیست. آیات حفظ که در «شفاء الأسقام» اند، در وقت خواب بخوانید و بر خود دم کنید.

۵ صفر ـ ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۰۴۵

در جواب طلبه‌ای در راهنمایی به ذکر اللّه و...

نوشته بود: ۱) مدتی است وقتی در وقت ذکر حبس نفَس می کنم، چشمان و سرم درد می گیرد و گاهی همراه با سنگینی سر درد شدید می‌شود و بدون حبس در ذکر خلل احساس می‌شود وگویا محل دقیق لطایف گم شده و فقط حرکت خفیفی محسوس می‌شود. ۲) هنگامی که اولین سبق را گرفته بودم، روزی عین ذکر در وقت صبح کمی احساس خواب آلودگی کردم و چون به حالت اصلی برگشتم، این جملات در ذهنم نقش بست: «سورج بی‌پرواترین مخلوق است، بی‌پرده ظاهر شده و بی‌پرده غایب می‌شود» و یکبار دیگر هم همین حالت رخ داد. ۳) مدتی است حملات شیطانی زیاده و تقریباً گاهی احساس عجز می‌کنم، راهنمایی فرمایید. ۴) مولوی عارف صاحب رساله‌ای تحت عنوان «زاد المعلم» نوشته و تقدیم نموده و درخواست داشت که نظر مبارک‌تان را اعلام فرمایید.

وعلیکم السلام و رحمة اللّه و برکاته؛ امابعد:

۱ـ الآن بدون حبس دم ذکر کنید بهتر است و گم شدن (محل دقیق لطایف) اشکالی ندارد. کم کم به همین طریق هم از آن‌ها آگهی کامل پیدا می گردد.

۲ـ موضوع سورج (خورشید) که به صورت حال وقوع یافته است، اشاره به فیض رحمت الهی بوده است یعنی همان طور که خورشید در طلوع و غروب، عام و آزاد است، همین طور نزول رحمت و فیض الهی را قید و بندی نیست. بنده هرطور که با خداوند کریم خود علاقه پیدا کند، به او فیض می‌رسد.

۳ـ شما به ذکر خود ادامه دهید، هجوم شیطان مغلوب خواهد شد. شما همّت خود را ضعیف نکنید.

مولوی صاحبان را سلام عرض است؛ بالخصوص به مولوی محمد عارف. رساله‌اش را نگهداری کردم خیلی مفید و مبارك است. خداوند کریم در علم و عمل و اخلاص و تألیفات او برکت و قبولیت عطا فرماید.

۵ صفر ـ ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۰۴۶

در جواب ملایی در مورد معالجهٔ اخلاق مذمومه و...

نوشته بود: استاد معظم! خداوند کریم را شاکرم که باوجود کثرت معاصی، مرا از درگه نرانده است و هزار بار توبه شکستم، باز اوست که لطف وکرمش بر من بی‌نوا ساز و نواست. همانطور که می‌دانید مریض همیشه دنبال دوا و شفا می‌گردد و شرافت روح بر جسم بر کسی مخفی نیست. غرض این‌که من به چنان مریضی خطرناکی دچار شده‌ام که مرا از پای درآورده است. محبت‌های ظاهری و تأثر از زیبایی صوری و تعلقات غیر الله قلب مرا اشغال کرده است؛ تا حدی‌که به سرحد بی‌اعتنایی به عظمت الله و از آخرت و... پیش رفته است. نبرد شدیدی در خود احساس می‌کنم و بسیاری اوقات شکست می‌خورم. واضح‌تر: من اسیر نفس و شهوت شده‌ام. لذت اعمال معنوی از من گرفته شده است. گرچه الحمد لله از نظر درسی جلو هستم و در تمام فعالیت‌های حوزه شرکت دارم و با شما بیعت هم نموده‌ام. بنابر این، می‌خواهم با دعای شفابخش دوای شفابخش مرا تجویز نمایید و راهنماییم بفرمایید وگرنه نابود می‌شوم... (از زاهدان).

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

عزیزم دعای خیر این ناچیز برای خاص و عام این امت در زمان فرصت موجود است، خداوند کریم قبول فرماید.

عزیزم! بندهٔ بی‌گناه غیر از انبیاء علیهم‌الصلاةوالسلام کسی نیست. اشتباه بزرگ شما این است که امور اختیاری و غیر اختیاری را یکسان مضرّ تصور می‌کنید. در صورتی‌که حقیقت این طور نیست بلکه در میان این هردو فاصلهٔ بزرگی وجود دارد؛ مثلاً اگر شما به قصد و اختیار خود نشسته در فکر و ته دل خود محبت غیر الله و تعلقات مادی را تزریق کنی و به آن سرگرمی وگرایش پیدا کنی، گنه‌کار و مجرم می‌شوید؛ به شرطی‌که بعد از آن ندامت و تأسف نبری و بی‌اعتنا باشی. اما اگر آن تعلق بدون توجه و اختیار در دل و ذهن آید و تو بر دفع آن قادر نیستی و از آمدنش راضی نیستی و احساس ناراحتی و بدی می‌کنی، این عین بندگی و عبادت و مجاهدت است که برای‌تان اجر و ثواب می‌رسد.

دوای شفا بخش این تمام امراض، ندامت و بد دانستن آن‌هاست و به جناب قاضی الحاجات الحاح کنید و بنده نیز دعا می‌کنم. **منی الدعاء ومنه الإجابة.**

۵صفر ـ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۰۴۷

در جواب طلبه‌ای درمورد معالجۀ محبت غیر اللّٰه و...

به چند مرض مبتلا هستم می‌خواهم راه علاج را از شما دریافت کنم. ۱) اگر با کسی محبت کنم، محبتم تبدیل به عشق می‌شود. همیشه تصمیم می‌گیرم با هیچ کس محبت نکنم، باز یکی یافت می‌شود که با من محبت را شروع می‌کند. راه علاج چیست؟ ۲) می‌خواهم کاری انجام بدهم یعنی مثلاً همیشه نماز را با خشوع بخوانم و... ، استمرار یافت نمی‌شود، چه کار بکنم؟ ۳) چند نصیحت به من بکنید تا برای طلبگی من خوب و مفید باشند و در درس‌های خود موفق شوم.

وعلیکم السلام و رحمة اللّٰه و برکاته؛ امابعد:

نامۀ شما رسید و ملاحظه شد. خداوند کریم علم باعمل نصیب گرداند.

۱ـ معالجۀ این مرض همین است که در محبت آن‌ها مبالغه نکنی بلکه علاقۀ خصوصی چنین کسان را ترک بدهی و «**لاحول...**» را بسیار بخوانی.

۲ـ شما به مقدار قدرت خود سعی کنید که خشوع و خضوع پیدا شود و غصه نخورید. با همین حالت بی‌خضوعی و بی‌ذوقی عمل را ادامه دهید.

۳ـ در زمان طلبگی تقوٰی و عمل را بر علم خود تا وسعت و توان خود، لازم بگیر. ادب و اتباع سنت را لازم بدان. **خیرالکلام ما قل و دلّ.** مزید التماس دعا دارم.

۶صفر ـ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۰۴۸

به مولوی ناروی در پاسخ به إنتقاد بر ترجمه و تفسیر آیۀ ﴿ٱلرِّجَالُ قَوَّٰمُونَ﴾ در «تبیین‌الفرقان»

نوشته بود: تفسیر «تبیین‌الفرقان» را مطالعه کردم، در تفسیر آیۀ ﴿ٱلرِّجَالُ قَوَّٰمُونَ عَلَى ٱلنِّسَآءِ﴾ اشتباه وکوتاهی از قلم طلبه یا کاتب یا کامپیوتر می‌باشد اصلاح فرمایید و آن عبارت از معنی

«قوّامون» است که به‌معنی «مسلط و گماشته شدن» است. گویا عطف بدل و بیان است وگویا تفسیرش چنین است: «مردان مسلط و موظف هستند که در صورت نافرمانی و ترک عمل و عدم رعایت حجاب و حقوق، زنان را بزنند و تنبیه و ادب نمایند». در این‌جا سؤال مضمر است که چرا مؤظف هستند، علت چیست؟ خداوند جواب داد و علت را بیان نمود که علت اول ﴿بِمَا فَضَّلَ ٱللَّهُ بَعۡضَهُمۡ عَلَىٰ بَعۡضٖ﴾ و دوم إنفاق است برای خرج و لباس و... زنان و شأن نزول آیه حضرت سعد بن الربیع است که زن خود را زدند و زن نشوز پیدا کرد. ماجرا به پیامبر علیه‌السلام رسید حضرت خواست از سعد قصاص بگیرد که این آیه نازل شد. در تفسیر طلبه یا کاتب نوشته‌اند «قوّامون» از مصدر قیّم است یعنی مردان قیّم وخدمتگذارند در صورتی‌که فرزندان و وارثان شوهران در صورت فوت شوهر قیّم هم قرار می‌گیرند و بعضی زنان خودش قیّم هستند که بچه‌های خود را مربی و خدمتگذار هستند. تفصیلش زیاد است فقط اشاره می‌کنم که تجدید نظر و اصلاح فرمایید.

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

نامۀ گرامی شما رسید خداوند کریم شما را صحت و عافیت عاجل عطا فرماید و از امراض جسمانی و روحانی ما و شما را حفظ کند.

محترما! آن‌چه در مورد آیۀ ﴿ٱلرِّجَالُ قَوَّٰمُونَ عَلَى ٱلنِّسَآءِ﴾ نوشته‌اید که در لفظ «قَوَّٰمُونَ» در تفسیر «تبیین‌الفرقان» اشتباه وکوتاهی انجام گرفته است، احقر مراجعه کردم نه درآن اشتباه وکوتاهی از کاتب بوده نه از کامپوتر و نه از خود احقر. ترجمۀ آن کاملاً صحیح بود. ممکن است از جناب در مطالعه تسامح شده است و تسامح جنابعالی در دو چیز و در دو مورد واقع شده است:

یکی در معنی «قَوَّٰمُونَ» و دوم در ترکیب. در تفسیر نه ذکر عطف بیان است و نه ذکر بدل. این از استنباط ذهن جنابعالی‌ست و عطف بدل که نوشته‌اید، در تمام علم نحو دیده نمی‌شود که عطف بدلی هم باشد البته عطف بیان هست، اما نه در این آیه.

تفسیر و توضیح لغت و شأن نزول همه در تفسیر، زیر آیۀ کریمه به وجه احسن و واضح مذکور است. ندانم چه علتی باعث شده که جنابعالی را مجبور به چشم پوشی و مغالطه انداخته است. دوباره با تدبّر آن‌را مطالعه فرمایید تا حقیقت امر به شما واضح گردد. ذیلاً

دلیل بر این‌که «قوّام» این‌جا به معنی مسلّط آمده و معتبر است و این‌جا عطف بدل به قول شما نیست، ملاحظه گردد:

این ترجمه به لفظ «مسلّط» در اصل، تفسیر امام الهند، عارف کبیر، حضرت شاه ولی‌الله دهلوی قدّس‌سرّه است. اشتباه را به چنین افراد نسبت کردن، خود اشتباه من و شماست. خطای بزرگان گرفتن خطاست. در ترجمۀ حضرت شاه صاحب ملاحظه کرده شود.

و اما حواله‌ها و منابع ترجمۀ «قوّام» به «مسلّط»:

قال فی التفسیر الکبیر: ۸۸/۱۰ للإمام فخرالدین الرازی رحمه‌الله:

«الرجال قوّامون علی النساء، ای مسلّطون علی ادبهن والأخذ فوق ایدیهن...».

وقال فی البحر المحیط: ۲۳۹/۳ لإمام التفسیر ابی‌عبدالله محمد بن یوسف علی بن یوسف ابی‌حیان الأندلسی رحمه‌الله: «قال ابن‌عباس قوّامون، مسلطون علی تأدیب النساء فی الحق ...».

وقال امام التفسیر القاضی ثناءالله رحمه‌الله فی تفسیر المظهری: ۹۸/۲:

«الرجال قوامون علی النساء، یقومون علیهن قیام الولاة علی الرعیة مسلّطون علی تأدیبهن ...».

وقال امام التفسیر نظام الدین الحسن النیشابوری رحمه‌الله: فی تفسیر غرائب القران: ۴۰۸/۲:

«الرجال قوامون، ای إنما کانوا مسیطرین علیهن ...».

وقال الزمخشری رحمه‌الله فی الکشاف: ۴۹۴/۱:

«قوّامون علی النساء، یقومون علیهن آمرین ناهین کمایقوم الولاة علی الرعایا».

وقال امام التفسیر العلامة ابن‌کثیر رحمه‌الله:

«ای الرجل قیم علی المرئة ای هو رئیسها وکبیرها والحاکم علیها ومؤدبها». (تفسیر ابن‌کثیر: ۴۹۱/۱).

وقال امام التفسیر، مفتی دیار الروم رحمه‌الله فی تفسیر ابی‌السعود: ۹۹۱/۱:

«ای شأنهم القیام علیهن بالأمر والنهی قیام الولاة علی الرعیة».

ومثله فی تفسیر روح المعانی: ۲۳/۵ وتفسیر المدارک: ۲۲۳/۱ للنسفی.

در تفسیر معارف القرآن: ۳۹۶/۲:

«جس طرح ملک وسلطنت اور ریاست کیلئے».

و در تفسیر کشف الرحمن: ۱۳۲/۱:

«قوام یعنی کارفرما اور حکمران» (بر حاشیهٔ ۱).

و در تفسیر مواهب الرحمن: ۴۱/۲:

«الرجال قوامون، مسلطون: مرد مسلط وغالب کردیئےگئے ہیں علی النساء».

خلاصه در تمام تفاسیر معنی «قوام» را «مسلّط» کرده‌اند؛ خصوصاً امام التفسیر و بحر العلم، کسی که پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وسلم در حق او فرموده است: **«اللّهم علّمه تأویل الکتاب»** یعنی ابن‌عباس رضی‌الله‌عنه همین تفسیر کردند؛ چنان‌که اندلسی ذکر فرمودند. دیگر که را مجال سخن مانده است!. **فماذا بعد الحق الا الضلال یهدینا ویهدیکم الله.**

۵ صفر ـ ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۰۴۹

در جواب حاجی عبدالرحمن جاویدان در تعبیر خواب‌ها و احوال وغیره

از احقر محمد عمر نقشبندی مجددی خدمت فرزند ارجمندم جاویدان! زاد فضله السلام علیکم و رحمة اللّه و برکاته؛ امابعد:

حال احقر بد نیست خداوند کریم شما را سالم و حفظ فرماید. نامهٔ گرامی ملاحظه شد و خوشحال شدم که خداوند کریم به شما لطف فرموده و شأن مرادیت عطا فرموده است. شکر این نعمت بزرگ را بشناسید. شکر نعمت‌های تو، چندان که نعمت‌های توست.

عزیزم! فرصت عمر را غنیمت بدانید؛ خصوصاً در این زمان که احقر در قید حیاتم، برای طلب این راه کوتاهی نکنید. الآن که در مراقبهٔ پنجم از مراقبات مشارب رسیده‌اید، لااقل بر هر لطیفه از لطایف هفتگانه در شبا روزی ۵۰۰ بار اسم ذات را و هزار بار نفی، اثبات را هم شبانه روزی و هر روز به معنای دیگر مثل «لامعبود» وغیره را وظیفه و ذکر کرده باشید و مراقبات را

هم به نوبت روز تکرار و دوره کنید و حاج علی را هم به همین اعمال متوجه کنید.

مزید خواب‌ها و حالات همه مبارک‌اند؛ بالأخص دادن من عمامه به شما که این اشاره به إذن خلافت و نسبت خواجگان قدس الله اسرارهم بود و این که از لطیفهٔ اخفی غذا می‌دادید، اشاره بود که شما اگر بیعت بدهید، به آن‌ها فیض إن‌شاء الله تعالی می‌رسد. در تعبیر دیگرخواب‌ها ابهام کردم که بهتر است.

خواب دیدن خداوند متعال هم صحیح است؛ زیرا به اتفاق تمام اهل‌سنت خواب دیدن خداوند متعال در عالم دنیا ممکن است. فقط رؤیت ظاهری و بصری در دنیا اگرچه فی نفسه محال نیست، اما واقع نیست. البته آن ذات مقدس از رنگ و صورت و جسم و جسمانیت وغیره پاک است و مقدّس. آری! در خواب به رنگ و جسم وغیره دیدن آن ذات گرامی و مقدس، جایز است؛ چراکه مسألهٔ خواب غیر از مسألهٔ بیداری است وگرنه او لامثل و لامثیل و بی‌چون و بی‌چگونه است.

نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم نیز فرمودند: **«رأیت ربّی فی صورة شابّ امرد»، الحدیث، او کما قال علیه الصلاة والسلام.**

به حاج بحری و برادرش و یوسف و حاج گلبت و حاج احمد و محمد و اهل بیت سلام عرض است. والسلام.

۵ صفر ـ ۱۴۲۲ هـ.ق.

<u>مکتوب ۱۰۵۰</u>

در جواب خواهری در موضوع راهنمایی ذکر

(نوشته بود: امیدوارم حال حضرتعالی خوب بوده و خداوند متعال سایهٔ پربرکت شما را از ما کم نکند. وجود بزرگانی مثل شما نعمت قابل شایانی و باعث افتخار برای ماست. دعا بفرمایید که خداوند متعال فرزندان و نوه‌های مرا به راه دین هدایت کند و قلب آن‌ها را با نور ایمان پر نماید و همیشه در خدمت اسلام باشند و نیز برای این عاجزه ذکر بنویسید و ارسال دارید).

خانم محترمه حاجه ر. بلوچ! وعلیکم السلام و رحمة اللّه و برکاته؛ امابعد:

بنده دعا می‌کنم که خداوند کریم اولاد من و شما را هدایت فرماید و به بندگی خود موفق و از نور ایمان و قلب ما و شما همه را منور گرداند.

برای ذکر و وظیفه به رسالهٔ بنده «کنزالدارین» ص۱۶ و۱۷ مراجعه نمایید و اذکار صبح و شام وغیره را بخوانید و مزید بر آن، بعد از هر نماز ۳۰۰ بار لفظ «الله» را هم وظیفه کنید.

مزید برای بنده هم دعای خیر کنید.

۱۶ صفر –۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۰۵۱

در جواب دختری در ترغیب به تحصیل علوم دینی

(نوشته بود: بعد از إهدای سلام دوست دارم شما را ملاقات کنم، ولی شهر من دور است. ۱. بنده در ابتدا در درس خواندن خیلی اشتیاق داشتم، اما حالا آن شوق نیست و حوصله ندارم. با وجود این دوست ندارم از کتاب‌های دینی جدا و مشغول کارهای دنیوی بشوم چون علاقهٔ زیادی برای خدمت به اسلام و تبلیغ و تعلیم و امر به معروف و نهی از منکر دارم نه برای پست و مقام و ریا، ۲. مشکل دیگری‌که مرا اذیت می‌کند لرزیدن بدن هنگام جواب دادن به سؤالات اساتید است، ۳. اساتید کمتر از ما سؤال می‌کنند و بیشتر به شاگرد زرنگ توجه می‌کنند؛ چون تمام روز و شب درس می‌خوانیم و از ما سؤال نشود، این بیشتر مورد اذیت ما می‌شود. چند دفعه تصمیم گرفتم ترک تحصیل کنم و باز منصرف شدم. من در خانه‌ای بزرگ شده‌ام که دین برای شان معنی ندارد و توجه به یاد گرفتن قرآن ندارند؛ گرچه نماز می‌خوانند، ۴. به تازگی شروع به یاد گرفتن قرآن کریم کرده‌ام دعا کنید تا به طور صحیح یاد بگیریم و به دیگران هم یاد بدهیم. برای امتحانات از شما درخواست دعا دارم).

دختر سائله! السلام علیکم و رحمة اللّٰه و برکاته؛ امابعد:

هدف اصلی شما که تحصیل علوم دینی است، نباید به دچار مشکلات، پست همّتی اختیار کنید بلکه همّت خود را محکم کنید و در این راه پویان و دوان بروید تا به نتیجه برسی.

بنده دعا می‌کنم و شما هم سعی کرده باشید إن‌شاء اللّٰه تعالی موفق خواهید شد.

به هرکاری که همت بسته گر اگر خاری بود گلدسته گردد

خداوند کریم شما را به علوم قرآن و دین موفق و خدمت دینی نصیب فرماید.

۱۶ صفر الخیر – ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۰۵۲

در جواب فردی در موضوع تعبیر خواب

۱) خواب دیدم من در پاکستان مدرسهٔ بدرالعلوم بودم و شما آمدید یک نامه به من دادید مشاهده کردم دیدم چیزی در آن نیست باز متوجه شدم دیدم یک قبض وجود دارد که یک طرف آن خالی بود و در آن مانند نقل رنگارنگ بود و تبدیل به جواهرات شدند. ۲) دیدم مدرسهٔ شما را که زیر آن کلاً خالی بود و زیر زمین لامپ‌های خیلی روشن داشت و چند دروازه داشت و شما چیزی مانند گردو به من دادید که یک طرف آن سبز و یک طرف نرسیده بود. ۳) دیدم به من گفتند گوسفندان تو رفتند طرف قبله، فکر کردم من پول و آبی با خود همراه ندارم و آخر رفتم نان و آب گرفتم. ۴) در موقع ذکر در نام مبارک «الله» چندین رنگ وجود دارد و ملائکه را مشاهده کردم گفتند اسم ذات چندان سنگین است که ما نمی‌توانیم ببریم بالا.

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد: حال بنده بد نیست.

تعبیر خواب شما اجمالاً خوب است. تفصیل آن آن‌چه در ذکر احقر می‌آید این است: پاکستان، کنایه از راهی مستقیم و پاک است. بدرالعلوم اشاره به علم تصوف است که نور و ماه چهاردهم علوم دینی است چون خلاصهٔ عمل است و عمل برای علم، مثل نور ماه چهاردهم است و این نامه که دادم، نسبت بیعت و مشایخ بود و نقل رنگارنگ، انواع و اقسام نور لطایف بود که آخر به جواهر و حقایق تبدیل شدند.

۲ـ لامپ‌هایی که در زیر خالی مدرسه دیدید، انوار و فیوض روحانی و معنوی علوم دینی‌اند که به این مدرسه متعلق‌اند. خالی بودن یک طرفِ قبض و نارس بودن یک طرف گِردو، یک معنا دارد (وآن این) که طرف عمل شما تا حدودی زنده شده است، اما طرف علمی مکمّل نیست.

۳ـ این هم مبارک است. گوسفندان، اشاره به طلبه‌ای‌اند که الآن یا بعداً از وجود تو

استفاده می کنند و اشاره است به خدمت دین، موفق باشید.

۴ـ حالی که در ذکر از رنگ‌ها و دیدن ملایکه به نظر می‌رسد، همه از برکات ذکراند. التماس دعا دارم.

۱۶ صفر الخیر – ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۰۵۳

در جواب فردی در توضیح تخریج اعداد حروف

نوشته بود: در بسیاری از نامه‌ها به‌جای «بسم الله...» عدد ۷۸۶ می‌نویسند. آیا می‌توان برای هر تحریر از اعداد استفاده کنیم؟ چگونه می‌توان این فن را آموخت؟ آیا این فن مختص نام‌های خداوند است؟

فرزند عزیزم ملا شه‌بخش! وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد: از مضمون نامۀ شما معلوم شدم.

۱ـ عزیزم استفاده از اعداد حروف در هر تحریر جایز است.

۲ـ این فنّ از عددهای حروف ابجد گرفته و آموخته می‌شود.

۳ـ خیر این فنّ مختص نام‌های مبارک خداوند نیست بلکه در هر چیز این اعداد می‌آینـد. تفصیل آن‌ها در کتب این فنّ دریافت شود.

۱۶ صفر الخیر – ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۰۵۴

در جواب ملا عبدالواحد در موضوع تعبیر خواب و...

نوشته بود: ۱) خواب دیدم خداوند (متعال) را که بر روی کرسی نشسته است... . ۲) بنده از نظر روحی و جسمی ضعیف هستم و فکرهای شیطانی و بدی نسبت به مردم و بزرگان و حتی به پیامبران می‌آید، ولی من دلم نمی‌خواهد این افکار بیایند، چه کار بکنم تا این افکار بد نیایند؟

عزیزم ملا عبدالواحد! وعلیکم السلام و رحمة اللّه و برکاته؛ امابعد:

نامۀ شما رسید و ملاحظه شد.

خواب دیدن خداوند تعالی در این عالَم نزد اهل‌سنت درست است، اما آن ذات مقدس را متشکل به یک شکل دیدن، لیس کمثله شیء وآن‌ها تعبیرات مثالی و صفاتی هستند که برای بینندهٔ خواب نمایان می‌گردند و تعبیرش خوب است.

خداوند کریم من و شما را از تمام امراض روحانی و جسمانی شفای کامل عطا فرماید.

بعد از هر نماز استغفار را ۵۰ مرتبه بخوانید إن‌شاء اللّه مشکلات را خالق ذوالجلال به لطف و کرم خود دور می‌گرداند.

۱۶ صفر الخیر –۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۰۵۵

در جواب شخصی در راهنمایی به راه‌های اصلاح

بنده از شهر خواف و مشغول معلّمی هستم. عیب وکاستی‌های زیادی در خود می‌بینم و بارها اقدام به اصلاح خود نموده‌ام، ولی راه را به‌جایی نمی‌برم و به جماعت هم تشکیل شده‌ام، ولی هنوز که هنوز است از خود راضی نیستم (و اصلاح نمی‌شوم). با راهنمایی یکی از دوستان بر آن شدم که از محضر بزرگان دین استفاده کنم. لذا از ارشادات خود این بندهٔ کوچک را بی‌نصیب نگردانید.

فرزند عزیزم محمد اصلان! وعلیکم السلام و رحمة اللّه و برکاته؛ امابعد:

نامهٔ شما رسید و ملاحظه شد. خداوند کریم شما را سالم دارد.

عزیزم بهترین راه اصلاح نفس این چند چیز است:

۱ـ اتباع سنت شریفه.

۲ـ تشکیل شدن به جماعت تبلیغ.

۳ـ صحبت صالحین.

۴ـ کثرت ذکر الله تعالی.

خداوند کریم شما را موفق و حب جماعت و حب صالحین نصیب گرداند.

۱۶ صفر الخیر –۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۰۵۶

در جواب فردی در تعبیر خواب

دیدم درس حضرت استاذ کنار یک جُویآب بود و سامعین در ضمن مشغول نظافت بودند. نزدیک شما آمدم فرمودید آیا شما ریش کوتاه کردی؟ گفتم نه و حرفم دروغ نبود. بعداً از حالت روستایم سؤال کردید و نیز فرمودید تفسیر قرآن از چه زمانی و برای چه شروع شده؟ من جوابی دادم و شما بدون تصدیق و تکذیب گوش می‌کردید. جواب این بود که از زمان صحابه شروع شده و علت آن این‌که چون انسان‌های بعدی از فهم قرآن عاجز بودند. بنده اکثر خواب‌های خوب می بینم پس در چه حالت درخواست تجدید سبق کنم؟

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

تعبیر خواب شما در فکر بنده چنین است:

این جُوی آب، فیض قرآن مقدس بود و نظافت سامعین، بهره‌برداری و ازالهٔ گناهان آن‌ها است؛ به برکت سماع تفسیر قرآن کریم و سؤال از کوتاهی ریش، یک نوع هشدار و تذکر بود برای پایبندی به سنت مبارکه. امید است به علوم دینی و تفسیر موفق می‌گردید؛ به شرط اتباع سنت شریفه. موفق باشید.

زمانی‌که قلبت را ذاکر دیدید، تقاضای تجدید سبق کنید.

۱۶ صفر الخیر – ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۰۵۷

در جواب فردی در ترغیب به ذکر لطایف

۱) من با شما بیعت کرده‌ام و تا حدودی پایبند اذکار هستم، اما مدتی به‌دلیل ضعف ایمانی و دیگر مشاغل از جمله امتحانات ترک شده و دوباره شروع کردم و پایبندم مگر گاهی‌که سعی در اصلاح دارم. البته مشکلی دارم که در وقت ذکر و نماز و تلاوت حواسم پرت می‌شود و می‌ترسم که بیعتم صحیح نبوده است. ۲) برای توفیق یافتن به نماز تهجد چه باید کرد؟ گاهی بیدار می‌شوم ولی نفس و شیطان غالب می‌شوند. ۳) حالت بخصوصی دست نداده ولی گاهی قلبم مثل نبض تند می‌زند و گاهی وقت‌ها در موقع ذکر و نماز و مخصوصاً در حالت تشهد محکم‌تر می‌زند.

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

تا وقتی که فرصت داشته باشید، وظایف خودت را انجام دهید و سعی کرده باشید کـه در آن کوتاهی نشود.

ذکر کن ذکر تا تو را جان است   پاکی دل زذکـــر رحـمن است

آری! وقتی که ضرورتی دینی و دنیوی مزاحم گردد، هم پریشان نشوید که آن ضـرورت هم یک نوع عبادت به شمار می‌رود.

به پراکندگی فکر هم پریشان نشوید که این چیزی مضرّ نیست.

برای توفیق یافتن به نماز تهجد، اصل کار همت است و ارادهٔ کامل.

دَور کردن حفظ قرآن، خود بزرگترین ذکر است. در ایـن مـدت اگـر در دیگـر اذکـار، تعطیلی آید، غصه نخورید که این عین ذکر است.

این حالت قلبی که ذکر کرده‌اید، حالی مبارک و علامت جریان ذکر است در قلب.

خدا یار شماست.

۱۶ صفر الخیر – ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۰۵۸

در جواب چند خواهر در موضوع بیعت و ترغیب به عرفان

نوشته بودند: ما چهار طلبهٔ خواهر حوزهٔ علمیه احناف خواف تقاضا داریم ما را در راه سیر و سلوک الی الله راهنمایی بفرمایید؛ زیرا فرصت‌های عمر بسیار گران‌بها و زودگذر است. ضمناً در صورت امکان ما را نصیحت فرموده و راه نیکو شدن اخلاق را به ما بنمایانید، تشکر داریم.

دختران دین جُو و عرفان طلب اسلامی!

همراه با صد تبریک سلام شما را با جـواب گـرم وعلـیکم السـلام و رحمـة الله و برکاتـه می گویم.

نامهٔ شما رسید و ملاحظه گردید. از این‌که جذبه و شوق دین جویی دارید، خیلی خوش وقت شدم. اکنون به برکت جمهوری اسلامی فرصتی به من و شما ارزانی شده است که آن‌را غنیمت بدانیم.

در زمان سابق و اول زنانی خداپرست و خداجو بوده است که مردان به‌کمال آن‌ها رشک می‌بردند و سروش غیبی و خورشید و ماهتاب و ثریا و پروین بر اوج آسمان به عروج علوی آن‌ها افتخار می‌کردند؛ مثل حضرت زهرا و عایشهٔ صدیقه و رابعهٔ بصریه و ریحانه و شعوانه وغیرهن رضی‌الله‌عنهن. شما هم از دختران بقیهٔ ایشان هستید باید خود را به زیور آن‌ها آرایش دهید و محبت ایمانی خود را به دامن پاک آن‌ها و جمع اهل بیت و اصحاب رضی‌الله‌عنهم مرتبط و پیوند بدهید.

شیرازی رحمه‌الله فرموده است:

فیض روح القدس از باز مدد فرماید   دیگران هم بکنند آنچه مسیحا می‌کرد

بنده از میل و تقاضای عرفانی شما پی بردم که الحمد لله الآن هم در فرزندان اسلام کسانی هستند که به دنبال سلف خود در حرکت‌اند و می‌خواهند که فروع نور اسلام را مکمل سازند.

طریق بیعت: شبی از شب‌ها بعد از نماز عشاء شما هریکی هر جا که نماز می‌خوانید، بعد از نماز بر جای نماز خود رو به قبله نشسته و چنان تصور کند که جلو مرشدم هستم. در این وقت یک بار کلمهٔ طیبه و یک بار کلمهٔ شهادت و سه بار کلمهٔ استغفار بخواند بعداً بگوید ایمان آوردم به خدا و رسول او و به هر حکمی که ایشان حکم فرموده‌اند و بیزار شدم از کارهایی که ایشان منع فرموده‌اند و بیعت کردم با **«محمّدعُمر»** در طریقهٔ نقشبندیه مجددیه. بعد از آن چشم خود را بند کند و خیال خود را به زیر پستان چپ به فاصلهٔ دو انگشت متوجه کند که قلب (هر انسان) همین جا است و حرکت دارد پس با زبان بگوید «الله» و همین کلمه را بر قلب ضرب کند تا ۳۰۰ بار. بعداً بعد از هر نماز همین عمل را ادامه دهد و بعد، هرنوع حالت و خوابی اگر ببیند، بنویسد.

شما را به خدای بزرگ می‌سپارم.

۱۸ صفر الخیر – ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۰۵۹

در جواب خواهری در ترغیب به تحصیل علوم دینی و راهنمایی همسرش به جماعت تبلیغ

بنده طلبۀ دورۀ نهم حوزۀ علمیه خواف هستم و شوهرم معلم بهداشت مدارس است و الحمد لله خداوند ایشان را قبول کرده و در خدمت جماعت تبلیغ است و می‌خواهد این تعطیلات به چهار ماه برود، ولی مشکلی داریم که خانوادۀ پدر ایشان کاملاً با جماعت موافق نیست و مرا در این راه مقصر می‌دانند و نیز کسی نیست که من تنها نباشم؛ زیرا در این‌جا فساد آن‌قدر زیاد است که جرأت ندارم تنها باشم حالا از شما در این باره راهنمایی می‌خواهیم که چگونه عمل نماییم؟

خانم محترم س. صاحبدل! وعلیکم السلام و رحمة اللّٰه و برکاته؛ امابعد:

نامۀ شما رسید و ملاحظه شد. خداوند کریم برای استفاده‌های دینی مزید موفق فرماید. الحمد لله در این بُرهه (از زمان) نظام جمهوری اسلامی محل تشکر است که مدارس مذهبی و مساجد اهل‌تسنّن و تحصیل علوم مذهبی در انتهای اوج و عروج‌اند و این فرصتی خیلی زیبا و شیوا برای من و شما همه اهل‌تسنّن دست داده است. در زمان رژیم قبلی تحصیل قشر مردان در حوزه‌های دینی ایجاد مشکل‌ها می‌کرد و دچار ناآرامی‌ها و تنگناها می‌بود ولی الآن بر قشر زنان محل صدها تشکر است که مدارس دخترانه بحمد الله به قدری در عروج‌اند که آن زمان مدارس دینیِ مردان هم نداشتند فلله الحمد والمنة. از این فرصت خیلی استفاده و تشکر کنید.

خداوند کریم شوهر شما را مزید موفق گرداند تا خدمت ملت را انجام دهد و شوق جماعتش در افزونی باشد. البته در صورت مذکور که شما سرپرستی دیگر ندارید و زمان فتنه هست، برای ایشان به نظر شرع مقدس شما را تنها گذاشتن و تا این قدر مدت دراز به جماعت تشکیل شدن، صلاح و جایز نیست بلکه حفظ نظام خانه و خانوادگی در صورت نبودن کسی دیگر در این زمان فرض است و ثواب این کار از تشکیل شدن خیلی بالاتر است. در شرع مقدس توکل تحت الأسباب است نه فوق الأسباب. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرموده‌اند: «**أعقل البعیر وتوکّل**» یعنی شتر را ببند و بعد، توکّل کن نه این‌که آن‌را رها کرده و توکل کنی.

رومی رحمه‌الله فرموده است: «**بر توکّل زانو اشتر ببند**».

شوهر خود را سلام بنده عرض کنید. مزید شما را به خدا می‌سپارم.

۱۸ صفر الخیر – ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۰۶۰

در جواب خواهری در تعبیر خواب و بیعت غایبانه

نوشته بود: این حقیر در دروس حوزوی مشغول به تحصیل هستم، اما احساس می‌کنم از روحیات و معنویاتی که باید یک محصل داشته باشد، برخوردار نیستم؛ هرچند که چند بار به لطف وکرم خداوند با جناب محمّد مصطفی صلی‌الله‌علیه‌وسلم در خواب و یکبار در بیداری ملاقات کرده ام؛ البته نور ایشان را دیده‌ام، اما مدتی است از آن محروم شده‌ام و احساس می‌کنم ایمان من ضعیف شده است. پس، به‌خاطر تقویت ایمان و لگد کوب کردن هوای نفس و کنار گذاشتن دنیا و متعلقات آن استدعا دارم در صورت امکان بیعت، مرا قبول فرموده و دستورات لازم را بفرمایید.

خانم محترمه! وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

قدر این نعمت را به‌جا آورید که مشغول به تحصیل علوم دینی هستید. این توفیق، نعمتی بزرگ است.

این سعادت به‌زور بازو نیست   تا نبخشد خدای بخشنده

و این ملاقاتی خوابی یا بیداری آن جناب صلی‌الله‌علیه‌وسلم چه نعمتی باارزش است که اگر هزاران جان فدای آن گردد، ارزش دارد. به قول بزرگی:

دوش چشم من به خواب و بخت من بیدار بود
شب همه شب مونس یادم خیال یار بود
دیدمش در خواب و حیرانم نمی‌دانم که کیست
این عجب خوابی که بختم اندران بیدار بود

دیگری فرموده است:

خوابی که بینم روی تو بهتر ز صد بیداری‌ست
آن خواب خوش‌آرام من از جان جان جانداری‌ست

خداوند کریم هر مؤمن را از این نعمت بزرگ بهره‌ور فرماید.

بیعت شما مورد قبول است و شما را بیعت می‌دهم. شبی بعد از نماز عشاء بر جای نماز خود رو به قبله بنشینید و در دل خیال کنید که جلو مرشد نشسته‌ام. بعد، یکبار کلمهٔ طیبه و شهادت و سه بار کلمهٔ استغفار بخوانید و بعد بگویید: «ایمان آوردم به‌خدا و رسول او و به هر حکمی که ایشان حکم فرموده‌اند و بیزار شدم از هرچه منع کرده‌اند و بیعت کردم با «**محمّدعُمر**» در طریقهٔ نقشبندیه مجددیه. بعداً چشمان را بند کنید و فکر خود را به زیر پستان چپ به‌فاصلهٔ دو انگشت متوجه کنید و با زبان بگویید «الله» و بر همین محل بر قلب خود ضرب کنید تا ۳۰۰ بار. پس، بعد از هر نماز روزانه همین عمل را همین مقدار انجام دهید و خدا را شکر کنید.

۱۸ صفر الخیر – ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۰۶۱

در جواب شخصی در پاسخ به چند مسأله که پرسیده است

۱) شناسنامه‌ای که صاحبش مرده، برای پدر و مادر گرفتن کوپن از آن جایز است؟ ۲) زنی در خانه نماز می‌خواند و پشت او مردی هم نماز می‌خواند که کور باشد یا محرم، چطور است؟ ۳) زنی بچه‌اش را شیر می‌دهد و بچه‌ای دیگر که از خودش نیست هم شیر می‌دهد، آیا آن‌ها می‌توانند ازدواج کنند؟ ۴) کسی باغی دارد و مسافر یا بچه می‌روند و می‌چینند و تا آخر تمام می‌شوند و کمی باقی می‌ماند، ده‌یک (عُشر) آن‌ها را چگونه بدهد؟ ۵) اگر در مسجد عطر یا مشک زده شود یا سوزانده شود، چطور است؟

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

۱ـ این عمل دروغ است و جایز نیست.

۲ـ نماز زن در این صورت جایز و درست است.

۳ـ خیر این هر دو بچه از حیث شیر، برادر و خواهر یکدیگرند.

۴ـ هر چه مسافران و بچه‌ها خورده‌اند، عشر ندارد و هر چه باقی‌مانده است عُشر آن‌ها را بدهد.

۵ـ این کار خوبی است و گاهی مستحب است که مسجد را خوشبو کنند.

۱۸ صفر الخیر – ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۰۶۲

در جواب شخصی در مورد حل مشکل وساوس

نوشته بود: بنده مشکلی دارم نمی‌دانم چگونه حلّش کنم. گاهی می‌توانم نماز بخوانم ولی گاهی نفس و شیطان نمی‌گذارند کامل بخوانم و می‌گویند نماز نخوان، قرآن نخوان و به خدای یکتا دشنام بگو و... که من اصلاً نمی‌توانم بگویم. از بس که این مشکل بر من اثر بد گذاشته است که هر وقت با خودم حرف می‌زنم مثل دیوانه و از زندگی و شوهر و بچه‌ها بیزار شده‌ام و در بیشتر مواقع دچار مشکل روحی هستم. قبل از این هم نامه‌ای نوشته بودم و فرموده بودید بعد از هر نماز آیه‌ای‌که گفته بودید، بخوانم، من آن‌را خواندم ولی هیچ فایده‌ای ندارد. ترا به خدا برای مشکلم فکر و کاری بکنید تا بتوانم به راحتی زندگی و عبادت کنم و این وسواس و مشکل از وجود من خارج شود.

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

راه حل مشکل شما سه صورت دارد. یکی این‌که این خیالات و وساوس چون رُخ دهند، آن‌ها را تحویل نگیرید بلکه به کاری مشغول گردید؛ مثل مطالعۀ کتاب وغیره تا این چیزها رُخ ندهند و برطرف گردند.

دوم: آن وقت کلمۀ طیبه و لاحول را به تکرار بخوان.

سوم: بعد از هر نماز ۳۰۰ بار بگو **«اللهُ لطیفٌ قویٌ»**. اگر با این همه دفع نشد، وضو کن و دو رکعت نماز حاجت ادا کن و بعد از آن این دعا را بسیار بخوان. **«الهی مشکل من را برآر و غم از دل من بردار»**. إن‌شاء الله تعالی کم‌کم مشکل شما حل خواهد شد و از خداوند کریم امیدوار باش.

۱۸ صفر الخیر – ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۰۶۳

در جواب مولوی واحدبخش درمورد حلّ یک إشکال و إیراد بر تفسیر «تبیین الفرقان»

نوشته بود: با شایسته‌ترین عرض ادب السلام علیکم ورحمهٔ الله و برکاته. یک اشکال در ذهن ناقصم آمده لطف فرموده آن‌را برطرف نمایید. در مقدمهٔ تفسیر تبیین‌الفرقان در ردیف آیات لیل نوشته: آیهٔ ۱۱۸سورهٔ توبه در سفر تبوک و هنگام فجر نازل شده است. حالا اشکال این‌ست که اگر این آیه در سفر تبوک نازل شده و توبهٔ آن سه بزرگوار قبول شده بود پس، چرا بعد از تشریف آوردن آن‌حضرت صلی‌الله‌علیه‌وسلم در مدینه دستور قطع رابطه داد و ثانیاً دنبالهٔ آیه خداوند متعال می‌فرماید: ﴿حَتَّىٰٓ إِذَا ضَاقَتۡ عَلَيۡهِمُ ٱلۡأَرۡضُ﴾ که تمام این ناراحتی‌ها بعد از قطع رابطه رُخ دادند پس معلوم می‌شود که این آیه بعد از سفر تبوک نازل شده است. در آخر التماس دارم یک دعای خاص و توجه به من لطف بفرمایید تا بدرقهٔ راهم باشد و از قید هوای نفس و شیطان نجات یابم؛ چون از علم و عمل و اخلاص و عرفان خالی هستم و کاملاً مصداق این شعر سعدی علیه‌الرحمة هستم که: «چهل سال عمر عزیزت گذشت...».

عزیزم محترم! وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

اشکالی که در مورد عبارت مقدمهٔ تفسیر رخ داده است، صحیح است. بنده مراجعه کردم معلوم شد که از ناقل و املاء کننده غلطی و قلم خوردگی پیدا شده. اصل (و صورت درستِ) عبارت چنین است:

(۵) آیهٔ ﴿وَعَلَى ٱلثَّلَٰثَةِ ٱلَّذِينَ خُلِّفُواْ﴾ آیهٔ ۱۱۸ از سورهٔ توبه در موضوع متخلفین غزوهٔ تبوک و هنگام طلوع فجر نازل شده است. مأخذ آن منازل العرفان، ص ۱۰۳ می‌باشد. (بنابر این، عبارت در تفسیر) تصحیح کرده شود.

دعای خصوصی (برای شما) هست إن‌شاء الله تعالی. موفق باشید و ما هم التماس دعا داریم و حاضرین را سلام عرض است.

۱۸ صفر الخیر – ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۰۶۴

به ملا سید محمود در مورد حکمت اختصاص غلاف کعبهٔ مشرفه به رنگ سیاه

(عرض این‌که چرا غلاف بیت الله به رنگ سیاه اختصاص داده شده است؟ حالانکه عرفاً رنگ سیاه را در مصایب یا برای کدورت و تاریکی و وحشت استعمال می‌شود و اکثراً رنگ سفید و سبز مورد قبول است و در جنت هم بیشتر رنگ سبز مورد نظر است. از شما می‌خواهم علت انتخاب این رنگ را برای ما روشن گردانید).

عزیزم ملا سید محمود مجددی! وعلیکم السلام و رحمة اللّه و برکاته؛ امابعد:

اولین بار که تُبّع حمیری رسم غلاف پوشی را بر کعبهٔ معظمه پیاده کرد، از آن زمان تا قریب زمان قریش همان غلاف سفید مروج بود. بعد از مدتی غلاف سیاه را به چند وجه به کعبه اختصاص دادند:

۱ـ در لباس سیاه عظمت و أبهّت بیشتر است از دیگر لباس‌ها. به همین وجه رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم اکثراً چادر سیاه استعمال می‌فرمود و در اجتماع عمومی نیز اکثر دستار سیاه می‌پوشیدند؛ زیرا در آن أبهّت و عظمت موجود است.

۲ـ لباس سیاه به باران و گرد چندان متأثر و لکه‌دار نمی‌شود مثل لباس‌های دیگر.

۳ـ چون‌که در زمان نبی‌اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم و خلفای راشدین رضی‌الله‌عنهم همین لباس و غلاف مروج بود، پس بنابر اتباع آن‌ها این عمل آن‌ها را ادامه دادند.

۱۸ صفر الخیر – ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۰۶۵

در جواب ملا عبدالرحمن در موضوع تعبیر خواب

(نوشته بود: خواب دیدم در جایی به دنبال ملاقات حضرت رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم می‌گشتم و گویا ایشان را قبلاً در همین اطراف دیده بودم. ایشان را ندیدم، شروع کردم به تلاوت قرآن و این آیه را ﴿وَبَشِّرِ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ﴾ و ﴿رَّبَّنَآ إِنَّنَا سَمِعۡنَا مُنَادِيٗا يُنَادِي لِلۡإِيمَٰنِ أَنۡ ءَامِنُواْ بِرَبِّكُمۡ فَـَٔامَنَّا﴾ و بعد ایشان را ملاقات نمودم و من را به آغوش خود گرفت و کنار هم به راه می‌رفتیم و...

عزیزم ملا عبدالرحمٰن! وعلیکم السلام و رحمة اللّٰه و برکاته؛ امابعد:

نامهٔ شما رسید و ملاحظه شد. خوابی که دیده‌اید، خوب است موفق باشید. خواب مذکور دال به موفقیت شما است به راه سنت، اما به خواب‌ها مغرور نشوید که هدف اصلی خواب‌ها نیستند بلکه هدف اصلی ادامهٔ ذکر و اتباع سنت است. البته خواب‌ها بشارت مؤمن و تشویق‌اند که در این راه بهتر بچسپد.

خداوند کریم به ذکر و بندگی خود و اتباع سنت موفق فرماید. مزید التماس دعا دارم.

۱۸ صفر الخیر – ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۰۶۶

در جواب فردی در تعبیر خواب

نوشته بود: پدر مرحومم را در حالت عجیبی در خواب دیدم که در یک چهار دیواری بزرگ بود و درآن درخت و سبزی‌ها بود. قبل از آمدن بنده چند نفر از خانوادهٔ ما آن‌جا بودند. پدرم مرا نشناخت بعد که مرا شناخت، مرا به آغوش گرفت وگفت کجا بوده‌ای؟ گفتم تازه از مدرسه می‌آیم گفت خدا را شکر که به مدرسهٔ دینی رفته‌ای... بعد، دو نفر دیگر دیدم که پابرهنه بودند و پدرم هم پابرهنه بود.

عزیزم ملا نوتی‌زهی! وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

نامهٔ شما رسید و ملاحظه گردید. خوابی که دیده‌اید خیلی مبارک است و برای پدر مرحوم و دیگر خانواده‌ات همه خیر و خوب است. آن باغ چون‌که باغی از باغ‌های جنت و آخرت بود، آن‌جا پازوار نمی‌پوشند و ضرورت پازوار در آن‌جا نیست. دیگر همه خیر است. التماس دعا دارم.

۱۹ صفر الخیر – ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۰۶۷

در جواب جناب مولوی... افغانی در تعبیر خواب

۱) خواب دیدم مدرسهٔ کوه‌ون را به‌صورت یک باغ بزرگ و دارای درخت‌های سرسبز و زیبا. داخل

شدم دیدم طلبه از چاه آبی‌که بود، وضو می‌گیرند و من هم وضو گرفتم و بعد شما را دیدم و به مسجد رفتیم و بعد مرا صدا زدید و تسبیح سبز که در دست داشتید، به من دادید. ۲) خواب دیدم جلسهٔ سالانهٔ مدرسهٔ کوه‌ون است و علما از هرجا تشریف آورده‌اند و شما داشتید سخنرانی می‌کردید. خواستم نزدیک بیایم و اجازهٔ سخنرانی بگیرم، فرزند بزرگم را دیدم گفت حضرت إذن سخنرانی داده است. بعد، شما با یک شخص نورانی قدم می‌زدید من آمدم فرمویدید: این یک قطب است. صندوق بزرگی از زمین برداشت و نیاز به همکاری داشت شما یک طرف آن‌را گرفتید و من هم کمک کردم. ۳) یک شب بعد از نماز سحر حین مراقبه مستغرق شده خود را در مدینه منوره دیدم و شخصی بسیار نورانی پیش رویم نشست و گفت همین الآن از مکه مکرمه حرکت کرده و این‌جا رسیدم. ندانستم او که بود.

محترمی جناب مولوی صاحب! زاد فضله السلام علیکم و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

خداوند کریم شما را مزید به اصلاح نفس و خدمات دین موفق گرداند و خادم و مخدوم دین سازد و علم نافع و اخلاص و استقامت عطا فرماید.

۱- خوابی که دیده‌اید، مبارک است. مدارس دینی همان طور که در خواب دیده‌اید، حقیقتاً باغ‌های جنت و پر از درخت‌های علم قرآن و حدیث و تفسیر و فقه‌اند که سرسبز و زیبا هستند و این چاه، علوم و فیوض مدرسین و مخلصین‌اند و تسبیح سبز، اجازهٔ خلافت است که وقتی به شما خواهد رسید.

۲- در خواب دوم اذن سخنرانی هم اشاره به اذن خلافت است که می‌رسد و آن قطب که دیدید، ممکن است قطب خاورمیانه باشد. آن صندوق بزرگ، وظایف ذمه‌داری او بودند که بحمد الله احقر و شما در انجام وظایف‌شان همکاری می‌کنیم.

۳- این شخص هم همان قطب بود. مزید التماس دعا دارم.

۲۰ صفر الخیر – ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۰۶۸

در جواب شخصی در مورد چند حالات غیر مهمّه

(از حالات خود چنین نوشته بود: اگر کسی کاری خلاف طبعم انجام دهد، زود ناراحت می شوم. اگر بخواهم در نماز خشوع داشته باشم، دلم می‌خواهد نماز را زود تمام کنم و اگر دیگری

را در خشوع ببینم، حسودی شده و تصور می‌کنم ریا می‌کند. اگر به دعا شروع کنم، دلم به‌کار خیر دیگری می‌خواهد و دعا را ترک می‌کنم. در وقت مطالعه ذهنم مشوش می‌شود و اگر کسی دیگر را در خواندن کتاب ببینم، وسوسه پیدا شده که تو هم همان کتاب را بخوان و... و در پایان اگر کسی مرید مرشدی باشد، آیا می‌تواند تعلق اصلاحی با شیخی دیگر برقرار کند؟ (از کراچی، جامعهٔ فاروقیه).

وعلیکم السلام و رحمة اللّه و برکاته؛ امابعد:

حال بنده بد نیست خداوند کریم شما را سالم دارد.

حالاتی که نوشته‌اید، آن قدر مهم نیستند که دنبال آن‌ها بروی و یا در دل خود جا دهی.

آری! این شخص می‌تواند که تعلق اصلاحی در نزد کاملی دیگر پیدا کند.

خداوند کریم به علم و عمل و اخلاص و استقامت موفق فرماید. و التماس دعا دارم.

حضرت خان صاحب (مولانا سلیم‌الله خان) مدظله مدیر مدرسه را از طرف احقر سلام عرض کنید.

۲۰ صفر الخیر – ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۰۶۹

به شخصی‌که در مورد ثبوت خواندن ثنا در نماز پرسیده و نوشته بود که بعضی از اهل حدیث می‌گویند ثابت نیست

وعلیکم السلام و رحمة اللّه و برکاته؛ امابعد:

آن اهل حدیث که می‌گوید خواندن ثنا در نماز از حدیث ثابت نیست، دروغ خالص گفته است بلکه بر حدیث پیغمبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وسلم إفترا کرده است.

امام الحدیث، امام ترمذی رحمه‌الله در سنن خود، باب «**مایقول عند إفتتاح الصلاة**» می‌فرماید:

«**حدثنا محمد بن موسی البصری نا جعفر بن سلیمان الصبعی عن علی بن علی الرفاعی عن ابی المتوکل عن ابی‌سعید الخدری (رض‌الله‌عنه) قال کان رسول اللّه (صلی‌الله‌علیه‌وسلم) اذا قام الی الصلاة باللیل کبّر ثم یقول: سبحانک اللهم وبحمدک وتبارک اسمک وتعالی جدّک ولااله غیرک– الی ان قال ـ**

واما اکثر اهل العلم فقالوا إنما یروی عن النبی (صلی‌الله‌علیه‌وسلم) أنه کان یقـول: سـبحانک اللهـم وبحمدک وتبارک اسمک وتعالی جدّک ولا اله غیرک وهکذا روی عن عمر بن الخطاب وعبداللّه بن مسعود والعمل علی هذا عند اکثر اهل العلم من التابعین وغیرهم».

و در روایتی دیگر از حضرت عایشه صدیقه (رضی‌اللّه‌عنها) هم همین‌طور آورده است و در صحیح مسلم: ۱۷۲/۱ موقوفاً علـی عمـر(رضـی‌الله‌عنـه) هـم همـین روایـت را آورده اسـت و از حضرت ابن‌عمر و جابر (رضی‌الله‌عنه) هم همین روایت آمده است.

علامه دارقطنی و طبرانی و هیثمی از انس (رضی‌الله‌عنه) هم مرفوعاً آورده‌اند. امام ابوحنیفه و امام احمد (رحمهماالله) در مذهب خود همین روایات را اختیار کرده‌اند.

برای تفصیل بیشتر، به معارف السنن، شرح سنن ترمذی: ۳۴۹/۲ الی ۳۶۰ ملاحظه شود.

۲۰ صفر الخیر – ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۰۷۰

در جواب فردی که در مورد بیعت از شیخ دوم بعد از فوت شیخ اول پرسیده بود

نوشته بود: اگر شیخ کسی فوت کرد و مرید تاحال ناقص بود و شیخی دیگر وجود دارد که استاذش هم است، ولی سلسله‌اش فرق دارد و در نزدیکی شیخی‌که سلسله‌اش موافق باشد، وجود ندارد و اگر وجود داشته باشد، ولی استاذش نیست. در این صورت نزد کدام یکی از این دو شیخ جهت اصلاح مراجعه کند؟ یا این‌که اصلاً مراجعه نکند و اذکار همان شیخ قبلی خود را ادامه دهد؟

وعلیکم السلام و رحمة اللّه و برکاته؛ امابعد:

این شخص بعد از وفات شیخ اگر ناقص است، حتماً به کسی دیگر رجـوع کنـد. اگـر از اهل نسبت شیخ اولش، یک شخص کامل و متشرّع به آن نزدیکی باشد، به نزد او مراجعه کند و اگر از اهل نسبت شیخ اولش کسی نیست یا هست ولی کامل نیست یا هسـت و کامـل هـم هست ولی متشرّع نیست یا خیلی دور است، پس به شیخی دیگر اگر چه هم نسبت نیز نباشد، مراجعه و بیعت کند. به ادامهٔ کار اولی شیخ اول ننشیند.

۲۰ صفر الخیر – ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۰۷۱

در جواب طلبه‌ای در مورد تحویل نگرفتن وساوس

(نوشته بود: بیعت کرده‌ام و چند مدت خوب عمل می‌کردم، اما وسوسۀ شیطان مرا غافل کرد و باز چند مدت است شروع کرده‌ام، آیا بیعت من باقی است یاخیر؟ و چند خواب هم دیده‌ام: ۱) دیدم سخنرانی می‌کنم، ۲) دیدم اذان می‌دهم و امامت می‌کنم، ۳) دیدم از آسمان باران می‌آید و...).

عزیزم! وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

عزیزم! به دنبال وساوس شیطانی نروید. برای ادامۀ ذکر و اجرای لطایف سعی کرده باشید و خواب‌های شما خوب‌اند. موفق باشید.

به علم دین جدیت کنید که خداوند علم باعمل نصیب گرداند. التماس دعا دارم.

۳ ربیع‌الأول – ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۰۷۲

در جواب مولوی... در مورد راهنمایی به چند وظایف و دعا

(بنده مدتی است سورۀ بقره را برای حل مشکلات می‌خوانم و نیز یک ماه و اندی است مولانا ساداتی به خواندن معوذتین فرمود. طول دو سال بوده سورۀ بقره را همراه با اورادی‌که شما فرمودید خوانده‌ام، ولی حالا که شما محبت فرموده و اوراد دیگر مرقوم فرموده‌ای، اوراد گذشته را تعطیل کردم، اما فرموده‌اید حزب‌البحر را از رسالۀ «دفع مصایب» بخوانید، این رساله دریافت نمی‌شود و من از رسالۀ «مجموعۀ وظایف» می‌خوانم ولی با شرایط نوشته، نمی‌دانم صحت دارد یانه؟ اگر به‌صورت ساده خوانده شود، چطور است؟. حدود یک ماه است که حادثۀ وفات والده‌ام پیش آمده، طلب دعا دارم).

عزیزم جناب مولوی سید... حسینی! وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

عزیزم! خواندن این سوره‌ها و اوراد خوب است مانعی ندارد، اما از خواندن این چیزها دفع مشکلات قطعی نیست؛ چراکه دفع مشکلات در اختیار دافع البلیات است نه غیر. آری! این چیزها همه وسایل‌اند اگر قبول شوند، اثر خود را ظاهر می‌کنند و الا لا.

حزب البحر اگر ساده هم خوانده شود، ثواب دارد.

رسالهٔ دفع مصایب اینجا هست. اگر کسی بیاید إن‌شاء اللّه تعالی یک عدد می‌فرستم.

در مورد فوت والده‌ات شما را تسلیت و تعزیت عرض می‌کنم: «**أعظم اللّه اجرکم وعـزاکم فی مصیبتکم وغفراللّه لمیتکم، للّه ما أخذ وله ما أعطی وکل شیء عنده بأجل مسمّی**».

به والد شما سلام عرض است و التماس دعا دارم.

۳ ربیع‌الأول – ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۰۷۳

در جواب طلبه‌ای در مورد تعبیر چند خواب

(او پس از نوشتن چند خواب، شعری تقدیم حضرت کرده بود؛ به شرح ذیل:

السلام ای صاحب علم و وقار! / السـلام ای گوهر والا تبار!

السلام‌ای آن‌که‌دل‌در پیش اوست! / گرچه نسیان أحبا کیش اوست

السلام ای از فراقت سوختم! / شمع جان در هجرتان افروختم

روز و شب نام تو چون ورد زبان / می‌کنم چون بلبلان آه و فغان

السلام ای سرور عالی جناب! / درد هجر تو برون‌ست از حساب

مخلصت با اشتیاق ای نازنین! / هست دامن بوس قطب العارفین

دایمی باد آن وجود محترم / خاطـر آن صاحب بیت الحرم

کی بود روزی ببوسم پای وی / دیده روشن گردد ز سیمای وی

من نگویم تو غریبی ای عزیز! / چون‌که در مصری در پیش‌عزیز

ما همه در هجر چون کنعانیان / مانده در بیت الحزن با صد فغان

یک دمی بنمای رُخ چون آفتاب / تا به کی مستور سازی در سحاب

ابر دوری مانع دیـدار شـد / دیدگان ما همه خون بار شـد

دارم از لطف شما چندان نوشته / نگسلد از هم به سان سلسـله

بنویس برایم جواب کاغذی / تا به سوی تو بگذارم قدمی

ریشهٔ مِهر تو اندر دل بود — کندنش ز آن جا مشکل بود
این غم هجر شما سخت است سخت — کی ترحم می کنی وقت است وقت

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

عزیزم خوابی که دیده‌اید، خوابی خوب و مبارک است. خداوند کریم شما را به علم و عمل و اخلاص موفق گرداند.

عزیزم! بنده خودم چیزی نیستم البته به همین خوشم که مسلمانان در حق احقر حسن ظنّ دارند. امید است که خداوند به برکت حسن ظنّ مسلمانان این گنهکار را ببخشد. تعریفاتی که در شعرتان برای احقر کرده‌اید، هم از حدّ و ارزش بنده بالاتراند.

عزیزم! کوشش کنید که از علم و عمل بهره‌ای ببرید.

از قرار معلوم منطقهٔ شما، مسکوتان تا حال از علمای خدمتگذار دین خالی است. سعی کنید تا چیزی بشوی و خدمتی برای این امت مرحومه انجام بدهید. خداوند کریم موفق گرداند. مزید التماس دعا دارم.

۴ ربیع‌الأول – ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۰۷۴

به ملا عبدالعزیز در پاسخ به چند سؤال که پرسیده بود:

بنده یکی از طلاب مدرسه‌ای در خراسان هستم و با یکی از پیران کردستان در طریقهٔ قادریه و نقشبندیه بیعت کرده‌ام از همان هنگام چند سؤال نزد من هست که از هر مولوی می‌پرسم، جوابش را خوب نمی‌فهمم. به این علت برای شما نامه نوشتم. ۱) آیا گفتن کلماتی چون «یا رسول الله»، «یا شیخ عبدالقادر» و... شرک است؟ و آیا کارهایی مانند چاقو به بدن کردن و شیشه و سنگ خوردن در اسلام جایز است؟ ۲) لطفاً در مورد ذکر طریقهٔ قادریه و نقشبندیه مختصر توضیحی بدهید. ۳) از میان طُرُق کدام‌یک بهتر و با اصول شرع مطابق‌تر است؟ ۴) آیا إستمداد از روح اولیا در طریقت و شریعت جایز است؟ ۵) آیا ذکر به‌طور حلقه گرفتن و با آواز بلند و دُف زدن جایز است؟ ۶) ذکر جهری بیشتر فضیلت دارد یا ذکر خفی و ذکر بالجهر چطور است؟ ۷) در روستای من افرادی صوفی در هردو طریقه وجود دارد که روزه می‌گیرند و هر روز هزار تا ذکر خفی و هر روز تلاوت می‌کنند و هر هفته

حلقه می‌گیرند و ذکر بالجهر می‌کنند و تا حد امکان غیبت و دیگر کارهای منهیه نمی‌کنند. آیا ذکر این افراد درست است؟

فرزند عزیزم ملا عبدالعزیز! وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

۱ـ اگر گویندۀ «یا رسول الله» و «یا شیخ عبدالقادر» معتقد است که رسول و شیخ، حاضر و ناظر است و فریاد را می‌شنود و مشکل مرا حل می‌کند، این وقت گفتن این کلمه شرک است؛ چنان‌که در فتاویٰ‌ها نوشته است. کارد و چاقو زدن و شیشه وغیره خوردن همه شعبده بازی و حرام‌اند. کسی که این کارها را می‌کند، این دلیل صریح است که او ولی شیطان است نه ولی الله. به‌قول رومی رحمه الله:

کار شیطان می‌کند نامش ولی   گر ولی این است لعنت بر ولی

و اگر گوینده این عقیده ندارد و به طور وظیفه این کلمه را تکرار کرده می‌خواند، این وقت گفتن این کلمات مکروه است و اگر اتفاقاً بر زبانش رفت یا در شعری نوشت یا خواند بدون هدف و هیچ اراده‌ای نداشت، جایز است ولی بسیار تکرار نمودن آن بهتر نیست.

۲ـ ذکر قادریه از نفی و اثبات شروع می‌شود و آن‌را اولاً با زبان و به‌جهر متوسط می‌کنند بعداً مراتب دیگر دارد؛ چنان‌که در «ضیاء القلوب» و «ارشاد مرشد» نوشته است و ذکر نقشبندی از اسم ذات شروع شده و با دل و به‌طور خفیه (انجام می‌گیرد) و بعد از چند لطایف، نفی و اثبات هم می‌آید.

۳ـ همه طُرُق صحیح‌اند، اما مطابق شرع نمودن آن‌ها در اختیار سالکین و مشایخ است.

۴ـ استمداد دعا از اولیای زنده جایز است و از اولیای مرده جایز نیست.

۵ـ ذکر به‌طور حلقه و با آواز جهر متوسط که خود همان اهل حلقه می‌شنوند و صدا به دور و دراز نرود، جایز است؛ به‌شرطی که حلقه گرفتن را لازمی و دایمی ندانند و دُف و مزمار و سرود با آلات موسیقی در آن حرام است.

۶ـ ذکر خفی به‌حکم قرآن و حدیث افضل است بلکه به هفتاد درجه از ذکر جلی افضل است و ذکر بالجهر دایماً با زور و شور و به جهر مفرط مکروه است. میانه و متوسط ذکر کنند.

۷ـ اگر این افراد با وجودی که این کارهای نیک را می کننـد، ولـی اعتقـاد آن‌هـا صـحیح نیست؛ مثلاً نداء غیر اللّه و از قبور و اولیای مرده استمداد می کنند و کارد چاقو بـر خـود و در ذکر دُف و موسیقی می‌زنند و از بدعت احتیاط نمی کنند پس، این اعمال نیـک‌شـان بـه درد نمی‌خورند و نزد خداوند متعال هیچ ارزشی ندارند و اگر اعتقـاد و اعمـال و... آن‌هـا صـحیح است پس خوب است.

۴ ربیع‌الأول – ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۰۷۵

به صوفی عبدالرحمن در پاسخ به چند سؤال که پرسیده است:

در نامه‌ای اجازهٔ ذکر روح را داده بودید، از برکت توجهات حضرتعالی حال قلب و روح به‌نسبت خوب بوده و لطیفهٔ خفی و أخفی بدون ذکر خود ذاکر و فعال‌اند وگاه‌گاهی خفگی دست می‌دهد. ۱) می‌گویند خضر، و الیاس و ادریس و عیسی‌ﷺ زنده‌اند، آیا درست است؟ ۲) آیا قلوب انبیا و اولیای فوت شده، در قبر زنده‌اند و درحال ذکراند وآیا در دنیا تصرف و اختیار دارند؟ ۳) در صورت ممکن بفرمایید قطب‌التکوین چه‌کسی و وظیفه‌اش چیست؟ ۴) شخصی فقیر باشد و دولت مثل امارات او را به حج ببرد، حکمش چیست؟ ۵) نامه‌ها را به چه صورت بفرستم که بهتر و کم دردسرتر است؟ ۶) در بین خواب و بیداری بودم که ذکر «لا اله الا الله» را به‌صورت نور بسیار روشن در لطیفهٔ قلب و روح خود دیدم که در حال حرکت و جریان بودند، ۷) دیدم در جایی در نزدیکی حضرت بلال‌ﷺ بودم اما ایشان را ندیدم.

عزیز محترم! وعلیکم السلام و رحمة اللّه و برکاته؛ امابعد:

سه نامهٔ شما پشت‌سر هم رسیدند. خداوند کریم شما را حفظ و موفق فرماید. نامه‌های قبلی هم را جواب کرده‌ام. الآن در لطیفهٔ سرّ هم اجازت دارید.

این خفگی عیبی ندارد. ممکن است از آثار ذکر باشد. این لرزش هم جای پریشانی نیست.

خواب‌های شما همه خیلی مبارک‌اند موفق باشید.

و اما جواب سؤالات شما:

۱ـ نزد جمهور علماء حضرت الیاس و ادریس علیهما السلام زنده نیستند البته حضرت عیسی علیه السلام به اتفاق امت در آسمان و زنده است و در وقت ظهور دجال بر زمین فرود می‌آید و دجال را می‌کشد و در مورد حیات حضرت خضر علیه السلام اختلاف هست. نزد جمهور محدثین مرده است و نزد جمهور صوفیه و فقهاء زنده است.

۲ـ انبیاء علیهم‌الصلاةوالسلام نزد اهل سنت و جماعت در قبور قلباً و جسماً زنده‌اند و اولیاء به قلوب زنده‌اند و در دنیا بدون اذن اللّه تصرف و اختیار ندارند.

۳ـ تشخیص قطب التکوین را بنده خودم نمی‌دانم که کدام فرد است البته صفت او تصرّف در تکوینیات است.

۴ـ نزد احناف درست است و حج از او ادا می‌گردد.

۵ـ نامه‌ها را به پست عادی بفرستید، می‌رسند وقتی که ضرورت باشد بفرستید.

۶ـ خواب دیدن «لا اله الا اللّه» و نزدیکی حضرت بلال رضی الله عنه خیلی مبارک است.

برای خانوادهٔ شما دعا می‌کنم که خداوند کریم آن‌ها را اصلاح فرماید.

۴ ربیع‌الأول – ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۰۷۶

در جواب یک صوفی در مورد چند سؤال که پرسیده بود

۱) از کتابخانهٔ شما به‌مبلغ ۴۷۵۰ تومان کتاب گرفته‌ام و به علت‌هایی نتوانستم بفرستم و الآن با این نامه می‌فرستم و حق خود را حلال کنید. ۲) در ترکمن‌صحرا گروهی از صوفیا وجود دارد که خود را منسوب به سیف‌الرحمن می‌کنند. در مجلس آن‌ها آواز هست و پیر آن‌ها به من گفت من از قبر حضرت رضا رحمه الله به‌صورت توجه باطنی استفاده می‌کنم و نداء غیر الله را ثابت می‌کنند و می‌گویند این قدرت را خداوند به آن‌ها عطا کرده است. من گفتم: مشرکان مکه نیز چنین عقیده‌ای داشتند گفت: آن‌ها استقلال را ثابت می‌کرده‌اند و ما نه. نظر شما در این مورد چیست؟ ۳) نظر شما در مورد کتاب «البلاغ‌المبین» تألیف شاه ولی‌الله رحمه الله و فتاوای عزیزی چیست؟ ۴) این‌جا عالم نمایی هست که معتقد است الله تعالی اولیایی دارد که مثل ملک الموت می‌توانند در هر جا و در هر لحظه باشند.

حکم او چیست و آیا خواندن نماز پشت سر او جایز است یا خیر؟

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

۱ـ نامهٔ شما به همراه مبلغ ۴۷۵۰ تومان رسید. ما در فکر این مبلغ نبوده‌ایم، از جانب بنده به شما حلال بود، ولی خیر الآن که فرستاده‌اید، اشکال ندارد.

۲ـ عزیزم صوفیانی که به وضع مذکور توضیح داده‌اید که استفاده از قبور و نداء غیر الله را قایل‌اند، این‌ها از گروه منحرفین و شیّادان اهل تصوف‌اند و مرید شدن از ایشان در شرع روا نیست و بیعت با ایشان هم خود خلاف سنت است.

۳ـ کتاب «البلاغ المبین» و «فتاوای عزیزی» اگر دست خوردهٔ اهل بدعات نباشند، خوب‌اند.

۴ـ پشت سر این‌ها نماز خواندن مکروه است.

شما را به خدا می‌سپارم و التماس دعا دارم.

۶ ربیع‌الأول – ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۰۷۷

در جواب فردی در مورد چند سؤال که پرسیده بود:

از خداوند متعال سلامتی شما را جویا هستم و امیدوارم همان‌طور که خداوند متعال شما را جانشین نبی عربیﷺ قرار داده است، در دارالبقاء نیز در زمرهٔ انبیا و همراهی سیدنا محمدﷺ محشور گرداند. بنده یکی از دوستداران و علاقه‌مندان شما هستم و با مشکل مواجه شده‌ام و از آن‌جا که شما راهنمای مسلمین هستید، چند مشکل و سؤال می‌نویسم: ۱) من خیلی افسرده وکسل و ناامید هستم و در همه چیز شوق از من سلب شده است. شاید ابتدا کاری را با شوق شروع می‌کنم، اما در آخر شکسته و ناامید می‌شوم و بنا بر همین امسال ترک تحصیل کرده‌ام و قلباً خیلی ناراحت هستم. ۲) حافظهٔ من ضعیف است و ذهنم در درس و نماز و... متمرکز نمی‌شود. ۳) در قلبم همیشه فکرهای باطل و غلط می‌آید. ۴) اگر ممکن است در مورد قضا و قَدَر مطالبی بنویسید و آیا با دعا قابل تغییر است؟ ۵) پسر یا دختری که بعد از سنّ بلوغت نماز و روزه‌اش را مرتب انجام نداده و نمی‌داند چه‌قدر از نماز و روزه‌ها فوت شده است، این شخص چطور عمل کند؟ ۶) اگر قرآن مجید از دست افتاد یا

بچه‌ای آن را انداخت به زمین، در این صورت چه کار باید کرد؟ آیا صدقه باید داد؟

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

خداوند کریم شما را حفظ فرموده و به علم دین موفق گرداند.

۱ـ برای دفع کسالت بعد از هر نماز این دعا را صد بار یا پنجاه بار بخوانید: «**یاحنّان یامنّـان وَفِّقْنی**».

۲ـ برای ضعف حافظه بعد از نماز عشاء صد بار «**یاحفیظ**» را بخوانید.

۳ـ این فکرها وساوس‌اند آن‌ها را تحویل نگیرید. بگذارید بیایند و بروند.

۴ـ قضا و قَدَر بر دو قسم است: ۱) مبرم، ۲) معلّق.

تقدیر مبرم وقتی که برسد، به هیچ دعا و... محو و دفع نمی‌گردد البته معلّق به وسیلهٔ دعا قابل تغییر است.

۵ ـ اولاً فکر کند که چند نماز یا روزه از او فوت شده است. اگر یقین یا گمـان غالـب بـه یک مقدار پیدا شد، قضای همان مقدار از نماز را به همراه وتر ادا کنـد و اگـر یقـین و گمـان غالب پیدا نشد و متردد و مشکوک ماند پس، تا حدی قضای به‌جا آورَد که دلش تسلی گردد که الآن نمازهای فوت شده تمام شده‌اند. برای روزه فقط شصت روز پی به پی روزه بگیرد، از همه روزه‌ها کفایت می‌کند.

در نمازها اول نیت کند که اولین یا آخرین صبح یا ظهر یا مغرب و... را می‌خـوانم و اگـر همه را یکجا یا کم‌کم ادا کند، هر دو صورت رواست.

۶ ـ توبه باید کرد و اگر چیزی برای همین بی‌ادبی صدقه کند، خوب است.

۶ ربیع‌الأول – ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۰۷۸

در جواب فردی که در مورد انتشار ذهن و... نوشته بود

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

خداوند کریم به ذکر و فکر خود موفق گرداند.

به انتشار فکر و ذهن هنگام ذکر و مراقبه دل‌خور نشوید؛ زیرا این‌ها می‌آیند و می‌روند و در این‌ها گناهی در شرع مرتب نمی‌گردد.

بنده برای تمام مشکلات شما [از جمله: عصبانی شدن، نگرانی و تشویش و احساس گناه؛ همه] دعا می‌کنم، خداوند از همه پریشانی‌ها و مشکلات حفظ فرماید (آمین).

۶ ربیع‌الأول – ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۰۷۹

در جواب طالب علمی در راهنمایی و تعبیر خواب

(نوشته بود: ۱) من سه لطیفه تلقین ذکر از جناب دریافت داشته‌ام و دو دیگر را با رابطه به‌دست آورده ام، آیا اجازه می‌فرمایید هر پنج لطیفه را ذکر کنم؟ ۲) من درس می‌دهم و امامت هم می‌کنم، بنابر این، نمی‌توانم به خدمت‌تان بیایم. ۳) خواب دیدم دو نامه برایم فرستاده‌بودید؛ یکی ساده بود و دیگری گُل داشت باز کردم، چیزی نوشته بود ولی من نتوانسم بخوانم و بر سر یکی نوشته بود: «بجنورد».

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

عزیزم! تا به‌حال همان سه لطیفه برای شما کافیست عجله نکنید. زمانی که بیایی، بعداً برای تبدیل لطایف دیده می‌شود. هدف اصلی در طریقت، کثرت لطایف و اسباق نیست بلکه هدف اصلی کثرت و دوام ذکر است.

همین امامت و درس دادن به شما مبارک باد. وقتی‌که فرصتی پیدا کردید، بیایید و اگر آمدن نتوانستید، بعداً بنویسید. خواب شما خوب و مبارک است. خداوند کریم شما را به خدمت دین و به علم و عمل و اخلاص موفق گرداند (آمین).

شما را به خدا می‌سپارم و التماس دعا دارم.

۷ ربیع‌الأول – ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۰۸۰

در جواب مولوی کبودانی در راهنمایی و جواب چند سؤال

مدتی است سعادت ملاقات نصیب نشده است، اما این هم پسندیده است که از طریق مکاتبه با شما در تماس باشم و لحظه به لحظه مشوره داشته باشم. الآن علاوه بر استفادۀ حضوری، می‌خواهم کتباً از اندرزهای شما بزرگان استفاده کنم. ۱) در این عصرِ اوج مادیات و تکنولوژی چطور می‌شود و با چه مجاهدت‌هایی می‌توان حبّ دنیا و اثرات آن را از دل زدود؟ ۲) چرا با وجود زیاد شدن سخنرانی‌ها، اثرات کم شده است؟ ۳) به‌طور کلّی رمز موفقیت و کامیابی یک عالم و روحانی در چیست؟ ۴) نظر شما در مورد حلقه‌های ذکری که همراه با طبل و... هست، چیست؟ و اعمالی که این اشخاص از قبیل خوردن تیغ، شیشه و... انجام می‌دهند، تحت تأثیر چه چیزی بوده و چگونه است؟

خدمت مکرمی جناب مولوی صاحب کبودانی! وعلیکم السلام و رحمة اللّٰه و برکاته؛ امابعد:

نامۀ گرامی ملاحظه شد. خداوند کریم در خدمات دینی موفق گرداند و اخلاص و استقامت را زیب تن من و شما بگرداند.

عزیزم! خداوند کریم قرآن مقدس را برای اصلاح و تهذیب نوع بشر تا قیام قیامت قرار داده است. در حال حاضر و در هر عصر؛ برابر است که عصر مادیات باشد یا اوج تکنولوژی یا غیره، قرآن مقدس برای اصلاح (بشر)، شمشیر برّان است.

۱ـ آری! در همین تموّج فتن و مادیات به پنج وسیله می‌توانی که حب دنیا را از دل برطرف کنی و حب مولٰی و آخرت را در آن‌جا دهی:

۱) صحبت صالحین کاملین، ۲) کثرت ذکر الله، ۳) اتباع سنت سنیه و اجتناب از بدعات، ۴) کثرت تلاوت قرآن کریم، ۵) کثرت یاد آخرت.

۲ـ علت کم شدن اثرات سخنرانی‌ها، چهار چیز است. یکی کمبود عمل و اخلاص سخنرانان، دوم عدم توافق جوّ شنوندگان، سوم کمبود جذبات معنوی سخنرانان و چهارم سخت شدن قلوب سامعان به علت نبود غذای حلال. اقبال رحمه الله گفته است:

لهجۀ مردی که دارد بوی دوست　　　امتی را می‌کشد تا کوی دوست

و به قول هندی:

بات جب دل سے نکلتی ہے اثر رکھتے ہے   پر نہیں پرواز مگر رکھتی ہے

۳ـ رمز موفقیت کامل یک عالم (در این چند چیز است:) زهد عن الدنیا و میل الی الآخرة، استغناء عن الخلق و بُعد از مادیات و اهل مادیات، فرار از صحبت ناصالحین و اشرار، توجه کلی به اخلاص، توکل و صبر علی البلاء. این‌ها به همان پنج عمل اول الذکر آسان و دستیاب می‌شوند.

۴ـ به نظر من این‌ها و اهل این کار باطل هستند و این یک نوع فریب ابلیس است.

ای بسا ابلیس آدم روی هست   پس به هر دستی نباید داد دست

این اعمال کثیف هم چشم‌بندی و شعبده از فن طلسم و جادوگری و کرشمه‌جات علم نیزنجات و مسمیریزم و سیمیاء و ریمیا اند. این‌ها از حق و قرب الهی و عرفان هیچ بهره‌ی ندارند و دورترین بنده‌ها از قرب خداوند کریم همین گروه‌اند. به قول رومی رحمه الله:

کار شیطان می‌کند نامش ولی   گر ولی این است لعنت بر ولی

شما را به خدا می‌سپارم و التماس دعا دارم.

۸ ربیع‌الأول – ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۰۸۱

در جواب شخصی در تعبیر چند خواب

۱) خواب دیدم کنار موتورآبی رفتم که مال یکی از علما بود و او آمد با کسی دیگر سوار ماشینی وگویا درب آن نیم‌باز بود من آن‌را بستم بعد، اتوبوسی رد شد که مجسمۀ اسبی برآن بود و این ماشین تبدیل به یک اسب شد و آن مجسمه را بلعید. ۲) دیدم شمشیری در دست دارم چند نفر نظامی بر سر راه شمشیر داشتند و یکی به مقابله آمد و درگیر شدیم که بیدار شدم درحالی‌که این دعا در ذهنم بود: «اللّهُمَّ إِنِّی مَغْلُوبٌ فَانْتَصِرْ». ۳) شبی بعد از إتمام اوراد و وظایف با یکی خوابیدم و او به طریق سنت خوابیده بود و قلب‌ها موازی یکدیگر بودند، بر قلبم فشار زیاد احساس کردم، شروع کردم به خواندن کلمۀ شهادت و دعای حضرت یونس علیه‌السلام که بیدار شدم و مکانم را عوض کردم. این

حالت قبلاً با یکی دیگر هم پیش آمد. ۴) مشکلاتی دارم و می‌خواستم با مشورهٔ شما و در صورت لزوم بعد از استخاره به جماعت بروم. ۵) کتابی در مورد روش اتباع سنت کامل معرفی بفرمایید. ۶) در صورت امکان و اجازه از شما، به قسمت‌های دیگر رسالهٔ «کنزالدارینِ» شما عمل می‌کنم..... .

وعلیکم السلام و رحمة اللّٰه و برکاته؛ امابعد:

خداوند کریم موقفیت شما را در امور دینی روز به روز بیشتر گرداند.

۱ـ خواب شما مبارک است؛ برای آن عالم که دیده‌اید و هم برای خود شما.

۲ـ این خواب و شمشیر و غالب شدن شما، هم مبارک است.

۳ـ امکان دارد که قلوب آنان که با قلب شما متصل می‌شدند، از ذکر خدا غافل بودنـد، از این وجه بر قلب ذاکر فشار می‌آید که آن قلب دیگر خلاف جنسش می‌باشد.

۴ـ بعد از استخاره اگر به جماعت موفق شدید، خیلی خوب است.

۵ـ کتاب رجاء المقبول در مورد سنت‌ها بسیار خوب است.

۶ ـ آری! اگر فرصت داشته باشید، اجازه دارید که به همهٔ کنزالدارین عمل کنید. التماس دعا دارم.

۸ ربیع‌الأول – ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۰۸۲

در جواب مولوی سهرابی در مورد تعبیر خواب و...

۱) خواب دیدم دوباره در مکه مکرمه هستم. خواستم حجر اسود را بوسه بزنم، مطاف خیلی خلوت بود فقط ۱۰ الی ۱۵ نفر بود که تمام به یک شکل بودند. بعد دیدم کعبه از روی زمین برداشته شده است و فقط جایش بود و یک سنگ سبز رنگ در وسط آن بود. گفتند این اصل و قلب کعبه است و آن‌را برای شستن برده‌اند که یکبار در سال آن‌را می‌شویند. ۲) خواب دیدم حرم مکه مکرمه مثل زمان قبل است و گویا برنامهٔ عوض کردن پردهٔ آن بود و بعد دیدم آن‌را بنا می‌کنند ولی از سقف شروع کردند و شما قریب مقام ابراهیم روی یک مصلی در حالت مراقبه نشسته‌اید و حالت عجیبی داشتید. ۳) یک شب فقیر نورمحمد را به خواب دیدم که هرجا مرا با خود می‌بُرد و گویا علاقهٔ خاص داشت.

از لاشیء محمّدعُمر مجددی خدمت مخلصی و محترمی جناب الحاج مولـوی سـهرابی!
زاد فضله السلام علیکم و رحمة اللّه و برکاته؛ امابعد:

خداوند کریم به طاعات و خدمات دین مبین موفق فرماید.

خواب‌هایی که دیده‌اید، بس مبارک‌اند. آن‌چه از کعبهٔ مشرفه دیده‌اید، نزد صوفیه ایـن را حقیقت کعبهٔ ربانی می‌نامند که از مراقبات حقایق تعلق می گیرد.

۲ـ این حقیقت اصلی فضای حرم شریف بود که دیدید و آن‌چه در حق احقـر دیدیـد، از ارزش بنده خیلی بالاتر است، اما شما مخلصین این عاصی را طبق نیات و ارادات خود می‌بینید وگرنه «من آنم که خود دانم».

۳ـ این اشاره است که نسبت باطنی شما به بعض وجوه به نسبت باطنی اهل تصرف مناسبت دارد. مزید التماس دعا دارم.

۹ ربیع‌الأول – ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۰۸۳

در جواب شخصی در مورد راهنمایی دفع وساوس

نوشته بود: بنده قبلاً یکی از انتظامات مسجد مکی بوده‌ام، مدتی است مشکلی دارم و آن این‌که به فکرهای عجیب و شیطانی مبتلا شده‌ام. به ذات اقدس الهی فکر می‌کنم و در مورد هر چیز و مسأله‌ای؛ دینی و دنیوی در دل شک و تردد می‌آید. می‌دانم بیان کردن آن‌ها گناه عظیم است، ولی به‌خدا دست خودم نیست. با یکی از علما درمیان گذاشتم و او مرا راهنمایی کرد و گفت: ناراحت نباش که در حدیث است: صحابه برای همین مشکل به آن‌حضرت علیه‌السلام مراجعه می‌کردند ایشان می‌فرمود: این فکرها دلیل صریح ایمان هستند. مدتی قوت قلب گرفتم، ولی این یکی دو ماه است بیشتر بر من فشار آورده و شیطان ویل‌کن نیست. لذا راهنماییم فرمایید و چاره‌ای برایم بنویسید.

وعلیکم السلام و رحمة اللّه و برکاته؛ امابعد:

عزیزم! دنبال چنین فکرهای پوچ و لایعنی نروید. زمانی‌که به ذات اقدس جلّ‌جلاله فکری فاسد بیاید، «**لاحول...**» و «**أعوذ بالله...**» و «کلمهٔ توحید» را بسیار تکـرار کنیـد، اللّـه تعـالی آن‌را

برطرف می‌گرداند. آن عالم برای شما خوب راهنمایی کرده است. بعد از هر نماز ۵۰ بار «لاحول...» و بعد از نماز صبح و عشاء این دعا را هم صد صد بار بخوانید: «**لا إِلٰهَ الاّ اللهُ الْمَلِکُ الْحَقُّ الْمُبِین**».

۹ ربیع‌الأول – ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۰۸۴

در جواب طلبه‌ای در مورد تشویق به تعلّم علم و...

نوشته بود: ۱) با وجود آرزوی چند ساله، موفق به ملاقات شما نشده‌ام. یکی از دوستان پیشنهاد ارسال نامه داد، خوشحال شدم که بلکه رابطه‌ای داشته باشم و از تجربیات شما استفاده ببرم؛ گرچه از کُتُب شما استفاده‌ها برده‌ام. ۲) آیا در مورد سیرت سیدنا معاویه رضی الله عنه رساله‌ای تحریر فرموده‌اید؟ در صورت عدم کتابت، حوالهٔ کتاب‌هایی برایم بدهید. ۳) آیا با کتابت گنجایش بیعت وجود دارد یاخیر؟ چون می‌خواهم کتباً بیعت کنم. برای مشکل من و تمام مسلمین دعا بفرمایید.

فرزند عزیزم ملا سارانی! وعلیکم السلام و رحمة اللّه و برکاته؛ امابعد:

نامهٔ شما رسید و ملاحظه گردید. خداوند کریم علم با عمل و اخلاص نصیب گرداند و به خدمات دینی موفق گرداند.

۱ـ عزیزم نعمت بزرگ دو جهان، علم دین است، قدر آن‌را بدانید که بـه خانـه‌هـای شـما بدون زحمت آمده و رسیده است.

۲ـ در موضوع امیر معاویه رضی‌الله‌عنه رساله‌ای از بنده به نام «**عاجلة فی فضائل بعض صحابة**» و «**الهاویه فی فضائل معاویة**» و دیگر کُتُب هم موجود است.

۳ـ آری! می‌توانید غایبانه بیعت کنید. اگر میل پیدا شد و استخاره کردید، بعد از آن بـرایم بنویسید.

احقر برای دفع مشکلات شما و کل مسلمین دعا می‌کنم. مزید التماس دعا دارم.

۹ ربیع‌الأول – ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۰۸۵

در جواب طلبه‌ای در مورد چند سؤال

نوشته بود: امیدوارم سلام مرا که پیچ‌وخم‌های گلستان و خراسان و زاهدان را طی می‌کند، علیک بفرمایید. مدت‌هاست که آرزوی رؤیت شما را دارم، ولی تاهنوز موفق نشده‌ام. از آن‌جا که طلبه هستم و باید ظاهر و باطنم یکی باشد و مصلَح و پیش مصلِح باشم، خود را در گناه می‌بینم و هر بار با خدا عهد بسته‌ام که دوباره به‌گناه رجوع نکنم، اما ضعف ایمان و خواهشات نفسانی مرا فریب داده و مرادی را هم در این استان و نزدیکی نمی‌یابم و بیعت کردن با شما هم مشکل است. از اطرافیان و دوستان بیزارم و می‌خواهم کناره‌گیری کنم تا آن‌ها گنه‌کار نشوند. لذا اکنون به شما مراجعه کرده و محتاج راهنمایی‌های هستم. ۱) بفرمایید چه عواملی باعث می‌شود که انسان مبتلا به‌گناه می‌شود و چگونه از آن دور باشیم؟ ۲) علت از دست دان لذت یافتن در عبادت چیست و چگونه آن را بیابیم؟ ۳) چگونگی برطرف شدن دلهره و ترس و حاصل شدن اطمینان و شرح صدر را (حین تبلیغ و درس و...) بیان کنید. ۴) اخلاص و تقوی را چگونه در وجود خود مان بیاوریم؟

فرزند عزیزم ملا... کاشانی! وعلیکم السلام و رحمة اللّه و برکاته؛ امابعد:

نامهٔ شما رسید و ملاحظه شد. خداوند کریم شما را با علم و عمل موفق گرداند.

عزیزم! انسان بی‌گناه در جهان به استثنای انبیاء علیهم‌السلام کسی دیگر وجود ندارد، اما وظیفهٔ انسان این است هر بار که در گناهی مبتلا شد، زودتر توبه کند. خداوند تعالی کریم و رحیم است بنده نباید ناامید شود.

باز آ باز آ هر آن‌چه هستی باز آ　　گر کافر و گبر و بت پرستی باز آ

صد بار اگر توبه شکستی باز آ　　کین درگه ما درگه نومیدی نیست

و اما جواب سؤالات شما:

۱ـ وساوس نفس و هوا باعث گناه می‌شوند. علاج آن ذکر الله و یاد آخرت با توفیق خداوند کریم است.

۲ـ کسالت طبعی و خوردن مال حرام و عدم اهمیت به عبادت. آن‌را با کثرت ذکر اللّه و تلاوت قرآن و صحبت کاملین حاصل خواهید کرد.

۳ـ دفع ترس، با تجربه در امور و عدم احساس کهتری و جرئت در امور دینی (ممکن) است.

۴ـ اخلاص، به‌وسیلهٔ کثرت ذکر الله و صحبت کاملین و... به‌دست می‌آید.

التماس دعا دارم.

۹ ربیع‌الأول – ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۰۸۶

در جواب شخصی در پاسخ به چند سؤال

نوشته بود: اینجانب از جالق محتاج دعا هستم. دلم خواست دورهٔ حدیث را پیش شما بخوانم، ولی نفس و شیطان نگذاشتند و مشکل هم داشتم لذا پدر جان! همان دعا را که در حق فرزندان و محبوب‌ترین شخص می‌کنید، برای ما فارغ التحصیلان نیز بکنید. در جوانی به فسق و فجور مبتلا بودم و الآن که بزرگ شده‌ام، شیطان ویل‌کن نیست. به سبق خود پایبند هستم و مرا با نامه و پندهای خود و در مورد ذکر و اوراد راهنمایی کنید. در مورد تعلیم زنان که مودودی‌ها و... روی در روی درس می‌دهند و می‌گویند پروا نیست، از قرآن و حدیث بنویسید تا آن را پخش کنم. برای مدرسهٔ جالق که این اولین سال است دورهٔ حدیث تدریس می‌شود، دعا بفرمایید.

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

خداوند شما را به علم و عمل و اتباع سنت و خدمات دینی موفق فرماید.

عزیزم! دورهٔ حدیث هر جا که باشد و نزد علمای مجرّبین باشد، خوب است. هدف، خواندن است هر جا که باشد، مخصوص نزد احقر لازم نیست.

بر اذکار و لطایف خود ادامه دهید.

در مورد تعلیم زنان علما خیلی نوشته‌اند، آن‌ها را مطالعه کنید و اگر نقل و اشاعت می‌کنید، از همان‌ها نقل و اشاعت کنید بنده فرصت ندارم. در این مورد بهشتی زیور، فتاوای محمودیه، احسن الفتاویٰ وغیرها را مطالعه کنید.

به هر علمی که می‌خوانی، سعی کنید بر آن عمل کنید، تقویٰ و کثرت ذکر الله را اختیار

کنید و برای صحبت صالحین رفت وآمد کنید، علم در قلب شما نور افگن خواهد شد.

مزید التماس دعا دارم. سلام کنندگان را از بنده سلام عرض است.

۱۰ ربیع‌الأول – ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۰۸۷

به طلبه‌ای در تشویق و راهنمایی به عدم توجه به تشتت ذهن

(مدتی است در ذکر مشغولیت ذهنی دارم وکم تأثیر پیدا می‌شود به‌خاطر این‌که به دکتر رفته بودم و چشمم به نامحرم افتاد و از آن به بعد کمتر در خود حالت مشاهده می‌کنم البته از این عمل توبه کردم و یکدفعه گنبد سبز با منارۀ گنبد رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم را درمیان ابرهای سفید در خواب دیدم و هم‌چنین طالبی مرا در خواب درحال نماز دیده است).

عزیزم حافظ اعظمی! وعلیکم السلام و رحمة اللّه و برکاته؛ امابعد:

عزیزم! از مشغولیت ذهنی پریشان نشوید و به حفظ قرآن مقدس زیاد کوشش کنید. تلاوت قرآن کریم خود بزرگترین ذکر است.

انسان زمانی‌که از گناه توبه کرد، خداوند کریم بخشنده و مهربان است.

خواب شما خوابی مبارک است مزید موفق باشید و خواب آن طلبۀ دیگر برای تو هم خوب است. مزید التماس دعا دارم.

۱۰ ربیع‌الأول – ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۰۸۸

در جواب ملا محمد صالح قطری در تعبیر خواب و تجدید سبق و مشوره

۱) مدت دو سال است که در لطیفۀ قلب مشغولم و محبت بحمدالله روز به روز بیشتر می‌شود وگاهی چنین می‌شود که از حرف زدن خوشم نمی‌آید و یکنوع انقباض رُخ می‌دهد. ۲) خواب دیدم دومرتبه به مکه مکرمه رفته بودم و در عین طواف بودم و استلام حجر کردم البته در طواف خلوت کامل بود. ۳) می‌خواهم کنسل کنم و به محل بیایم بعضی از دوستان مشوره دادند که سال آینده فریضۀ حج را

ادا کن و بعد کنسل کن، مشورهٔ شما چیست؟ بعداً کنسل کنم یا الآن و چهار ماه به تبلیغ بروم؟

وعلیکم السلام و رحمة اللّٰه و برکاته؛ امابعد:

حال احقر بد نیست خداوند کریم شما را سالم و حفظ فرماید.

نامهٔ شما رسید و خوشحال شدم خداوند متعال شما را در امور دین و دنیا موفق فرماید. الآن شما را اجازه می‌دهم که در سبق دوم لطیفهٔ روح که زیر پستان راست بـه فاصـلهٔ دو انگشـت است، کار کنید و موفق باشید. در این لطیفه هم ذکر همان اسم ذات است به همان طریق اول.

این نفرت شما از صحبت دنیوی مردم، حالی خیلـی مبـارک اسـت بلکـه ایـن اولـین پلّـهٔ سلوک و تصوّف است.

خوابی که دیده‌اید خیلی مبارک است. این اشاره است که قلب شما با حرم و کعبهٔ معظمـه انس و فیض حاصل کرده است. **الحمدللّٰه علی ذلک.**

مشورهٔ احقر هم همین است که این سال بمانید بعداً فکر آمدن یا جماعت را بکنید. التماس دعا دارم.

۱۵ ربیع‌الأول – ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۰۸۹

در جواب مولوی خدابخش در تعبیر خواب

۱) دیروز در قیلوله دو نفر در خواب دیدم و فهمیدم یکی سیدالمرسلین صلی‌الله‌علیه‌وسلم و دوم حضرت صدیق اکبر رضی الله عنه است. من بیشتر به ابوبکر صدیق نگاه می‌کردم یکی گفت به این شخص نگاه کن سیدالمرسلین است گفتم من به ابوبکر نگاه می‌کنم که تاهنوز او را ندیده‌ام و گویا صاحب رسالت را همیشه دیده بودم در همین حالت نظرم از آنان دور شد و... . ۲) چند نصیحت برای شاگرد کوچکت بنویسید و دعا کنید الله تعالی شوق رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم و یارانش در قلب من و هر مؤمن بگرداند.

وعلیکم السلام و رحمة اللّٰه و برکاته. موفق باشید. علم با عمل و اخلاص نصیب شما باشد.

خوابی که دیده‌اید خیلی مبارک است. در این مدرسهٔ مبارکـه بسـیاری از اهـل صـلاح و

طلبه روحانیت انبیاء علیهم‌الصلاةوالسلام و صحابه و اولیاء کبار رضی‌الله‌عنهم را بارها دیده و می‌بینند. این یکی از کرامات مدرسه و تقدس علم قرآن و حدیث است که در اینجا سال‌ها تدریس می‌شود. دیدن سرکار دو عالم صلی‌الله‌علیه‌وسلم اشاره است که إن‌شاءاللّه تعالی به عمل سنت و ترویج آن موفق خواهی شد و دیدن سر حلقهٔ صدیقین رضی‌الله‌عنه اشاره به صدق نیت شما در تحصیل علم و توفیق نابود کردن کذب بدعت و کذب عداوت صحابه رضی‌الله‌عنهم است؛ إن شاء اللّه تعالی.

تا می‌توانید به تقوٰی و توکل و اتباع سنّت و کثرت ذکر اللّه و اخلاص نیت و محبت صالحین سعی کرده باشید. **بارک اللّه فیک وفی علمک وعملک.**

۱۵ ربیع‌الأول – ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۰۹۰

به شخصی در مورد ترغیب به توبه و تدبیر توفیق عبادت و راهنمایی

۱) به‌سوی گناه خیلی تمایل دارم و از این رنج دارم. ۲) شوق و ذوق به نماز ندارم و شاید بدون عذر نماز از من فوت شود و بعداً گویا بدنم دو قسمت می‌شود؛ یک طرف ملامت خود و طرف دیگر فوت شدن نماز. ۳) مدت‌هاست که فکر می‌کنم در هر خصوصی دعا و استغاثه می‌کنم، اما متأسفانه ثمره و نتیجه‌ای نمی‌گیرم. ۴) اکثر اوقات آب را در خواب می‌بینم وگویا رودخانهٔ خالی است و وقتی من می‌روم، پر از آب می‌شود. ۵) راهنمایی بفرمایید که این دو سال اخیر را چطور به اتمام برسانم؟

وعلیکم السلام و رحمة اللّه و برکاته؛ امابعد:

خداوند تمایل شما را به سوی عبادت و بندگی خود منصرف فرماید (آمین).

۱ـ عزیزم! هر بار که گناهی کوچک یا بزرگ سرزد شد، بعد از آن فوراً ندامت کشیده و نماز توبه انجام دهید و توبه کنید. (بدین صورت تا) آخر موفق خواهید شد.

۲ و ۳ـ بعد از هر نماز **۳۰۰** بار با زبان بخوانید: «**یا اللّه نوّر قلبی**»، إن‌شاء اللّه تعالی از گناه‌ها نفرت و به عبادات شوق پیدا می‌شود و فکرهای پوچ را تحویل نگیرید.

۴ـ خواب آب، مبارک است. امید است به بندگی و خدمت دین موفق می‌شوید.

۵ـ به تقویٰ و اتباع سنت و کثرت ذکر اللّٰه سعی فرموده باشید و دعا کنید بعد از تحصیلات به خدمت دین موفق شوید.

از گناه خویشتن نومید تو هرگز مباش
زانکه او غفار باشد تو مشو نومید از او

باز آ باز آ هر آنچه هستی باز آ — گر کافر و گبر و بت پرستی باز آ
صد بار اگر توبه شکستی باز آ — کین درگه ما درگه نومیدی نیست

همّت را بالا بزن ای مرد راه و ای مردکار
تو مشو دلخور ز عصیان ای عزیز و مرد زار
نعرهٔ «یاهُو» بزن رو سوی راه کردگار
هرزمان «هُوهُو» بکن می‌پیچ هردم همچو مار

موضوع ازدواج را محوّل به تقدیر خداوند کریم کنید و به قضای رب العالمین راضی شوید. «هر چه از دوست آید، آن نکوست».

۱۵ ربیع‌الأول — ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۰۹۱

در جواب خواهری حافظه در مورد تشویق به حفظ و علم دین

(می‌خواهم درد دل و حال خود را با شرمندگی بیان کنم. بیعت کرده‌ام، اما موفق به ذکر نشدم و هم‌چنان چهار سال است می‌خواهم قرآن را حفظ کنم، ولی هرچه کوشش می‌کنم، به‌علت بی‌ذهنی استاد از من راضی نیست و الآن قرآن را تمام کرده‌ام ولی هیچ یاد ندارم. در اوقات خصوصی برایم دعا کنید تا در وقت امتحان خجالت نشوم. ورد و دعایی بگویید که از شیطان دور باشم و راهنماییم کنید که حالم بد است و در فکرها و وسوسه‌ها گرفتار هستم.

دختر محترمه سهرابزهی! وعلیکم السلام و رحمة اللّٰه و برکاته؛ امابعد:

نامهٔ شما رسید و ملاحظه شد، خوشحال شدم. خداوند کریم شما را حفظ و حافظهٔ کامله عطا فرماید.

از موفق نشدن به ذکر، دلخور نباشید؛ چراکه همین حفظ و تلاوت، افضل‌ترین ذکر است. آری! اگر فرصت پیدا کردید، از ذکر سبق لطیفهٔ خود هم غافل نباشید و از آن‌چه که می‌خوانی و یاد نمی‌شود، نیز دست‌پاچه و بزدل نباشید. همت کنید خداوند لطف می‌فرماید و در این خواندن که به سختی و تکلف می‌باشد، دو درجه اجر و ثواب می‌رسد.

برای دفع وسواس این دعا را بخوانید: «**أَكْرِمْنِی يا ذَالجَلَالِ والإِكْرَامِ**». مزید التماس دعا دارم.

۲۰ ربیع‌الأول – ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۰۹۲

در جواب یک نفر زندانی در مورد تسلّی و راهنمایی به دعا

(نوشته بود: موجب افتخار گشت تا در این دَم مرقومه‌ای برای آن‌حضرت تحریر نمایم. بنده مدت ۱۱ سال است که در قید زندان به‌سر می‌برم و تمام اموال و زندگی‌ام هم‌پاشیده و هنوز هم مشکل دارم ولی بازهم ناامید نیستم چون مسئلت خداوندی بوده. اینک وکیلی گرفته‌ام و نیاز به دعای خیر شما دارم).

عزیزم...! وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

نامهٔ شما رسید و ملاحظه شد. خداوند کریم شما را سالم داشته و زودتر از زندان رهایی عطا فرماید.

عزیزم! روزانه ۵۰۰ بار سورهٔ اخلاص یعنی «قل هو الله احد» شریف را به نیت خلاصی از زندان بخوانید و بعد دعا کنید. اگر در یک جلسه بخوانید یا چند جلسه یا بعد از هر نماز صد صد بار، فرق نمی‌کند و احقر هم إن‌شاء الله دعا می‌کنم و اراده کنید که اگر زمانی از زندان آزاد شوم، به خدمات دینی و کارهای نیک و جماعت تبلیغی سرگرم می‌شوم. بنده هم التماس دعا دارم.

۲۰ ربیع‌الأول – ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۰۹۳

در جواب فردی در مورد تعبیر خواب

(خواب دیدم با برادرم کعبه را طواف می‌کردیم و دیدم از سمت عقب کعبه درب بزرگی بود و سقف کعبه دیده می‌شد که چوب بودند. گفتم این همان چوب‌ها هستند که حضرت ابراهیم علیه‌السلام گذاشته است. و خواب دیدم وضو گرفتم و به مسجد رفتم؛ مسجدی بزرگ و رنگارنگ و زیبا بود که تاکنون چنین مسجدی را در این شهر ندیده‌ام. وارد شدم دیدم مردم نماز صبح را خوانده‌اند ولی روی شان به مشرق بود. پرسیدم گفتند: خبر نداری از این به بعد رو به مشرق کرده و نماز می‌خوانیم، ولی این مردم در جلو پیشگاه مسجد نشسته بودند و دعا می‌خواندند. من رو به قبله نماز خواندم).

وعلیکم السلام و رحمة اللّه و برکاته؛ امابعد:

نامهٔ شما رسید و ملاحظه شد. خداوند کریم برای عبادت و بندگی خود ما و شما را موفق گرداند و ذوق و شوق دینی و مذهبی عطا فرماید.

خوابی که دیده‌اید، مبارک خوابی است موفق باشید. کعبهٔ معظمه، مرکز دین است. خواب دیدنش، موفق شدن است برای امور دینی.

دیدن آن مسجد به آن رنگ و رونق هم، مبارک خوابی است و نماز خواندن مردم به جانب مشرق، امری خطرناک است. این اشاره است که اکثر مردم امروز از خط مستقیم منحرف شده و از مذهب و مسیر صحیح بر مذاهب و مسیرهای انحرافی در حرکت‌اند؛ العیاذ باللّه و روز به روز حالات بدتر می‌شوند. خداوند کریم رحم فرماید و مسلمانان را بر خط مستقیم هدایت فرماید.

۲۰ ربیع‌الأول – ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۰۹۴

در جواب مولانا ... در مورد تشویق و ترغیب به تحصیل اخلاص

(مدت مدیدی است که رابطهٔ خط منقطع گردیده که به سستی و تنبلی من برمی‌گردد و علاوه بر آن، مشرّف نشدن به دیدار پرفیض شما مزید بر علت گردیده است لذا بنابر جبران وکاستی‌های

گذشته بر آن شدم که خطی نوشته و نصایحی از نوشتار زیبای شما آویزهٔ گوش کنم و آرام بخش روح و روان خود قرار دهم. هم‌چنان‌که مستحضرید مشغول تدریس علوم دینی هستم. باوجود فشردگی درس‌ها، مسئولیت إفتا و قضا به امر مدیریت محترم (حضرت مولانا چابهاری) بر دوشم گذاشته شده است. بنابراین، کم فرصت به ذکر و تسبیح و مراقبه می‌رسد. تنها در ایام مبارک رمضان و خصوصاً عشر اخیر آن که به‌فضل الهی اعتکاف برایم میسر گردید، توانستم به اذکار و... پایبندی کنم. این بود گوشه‌ای از ایام زندگی که این‌گونه غافلانه به‌سر رفته است. لذا از حضرتعالی درخواست دارم که جهت بهتر شدن امور باطنی و موفقیت در ادای مسئولیت‌ها و موارد دیگر دعا و راهنمایی بفرمایید).

مکرم و محترم بنده جناب مولانا ... صاحب! زاد فضله السلام علیکم و رحمة اللّه و برکاته؛ امابعد: نامهٔ شما رسید و ملاحظه گردید.

عزیزم! قطع ارتباطات صوری، چندان مهمّ نیست؛ به شرط برجا بودن ارتباطات معنوی. قُرب اصلی، قُرب کینونت معنوی است. قُرب صوری، مجازی به شمار می‌رود. به قول حکیم غزنوی رحمه‌الله:

منسوخ شد مروت، معدوم شد وفا — **ز پی هردو مانده نام چو سیمرغ و کیمیا**
شد راستی خیانت و شد زیرکی سفه — **شد دوستی عداوت و شد مردی جفا**
هر عاقلی به زاویه ای ماند ممتحن — **هر فاضلی به دامیه ای گشته مبتلا**

عزیزم! خدمت دین از راه تدریس و فتویٰ و خطابت همه، کارهای زیبا هستند، اما بدون ادب و اخلاق و اخلاص همه هیچ و بی‌ارزش‌اند سعی کرده باشید اخلاصی پیدا گردد تا همه اعمال را رنگ و رونق بخشد. طریق و حصول اخلاص بدون کثرت ذکر الله و صحبت مخلصین و تأدّب با ایشان میسّر نیست. به قول رومی رحمه‌الله:

مولوی هرگز نشد مولای روم — **تا غلام شمس تبریزی نشد**
اندرین ره می‌تراش و می‌خراش — **تا دم آخر دمی غافل مباش**

اوقات خودتان را تنها به ظاهر مصرف نکنید؛ اگر میل عرفان و اخلاص دارید. به قول غزنوی رحمه‌الله:

در دل آن‌را که روشنایی نیست — **در خراباتش آشنایی نیست**

پسـرا! خیز و جـام و بـاده بـیار　　　کـه مـرا بـرگ پارسـایی نیست
مَی خُور و علم قیل و قال مگوی　　　وای تـو کیـن سخن ملایی نیست

از این بیشتر مزاحم اوقات باارزش شما نخواهم شد.

مزید التماس دعا دارم و شما را به خدای کاینات می‌سپارم.

۲۰ ربیع‌الأول – ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۰۹۵

در جواب یک زندانی در راهنمایی به ادعیه

(بنده ... محمدانی مدت دو سال است که در گوشه‌ای از زندان افتاده‌ام. من بی‌گناه هستم و به جرم شکار کردن مرا گرفته‌اند و مرا تیر کردند که پایم فلج شده است، حیران و سرگردان هستم و کسی ندارم. تقاضا دارم برایم دعا کنید و اوراد و اذکاری نشان دهید تا از زندان آزاد شوم).

وعلیکم السلام و رحمة اللّه و برکاته؛ امابعد:

نامهٔ شما رسید و ملاحظه شد. خداوند کریم شما را سالم دارد و زودتـر از زنـدان رهـایی بخشد و همهٔ زندانیان مظلوم را خداوند کریم زودتر از زندان خلاصی عطا فرماید.

این دعا را بعد از هر نماز صد صد بار بخوانید إن‌شاء اللّه زود آزاد مـی‌شـوید. البتـه اول و آخر ده ده بار درود هم بخوانید. دعا این‌ست: «**لا اله الا اللهَ الا اللّه الحَلیمُ الکَریم، لا اله الا اللّهُ ربُّ العَرْشِ الکَریمُ، لا اله الا اللّه ربُّ السَّمواتِ ورَبُّ العَرْشِ العَظِیم ورَبُّ الأَرْض**» و اگر سورهٔ قل هو اللّه هم شبانه روزی ۵۰۰ بار خوانده شود، خیلی مفید است. تعویذ را در بازو بندید.

عزیزم! ببینید که زندان دنیوی چه قدر ناراحتی دارد. از آن قیـاس کنیـد کـه اگـر خـدای نخواسته زندان عذاب اخروی در مکافات اعمال من و شما آید، چه قدر مشکل است و سختی دارد و لذا از گناه‌ها توبه و رجوع الی اللّه کنید. نمازها را به خوبی ادا کنید و به بندگی خداوند کریم سرگرم باشید. خدا خیر می‌کند و همه زندانیان را از بنده سلام برسانید و بگویید که احقر برای شما همه دعا می‌کنم و از اعمال بد خود توبه و رجوع الی اللّه کنید و نمازها را پنج‌وقته و به خوبی ادا کنید.

شما را به خدا می‌سپارم.

۲۰ ربیع‌الأول – ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۰۹۶

در جواب طلبه‌ای در مورد دفع هجوم وساوس و...

(نوشته بود: طلبه‌ای در مدرسهٔ شمس‌العلوم هستم و به یک وسواس شیطانی عجیب گرفتارم. از ذکر وسواس خجالت می‌کشم، ولی مجبورم بگویم. روزی بعد از این‌که از جماعت آمده بودم، در نماز چشمم به یک دایره در فرش‌افتاد و آن به‌صورت وسوسه شد وکم‌کم شدیدتر شد و هر چیز که شبیه آن باشد، برایم وسوسه است. این باعث شد که تبلیغ و حتی نماز را رها کردم. بعد از چهار سال سرگردانی مجبور شدم به مدرسهٔ دینی آمدم و حالا دوباره شروع شده و حتی همه چیز برایم وسواس است که بر اثر آن تمام بدنم یک سوزش و درد دارد و احساس می‌کنم فلج شده‌ام و از زندگی بیزارم و نزدیک است دیوانه شوم. اگر به کتاب یا چیزی دیگر دست بزنم، کلیه‌ها و بغل‌هایم آتش می‌گیرند. از هر عالمی پرسیدم، علت را نمی‌دانستند و می‌گفتند معوّذتین را بخوان. تا این‌که کتاب «بصائر حکیم‌الأمه» را که شما ترجمه کرده‌اید، مطالعه کردم که نوشته بود «به خودتان نیاورید آن‌ها را» ولی اختیار دست خودم نیست. قلبم ضعیف است و زود تسلیم وسواس می‌شود. امکان دارد درس را رها کنم. لذا از شما استاد گرامی تقاضای راهنمایی دارم و نسخه‌ای برایم تجویز نمایید تاخداوند این مرض را از من دفع کند. در ضمن حکم گوشت‌هایی‌که ... به مدرسه و طلبه می‌دهند چیست؟).

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

نامهٔ شما رسید و ملاحظه گردید. خداوند متعال تـرا موفـق و از وسـاوس نفـس و شـیطان حفظ فرماید.

عزیزم! برای دفع وساوس سه تدبیر از بعض اکابر مروی است. شما آن‌ها را انجام دهید، شاید موفق شوید.

۱ـ این‌که وساوس اگر به اختیار باشند، آن‌را تحویل نگیرید و اگر بدون اختیار باشند هم، دست‌پاچه نشوید بلکه چنان تصور کنید که هر قدر وساوس بیشتر آید، مرا ثواب و اجرِ بیشتر می‌رسد.

۲ـ بعد از هر نماز صد صد بار «**لاحول...**» شریف را تا آخر بخوانید.

۳ـ بعد از نماز صبح و بعد از نماز عشاء صد صد بار «**أعوذ بالله...**» را بخوانید و بر سینه و سر خود دم کنید و اگر زن نکرده‌اید، ازدواج کنید که به‌سبب آن وساوس خیلی کمزور می‌شوند.

در موضوع گوشت‌ها از همان علماء که نزد شما هستند، سؤال کنید.

شما را به خدا می‌سپارم و دعا می‌کنم.

۲۰ ربیع‌الأول – ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۰۹۷

در جواب یک نفر در مورد طلاق و قَسَم طلاق

(نوشته بود: شخصی قَسَم خورد که به غیر از این دختر هیچ کس را به عنوان همسر انتخاب نخواهم کرد؛ مگر با بودن او که زن اول باشد یا بعد از مرگ او و اگر دختری دیگر بگیرم مگر با همان شرایط بالا، الآن می‌گویم: طلاق است، طلاق است، طلاق است. بعد او با دختر مورد نظر ازدواج کرد و در یک جنجال به زنش می‌گوید: اگر واقعیت را به من نگویی، طلاق هستی تا سه بار و زن همان شب واقعیت را می‌گوید و در جایی دیگر می‌گوید: اگر پدر و مادرت در زندگی من دخالت کنند و در خانهٔ من توسط تو سحر و جادو بیاورند، تو طلاقی. بعداً مادر این شخص به او می‌گوید: تو فلان حرف را به من زده‌ای؛ درحالی‌که به مادر خودش نگفته بلکه به مادرزنش گفته و چون مادر باور نمی‌کند، به زن می‌گوید: اگر راست نگویی، سه طلاقه هستی که من آن حرف را به مادر تو زده ام یا به مادر خودم. پس آیا با این سه مرحله زن این پسر طلاق می‌شود یانه؟ توضیح دهید).

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

نامهٔ شما رسید و ملاحظه شد. زن این فرد طلاق نشده است و تا حال زنش هست؛ چراکه آن قَسَم اول که یاد کرده، بعد از گرفتن زن مورد نظرش، ختم و تمام شد و او از ذمهٔ قَسَم تبرئه شد و در مرتبهٔ دوّم در موضوع جنجال وقتی‌که زن همان شب واقعیت را برایش گفت، این وقت هم قَسَم تمام شد و تبرئه گردید. در موضوع سوم وقتی‌که سحر و جادو ثابت نشد، بازهم او تبرئه شد. لذا زن او برقرار اوّل زنِ حلال اوست و طلاق‌هایش واقع نشده است؛ چون

طلاق‌ها معلّق به چند شرط بوده و شرط‌ها دیده نشدند.

۲۰ ربیع‌الأول – ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۰۹۸

در جواب ... در مورد راهنمایی و تسلی

(اشتغال به ذکر دارم و از روزی‌که نامهٔ جنابعالی رسیده، وظیفه‌ام را آغاز کرده‌ام. سنگینی حزن در ضمن ذکر کردن و وقت فراغت از آن گاهی افزایش می‌یابد وگاهی کاهش و حالت جدیدی طاری شده و آن این‌که سنگینی دیگری بر پشتم بروز کرده و بیشتر در موقع ذکر پیش می‌آید که گویا باری بر پشتم می‌نهند و بعد بر می‌دارند وگاهی تمام پشتم را فرا نمی‌گیرد. حضرت بزرگوار! الآن در فصل گرما بوی بدم افزایش یافته است. از ترس آن نمی‌توانم با اساتید جهت استفسار و رفع اشکال رابطه برقرار کنم و همه از من فراری‌اند مگر اندکی از دوستان درحالی‌که ازدواج کردم، ولی هیچ تأثیری در بهبود بدنم نداشت. در وقت وضو که آب با محاسنم تماس پیدا کنند، این بو شدیدتر می‌شود. بر اثر همین بو است که نمی‌توانم به دیدار شما بیایم وگاهی به بازار برای حوایج منزل می روم، منفرداً نماز می‌خوانم زیرا بوی بد مانع شرکت در جماعت می‌شود. و نیز یک حالت من این‌که گاهی نزدیک پستان چپ پایین هردو پستان ضربه می‌زند و گاهی در موقع ذکر پستان چپ را گم می‌کنم و ضربهٔ ذکر را به طرف چپ سینه ضرب می‌کنم و گاهی حواسم جمع نیست).

عزیزم! وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

نامهٔ شما رسید و موجب خوشی گردید. این حالت سنگینی، بد نیست. در راه تصوف سنگینی گاهی به صورت حال می آید. خداوند کریم بوی ظاهری و معنوی ما و شما را برطرف گرداند. همیشه عذر عدم حضور شما به اینجا، همین بدبویی شده است. به فکر بنده این یک نوع خیالی سطحی است نباید این فکر سطحی مانع زیارت اساتید، والدین وغیره بشود. انسان به زایل کردن امور طبعیه مکلّف نیست و نباید این امور مانع شخص از حضور در نمازهای جمعه و جماعات باشند.

ضربهٔ زیر پستان از اثر جریان ذکر قلبی است. این حالات جزیی‌اند که دلبستگی را نشایند. مزید التماس دعا دارم.

۲۰ ربیع‌الأول – ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۰۹۹

در جواب فردی از طلبه در مورد چند مسأله

۱) در فتاوای شهابیه دربارۀ نمازهای «حفظ الإیمان» و «الصلاة الشافین» نوشته است، اجازۀ انجام آن‌را می‌طلبم. ۲) در خلاصۀ التصوف، ص۵۲ شیخ بزرگوار راه تحصیل طهارت را بیان نموده اند، اجازۀ انجام آن‌را خواستارم. ۳) یک روز نماز عصر را پشت حافظ ولی‌الله می‌خواندم ناگهان احساس کردم در پادیگ پشت‌حضرتعالی می‌خوانم و از قراءت شما به وجد آمدم و بی‌اختیار نام مبارک الله از زبان بیرون آمد و بی‌هوش شدم. بعد به‌دستور شما مرا به خانۀ شما بردند تا این‌که به فکرم به‌جانب سر من به مراقبه نشستید در همین حال از لطیفۀ قلب حضرتعالی لفظ پربرکت «الله» برخاست و به قلب و بر سر من نقش بست پس به هوش آمدم و... ۴) آیا بعد از فرایضی‌که بعد از آن سنت هست، نشستن و دعا و تسبیح خواندن جایز است یا خیر؟ و بعد از نماز جمعه چطور است؟

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد: نامۀ شما رسید و ملاحظه شد.

۱ـ عزیزم! آن‌چه از فتاوای شهابیه نوشته‌اید، معتبر نیست.

۲ـ تحصیل نسبت طهارت در خلاصة التصوف به حال شما مناسب نیست.

۳ـ خواب شما خیلی خوب و مبارک است.

۴ـ بعد از فرایضی‌که سنت و نفل موجود است، تسبیح و ادعیه بعد از سنت‌ها و نوافل خوانده شوند، افضل است. میان فرض و سنن این قدر فاصله گذاشتن خوب نیست دعاهای بعد از نماز جمعه وغیره هم همین حکم دارند.

خداوند ما و شما را به عمل و اخلاص موفق گرداند.

«ای عاقلان بکوشید تا جامۀ زنان نپوشید».

۲۰ ربیع‌الأول – ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۱۰۰

در جواب خواهری در تشویق به تحصیل علم

(اینجانب از حوزهٔ علمیهٔ چاه‌جمال علاقهٔ زیاد برای تسبیح و ذکر گفتن دارم، ولی هرگاه تسبیح زیاد بخوانم، سرم درد می‌گیرد و شب خواب‌های ناراحت کننده می‌بینم. به درس و علم هم علاقه دارم، ولی حال و حوصله‌ام از دست می‌رود و توفیق نمی‌رسد و این ۷و ۸ سال است قرآن مجید را درس می‌گیرم، و لی تا جزء سوم جلوتر نمی‌روم و نیز می‌خواهم بیعت کنم، اگر مصلحت می‌بینید).

وعلیکم السلام و رحمة اللّه و برکاته؛ امابعد:

نامهٔ شما رسید و ملاحظه شد. اکثراً به (درس و) خواندن (نیرو و طاقت را به‌خرج) دهید نه به تسبیح و اذکار. رسالهٔ کنزالدارینِ بنده را پیدا کنید، در ص۱۶ و۱۷ تسبیح و اذکاری که نوشته است، همان‌ها را بخوانید و بنده شما را به خواندن آن‌ها اجازه می‌دهم. ذکر و تسبیح همین مقدار کافی است.

بیعت بعداً إن‌شاءاللّه به شما می‌رسد.

۲۰ ربیع‌الأول – ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۱۰۱

در جواب خواهری در مورد چند مسأله که پرسیده بود

۱) آیا زن برای بیعت گرفتن از شوهرش اجازه بگیرد؟ ۲) زنی‌که کاملاً حجاب شرعی از دست وی مراعات نمی‌شود، آیا می‌تواند بیعت کند؟ ۳) در مدرسهٔ ما برنامهٔ سخنرانی برای زنان روستا إجرا می‌گردد و مرا هم مجبور می‌کنند. وقتی شروع به خواندن حدیث می‌کنم، سرم گیج می‌شود و درد شدید پدید می‌آید. آیا با همین حالت هم می‌توانم بیعت کنم؟ اگر بدون إذن شوهر بیعت من ممکن است، بنده را بیعت بدهید. ۴) در شبانه روز چه قدر اجازه دارم که تسبیح و اوراد دیگر بخوانم؟

دختر محترمه! وعلیکم السلام و رحمة اللّه و برکاته؛ امابعد:

نامهٔ شما رسید و ملاحظه شد.

۱ـ آری! بر زن لازم است که از شوهرش برای بیعت گرفتن اجازه بگیرد.

۲ـ زن بی‌حجاب و ناقص الحجاب را هم بیعت کردن خوب است، البته بعد از بیعت کردن در موضوع حجاب زیاد احتیاط کند که نور سنّت و ذکر به او بهتر اثرپذیر می‌گردد.

۳ـ به همین حالت هم می‌توانید بیعت کنید. آری! اگر ازدواج کرده‌ای، از همسر خود اجازه کسب کنید بعداً به احقر بنویسید، بیعت داده می‌شوید.

۴ـ رسالهٔ کنزالدارینِ بنده را در دسترس خود قرار دهید و در ص۱۶و۱۷ آن تسبیحاتی که نوشته شده‌اند، ورد کنید و الآن همین قدر کافی است.

۲۰ ربیع‌الأول – ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۱۰۲

در جواب طالب العلمی در راهنمایی به دفع بیماری اعصاب و...

(بنده از شاگردان مولانا دین‌محمد هستم و یک سری مشکلات روحی و جسمی دارم. پدر دلسوز! همیشه به فکر الله رب العزت و آن محبوب عربی و سرشار از عاطفت و خوشحالی هستم، اما گاهی فکرم مشوش می‌شود وگاهی افکار بد می‌آید که بر اثر آن ناراحت می‌شوم و قلبم سیاه و به تپش در می‌آید حتی من متوجه می‌شوم و ثانیاً مریض هستم و سه سال است اعصابم ضعیف شده است و بالأخص در فصل گرما حالم خراب‌تر می‌شود و شب خواب نمی‌روم. بعضی گفتند این مشکل را با حضرت درمیان بگذارم، لذا راهنماییم بفرمایید جزاکم الله احسن الجزاء).

بسم اللّٰه الرحمن الرحیم

عزیزم! ملا کاشانی! وعلیکم السلام و رحمة اللّٰه و برکاته؛ امابعد:

نامهٔ شما رسید و ملاحظه گردید خداوند کریم فکر آخرت و محبت خویش و محبت رسول خود صلی‌الله‌علیه‌وسلم را در قلوب شما جا دهد.

عزیزم! این فکرهای متشوّش و بی‌سود را تحویل نگیرید و برای دفع اعصاب وغیره بعد از اذان صبح در میان سنت و فرض صبح «**بسم اللّٰه الرحمن الرحیم**» را بدین صورت که میم «**الرحیم**» را با لام «**الحمدللّٰه رب العالمین**» وصل کنید و ۴۱ بار بخوانید و بعد از خواندن به کفین خود دم زده و بر سر و رو و تمام بدن بمالید. طریق وصل چنین است: «**بسم اللّٰه الرحمن الرحیمِ**

الْحَمدُ للّه ربّ العالمین».

مزید شما را به خداوند می‌سپارم و التماس دعا دارم.

۲۱ ربیع‌الأول – ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۱۰۳

در جواب فردی در ترغیب به ذکر

(خواهش می‌کنم راهنماییم کنید چطور به یاد خدا بوده و چیزهای دیگر را فراموش کنم؟ چطور بندهٔ شایسته و مخلص و مؤمن واقعی باشم؟ این مرز خیلی نازک است و راهی نیافتم جز این‌که شما را واسطه بگیرم و با راهنمایی شما به خداوند تعالی برسم. می‌خواهم طریقه بگیرم آیا ارزش آن‌را دارم؟ از دست نفس و شیطان به ستوه آمده‌ام و می‌خواهم همه چیزم الله باشد و بس).

فرزند عزیزم! وعلیکم السلام و رحمة اللّه و برکاته؛ امابعد:

نامهٔ شما ملاحظه شد. اگر بیعت کرده‌اید، به ذکرت ادامه دهید و اذکار ص ۱۶و ۱۷ رسالهٔ «کنزالدارین» را وظیفه کنید. به وقت فرصت قرآن کریم را تلاوت کن و به صحبت مخلصین رفت و آمد داشته باش و به تکرار و مطالعهٔ کتابی که می‌خوانی، خوب توجه کن و اگر بیعت نکرده‌اید، بیایید بیعت کنید. والدین خود را سلام بنده عرض کنید، اللّه تعالی ایشان را شفای عاجل عطا فرماید.

۲۲ ربیع‌الأول – ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۱۰۴

در جواب فردی در راهنمایی به چند مورد و پاسخ به یک مسأله

۱) مشکلاتی دارم و در دلم بسیار وساوس می‌آید؛ مشکلاتم در حدودی است که درس می‌خوانم. بنده هرچه از محرّمات پرهیز می‌کردم، میل بنده بیشتر می‌شد لذا تصمیم گرفتم ازدواج کنم حالا داماد شده و نکاح شرعی صورت گرفته است. روزی مادرزنم چیزی به‌دست من داد و دقیق نمی‌دانم دست او با دست من خورد یانه؟ ولی وسواس در دلم پیدا شد و کمی دلم میل کرد البته میل بدان

صورت احساس نکردم و انتشار آله هم نشد، ولی مدام وسواسی هستم که ممکن است حرمت صورت بگیرد. آیا حرمت ثابت می‌شود؟ ۲) چه کار کنم این وساوس از دلم بیرون بیایند؟ ۳) در عبادات بیشتر کسل و بی‌حال هستم، چطور کنم؟ ۴) آیا زودتر ازدواج کنم بهتر است و این وساوس بیرون می‌روند یاخیر؟ و برای همین سحر و جادو، تعویذی بفرستید).

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد: نامهٔ شما را ملاحظه کردم.

۱ـ در صورتی که نوشته‌اید، حرمت مصاهرت ثابت نمی‌شود. مسألهٔ جنّ‌ها و ملاها را کنار بنه. این همه از تغییر قوهٔ تخیّلهٔ شما پیدا شده‌اند. نه با شما جنی وجود دارد و نه سحر و جادویی.

۲ـ وساوس را تحویل نگیر.

۳ـ بعد از هر نماز ۵۰ بار «**لاحول...**» را بخوانید.

۴ـ اگر قدرت دارید، بر شما زودتر ازدواج واجب است. نیاز به تعویذ ندارد، ازدواج کنید.

۲۲ ربیع‌الأول – ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۱۰۵

در مورد تعبیر خواب و طلب مشوره

(۱) خواب دیدم در مدرسهٔ چابهار ثبت نام کرده‌ام و همراه ما مولانا عبدالرحمن بود و ایشان به جای عمامه کلاهی بزرگ و پشمی بر سر کرده بود، ۲) در دلم این فکر آمده که سال آینده برای دورهٔ حدیث پیش شما یا مولانا عبدالرحمن بخوانم، مشورهٔ شما در این مورد چیست؟

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد: نامهٔ شما رسید و ملاحظه گردید.

۱ـ خواب شما برای مولانا خوب است؛ برای شما و بر او نیز.

۲ـ مشورهٔ بنده این است که سال آینده در دل خود فکر و نگاه کنید، هر طرف که میل داشته باشید، بروید.

۲۲ ربیع‌الأول – ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۱۰۶

به فردی در ترغیب به ذکر و دفع تنبلی و تعبیر خواب و...

۱) مدتی است تنبل شده‌ام و در ذکر سستی می‌کنم البته کاملاً متروک نیست. راهنماییم کنید تا شوق و فکر عرفان در من خاموش نشود که هدف من از آمدن به این‌جا و مقصد اصلی زندگیم همین است. ۲) در لطایف جدید یعنی سرّ و خفی حرکات احساس می‌شود و غالباً همراه با درد است. ۴) قبل از وفات حافظ بشیراحمد رحمه‌الله خواب دیدم که ایشان مرا یکباره و با جوش و طرز درد آوری توجه نمودند و اخیراً خواب دیدم در باغی پر از میوه هستم و پرندگانی زیبا بر شاخه‌ها است، اما کم حرکت می‌کنند و بعضی بیمارگونه هستند. دو نفر خواست آن‌ها را با تیر بزند، من مانع شدم. در خواب‌ها خیلی شما را می‌بینم. فعلاً حالتی پیش آمده که خیالات نفسانی و شهوانی بر من غلبه دارد. دعا کنید تا به نماز تهجد موفق شوم. عمرم به سی سال رسیده و هنوز تقوای کامل و عرفان ندارم فإلی الله المشتکی.

مخلصی و محترمی جناب حافظ صاحب! وعلیکم السلام و رحمة اللّه و برکاته؛ امابعد:

نباید در ذکر تنبلی کرد بلکه برای سالک عرفان لازم است که روز به روز شوق و ذوقش زیاده‌تر گردد و اگر طبعاً نباشد، تکلّف کند تا ذوق پیدا گردد. کار عرفان، دو روزه نیست بلکه کار همه عمر است تا دم موت. رومی رحمه‌الله می‌فرماید:

اندرین ره می‌تراش و می‌خراش — تا دم آخر دمی غافل مباش
در بهاران کی شود سرسبز سنگ — خاک شو تا گل بروید رنگ رنگ
پیش یوسف نازش خوبی مکن — جز نیاز و آه یعقوبی مکن
تا نبارد ابر کی خندد چمن — تا نگرید طفل کی جوشد لبن

احساس حرکات در لطایف، حالی خوب است و دلیل تأثر لطایف از ذکر می‌باشد.

خواب‌ها همه خوب‌اند. باغ پر میوه همین مدرسه است که در آن شرع با عرفان یکجا و آمیخته شده است و پرندگان زیبا همین علماء و طلبه هستند که به نور علم الحمد للّه من وجهٍ منوّر هستند، اما کم‌حرکتی و بیمارگون بودن آن‌ها، سستی در عرفان است. الحمد للّه متوجه به شخصی که کمال علمی و عرفانی دارد، هستند اما فقط به اعتقاد و نظر نه به عمل و آن دو نفر نفس و شیطان بودند که ناکام شدند.

۲۲ ربیع‌الأول – ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۱۰۷

به شخصی در پاسخ به چند سؤال که پرسیده بود

۱) شکاندن تخم مرغ جهت دفع نظر بد و دود کردن موی سر یک شخص چطور است؟ ۲) آیا این طریقۀ سنت حضرت زهرا رضی‌الله‌عنها به‌ترتیب زیر درست است؟: پوشیدن مقنّعه، پوشیدن روسریِ کوچک زیر آن، پوشیدن لباس بلند، پوشیدن لباس چاک‌دار، نچیدن موی سر، چیدن ناخن و اصلاح موهای زاید. ۳) آیا زن بیوه می‌تواند صورت خود را اصلاح کند؟ ۴) طریقۀ ذکر فقط لفظ جلالۀ «الله» است یا «الله جلّ‌جلاله» یا «اللهُ اللهُ»؟ ۵) می‌خواستم برای دریافت کُتُب دینی مبلغی بفرستم، اگر شمارۀ حساب دارید، ذکر فرمایید. ۶) من همراه طالبان مکتب یکجا جمع می شویم و هریکی سی سی پاره می‌خواند و در پایان دعا می‌کنیم و هدف دورۀ قرآن و ایصال ثواب و حل مشکلات است. نظر شما به این نوع ختم چیست؟ ۷) نسخۀ ۷۰ هزار کلمۀ طیبه، «لا اله الا انت...» و «حسبنا الله...» که به صورت گروهی در منازل ذکر می‌کنند و در پایان از هر نوع میوه که موجود باشد می‌گذارند و در اتاق تاریک با فکر گناهان و تاریکی قبر دعا می‌کنند به حل مشکلات و چندین نفر عمل کرده‌اند، مشکل شان حل شده است. دو خواهرم ۷۰ هزار «انا لله ...» و استغفار گفته‌اند، مصیبت رفع شده است و خود ما عمل می‌کنیم. این‌ها چطور هستند؟ ۸) آیا این درست است: کسی را که جنّ دارد چیزی مانند سنگ وکاه می‌اندازند، جن به او اطلاعاتی در مورد گم‌شده می‌دهد؟

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته امابعد:

۱ـ برای دفع نظر بد این عمل جایز است، ولی استفاده از موی سر مردم روا نیست.

۲ـ این روش، مخصوص حضرت زهراء (رضی‌الله‌عنها) نبوده بلکه برای همه زنان هست.

۳ـ بعد از گذشت، عدت می‌تواند اصلاح کند.

۴ـ فقط لفظ «الله» باشد.

۵ ـ بنده شمارۀ حساب ندارم.

۶ ـ این عمل اگر ادامه دارد، خوب نیست و اگر گاه وقتی اتفاقی انجام شد، ممنوع هم

نیست.

۷ـ آری! این طریق بدعت است. اگر هر کس خودش بخواند و ثواب را ببخشد بدون اجتماع، اشکال ندارد.

۸ـ این عمل و اعتقاد هر دو فاسداند. اجنّه دروغ می‌گویند.

۲۶ ربیع‌الأول — ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۱۰۸

در جواب حاج یوسف زاده در تعبیر خواب و ترغیب به ذکر

۱) خواب دیدم شما پایین کوه درحال حمام کردن بودی و لباس بر تن نداشتید در همین حال گفتید: من نوری دارم که همینطور از شما یکی یکی می‌گذرد و به همه می‌رسد، ۲) من در نماز بیشتر حالت خوف و بزرگی خداوند متعال در فکرم می‌آید و اشک سرازیر می‌شود. ۳) همسرم خواب دیده که جایی رفتم که آن‌جا شکل کعبه وجود داشت گفتند: این کعبه نیست برو بالای پله‌ها رفتم دیدم دو عروس لباس عروسی به تن کرده و ایستاده‌اند پرسیدم کعبه کجاست؟ گفتند: برو بالا رفتم دیدم کعبه خیلی بزرگ و خالی بود تعجب کردم که کعبه هیچ‌گاه از مردم خالی نبوده است، ۴) در خواب قبلی نوشته بودید: «خواب نمره است» منظور چیست؟ به دعای خیر شما احتیاج دارم. نکاتی‌که قابل تذکر هستند، برایم بگویید. من ضعیف و ناتوان هستم و به دعای خیر شما احتیاج دارم.

عزیز محترم یوسف‌زاده! وعلیکم السلام و رحمة اللّه و برکاته؛ امابعد:

خداوند کریم به عبادت و بندگی خود موفق فرماید.

۱ـ خواب‌هایی‌که دیده‌اید، خیلی مبارک‌اند؛ خصوصاً خواب اول.

۴ـ حالتی‌که در نماز دست می‌دهد، این حالت «خوف من اللّه» و حالتی مبارک است. شکر خدا را ادا کنید. این پلهٔ اول عرفان است.

۵ـ خواب همسر شما خوب و زیبا و شیوا است. آن‌چه کعبه را دیده است، این حقیقت کعبه بوده است.

۶ـ شاید نوشته بوده «خواب نمره (شمارهٔ)... شما این طور است».

به اذکار و اسباق خود کوشش کنید.

ذکر کن ذکر تا تو را جان است　　　پاکی دل ز ذکر رحمن است

توجه و دعا برای شما هست بی‌فکر باشید.

رومی رحمه الله می‌فرماید:

اندرین ره می‌تراش و می‌خراش　　　تا دم آخر دمی غافل مباش

شما را به خدا می‌سپارم و التماس دعا دارم.

۲۶ ربیع‌الأول – ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۱۰۹

در جواب ... در مورد عرض تعزیت و تسلیت

(نوشته بود: پدر بزرگ من مرحوم شه‌سلیم در ماه ربیع‌الأول هنگامی‌که نماز ظهر را ادا کرده و تسبیحات را خوانده بود دست راست را بر دست چپ بسته روحش به ملأ اعلی پیوست. از شما استاد محترم استدعا دارم برای مرحوم دعای خیر نموده و طلاب را برای خواندن قرآن فرمان دهید و برای ما ورثه دعا بفرمایید و هرچه برای ما در این حالت خوبست، نصیحت فرمایید.)

«تعزیت نامه»

بسم اللّه الرحمن الرحیم ـ نقول کما امرنا اللّه سبحانه وتعالی: «إنا للّه وإنا الیه راجعون».

فرزندان عزیزم مولوی گل‌محمد و مولوی عبداللّه! السلام علیکم و رحمة اللّه و برکاته؛ امابعد:

نامۀ غم و ماتم‌آور آن عزیزان رسید و قلب بنده را مغموم و مهموم کرد.

فوت مرحوم به نظر احقر، شکست سدّی بزرگ است برای عموم مردم نکهچ و به خصوص برای بستگانش. ایشان یک برکت و سدّی بزرگ از ورود بلیّات بودند. خداوند کریم شما را حفظ فرماید و جناب مرحوم را در جنت الفردوس مستقر و شما پس‌ماندگان را توفیق اتباع بر عمل ایشان نصیب و صبر و ثبات عطا کند.

بنده از راه دور به شما همه با دل پر درد عرض تسلیت و تعزیت می‌کنم **وأقول کما قال سید العالمین صلی‌الله‌علیه‌وسلم: «أعظم اللّه اجرکم وعزاکم فی مصیبتکم وغفراللّه لمیّتکم، للّه ما أخذ وله ما**

أعطى وكل شيء عنده بأجل مسمىّ». فاصبروا واحتسبوا واقتدوا بسيرتهم واتبعوا اعمالهم واخلاقهم، هدانا اللّه وإياكم، ولا تظنّوا أنه مات ونحن الباقين دائماً لأنه تعالى قال: كل نفس ذائقة الموت، فإنهم راحوا ونحن على اثرهم سايرون اليوم او غداً او بعد غد قطعاً و يقيناً واكثروا من ذكر هـاذم اللـذات واعلموا أن بعد هذا اليوم، يوم عظيم نقوم في حضرة رب العالمين. وآخـر دعوانـا أن الحمدللّـه رب العالمين، السلام عليكم وعلى من لديكم ونعزّى اهل بيتكم اجمعين.

۲۶ ربیع‌الأول ـ ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۱۱۰

در جواب فردی در ترغیب به توبه و استغفار در وقت صدور گناه‌ها

(نوشته بود: بنده یک سال قبل بیعت کرده بودم و آن وقت شوق ذکر داشتم، ولی به‌سبب غفلت اذکار را ترک کردم و شیطان بر من غلبه کرد. بعد از مدتی (نمی‌دانم چه بگویم) بیعت را شکستم وگاهی نماز را ترک می‌کردم و از احکام الله و رسول بدور شدم. رفیق‌هایم پیش شما می‌آیند و من هم شوق ملاقات شما را دارم، ولی من خجالت می‌کشم و سخنانم را نوشته برای شما می‌گویم. می‌خواهم الله تعالی را راضی و توبه کنم، ولی نمی‌دانم چطور و چه کار کنم؟! تقاضای دعا و راهنمایی‌تان دارم).

فرزند عزیزم! وعلیکم السلام و رحمة اللّه و برکاته؛ امابعد:

عزیزم! انسان جایز الخطا است و از او گناه حتماً سرزد می‌شود، اما نبایـد از رحمـت خـدا ناامید گردد بلکه اگر از او هزاران جرم هم سرزد گردد، بازهم ناامیدی کفـر اسـت. بایـد کـه همیشه چون گناه سرزد گردد، توبه کند.

بیعت از گناه ضایع نمی‌شود. علاج (و راه بازگشت) همین است که دو مرتبه توبه و رجوع الی اللّه جلّ‌جلاله و ذکر کنید و اگر صد بار گناه کرده‌اید، بازهم نباید پدر روحانی را فراموش کنید و به صحبتش نیایید بلکه بهتر بیایید تا به لطف خداوند کریم موفق شوید.

خداوند کریم شما را موفق فرموده و به علم و عمل و اخلاص توفیق کامل نصیب گرداند.

غرهٔ ربیع‌الأول ـ ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۱۱۱

در جواب فردی در مورد تسلی و عدم ناامیدی در وقت ظهور معاصی

(نوشته بود: آن‌چه می‌خواهم بیان کنم، خودم شرم دارم که با داشتن نسبتی با شما بازهم چنین هستم، اما آن‌طور که از شما شنیده‌ام که احوال خود را با شیخ خود باید درمیان گذاشت تا در قبض و بسط راه راهنمایی کند. من ۳ سال پیش از دست پرفیض و مبارک شما بیعت کردم و تا لطیفۀ روح مراقبت کامل داشتم و الحمد لله ذکر لطیفۀ قلب جاری است و جنبش و تپش موجود است ولی روح کمی سست است. به نوافل پایبندم و چون حافظ هستم، اکثراً مشغول تلاوت هستم و... . در وجود خویش عشق الله تعالی و رسول علیه‌السلام و شما از همه بیشتر دارم. در وقت گرفتن نام شما و هم چنین علمای دیوبند، اشک از چشمان جاری می‌شود. محبت و نیز ارزش گفتار و نوشتار شما نزد من مقام بالاتری دارد. آداب اساتید و کتاب و... را دارم و از من راضی هستند. با وجود این همه فضل و نعمت خداوند، نمی‌دانم چطور نافرمانی خدا از من سر می‌زند. بزرگترین نافرمانی این‌که یکی دو ماه است که وسوسه و میل به عمل بد و زشت (أستغفر الله) پیدا می شود. هرچه سعی در ترک می‌نمایم، نمی‌توانم. می‌خواستم مریضی خود را بنویسم، ولی چنان‌چه فرموده بودید: «در طریقت هرچه پیش سالک آید خیر اوست» و مدتی بنا به این حدیث که گناهان را ظاهر کردن خود گناه کبیره است، از نوشتن نامه خودداری کردم، ولی دیگر طاقت ندارم لذا از مرشد می‌خواهم به‌خاطر خدا و حبیب او برایم دعا بفرمایید و نسخۀ شفابخش به این مریض عطا فرمایند تا از انحراف و سردرگمی نجات یابم).

فرزند عزیزم! وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

عزیزم! نباید از فرستادن نامه یا از اظهار رازهای خودتان برای پدر روحانی‌تان شرم کرده باشید؛ چراکه اگر پدر روحانی فرضاً معالجۀ آن‌را نتواند، ولی بازهم در غم شما شریک می‌شود و حتماً دعای دلسوزی می‌کند که همین هم غنیمت است.

بحمد الله از آثار ذکر قلبی و وظایف دیگر بهره بردار هستید، شکر خدا را ادا کنید. آری! گناه کردن هرچند که نافرمانی خداست، ولی نا امید هم نباید شد. علاج گناه توبه است هر بار که گناه سرزد شود، رجوع الی الله و توبه کند.

اگر ازدواج نکرده‌ای، ازدواج کن و بعد از هر نماز اسم «**يَا قَهَّار**» را صد بار بخوان.

غیر از انبیاء علیهم‌السلام ای پسر کسی معصوم نیست. گناه سرزد می‌شود، اما لازم است که زودتر به توبه مراجعه کند و از توبه کردن خسته نشود.

این که «در طریقت هر چه روی سالک آید خیر اوست»، مراد گناه نیست بلکه این که از قبض و بسط، خوشی و ناخوشی، مرض، مصایب، فقر وغیره هر چه آید خیر اوست و معنی حدیث هم این نیست که با هیچ کسی ظاهر نکند بلکه معنی این است که با عموم مردم اظهار نکند ولی با شیخ و پیر و طبیب روحانی ظاهر نمودن آن واجب است.

راز خود را از دو کس پنهان مدار　　　از طبیبِ حاذق و از یارِ غار

یکم ربیع‌الثانی ـ ۱۴۲۲ هـ . ق .

مکتوب ۱۱۱۲

در جواب شخصی در مورد تعبیر خواب

(۱. خواب دیدم شخصی آمد و به ما دو نفر و یکی دیگر که نامعلوم بود، گفت هرقدر نیکی انجام دهید، جهنّمی هستید من با عصبانیت گفتم ما از درگاه و لطف الله تعالی امیدواریم و قانع‌اش کردیم. ۲) دیدم مولوی عبدالحمید سیریازهی به من گفت برو به تمام زنان دنیا (مسلمین) بگو پرده بر صورت خود بیندازند که جهاد ما و شما نزدیک است. ۳) دیدم علما یک کتاب بزرگ و تفسیر نشان دادند. گفتم: چه کسی این‌را نوشته؟ گفتند: شیخ استاد مولانا محمّدعمر سربازی (رحمه‌الله) و هر کلمه‌ای از قرآن سه الی چهار خط تفسیرش هست در تعجب ماندم و گفتم حتماً استاد حافظ کل قرآن است گفتند: بله ایشان را دست کم گرفته‌ای!).

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

خداوند کریم شما را به علم و عمل و اخلاص موفق گرداند.

خواب اول شما دلالت می‌کند که این شخص شیطان بود. می‌خواست شما را در نا امیدی بیندازد، ولی الحمد لله شما در جوابش موفق شدید.

خواب دوم هم خوب است و سوم برای شما خیلی مبارک است.

خداوند کریم شما را به خدمات دین موفق گرداند، مزید التماس دعا دارم.

۳ ربیع‌الثانی ـ ۱۴۲۲ هـ . ق .

مکتوب ۱۱۱۳

در جواب فردی در راهنمایی به بیرون کردن حب گناه از دل

(من از مریدان شما و در گناه مبتلا هستم و هرچند قَسَم برای ترک گناه می‌نمایم، باز در دام شیطان می‌افتم. لذا راه حل و راهنمایی می‌طلبم و برای موفقیت در دروس طلب دعای خیر دارم).

وعلیکم السلام و رحمة اللّه و برکاته؛ امابعد:

نامۀ شما رسید و ملاحظه شد. عزیزم هر گناه که داری یا کرده‌اید، توبه کنید و بعد از هر نماز «**لاحول...**» را صد صد بار وظیفه کنید امید است که دوستی گناه کم‌کم سرد می‌گردد. به علم و عمل و اخلاص و عرفان موفق باشید و به اذکار وظایف خود پایبند باشید.

۴ ربیع‌الثانی ـ ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۱۱۴

به شخصی درمورد طریق حصول تقوٰی و دفع وساوس

(طلب ارشاد می‌کنم که راه حصول تقوی چیست؟ مدت زیادی است که دچار اضطرابات و وسوسه هستم و هیچ گاه اراده‌ها و تصمیماتم قطعی نمی‌شوند. بعد از آمدن به خدمت شما موقتاً برطرف شدند، اما دوباره این وسوسه‌ها شروع شده‌اند لذا در این مورد مرا راهنمایی بفرمایید).

وعلیکم السلام و رحمة اللّه و برکاته؛ امابعد:

نامۀ شما رسید و ملاحظه گردید.

۱ـ راه حصول تقوٰی این است که هر چه شرع مقدس آن‌را منع فرموده و خلاف سنت است، آن‌را ترک کرد و از آن به دور باید باشد. خلاصه این‌که از منهیات شرعیه به دور باشد.

۲ـ دنبال این وسوسه‌ها نروید و آن‌ها را تحویل نگیرید و آن‌ها را کالعدم دانید و چنان فکر کنید که این وسوسه‌ها اجر و ثواب‌اند، چرا ناراحت شوم.

۵ ربیع‌الثانی ـ ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۱۱۵

در راهنمایی شخصی در مورد ضُعف حافظه و جمع نشدن حواس در درس و...

وعلیکم السلام و رحمة اللّه و برکاته؛ امابعد: نامهٔ شما رسید و ملاحظه شد.

خداوند کریم به علم و عمل و اخلاص موفق گرداند و حافظهٔ صحیح و سالم عطا فرماید. راه حلّ در این مورد این است که بعد از نماز عشاء صد صد بار سورهٔ فاتحه را تلاوت و برای حافظهٔ خود دعا کنید. مزید التماس دعا دارم.

۴ ربیع‌الثانی ـ ۱۴۲۲ هـ. ق.

مکتوب ۱۱۱۶

در جواب شخصی در مورد تحصیل فیض از قبور و...

(نامهٔ گرامی‌تان که شامل پند و اندرز و ترغیب بود و از بلندهمتی و خلوص عقیدهٔتان حکایت می‌کرد، با دست‌های احترام و شادی دریافت کردم. خداوند کوشش شما را سپاس گوید و پاداش خیر به شما بدهد و امثال شما را افزون سازد. چند سؤال دارم، استدعا دارم جواب کامل عنایت فرمایید: ۱) آیا از عُرفایی‌که فوت کرده‌اند، با خواندن سلسله و توصیه کردن به قلب یا لطیفه، فیض حاصل می‌شود. ۲) رفتن بر سر قبر مرشد خود یا مرشدی دیگر به نیت حصول فیض چطور است؟ ۳) برای این‌که انسان به‌درجهٔ عرفان وکمال برسد، چه‌کاری کند؟ ۴) آیا رفتن به خانقاه به نیت ذکر و تصفیهٔ قلب، ثواب بیشتری دارد یا رفتن به تبلیغ؟).

وعلیکم السلام و رحمة اللّه و برکاته؛ امابعد:

خداوند کریم شما را حفظ کند و به کارهای خیر و نیک موفق فرماید.

۱ـ زمانی‌که او سلسله را می‌خواند، خود به خود به او از رحمت الهی فیض می‌رسد.

۲ـ برای خواندن دعا رواست و برای تحصیل فیض از قبور آن‌ها گنجایش ندارد.

۳ـ کثرت ذکر اللّه را ادامه داده و تلاوت قرآن و صحبت مرشدی کامل لازم بگیرد و از منهیات و خلاف سنت دور باشد.

۴ـ رفتن به تبلیغ، ثواب بیشتر دارد.

مزید خیر است و التماس دعا دارم.

۵ ربیع‌الثانی ـ ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۱۱۷

به شخصی در جواب به چند سؤال

۱) نمی‌دانم چگونه راز دل کنم و با چه خجالتی مافی‌الضمیر خود را بیان کنم! اگر قبل از بیعت یا پیش کسی دیگر بود، شاید با همین دردها می‌سوختم و با احدی بیان نمی‌کردم، اما یقین دارم که هیچ مونس و کسی‌که ارشادم کند، جز از شما ندارم. مرشدی المکرم! با این‌که بیعت شده و به سفارش شما از محبت اغیار وگناه خیلی متنفرم، لیکن گاهی وسوسه به‌ظاهر مناسب و خلوت، در دل می‌افتد و از راه دوستی به‌ظاهر ناصحانه مرتکب گناه می‌شوم. خیلی پریشانم و از اصلاح خود ناامید گشته‌ام و با خود می‌گویم: ای خبیث! دیگر چرا...؟ تا مدتی خوب و به‌ظاهر صوفی می‌شوی! مرشدی! چه کار کنم؟ آیا دو باره بیعت کنم؟ و دعا کنید قول می‌دهم از گناهان توبه می‌کنم ۲) برایم تعیین کنید شبانه روز چه‌قدر اسم ذات را ذکر کنم؟ ۳) اکثراً خشوع و جمع حواس در نمازهای نفل و سنت، از جماعت و فرض بیشتر است. ۴) درس را تکرار می‌کنم، ولی احساس می‌کنم زود از یاد می‌رود و اگر کتابی مطالعه می‌کنم یا وقت تبلیغ، اکثر حرف‌هایم نقلی و بر زبان هستند نه در دل. ۵) دوست دارم رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم و شما را در خواب ببینم، گرچه لیاقت این را ندارم ولی چطور برایم ممکن است عشق حقیقی الله و رسول در دلم بیاید؟

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

خداوند کریم شما را از بدی‌ها حفظ فرماید و به علم و عمل و اخلاص و خدمت دین موفق گرداند.

۱ـ عزیزم! عمداً مرتکب این اعمال نشوید، آن‌چه وسوسه و بی‌اختیار در دل آید، اشکال ندارد.

۲ـ اگر قدرت داری تعداد شش هزار ذکر انجام دهید و اگر فرصت بیشتر داری، ده هزار ذکر کنید.

۳ـ پریشان نشوید کم‌کم در فرایض هم خشوع می‌آید.

۴ـ خداوند کریم نور آن‌ها را در دل پیدا گرداند.

۵ ـ این کمال نیست و به دنبال آن نروید. کمال انسان در دوام ذکر و اتباع سنت است. به‌وسیلهٔ کثرت ذکر، تلاوت و کثرت صحبت صالحین با ارادهٔ صحیح عشق الهی حاصل می‌شود.

۵ ربیع‌الثانی ـ ۱۴۲۲ هـ. ق.

مکتوب ۱۱۱۸

در جواب فردی در مورد مطالعه بعد از عصر و چند سؤال دیگر

۱) آیا درس خواندن یا مطالعه یا نوشتن بعد از عصر بر اعصاب اثر منفی دارد؟ ۲) اگر ذکر خود را بعد از نماز صبح و عصر نکردم و در وقت دیگر انجام دادم، وقت آن چه‌قدر است؟ ۳) درس‌ها و موارد مطالعه در ذهن من نمی‌نشینند، راه حل چیست؟ ۴) راه حل پاک کردن تکبر و غرور چیست؟ چون که اساتید از من راضی هستند و براین دعا می‌کنند، این در ذهن من تبدیل به تکبر و غرور شده است. استغفار و لاحول می‌خوانم، اما روز به روز بیشتر می‌شود. ۵) خواب دیدم با دو هم‌درس کنار دریا کاراته بازی می‌کنیم. من کاراته را گذاشتم و کناری رفتم استاد ما آمد و گفت برو به آن‌ها بگو استاد کاراته می‌آید. بعد کنار دریا دوتا گل بود بسیار قشنگ دوستان را صدا زدم و نشستیم.

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

به علم و عمل و اخلاص موفق باشید. خداوند کریم زندگی شما را به زندگی احسن علمی و عملی عوض فرماید.

۱ـ بعد از عصر، وقت ذکر و عبادت و تسبیح و یا تعلیم است نه وقت مطالعه و کتابت. از تجربه ثابت است که مشغول به این کارها شدن در این وقت، بر اعصاب اثر منفی می‌گذارد.

۲ـ کم از کم نیم ساعت یا یک ساعت یا به قدر فرصت.

۳ـ این از ضُعف حافظه است. بعد از نماز عشاء صد صد بار سورهٔ فاتحه را وظیفه کنید.

۴ـ کثرت ذکر الله و صحبت کاملین است.

۵ـ خواب شما خوابی خیلی مبارک است موفق باشید.

۵ ربیع‌الثانی ـ ۱۴۲۲ هـ. ق.

مکتوب ۱۱۱۹

به الحاج خویردی در مورد تبدیل سبق و راهنمایی به اذکار و اسباق

(پنج ماه است که از شما خبری ندارم بسیار آزرده خاطر و نگران هستم و علت آن را نمی‌دانم که چرا قبل از رمضان تا حال هرچه نامه داده‌ام، جواب نداده‌اید لذا من هم فکری شدم که حتماً دوست ندارید و من هم سرانجام فرستادن نامه را قطع کردم. تا چندی قبل به خود می‌بالیدم که شما توجه خاصی نسبت به من دارید و شاید این راه را به حول الهی و راهنمایی شما به پایان برسانم، اما چنین نشد و شما توجه لازم را به من نمی‌کنید. از کارها دل‌سرد هستم تنها چیزی‌که عادت شده، همان درس سال پیش است و احساس خستگی می‌کنم. به هرحال نمی‌شود قضاوت درست کرد. نمی‌دانم نامه‌هایم چه می‌شوند!. ببخشید این چنین با شما حرف می‌زنم. ذکرها به مدت یک سال چنین انجام شده است: ذکر قلب، روح، سرّ و خفی۵۰۰ بار در شبانه روزی، ذکر اخفی۱۰۰۰ بار، ذکر پیشانی ۳۵۰۰ بار، ذکر وسط سر۳۵۰۰ بار و... . خواهشمندانه چون یک سال گذشته سبق مرا عوض کنید).

محترمی و مخلصی جناب الحاج خویردی! زاد شوقه.

السلام علیکم و رحمة اللّه و برکاته؛ امابعد:

نامهٔ مبارک شما رسید و خوشحال گردیدم. الحمد للّه حال بنده بد نیست خداوند قدوس شما را با اهل بیت حفظ و به خدمت دین و عرفان سرگرم فرماید.

عزیزم! هیچ نامه‌ای از جنابعالی نیامده است، الا این‌که جواب آن‌را در زودترین وقت فرستاده‌ام و نقل همه نامه‌های شما با جوابات در دفتر مکتوبات محفوظ است. زمانی‌که این‌جا تشریف آوردید، به چشم خودت ملاحظه کنید. از نرسیدن جواب‌ها حیرانم که علت چیست؟ شاید آدرس شما اشکالی دارد یا مشکلی دیگر هست واللّه اعلم.

نامه‌ای‌که در سه‌شنبه مورخ ۱۳۸۰/۴/۵ و سوم ماه ربیع‌الثانی نوشته‌اید، الآن که ساعت ۴ قدیم بعد از ظهر روز یکشنبه ۹ ربیع‌الثانی بدستم رسید، در همین ساعت به نوشتن جواب اقدام کردم تا پریشانی‌های شما را زودتر دور کنم.

عزیزم! محبت بنده الآن به شما و ارتباط روحی و قلبی از اول به درجه‌ها ترقی کرده است

چه جایی که کمتر شود. الآن بـه دو درس دیگـر اجـازه داریـد. طریـق آن‌هـا را در خـلاصـة التصوف ملاحظه کنید.

إن‌شاء الله شما به راه عرفان موفق هستید پریشان و پست همت نشوید. ضرور در این تابستان تشریف آورده باشید.

مشکلی نیست که آسان نشود   مـرد باید که هراسان نشود

بستگان شما را سلام عرض است.

۵ ربیع‌الثانی ـ ۱۴۲۲ هـ . ق .

مکتوب ۱۱۲۰

به طلبه‌ای در موضوع بیعت و تبدیل آن و تشخیص مرشد باطل از مرشد حق پرست

(افتخار دارم که بت شمت رابطه دارم. بنده سؤالاتی دارم که بی‌جواب هستند و پرسیدنش برایم غیر از شما از هیچ‌کس بهتر نیست. ۱) من با خلیفه... رضایی بیعت کرده‌ام و می‌گوید با شما آشنایی دارد لطفاً اگر در مورد ایشان اطلاعاتی دارید، مرا در جریان بگذارید. ۲) اگر پیری سیگار می‌کشد و یا وقت ذکر مریدان به وَجد و حال می‌آیند، شروع به‌کارهای غیرمشروع از قبیل خوردن آتش و چاقو و... می کنند و او مریدان را از این کارها منع نمی‌کند، آیا با این شخص بیعت جایز است؟ یا اصلاً او پیر طریقت نیست؟ ۳) مریدی با پیری بیعت کرد و بعداً خواست بیعت را بشکند؛ به‌دلیل کامل نبودن پیر یا به‌دلایل دیگری چطور کند؟ آیا هر چه پیر می‌گوید عمل کند؟ مثلاً چیزی‌که حرام است، بگوید انجام بده و... و... .

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

خداوند کریم شما را به علم و عمل و اخلاص موفق و خدمات جامعه نصیب گرداند.

بنده خلیفه رضایی را مختصراً در همان سفر تربت‌جام و تایباد و خیرآباد یکبار دیـدم، امـا نمی‌توانم احوال او را کاملاً تشخیص دهم. اگر موافق شرع و سنت است و علمای آن منطقه او را قبول دارند، آن وقت خوب است و اشکال ندارد.

سیگار کشیدن اگر به عذری شرعی یا مرضـی باشـد، گنجـایش دارد و بـدون ضـرورت کشیدن آن مکروه است. اگر بیعت به فردی دیگر و بهتر میسر شود، از او بیعت نکند.

این پیر با این حلقهٔ پوچ و خلاف شرع، اهل بیعت و مرشد نیست. احتیاط از وی لازم است. اگر پیر کسی بر مسیر خلاف شرع باشد، مجدداً به نزد یک مرشد اهل شرع برود و از او بیعت کند و بیعت آن اول خود به‌خود باطل می‌گردد.﴿ **وَقُلْ جَآءَ ٱلْحَقُّ وَزَهَقَ ٱلْبَٰطِلُۚ إِنَّ ٱلْبَٰطِلَ كَانَ زَهُوقًا** ﴾ [الإسراء: ۸۱].

هرچه پیر می‌گوید، اگر موافق شرع و سنت باشد، آن‌را بگیرد و برآن عمل کند و هرچه برخلاف شرع و سنت بگوید، برآن عمل نکند. اطاعت از این چنین پیر و بیعت از او حرام است. این نایب شیطان است. از این چنین پیر تا می‌تواند بگریزد و مخالفت کند.

کار شیطان می‌کند نامش ولی — گر ولی این است لعنت بر ولی

۱۰ ربیع‌الثانی ـ ۱۴۲۲ هـ . ق .

مکتوب ۱۱۲۱

در تشویق به ذکر و تعبیر خواب

(نوشته بود: قبل از بیعت نامه‌ای فرستاده بودم و اجازهٔ حزب‌البحر را جهت دفع از دشمنان و دجال های زمان دریافت کردم، الحمد لله از آن روز به بعد کسی به سراغ من نیامده و بعداً بیعت کردم. بعد از بیعت قلبم شروع به کار کرده است و من از خداوند راضی هستم و نیز دو خواب هم دیده‌ام ...).

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

خداوند کریم به بندگی خود و ذکر و فکر موفق فرماید و از تمام آفات و بلیات و شرور حفظ فرماید و دل‌های ما و شما را به نور ذکر خود زنده و منور گرداند.

برای ادامهٔ ذکر خود سعی کرده باشید و هردو خواب خیلی مبارکند مزید موفق باشید.

ذکر کن ذکر تا تو را جان است — پاکی دل زذکر رحمن است

برای ادای فرایض و نوافل پایبند و راسخ باشید.

زندگی آمد برای بندگی — زندگی بی بندگی شرمندگی
ذکر حق سرمایه هر دو جهان — کوش تا فایز شوی ای جان جان
هر دو عالم را نباشد قدر دان — قدر ذکر حق بدارد بس عیان

یک زمان از ذکر او غافل مباش — ذکـر حق در سینهٔ نیکو بفاش
هردو عالم در گرو ذکر حق است — زانکه او بر جمله قـادر مطلق است

۱۰ ربیع‌الثانی ـ ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۱۲۲

در جواب ... در ترغیب به تحصیل علم دین و عرفان و ادامهٔ ذکر

(۱. چند ماه پیش بیعت کردم و مشغول به‌ذکر شدم و برکات و اثرات ذکر را در وجود خود احساس کردم؛ طوری‌که هر واقعه‌ای‌که قرار بود به‌حکم خداوند پیش بیاید، آن‌را در خواب می‌دیدم و از ذکر و تلاوت و نماز لذت می‌بردم، ولی متأسفانه غرور در من آمد و شیطان بر من حمله کرد و وسواس چیره شد. حالا یک جان بی‌روح شده‌ام نمی‌دانم چه‌کار کنم. الآن از کردار خود پشیمانم لطفاً با مهربانی و شفقتی‌که خدواند به شما عنایت کرده است، من را راهنمایی وآگاه سازید. ۲. مدتی است گوش‌هایم وزور می‌کند و آرامش مرا گرفته است، دعا و راهنمایی‌ام کنید. ۳. می‌خواهم برای ادامهٔ تحصیل به پاکستان و اگر توفیق شد به دیوبند بروم، در این مورد چه مشوره می‌دهید؟)

عزیزم ملا فاروقی! وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

نامهٔ شما رسید و ملاحظه گردید.

عزیزم شیطان علیه‌اللعنة همیشه دنبال انسان‌ها است که در یک وقت او را شـکار کنـد. امـا انسان هم هوشیار می‌باید شد تا در دام او نرود. شما الحمد لله با راه عرفان مناسـبت داری، امـا کوشش کنید که دومرتبه به راه ابلیس نروید. به علم و عمل و اتباع سـنت و پرهیـز از بـدعت سعی کرده باشید. بعد از این‌که جان بی‌روح شده‌اید، دومرتبه به ادامهٔ ذکـر و اذکـار مراجعـه کنید، حالتان مبدل می‌گردد، تأسف نخورید. همان سبق که گرفته‌اید در آن خوب کار کن، آثار را دو مرتبه مشاهده می‌کنید.

برای گوش‌هایت بعد از هر نماز سه سه بار سورهٔ کوثر را بخوانید و به کف راست دم کنید و به هر دو گوش بمالید.

بنده با ارادهٔ رفتن‌تان به پاکستان موافقت دارم، موفق باشید.

شما را به خدا می‌سپارم و التماس دعا دارم.

۱۷ربیع‌الثانی-۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۱۲۳

در جواب یک نفر زندانی در مورد چند مسائل

(امیدوارم همیشه در کارهایتان و به ویژه در تبلیغ احکام اسلامی موفق باشید. باری عرض می‌شود که برای ما زندانیان دعای خیر بفرمایید تا با قلبی پاک و ایمان به خدا آزاد شویم و در راه خدا و رسول گام برداریم و با ایمان به خدا و رسول زندگی شرافتمندانه‌ای را آغاز کنیم. ۱. گاهی در این‌جا آب قطع می‌شود و چون در این چهار دیواری جای مطمئنی برای تیمم نیست، در این موقع چه کار باید کرد؟ ۲. کسی را به جرم قتل زندان کرده‌اند، آیا پشت‌سر چنین کسی نماز جماعت خواند؟)

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

نامۀ شما رسید و ملاحظه شد. عزیزم! ما برای همه امت رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم دعاگو هستیم و برای زندانیان نیز دعا می‌کنیم، اما کسانی‌که ظالم شده و در زندان‌اند، تا خودشان خوب توبه و ندامت نکنند، دعا در حق آن‌ها کم قبول می‌شود و در حق مظلومان زود قبول می‌گردد. شما خوب توبه کنید و به نماز و عبادت و بندگی خداوند متعال خوب مواظب باشید.

۱ـ زمانی که آب قطع می‌شود، اگر امید است که تا آخر وقت آب می‌آید، نماز را تأخیر کند و در آخر وقت وضو کند و نماز بخواند و اگر امید آمدن آب نیست، روی دیوار زندان به بلندی آن که مطمئن باشد، تیمم کند. اگر آجر یا سیمان یا گچ یا آهک باشد، اشکال ندارد. تیمم به این‌ها جایز است البته اگر دیوار شیشه باشد یا رنگ غیر از جنس زمین باشد پس، تیمم روا نیست و در این صورت صبر کند وقتی که آب آمد نمازهای قضا شده را اولاً ادا کند و بعداً وقتی را.

۲ـ اگر کسی دیگر نباشد که نماز جماعت بدهد، در آن وقت پشت‌سر همین ملای قاتل هم جماعت جایز است و از تنها خواندن بهتر است.

۱۷ربیع‌الثانی-۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۱۲۴

در تشویق به خواندن و مطالعه و کثرت ذکر

(نوشته بود: چندی پیش نامه‌ای ارسال نموده بودم که چگونه خوف و... نسبت به الله جلّ‌جلاله نصیب می‌شود و شما هم فرمودید همه را با کثرت ذکر می‌توان کسب نمود و بنده هم هرگاه وقت خالی گیر می‌آمد، به ذکر مشغول می شدم. مدتی است از دنیا متنفر شده‌ام و دایماً حالات قبر و حشر در نطرم نمایان است وگاهی تا دیر خواب به چشمان نمی‌آید. این حالات در مغرب زیاد رسوخ می‌کند و یک بی‌اختیاری حس می‌کنم و فکر می‌کنم ذات الله جلّ‌جلاله در جلوم هست. زمانی بود که از تاریکی شب می‌ترسیدم ولی حالا یادی از آن ترس نیست. وقت اذان حالات مدینه منوره در زمان رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم جلو چشمانم طلایی می‌شود. آیا این حالات خوبند؟ بنده پریشانم).

وعلیکم السلام و رحمة اللّٰه و برکاته.

حالاتی که نوشته‌اید خیلی مبارکند مزید موفق باشید. خداوند کریم علم، عمل و اخلاص نصیب فرماید.

برای خواندن و مطالعه و کثرت ذکر سعی کرده باشید و اعتقادات را محکم کنید بکوشید تا چیزی بشوید و ارزش خدمت به جامعه پیدا کنید. مناطق شما خیلی ضرورت به علم و عرفان و خدمت دین دارد. به اتباع سنت پایبند و محکم باشید.

۱۷ربیع‌الثانی ـ ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۱۲۵

در مورد این‌که در راه تزکیهٔ نفس و سلوک دچار با مشکلات ناگریز است

(نوشته بود: از روزی‌که پا به‌عرصهٔ تزکیهٔ نفس نهاده‌ام، در رویا رویی مشکلات و خیالات درونی قرار گرفته‌ام وگاهی می‌شود فکر می‌کنم اگر اظهار کنم، مرتکب کفر می شوم. افسون شفابخش و راه نجات را إهدا کنید. گاهی خواب‌هایی می‌بینم از قبیل: ۱. همیشه درحالت پرواز هستم و دشمن در پَی می‌دود، ۲. دیدم احرام بسته به طرف کعبه رفتم دیدم بیت‌الله منهدم شده است، ۳. گذرم به صحابه شد و سر دسته حضرت صدیق رضی‌الله‌عنه بود. پرسیدم از کجا تشریف می‌آورید؟ فرمود از جهاد با کفار و مسلمان شکست خورده‌اند و آمده‌ام تا صحابه را وصول کنم...).

وعلیکم السلام و رحمة اللّه و برکاته؛ امابعد:

عزیزم! در راه سلوک و تزکیهٔ نفس، با مشکلات روحی و جسمی دچار شدن لازم است، اما اگر انسان با آن‌ها مبارزه کند، آن‌ها را مغلوب کرده و او کامیاب خواهد شد. البته وساوس نفسی و خیالات بی‌هوده را تحویل نگیرد وگرنه روز به روز بیشتر خواهند شد نه کمتر.

افسون شفابخش، تحویل نگرفتن آن‌ها و کثرت خواندن «**لاحول...**» و کلمهٔ توحید می‌باشد.

۱ـ پرواز در خواب، خیلی مبارک است و دشمن، ابلیس است که ناکام می‌ماند.

۲ـ احرام بستن، بیعت کردن است در سلوک و عزم کعبه، مراد حقیقت کعبهٔ ربّانی است در عرفان.

۳ـ این خواب اشاره است به اتباع سنت صحابه و خلفای راشدین رضی‌الله‌عنهم.

مزید التماس دعا دارم.

۲۳ ربیع‌الثانی ـ ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۱۲۶

در ارتباط شرافت نسبی با شرافت علمی و...

(نوشته بود: من یکی از برادران دینی و هم‌خون شما و خیلی مشتاق دیدار مبارکتان هستم، ولی تاکنون موفق نشده‌ام و حتی در خواب نیز به من گفته‌اند که خدمت شما برسم. از آن بزرگوار خواستارم که دعای خیر برایم فراموش نشود و همچنین برای مشکلاتی‌که دارم و نیز در مورد جماعت تبلیغ برای ما دعا بفرمایید و اگر مقدور باشد، از شاگردان خود به سنندج بفرستید تا برای ما قوت قلبی باشند).

عزیز مکرم جناب سید...! زاد لطفه السلام علیکم و رحمة اللّه و برکاته؛ امابعد:

نامهٔ آن محترم رسید و ملاحظه شد و موجب شادمانی گردید.

طال شوقی الی لقائکم　　　ایها الغائبون عن نظری

«دل را به دل رهی است».

خداوند کریم تمام مشکلات دینی و دنیوی و آفاقی و انفسی و زمینی و زمانی ما و شما و تمام مسلمانان را حل و برطرف فرماید.

بنده از محبت و اظهار عقیدت و نامه نویسی و یادآوری آن محترم برای این فقیر لاشیء هزاران بار تشکر کرده و ممنون می‌باشم.

عزیزم! **الحمد لله** نعمت بزرگ شرافت نسبی را خداوند کریم به شما ارزانی بخشیده است زیبا و لایق است که این شرافت نسبی را مزیّن به شرافت علمی و عرفانی بکنید. حق‌دارترین افراد از همه امت در این میدان، اهل بیت و سلالهٔ خاندان سید وُلد آدم صلی‌الله‌علیه‌وسلم هستند. به قول رومی رحمه‌الله

از چو ما بیچارگان این بند سخت — که کشاید جز تو ای سلطان بخت

باز خرما را از این نفس پلید — کاردِش تا استخوان ما رسید

این چنین قفل گران را ای ودود — که تواند جز که فضل تو کشود

تا هوا تازه است ایمان تازه نیست — کین هوا جز قفل آن دروازه نیست

هندی رحمه‌الله می گوید:

ہے روح بندگی بس اس کی مرضی پر فدا ہونا — یہی مقصود ہستی ہے یہی منشأ عالم ہے

ہماری خاک اس لمحہ میں ہے رشک فلک اختر — وہی لمحہ جو میرا ذکر مولای عالم ہے

مزید التماس دعا دارم و شما را به خدا می‌سپارم.

۲۲ ربیع‌الثانی ـ ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۱۲۷

در مورد تعمیر اوقات عمر به ذکر خداوند کریم

(نوشته بود: مدت مدیدی است با نامه ارتباط نداشته‌ام، ولی بحمد الله ارتباط قلبی کمافی السابق بوده و هست. باور بفرمایید قصور من نیست چون هرچه نامه که نوشته‌ام، عودت داده شده‌اند و گفته

شده اجازهٔ ارسال این‌گونه نامه‌ها نداری و حتی در این مورد و در ارتباط با شما مورد سؤال و آزار قرار گرفته‌ام. التماس دارم به‌وسیلهٔ اصدقاء نامه بفرستید؛ زیرا می‌خواهم کماکان از فرمایشات و اوامر مرشدم نایل شوم. حضرت استاد! باز قبض به من رسیده است وگاهی نماز صبح به قضا می‌افتد. از حضور انورتان تقاضامندم برایم دعا کنید و دستورات و راهنمایی‌های لازم را بفرمایید).

مکرم و محترم جناب سید...! دام فضله السلام علیکم و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

نامهٔ آن جناب بعد از مدت خیلی دراز رسید و موجب شادمانی و سرور روحی و نور بصری گردید.

دیر است که دلدار پیامی نفرستاد   ننوشت سلامی و کلامی نفرستاد

* * *

طال شوقی الی لقائکم   ایها الغائبون عن نظری

اما در این مورد حضرتعالی را مقصر نمی‌دانم.

حال بینی و بینکم علل   من رقیب نقیب والخلل

و به قول یکی:

دلم در یاد یارم هست و جسمم دور می‌باشد

دلی با دل رهی دارد ولی آزار می‌باشند

و به قول شیرازی رحمه‌الله:

ز رقیب دیو سیرت به خدا همی پناهم

مگر آن شهاب ثاقب مددی کند خدا را

جان من! اوقات گرانمایه را به ذکر ذات اقدس مصروف دارید و در لطایف باطن هر چه به شما رسیده است، ذکر آن را ادامه فرمایید. بدانید که بدترین امراض اهل سلوک، غفلت، ضُعف اعتقاد و تردد در طریق است. دو دل بودن، جز بی‌حاصلی نیست.

به این چند شعر رومی رحمه‌الله متوجه باشید برای اندرز کفایت می‌کند، می‌فرماید:

داده‌ای عمری که هر روزی از آن   کس نداند قیمت آن در جهان

خرج کردم عمر خود را دم به دم — در دمیدم جمله را در زیر و بم
داد خود از کس نیابم جز مگر — زانکه هست از من به من نزدیکتر
زانکه خاصان را تو مهر و کرده‌ای — ماه جانم را سیه رو کرده ای
حق آن قدرت که آن تیشه نماست — از کرم کن این کژی‌ها راتو راست

دوستان را سلام عرض است و التماس دعا دارم.

۲۳ ربیع‌الثانی ـ ۱۴۲۲ هـ. ق.

مکتوب ۱۱۲۸

در تعبیر خواب و راهنمایی به ادامهٔ ذکر و...

(نوشته بود: ۱. خواب دیدم شما جبه‌ای پوشیده و در مسجدی نشسته بودی مرا شوق پیدا شد تا تجدید سبق کنم، دست مبارک را به سینه‌ام نزدیک کردی و فرمودی «دو مدت بعد تجدید سبق کن که محل مشت زدن سوراخ شده و شعلهٔ آتش بیرون می‌آید». اگر صلاح می‌بینید بفرمایید «دو مدت» و «شعلهٔ آتش» یعنی چه؟ ۲. دوستی چند وظیفه برای یافتن دزد نشان داد آیا اجازهٔ عمل دارم؟ ۳. در این روزها بر اثر کوچکترین چیزی ناراحت و عصبی می‌شوم راهنمایی و دعا بفرمایید).

فرزند عزیزم! وعلیکم السلام و رحمة اللّه و برکاته؛ امابعد:

۱ـ هر دو خواب شما مبارکند. اول دلالت دارد که احقر از شما راضی هستم و دوم دلالت می‌کند که لطایف شما بحمد اللّه از ذکر الهی متأثر شده‌اند.

«دو مدت» کنایه از دو ماه است و شعلهٔ آتش، اشاره به صفات مذمومه است الحمد للّه که بیرون شدند.

۲ـ این‌ها چیزهایی هستند که در پایان آن‌ها خیر نیست.

۳ـ این از خصوصیت سلوک است که چون در مبادیش قلب بیدار و احساس مسئولیت من اللّه کند، به کمترین خلاف شرع از اختیار خود بیرون می‌رود و این مرض اعصاب نیست. در کنترل آن خیر است که رفته رفته انسان حلیم و صاحب حلم خواهد شد.

إن‌شاء اللّه موفق می‌شوید. روز به روز در قلب جای پیدا می‌کنید. ادامهٔ ذکر لطایف را از

دست ندهید و اتباع سنت سَنّیه را زیب تن و روح خود گردانید.

۲۳ ربیع‌الثانی ـ ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۱۲۹

در ارتباط علم دین با عرفان و سلوک و پاسخ به چند سؤال

(۱. آیا حضرتعالی کار جماعت تبلیغ را به شکل الآن تأیید می‌کنید؟ ۲. کسی‌که سالک باشد، آیا تبلیغ و به جماعت رفتن مانع کار او می‌شود؟ ۳. در این زمان فتنه، تبلیغ ترجیح دارد یا گوشه‌گیری و در مسجد نشستن؟ ۴. حضرتعالی به‌عنوان مرشد ما برای ما طلبه چه راهی را جهت هرچه بهتر سپری شدن تعطیلات پیشنهاد می‌دهید؟ ۵. بعد از به‌چاپ رسیدن مکتوبات جلد اول، بسیاری از اردانمندان ناراحت بودند؛ چون بسیاری از مسایل خصوصی و شخصی خودشان را نوشته‌اند و نمی‌خواهند دیگری از آن مطلع شود. اگر قرار باشد نام آنان نوشته شود، آبروی بسیاری به خطر می‌افتد. لذا اگر تصمیمی اتخاذ گردد خوب است. ۶. مولانا قاسمی و چند تن از اساتید ناراحت بودند که ... (فلانی) کتاب‌های شما را چاپ می‌کند، کیفیت آن‌ها پایین است و در فارسی وارد هم نیست).

فرزند عزیزم! السلام علیکم و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

حال احقر بد نیست خداوند کریم شما را سالم و موفق فرماید. نامهٔ آن عزیز رسید.

عزیزم! همان طور که در طلب علم هستید، دوشا دوش آن در طلب عرفان هم سرگرم شوید. «**در عمر جوانی کار دو جهانی راست کن**» در جوانی مستی و در پیری سستی پس خدا را کی می‌پرستی؟!.

پاسخ سؤالات خود را به شرح ذیل ملاحظه فرمایید:

۱ـ آری! احقر کار جماعت را نه تنها این‌که تأیید می‌کنم بلکه تا پنج سال امیر و مسئول این کار و آورنده و پیاده کنندهٔ این کار از اول در بلوچستان احقر بوده‌ام، دیگران بعد از بنده آمده‌اند. این کار را بهترین طریق اصلاح نفس و اصلاح جامعه می‌دانم و موجب نجات مشغولین این کار و اسلحهٔ سرد فتوحات اسلامی می‌دانم. البته فقط در مورد خروج زنان به این روش و هیئت، نظری مختصر دارم.

۲ـ سبحان اللّه تبلیغ، مؤید و مترقّی سلوک و عرفان است بلکه عرفان و سلوک و تبلیغ، لازم و ملزوم‌اند. کسی که تبلیغ ندارد، عرفان هم ندارد. مانع بودن و مانع دانستن تبلیغ سلوک را، مثل حماقت کسی است که گوید: نماز مانع خدارسی است.

۳ـ سبحان اللّه چه نسبت خاک را با عالم پاک. به نص حدیث، یک عالم معلّم و مبلّغ از هزار عابد و زاهد گوشه‌نشین که عالم نیز باشد افضل است. بلکه نبی کریم صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرموده است: فضیلت چنین معلّم و مبلّغ بر آن زاهد گوشه نشین به شرط داشتن علم، مثل فضیلت من پیامبر اسلام است بر کمترین شما؛ بالأخص در این زمان پر فتن و جهالت دینی.

۴ـ اگر به جماعت بروید از همه بهتر.

۵ـ عزیزم! طریق مکتوبات نویسی از قدیم تا به امروز همین بوده که نام و مشخصات و وطن وغیرهٔ فرستنده را نوشته‌اند؛ چنان‌که به شما روشن است. البته کسی‌که خودش در نامه نوشته که نامهٔ من راز (و محرمانه) است و در دفتر نوشته نشود، ما هم همین عمل را طبق سنت اکابر کرده‌ایم. ثانیاً اگر نام‌شان نوشته شود و این دفتر نزد الهی قبول شود، او هم مقبول می‌شود و اگر نوشته نشود او از این خیر محروم می‌ماند. سوم: اگر نوشته شود، نفس او را تنبیه به اصلاح پیدا خواهد شد. چهارم این‌که بنده هم نامهٔ خصوصی افراد را نمی‌نویسم و اگر می‌نویسم آن فرد را مشخص نمی‌کنم. البته نامهٔ خصوصی آن است که در آن رازی باشد که پاش کردنش به دیگران روا نباشد در غیر این صورت نامه را خصوصی گفتن، از جهالت است بلکه آن نامه عمومی گفته می‌شود. کسانی که از درج این چنین نامه‌های عمومی در مکتوبات شرم می‌کنند، از نوشتن آن خودداری کنند. بنده طبق اصول رفتار می‌کنم و از کسی متأثر نمی‌شوم. اگر نامهٔ (کسی) خصوصی باشد، در آخرش بنویسد که این در دفتر درج نشود و خصوصی را هم بداند که کدام است؟. بیان عیب نفس و نواقصِ خود، خود عبادتی است عمومی نه خصوصی؛ چنان‌که در احادیث بعض عیوب مؤمنین و صحابه رضی‌الله‌عنهم ذکر شده و در تمام کتب نقل شده‌اند.

خلاصه، آینده خود شما باشید یا دیگران، اولاً خصوصیات را بدانید و بعداً هرچه که از خصوصیات باشد، یا آن‌را ننویسند و یا به بنده تذکر دهند که این‌را در دفتر نقل نکنید.

۶ـ... (فلانی) اجازهٔ ترجمهٔ دو رسالهٔ کوچک از بنده گرفته بود و به نظرم آن دو را خوب

ترجمه کرده است. احوال پرسان را سلام عرض است.

۲۱ ربیع‌الثانی ـ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۱۳۰

در آداب بیعت از مشایخ و پاسخ به چند سؤال

(نوشته بود: پیش یکی از خلفای سیف‌الرحمن در شهر گنبد بیعت کردم، ولی هیچ تأثیری در من بوجود نیامده البته با دیدن بعضی از مسایل، از همه دلسرد شدم. واقعاً ایشان آبروی دین و طریقت را برده‌اند. حالا با آشنایی با شما و مطالعهٔ یکی از آثار شما (مکتوبات)، پی به اخلاق و رفتار و تواضع شما برده‌ام و این اخلاقیات مرا شیفته کرده است و این نهایت بزرگی و حالی شدن ایمان شما می‌باشد. لذا چند مسأله از شما تقاضامندم: ۱) شما را به خدا قسم برای من دعا و مرا به مریدی خود قبول بفرمایید. ۲) مدتی بوده روی ذکر قلبی کار کرده‌ام، راهنمایی کنید. ۳) گاهی شهوت فرج بسیار مرا اذیت می‌کند و فشار می‌آورد، راهنماییم کنید. ۴) آیا در کنار ذکر قلبی، می‌توان ذکر زبانی انجام داد؟ توضیح دهید. ۵) اگر مقدور است چند کتاب از کتاب‌های‌تان برایم بفرستید تا بیشتر استفاده کنم).

برادر محترم! وعلیکم السلام و رحمة اللّٰه و برکاته؛ امابعد:

نامهٔ شما رسید و موجب خوشحالی گردید.

عزیزم! شما خود در مورد بیعت کردن با سیفیه به طریق سنت عمل نکرده و اشتباه کرده‌اید. اولاً می‌بایست شما استخاره می‌کردید و سپس از علمای متقی در این مورد مشوره و بعد بیعت می‌کردید. اشخاصی که بر شرع شریف مستقیم نیستند، بد نام کنندهٔ نکونامی چند هستند. طریقت نقشبندیه عیبی ندارد و افضل از همه طریق‌ها هست، اما این‌ها از آنان هستند که خواجهٔ عزیزان، «رامتینی» قدّس‌سره فرموده است:

ای بسا نادان آدم روی هست   پس به هر دستی نباید داد دست

۱ـ عزیزم! اگر با بنده میل بیعت کرده‌اید، نخست استخاره کنید و ثانیاً از علمای معتمد آن مناطق مشوره کنید، بعداً با بنده تماس بگیرید. عجله نکنید.

۲ـ در مورد ذکر قلبی، بعداً إن‌شاء اللّٰه تعالی راهنمایی خواهید شد.

۳ـ در مورد شهوت فرج، بهتر آن است که عقد ازدواج کنید.

۴ـ آری! می‌توانی ذکر زبانی و تلاوت قرآن را دوشا دوش ذکر قلبی انجام دهی.

۵ـ در مورد فرستادن کتاب از این‌جا مشکلاتی هست، بهتر آن است که شما با محمدایوب گنحی در زاهدان تماس بگیرید و او از آن‌جا بفرستد آسان‌تر است.

مزید شما را به خداوند کریم می‌سپارم.

۲۲ ربیع‌الثانی ـ ۱۴۲۲ هـ. ق.

مکتوب ۱۱۳۱

در ترغیب و تشویق به ذکر و دفع نقصان تنبلی

(آرزومندم که خداوند هرچه بیشتر و بهتر توفیق‌تان دهد تا بتوانی احکام دین را به مردم تبلیغ کنی و آن‌ها را از گمراهی‌ها و خرافات دیرینه إن‌شاء الله نجات دهید. بعد از اجتماع و تشکیل به خدمت شما رسیدم و ذکر روح را تلقین فرمودید، ولی مدتی است تنبل شده‌ام. علاقهٔ مثل گذشته و شوق و عشق نماز و جذبهٔ روزه ندارم. اکثر اوقات من گرفته شده و با پدر مشغول مغازه‌داری هستم. دو سه بار خواسته‌ام ازدواج کنم، موفق نشده‌ام. این بود حالاتم و تقاضای دعای خیر دارم و در مورد کار دعوت دعا بفرمایید چون نمی‌گذارند و اذیت و آزار و تهدید می‌کنند.

حسب حالی ننوشتم و شد ایامی چند — محرمی کو که فرستم به تو پیغامی چند

ما بدان مقصد عالی نتوانیم رسید — هم مگر پیش نهد لطف شما گامی چند

ستیزه‌ام سختی خوش که پیر کنعان گفت — فراق یار نه آن می‌کند که بتوان گفت

حدیث حول قیامت که گفت واعظ شهر — کنایتی است که ز روزگار هجران گفت

آن چه در مدت هجر تو کشیدم — هیهات در یکی نامه محالست که تقریر کنم

گویند سنگ لعل شود در مقام صبر — آری شود ولیک به خون جگر شود

به‌هوش بودم از اول که دل به کس نسپارم — شمایل تو بدیدم نه عقل ماند و نه هوش

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

حال بنده بد نیست خداوند کریم شما را سالم دارد و برای ذکر و بندگی خود موفق گرداند. نامهٔ آن عزیز رسید وخوشحال گردیدم.

عزیزم! در ذکر الله تعالی نباید تنبل شوی. سرمایه وکامیابی دو جهانی به آن وابسته است.

ذکر کن ذکر تا تو را جان است   پاکی دل ز ذکر رحمن است

آن چه مردان را رساند با مراد   ذکر ذات اوست گردی با مراد

سربازی (رحمه الله) می گوید:

یک زمان از ذکر او غافل مشو   زنگ های دل به ذکر او بشو

شور عشق او که در سرها فتاد   ذوق یاد او که در دل ها فتاد

از ثمرهایی است کز ذکرش بود   جلوه هایی هست کز فکرش بود

روح جمله بندگی شد یاد او   شد نماز و صوم و حج از نور او

رومی رحمه الله (می گوید):

چشم بند و گوش بند و لب ببند   گر نبینی سرّ حق بر من بخند

در عین مغازه‌داری و مشاغل دنیوی از یاد او غافل مباش. «دست با کار و دل با یار باش»؛ طبق قوله عزّوجلّ: ﴿رِجَالٌ لَّا تُلۡهِيهِمۡ تِجَٰرَةٞ وَلَا بَيۡعٌ عَن ذِكۡرِ ٱللَّهِ﴾ [النور: ۳۷].

کسب حلال خود عبادتی است؛ به شرط آن‌که غافل نشوی. درس حضرت خضر علیه السلام برای ما نقشبندی‌ها خلوت در انجمن است.

نقشبندیه عجب قافله سالارانند   که برند از ره پنهان به حرم قافله را

از دل سالک ره جاذبهٔ صحبت‌شان   می بردوسوسهٔ خلوت‌وفکر چله را

ازدواج خیر است موفق باشید، پریشان نشوید. شیرازی رحمه الله

گر تو سنگ خاره و مرمر شوی   چون به صاحبدل رسی گوهر شوی

نومید هم مباش که رندان باده نوش ناگه به یک خروش به منزل رسیده‌اند

به محترمی و مخلصی و محبوبی و محبّی ملا حسن زارعی و عزیزی و صمیمی محمدرضا سلام این حقیر را عرض کنید و از شما التماس دعا دارم و دعاگوی شما هستم.

۲۲ ربیع‌الثانی -۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۱۳۲

در مورد طلب راهنمایی و دعای علم و عمل و اخلاص

(بندہ نماز کے معاملہ ہی نہایت سست ہوں، خصوصاً فجر اور ظہر کیلئے یعنی سونی کے بعد اٹھنا انتہائی دشوار ہے۔ ہرچند کوشش کرتا ہوں ناکام رہتا ہوں امید ہے رہنمایی اور دعاوں اور توجہات سے مستفید فرمائینگے۔ بندہ الحمد للہ درس نظامی مکمل کرکے تخصص فی الفقہ بھی پڑھ چکا ہوں و فی الحال مدرسۂ۔۔۔ بحیثیت نائب مفتی مشغول ہوں)۔[1]

فرزند عزیزم السلام علیکم ورحمۃ اللہ وبرکاتہ امابعد:

آپ کا گرامی نامہ آکر موصول ہوا اور آپ کی یادآوری سے متشکر اور ممنون ہوں الحمدللہ احقر کے حال بد نہیں، خداوند کریم آپکو محفوظ اور سالم رکھے اور علم با عمل و اخلاص و استقامت عطا فرماوی اور خدّام دین میں سے بنائیں (آمین)۔

احقر خود محتاج توجہ کاملین ہوں مجھے کیا ارزش کہ میں اوروں کو توجہ کروں البتہ آپ اور سب مسلمانوں کے دعاگو ہوں آپ سونے کے وقت آخر سورۂ کہف ﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ كَانَتۡ لَهُمۡ جَنَّٰتُ ٱلۡفِرۡدَوۡسِ نُزُلًا﴾ سے پڑھ کر سو رہیں ان شاءاللہ کم کم موفق ہو جائینگے۔

احقر کو بھی درخواست دعا ہے اپنے والد صاحب اور اور احوال پھوپوں کو سلام میری طرف سے عرض کردیں۔[2]

۱- ترجمۀ سؤال: بنده در مورد نماز؛ به‌خصوص نماز صبح و ظهر سست هستم و بیدار شدن سخت است. هرچه کوشش می‌کنم، ناکام می‌شوم، امیدوار راهنمایی و دعا و توجه دارم. مزید الحمد لله دروس متداول نظامی را به پایۀ تکمیل رسانده‌ام و و تخصص فی الفقه نیز فرا گرفته‌ام و اکنون در مدرسۀ ... به حیثیت نائب مفتی مشغول می‌باشم.

۲- ترجمۀ جواب: نامۀ شما آمد و از یادآوری‌تان ممنونم. الحمد لله حال بنده بد نیست الله تعالی شما را محفوظ و سالم نگهدارد و به شما علم با عمل و اخلاص و استقامت نصیب فرماید و شما را از خادمان دین بگرداند. بنده خودم محتاج توجه کاملان هستم و این شایستگی را ندارم که به دیگران توجه نمایم البته برای تو و تمام مسلمانان دعاگو هستم. شما وقت خوابیدن آخر سورۀ کهف را بخوانید و بخوابید، إن‌شاء الله موفق خواهید شد.

۲۴ ربیع‌الثانی ـ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۱۳۳

در تعبیر خواب و جواب چند سؤال

(۱. خواب دیدم من و فضل‌احمد به انزاء آمدیم شما تشریف آوردید و در مورد چند چیز از من پرسیدید و یک دستمال سفید به من دادید. مولوی عبدالصمد را نیز در خواب دیدم به او گفتم من ترا دوست دارم گفت شما تقوٰی دارید، ۲. مشکلی دارم که خیلی زود به مردم بدگمان می‌شوم، ۳. اخلاق انسان از چه چیزی خوب می شود؟ یعنی این‌که شخص از خود بردباری نشان دهد، ۴. تواضع و فروتنی و تقوٰی از چه چیزی حاصل می‌شود؟ ۵. انسان اگر چیزی از کسی بخواهد؛ مثلاً می‌گوید: «استکان را بده» آیا این هم در سؤال داخل است و مؤاخذه دارد؟)

فرزند عزیزم! وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

خداوند کریم به علم و عمل موفق گرداند.

۱ ـ خواب شما و دیدن مولانا عبدالصمد نیز خیلی مبارک است.

۲ـ هرگاه نسبت به مسلمانی بدگمانی پیدا شد، در دل متصور شوید که خودم از همه بدترم پس، چرا به دیگران بدگمان شوم!.

۳ـ اخلاق انسان از کثرت ذکر الله و صحبت کاملین و تشکیل به جماعت کم‌کم خوب خواهد شد.

۴ـ تواضع هم از ذکر الله و خود را مذمت کردن به دست می‌آید و تقوٰی نیز از این اعمال حاصل می‌شود.

۵ـ این‌ها سؤال نیستند. سؤال آن است که برای نفع و ملک خود چیزی از دیگری بخواهد و به صاحب آن دو مرتبه رد نکند.

۲۴ ربیع‌الثانی ـ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۱۳۴

در مورد ادامۀ ذکر و محافظت بر نماز پنجگانه و تعبیر خواب

(۱. خواب دیدم عده‌ای را و من و شما آن‌جا بودیم و یک خصوصیت هریکی از آن‌ها می‌گفت تا نوبت به شما رسید گفت: این استاد شما دریایی با خود دارد (ولی چیزی از آن به‌خاطر حکومت برداشته). این قسمت ممکن است از خیالات ذهن من باشد، ۲. دیدم یکی به من گفت ذکر کن، ۳. مدرسۀ شما را دیدم که راه‌های زیادی داشت و یک راه بزرگ و آسفالت بود و مردم زیادی جمع بودند، ۴. در ذکر بودم دیدم سنگی روی آن نام «الله» نقش بسته بود، ۵. استاد! خواب‌های زیادی می‌بینم، ولی برعکس من کم‌کار و سست هستم؛ به‌طوری‌که نمی‌توانم در حالت عادی وسوسۀ شیطان را دور کنم چه برسد به این‌که در ذکر و در بقیه روز به یاد خدا باشم. لطفاً برایم دعا کنید).

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

خداوند کریم شما را به بندگی خود موفق فرماید و مرادات قلبی دینی شما را حاصل گرداند و از تمام آفات و بلیات حفظ فرماید.

خواب‌هایی که دیده‌اید، همه خوب هستند. برای ادامۀ ذکر سعی کنید و تنبلی نکنید. بزرگترین بلا در راه دین، سستی و تنبلی است و برای نمازهای پنجگانه با جماعت سرگرم باشید و به وقت فرصت از تشکیل به جماعت استفاده کنید.

رومی رحمه‌الله فرموده است:

اندرین ره می‌تراش و می‌خراش   تا دم آخر دمی غافل مباش

۲۴ ربیع‌الثانی ـ ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۱۳۵

در سراغ مطالعۀ چند کتاب و پاسخ به چند سؤال دیگر

۱. کتب مشهور و جذاب در مورد زندگانی صحابه به زبان فارسی را برایم نام ببرید، ۲. کتابی‌که در مورد مسایل روز و حالات امروزی انسان در آن نوشته باشد، ۳. کتابی‌که سرگذشت مجاهدان و دعوتگران ربّانی باشد، ۴. کتابی‌که قصه‌های علمای دیوبند در آن باشد، ۵. جهت یادگیری سخنرانی

فارسی از نوارهای کدام مبلّغ استفاده کنم؟ ۶. فکر دین چگونه و با چه اعمالی حاصل می‌شود؟ ۷. چه چیزی باعث تأثیر گذاشتن سخنرانی در وجود سخنران و سامعین می‌شود؟ ۸. حکم مطالعهٔ روزنامه برای اخبار چیست؟ ۹. بنده به جهت لاغری و ضعف جسمی تحمل در دروس و عبادات ندارم، اگر در این مورد دارو و طبابتی می‌دانید بنویسید، ۱۰. قسمت پیشانی و بینی من وقت ذکر به درد می‌آید، ۱۱. وقت بلند شدن از خواب ظهر یا صبح تنبل هستم و نمی‌توانم بلند شوم، ۱۲. چه چیز و عملی باعث پیشرفت استعداد و ذهن می‌شود؟ ۱۳. در مورد فهمیدن این مطلب که «اول خودشناسی، بعد خداشناسی و بعد خداپرستی» چه کتابی را مطالعه کنم؟ ۱۴. عشق به خدا مهم‌تر است یا خوف از خدا؟ ۱۵. چه صفاتی از صفات خداوند (متعال) مهم‌تر و انسان را زودتر به خداوند می‌رساند؟)

وعلیکم السلام و رحمة اللّه و برکاته؛ امابعد:

۱ـ عزیزم! کتاب‌هایی که در این مورد به زبان فارسی بودند، از دست صفویه از بین رفتند بعداً کسی به زبان فارسی چنین خدمتی زیبا نکرده است البته در عربی «البدایة والنهایة» لإبن کثیر و دیگر کتب عربی و اردو بسیار وجود دارد.

۲ـ «الفقه الإسلامی» و «جدید فقهی مسایل» وغیره.

۳ـ شاندار ماضی، بیس بری مسلمان وغیره.

۴ـ نُزهة الخواطر و... .

۵ـ بنده نوار ندارم.

۶ـ فکر دین از تقوٰی و کثرت ذکر اللّه حاصل می‌شود.

۷ـ تقوٰی و اخلاص و نور قلب.

۸ـ جواز دارد.

۹ـ به دکتر مراجعه کنید.

۱۰ـ اشکال ندارد.

۱۱ـ علتش غفلت قلب است، آن را معالجه کنید.

۱۲ـ تقوٰی و اخلاص و اتباع سنت و کثرت ذکر اللّه و تلاوت قرآن و درود.

۱۳ـ احیاء العلوم غزالی و کیمیای سعادت او.

۱۴ـ ایشان لازم و ملزوم‌اند.

۱۵ـ اسم ذات و نفی اثبات و رحمٰن و رحیم و قیّوم.

۲۴ ربیع‌الثانی ـ ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۱۳۶

در تعبیر خواب و توضیح احوال

(نوشته بود: محبت شما خیلی بر من غالب شده است. نسبت به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وسلم بی‌اندازه در دلم محبت پیدا شده وگنبد خضراء جلو چشمانم مجسم است و وقت دیدن عکس آن دیار یا نام ایشان علیه‌السلام گریه‌ام می‌آید. با اولیا و سلف صالح فوق العاده محبت دارم و از نام‌شان گریه‌ام می‌آید. ذکر را از همه بیشتر دوست دارم و خلوت و دعا بعد از عصر بسیار لذت بخش است. صبح در ذکر بودم گنبد خضراء بسیار نورانی و سبز مجسم شد. در حال ذکر این حال بسیار کم است. خواندن اذکاری‌که از امام غزالی منقول است (روز جمعه یا الله۱۰۰۰ بار و روز شنبه لااله الا الله۱۰۰۰ بار و روز یکشنبه یا قیّوم۱۰۰۰ بار و...)، در یک جلسه باشند یا چند جلسه؟ برای حافظه و حواسم که به کلی مختل شده‌اند و دروس را به‌کلی یاد نمی‌گیرم و توفیق خواندن رفته است، چه کار کنم؟)

السلام علیکم و رحمة اللّه و برکاته؛ امابعد:

نامهٔ شما رسید و ملاحظه شد و موجب شادمانی گردید. خداوند کریم من و شما را حفظ فرموده و به خدمات دین و به عرفان صحیح موفق و از فیوضات خواجگان قدّس‌اللّه‌اسرارهم بهره عطا فرماید.

عزیزم! حالات محبت که با منابع محبوبین الهی دارید، بزرگترین سرمایهٔ مؤمن است که در [این مژدهٔ الهی که:] **﴿وَحَسُنَ أُوْلَٰٓئِكَ رَفِيقًا﴾ وقوله صلی‌الله‌علیه‌وسلم: «المرءُ مع من أحبّ» وایضاً: «الحبُّ فی اللّه والبغضُ فی اللّه شَطرُ الإیمان»** داخل است، شکر خدا را ادا کنید. این نعمتی است که اگر بر سر هر مو زبان باشد، تا هم شکر این نعمت ادا نمی‌شود.

خواب‌هایی‌که دیده‌اید، همه مبارک‌اند. خداوند کریم این مبشّرات مبارک را زیاده گرداند، اما به آن‌ها دلبسته نشوید و هدف اصلی قرار ندهید؛ زیرا هدف اصلی و دلبستگی محبت، ذکر اللّه و اتباع سنت را زیباست نه دیگر چیزها.

چو غلام آفتابم همه ز آفتاب گویم

نه شبم نه شب‌پرستم که حدیث خواب گویم

خواندن اذکار امام غزالی اگر در یک جلسه باشند، بهتر و الا در مجالس مختلفه نیز اشکال ندارند.

چون‌که جنبهٔ عرفانی شما در عروج و حاکم است، از این وجه جنبهٔ علم و حافظه کم معلوم می‌شود، ولی خیر است پریشان نشوید.

۲۲ ربیع‌الثانی ـ ۱۴۲۲ هـ. ق.

مکتوب ۱۱۳۷

در تصحیح نیت در تعلیمات دنیوی و راهنمایی به دعای برآورده شدن حاجات

(نوشته بود: اکنون به عنوان حق التدریس در آموزش و پرورش همکاری دارم و نامه‌ای جهت تقاضای رسمیت به رئیس جمهور نوشته‌ام، ولی با توجه به این‌که دعا در قضا تأثیر دارد و با ایمان و معنویتی‌که در شما سراغ دارم، تمنا دارم که دست به دعا بردارید تا به موافقت برسد و نیز برای این‌که به عنوان یک فرزند از شما پدر عزیز یادگاری در این منطقه داشته باشم، دعایی به من هدیه کنید که با خواندن آن هر در بسته به رویم باز شود و هر مشکل و حاجت من برآورده شود).

وعلیکم السلام و رحمة اللّه و برکاته؛ امابعد:

خداوند کریم سما را حفظ فرموده و موفق گرداند.

در همین ادارهٔ مذکور نیت خود را خدمت به فرزندان اسلام و ملت مسلمین کنید تا به شما اجری نزد خداوند کریم باشد.

حسن ظنّ شما بندگان صالح است در حق این بی‌مایه وگرنه بنده از معنویت خالی هستم، ولی باز هم با این زبان آلود إن‌شاء اللّه تعالی دعا می‌کنم خداوند قبولش فرماید.

این دعا برای هر مشکل مجرّب است: اول آن را تا دوازده روز ساعت‌های ۷ یا ۸ یا ۹ صبح، بعد از دو رکعت نماز بخوانید و اول و آخرش ده بار درود شریف هم بخوانید تا ۱۲ روز. روزانه ۱۲۰۰ بار بخوانید و بعد از تمام شدن ۱۲ روز، روزانه سیصد بار به این طور بحوانید که بعد از نماز صبح صد بار، بعد از عصر صد بار و بعد از عشاء صد بار. دعا این‌ست: **«یا بدیع العجائب بالخیر یابدیع»**. زمانی‌که برای حاجت روایی پیش شخصی می‌روی، آن‌را بخوانید تا

نزد آن شخص برسید و در روبروی او آهسته بخوانید.

۲۷ ربیع‌الثانی ـ ۱۴۲۲ هـ . ق .

مکتوب ۱۱۳۸

در جواب فردی در ترغیب به کثرت ذکر

(نوشته بود: بنده قبلاً در یاد خدا و رسول بودم و غفلت چندانی نداشتم، ولی چند مدت است در

اعمال سست شده و بی‌فکر و بی‌درد شده‌ام. قبلاً درد و عشق رسول‌الله ﷺ در دل داشتم و در یاد ایشان و امتش گریه می‌کردم. برایم دعا کنید تا خداوند مرا به هدف بزرگِ پیشبرد دین اسلام برساند و انسان واقعی باشم و استعدادم از بین نرود. دیگر این‌که ضعف ذهنی و لکنت زبان دارم و نمی‌توانم چیزی بگویم و وقتی می‌خواهم چیزی بگویم، قفل می‌شوم).

وعلیکم السلام و رحمة اللّٰه و برکاته؛ امابعد:

شما در ذکر سستی نکنید، إن‌شاء اللّٰه همان ذوق و شوق قبلی دو مرتبه رخ می‌دهد. بنده شما این دو نفر؛ امداداللّٰه و جنابعالی را در قلب خود خیلی دوست دارم. در تزکیۀ نفس کوتاهی نکنید، امید است که روزی چیزی خواهید شد؛ به‌قول سعدی علیه‌الرحمة:

«**ای مردان بکوشید تا جامۀ زنان نپوشید**»

و به قول عارف رومی رحمه الله:

اندرین ره می تراش و می خراش	**تا دم آخر دمی غافل مباش**
در بهاران کی شود سرسبز سنگ	**خاک شو تا گل بروید رنگ رنگ**
تا نبارد ابر کی خندد چمن	**گر نگرید طفل کی جوشد لبن**

در حضرت ذوالجلال همیشه در عجز و نیاز باشید و ذکر اللّٰه را ادامه دهید و عشق و محبت شیخ را در قلب خود جا دهید.

ضعف ذهن و دیگر نواقص جسمانی چیزی مهم نیستند. روزی این همه برطرف خواهند شد فقط کار خود را ادامه داده و استقامت را از دست ندهید. به قول مولای روم رحمه الله:

چشم بند و گوش بند و لب ببند　　گـر نبینی سرّ حـق بـر مـا بخند

به امداد اللّه سلام عرض است.

۷ جمادی‌الأول ـ ۱۴۲۲ هـ. ق.

مکتوب ۱۱۳۹
در تعبیر خواب شخصی

(بنده خواب دیدم در مدرسه فقط حضرات مدرسین بودند و درس می‌دادند من از وجود شما پرسیدم گفتند: وفات شده‌ای، درحال حواسم پرت شد. بعد روانهٔ قبر شدم و دعایی خواندم جلوتر رفتم دیدم درب اتاقی باز است و شما نشسته‌اید و پیراهن را درآورده‌اید. مدتی بعد دوباره شما را دیدم و به یاد همان خواب افتادم نزد شما آمدم به من پول دادید و گفتید برو روغن ۱۷ کیلویی بگیر در همین حین کسی به من گفت آن خواب که دیده‌ای در حق حضرت یحیی علیه‌السلام بوده که کنار گنبد خضراء را خراب کرده و می‌خواهند او را از جای خود بیرون آورده و به نزد پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وسلم دفن کنند).

جناب مولوی حملی صاحب! وعلیکم السلام و رحمة اللّه و برکاته؛ امابعد:

فوت منامی، فوت عادی و طبعی نیست. تعبیر خواب فوت عالم یا شیخ طریقت، اشاره بـه یکی از این سه امر ذیل می‌باشد:

۱ـ این‌که طلبه و مریدین او از وجود او چنان استفادهٔ کامل که مناسب حال اوست، نبـرده اند بلکه ناقص مانده‌اند و تعلیمات و انوار او را شاید و باید به خلق خدا نرسانده‌اند. پس، گویا تا حال وجود او معناً مرده شمار است.

۲ـ از جانب سوء آداب طلبه و مریدین، به او غم و ناراحتی می‌رسد و ایـن یکنـوع مـرگ معنوی‌ست.

۳ـ همان عالم به متاع‌های دنیوی تمایل دارد و از فکر آخرت دور افتاده است.

پس به حال احقر همین مورد اخیر مناسب معلوم می‌شود که الآن خیلی به دنیا متوجه شده و حبّ آن در دل اثر کرده است. از داد و ستد و پول و روغن هم همین معنا بر می‌آیـد. قصـهٔ یحیی علیه‌السلام اشاره به این است که سنت نبی کریم صلی‌الله‌علیه‌وسلم که حیات دارد، الآن به علت

وُفور فِتَن و بدعات روز به روز در تخریب و فرو رفتن است. **لاحول ولا قوة الا باللّه العظیم، إنا للّه وإنا الیه راجعون واللّه أعلم.**

۷ جمادی‌الأول ـ ۱۴۲۲ هـ. ق.

مکتوب ۱۱۴۰

در جواب به مشورهٔ فردی در ترجیح تحصیل علم بر تحصیل سلوک

(تا به‌حال چند نامه ارسال داشته‌ام، ولی همه بی‌جواب مانده‌اند تا این‌که چندی پیش احضار شدم و از ارسال نامه به‌آن نواحی سؤال شدم لذا از ارسال نامه پرهیز کردم الآن با یکی از دوستان این نامه را فرستادم تا اگر اوامری باشد، به آدرس ایشان در زاهدان بفرست. مدتی است مشغول تحصیل علوم دینی هستم و بنابر کمی وقت، اذکار و اوراد کاملاً انجام نمی‌گیرد. از این رو رذایل اخلاقی عود کرده و حالات وکیفیاتی‌که در قبل بود؛ از قبیل لذت عبادت و شوق ذکر و... گم شده‌اند لذا گاهی چنان می‌شود که از ادامهٔ آن انصراف دهم و مدتی قبل در این مورد استخاره هم نمودم، در خواب دیدم که شخصی جعبه‌ای‌که در دست داشت و تعدادی کُتُب نمایان بود، به من داد روی یکی نوشته بود «سیوطی» وگفت: بخوان. یکبار دیگر هم دیدم که سر قبر شیخ محمدباقر رحمه‌الله یکی از اولیای منطقه و یکی از خلفای مولانا خالد کردی رحمه‌الله بودم. خوشحال شدم که الحمد لله علوم شرعی را به پایان رسانده‌ام و حالا وقت آن است که به امر سلوک بپردازم. از قبله باد ملایمی وزیدن گرفت و یکنوع بی‌حسی طاری شد گفتم سبحان الله دخان که می‌گویند، همین است و سه بار لفظ جلاله را و بعد محمد رسول‌الله (صلی‌الله‌علیه‌وسلم) گفتم و جان دادم و باز بیدار شدم. به هرحال سر درگم هستم گاهی می‌گویم علم بخوانم و بعد از فراغت سلوک کنم ولی می‌ترسم عمر وفا نکند. بفرمایید چه‌کار کنم؟).

عزیز محترم! وعلیکم السلام و رحمة اللّه و برکاته؛ امابعد:

خداوند کریم شما را سالم دارد، حال بنده بد نیست.

عزیزم! هیچ نامه‌ای از شما نیامده، مگر این‌که جواب آن‌ها را بـه همـان زودی فرسـتاده‌ام؛ چنان‌که نقل همه نزد بنده موجود است. اما علت نرسیدن آن‌ها همان است که نوشته‌اید؛ چون در آن‌ها اسم بنده تصریح بوده است، آقایان آن‌ها را بررسی کرده و ضـایع نمـوده‌انـد. باشـد آینده توسط دستی به افراد طلبه فرستاده می‌شود إن‌شاء اللّه. حالا محل گلایه نمانده است.

عزیزم! خیلی خوشحال شدم که به تحصیل علوم دینی مشغول شده‌اید. عزیزم مشورهٔ بنده این است که بالقصد به تحصیل علوم دینی به نیت خیر مشغول و ضمناً در عرفان هم مشغول باشید که یواش یواش هر دو همدوش می گردند؛ زیرا نسبت خواجگان ارتباط کامل با شرع و سنت دارد؛ گرچه از کثرت اشتغال علمی، تا حدودی اشعهٔ نسبت خاموش می گردد و حِدّتش توقف پیدا می کند، اما بعد از إکمال تحصیلات، یکپارچه بارز گردیده و جلوهٔ خود را نمایان می کند و اگر جلوتر مرگ آید، محل تأسف نیست که به شهادت تحصیل علم نایل می‌شویم.

اخلاق رذیله کاملاً عود نمی کنند البته جلوه‌نمایی حظّ نفس و شیطان بارز می گردد؛ اما محکوماً، لا حاکماً و هر دو خواب شما مبارک و یکنوع تشویق و ترغیب‌اند به تحصیل علم شرع.

مزید التماس دعا دارم و به هر دو کار خود کوتاهی نکنید.

۱۱ جمادی‌الأول ـ ۱۴۲۲ هـ. ق.

مکتوب ۱۱۴۱

به شخصی در مورد ترغیب به تبلیغ و دعوت و...

(۱. نوشته بود: می‌خواهم کار دعوت و تبلیغ را بر راه حجاب که خانواده‌ام و خویشاوندان برآن مشکل دارند، انجام دهم و بنده دعوت هم می‌دهم، اما کار من بی‌ثمر است و به سخنان من گوش نمی‌دهند، از شما راهنمایی می‌خواهم، ۲. هرچه می‌خواهم شوق گناه از دلم بیرون رود، نمی‌رود، راهنمایی می‌خواهم، ۳. در خواب می‌ترسم و دهانم بسته می‌شود از شما تعویذی می‌خواهم).

وعلیکم السلام و رحمة اللّٰه و برکاته؛ امابعد:

عزیزم! در بارهٔ دعوت شرط نیست که حتماً مؤثر باشد شما فقط تبلیغ و دعوت را به بندگان برسانید. رساندن، وظیفهٔ شما و مؤثر کردن، کار خداوند کریم است و اگر مؤثر هم نشود، به شما اجر کامل می‌رسد و مسئولیت از شما دور می‌شود. به ملایمت و نرمی و تبشیر دعوت دهید نه به تندی و خشونت.

۲ـ از کثرت ذکر اللّٰه و تلاوت قرآن شوق و میل گناه کم می گردد.

۳ـ تعویذ را بگذار، وقت خواب سه بار آیهٔ کرسی و دو آیهٔ آخر سورهٔ بقره و سه آیهٔ اولین

سورهٔ حم مؤمن و سه آیهٔ اخیر سورهٔ حشر و چهار قل را بخوانید و بر هر دو کف دم زده و بر تمام بدن بمالید، ترس هم می‌رود و ذهن هم کشاده می‌گردد.

۱۲ جمادی‌الأول ـ ۱۴۲۲ هـ. ق .

مکتوب ۱۱۴۲

در تعبیر خواب شخصی

(نوشته بود: بنده یکی از مریدان و خادمان شما هستم و اول سال بیعت گرفتم. یک شب خواب دیدم که با مولوی عبدالحمید سیریازهی بالای کوهی رفتیم یک حوض پر از آب زلال بود و یک حرف به‌شکل «ء» (همزه) طلا رنگ پیدا کردم و آن‌را برداشتم و به مولوی گفتم ببین قدرت خدا را و بعد گفتم: آیا با این می‌توان «الله» نوشت؟ گفت: خیر و آن‌را داخل کاغذی سفید گذاشت و گفت آن را داخل جیب نگهدار گفتم چشم).

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد: موفق باشید خداوند کریم به بندگی‌اش قبول فرماید. خواب شما خیلی مبارک است این کوه، کوه عرفان و حوض پر از آب زلال، فیض عرفانی بودند، همزه حرف اول لفظ «الله» است. این همزه به همین اسم گرامی اشاره بود و شما را متوجه کردند که قدر این را بدانید که در حقیقت طلای عرفانی و خزانهٔ آن از همین اسم مبارک حاصل می‌شود و مولوی عبدالحمید شما را تأکید کرد که آن را محفوظ کنید و ادامه دهید که به برکت آن هر مشکل حل می‌گردد. مزید التماس دعا دارم.

۱۲ جمادی‌الأول ـ ۱۴۲۲ هـ. ق .

مکتوب ۱۱۴۳

به شخصی درمورد لذت ذکر و روش آن و...

(سلامٌ علیک؛ امابعد: یک ماه است بیعت کرده‌ام و الحمد لله بر ذکری که گفته‌اید تقریباً پایبندم، ولی وقت ذکر گاهی لذت وگاهی نفرت حاصل می‌شود. دلیل این امر چیست؟ و آیا هنگام ذکر زبان را تکان بدهم یا نه؟ در آخر درخواست دعا و استقامت برای خودم و برای تمام امت دارم).

وعلیکم السلام و رحمة اللّه و برکاته؛ امابعد:

نامۀ شما رسید و ملاحظه شد، اما ادب نوشتن از شما فوت شده بود. باید بنویسی «السلام علیکم و رحمة اللّه» نه تنها «سلامٌ علیکم». به این لفظ نه در قرآن چیزی هست و نه در حدیث بلکه این سلام مردگان است نه زندگان آینده احتیاط کنید.[1]

زمانی‌که از ذکر لذت می‌آید، روح و دل متأثر می‌شود و نفس غلبه می‌کند ولی این امر اشکال ندارد، خسته نشوید و زبان را تکان ندهید بلکه به خیال قلب ذکر کنید. موفق باشید.

۱۲ جمادی‌الأول ـ ۱۴۲۲ هـ. ق.

مکتوب ۱۱۴۴

درمورد بیعت غایبانه و راهنمایی آن

(من یکی از شاگردان مکتب در رمشک هستم و قبلاً هم قرآن خوانده بودم، ولی زیاد شوق دین نداشتم. الآن الحمد لله شیخ‌الإسلام علما فرستاده است و من کتاب می‌خوانم و هم به امر استاد درس می‌دهم. شاگردانی را که در مدرسۀ شما درس می‌خوانند، دوست دارم چون جای تصوّف است و شوق دیدار شما در دلم پیدا شده تا از نزدیک طریقه بگیرم ولی افسوس که نمی‌توانم لذا راهنمایی فرمایید).

وعلیکم السلام و رحمة اللّه و برکاته؛ امابعد:

نامۀ شما رسید و ملاحظه شد. خداوند کریم شوق دین و شوق علم و علماء را در دل‌های شما جایگزین فرماید.

طریق بیعت غایبانه چنین‌ست: شبی بعد از خواندن نماز عشاء بر جای نماز خود رو به قبله نشسته و یک بار کلمۀ طیبه و یک بار کلمۀ شهادت و یک بار کلمۀ استغفار بخوانید و بعد بگویید: بیعت کردم با «محمّدعُمر» در طریقۀ نقشبندیه مجددیه. بعد از آن سیصد بار لفظ «اللّه»

۱- در این مورد محقق آن‌ست که حضرت مرشد گرامی رحمه الله در تفسیر «تبیین‌الفرقان» ۴۹۱/۱۲ (سورۀ هود) نوشته است که افضل و روش درست و سنت پیامبر اسلام ﷺ در سلام دادن «السلام علیکم» (به‌صورت معرفه) است و «سلامٌ علیکم» (به‌صورت نکره) نیز جایز است. بنابر این، هدف از نپسندیدن این روش سلام در این‌جا، همان روش خلاف افضل و خلاف سنت می‌باشد.

را بگویید و در وقت گفتنش خیال را به زیر پستان چپ به فاصلهٔ دو انگشت متوجه کنید که دل همین‌جا است و این (درس و لطیفه) را «لطیفهٔ قلب» گویند و بعد دعا کنید. پس از آن همین ذکر را بعد از هر نماز همین مقدار انجام دهید.

۱۴ جمادی‌الأول ـ ۱۴۲۲ هـ. ق.

مکتوب ۱۱۴۵

درمورد ترغیب به همکاری با علما در امور مدارس وغیره

(ضمن عرض سلام وآرزوی موفقیت آن‌حضرت که به‌حق یک از قطب‌های علمی بلوچستان و یکی از بزرگترین عالمان و خادمان دین هستید که با اشاعهٔ علم دین از طریق کتب و تربیت شاگردان که واقعاً الگو هستند، خدمت بسیار بزرگی به دین و جامعهٔ اهل‌سنت می‌باشد و این برای کل مسلمانان جای بسی مسرّت و قابل تقدیر می‌باشد که زبان در این خصوص قاصر است بلکه ورد زبان ما این‌ست که «جزاکم الله خیراً فی الدارین». به‌برکت دعای شما و به همت و اخلاص شیخ الإسلام منطقهٔ ما رمشک که جولانگاه بدعات و شرک بود، الآن مرکز فراگیری علوم دینی در قالب یک مکتبخانه قرار گرفته است که اثرات آن بسیار چشم‌گیر و قابل تحسین است که من به نوبهٔ خود و به نمایندگی از مردم از زحمات علما و نیز از طلاب ما در آن مدرسه و مرکز تقدیر و تشکر می‌کنم. به امید توفیق روز افزون علمای دین در سطح دنیا وگسترش اسلام و قرار گفتن سیرهٔ نبوی به‌عنوان الگوی کل مردم جهان و تقاضا دارم که در پیشرفت این مکتب ما را راهنمایی و نصیحت فرمایید).

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

نامهٔ شما رسید و ملاحظه شد و موجب شادمانی گردید. خداوند کریم شما را حفظ و به خدمت اسلام و مسلمین سرگرم فرماید. عزیزم! تمجیدات و تحسیناتی که در حق بنده کرده‌اید، این فقط حسن ظنّ محترمان است وگرنه بنده آنم که خود دانم.

طاووس را به نقش و نگاری که هست خلق

تحسین کنند او خجل از پای زشت خویش

خداوند کریم اگر حسن ظنّ مسلمانان را در حق احقر صحیح گرداند، صد در صد

امیدوار می‌باشم و از یادآوری آن جناب خیلی تشکر می‌کنم. خداوند کریم شیخ الاسلام و فرزندان محترم مولوی نعمت الله و مولوی عبدالخالق را جزای خیر عطا فرموده و مزید موفق گرداند و جذبهٔ خدمت به اسلام و مسلمین را در سینهٔ پر نور ایشان مرکوز فرماید.

از شما محترمان و سران و ریش سفیدان منطقه تقاضا می‌شود که به همکاری و مساعدت این بزرگواران؛ جانی باشد یا مالی دریغ نفرمایید که همکاری با ایشان نزد خداوند کریم ارزش و اجری خیلی بزرگ دارد و از صدها جهاد فی سبیل الله افضل است. همین طور با گروه تبلیغ همکاری فرمایند که نهضت آرام اسلامی و فاتح بی‌صدا در عالم اسلامی است. جزاکم الله خیر الجزاء. احقر دعاگوی شما همه هستم.

دعاگوی شما محمّدعُمر مجددی غفرله

۱۵ جمادی‌الأول ـ ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۱۴۶

درمورد ترغیب به خدمت علم و عمل

(بنده از طرف حوزهٔ علمیه زاهدان و جزو فارغ‌التحصیلان آن اعزام به منطقهٔ... و مشغول تعلیم احکام می‌باشم و سال گذشته به همراه طلاب دورهٔ حدیث به عنوان یکی از شُرکای دوره به خدمت شما آمدیم و اجازهٔ حدیث و بیعت گرفتیم. من گاهی در این زمینه ضعیف می‌شوم، اما قرآن که ذکر است به استثنای این ذکر بزرگ، آن بیعت چگونه ادامه پیدا کند؟ ما را راهنمایی بفرمایید و از نصایح خود محروم نگردانید و این شاگرد و این منطقه و مدرسه از دعاهای خیر فراموش نشود).

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

نامهٔ شما رسید و ملاحظه گردید. خداوند کریم به خدمت دین موفق و به خدمت علم و عمل سرگرم فرماید. خدمت علم و إفشای تعلیم قرآن در آن مناطق محروم، نزد خداوند کریم خیلی ارزشمند است که از صدها جهاد فی سبیل الله افضل است.

آری! نور علم موقوف به عمل و اخلاص است و عمل و اخلاص از نتایج و ثمرات کثرت ذکر الله است. باید به ذکری که حاصل کرده‌اید، ادامه دهید و کثرت ذکر، خود ادامهٔ بیعت است.

طریق کار در آن مناطق محروم، به نرمی و ملایمت و تشویق و تبشیر است و از صبر و توکل و اعتماد و یقین کار گیرید، إنشاء الله راه حلّی میّسر می گردد. مزید التماس دعا دارم.

۱۵ جمادی‌الأول ـ ۱۴۲۲ هـ.ق .

مکتوب ۱۱۴۷

در ترغیب به ذکر و مراقبات وغیره

(امیدوارم از دعاهای پرفیض و توجهات شما بی‌نصیب نباشم. بنده خواب دیدم در مدینه منوره می‌باشم و الحاج ملا اسدالله، مهاجر افغانی که در آن‌جا است، مرا دعوت نموده... بعد ندای اذان را شنیدم و مولانا عبدالحمید دیده شد. در خواب دیگری دیدم در جمع علماء نشسته‌ام و مولانا عبدالحمید هم قرار داشت و از من پرسید از کجای افغانستان هستی؟ گفتم: از «کشم». فرمود: شخصی در آن‌جا از جملهٔ اولیاء می‌باشد. بعداً در حین صحبت و رفتن به مسجد نظرم به شخصی افتاد که سوء قصد به مولانا داشت. او و سلاح او را گرفته و تحویل محافظان مولانا دادم. خواب دیدم در یک کوه بسیار بلند صدای بسیار تند شنیدم گفتم قیامت برپا شده است و سنگ‌ها سرازیر شدند...).

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

نامهٔ شما رسید و ملاحظه شد. خداوند کریم به خدمت دین مبین و فرزندان اسلام و مسلمین توفیق مزید عطاء فرماید. در راه ذکر و مراقبات و ادامهٔ لطایف سرگرم باشید وکوتاهی نکنید. بکوشید تا چیزی بشوید و به جایی برسید.

گوی توفیق و سعادت در میان افگنده اند

تا به میدان که در آید پس سواران را چه شد

خداوند کریم به جنابعالی استعداد علم و عرفان عطاء فرموده است، فقط کار بستن این استعداد را حواله به شما فرموده است.

ما شیر و میِ عشق تو با هم خوردیم — با عشق تو در طفولیت خو کردیم

نی نی غلطم چه جای این است که ما — با عشق تو در ازل به هم پروردیم

با خود منشین که همنشین رهزن توست — وز خویش ببُر که آفت تو تن توست

گفتی که ز من بدو مسافت چند است ای دوست ز تو بدو مسافت من توست

خواب‌های شما مبارک‌اند موفق باشید، اما بدانید که خواب‌ها وغیره فقط تشریفات راه‌اند نه مقاصد اصلی. بکوشید تا هرچه ببینید، به عین الیقین ببینید نه به علم الیقین و رویاها. خواجهٔ بزرگ حضرت مجدد الف ثانی رحمه‌الله فرمودند:

چو غلام آفتابم همه ز آفتاب گویم
نه شبم نه شب‌پرستم که حدیث خواب گویم

به قول سعدی رحمه‌الله:

دوست نزدیکتر از من به من است ولی عجب‌تر که من از وی دورم

سعی کنیم تا نزدیکتر شویم. مزید التماس دعا دارم.

۱۴ جمادی‌الأول ـ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۱۴۸

در مورد عدم دلبستگی به کشف و کرامات وغیره

(امیدوارم خداوند متعال خاتمهٔ ما و شما را به خیر گرداند. الحمد لله کشف من تمام شده و الآن فقط استقامت مانده است، اما این همه از دو راه به من رسیده است یکی صحبت شما و دوم در راه جماعت تبلیغ. و اما حالات تفصیلی: ۱. دیدن تجلّی رحمت الله تعالی و حرف زدن مرغ‌ها تا سه بار که با گوش‌هایم شنیدم، ۲. دشمن شدن شیطان با بنده، ۳. دیدن فرشتگان به شکل انسان و به شکل نور، ۴. بوی گناهان بندگان را احساس می‌کنم و ظاهر شدن حقیقت انسان‌ها (دعا کنید خداوند این حالات را عوض کند)، ۵. الآن رحمت الله تعالی را می‌بینم، ۶. فی‌الحال نفس مرا از شیطان خیلی می‌ترساند و در شب حمله می‌کند. یکبار به شکل انسانی ظاهر شد و سلام گفت. من فوراً متوجه الله شدم، غایب شد، ۷. شب وقت نماز به شکل دختری درکنارم ایستاد، لاحول را خواندم، غایب شد، ۸. یک شب وقت خواب کنارم ایستاد، لاحول خواندم، یک صدا داد و نرفت بعد سبحان الله وبحمده را خواندم فرار کرد، ۹. دومرتبه مارهای جهنمی را دیده‌ام، ۱۰. دیدم ماه در کلّینک افتاده است، ۱۱. یک شب بعد از تهجد نام «الله» را در آسمان دیدم، ۱۲. نفس و شیطان القاء کردند که معراج رسول‌الله با جسم اطهرش نبوده است و شک انداختند. جواب از طرف الله تعالی چنین آمد: شما در ماه شعبان تشریف آورده بودید و آن روز شما را ملاقات کرده بودم و در شب روی مصلی

نشسته بودم و درود خواندم وگویا پرواز کردم، لاحول و درود خواندم. هر درودی‌که می‌خواندم، کم‌کم پرواز می‌کردم تا نزدیک ماه و ترسیدم حیله‌ای از شیطان نباشد. دعا کردم بلندتر نروم چنان‌چه فوراً روی مصلای خود رسیدم (در حقیقت از صحبت شما درجهٔ من بلند شد و شیطان و نفس حسد کردند و مرا در شک انداختند)، ۱۲. نفس و شیطان گفتند تو هر چیز الله را می بینی پس خود ذات او را نمی‌بینی لاحول گفتم و جواب دادم درد و روح در بدن هست، ولی دیده نمی‌شود. بعداً نه در خواب و نه درحالت بیداری بودم از طرف الله جواب آمد که من بی‌چون و چگونه و بی‌صدا هستم. بعد دیدم دروازهٔ مرکز جماعت تبلیغ تا مزرعه آمده که فاصله تقریباً ۱۰کیلومتر است و تعبیر دروازهٔ مرکز این‌است که الله تعالی فرمود: اگر مرا می‌خواهید این دروازه را ترک نکن. امیدوارم شاگردان را خوب تشویق کن به جماعت، ۱۳. حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وسلم را در حالت بیداری در ذکر دیدم و... و... .

از احقر لاشیء محمّدعمر مجددی خدمت محترم سمّیی! السلام علیکم و رحمة اللّه و برکاته؛ امابعد: خداوند کریم شما را حفظ فرموده و موفق گرداند.

عزیزم! در راه سلوک، احوال همیشه در تغییر می‌باشند. فقط مقامات متغیر نمی‌شوند. احوال، تلونات‌اند؛ هر زمانی به رنگی دیگر در می‌آیند؛ گاهی صحو، گاهی محو، گاهی بسط، گاهی قبض، گاهی کشف، گاهی استتار و... شما با کشفیات مناسبت کامل دارید، اما با این‌ها دلبسته نگردید و از نبودن آن دل‌خسته هم نشوید؛ چراکه این‌ها هدف اصلی نیستند، می‌آیند و می‌روند. هدف اصلی، دوام ذکر و طلب رضای مولاست. این حالات و مکاشفات شما همه خوب و یک نوع تشویق‌اند، اما دلبستگی را نشایند.

دیگر خواب‌ها و مکاشفات و احوال هم خوب‌اند، اما هدف اصلی نیستند. کاملان نقشبندیه، این‌ها را به جَوز و مویز اطفال تشبیه می‌دهند. اسم ذات اللّه را که به آن اشکال مختلف دیدید، صحیح (است و) در سریانی و عبرانی همین‌طور نوشته می‌شود. **اللهم زد فزد.** مزید التماس دعا دارم.

۱۶ جمادی‌الأول ـ۱۴۲۲ هـ.ق .

مکتوب ۱۱۴۹

در راهنمایی فردی به ادامۀ و از سرگیری ذکر بعد از ترک

(نوشته بود: با شما بیعت کرده‌ام و ذکر هم کردم، اما از من گناه سرزد شده و توبه هم کردم، آیا راهی برایم هست که دوباره ذکر کنم؟ می‌خواهم مرا راهنمایی کنید. و وقتی ذکر می‌کنم، بر دلم نمی‌چسپد برایم دعا کنید).

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

خداوند کریم به ذکر خود موفق گرداند.

انسان جایز الخطاء است و حتماً از او گناه سرزد می‌شود، اما بهترین انسان آن است که چون از او گناه سرزد شود، زود توبه کند. راه شما همان ادامۀ ذکر است. ذکر، از گناه کم نور می‌شود، ولی از دل بیرون نمی‌رود و اگر ذکر بر دل بچسپد یا نچسپد، (شخص) باید ذکر بکند که به هرحال اجر و نور دارد. بزدل و سست نشوید و ذکر را ادامه دهید، کامیابی در ذکر است.

۱۶ جمادی‌الأول ـ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۱۵۰

در تعبیر خواب و توجیه حدیثی و پاسخ به یک سؤال

(نوشته بود: یک شب حضرت حکیم‌الأمت رحمه‌الله را در خواب دیدم که در جای بلندی ایستاده بود و مردم به ملاقات وی می‌آمدند. من هرچه می‌خواستم دست‌شان را ببوسم، نتوانستم، ۱. لطفاً این حدیث را برایم توضیح دهید: «ورد فی الحدیث: رقص جعفر بن‌ابی‌طالب بین یدی النبی صلی‌الله‌علیه وسلم لما قال: أشبهتَ خلقی وخلقی» (الحاوی للفتاوی)، ۲. بعضی در شب یا روز جمعه حلقه می‌بندند و ذکر بالجهر می‌کنند و اگر در نماز و... باشند وکوچکترین صدایی بشنوند، می‌پرند، آیا ذکر بالجهر صحیح است؟).

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد: خداوند کریم شما را موفق گرداند.

خوابی که در آن حضرت حکیم الامت را دیده‌اید، خیلی مبارک است. دیدن علماء و اولیاء در خواب، نعمتی از نعمت‌های خداوند کریم است، شکر خدا را ادا کنید. ما و شما

کوشش کنیم تا به اتباع ایشان برویم و از جادهٔ شان منحرف نگردیم.

۱ـ این حدیث به این الفاظ صحیح نیست و نزد بعضی موضوع است و استدلال از آن صحیح هم نیست.

۲ـ ذکر بالجهر اگر در حد ادنا یا متوسط باشد، جواز دارد و اگر مبالغه و به تندی باشد و به اختیار خود چنین کند، خوب نیست و اگر بی‌اختیار آواز بلند شد، اشکال ندارد.

۱۶ جمادی‌الأول ـ ۱۴۲۲ هـ. ق.

مکتوب ۱۱۵۱

در تعبیر خواب شخصی

(بنده مدرس مدرسهٔ ... و یکی از مریدان شما می‌باشم و آرزو داشتم خدمت شما بیایم، ولی بنابه مشکلاتی نتوانستم معاف بفرمایید. شبی خواب دیدم سرباز آمده بودم. کنار مدرسه رودخانه‌ای پر از آب و داخل آب ماهی بود من چند تا ماهی گرفتم و به خدمت شما آوردم. بعد در مورد خواندن سورهٔ جنّ یا قسم دادن جنّی از شما اجازه خواستم، اجازه ندادید ولی با اصرار زیاد اجازه دادید. تعبیر این خواب چیست؟ وآیا اجازه دارم بر سر جنّی بخوانم).

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

خداوند کریم به خدمت دین با اخلاص و استقامت موفق و از آفات و بلیات حفظ فرماید.

خواب شما مبارک است. پر از آب بودن رودخانه، فیض علم و قرآن بود و گرفتن ماهی از آن، حصول نور و فیض علم است.

به آن‌چه اجازه خواسته‌اید، اجازه دارید، اما تقوٰی و اتباع سنت را لازم گیرید. مزید التماس دعا دارم.

۱۷ جمادی‌الأول ـ ۱۴۲۲ هـ. ق.

مکتوب ۱۱۵۲

در تعبیر خواب فردی و...

(۱. یک تن از شاگردان پیش من مشکات می‌خواند، یک شب ام‌هانی رضی‌الله‌عنها را در خواب می‌بیند که برایش حدیث تعلیم می‌دهد، ۲. خواب دیدم من و برادرم نزد شما به قصد بیعت و تجدید آمدیم، ۳. یک مؤذن اذانش اشتباه است و فردی دیگر خوب تلفظ می‌کند و تقوٰی هم دارد، ولی مردم او را قبول ندارند، از این دو نفر کدام یکی اذان بدهد؟)

وعلیکم السلام و رحمة اللّه و برکاته؛ امابعد:

خداوند کریم شما را حفظ و موفق فرماید.

۱ـ خواب آن شاگرد مبارک است.

۲ـ خواب خود شما هم خوابی مبارک است.

۳ـ در این صورت مردم بد می‌کنند، صاحب تقوٰی احق است از آن دیگر.

عزیزم! به خدمت دین مبین سعی کرده باشید که بزرگترین عمل در این زمان تعلیم و تبلیغ است و خود را در اوقات فراغت به ذکر و فکر نیز مشغول دارید. مزید التماس دعا دارم.

۱۷ جمادی‌الأول ـ ۱۴۲۲ هـ. ق.

مکتوب ۱۱۵۳

در مورد ادب نامه نوشتن و تعبیر خواب و...

(نوشته بود: بسم الله مجرِیها ومرسها. بنده سوادم در حد ابتدایی است و مردم روستا از من تعویذ می‌گیرند، تقاضای راهنمایی دارم. شبی حضرت علی رضی‌الله‌عنه را در خواب دیدم با لباس سفید و یک گله گوسفند و چوب بزرگی در دست داشت من رفتم ایشان را بوسیدم و چوب خود را به من داد گفتم نمی‌توانم چوب بزرگ شما را بگیرم فرمود: سنگین نیست وقتی از ایشان گرفتم سبک بود).

وعلیکم السلام و رحمة اللّه و برکاته؛ امابعد:

خداوند کریم شما را موفق و مشکلات را دور گرداند.

عزیزم! در ابتدای نامه «**بسم اللّه الرحمن الرحیم**» تحریر شود. نوشتن «**بسم اللّه مجریها و**

مرسها» ثابت نیست.

تعویذ به طریق شرعی بدهید، بدون طریق شرعی تعویذ دادن روا نیست.

خواب دیدن حضرت سیدنا مرتضی رضی‌الله‌عنه و تبدیل عصا خیلی مبارک است. تعبیرش این‌ست که ایشان مرجع دایرهٔ ولایت‌اند پس دادن عصا، اشاره به دادن نسبت ولایت است موفق باشید.

الآن برای تحصیل علم و عمل و اخلاص و تقویٰ و اتباع سنت سعی کرده باشید تا به برکت آن‌ها چیزی بشوی.

۱۷ جمادی‌الأول ـ ۱۴۲۲ هـ. ق.

مکتوب ۱۱۵۴

در جواب فردی در مورد عملیات و تسخیر اجنّه

(نوشته بود: بنده مدت ۱۲ سال است که همسرم فوت کرده و در این مدت هرنوع سختی و مشکلات را داشته‌ام و پیش هر ملا که رفته‌ام، به من دستوری می‌دادند و نتیجه‌ای نگرفته‌ام. می‌خواهم ترک دنیا کنم و با جنات رابطه داشته باشم و پیش هر ملا می‌روم، می‌گویند پیش مولانا محمّدعمر (رحمه‌الله) برو که رئیس جنّات است. خواهشمندم به من دستوری بدهید و مرید خود قرار دهید و وظیفه‌ای بگویید تا جنّات را ببینم چون تنها و بی‌کس هستم. نزد خدا روی ندارم و از راه دور آمده‌ام).

وعلیکم السلام و رحمة اللّه و برکاته؛ امابعد:

علت نتیجه نگرفتن جناب از کارهایت، این است که به هدف تحصیل دنیا و نام و نمود و خدمت اجنّه این کارها را می‌کنی نه محض به رضای خدا و به طریق شرعی و سنت نمی‌کنی.

ثانیاً این از شأن یک فرد مسلمان خیلی به دور و نازیبا است که به دنبال تسخیر و ارتباط با جنّ‌ها باشد بلکه اگر جنّ خود بیاید و غلامی بپذیرد، نباید مرد مسلمان او را بپذیرد. عقیدهٔ شما خیلی فاسد است. همان ملاها که به تو گفته‌اند که «محمّدعُمر» رئیس جنّی‌هاست، بی‌خود گفته‌اند و احمق هستند. بنده از جنّ‌ها بیزارم. اگر تمام جن‌های دنیا دست بسته به غلامی بنده حاضر شوند، مرا به خدا قسم است که ایشان را تحویل نمی‌گیرم. تو به این کار نزد دیگری

برو، من مرد این کار نیستم. کار من فقط تعلیم دین و ارشاد دین است و بس و آینده بـه نیـت این خرافات نزد بنده نیایید.

۲۸ جمادی‌الأول ـ ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۱۵۵

در جواب فردی زندانی در تسلی و راهنمایی او

(نوشته بود: از این‌که به خدمت شما نرسیده‌ام، شرمنده‌ام و قدرتان را ندانستم. الآن در زندانم و درحالت پشیمانی و توبهٔ ندامت به‌سر می‌برم دیر وقت بود به ملاقات شما نیامده بودم، ندانستم شاید ناشکری شد. بالآخره انسان بودم اشتباه کردم باز هم از دربار الهی امیدوارم مرا عفو کند و از زندان آزاد بشوم. دعا کنید خداوند مرا آزاد کند و توفیق خدمت دین بدهد. الآن فقط با۱۰ ملیون سند ضمانتی می توانم بیرون شوم ولی کسی را ندارم و بلاتکلیف هستم، برایم دعا بفرمایید).

وعلیکم السلام و رحمة اللّه و برکاته؛ امابعد: نامهٔ شما رسید و ملاحظه شد.

خداوند کریم آزادی عاجل عطا فرموده و به خدمت دین موفق گرداند. در حقیقـت ایـن زندان‌های دنیا یک نوع تأدیب و تذکراند برای مسلمانان برای آخرت که باید در این‌جا خوب توبه کند و از زندان خداوند قدوس و قیامت خوب یاد کند و عبرت بگیرد.

خداوند کریم مشکلات شما را حل فرماید و اگر به حق زندان شده‌اید، پریشان نشوید که کفارهٔ گناه‌های شما می‌باشد و اگر ناحق است هم برای شما عبرت است. از نماز و عبـادت و ذکر خود در آن‌جا فراموش نشوید و تنبلی نکنید.

۳۰ جمادی‌الأول ـ ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۱۵۶

در جواب شخصی در تعبیر خوابش

(۱. در تشکیل بودم خواب دیدم در... درکنار کاخ... (فلانی) هستم گفتند: مردم به حرف او گوش فرا می‌دهند، ولی از دل خوشی ندارند. پیش او رفتم دیدم خیلی پیر است و در بستر خود دراز کشیده

و پاهای او مانند آرنج باریک بودند و خیلی چاق که نمی‌توانست حرکت کند من او را سوار اسب‌گاری کردم و بردم به بیابان و آن‌جا گذاشتم، ۲. خواب دیدم رفتم برای آب‌تنی وکفش نداشتم و به مولوی... گفتم کفش‌های آبی رنگ حبیب را بیار. بعد دوتا مرغ دیدم و شما دو سنگ گرفته و سورهٔ فیل را خواندید، پرواز نکردند من سورهٔ فیل را خواندم و به‌طرف آن‌ها زدم رفتند).

وعلیکم السلام و رحمة اللّٰه و برکاته؛ امابعد:

نامهٔ شما رسید و ملاحظه شد موفق باشید.

خواب اول که در تشکیل دیدی، اشاره است که شخص مذکور مقامش به پایان رسیده است و از مقام اولش منتقل می‌گردد و از بلندی به پستی می‌رود و در خواب دوم شما کفش آبی رنگ، همسر صالحهٔ شما است و آن دو مرغ، فرشتهٔ خیر بودند.

عزیزم! به کار خود مشغول باشید و به ذکر لطایف خود ادامه دهید تا به جایی برسید.

۷ جمادی‌الأول ـ ۱۴۲۲ هـ. ق.

مکتوب ۱۱۵۷

در جواب فردی در مورد راهنمایی به مسأله‌ی حجاب

(میرا عرض چند سوال ہے لطف کرو انہوں کا جواب دے: ۱ـ میری بیوی کاملاً حجاب ہے لیکن ہمارے منزل کے اندر میرے بیوی کا خالہ زاد شوہر کبھی کبھی ایک دو مہینہ ادھر رہیں ہیں لذا میں چاہتاہوں کہ انہوں کا رکاوٹ بنوں لیکن میری ساس، باپ اور ساری رشتہ دار سخت ناراض ہو جائینگا، لذاکیاکروں؟ ۲ـ ہمارے بیوی کے نانے کراچی میں رہنے والا ہے اور وہ ہمیشہ نے کہا کہ دیداربینی اور ملاقات کیلئے آؤ اگر میں جاؤں تو ادھر حجاب کاملاً رعایت نہیں ہوگا، کیا کروں؟ ۳ـ آیا جنت میں مزمار اور ساز بھی ہے یا نہیں؟ اگر نہیں تو کیا یہ سارے دنیایی چیز جنت کے چیزوں کا نقل نہیں؟ اگر ہے تو یہ حدیث کا معنی کیا ہے؟: **«صوتان ملعونان فی الدنیا و الآخرة»** (کنزالعمال) ۴ـ کیا بریلوں کا اس عقیدہ کی ساتھ کہ آپ

بھی جانتاہے انہوں کا مشرک و کافر کہنا درست ہے؟ و کیا انہیں کے ساتھ نکاح درست نہیں؟ [۱]

وعلیکم السلام ورحمۃ اللہ وبرکاتہ امابعد: ؟؟؟

آپکے سؤالات کا جواب نیچے تحریر ہے ملاحظہ کریں:

۱ـ ان لوگوں کو نرمی سے سمجھادیں اور حجاب کی اہمیت انکے سامنے بیان کریں اور اسکے بعد خالہ زاد شوہر کو بھی سمجھادیں اور حجاب مسئلہ شرعی ہے لوگوں کے مراعات اسمیں روا نہیں اگر چہ وہ ناراض ہوں۔

۲ـ جب بی حجابی کا ظن غالب ہے اگر آپ کراچی نہ جائیں آپ کو کوئی مؤاخذہ نہیں ہوگا۔

۳ـ جنت میں مزمار اور ساز موسیقی نہیں ہے البتہ ساز قرآن اور شرعی نغمہ جات ونغمۂ داوودی وغیرہ ہے۔ اصل سازوں اور مزماروں کے آواز اور صدا تو نقل جنت ہے لیکن لوگوں نے طریق شرعی چھوڑ کر غیر شرعی دنیا میں استعمال کیا جب انوں سے خیانت کیا دنیا میں یہ حرام ہوگئے اور آخرت میں انکو سزا ملی گی۔

۴ـ جب یہ بریلوی نور اور علم ماکان وغیب وحاضر و ناظر ہونے کی موضوع میں تأویلیں کرتے ہیں لہذا انکو مشرک اور کافر صریح نہیں کہ سکتے ہیں البتہ یہ کہ سکتے ہیں کہ انکے یہ اعتقاد شرکیہ اور کفریہ ہیں البتہ ایسوں کے ساتھ نکاح درست نہیں۔ [۲]

۱- خلاصهٔ سؤال: ۱. همسرم کاملاً در حجاب است، اما گاهی در منزل ما شوهر خاله‌زاد همسرم می‌آید و من می‌خواهم آنان را جلوگیری کنم، ولی مادر زن و پدرم و... سخت ناراض می‌شوند، چه‌کار کنم؟ ۲. جدّ همسرم در کراچی است و می‌گوید برای دیداربینی بیایید، اما حجاب رعایت نمی‌شود، چه کار کنم؟ ۳. آیا در جنت ساز و موسیقی هست؟ اگر نیست، آیا این چیزها در دنیا نقل آن‌ها از جنت نیستند؟ و اگر هست پس، معنی حدیث: «صوتان ملعونان فی الدنیا و الآخرة» چیست؟ ۴. آیا بریلوی‌ها با عقایدی‌که دارند، کافر و مشرکند؟ نکاح با آنان چه حکم دارد؟

۲- ترجمهٔ جواب: ۱. آنان را با نرمی بفهمانید و اهمیت حجاب را بیان کنید. حجاب مسأله‌ای شرعی است که در مورد آن مراعات هیچ کس جایز نیست؛ ولو این‌که ناراض گردد، ۲. وقتی‌که عدم رعایت حجاب گمان غالب است، اگر نروی مؤاخده‌ای نداری، ۳. در بهشت مزمار و ساز و موسیقی وجود ندارد البته صدای قرآن و نغمه‌های شرعی و داؤودی وجود دارد. صدای ساز و موسیقی‌ها در اصل نقل از بهشت هستند، اما مردم بدون طریق شرعی به‌کار می‌برند پس وقتی آن‌ها به این کار خیانت می‌کنند، این عمل حرام است و در آخرت به آنان مجازات می‌رسد، ۴. چون بریلوی‌ها در

۱۸ جمادی‌الأول ۱۴۲۲ هـ. ق.

مکتوب ۱۱۵۸

به شخصی در تعبیر خواب و راهنمایی ذکر و پاسخ به چند سؤال

(نوشته بود: مشتاق بودم که یکبار دیگر چشمانم را به دیدن جمال شما سرد کنم، اما توفیق نرسید و اقدام به نوشتن این نامه کردم تا یک تسلی برایم باشد و حالم را به شما بدهم. ذکرهایی را که تعلیم داده بودید، گاهی انجام می‌شود وگاهی نه ولی به‌کلی ترک نمی‌شوند، در خواب بیشتر تلویزیون و موسیقی و جنگ و جدل می‌بینم درحالی‌که با این چیزها علاقه ندارم، خوابم سنگین است و تا کسی مرا بیدار نکند، نمی‌توانم بیدار شوم و می‌خواستم چیزی را بگویم که همیشه آزارم می‌دهد. به پدرم بگویید وقتی به خانه می‌آید، خشم نگیرد؛ چون به کمترین بهانه‌ای سر و صدا راه می‌اندازد و با این وضع می‌ترسم خانواده‌ام از هم بپاشد، ۱. حد اقل و اکثر ذکر چه قدر است؟ ۲. به جای ذکر قبل از طلوع، بنابر نبودن وقت بعد از طلوع درست است؟ ۳. به جای ذکر بعد از عصر، بعد از عشا درست است؟ ۴. در وقت ذکر زبانی خوردن چیزی درست است؟ ۵. اگر در حین ذکر ذهن انسان به جای دیگر رفت چه‌کار کند؟ ۶. نظر شما دربارهٔ پول دفتر رهبری چیست؟ ۷. اگر استاد و پدر در مورد چیزی حکم کردند و حکم‌شان مغایر بود، حکم چه‌کسی را انجام دهد؟ ۸. دوای لذت بردن از ذکر و عبادت چیست؟ ۹. آیا اجازه می‌دهید از شفاءالأسقام استفاده کنم؟۱۰. اگر مظلومی‌که بر او ظلم می‌شود کسی را به مدد طلبید، برود؟ ۱۱. عمل به‌کتاب‌های امام غزالی برایم چطور است؟).

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد: نامهٔ شما رسید و ملاحظه گردید.

عزیزم! از فوت شدن ذکر غصه نخورید. هر مقدار که فرصت دارید، انجام بدهید. خواب دیدن این چیزها از جانب ابلیس است و می‌خواهد به همین طریق شما را تشویق کند. بعـد از بیدار شدن «**لاحول...**» را بخوانید، کم کم نابود می گردند.

إن‌شاء الله تعالی اگر با پدر محترمتان ملاقات شود، او را متوجه می کنم.

۱ـ حداقل ذکر ۴۰۰۰ و اکثرش در این زمان ۱۲۰۰۰ است.

مورد نور، علم غیب و... تأویلات می کنند،کافر و مشرک صریح گفته نمی‌شوند البته می‌توان گفت این عقایدشان کفر و شرک هستند و بستن پیوند نکاح با آن‌ها جایز نیست.

۲ـ بعد از طلوع هم درست است.

۳ـ بعد از عشاء درست است.

۴ـ درست است. خوردن در این میان عیبی ندارد.

۵ـ به آن طرف توجه نکند بلکه فکر خود را به جانب ذکر بگرداند.

۶ـ گنجایش دارد و بهتر نیست.

۷ـ اگر در امور دنیوی باشد، اطاعت از پدر کند و اگر در امور دینی باشد، اطاعت استاد کند.

۸ـ قوهٔ اعتقاد و ادامه و کثرت ذکر، لذات را پیدا می‌کند.

۹ـ اجازه دارید.

۱۰ـ به صلح برود و به درگیری نرود.

۱۱ـ شما را عمل کردن به کتاب‌های بنده بهتر است و عمل بر کتب امام غزالی هم اشکال ندارد.

۲۹ جمادی‌الأول ـ ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۱۵۹

در جواب فردی در تعبیر خواب و آثار ذکر

(سنگینی فرق سر با اندکی تخفیف جریان دارد و ضرباتی را بین دو پستان احساس می‌کنم که گاهی تند وگاهی کند است و بالخصوص در حین بند کردن نَفَس در موقع ذکر بیشتر پیش می‌آید. اکثراً خواب امامت در مسجد یا در حال تلاوت و ترجمه نمودن قرآن مجید می‌بینم و... و...).

وعلیکم السلام و رحمة اللّه و برکاته؛ امابعد: نامهٔ شما رسید موفق باشید.

ضربات مختلف قلبی خوبند. این همه از آثار ذکراند. خواب امامت، خیلی مبارک است. واعظ بودن در خواب هم بسیار خواب مبارکی است. دیگر خواب‌ها هم بد نیستند.

در راه عشق وسوسهٔ اهرمن بسی است

هشدار گوش دل به پیام سروش دار

* * *

در طریقت هرچه پیش سالک آید خیر اوست

بر صراط المستقیم ای دل کسی گمراه نیست

شما را به خدا می‌سپارم و التماس دعا دارم.

۲ جمادی‌الثانی ـ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۱۶۰

در جواب خواهری محترمه در مشوره در مورد تحصیل علم و اجازهٔ سبق باطن و تعبیر خواب

(در نامهٔ قبلی فرموده بودید که به تعلیم و تدریس بچه‌ها سعی کنید، اما معذرت می‌خواهم که به شما نگفته بودم که خودم در مکتب درس می‌خوانم و دلم می‌خواهد سال آینده به چابهار بروم اگر اجازه می‌دهید و مصلحت می‌بینید. (و اما درس باطن): سال گذشته سبق دوم را اجازه داده بودید و در آن مشغولم. شبی خواب دیدم دختری آمد وگفت نزدیکان تو ترا سلام کرده‌اند گفتم که هستند؟ گفت: مردمان دورهٔ اسلام. آیا گریه کردن به صدای بلند در وقت ذکر، یاد جهنم، تذکرهٔ رسول‌الله صلی‌الله علیه‌وسلم و اصحاب کرام و... جایز است؟. به دیدار شما خیلی آرزومندم که در جوار شما می‌بودم لذا برای ما همه اهل محله و برای مکتب ما دعا بفرمایید. یکی پدر بزرگم را به خواب دیده وگفته من جنتی هستم ولی بیایید بر سر قبرم و آیه‌ای را ـ که نشان داده ـ بخوانید که ما را به جایی بهتر می‌برند. غالباً آن آیه آیه‌های رکوع اخیر سورهٔ کهف است).

از احقر محمّدعُمر مجددی خدمت دختر محترمه‌ام! وعلیکم السلام و رحمة اللّه و برکاته؛ امابعد:

احقر معلوم نبودم که شما خود در طلب علم مشغول هستید البته الآن این کار برای شما از تدریس بهتر است و بعد از آن‌که چیزی شدید، إن‌شاء اللّه کار تدریس و خدمت دین را انجام دهید.

به نظر بنده رفتن به چابهار ضرورتی ندارد چون به مقدار علوم شرعی برای شناخت دین،

می‌توانید در جای خود حاصل کنید و برای زنان تحصیل علوم دینی منقول از قرآن و حدیث و فقه و عقاید ضروریه یا صرف و نحو به قدر ضرورت لازم است نه تحصیلات تمام منقولات و معقولات. الآن شما را به سبق [سوم] اجازه می‌دهم، راهنمایی آن را از مولوی... (محمدیوسف) صاحب دریافت کنید.

خواب اول شما مبارک است: مراد از مردمان دورهٔ اسلام، مؤمنین و مؤمنات صدر اول‌اند.

این گریهٔ شما در یاد این اشخاص، مبارک، حالی خیلی مبارک است و مخبر از نور و درد قلبی شما است. اگر در خلوت باشید، با صدا هم اشکال ندارد و اگر در محل شنیدن مردم است، بدون صدا باشد.

تمنای دیدار احقر چیزی نیست اگر در خواب بینی هم کافی است. اصل همین محبت و اعتقاد و ارتباط قلبی است؛ دور باشی یا نزدیک!.

تعبیر خواب دوم آن حاجی مرحوم، اشاره به آن است که گاه وقتی اولاد و احفاد او از مردان بر سر قبرش بروند و چیزی آیه خوانده و به روحش ببخشند.

شما را به خدا می‌سپارم و التماس دعا دارم.

۲ جمادی‌الثانی ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۱۶۱

در جواب شخصی در مورد ادامهٔ تحصیلات علوم دینی

(نامهٔ شما رسید و خوشحال شدم. بنده می‌دانم که کامیابی در زن نیست بلکه در علم با عمل است. قبل از ازدواج حالت‌های بدی داشتم که بعداً برطرف شدند اگرچه از نظر علمی کمی ضرر کردم اما از لحاظ معنوی و عمل به امید خدا پیشرفت حاصل شده است. اکنون زیر نظر استادی هستیم که جوان و پایبند سنت و بسیار مراقب اوضاع ما است و درس را به‌طور مرتب می‌خوانم البته به‌خاطر کتاب تلویزیون مشکلاتی برایم تراشیده‌اند که چرا بدون مجوز در پاکستان چاپ کرده‌ای و چرا مخالفت با علما کرده‌ای که بعضی جواز می‌دانند لذا دعا بفرمایید. آیا مرید نقشبندی می‌تواند در حلقهٔ چشتیه جهر متوسط ذکر کند؟).

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

نامۀ شما رسید و ملاحظه گردید بنده خوشحال شدم که تحصیلات خود را دارید ادامه می‌دهید، الحمدللّه موفق باشید. به ادامۀ این دو امر مستقر باشید. تحصیل علم صوری و علوم معنوی و از اذکار لسانی و قلبی همواره متوجه باشید تا در دام شیطان نروید.

از مشکلات دنیوی و دولتی نترسید که اینها در حقیقت رحمت‌اند نه زحمت همۀ اینها را خداوند کریم حل می‌فرماید؛ اگر شما صادق باشید.

مرید نقشبندی در حلقۀ آنها می‌تواند که بنشیند و استفاده کند البته (طبق روش) نقشبندی‌ها ذکر کند.

در موضوع تلویزیون اگر از شما پرسیدند بگویید که در این مورد اگرچه علما اختلاف دارند، اما تحقیق اساتید ما و خود ما همین است که ما طبق مسلک و مذهب و نظر خود نوشته‌ام. اساتید شما را سلام عرض است. آقای رمضان روئین را سلام برسد.

۳ جمادی‌الثانی ـ ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۱۶۲

به شخصی در مورد راهنمایی به ذکر

(۱. بفرمایید اگر ذکر در مواقعی‌که تعیین شده فوت گردد، چه مواقعی آن‌ها را جبران کرد؟ ۲. خیلی مشتاق دیدار شمایم، ولی مشکلات زیاد است، آیا می‌توانم نامه ارسال کنم؟ ۳. می‌خواهم بدانم آیا ذکری‌که فرموده‌اید، برآن مداومت کنم و همان کافی است یا بر آن بیفزایم؟ ۴. بنده خیلی بزدل هستم، نمی‌توانم از خود دفاع کنم و به جماعت بروم، تقاضا دارم چند عدد تعویذ لطف فرمایید).

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

۱ـ اگر ذکر تعیین شده در آن وقت انجام نگرفت، در هر وقت دیگری که فرصتی برایت پیدا شد، انجام دهید. **قال اللّه تعالی:** ﴿**وَهُوَ ٱلَّذِي جَعَلَ ٱلَّيۡلَ وَٱلنَّهَارَ خِلۡفَةٗ لِّمَنۡ أَرَادَ أَن يَذَّكَّرَ أَوۡ أَرَادَ شُكُورٗا**﴾ [الفرقان: ۶۲]. خداوند این حکم را تصریح فرموده است که شب و روز را نایب آن دیگر کردیم برای ذکر کنندگان، اگر ذکر در یک وقت فوت شد، در وقت دیگر ادا کنند.

۲ـ وقت ضرورت نامه ارسال کنید.

۳ـ بنده شما را گفته بودم که کم از کم نیم ساعت یا ۱۵ دقیقه (ربع ساعت) ذکر کنید، شما اشتباهاً ۵ دقیقه فهمیده‌اید.

۴ـ خداوند کریم بزدلی شما را رفع گرداند. به جماعت تبلیغ بروید که رفته رفته بزدلی شما به برکت آن رفع خواهد شد. تعویذ را بگذارید، در وقت سخنرانی قبل از آن سورهٔ فیل را سه بار خوانده و بر سینهٔ خود دم کنید، بزدلی رفع می گردد.

۵ جمادی‌الثانی ـ ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۱۶۳

در تعبیر خواب فردی

(در خواب دیدم که در رودخانه‌ای از کنار یک گز رد شدم، هاتفی آواز داد وقت قبولی دعا است (یعنی محل همان گز) من این دعا را خواندم «یاحیّ یاقیّوم برحمتک نستغیث». یک اسب زرد نمایان شد و به سرعت دور آن گز گویا طواف می‌کرد و وقتی نزدیک من رسید، می‌افتاد و باز می‌ایستاد و من آن دعا را با آواز بلند می‌خواندم).

عزیزم وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

تعبیر خواب شما به گمان احقر این است و خیلی مبارك است که همین دعا یا دعایی دیگر که کرده‌اید، قبول شده است. این نصرت و فرشتهٔ آسمانی بوده است که به صورت اسب نمایان شد و اشاره شده است که دعا قبول شده است و شما مقامی عالی حاصل خواهید کرد که متعلق به دین باشد. واللّٰه اعلم.

۵ جمادی‌الثانی ـ ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۱۶۴

در راهنمایی خانمی دین‌جُو در مورد چند مسأله که پرسیده است

(۱. من دانش‌آموز دبیرستان و نیز طالبهٔ مدرسهٔ دینی هستم، اما فکر می‌کنم آن‌طور که باید است عمل نمی‌کنم و برای این کار چند دلیل در ذهن دارم. بعد از حواندن یکی از کتاب‌ها و شنیدن تعریف شما فهمیدم شما بهترین راهنما هستید. دلیل اول رفتن من است به دبیرستان با إجبار خانواده. وضع

مدرسه‌های کنونی بسیار خراب است و با شناختی‌که من دارم، دو سوم دانش‌آموزان اصلاً نماز نمی‌خوانند و به همین خاطر من دوست صمیمی در مدرسه نگرفته‌ام. بنده با سنجش اعمال خود متوجه شدم که هنگامی‌که به مدرسه می‌روم، اعمالم خراب‌تر از وقتی است که تعطیل است. دلیل دوم: ما مجبوریم در مدرسه در جلو معلّمان مرد و دیگر مردان که رفت و آمد دارند، بدون چادر باشیم. آیا اشکال شرعی دارد؟ چه کار کنم؟ دلیل سوم: می‌گویند باید در نماز حواس جمع باشد، اما من حواسم پرت می‌شود، ۲. خواب دیدم یکی از اساتیدمان در عید خطبه می‌خواند و از آخرین خطبه از خواهرم می‌پرسد کجا خوانده‌ای؟ بعد آدرس ریاض‌الصالحین را دادند. من وقتی آدرس را نگاه کردم، در مورد توبه بود، ۳. چند وقت پیش جماعت مستوراتی آمد و در من خیلی تأثیر گذاشت و گفتند تشکیل شویم، اما من با توجه به دختر بودنم، این امکان را ندارم، راهنماییم بفرمایید، ۴. قبلاً دایم خواب پیامبر، کعبه و... می‌دیدم، اما مدتی است این خواب‌ها را نمی‌بینم. آیا دلیل ضعف ایمان است؟).

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

نامهٔ شما رسید و ملاحظه شد. به‌خاطر احساسات دینی، شما را تبریک می‌گویم. بدانید که هدف اصلی از تعلیم، عمل بر آن است. هر فرد باید سعی کند که با عمل شیوای خود مولای خود را راضی کند. (اوذاتی است که) او را جان داده و نیز آفریدن و موت دادن و همه خیر و شرّ در دست اوست.

آن‌چه از مسألهٔ بی‌پردگی نوشته‌اید، اشکال شرعی حتماً که دارد. شما همراه با حجاب و چادر بروید و برگردید و سعی کنید که در جلو اجانب، بدون پرده نشوید.

ایجاد احساس یک سویی در نماز، به‌کثرت ذکر الله ممکن است یا به توجه کردن این خیال که خداوند تعالی حاضر و ناظر است و اگر یک سویی پیدا نشود؛ بازهم نماز را حتماً بخواند.

۲. خوابی‌که دیده‌اید، همانطور که درک کرده‌ای، إخطاری بزرگ است برای توبه و ادامهٔ آن. شما را به فهمیدن آن مبارک باد.

۳. در مورد تشکیل، شما تشکیل نشوید، اما چون ایشان آن‌جا می‌آیند، در مجالس ایشان بسیار شرکت کنید و در شبانه روزی یک پاره از قرآن کریم تلاوت کنید و بعد از هر نماز ذکر الله را صد صد بار وظیفه کنید، عوض تشکیل شما همین است.

۴. خواب ندیدن چیزهای مبارک که جلوتر دیده‌اید، اشاره به این امر است که اولاً مسیر مشی و خط شما در امور دین بهتر بوده و الآن شاید ضعفی در مسیر عمل شما پیدا شده است.

کوشش کنید تا بر خط مستقیم رفتار کنید.

شما را به خدا می‌سپارم و التماس دعا دارم.

۷ جمادی‌الثانی ـ ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۱۶۵

در جواب شخصی در مورد استقامت و تسلیم و صبر در برابر دچار حوادث

(تاکنون مشغول تدریس در مدرسهٔ... هستم و الحمد لله سلامتی ظاهری شامل حال است و در دریای حوادث غوطه می‌خورم، اما جای بسی شکر است که بر اثر همین حوادث، نفس، امّارگی و خودپسندی را از دست می‌دهد البته بی‌نهایت احتیاج به توجهات آن‌حضرت دارم چون از کمزوری یقین دارم که صبر نداشته و پریشان می‌شوم؛ هرچند نفع‌ها در آن می‌بینم. در قیلوله در خواب دیدم که بر مسند تدریس آن‌حضرت و درکنار شما خوابیده و سرم روی بالش است. خیالم آمد این بی‌ادبی است، بلند شدم اما شما با کمال محبت و بشاشت مرا خواباندید. بعد بر لطیفهٔ نفس توجه فرمودید و نیز فرمودید در مورد این شاگرد تحقیق کنید که چرا او را زده‌اند و بعد بیا منزل کار دارم. وقتی آمدم دو دفتر به من دادید و گفتید این‌ها را نقل کنید و گویا دفتر تفسیر بودند و اشارتاً اظهار داشتید که ترا از محل کارت به این‌طرف خواهم آورد).

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

نامهٔ شما رسید و ملاحظه شد. عزیزم! مرد میدان را به تکرار حوادث، دست‌پاچگی نباید بود؛ چون بر تمام مقامات علمی و عرفانی از این پلّه‌ها گذر کردن ناگزیر است. مگر نخوانده‌ای: «**أشد البلاء**» را.[1]

علاج نفس اماره به دو صورت می‌شود: یا از کثرت عبادات و ذکر الله که این در اختیار بشر است و دوم: دچار حوادث شدن که این در اختیار خداوند کریم است. وقتی‌که خداوند

۱- اشاره به این حدیث شده است که شدیدترین و بیشترین افراد به اعتبار بلا و مصیبت، انبیاء علیهم‌السلام و سپس برترین‌ها در دین می‌باشند. الفاظ حدیث این‌ست: **عن مصعب بن سعد عن ابیه قال قلت یا رسول‌الله أی الناس أشد بلاءً قال: «الأنبیاء ثم الأمثل فالأمثل ...»**. أخرجه الترمذی، کتاب الزهد، باب ما جاء فی الصبر علی البلاء، و ابن‌ماجة، کتاب الفتن، باب الصبر علی البلاء.

کریم می‌بیند این بنده قدرت ندارد که با عبادات، امّارگی نفس را فرود آورد، بلا بر او مسلط می‌کند تا به همین جنبه، نفس او را اصلاح کند. از این وجه گفته‌اند:

در طریقت هرچه پیش سالک آید خیر اوست
بر صراط المستقیم ای دل کسی گمراه نیست

و گفته‌اند:

به رنج و راحتی گیتی مرنجان دل مشو خرّم
که آیینهٔ جهان گاهی چنین گاهی چنان باشد

خوابی که دیده‌اید، خیلی مبارکست. دلالت بر ارتباط روحی جناب با بنده و حسن اعتقاد شما دارد و دادن دفترها؛ نسبت علمی احقر است که إن‌شاء الله تعالی از آن هم بهره بردار خواهی شد. **بارک الله فی علمک وعملک و إخلاصک**. مزید التماس دعا دارم. گفته‌اند:

ما بلا را به کس رها نکنیم   تا که او را از اولیا نکنیم

حافظ ﷬ فرموده است:

شهپر و زاغ و زغن زیبای صید و قید نیست
این کرامت همره شهباز و شاهین کرده‌اند

دیگری گفته است:

نشود نصیب دشمن که شود هلاک تیغت
سر دوستان سلامت که تو هنجر آزمایی

۹ جمادی‌الثانی ـ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۱۶۶

در مورد این‌که هدف اصلی از سلوک و تصوّف چیست؟

(نوشته بود: قبل از این‌که به حضورتان بیایم برای بیعت، از خدا تقاضا کرده بودم تا این‌که خواب دیدم و آمدم بیعت کردم. به اذکار پای‌بند بودم و حالات خوبی مشاهده می‌کردم از جمله: روزی احساس کردم قلبم گرفت و ذکر «الله» از قلبم به‌طرف آسمان بالا رفت، اما یکبار نگاهم به نامحرم افتاد و فوراً چشمانم را بستم، ولی یک دفعه احساس کردم حالات من تنزّل کرد و آن

حالات را دیگر کم مشاهده می‌کنم. بعد حفظم را خواندم و یک چله هم نشستم که حالات تا اندازه‌ای خوب شدند، ولی آن حالات نیستند. بنابراین، عاجزانه می‌خواهم اجازه دهید تا دوباره برای بیعت بیایم. برای بیماری سلسل البول و انفلات الریح چند تعویذ بدهید).

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

عزیزم هدف از بیعت و سلوک و طریقت، ادامهٔ ذکر الله است و برای تحصیل رضای خداوند متعال و اتباع سنت نبی کریم صلی‌الله‌علیه‌وسلم است. دیگر مکاشفات و مشاهدات و احوالات همه، هدف اصلی نیستند. البته اگر بدون سعی و توجه حاصل شوند، یک نوع تشویق‌اند و الآن اگر آن حالات اولین نیستند، متأسف نشوید بلکه به‌کار خود و ذکر لطایف ادامه داده و جدّیت کنید و اگر بعد از صبح و عصر وقت نرسد، وقتی دیگر پیدا کنید، ولی بدانید که کامیابی دو جهانی وابسته و مرتبط به‌کثرت ذکر الله است.

در موضوع امراضی که دارید، به دکتر متخصص مراجعه کنید این امراض مال تعویذ نیستند، مال دارو هستند. مزید شما را به خداوند می‌سپارم و التماس دعا دارم.

۹ جمادی‌الثانی ـ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۱۶۷

در جواب شخصی در دفع اشتباه و مراحل سلوک و مدارج آن

(حدود یک ماه پیش پس از ۵ ماه وقفه نامه‌ای از شما دریافت کردم، ولی به‌علت گرفتاری و کسالت جواب آن به تعویق افتاد. همانطور که در جریان هستید دورهٔ اذکار (عالم وغیره) تمام شد و در همین سفر در جایی گیر افتادم که کارم ذکر بود و مجدداً اذکار چهار ساله را که تحت تعلیم شخصی شما بود، انجام دادم و ذکر قلبی (نفی) را در سه نوبت به‌صورت نفس‌کشی یعنی با یک دَم کردم و مراقبات را هم شروع کرده‌ام و مرتب روزانه انجام می‌دهم و نیز اذکار عالم امر را روزانه۱۰ ساعت به مدت یک هفته انجام دادم و دورهٔ سلوک من دگه به پایان رسیده است و اگر چیزی در من مشاهده می‌کنید و مرا لایق این کار می‌دانید، ارشاد نامه‌ای مرحمت فرمایید؛ گرچه می‌دانم من لایق این کار و من تاهنوز چیزی نیستم، اما کار چون به پایان خود رسیده و هر کار مدرک وگواهینامه‌ای دارد، اگر محبت کنید اجازه‌نامهٔ مرا بدهید تا به‌عنوان یادگاری و برکت از شما نزد من باشد و تأیید من از سوی شما برایم خیلی اهمیت دارد. امیدوارم خداوند تا آخر توفیق ذکر و مراقبات را عنایت بفرماید و ذکر که

تمام نمی‌شود. حالا هرگونه که صلاح می‌دانید).

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

امید است که حال مبارك آن محترم خوب و به‌خیر باشد. نامه‌ای که در شنبه ۸۰/۵/۲۷ نوشته بودید، در دهم جمادی‌الثانی رسید و موجب خوشی گردید. بنده انتظار داشتم که مثل سال‌های گذشته تشریف می‌آوری، ولی شاید فرصتی میسر نشده و معذور بوده‌اید.

برای ادامهٔ دادن ذکر و اذکار، شما را تبریک می‌گویم و بر سالك لازم است که اذکارش ادامه داشته باشد وگرنه نتیجه‌ای به‌دستش نمی‌آید.

عزیزم! نوشته‌اید که دورهٔ سلوك من به پایان رسیده است، بنده تعجب کردم که شخصی فهمنده و استاد و فرزانه مثل شما چنین کلمه‌ای بگویید! عزیزم! امام بزرگ و سیدنا و مولانا خواجه مجدد الف ثانی رحمه‌الله فرموده است:

تصوّف هفت درجه دارد:

۱ـ اذکار که ده لطیفه به اسم ذات و نفی إثبات، ۵ لطیفهٔ عالم امر به اسم ذات و ۵ لطیفه از عالم خلق که به نفی إثبات تعلق دارند؛ مثل نفس و خاك و آب و هوا و آتش. زمانی‌که مرید این‌ها را کما حقه طی کند، او الآن گویا «الف» و «با» را تازه خوانده و مبتدی محض و ناقص الناقص است.

۲ـ مراقبات احدیت و ولایت صغرٰی و معیت و مشارب بعدی که با طی کردن این‌ها کماحقه، مرید به سی‌پاره (قاعدهٔ نورانی) خوانی رسیده و مبتدی و ولی ناقص است.

۳ـ ولایت کبرٰی به درجات اربعه و ولایت علیا به دو درجه. سالك چون این‌ها را طی کرد، الآن گویا به قرآن‌خوانی رسیده و متوسط و ولی کامل و مکمّل و ارزش خلافت و اجازت بیعت و مرید گرفتن را دارد.

۴ـ کمالات انبیا علیهم‌السلام که این‌جا مکمّل می‌گردد.

۵ـ حقایق.

۶ـ حقایق انبیا علیهم‌السلام.

۷ـ حب صرف و لاتعیّن. این وقت تصوف تعلیمی به‌پایان می‌رسد نه تصوف احوالی و

علمی که آن نهایت ندارد و پایان شدن اینجا معنایی ندارد.

سعدی (عَلَیْهِ‌الرَّحْمَةُ) فرموده‌اند:

ای برادر! بی نهایت درگهی است — هر چه بر وی می‌رسی بر وی مه‌ایست

حافظ عَلَیْهِ‌الرَّحْمَةُ فرموده‌اند:

دور است سراب در این بادیه هشدار — تا غول بیابان نفریبد به سرایت

هر ناله و فریاد که کردم نشنیدی — پیدا است نگارا که بلند است جنابت

ایضاً: «کش صد هزار بنشسته در بدایت».

مدرک این راه نزد خواجگان ما قُدس‌اسرارهم موقوف به طی ولایت کبرٰی است نه جلـوتر. پیران امروز که به‌مجرد سلوک خلیفه می‌گردند و مدرک می‌دهند، این‌ها بلهـوس و لغوانـد، این‌ها صوفی نیستند بلکه بدنام کنندهٔ نیکو نامی چنداند. تصوف را شوخی تصور نکنید.

بزرگی فرمودند:

تا کم نشوی و کمتر از کم نشوی — اندر صف عاشقان تو محرم نشوی

سعدی (عَلَیْهِ‌الرَّحْمَةُ) فرمودند:

این مدعیان در طلبش بی‌خبرانند — کان را که خبر شد خبرش باز نیامد

ای مرغ سحر ز پروانه بیاموز — کان سوخته را جان شد و آواز نیامد

دیگری فرموده است:

ما را نه خراسان نه عراق است مراد — و ز یارانه وصل و نه فراق است مراد

با هیچ مراد جفت نتوانم شد — طاقم ز مرادها که طاق است مراد

دیگری فرمود:

گفتا هر دل به عشق ما بینا نیست — لیکن قدت این قبا بهر بالا نیست

عزیزم! به کار خود مشغول باشید تا چیزی شوی. مزید التماس دعا دارم.

۱۳ جمادی‌الثانی ـ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۱۶۸

در جواب خواهری در پاسخ به چند سؤال مختلف

(میں ایک عورت آپ کا بیٹی کی حیثیت چند سوال پیش کرتاہوں مہربانی کرو انھوں جواب دیدو: 1۔ میری لئ ایک رضاعی بھائی اور خالہ زاد بھی ہے اور عقیدتاً بریلوی ہے اور میں کاملاً باحجاب ہوں آیا مجھے اس سے حجاب کرنا ضروری ہے یا نہیں؟ 2۔ میری جیٹھ ایک طالب علم اور ظاہراً متقی آدمی ہے کیا میں اس سے حجاب کروں یا نہیں اور آیا اپنی جیٹھ سے حجاب کرنا واجب ہے یا نہیں؟ 3۔ کیا ٹیلیفون میں نکاح کرنا اور طلاق دینا درست و صحیح ہے یا نہیں؟ ایک کراچی کے اخبار میں لکا ہے کہ جایز نہیں؟)[1]

وعلیکم السلام ورحمۃ اللہ وبرکاتہ، اما بعد:

۱۔ اگر وہ رضاعی بھائی خدا ترس اور پرہیزگار ہے اس وقت تجھے اس سے حجاب ضروری نہیں اور اگر فاسق و فاجر ہے اس سے حجاب کریں۔

۲۔ جیٹھ بھی بہ حکم شرعی نامحرم ہے اس سے بھی حجاب واجب ہے لیکن بنابر ضرورت اگر اسکے سامنی بلا حجاب گئ اور فقط چہرہ ظاہر کیا اور بدن پوشیدہ ہوا تو گنجایش ہے۔

۳۔ جو شخص خارج کشور میں ہو ٹیلیفون یا خط یا بی سیم یا پکس کی وسیلہ سے یہاں ایران میں یا جس جگہ نکاح کرنا چاہتا ہے کسی شخص کو اولا اپنا وکیل بنادے کہ وہ اسکی طرف سے فلان لڑکی کے نکاح کو قبول کرے پھر یہاں مجلس نکاح منعقد کے جاتی اور قاضی صاحب یا لڑکی کے والد وغیرہ جو نکاح پڑھائیں، وہ کھیں کہ میں نے فلان لڑکی کا نکاح فلان شخص جو فلان خارج ملک ہے کیا اور وکیل کہے کہ میں نے اس لڑکی کو فلان کے نکاح میں قبول کیا، یہ صورت صحیح ہو جائیگا اور دوسرے صورت میں صحیح نہیں ہوگا۔ (فتاوای محمودیہ: ۱۶۲/۱۱)۔

اور طلاق بھی اسی طریق سے ثابت ہوگا اور اگر شوہر نے ٹیلیفون کیا کہ میں نے اپنے عورت کو طلاق کیا اور

۱- ترجمه: بنده بعنوان دخترتان چند سؤال عرضه می‌کنم لطف نموده آن‌ها را جواب بدهید: ۱. من یک برادر رضاعی دارم که هم خاله‌زاده‌ام است و عقیدتاً بریلوی است و من کاملاً در حجاب هستم، آیا برایم حجاب از او لازم است یاخیر؟ ۲. برادر شوهرم یک طالب‌العلم و ظاهراً متقی است، آیا از او حجاب کنم؟ ۳. آیا به‌ذریعهٔ تلفن نکاح و طلاق صحیح است؟

اس کے آواز سمجھا گیا اور بعد میں بھی شوہر نے اعتراف کیا، طلاق واقع ہوگا اور اگر بعدا انکار کیا کہ آواز دینے والا اور ٹیلیفون کرنے والے میں نہیں تھا اور قسم کھایا، اس کا بات صحیح مانا جائے۔ [۱]

۱۳ جمادی الثانی ـ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۱۶۹

در جواب فردی درمورد معالجۀ وساوس شیطان و نفس

(غرض از مزاحمت بی‌جا این‌ست که مدتی است که شدیداً گرفتار وسواس شیطانی گشته‌ام و هرچه مطالب می‌خوانم و قانع می‌شوم، ولی بعد از چند ساعت دوباره عود می‌کند و من احساس می‌کنم در خطر بزرگی قرار گرفته‌ام لطفاً مرا راهنمایی بفرمایید و مورد عفو قرار دهید).

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

عزیزم! اگر شیطان وسوسه می‌آورد، شما با ادامۀ ذکر اسم ذات و کثرت خواندن «**لاحول**» او را دفع کنید و اگر وساوس دور نشوند، پس هر زمان که هجوم وساوس شود، شکر دو نعمت را ادا کنید:

یکی این‌که (بگویید:) الحمدلله، الله سبحانه و تعالی کار شیطان را به وسوسه واگذار کرده و مرا حفظ می‌فرماید و دوم این‌که الحمد لله همین وسوسه چون آزار دهنده (و ناراحت

۱- ترجمه: اگر برادر رضاعی تو آدم خداترس و متقی است، حجاب از او ضروری نیست و اگر فاسق و فاجر است، از او حجاب کنید، ۲. برادر شوهر به‌حکم شرعی نامحرم است و از او حجاب واجب است البته در وقت ضرورت اگر به‌نزد او فقط چهره نمایان و بدن در ستر باشد، گنجایش دارد، ۳. نکاح به‌ذریعۀ تلفن یا نامه و... بدین صورت جایز است که آن شخص که در خارج است، کسی را وکیل خود بکند که او در این‌جا نکاح را قبول کند. بعد، در مجلس عقد، قاضی یا ولیّ دختر و... بگوید که من فلان دختر را در عقد نکاح فلان شخص که در فلان جا است، درآوردم و آن وکیل بگوید: من نکاح فلان دختر را با فلانی قبول کردم. در غیر این صورت نکاح صحیح نمی‌شود. طلاق نیز بدین طریق ثابت می‌گردد که شوهر تلفنی صحبت کند که من همسرم را طلاق دادم و صدای او هم فمیده شود و بعداً شوهر اعتراف هم کرده باشد پس، طلاق واقع می‌شود. و اگر شوهر بعدا انکار کند که این شخص که تلفنی صحبت کرده و طلاق داده، من نبوده‌ام و حلف هم بردارد، حرف او پذیرفته شود.

کنندهٔ) مسلمان است، مرا در آن اجر و ثواب می‌رسد. پس، با این خیال و تشکر، کم‌کم تمام وساوس از بین خواهند رفت.

به پدر محترم و برادرت سلام بنده عرض کنید و التماس دعا دارم.

۱۳ جمادی‌الثانی ـ ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۱۷۰

به شخصی در راهنمایی به چند کتاب در مورد تصوّف و پاسخ به چند مسأله و...

(نوشته بود: این حقیر تاحال مشغول خدمت طلبه هستم. ۱. در مدرسه یکنوع بداخلاقی انجام گرفته و من خیلی غمگینم دعا بفرمایید الله ما را رسوا نفرماید، ۲. خوف خدا را در همه حال چطور می‌توان حاصل کرد؟ ۳. ملاعبت با همسر، در نفس و خواهشات داخل است یانه؟ ۴. یک حوض آب که۹۰۰ متر مربع و عُمق آن یک متر است و بچه‌ها با لباس ناپاک غسل می‌کنند، حکم آن چه است؟ ۵. تلاوت پنج سوره بعد از نمازهای پنج‌گانه یا وظیفه‌ای دیگر شما مناسب می‌دانید یا نه؟ ۶. به حکایات و زندگینامهٔ سلف صالحین خیلی مشتاقم، اسامی چند کتاب را برای حقیر بگویید، ۷. برای قوهٔ حافظه راهنمایی و دعا بفرمایید، ۸. برادر دینی با مدرسه همکاری کرده و اکنون رنجیده است، برایش دعا بفرمایید، ۹. چشم که آب مروارید گرفته و نیز برای انگل یا کرم چه باید کرد؟).

وعلیکم السلام و رحمة اللّٰه و برکاته؛ امابعد:

نامهٔ شما رسید و شادمان گردیدم. خداوند کریم در خدمت دین و طلبه توفیق روز افزون عطا فرماید و از جام ذوق و شوق تعلیم دین سرشار و توفیق عمل و اخلاص عطا فرماید.

۱ـ در اصلاح و تربیت، باید به ملایمت و نرمی کار گرفته شود.

۲ـ خوف خداوند کریم از آگهی دل حاصل می‌شود و آگهی دل به‌کثرت ذکر الله و صحبت کاملین پیدا می‌گردد.

۳ـ خیر بلکه ملاعبت با همسر در مستحبات و عبادات داخل است.

۴ـ این آب کثیر است ناپاک نمی‌شود تا یکی از صفات سه گانه متغیر نگردد؛ رنگ یا طعم یا بُو.

۵ـ تلاوت پنج سوره و وظایفی که در ص۱۶و۱۷ کنزالدارین موجود است، بسیار خوب‌اند.

۶ـ حکایات صحابه و تاریخ ایشان و کتب مناقب ائمهٔ دین و تاریخ اسلامی و کتاب‌های «نزهة الخواطر»، «شاندار ماضی»، «حضرات‌القدس»، سوانح علمای دیوبند، «بیس بری مسلمان» و امثال این‌ها را مطالعه کنید.

۷ـ روازنه سر صبح ۷ عدد مغز بادام بخورید و بعد از عشاء صد بار فاتحه را بخوانید.

۸ـ دعا می‌کنم إن‌شاء الله تعالی.

۹ـ به دکتر مراجعه کنید و برای انگل نیز.

مزید التماس دعا دارم.

۱۳ جمادی‌الثانی ـ ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۱۷۱

به شخصی در پاسخ به چند مسأله و تعبیر خواب

(نوشته بود: چند سؤال دارم استدعا دارم که با جواب واضح رفع ابهام فرمایید: ۱. دوره کردن إسقاط برای میت جایز است یاخیر؟ ۲. توسل بر انبیا، صلحا و شهدا جایز است یاخیر؟ ۳. بعد از فوت شخصی چند نفر جمع می‌شوند و یک ملا قرآن تلاوت می‌کند و بعد دسته‌جمعی دعا می‌کنند، چطور است؟ ۴. نماز بدون عمامه را بعضی ناپسند می‌کنند و حتی از امام ناراحت می‌شوند، چطور است؟ ۵. در جواب کسی‌که می‌گوید: کجا بوده‌ای، بگوید: زیر سایهٔ شما، چه طور است؟ ۶ طالبی می‌گوید شب‌های جمعه پدرم مرا نمی‌گذارد به مسجد بروم به این منظور که همین‌جا جماعت می‌کنیم و برادران با پدر و مادر و خواهرانم پشت‌سر من إقتدا می‌کنند، آیا نرفتن ما به‌مسجد اشکالی دارد؟ و آیا إقتدای مادر و خواهرانم پشت‌سر من جایز است؟ ۷. یک مولوی افغانی در محل ما هست و مخالف جماعت تبلیغ است. می‌گوید شما چرا به جهاد افغانستان نمی‌روید و چرا آمریکا از جهاد افغانستان می‌ترسد، ولی از تبلیغ نمی‌ترسد. نظر شما چیست؟ ۸ . من در تعطیلات صبح‌ها به‌مرکز تبلیغ در زاهدان می‌روم و تا اشراق می‌نشینم. یک روز زود آمدم و خوابیدم در خواب دیدم: خانه‌ای بود که بیماران را درمان می‌کردند. خبر رسید یکی زایمان کرده و موجودی به‌اسم «درنا» به‌دنیا آمده. بعد فهمیدم گروهی مردم را می‌کشند من و همراهانم شمشیر گرفته رفتیم در میان راه سیاه‌پوشانی بودند مردم را با شمشیر می‌زدند وگویا به ما زدند، ولی مؤثر نشد. در یک خواب دیگر رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم را دیدم. نیم رُخ ایشان به‌طرف من بود. گروهی از مردم جناب را صدا می کردند اما چنان صدایی که من وحشت کردم. بعد گفتم یا رسول‌الله سلامی بدهم؟ و سلام دادیم و...).

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

نامهٔ شما را ملاحظه کردم، موفق باشید. جواب سؤالاتتان را در زیر ملاحظه کنید:

۱ـ این عمل بدعت سیئه است.

۲ـ جایز است، اما نه برای هر کس.

۳ـ اگر صورت ختم قرآن است که گروه می‌خوانند و ببخشند، گنجایش دارد و اگر یک نفر می‌خواند و دیگران خاموش‌اند و بعداً دعا می‌کنند، این ثابت نیست.

۴ـ بدون عمامه نماز جایز و بعضی اوقات مستحب است. جناب رسول اللّٰه صلی‌الله‌علیه وسلم هم گاهی نماز بدون عمامه خوانده‌اند. این ملاها از علم جاهل‌اند.

۵ ـ این کلمه خوب نیست.

۶ ـ آری! اشکال دارد؛ زیرا فضیلت اجر مسجد فوت می‌شود و نماز این‌ها ناقص می‌ماند مگر به عذر شرعی. البته اقتداء پشت‌سر شما جایز است.

۷ـ این ملا بیچاره قدر این نعمت را نمی‌داند. رفتن به جماعت خیلی کار مهم و موجب اصلاح مردم است. رفتن به جماعت تبلیغ در نظر احقر از تشکیل جهاد افغانستان افضل است. این جماعت، اسلحهٔ خاموش و سرد و نهضت آرام اسلام ا ست که بدون سر و صدا جهان را فتح کرده و می‌کند. جهاد گرم افغانستان، محدود به افغانستان است و جهاد سرد تبلیغ، تمام عالم و تمام کشورهای اسلامی و غیر اسلامی را زیر نگین خود آورده است.

آن دو خواب را که دیده‌اید، درمان کردن همین تبلیغ مبلّغین است که مردم را داروی معنوی و روحی می‌کنند و «درنا» مقلوب «نادر» است. این موجود نادر دجال است که ظهورش قریب است. این سیاه پوشان لشکر دجال‌اند. امید است که در آن فتنه، مخلصین سالم می‌مانند. دیدن رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم به این هیئت دلالت بر انقلابی بزرگ دارد و این داد و فریاد کنندگان اهل‌سنت‌اند برای نصرت وغیره، والله اعلم.

۱۵ جمادی‌الثانی ـ ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۱۷۲

در راهنمایی شخصی در مورد ذوق و شوق در عبادات

وعلیکم السلام و رحمة اللّه و برکاته؛ امابعد:

نامۀ شما ملاحظه شد. قوۀ ایمانی و ذوق عبادات و مطالعات، از کثرت ذکر اللّه و تـلاوت قرآن کریم و صحبت کاملین و مطالعۀ کارنامه‌های صحابه رضی‌الله‌عنهم پیدا می‌گردد.

شخص کبوتر باز را، کم‌کم تشویق به ترک این عمل کنید تا شاید موفق گـردد و تعویـذ نمی‌خواهد.

۱۵ جمادی‌الثانی ـ ۱۴۲۲ هـ. ق.

مکتوب ۱۱۷۳

در راهنمایی و تعبیر چند خواب شخصی

(بنده دانشجوی دانشگاه هستم که سال گذشته با تعدادی از رفیقان افتخار ملاقاتی با شما داشتیم. چند شب در خواب دیدم که به زیارت حرم حضرت رضا (رحمه‌الله) رفته‌ام و درکنار صحن آن ایستاده بودم که حضرتعالی تشریف آوردید و ما را بیرون کردند. شما وارد شدید و ما از بیرون توسط صفحۀ تلویزیون حضرتعالی و حضرت رضا را مشاهده می‌کردیم که شما درحال گریستن بر روی جسد نیمه عریان ایشان بودید و سر مبارک شما بر سینۀ شان قرار داشت. تعبیر این خواب چیست؟).

فرزند ارجمندم! السلام علیکم و رحمة اللّه و برکاته؛ امابعد:

نامۀ آن عزیز ملاحظه شد. مزیـد بـه تحصـیل علـوم موفـق باشـید و خداونـد کـریم شـما دانشجویان عزیز را به تکمیل علوم و خدمت به جامعه و قوم مجهز و موفق و مشکلات دینی و دنیوی شما را برطرف و کامیابی و سعادت دو جهانی عطا فرماید.

خوابی که دیده‌اید، خیلی مبارک است. این خواب به چند چیز اشاره دارد:

۱ـ دل و دماغ شما با علما و اهل عرفان در ارتباط معنوی می‌باشد.

۲ـ امام محترم (قدّس‌سره) در زمان خود قطب الأقطاب کشور ایـران بـه شـمار مـی‌رفتنـد و روحانیت‌شان با تمام اهل عرفان زندۀ ایران تاکنون در ارتباط و تربیت است.

این اتصال احقر با حضرت ایشان از راه رشتهٔ نسبی بود که سرم بر سینه‌اش چسپیده بود و نیم عریانی آن حضرت، از بی‌ادبی‌های قومی هست که آن‌جا شرک و بدعات انجام می‌دهند. گویا لباس و پردهٔ أبّهت و عظمت مقام او را پاریده و ایشان را ناراحت کرده‌اند و گریهٔ احقر نیز به نسبت حرکت بی‌ادبانهٔ همین بی‌ادبان بود که آن جناب روحاً ناراحت بود و هست. **جزاک الله خیر الجزاء.**

مزید شما را به خداوند کریم می‌سپارم و دیگر فرزندان را که در جستجوی احقراند، سلام عرض کنید.

۱۶ جمادی‌الثانی ـ ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۱۷۴

در تعارف و راهنمایی به مطالعهٔ چند کتاب از تصوّف

(می‌خواستم در مورد کتاب‌های تصوف بپرسم که چه کتابی در این زمینه مفید و معتبر است؟ در مورد «قصیدهٔ بُرده» نیز توضیح دهید. و نیز در زمینهٔ اصلاح باطن و خودسازی چه تربیت عمل مؤثر است؟).

وعلیکم السلام و رحمة اللّه و برکاته؛ امابعد: نامهٔ شما ملاحظه شد.

کتاب‌های تصوف زیاداند. مکتوبات امام ربانی، ضمایر الحکمة، عوارف المعارف، کیمیای سعادت و... این همه مفیداند. «قصیدهٔ بردیه» نزد اکابر ما معتبر است.

در زمینهٔ خودسازی، بیعت از پیر کامل، کثرت اذکار طبق دستور شیخ، کثرت تلاوت قرآن کریم، تشکیل در جماعت تبلیغی، کثرت صحبت صالحین و کاملین، تقویٰ، اتباع سنت و دوری از بدعت، مؤثر و مفید خواهد بود.

۱۶ جمادی‌الثانی ـ ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۱۷۵

در مورد معالجهٔ تسلط شیطان وغیره

(از روزی‌که با شما بیعت کرده‌ام، شیطان بر من مسلط شده و نمی‌گذارد که ذکر بکنم. وقتی ذکر

می‌کنم، فکرهای بسیار خطور می‌کند و ذکر را فراموش می‌کنم. چه قدر نماز توبه و تهجد می‌خوانم، اما تقویٰ و خشیت الهی در وجود من احساس نمی‌شود. لذا تقاضای راهنمایی و دعا دارم).

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

نامهٔ شما رسید و ملاحظه شد. خداوند کریم به ذکر و شکر خود موفق گرداند.

عزیزم! شما به تسلط شیطان نگاه نکنید بلکه به ذکر خود ادامه دهید، رفته رفته ذکر خود در قلب تأثیر می‌گذارد و تسلط شیطان نابود می‌گردد. همین ادامه دادن ذکر اللّه همه مشکلات را حل می‌کند و فکرهای فاسد را از بین می‌برد.

ذکر کن ذکر تا تو را جان است پاکی دل ز ذکر رحمن است

شما در کار خود سعی کنید احقر دعا می‌کنم و برای ترک ذکر، بیعت هرگز باطل نمی‌گردد. بعد از ترک ذکر، دو مرتبه ذکر را شروع کنید، ذکر تأثیر قلبی را ظاهر می‌کند. موفق باشید.

۱۶ جمادی‌الثانی ـ ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۱۷۶

در تعبیر خواب و توجیه احوال فردی

(در اوایل حالاتم خوب بود. پایبندی به ذکر و علاقه به سنت‌ها و تنفر از بدعت‌ها و چیزهای‌که کراهت دارند، داشتم. در هفته دو روز که گشت داریم، ذکر نمی‌شود و دیگر روزها عصرها ذکر می‌کنم، ولی صبح‌ها گاهی کاهلی می‌کنم. خشوع کامل در نماز ندارم. خوابم زیاد است لذا تقاضای دعا دارم)

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد: نامهٔ شما ملاحظه شد، موفق باشید. خواب‌های شما همه برای شما خوب‌اند، پریشان نشوید. حالات الآن شما همه خوب‌اند. شما حسب طاقت خود به ذکر مشغول باشید و طبق ارادهٔ خود به خشوع متوجه باشید خداوند کریم همین مقدار را از ما و شما قبول فرماید.

بنده دعاگوی همه امت وخصوصاً شما طلبه و مریدین می‌باشم و از شما هم التماس دعا دارم.

۱۸ جمادی‌الثانی ـ ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۱۷۷

در مورد تعبیر خواب فردی و راهنمایی و...

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

عزیزم! خواب‌هایی که دیده‌اید، همه مبارک کند، لیکن خوب بدانید این خواب‌ها و مشاهده‌ها وکشوف و انوار همه، ترغیبات و تشویقات‌اند برای رفتن به راه سلوک و فی نفسه مقاصد و اهداف اصلی نیستند. بلکه هدف اصلی و مقصد ذاتی در راه سلوک و عرفان، اتباع سنت و ادامهٔ ذکر و فکر است. لذا این امور دلبستگی را نشایند و إتکا به این‌ها مناسب نیست شاید ابلیس این احوال را به صورت مقاصد مزین کند و از همین کانال شروع به فریب بازی می کند.

صورت أخذ فیض (بدین صورت)[1] که نوشته‌اید، صحیح نیست بلکه مرید باید صد در صد بر لطیفهٔ خود متوجه شده و ذکر را بر لطیفهٔ سبق خود متوجه گرداند، در این وقت از لطیفهٔ شیخ خود به خود به او فیض می‌رسد.

رفتن به پاکستان، در نظر بنده بد نیست، ولی بعد از مشوره با اساتید حوزه و بعد از استخاره بروید که خیر در آن است. مزید التماس دعا دارم.

۱۹ جمادی‌الثانی ـ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۱۷۸

در مورد معالجهٔ روحانی مرض تمایل به عمل بد

(مدتی است به یک آفت خانمان‌سوز گرفتار شده‌ام. زبانم نمی‌گیرد، اما کسی دیگر را محرم‌تر نمی‌بینم. بنده متأهل هم هستم، ولی میل به عمل بد دارم. وقتی وعظ و سخنرانی می‌شود یا حدیث بیان می‌کنم، گریه می‌کنم و ناراحت می‌شوم، اما بعد از آن فراموش می‌کنم. راهنمایی‌ام کنید که دارم تباه می‌شوم. فکر می‌کنم از زندگی روستایی است که دختر خاله و دختر عمو را محرم می‌دانند و...).

وعلیکم السلام و رحمة اللّه و برکاته؛ امابعد: نامهٔ شما رسید و ملاحظه شد.

---

[1]- این چنین نوشته بود: در مقابل شما چنین فیض حاصل می‌کنم که از لطیفهٔ قلب حضرتعالی لفظ «الله» را برداشته و روی لطایف خویش؛ به‌خصوص قلب ضرب می‌کنم، آیا درست است؟

عزیزم! شما در مورد مرض خود سه عمل انجام دهید، امید است برطرف گردد.

۱ـ بعد از هر نماز صد بار «**لاحول...**» شریف را بخوانید.

۲ـ هر شب دو رکعت نماز توبه بخوانید تا این خیال بیرون رود.

۳ـ بعد از اشراق و بعد از نماز عشا سیصد بار اسم «**یا قهار**» را وظیفه کنید.

مزید التماس دعا دارم.

۲۱ جمادی‌الثانی ـ ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۱۷۹

به شخصی در مورد مشوره و توصیه

(نوشته بود: ۱. اجازۀ کتاب شفاء الأسقام را از شما می‌خواهم، ۲. کتابی بنام «کشف العلوم» نوشته‌ام از روی تفسیر خواجه عبدالله انصاری وکتاب «دل و نفس» و «موارد الشوارد» آیا برای تحقیق و صحت آن نسخه‌ای برای شما بفرستم؟ و نیز می‌خواهم زندگینامۀ مولانا عبدالعزیز رحمه‌الله را مختصراً در کتاب جای بدهم، عاجزانه می‌خواهم چند خاطره‌ای از ایشان برایم بنویسید. شما خاطرۀ زیاد دارید).

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛

عزیزم! اوقات خود را به ذکر «اللّه» معمور دارید نه این‌که به تعویذ دادن وقت خود را صرف کنید البته اجازه دارید.

تألیف خودت به نام «کشف العلوم» را خودتان تصحیح و بررسی کنید بنده فرصت ندارم.

در مورد زندگی نامۀ حضرت مولانا عبدالعزیز رحمه‌الله از برادر ایشان و فرزندان و دامادهای نشان دریافت کنید. بنده از احوال گرامی ایشان کاملاً خبر ندارم.

مزید التماس دعا دارم.

۲۱ جمادی‌الثانی ـ ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۱۸۰

در مورد تدبیر دیدن صلحا در خواب و سؤال از علت عدم حضور در مراسم و جلسات و چند سؤال دیگر

(۱. چه عملی انجام دهم تا بزرگان و صالحان دین را در خواب ببینم؟ ۲. گاهی لذت نماز، تلاوت و ذکر احساس می‌شود وگاهی برعکس است، برای این‌که این لذت همیشگی باشد، چه عملی توصیه می‌کنید؟ ۳. می‌خواهیم رساله‌ای در مورد زندگی مولانا عبدالعزیز (رحمه‌الله) بنویسیم، ما را راهنمایی فرمایید، ۴. سطح علمی‌ام دیپلم ریاضی است و می‌خواهم رساله‌ای در مورد احادیثی‌که آقایان در جامعه مطرح می‌کنند، بنویسیم، چه راهنمایی می‌فرمایید؟ ۵. شما چرا در مراسم ختم بخاری و مراسم وفات علماء شرکت نمی‌کنید؟ ۶. فعالیت اندکی در قسمت نگهبانی و انتظامات و دفتر دانشجویی دارالعلوم زاهدان دارم، محتاج راهنمایی شما هستم، ۷. یک کارگر هستم و پول ندارم، اما شوق حج و عشق مدینه دارم و صبرم را از دست داده‌ام، حالا می‌خواهم از روی سند منزل پول به‌صورت وام بردارم ولی دولت سود می‌گیرد، آیا با این وصف حج من قبول می‌شود؟ می‌خواهم روضهٔ نبی‌اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم را ببینم).

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته. نامهٔ شما رسید و ملاحظه کردم.

۱ـ برای دیدن صالحان در خواب، عملی خاص نیست بسا اوقات محبت آنها مسبّب می گردد.

۲ـ لذت دایمی برای اهل کمال است و برای هر کس حاصل نمی‌شود.

۳ـ در مورد احوالات مولانا مرحوم از خویشاوندان و اولاد و بستگان او این مورد را جویا باشید. آنان در این مورد معلومات زیادتری دارند.

۴ـ نوشتن کتاب خوب است، اما راهنمای از علمایی طلب کنید که با شما نزدیک‌اند.

۵ـ علت شرکت نکردن من در مراسم ختم بخاری، بی‌فرصتی و دوم کمزوری بنده است که بعد از عمل شدن، قدرت سفر و دیر ماندن در مجالس ندارم. البته این مراسم را خیلی دوست می‌دارم و آنان را تحسین می کنم و در مراسم وفات، برای جنازه احقر را معلوم نمی‌کنند چون بنده در کوهی افتاده‌ام که امکانات تلفن وغیره نیست و مراسم تعزیه و تسلیه را کتباً انجام می‌دهم که در رفت و آمد، دچار مشکل می‌شوم و معذورم.

۶ـ راهنمایی این امور را از علمای نزدیک کسب کنید. احقر خیلی کم فرصتم.

۷ـ در این صورت حج قبول نمی‌شود و رفتن به زیارت مدینه حرام هم حرام است.

مزید التماس دعا دارم.

۲۱جمادی‌الثانی ـ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۱۸۱

در مورد تعبیر خواب و علاج مرض بدبینی

(۱. خواب دیدم شما آمده بودید به مسجد جامع شهرمان و خواستید در مورد عدم رفتن زنان به جماعت تبلیغ سخنرانی کنید. خواستیم صدای شما را ضبط کنیم. بعد دیدم عصای شما شکسته بود آن را جمع کردم و گفتم مردم لگد کرده‌اند، ۲. مدت‌ها پیش مفتی رشیداحمد و مولانا تاج‌محمد (رحمهماالله) را در خواب دیدم و خواب کبوتر زیاد می‌بینم، ۳. بنده مرض بدبینی نسبت به مردم دارم؛ مثلاً یکی وعظ کند، در دل می‌آید این مخلص نیست. آیا با افرادی‌که اخلاص ندارند، می‌توان نشست و برخاست کرد؟ استاد! در اول خیلی اخلاص داشتم و از مردم معذرت خواهی کردم، ولی حالا نمی‌دانم چه شده است، ۴. اگر عالمی مرتکب کار یا بدعت گردد، آیا من که یک‌فرد عامی هستم، می‌توانم به او بگویم که این کار تو اشتباه است؟ ۵. هر وقت دچار غفلت یا گناه شوم، یکنوع قبض احساس می‌کنم).

السلام علیکم و رحمة الله و برکاته؛ امابعد: نامهٔ شما ملاحظه شد، موفق باشید.

خواب شما مبارک است. جمع کردن عصا، جمع کردن اطاعت بنده است.

خواب دیگر شما هم مبارک است. دیدن علما و صلحا دلالت بر ارتباط معنوی شما با علما و صلحا می‌کند. کبوتر در خواب صوفی، معبّر به فرشته‌ها است.

شما همیشه خود را از دیگران کمتر دانید، مرض بد بینی از شما دور می‌شود و با غیر مخلصین صحبت مفید نیست.

اگر عالم مبتلای بدعتی شود، شما خودت از آن بدور باشید، اما شما او را متوجه نکنید. این وظیفهٔ شما نیست.

وقتی که دچار اشتباه وگناهی شدید، زودتر توبه کنید. در امور شرع مقدس شرم نکنید بلکه جستجو و تحقیق کنید.

عزیزم! مسلّم است که عرفان و سلوک و پیروزی در آن، به فضل خداوند کریم وابسته است، اما سعی در آن شرط است.

۲۲جمادی‌الثانی ـ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۱۸۲

به شخصی در پاسخ به چند سؤال که پرسیده بود:

(۱. عمامه حکمش چیست؟ با حوالۀ کتاب، ۲. لفظ «ولا الضالین» به چه صورت صحیح و چه صورت غلط خوانده می‌شود؟ ۳. روز عزاداری میت، حکم غذا دادن و تلاوت قرآن با بلند کردن دست و دعا نمودن چیست؟ ۴. پوشیدن لباس و نگاه داشتن موی سر به چه نحو باشد؟).

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

نامۀ شما رسید و ملاحظه گردید، موفق باشید. جواب سؤالات خود را در زیر نگاه کنید:

۱ـ عمامه سنت است و در نزد بعضی مستحب. بنده نیاز به حواله دادن کتاب ندارم.

۲ـ به «ض» خوانده شود نه «ظ» و اگر کسی «ض» خالص نمی‌تواند بخواند و مشابه به «ظ» می‌خواند، باید نزد استاد ماهر و مشّاق تمرین کند.

۳ـ این امور همه بدعت هستند. [در این مورد] فتاوای [منبع‌العلوم] ج ۱ را نگاه کنید یا در رسالۀ «رسوم میت».

۴ـ پوشیدن لباس به طریق سنت، سنت است و نگاه داشتن مو تا نرمۀ گوش و تا گردن و تا شانه جایز است.

۲۲ جمادی‌الثانی ـ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۱۸۳

به فردی درمورد رفع تنبلی در اذکار وغیره

(مدتی است که مشرّف به بیعت با آن‌جناب شده‌ام و تقریباً سبق دهم را گرفته‌ام، اما به‌علت مشکلات حدوداً دو یا سه سال است که موفق نشده‌ام به خدمت آن جناب بیایم و در اذکار ضعف شدید وارد شده است. تقاضا دارم ما را از دعاهای دینی و دنیوی و نصایح خویش فراموش نکنید).

وعلیکم السلام و رحمة اللّه و برکاته؛ امابعد:

بعد از مدتی ناامیدی نامۀ آن محترم به دست احقر افتاد و ملاحظه شد. خیلی تعجب کردم

امثال حضرتعالی چرا این قدر دوری اختیار کرده و دل‌سرد شده‌اید. مسلمان را باید است کـه به فکر ترقی باشد نه تنزّل؛ تا دم موت. [انسان به] ﴿وَٱعۡبُدۡ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأۡتِيَكَ ٱلۡيَقِينُ﴾ [الحجر: ۹۹] (یعنی:**عبادت پروردگارتان بکنید تا لحظه‌ای که مرگ به سراغتان آید)** دستور شده است. رومی رحمه‌الله فرموده است:

اندرین ره می‌تراش و می‌خراش   تا دم آخـــر دمـی غـافل مباش

عزیزم! أعذار بارده در راه خداوند کریم، ارزشی ندارند، باید متوجه باشید. التماس دعا.

۲۳ جمادی‌الثانی ـ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۱۸۴

به فردی‌که طلب دعای هدایت و استقامت کرده بود

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

نامۀ شما رسید و ملاحظه گردید. خداوند ما و شما را همه هـدایت و موفـق گردانـد و در عبادات و اطاعت، اخلاص و استقامت نصیب گردنـد. بـرای ذکـر و وظـایف خـود سـرگرم باشید، سستی نکنید. گفته‌اند: «جوانی به مستی، پیری به سستی، پس خدا را کی پرستی؟».

لقمان رحمه‌الله فرمودند: «**در عمر جوانی کار دو جهانی راست کن**».

جوانی ارزش دارد که آن‌را به علم و عمل صرف کنید. بندگی را محکم کنید، تا در عمر بعدی و پیری به آن بهتر موفق شوید. التماس دعا دارم.

۲۳ جمادی‌الثانی ـ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۱۸۵

در ترغیب به تحصیل علم با عمل

(بنده مشغول تحصیل علوم دینی هستم و بسیار آرزو دارم شما را ملاقات کنم، امـا تـاکنون توفیـق حاصل نشده است. استاد! مدتی است درمیان خانواده‌ام اختلافات شدید پیش آمده است و بیماری‌هایی چون بخل، حسد، حرص دنیا و... و بنده خودم عاجز و در اعمال ضعیف هستم و... . مدتی اسـت در درس خواندن هم کم علاقه شده‌ام. امیدوارم از نصایح و راهنمایی مشفقانۀ خویش محروم نفرمایید).

وعلیکم السلام و رحمة اللّه و برکاته؛ امابعد:

خداوند کریم خانوادۀ شما را اصلاح فرماید و شما را به خیرها و نیکی‌ها موفق فرماید. وظیفۀ بنده دعا کردن است و قبول کردن در اختیار خداوند کریم است.

برای خواندن خود سستی نکنید و سعی کنید که علم با عمل گیرتان بیاید و برای اصلاح خود و خانواده و ملت جامعه درد به‌خور باشید. مزید التماس دعا دارم.

۲۳ جمادی‌الثانی ـ ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۱۸۶

به شخصی در ترغیب به تحصیل علم دینی

(بنده مشغول به تحصیلی علوم دینی می‌باشم و مدتی است که دعای حزب‌البحر را ورد می‌کنم و از پدر خود اجازه گرفته‌ام اکنون تقاضا دارم به بنده اجازۀ ورد و خواندن آن بدهید).

وعلیکم السلام و رحمة اللّه و برکاته؛ امابعد: برای طلب علم دین موفق باشید.

عزیزم! الآن وقت درس خواندن شماست و الآن بیشتر به علوم دینی بچسپید، وقت ورد و اوراد بعداً می‌آیند. همان اجازه که گرفته‌اید، کفایت می‌کند و تلاوت قرآن و درود شریف و تسبیحات کنزالدارین ص۱۶ و۱۷ را ورد و وظیفه کنید. مزید التماس دعا دارم.

۲۴ جمادی‌الثانی ـ ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۱۸۷

به ... در ترغیب به تحصیل علوم دینی و...

(چند عرض داشتم امیدوارم مرا ارهنمایی بفرمایید: ۱. مشکلات مالی من خیلی وخیم است و از این طرف درس، صرف و نحو من ضعیف است، به‌نظر شما آیا در تعطیلی درس بخوانم یا برای کار و حل مشکلات بروم؟ ۲. می‌خواهم به راه تصوّف بیایم، اسباب داخل شدن به این راه را معرفی فرمایید).

وعلیکم السلام و رحمة اللّه و برکاته؛ امابعد: عزیزم! برای خواندن کوشش کنید.

۱ـ عزیزم الآن شما در فکر تحصیل علوم خود باشید خداوند کریم زمانی‌که شما را علم

می‌دهد، همه مشکلات مالی و غیر مالی حل خواهند شد، فکر فردا را نکنید. در تعطیلات اگر درس خواندن میسّر شود، از کار و کاسبی ترجیح دارد.

۲ـ خداوند کریم شما را توفیق تصوف و عمل و اخلاص عطا فرماید. اسباب این راه، صحبت مرشد کامل است. مزید التماس دعا دارم.

۲۴ جمادی‌الثانی ـ ۱۴۲۲ هـ . ق .

مکتوب ۱۱۸۸

به ... که در مورد حل مشکل پرسیده بود

(بنده مشکلی دارم و آن این‌که هرکاری می‌کنم، جلو نفس را بگیرم، تا دو روز خوب مبارزه می‌کنم بعد از آن مثل روز اول می‌شوم، تقاضای راهنمایی دارم. خواب‌های: حفظ قرآن خواندن جلو استاد، نماز تراویح دادن و برای مردم سخنرانی کردن زیاد می‌بینم. برای ناچیز دعا بفرمایید).

وعلیکم السلام و رحمة اللّه و برکاته؛ امابعد: نامهٔ شما را ملاحظه کردم.

شما برای دفع مشکل خود بعد از نماز «**لاحول...**» شریف را صد یا پنجاه بار بخوانید و بعد از نماز عشا دو رکعت نفل نماز حاجت بخوانید و برای مشکل خود دعا کنید.

خواب‌هایی که دیده‌اید خوب و مبارک‌اند، موفق باشید. مزید التماس دعا دارم.

۲۴ جمادی‌الثانی ـ ۱۴۲۲ هـ . ق .

مکتوب ۱۱۸۹

در مورد ترغیب شخصی به علوم و عرفان

(الحمد لله درکنار تحصیل علم، کار دعوت و تبلیغ و ذکر و توجه بر لطایف را انجام می‌دهم. در حوزهٔ ما کمی پریشانی و جوّی اختلافی پیش آمده است و نیز بین پدر و مادر و برادرانم اختلاف آمده است. گرچه علاقهٔ شدید به درس خواندن دارم، اما شوق مطالعه ندارم. دعای کنزالدارین را هم می‌خوانم .

وعلیکم السلام و رحمة اللّه و برکاته؛ امابعد:

حال احقر بد نیست خداوند کریم شما را سالم دارد. نامهٔ شما رسید و ملاحظه شد و باعث

خوشحالی گردید. الحمد للّه که به‌خدمت دین و تحصیل علم و عرفان موفق شده‌اید، خداوند کریم من و شما را به همین امور تا دم موت موفق و مستدام دارد و بر آن قـدرت کامـل عطـا فرماید و متابع علم و عرفان برای من و شما واضح و روشن فرماید.

خداوند کریم اختلاف جوّ مدرسـه و پریشـانی خـانوادگی را بـه وجـه احسـن اصـلاح و برطرف فرماید و برای فراگیری علوم دینی و مطالعهٔ کُتُب دینی موفق گرداند، آمین.

خواندن حزب‌های کنزالدارین تأثیرات عجیب دارد، موفـق باشـید و بـرای قـوهٔ حـافظ و کمزوری اعصاب روزانه سر صبح ۵ عدد مغز بادام شیرین بخورید و در هر هفتـه یکبـار سـر خود را با روغن بادام مالش کنید. مزید التماس دعا دارم.

به مضمون این چهار بند شعر توجه فرمایید:

گفتا هر دل به عشـق ما بینا نیست — هـر جان صدف گوهرِ عشق ما نیست

سودای وصال ما تو را تنها نیست — لیکن قدر این قبا بهر بالا نیست

ما را نه خراسان نه عراق است مراد — وز یار نه وصل و نه فراق است مراد

با هیچ مراد جفت نتوانم شد — طاقم ز مرادها که طاق است مراد

۲۴ جمادی‌الثانی ـ ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۱۹۰

در مورد تحصیل علوم دینی و اتباع سنت و دوری از بدعات

(شما را در خواب دیدم البته به‌صورت حضرت مولانا محمدیوسف گشتی که من و چند نفر دیگر به‌همراه شما به‌جایی می‌رفتیم. شما امر فرمودید که جلو برو، اما من به‌احترام شما جلو نرفتم تا این‌که به تندی امر به جلو رفتن کردید در این وقت اطاعت کردم. در راه به چند درخت گز رسیدیم و چند سگ نیز بود که مردم را دنبال می‌کردند و دو نفر آن‌ها را گرفته بودند. بعد احساس کردم که رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم پشت درختان گز است، ولی او را ندیدم و سگ به طرف ایشان نگاه می‌کرد و به‌طرز عجیبی فریاد می‌زد و فرار کرد. عبدالحمید به شما سلام می‌رساند و تقاضای دعای خیر دارد).

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

نامهٔ شما رسید و ملاحظه گردید خداوند کریم به تحصیل علوم دینی موفق گرداند.

خوابی که دیده‌اید خوب است موفق باشید. درخت‌های گز، اعمال خیراند. سگ، شیطان و اعوان او هستند. هرکس که اتباع سنت نبی کریم صلی‌الله‌علیه‌وسلم را بکند ابلیس از او دور می‌شود و فرار می‌کند. لذا در اتباع سنت زیاد سعی کنید و از بدعات و رسوم خیلی احتیاط کنید و به دور باشید.

عبدالحمید را سلام برسانید. دعای خیر احقر هست، ولی شما در مورد بندگی و اتباع سنت سعی خود را به خرج بدهید. تنها إتکا به دعای این عاصی نکنید. مزید التماس دعا دارم.

۲۵ جمادی‌الثانی ـ ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۱۹۱

در مورد راهنمایی شخصی به ذکر و دارو برای معده

(بندہ نے گذشتہ سال مولانا محمد عارف اور مولانا اصغر علی ریگسری کے ہمراہی میں آپ خدمت اقدس میں تشریف لائے اور آپ کے دست حق پرست پر بیعت کی ہے الحمدللہ اب تک اپنی معمولات پر پابند ہوں دعا کریں اللہ تعالی مزید توفیق عطا فرمائیں۔ حضرت! جب اپنی معمولات شروع کرتاہوں ایک قسم کی ٹیھس اٹھتی ہے جو میرے پریشانی کا باعث ہے ہرچند اپنی سانس روکتاہوں تو بھی یہ تکلیفی برقرار ہے اور ناچیز کو معدہ کے بھی شکایت ہے، کوئی دعا یا دوا تجویز فرمائیں۔ رات کو عجیب و غریب خواب دیکتاہوں لیکن یاد نہیں رہتے ہیں۔ ہمیں دعاؤں میں یاد رکھیں)۔[1]

میری مخلص اور محترم! السلام علیکم ورحمۃ اللہ وبرکاتہ؛ امابعد:

احقر خیریت سے ہوں خداوند کریم آپ کو خیریت سے رکھیں۔ آپکا گرامی خط آکر موصول ہوا آپ کو خداوند کریم

۱- بنده سال گذشته به خدمت شما مشرّف شدم و بر دست حق‌پرست شما بیعت نمودم و الحمد لله تاکنون بر معمولات خود پایبندم دعای توفیق مزید بفرمایید. وقتی معمولاتم را شروع می‌کنم، یکنوع درد بلند می‌شود که باعث پریشانی است؛ هرچند نَفَس را بند می‌کنم، این ناراحتی برقرار است و ناراحتی معده هم دارم، دعا یا دارویی تجویز بفرمایید. در شب خواب عجیب و غریب می‌بینم، اما در ذهن نمی‌مانند. در دعاها یادم فرمایید.

اپنی ذکر وفکر کے توفیق عطا فرماوی اور اپنے معمولات پر پابند رکھی۔

ٹیھس کی اٹھنی سے پریشان نہو اس میں کوئے ضرر نہیں اگر سانس روکنے سے یہ حالت ہونی تو سانس روکنے سے احتیاط کریں۔ سانس چلتے ہوئے ذکر کریں کوئے پروا نہیں۔

معدہ کیلئے شہد کو صبح کے وقت بڑا چمچہ شہد چوتھا سا پیالہ میں ڈال دیں کچھ پانی بھی ملادیں اور نوش جان کریں یہ بہت مفید ترکیب ہے۔ خواہیں جو یاد رہوں لکھا کریں۔

خداوند کریم ہم کو او ر آپ کو عمل اور اخلاص کے توفیق عنایت فرماویں اور اپنی مقبول بندوں میں شامل فرماویں اور سعادت دارین نصیب کریں۔ مزید دعاؤں کے درخواست ہے۔ (۱)

۲۵ جمادی الثانی ـ ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۱۹۲

در مورد اصلاح افکار فردی و...

(نوشته بود: من در آخر نماز فکر می‌کنم و در هر عبادت که این نماز را الله تعالی هرگز قبول نمی‌کند و مرا عذاب می‌دهد و یا هر نوع عبادت دیگر که باشد. این ترس به قدر ی زیاد است که گاهی فشار سختی بر من وارد می‌کند و بسیار آزارم می‌دهد. و مشکل دیگر این‌که در وقت ذکر کردن نیز فکرهای گوناگون در ذهن می‌آید و یکنوع خستگی دست می‌دهد و ذکر خوب دل چسب نمی‌شود).

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

نامۀ شما رسید و ملاحظه شد خداوند کریم من و شما را به بندگی خود موفق فرماید.

عزیزم! این فکر چون سر به نومیدی می‌کشد، روا نیست. ناامید از رحمتش شیطان بـود نـه

۱- خلاصۀ جواب: نامۀ شما موصول شد. خداوند شما را توفیق ذکر و فکر عطا فرماید. ازآمدن درد پریشان نشوید و ضرری ندارد. اگر از نگداشتن نَفَس این حالت می‌آید، احتیاط کنید و با حالت ویل کردن نَفَس ذکر کنید که هیچ اشکالی ندارد. برای معده سر صبح یک قاشق بزرگ از عسل داخل یک استکان بکنید و مقداری آب مخلوط کنید و بنوشید، این یک ترکیب خیلی مفید است. خواب‌هایی که یاد داشته باشید، آن‌ها را بنویسید. خداوند کریم به ما و شما توفیق عمل و اخلاص عنایت و جزو بندگان مقبول شامل بفرماید و سعادت دارَین نصیب گرداند و التماس دعا دارم.

فرد مسلمان. باید این طور فکر کنی که عبادت من اگر چه از نبودن اخلاص و از فُقدان اطمینان، ارزش آن ندارد که قبول گردد، اما رحمت خداوند کریم بسیار است؛ اگر همین عبادات ناقصهٔمان را قبول گرداند، در خزانهٔ او کمی نیست. «هرگز قبول نمی‌کند» این لفظ در این مورد کلمهٔ کفر است. از آن بار بار توبه کنید. در حدیث وارد است که ایمان در میان ترس و امید است، نه ترس محض و نه امید محض که آن حرام و به کفر می‌رساند.

شما ذکر و عبادت را ادامه دهید از فکرهای گوناگون دست بردار شوید. خودتان متوجه افکار فاسد نشوید و اگر خود به خود بیایند و بروند، مضرّ نیستند و به دنبال آن‌ها نروید.

۲۵ جمادی‌الثانی ـ ۱۴۲۲ هـ.ق .

مکتوب ۱۱۹۳

به ... که در مورد طلب دعا و حل مشکلات نوشته بود

(مدت هفت سال است که دچار مشکلات، فقر، بُن‌بست و معلقی هستم. سال‌ها و روزها می‌آیند و می‌روند و در زندگی من گشایش و خیر و پیشرفت نمی‌آید و کاملاً سرگردان هستم، لطفاً به من دعا بدهید. در ضمن مادر من حضور مبارک (رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم) را در خواب دیده که به طرف مسجد محله می‌رود و می‌گوید: به نبی بگو به مسجد بیاید تا سرپایی خود را به او بدهم).

وعلیکم السلام و رحمة اللّه و برکاته؛ امابعد:

نامهٔ شما رسید و ملاحظه گردید. [اسم شما را] به جای «نبی‌بخش» «خدابخش» نوشتم متوجه باشید.

عزیزم! گشادگی و بستگی کارها را از طرف خداوند کریم بدانید غیر از الله کسی نمی‌تواند کار بسته را بگشاید یا گشاده را بُن‌بست کند.

خواب مادر شما خوب است. برای ادای نماز با جماعت و به اتباع سنت نبی‌اکرم صلی‌الله‌علیه وسلم سعی کنید و از بدعات خیلی احتیاط کنید. این دعا را بعد از هر نماز صد صد بار بخوانید: **«يَا لَطِيْفُ يَا وَهَّابْ»**.

۲۵ جمادی‌الثانی ـ ۱۴۲۲ هـ.ق .

مکتوب ۱۱۹۴

در مورد راهنمایی و ترغیب به ذکر و تعبیر خواب

(نوشته بود: ۱. استاد عزیز! بنده هم‌چنان به ذکر اسم ذات مشغولم فقط چیزی‌که مرا تهدید می‌کند، حواس پرتی است، ۲. به همراه مولوی عبدالحمید سیریازهی (رحمه‌الله) به خدمت شما آمدیم و شب را در مدرسه گذراندیم و خواب دیدم به مسجدی بزرگ رفتم برای نماز دیدم یک زن به طرف مشرق و یک مرد به طرف مغرب نماز می‌خواند، ۳. به مسجدی رفتم، مولوی عبدالحمید از حالم پرسید گفتم «مریضم» گفت: کتاب «خواص «ن»» را بخوان، ۴. بنده چندین سوره و آیات از قرآن یاد دارم و در شرکت بافت بلوچ کار می‌کنم و هروز یکبار این‌ها را می‌خوانم تا از یادم نروند، ولی چون صدای دستگاه‌ها است، صدای قرآن را فقط من می‌شنوم، با این حال آیا می‌توانم این را ادامه بدهم؟).

وعلیکم السلام و رحمة اللّٰه و برکاته؛ امابعد:

۱. خداوند کریم توفیق شما را به یاد خود افزون گرداند. از حواس پرتی در نماز یا ذکر یا عبادات دیگر دست‌پاچه نشوید که برطرف شدن حواس پرتی در عبادات مهمّ نیست. خداوند، کریم است که بندگی خود را با حواس پرتی در حضرت خود قبول می‌فرماید. شما فقط ادامهٔ ذکر کنید حواس را بگذارید هر جا برود اجازه دارد به شما ضرر وارد نمی‌کند بلکه خودش را خسته می‌کند

۲. این خواب شما مبارک است، مسجد، مرکز اسلام است و نماز خواندن زن به سوی مشرق، اشاره است که اکثر زنان امروزه از خط صحیح اسلام کنار می‌روند و به نسبت آن‌ها مسیر مردان به خط مستقیم نزدیک‌تر است.

۳. آن‌چه در جواب مولوی نامبرده گفتی: «مریضم»، مراد مرض روحی و معنوی است که ما همه در آن مریض هستیم. کتاب خواص «ن» اشاره به کتاب معنویت که عرفان است، می‌باشد و خواندن آن، عمل کردن است بر آن که شفای روحی و معنوی در آن موجود است.

۴. از آیات کریمات هر چه فرصت باشد، بخوانید و هرچه فرصت خواندنش ندارید، اشکال ندارد. مزید التماس دعا دارم.

۲۷ جمادی‌الثانی ـ ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۱۹۵

در مورد تعبیر خواب فردی

(ضمن افتخار از برقراری ارتباط حضوری و مکاتبه‌ای که به دفعات مزاحم شده‌ام، تمنا دارم که خواب زیر را استثناءاً به صورت کامل و مشروح عنایت فرمایید. سرزمینی‌که خواب دیدم، منطقۀ شما بود که با تعدادی روی بلندی ایستاده بودیم که یک دفعه رئیس جمهور به طرف پایین می‌آمد گفتم: آقای رئیس جمهور!، ایستاد. به‌طرفش رفتم وگفتم دست را بر پشت من بزن و برایم دعا کن (احتمالاً این دعا گفتم که «خدا از من راضی باشد» یا «من موفق شوم») گفت: به‌خدا قسم هیچ وقت نخواستم پای در رضوان پیامبر بگذارم بعد بر پشت من زد و دعا کرد. بعد به بالا رفتم و راه خود را ادامه دادم و یک شخص روحانی دیدم که به فکرم مولانا دامنی قدس‌سره بود. در ذهنم آمد که از طریق ایشان می‌توانم با مولانا محمّدعُمر (رحمه‌الله) ارتباط برقرار کنم و به منزل‌شان برسم...).

عزیزم پهلوانی السلام علیکم و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

در تعبیر خواب شما آن‌چه در فکر بنده می‌آید این‌ست: زمین بلند و کوه مانند، سنگر حفاظت و ترقی جنابعالی است در مراماتی‌که در طلب آن هستید و دیدن مانند زمین بنده، اشاره به حُسن عقیدۀ شما با ماحول و روش بنده هست. نزول رئیس جمهور از بالا به پایین، اشاره به محکم شدن و ریشه زدن مقام ایشان است. اولاً او در سنگر مقام ریاست بوده و هست و در آخرین مرحله ایشان به پُست و مقام محکم‌تری مستقر می‌گردد و ریشۀ محکم پیدا می‌کند و طلب دعا و به پشت زدن شما، اشاره به تحصیل کسبی بالاتر از آن است که هستید. نگذاشتن پای در رضوان پیغمبر، خلاف سنت و عقیدۀ اوست در حق صحابه‌ی پیامبر علیه‌السلام که خلاف رضوان پیامبر اسلام است. بالای کوه رفتن شما، ترقی شما در عقاید دینی است و آن شخص روحانی فردی مثالی بود که برای تشویق شما نمایان شد. واللّٰه اعلم بالصواب.

مزید خیر است و التماس دعا دارم.

۲ رجب المرجب ـ ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۱۹۶

در مورد یک مسأله و یک مشوره

(۱. در کتاب «اهمیت ریش» نوشته است: «تاپ جوانان مکروه است» آیا تراشیدن موی گردن هم داخل است یا فقط نصف سر را تراشیدن؟ ۲. الآن که گناه عام شده است، من با چند نفر می‌خواهیم روستا و شهر را ویل کنیم و به‌کوه‌ها برویم، در این مورد به ما مشوره بدهید).

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد: نامهٔ شما رسید و ملاحظه شد.

۱. مراد از «تاپ» تراشیدن موی گردن نیست بلکه تراشیدن موی گردن جایز است. «تاپ» آن‌ست که از مهرهٔ کنار گوش به بالا تا سوم حصهٔ سر یا کم و بیش را می‌تراشند یا کوتاه می‌کنند، این مکروه است.

۲. آن‌چه ارادهٔ رفتن به کوه‌ها کرده‌اید، اگر در کوه خواندن علم دین و نماز با جماعت برقرار باشد، بد نیست و خوب است و اگر نه پس در شهر نشستن و تحصیل علم و از فتنه‌ها دور شدن بهتر است.

۲ رجب المرجب ـ ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۱۹۷

در مورد تعبیر خواب شخصی

(نوشته بود: مدت چهار ماه است که بیعت کرده‌ام و در این مدت چند خواب دیده‌ام: ۱. خواب دیدم کنار آب جو مقداری پول پیدا کردم، ۲. ما به عنوان جماعت یک‌جا رفته بودیم و این به ذهن می‌رسد که پیراهن‌های ما بیرون است و در آبی بسیار زلال آب‌تنی‌می‌کنیم، ۳. پیش شما در میهمان خانه آمده بودم و پرده‌ای سفید بود که همدیگر را می‌دیدیم و از شما سؤال می‌کردیم، ۴. مولانا مرحوم دامنی رحمه‌الله را در خواب دیدم که در بیمارستان بود و خیلی احساس ناراحتی و درد می کرد. بعد گویا به ملاقات مجدّد می‌رویم و یکی از دوستان با موتور آمد من گفتم من راننده می‌شوم...).

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

نامهٔ شما رسید و ملاحظه گردید. برای ادامهٔ ذکر و عبادت و تشکیل به جماعت موفق باشید. خواب‌هایی که دیده‌اید خوب‌اند.

۱ـ پول از آب بر آوردن، اشاره است به باهم کردن کار دین با کار دنیا.

۲ـ این خواب خیلی مبارک است. بیرون کردن لباس و آب‌تنی در آب زلال، اشاره به توبه کردن از اعمال بد اولین و داخل شدن در آب، اشاره است به داخل شدن در فیض و رحمت الهی که در تبلیغ حاصل می‌باشد.

۳ـ این خواب هم خواب خوبی است.

۴ـ خواب دیدن مولانا مرحوم دلیل حسن اعتقاد شما به ایشان و علما و ارتباط قلبی است با آن‌ها. سوار شدن بر موتور و راننده بودن در آن مبارک است. التماس دعا دارم.

۴ رجب المرجب ـ ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۱۹۸

در مورد توجیه احوال و تعبیر خواب شخصی

(نوشته بود: از روزی‌که بیعت کرده‌ام، احساس سنگینی می‌کنم و همیشه ناراحت و در این فکرم که گناه‌کار بزرگی هستم. یک روز با خود گفتم اگر از لقاء الله و رسولش محروم شوم، بدبخت‌ترین انسانم و خیلی گریه کردم. چند خواب هم دیده‌ام: ۱. دیدم یکی از آشنایان شخصی را طناب در گردن گرفته و محکم می‌کشد من از او خواهش کردم، آزادش کرد، ۲. دیدم یک عقاب سفید با آواز پرندگان گفت: ای مرغ‌ها پنهان شوید وگرنه تمام شما را می‌خورم که همه پنهان شدند تا این‌که به خانهٔ ما آمد و خواست مرغ‌های ما را شکار کند، دست مرا گرفت من با دست دیگر گلوگیرش کردم و خواستم خفه‌اش کنم، ۳. دیدم به مسجد می‌روم و مسجد دور بود و دو راه داشت یکی دور و یکی نزدیک ولی تاریک وگودال بود من یواش یواش رفتم که تا هوا روشن شود و به نماز صبح برسم).

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

نامهٔ شما ملاحظه شد. عزیزم احساس سنگینی بد نیست این هم حالی است از احوال تصوّف که بر سالک و صوفی خرابی و ضرر ندارد و این فکر که خود را گنهکار می‌دانی، هم خوب است. این حال را حال عجز و ندامت گویند. گریه هم حالی مبارک است که از نوع نیاز و تواضع است.

خواب‌هایی که دیده‌اید خوب‌اند. ۱. این گلو گیر، جنّی فاسد بود که مرد مسلمان را آزار

می‌دهد و به وسیلهٔ شما آزاد شد.

۲ـ عقاب، پادشاه ظالم و بی‌دین است. ممکن است که آمریکـای منحـوس باشـد کـه در موضوع بلایی که بر سرش آمده است، تمام ملت‌ها را تهدید می‌کند و آخر گلوگیر و ناکـام خواهد شد و خود جنابعالی، اشاره به قدرتی اسلامی هستید.

۳ـ راه مسجد، راه عرفان است که تا به‌حال از شما دور است و امید است که اگر به معنای صحیح آن‌را ادامه بدهید، به جایی می‌رسید.

خداوند کریم ما و شما همه را موفق فرماید و التماس دعا دارم.

۴ رجب المرجب ـ ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۱۹۹

به شخصی در جواب چند سؤال که پرسیده است

(۱. در وقت دعا همه گریه می‌کنند، ولی مرا اصلاً گریه نمی‌آید، ۲. درس‌ها از یاد من خیلی زود می‌روند، ۳. قرآن هرچه یاد کنم، بعد از چند روز از یاد می‌رود، . در زمان ذکر اصلاً فکرم به طرف قدرت خداوند نیست، ۵. زمانی‌که کار نیکی انجام دهم، شیطان خیلی وسوسه می‌آورد).

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد: نامهٔ شما رسید و ملاحظه شد.

۱ـ گریه کردن کمالی نیست که انسان به نبود آن افسوس بخورد، بلکه کمال در ادامهٔ ذکر و اتباع سنت است.

۲ـ بسیاری دیگر هم مثل تو هستند.

۳ـ مثل تو در این مورد بسیاراند محل تأسف نیست.

۴ـ متوجه شدن در ذکر لازم نیست، ادامه مهم است.

۵ـ ما همه مثل شما هستیم پس چه کار کنیم!.

۱۲ رجب ـ ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۲۰۰

در مورد جواب سؤالات شخصی

نوشته بود: ۱. چگونه و با چه اعمالی اهمیت نماز، قرآن، خدا و علم دین در دل داخل می‌شود؟ ۲. انسان چه کار کند تا دوستی علمای ربانی در دل پیدا شود؟ ۳. هیبت و ترس مردم چگونه از دل خارج می‌شود؟ ۴. یکی از طلاب که درس را با روحیه و یقین کامل و بدون تکلّف بیان کند، برداشتم نمی‌شود و بدم می‌آید چون خودم نمی‌توانم، چه‌کار کنم؟ ۵. کدام یک از مدارس پاکستان دارای معنویت و روح و منبع شرع و طریقت هستند که استعداد خداجویی پیدا شود؟ ۶ برای برادرم دعا کنید تا با علما و صلحا رابطه کند و اهمیت معنویت در دلش بیشتر باشد، ۷. اسم علما و صلحای کشورمان را نام ببرید تا به ملاقات‌شان بروم، ۸. با چه اسبابی إنابت و پشیمانی در دل پیدا می‌شود؟

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ اما بعد:

۱ـ این همه به برکت کثرت و ادامهٔ ذکر الله به دست می‌آیند.

۲ـ با کثرت ذکر و مطالعه.

۳ـ با کثرت ذکر و قوهٔ یقین و توکل بر خداوند کریم.

۴ـ به قضای خداوند راضی شوید و یقیناً بدان که این نعمت از او نیست بلکه خدا به او داده است و ضرور خداوند کریم او را لایق دیده و مرا اهل آن ندیده است. کار خدا بدون حکمت نیست.

۵ـ لا أعلم و الله اعلم.

۶ـ خداوند کریم من و شما و برادر شما و همه امت را توفیق گرایش به دین عطا فرماید.

۷ـ از دیگران پرسان کنید.

۸ـ به کثرت ذکر و تلاوت و تکرار لاحول و درود شریف.

۱۲ رجب ـ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۲۰۱

در جوابات چند سؤال شخصی

۱. می‌خواهم مرید شما بشوم، مرا راهنمایی کنید چه کار کنم؟ ۲. پدر دلسوزم! مرا فقط به شاگردی قبول کن به آن ذاتی من و شما را پیدا کرده. دلم اصلاً دنیا را نمی‌خواهد و می‌خواهم در

گوشه‌ای بنشینم و بر گناهان گریه کنم، ۳. التماس دیگر این‌که من برای شما همیشه دعای خیر می‌کنم، شما هم حتی برای یکبار هم برایم دعای کنید.

وعلیکم السلام و رحمة اللّه و برکاته؛ امابعد:

عزیزم! در ابتدای نامه، نوشتن «بسم اللّه» ثابت است و نوشتن کلمهٔ طیبه ثابت نیست.

۱ـ برای مرید شدن اول استخاره کنید، اگر موفق شدید بیایید بیعت کنید. برای تحصیل علوم و فراگیری آن کوشش کنید الآن زمان تحصیل علم شماست و آن از هر چیزی برای شما مهم‌تر است.

۲ـ در این بُرهه [از زمان] برای شما گوشه‌گیری مناسب نیست، بلکه زندگی در جامعه به خاطر تحصیل علوم دینی از همه چیز بهتر و مهم‌تر است.

۳ـ خداوند کریم شما را به مرضیات خود موفق گرداند.

۱۲ رجب المرجب ـ ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۲۰۲

در ترغیب شخصی به بنای مکتب و ادامهٔ ذکر

وعلیکم السلام و رحمة اللّه و برکاته؛ امابعد:

بنای مکتب یا مدرسه برای تحصیل و تعلیم علوم دینی از مهم‌ترین خدمات و عبادات است، موفق باشید.

خواب دیدن و در تصور آمدن انبیا و اولیا وصُلحا خیلی مبارک است موفق باشید. خواب دیدن علما هم خوب است. به اذکار خود ادامه دهید. مزید التماس دعا دارم.

۱۳ رجب المرجب ـ ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۲۰۳

در مورد جواب پرسش‌های شخصی

(۱. زمانی‌که به نماز می‌ایستم یا درس گوش می‌کنم، فکرم جمع نمی‌شود و به هر طرف می‌رود، ۲. حافظه‌ای ضعیف دارم و درس را خوب نمی‌فهمم، راهنمایی فرمایید، ۳. با چه چیزهایی تقویٰ در

انسان می‌آید؟ ۴. اگر امامی حروف قرآن را اشتباه بخواند و علم هم نداشته باشد، امامت او چطور است؟ ۵. آیا حضرت خضر علیه‌السلام زنده است؟ ۶. نام اصلی سیبویه و أخفش کیست؟).

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

۱ـ فکر هر بنده در عبادات همین طور است الا ماشاء الله و این مضرّ به عبادت نیست و به دنبال آن نباید افتاد.

۲ـ خداوند کریم حافظه‌ای قوی عطا فرماید.

۳ـ از ترس خدا و کثرت ذکر الله و خوف آخرت، تقوٰی به وجود می‌آید.

۴ـ اگر شکنندهٔ نماز به وجود نیاید، نماز صحیح است ولی این را امام دایمی نکنند و امام باید سعی بکند که صحیح بخواند.

۵ـ بنده از حال خضر معلوم نیستم بعضی زنده و بعضی مرده گفته‌اند.

۶ـ در این مورد به «کشف‌الظنون» و «معارف ابن‌قتیبه» مراجعه کنید. اسم اصلی «سیبویه» «عمرو بن عثمان» است و «أخفش» سه تا هستند. «أخفش» نحوی که او را «أخفش اصغر» می‌گویند اسم اصلی او «سعید بن مسعده» است و با «سیبویه» هم عصر بودند و در سنهٔ ۲۱۵ هـ فوت کرده است.

۱۳ رجب المرجب ـ ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۲۰۴

به شخصی در پاسخ به چند پرسش که پرسیده بود

(۱. بعضی از سوره‌های قرآن را حفظ می‌کنم، اما زود حفظ نمی‌شوند و زود از یاد هم می‌روند، ۲. بعد از عصر که ذکر کنم، سرم گیج شده و درد می‌کند و الآن کم ذکر می‌کنم، ۳. کسی‌که مثلاً سجدهٔ طولانی می‌کند در غیر از نماز، چه دعایی بخواند؟ دعایی مخصوصی هست؟ ۴. اگر کسی عیبی داشته باشد البته از جانب الله است و می‌خواهد پوشیده بماند، چه‌کار کند؟ ۵. بنده دلم می‌خواهد تفسیر، حدیث، فقه، صرف و نحو بخوانم و دیگر علمی نخوانم، نظر شما چیست؟ ۶. اولیا، ابدال، اوتاد، ابرار و... در دنیا موجوداند یانه؟ مقام آن‌ها را به‌ترتیب بنویسید و چندتا اولیا و اوتاد و... موجود است؟).

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

۱ـ خداوند کریم حافظۀ شما را قوی گرداند.

۲ـ خداوند کریم به ذکر خود موفق گرداند.

۳ـ دعایی مخصوص نیست هر چه دلش بخواند دعا کند.

۵ـ اگر دیگرها را بخوانی هم خوب و بهتر است و اگر نمی‌توانی، همین‌ها را بخوان.

۶ـ بنده از حال این‌ها آگاه نیستم و از این‌ها خبری ندارم و اگر کسی از این‌ها معلوم شد، بنده را معلوم کنید تا من هم بدانم.

۱۳ رجب المرجب ـ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۲۰۵

در مورد تعبیر خواب شخصی

(دو سه بار است خوابی می‌بینم، ناراحتم و شاید در من کمی وکاستی هست. خواب دیدم وارد مسجد بزرگی شدم و جلو رفتم و مقتدیان پشت‌سر من جماعت کردند و نماز تمام شد، اما در وقت نماز دیگر که می‌روم، مردم جماعت نمی‌کنند و درحالت سکوت و آرامش به من نگاه می‌کنند تا نماز تمام می‌شود).

عزیزم ملا طالب‌علم مدرسۀ تعلیم‌القرآن رحمانی!

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

این خواب مهمّ نیست. این خواب اشاره است که شما در مقام امامتی تا به حال کامل نیستی. کوشش کن تا کامل بشوی. دیگر خیر است.

۱۴ رجب المرجب ـ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۲۰۶

در راهنمایی فردی به کتاب‌هایی در مورد زندگی حضرت حسنین

(نوشته بود: این مسئولیت پرخطیر بر عهدۀ علمای کرام نهاده شده که امت محمدی را به صراط مستقیم هدایت نمایند و تلاش نمایند تا دشمنان قدرت آن‌را نداشته باشند که تیشه به ریشۀ

امت اسلامی بزنند. بنده در کتابخانه‌ها چند بار سر زده‌ام تا کتابی دربارۀ دو شه‌زادۀ حضرت رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم (حضرت حسن و حسین رضی‌الله‌عنهما) بیابم، اما موفق نشدم البته چند کتاب کوچک یافتم که کفاف سؤالات مرا نکرد. چنان‌که اطلاع دارید شرح زندگی این بزرگواران در کتاب‌ها موجود است، ولی عامۀ مردم دسترسی ندارند، لذا اگر چنین کتابی موجود است، راهنمایی فرمایید و اگر ندارد، لطفاً با قلم مبارک خود با تحقیقات کلی و جزئی در این مورد بنویسید).

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

خداوند کریم ما و شما همه را توفیق خدمت دین به وجه احسن عطا فرماید و دشمنان دین را زبون کرده و روز به روز اسلام را پیروز گرداند.

در مورد زندگی نامۀ این دوشه زاده ضرور در این امت کتاب‌ها در زبان‌های مختلف نوشته شده است البته نزد بنده در این مورد کتابی نیست. سراغ آن‌ها را از پاکستان، کتابخانۀ اسحاقیه جویا شوید، امید است که به شما برسد. خودم الآن پیر مرد و پست حوصله و کم فرصت شده‌ام البته دیگران را به این کار ترغیب می‌کنم. مزید التماس دعا دارم.

۱۴ رجب المرجب ـ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۲۰۷

در مورد تعبیر خواب و دلجویی شخصی

(غرض از مزاحمت این‌که پدر بزرگ من بنام حاج ملا احمد خیلی پیر و مسنّ و از اهل طریقت است و خیلی مشتاق دیدار شما. خواب شما را دیده است به این شرح: مولانا (یعنی شما) را دیده که چهره‌ای صاف دارد که از پیری پوست آن جمع نشده و ریش سفید تقاضا کردم مرا از این آب بدهید، نداد من هم پای خود را در جوی آب زدم و پرسیدم چرا به منطقۀ ما نمی‌آیید؟ گفتند: من به جایی نمی‌روم. حالا شما را سلام می‌رساند و می‌گوید به منطقۀ ما بیایید، کرایۀ راه را من می‌دهم)

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

پدر بزرگ خود را از جانب احقر سلام عرض کنید و برای بنده از او التماس دعا کنید. خوابی که دیده‌اند، مبارکست. دیدن بنده در خواب، نشانۀ از محبت قلبی و ارادت روحی است. [می گویند:] «دل را به دل رهی‌ست». آب زلال، فیض سلسلۀ نقشبندیه بود که ایشان از

آن بهره بردار شدند و غاییانه به او فیض می‌رسد.

احقر فرصت مسافرت ندارم و از ایشان جهت وعده به ادای کرایه خیلی ممنون و متشکرم. اگر آمدن بنده بشود، نیاز به کرایهٔ کسی ندارم که خداوند غنی بنده را غنی کرده است.

۱۴ رجب المرجب ـ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۲۰۸

در تعبیر خواب فردی

(۱. رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم را در خواب دیدم که به خانه‌ام تشریف آورد درخواست ملاقات کردم، به من اجازه ندادند که استراحت می‌کند و در وقتی دیگر بیا، ۲. مولانا عبدالعزیز زاهدانی رحمه‌الله را در خواب دیدم به من وصیت کرد لاحول را به کثرت بخوانم، ۳. دو پاره ابر بر آسمان به صورت انسان و در برابر هم دیدم که یکی نر و یکی ماده بود و همدیگر را می‌بوسند و عشق می‌کنند).

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد: خواب‌های شما همه مبارک و خوب‌اند.

۱ـ نرسیدن اجازه، به علت ضعف مناسبت است به ایشان و سنت ایشان.

۲ـ دیدن مولانا مرحوم (رحمه‌الله)، لطیفه‌ای از لطایف روحانی بود که شما را به خیر تلقین و راهنمایی کرد.

۳ـ این دو ابر، دو حکومت یا دو عالم ربانی هستند؛ یکی قوی‌تر و دیگری کمزورتر که هر دو با هم اتفاق می‌کنند برای نابود کردن ثالثی، والله اعلم بالصواب.

۱۵ رجب المرجب ـ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۲۰۹

در مورد راهنمایی شخصی در بعضی امور

(۱. بنده امراض روحانی دارم، اگر نیاز به ذکر دارم، راهنمایی کنید، ۲. فکرم در نماز جمع نمی‌شود، ۳. زیاد فراموش می‌کنم، ۳. در وضو و در پاکی و شستن لباس‌ها وسواس دارم، ۵. راهنماییم کنید در منطقه چگونه کار کنم تا مردم زودتر از بدعات خارج شوند و به‌طرف سنت رهنمود شوند؟ در این مورد وقتی صحبت می‌کنم، مرا مسخره می‌کنند که دیگر چه چیز بدعت شده!).

وعلیکم السلام و رحمهٔ الله و برکاته؛ امابعد:

۱. بر اذکار کنزالدارین ص۱۶ و ۱۷ عمل کنید.

۲ـ اگر فکر جمع نشود، اشکال ندارد.

۳ـ خداوند حافظه عطا فرماید.

۴ـ وساوس را بگذار.

۵ـ به نرمی و ملایمت تبلیغ کنید. به تمسخر مردم متوجه نشوید، صبر و استقامت نشان دهید و به حکمت و تدبیر وعظ کرده باشید.

۱۵ رجب المرجب ـ ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۲۱۰

در ترغیب به ذکر لطایف و ضرورت آن در مراقبات

(نوشته بود: بنده نمی‌دانم نامه‌های شما چرا به مقصد نمی‌رسند. من از رمضان گذشته فقط یک نامه دریافت کرده‌ام، لطف کنید نامه‌ها را با پست سفارشی بفرستید و محبت فرمایید نامه‌ای به یکی از طلبه که در تعطیل به نیل‌آباد تربت‌جام می‌آید، بدهید. همان طور که قبلاً نوشتم، مراقبهٔ لطایف را همزمان انجام می‌دهم، اما مترددم هستم که در مورد ذکر لطایف چه‌کار کنم آیا اذکار تمام شده‌اند یاخیر؟ اگر تمام نشده‌اند، چطور مرور شوند؟ در ذکر مراقبات رو به قبله می‌نشینم و می‌گویم فیض از ذات بی‌چون می‌آید و همین صورت آرام می‌نشینم بر هر لطیفه ۵ الی ۱۰ دقیقه. طریق کار چطور است؟).

مخلص و محترم بنده جناب الحاج خویردی زاد عرفانه السلام علیکم و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

حال بنده بد نیست خداوند کریم جنابعالی را با بستگان صحیح و سالم و با فیوض عرفانی و ایمانی سرگرم فرماید.

نامه‌ای که در ۸ رجب مطابق مورخه ۸۰/۷/۴ تحریر فرموده بودید، در تاریخ ۲۳ رجب به دستم رسید و به محض رسیدن، جوابش را نوشتم و همه نامه‌های جناب را جواب کرده‌ام نمی‌دانم چرا نمی‌رسند! شاید این از ... باشد؛ چون نام‌های بنده را از کردستان توقیف کرده‌اند شاید از شما هم همین طور باشد و اگر نه از اینجا حتمی پست شده‌اند. نامه‌های شما همه رسیده و جواب شده‌اند.

عزیز محترم! الآن که به مراقبات مشغول شده‌اید، ادامهٔ اذکار لطایف مهم‌تر است؛ زیرا ریشهٔ مراقبات، از اذکار محکم می‌گردد. در هر لطیفه مثل اول ذکر را ادامه دهید. اگر مثل اول فرصت ندارید، نصف اول را انجام دهید: مثلاً اگر اول بر هر لطیفه ۵۰۰۰ بار ذکر کرده‌اید، ۲۵۰۰ بار ذکر بکنید.

طریق مراقبه همین است که نوشته‌اید، اشکال ندارد و صورت و راهنمایی مراقبه را از خلاصة التصوف أخذ کنید و به همان طریق مراقبه کنید.

بنده انتظار تشریف آوری شما را کردم تا آخر نومید شدم. از جانب بنده توجهات روحی و معنوی به سمت شما إن‌شاء الله تعالی در ارتباط هست شما هم متوجه باشید.

می نداند عشق سال و ماه را	**نزد و دور و دیر و زودِ راه را**
سیر سالک هر شبی یک روزه راه	**سیر عارف هر دمی تا تحت شاه**
سال و ماه و روز و ساعت نزد ما	**همچو یک لحظه شمُر ای یار ما**
سیر روحی شد به سرعت ای عزیز	**صد برابر بیش از نوری لذیذ**
روز و شب می کوش تا بهره بری	**از رموز عارفان آن دری**

ع. و دیگر بستگان را سلام عرض است. حاج آقا موسوی و سربوزی را اگر ملاقات کردید، سلام عرض کنید.

۲۳ رجب المرجب ـ ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۲۱۱

در جواب خواهری در تبریک عروسی و راهنمایی به ذکر و جواب چند سؤال

۱. عذر می‌خواهم چون مدت زیادی است نامه ننوشته‌ام، ۲. بعد مسألهٔ عروسی پیش آمد و روم نشد نامه بنویسم تا این‌که آقای خویردی را دیدم او مرا برآن داشت که نامه بنویسم و من هم واقعاً دریافتم که ارتباط با شما چه قدر مؤثر است؟ ۳. می‌خواستم بپرسم آیا من هم می‌توانم جزو بندگان خوب خدا باشم؟ چون آن قدر گناه کرده‌ام که می‌ترسم خدا مرا نبخشد و چند بار عهد را شکسته‌ام و احساس می‌کنم خداوند هم از من خسته است، ۴. اگر پدر و مادر شوهر اخلاق‌شان خوب نباشد و عروس تحمل کند و به شوهر نگوید، آیا ثوابی به او می‌رسد؟

به نام آنکه نامش حرز جان‌هاست ثنایش جـوهـر تـیغ زبان‌هاست

دختر محترمه و عفیفه! وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

۱. نامهٔ شما رسید و از یادآوری‌تان ممنونم. از دیری نامه نویسی متأسف نشوید بلکه إرتباط قلبی محکم داشته باشید و آنرا افزون کنید. نامه به وقت فرصت بنویسید، اشکال ندارد و علت تأخیر جوابات از طرف بنده این است که بنده در این دو ماه فرصت جواب نامه‌ها را ندارم؛ در شعبان به علت نبودنم در یک جا و در رمضان به علت هجوم وظایف مهمّ‌تر.

۲. شما را اولاً به عروسی طبق سنت تبریک می‌گویم و خیلی خوشحال شدم و برای نعمت اولاد و اصلاح اولادتان دعا می‌کنم. دستورات جناب خویردی را واجب العمل دانید. ایشـان نزد بنده خیلی محترم و مخلص‌اند و ایشان را از ته قلب دوست می‌دارم.

۳. پرسش شما که من هم می‌توانم جزو بندگان خوب خداوند بشوم، به نظر بنده از خانمی با سواد مثل شما خیلی تعجب آور است. مگر نمی‌بینی که خداوند قدوس کفار و گبرها را به یک لحظه با توبه از کفر صد ساله مؤمن می‌کند و همه کردهٔ آن‌ها را مـی‌بخشـد و در قـرآن بارها اعلان می‌فرماید که اگر هر قدر گناه کرده‌اید و بر نفس خود ظلم نموده‌اید، از رحمـت من ناامید نشوید که من بخشنده و مهربانم. نزد باری تعالی خستگی معنایی ندارد بلکـه عقیـدهٔ خستگی در حق او، کفر است؛ زیرا در قرآن خود بارها اعلان فرموده است که من به هیچ امر خسته نمی‌شوم و به یک «کن فیکون» تمام امور انجام می‌گیرند. بلکه مجرم وقتی که مراجعه به توبه کند، از اولیاء هم به رحمت خداوند کریم نزدیک‌تر می‌شود. عارف شیرازی چه خوش سروده است:

نصیب ماست بهشت ای خداشناس برو که مستحق کرامت گناه کارانند

در جایی دیگر می‌گوید: «**کمر کوه کم است از کمر مور اینجا**».

دیگری فرموده است:

باز آ باز آ هر آن چه هستی باز آ گر کافر و گر بت پرستی باز آ

صـد بـار اگـر توبه شکستی باز آ این درگـه ما درگه نومیدی نیست

در آینده از این حرف‌های پوچ احتیاط کنید. جبـران همـه گنـاه‌هـا فقـط توبـهٔ خـالص و تصمیم‌گیری برای بندگی و عبادت وکثرت ذکر الله است. بـرای ذکـر قلـب و لطـایف هـم

کوشش کنید و اگر مشکلی پیدا شد، بنویسید.

۴. این زن که در این موارد صبر و پرده پوشی می‌کند، در آن لحظه او را اجر یک نفر غازی و مجاهد فی سبیل اللّه می‌رسد.

خداوند کریم فرزند شما را صالح و آمدنش را سهل و مبارک فرماید و خداوند کریم در دنیا و آخرت او را قبول بفرماید.

مزید التماس دعا دارم و شما را به خداوند کریم می‌سپارم.

۳۰ رمضان ـ ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۲۱۲

در تسلّی و ترغیب به حوصله کردن در مشکلات

(امیدوارم سلامت باشید و هیچگونه کسالتی عارض نشود. از این‌که نمی‌توانم به دست بوسی شما برسم، شرمنده‌ام؛ زیرا آن قدر مشکلات زندگی دارم که خداوند کریم می‌داند. امیدوارم از درگاه خداوند کریم دعا بفرمایید تا خداوند نظر لطف نماید و به احترام شما این مشکلات را از سر راه من بردارد)

وعلیکم السلام و رحمة اللّه و برکاته؛ اما بعد:

نامهٔ شما رسید و جوابش به تأخیر نوشته شد. خداوندکریم مشکلات شما را حل فرماید و خار و خس سر راه شما را بردارد. خداوند کریم شما را به بندگی خود موفق گرداند.

عزیزم! ارزش دنیا نزد خداوند کریم خیلی حقیر است، بر من و شما خداوندکریم رحم فرموده و به طاعت و بندگی خود موفق گرداند. بنده برای حل مشکلات دعا می‌کنم، إجابت از خداوند کریم است.

۰ رمضان ـ ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۲۱۳

در پاسخ طالبی در طلب مشوره

(بنده تا کلاس دوم اعدادی خوانده‌ام و می‌خواهم سال آینده حفظ بخوانم. والدین و برادرم راضی‌اند، ولی حافظه‌ام ضعیف است، می‌خواستم از شما مشوره بگیرم، راهنماییم کنید. آیا خواندن تهجد بعد از نماز عشا قبل از وتر درست است؟ و دیگر این‌که مادرم مریض است عاجزانه نقاضا دارم دعا بفرمایید).

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

به نظر بنده حالا برای شما ادامهٔ درس خود بهتر است. با حافظهٔ ضعیف حفظ قرآن مشکل است، خدا نکرده این امر باعث ترک هر دو نشود. «**گفتم که صید گیرم خرگوش زدست رفت**».

تهجد بعد از نماز عشا قبل از وتر هم درست است.

خداوند کریم مادر شما را شفای عاجل و کامل ببخشد.

۰ رمضان ـ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۲۱۴

به فردی در راهنمایی به طریق مشوره و پاسخ به چند سؤال

(بنده در چند مورد می‌خواستم از شما استرشاد کنم: ۱. من بنابر عدم برنامه ریزی، در هر زمینه؛ عبادت و دروس شکست خورده‌ام، ولی حالا می‌خواهم با برنامه ریزی منظم پیش بروم، لطفاً در مورد برنامه ریزی ارشادات لازم بفرمایید، ۲. کتاب‌های زیادی دارم، اما علاقه‌ای به مطالعه نـدارم، بـرای بدست آوردن شوق مطالعه چه کنم؟ ۳. شدیداً با وساوس شیطانی در جنگم و زندگی را صعب کرده، تعویذی بدهید، ۴. با یکی از همکلاسی‌ها حسادت دارم و بنابه گفتهٔ استاد غزالی: هرگاه به او نعمتی می‌رسد، خود را خوشحال می‌گیرم و تا حدودی این مرض رفع شده، اما چه کنم تا از بین برود؟).

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

۱ـ در مورد برنامه ریزی هر امری از امور اولاً لازم است که فـرد عامـل خـودش تصـمیم بگیرد و یک نوع برنامه طی کند، بعداً از دیگران در مورد صـحیح و سـقیم بـودن آن مشـوره بگیرد نه این‌که دیگران برای ما فی الضمیر او برنامه ریزی کنند.

۲ـ برای وجود شوق مطالعه از خداوند کریم دعا کنید.

۳ـ دفع وساوس به تعویذ نمی‌شود علاج آن ترک وساوس و تحویل نگرفتن آن‌هاست.

۴ـ علاج این مرض همان است که حضرت امام غزالی نوشته است. هیچ مرض معنوی به معالجه از بین نمی‌رود البته از تندی به نرمی مبدل می‌گردد. شما را به خدا می‌سپارم.

یکم شوال ـ ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۲۱۵

در پاسخ فردی در تشخیص مرض او

(بنده مرضی دارم که خودم هم دردم را نمی‌دانم و متخصصان نیز عاجز شده‌اند. به محض میل کردن اشیای نوشیدنی ادرار بر من فشار می‌آرد و حتی نیم ساعت هم صبر کردن مشکل است و دوم: به خوردن هرنوع غذا معده‌ام مضطرب شده و نفخ شدید بوجود می‌آید، به دارویی راهنمایی بفرمایید....).

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

مرضی که داری، نوعی از مرض قند است که در عربی آن‌را «ذیا بَیْطِسْ» می‌گویند و در هندی هم به همین نام یاد می‌کنند. اصل این مرض ار اثر فساد معده پیدا می‌شود. داروی گیاهی و یونانی آن‌را در کتاب بنده «سوغات برادران» ملاحظه کنید یا نزد حکیم و طبیبی پاکستانی مراجعه کنید، خود بنده فرصت ندارم ببخشید. التماس دعا دارم.

یکم شوال ـ ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۲۱۶

در راهنمایی شخصی در مورد روش برخورد با مردم و تعبیر خواب

۱. حالم خراب است و تنگ شده‌ام، نسبت به هر چیز شک و اوهام به من دست می‌دهد و اگر کسی صحبت کند و شاید موقعی حرف بزند، در ذهن می‌آید که این کلمه یا گفته شرک است و در نوشته‌ها همین‌طور، ۲. گاهی خواب می‌بینم از بالا پرت می‌شوم، ۳. خواب دیدم شما جلو بودید و برادرم پشت‌سر و من هم و شما از یک صخره عبور کردید و من نتوانستم و افتادم ولی هیچم نشد، بلند شدم دیدم برادرم بالای سرم ایستاده دوباره حرکت کردم، ولی شما جلو رفته بودی، ۴. دیدم چیزی به‌طرف شما پرتاب کردم ولی به شما اصابت نکرد و به چشم خودم برخورد کرد، ۵. دیدم به

من گفتید برای ما دعا نمایید. استاد! درس دینی را شروع کرده‌ام و اراده دارم به یادیگ بیایم.

وعلیکم السلام و رحمة اللّه و برکاته؛ امابعد: نامهٔ شما ملاحظه شد.

۱ـ عزیزم! زمانی که تنگ ظرفی به شما رخ دهد، آن وقت این تصور کنید که این بندهٔ خدا در این مورد شاید اشتباه کرد یا من حرف او را صحیح نفهمیدم و اگر کاملاً فهمیدی که کلمه شرک است، او را به ملایمت و در خلوت متوجه کنید.

۲ـ این خواب بد نیست.

۳ـ خیلی خوب است معلوم می‌شود که شما در مسیر و نقش قدم مشایخ اتباع دارید، اما در این مورد برادرت شاید از راه عقیده یا عمل تا حدودی تقدّم دارد.

۴ـ این هم بد نیست. این یک نوع تذکر است که به جانب اساتید و مشایخ اگر چیزی نفهمیدی، فورا به آن‌ها منسوب نکن و اگر نه به خودت بر می گردد.

۴ـ این هم خوب است، اشاره است که بنده به شما اعتماد دارم.

درس دینی هرجا باشد خوبست، إن‌شاء اللّه تعالی دعا می کنم و از شما هم التماس دعا دارم.

یکم شوال ـ ۱۴۲۲ هـ. ق.

مکتوب ۱۲۱۷

در پاسخ فردی در تحمّل مشکلات و راهنمایی او به دعای حل آنها

(درد دل‌ها را به‌طور خلاصه می‌نویسم: بنده جوانی ساکن ایرانشهر هستم. سه سال پیش مشکلی داشتم که هر لحظه فکر می‌کردم مرگم دارد می‌آید و خواهم مرد به روان‌پزشک مراجعه کردم، اثری نداشت تا این‌که با پدرم پیش شما آمدیم و شما تعویذ دادید، کم‌کم خوب شدم. واقعاً نمی‌توانم با چه زبانی از شما تشکر کنم که وسیله‌ای برای نجات از آن بیماری هولناک شدید. بعد به مسجد و مجالس مذهبی و خواندن کُتُب دینی علاقه‌مند شدم و به یاری خداوند وظایف شرعی را تا می‌توانم انجام می‌دهم. اما مشکل اصلی‌ام این‌ست که ارتباطات مردمی من خیلی ضعیف است که این عذابم می‌دهد وگاهی آرزوی مرگ می‌کنم و بعضی از دلایل این ضعف که درونم را می‌سوزانند و یادگار کودکی و نوجوانی‌ام می‌باشند و روی اعصاب و آرامش من اثر گذاشته‌اند، از این قرارند: نداشتن حس خودباوری و عدم اعتماد به نفس، کم‌رو بودن، ترس از جمع، دوست داشتن تنهایی و... . مسایلی دیگر نیز مرا اذیت می‌کنند: ۱. آدمی کینه‌ای هستم، ۲. گاهی نفس وسوسه می‌کند تا دیگران را به چشم حقارت بنگرم، ۳. وسوسه می‌کند که مرا دچار خود پسندی و غرور کند. خلاصه

دوست دارم محبت خدا در دلم باشد. پس هزاران بار خواهش می‌کنم که حقیر را از راهنمایی و ارشاد و پندهای خود محروم نکنید و در خلوت‌ها برایم دعا کنید. سلامتی و طول عمر شما را خواستارم).

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

عزیزم! بنده هم شکر و سپاس آن یکتا را می‌کنم که جنابعالی را از آن مشکل نجات فرمود و همچنان همه مشکلات دینی و دنیوی من و شما را حل فرماید (آمین). خداوند کریم همین علاقهٔ دینی و مذهبی شما را ادامه و ازدیاد فرماید و به وجه احسن بر آن موفق فرماید (آمین). بلا شک و شبهه، سعادت دین و دنیا به همین وابسته است.

عزیزم! پریشانی‌ها و مشکلاتی که نوشته‌اید، بنده به حل آن‌ها دعا می‌کنم و شما هم همّت خود را بلند دارید، خدا با همّت بنده است. عزیزم! با قرآن خواندن و نماز و ذکر الله ارتباط پیدا کنید و بعد از هر نماز «**لاحول ولاقوة...**» را صد بار وظیفه کنید. دعای بنده پشتیبان شماست إن شاء الله تعالی، شما فرزند بنده هستید فکر نکنید.

شما را به خدا می‌سپارم و التماس دعا دارم.

۳ شوال ـ ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۲۱۸

در پاسخ فردی در تعبیر خواب

(بنده چند خواب دیده‌ام: ۱. در نماز امام بودم و نماز صبح بود، در رکعت دوم بودیم دیدیم خورشید از جلو ما طلوع کرد من زانوها را به زمین زدم و نماز را نیمه ایستاده تمام کردیم، ۲. دیدم در عقب تابلو موتور تابلو نویس نوشته بود: «یا علی در صفا و مروه کمکم کن» گفتم اسم ذات را بنویسید و از او کمک بگیرید، آن تابلو را دوباره رنگ زدند، ۳. دیدم مردم برای دیدن مولوی نظرمحمد که تازه به وطن برگشته، صف بودند و یکی شمشیری به من داد وگفت مواظبت کن، ۴. دیدم در مسجد نشسته و برای نماز متنظر هستیم، چیزی را در گردنم فشار دادم، خون جاری شد رفتم وضو بگیرم در همان‌جا قرآن را از حفظ خواندم فوراً متوجه شدم جای مناسبی نیست، سکوت کردم).

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

نامهٔ شما ملاحظه شد موفق باشید. خواب‌های شما خوب‌اند.

۱ـ اشاره است که دعوت شما برای مردم خود تا حال تا حدودی ناقص است.

۲ـ اشاره است که شما برای محو شرک و بدعات موفق می‌شوید إن‌شاء الله تعالی.

۳ـ این هم خوب است.

۴ـ این دلالت دارد که بعضی از بدعات صوفیان شیّاد به وسیلهٔ شما اصلاح می گردد.

در نامهٔ دوم شما هم خواب‌هایی که در آن مذکور بود، خوب بودند، خداوند مزید موفق گرداند.

برای شما و فرزند شما دعا می کنم خداوند قبول گرداند. شما را به خدا می‌سپارم و التماس دعا دارم.

۳ شوال ـ ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۲۱۹

در پاسخ شخصی در تعبیر خواب عجیب‌اش

(نوشته بود: عمه‌ام رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم را در خواب دیده که با یک کارد یش او آمده و فرموده است مرا با این کارد (معاذ الله) بکشید و عمه‌ام انکار می‌کند بعد به مادرش می‌گوید او هم انکار می‌کند و سپس عمه‌ام (معاذ الله) ایشان را می‌کشد وکلیه‌هایش را بیرون می‌آورد و بعد خواهر زادهٔ عمه می‌آید و کلیه‌های گرامی را می‌ترکاند (معاذ الله). تعبیر این خواب چیست؟).

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

نامهٔ شما رسید ولی در جوابش خیلی تأخیر شد، ببخشید. تعبیر این خواب به نظر بنده ـ والله اعلم ـ این است: مراد از کارد، استعمال زبان است به خواندن درود یعنی به زبانت مرا نفع برسانی یعنی درود بخوان. ذبح در خواب، نفع رسانی است. ممکن است که عمه‌ات به کثرت خواندن درود إلقا شده است و ممکن است خواهر زادهٔ عمه در همین عمل شریک او می‌باشد والله اعلم.

۳ شوال ـ ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۲۲۰

به طالب علمی که طلب دعا و اندرز در مورد موفقیت هرچه بیشتر در طلب علم کرده بود

وعلیکم السلام و رحمة اللّه و برکاته؛ امابعد:

نامهٔ شما ملاحظه شد خداوند کریم مشکلات شما را حل بفرماید.

اعتقاد توحیدی خود را صحیح و تقوٰی را اختیار کنید و در ادای حقوق اللّه و رسول و بندگان خداوند کریم کوتاهی نکنید. در ایام طلبگی از منهیات احتیاط کنید و به مأمورات دینی سعی کرده باشید و جذبهٔ خدمت خلق در امر دینی را پیدا کنید، خداوند کریم را در هر امر حاضر و ناظر بدانید و از صحبت ناجنسان و اهل بدعات دور باشید.

۳ شوال ـ ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۲۲۱

به فردی در جواب به چند سؤال که پرسیده بود

۱. خواندن نماز اوابین در مدرسه با آرامی مشکل است؛ چون وقت کم است، اگر سریع بخوانم چطور است یا هیچ نخوانم؟ ۲. گوش کردن اخبار فقط از تلویزیون چطور است؟ مثلاً طالب‌ها را نشان می‌دهد، ۳. اگر در وقت نماز استادها جلسه‌ای برپا کردند و یکی وضو ندارد، اگر در جلسه شرکت کند، جماعت از او فوت می‌شود، چه‌کار کند؟ ۴. یک مریضی دارم که بعد از قضای حاجت و گاهی بعد از ادرار و گاهی بعد از غسل مرا وَدی می‌آید و گاهی دیگر وقت‌ها، آیا به دکتر بروم یا دیگر علاج دارد؟ ۵. کسی می‌پرسد ساعت چند است و مثلاً ساعت ۲۸: ۹ است و او جواب می‌دهد ۳۰: ۹ است آیا این دروغ محسوب می‌شود؟ ۶. شخصی دفتری در جیب دارد و حدیث، شعر و... یادداشت می‌کند و با آن به بیت‌الخلاء می‌رود، چطور است؟

وعلیکم السلام و رحمة اللّه و برکاته؛ امابعد: نامهٔ شما ملاحظه شد موفق باشید.

۱ـ از ترک اوابین، سریع خواندن آن‌ها بهتر است.

۲ـ از تلویزیون نگاه کردن خوب نیست.

۳ـ در این صورت به وضو گرفتن برود. در جلسه ننشیند.

۴ـ این مرض متعلق به دکتر و یا طبیب و حکیم است.

۵ـ دروغ نیست للأکثر حکم الکل.

۶ـ در بیت الخلاء رفتن همراه آن سوء ادب است البته اگر در وقت دخول بیت الخلاء در پارچه‌ای محکم بپیچد، اشکال ندارد.

۳ شوال ـ ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۲۲۲

در پاسخ حافظی در راهنمایی به قوی شدن حافظه و...

(۱. ذهن من خیلی کم است و هرچه یاد می‌کنم زود فراموش می‌شود، راهنمایی کنید و شیطان های بزرگ و کوچک دور و بر مرا احاطه کرده و نمی‌توانم آن‌ها را دور کنم، ۲. پدر و عموی من در یک سرا زندگی می‌کنند و باهم ضد و بیشتر زن‌های‌شان ضد هستند، چه کار کنم؟ ۳. آشپز حوزهٔ ما ۲۰ سال است که بیماری باد ناف دارد و به سر و کمرش اثر کرده است، لطفاً راهنمایی بفرمایید).

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد: نامهٔ شما رسید و ملاحظه شد موفق باشید.

برای قوهٔ حافظه بعد از نماز عشا صد صد بار سورهٔ فاتحه را بخوانید و دعا کنید. خداوند کریم شما را حفظ کند و از شرّ شیاطین جنّ و انس در چادر حفظ نگه دارد.

شما خانوادهٔ خود را به اعتبار منزل اگر قدرت دارید، از هم جدا کنید و اگر قدرت ندارید پس ایشان را نصیحت و برای اتفاق دعوت کنید.

برای بیماری آشپز، شما در کتاب بنده «شفاء الأسقام» ببینید، برای ناف دعا و تعویذی هست آن را نوشته و به او بدهید إن‌شاء الله مفید خواهد شد.

۳ شوال ـ ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۲۲۳

در پاسخ شخصی در راهنمایی به معالجهٔ امراض باطنی و تعبیر خواب

(نوشته بود: چند تا مشکل روحی و جسمی دارم: ۱. قبل از آغاز تحصیل با انواع فسادها و محبت‌های مهلک؛ با تلویزیون و ویدیو و سینما سروکار داشتم که سبب ضعف ذهن و حافظه‌ام شد، ۲. لکنت زبان دارم، ۳. یکنوع توقف وگیر دارم، ۴. چند تا عادت کودکانه دارم، ۵. همیشه دوست داشتم در خدمت

شما باشم. شبی با استخاره خوابیدم دیدم شما برای دعوت و تبلیغ می‌روید و من مثل پشتیبان همراه شما بودم. در جایی درحالت نماز بودید، یکی با اسلحه سوء قصد به شما داشت من اسلحه گرفتم و به شما دادم و شما در جیب گذاشتید. می‌خواهم سال دیگر در این‌جا تحصیل کنم اگر اجازه بدهید).

وعلیکم السلام و رحمة اللّه و برکاته؛ امابعد:

عزیزم! برای حل مشکلات به دربار قاضی الحاجات مراجعه و عرض و استدعا کنید. نزد احقر در معالجهٔ همه امراض باطنی دارویی بزرگتر غیر از کثرت ذکر اللّه و تلاوت قرآن کریم نیست.

خواب شما خوب است إن‌شاء اللّه تعالی از شما در خدمتی که در امر دین ما آن را دوست می‌داریم و شیطان و مخالفین ناراحت می‌شوند، گرفته می‌شود. برای تحصیل، هر جا که به مزاج شما مناسب‌تر است، بروید؛ این‌جا باشد یا جایی دیگر، فقط کوتاهی نکنید.

۳ شوال ـ ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۲۲۴

در پاسخ فردی در راهنمایی به ذکر و سؤالاتی دیگر

نوشته بود: ۱. در سبق «لا اله الا الله» مشغولم، خواهش دارم ذکر «لا مقصود» را برای تمرین اجازه دهید. ۲. دلم می‌خواست زود به زود به خدمت بیایم، اما کم سعادتی من است، ۳. کتاب طبی گیاهی دارم می‌نویسم، دعا کنید و در بعضی نسخه‌ها منکرات مثل شراب هست، ۴. همزاد چه چیزی است؟ شنیده‌ام اگر کسی آن‌را مؤکل کند، او را در طرفهٔ العین به مکه می‌رساند، آیا این صحیح است؟ ۵. اگر یکی جنّ داشته باشد و موقعی در بیابان احتیاج به غذا داشته باشد، آیا به او می‌دهند؟ ۶. رجال الغیب چه کسانی هستند؟ آیا این صحیح است که موقع دعا نوشتن باید پشت‌سر باشند؟

وعلیکم السلام و رحمة اللّه و برکاته؛ امابعد:

۱. عزیزم! اجازه دارید که «لامعبود» و «لامقصود» و «لاموجود» را ذکر کنید.

۲. محبت قلبی و ارادهٔ پخته داشته باشید. کثرت رفت و آمد و زیارت بار بار مهم نیست.

۳. برای تألیف رسالهٔ مذکور موفق باشید و در کتاب خودت منکرات را ننویسید فقط داروهای گیاهی و حلال را بنویسید.

۴. همزاد یک جنّی است که زمانی که مولود به دنیا می‌آید، او هم پیدا می‌شود یعنی هم سن و هم‌عمر و همزاد بچه می‌باشد و هر انسان همزاد دارد، کار او شرارت و اذیت بچه‌هاست. مؤکل کردن او کار غلط است و این داستان بی‌اصل است.

۵. این هم غیرصحیح است. قادر خداوند کریم است نه غیر او.

۶. رجال الغیب مثل ابدال و اوتاد و گروهی از فرشتگان‌اند، و این واقعه صحیح نیست.

۵ شوال ـ ۱۴۲۲ هـ. ق.

مکتوب ۱۲۲۵

در پاسخ و راهنمایی او در چند موضوع

۱. یک مدرّس برای موفقیت در مسئولیت خویش بر چه چیزهایی عامل باشد و چگونه با طلاب برخورد کند؟ ۲. برای پیشرفت یک مدرسه چه چیزهایی لازم است که مدرسین و اعضای مدرسه انجام دهند؟ ۳. یک عالم و داعی چگونه مردم را به دین بکشد؟ ۴. مالی‌که از راه منحرف (مواد مخدر) بدست می‌آید، آیا صاحبان مدرسه می‌توانند به‌عنوان زکات آن را برای مدرسه قبول کرد؟

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

در اول نامه نوشتن «بسم الله...» مستحب است. «به نام خدا» که شما نوشته‌اید، صحیح نیست و سوء ادب است.

۱. برای مدرس، اخلاص در اعتقاد و عملیات لازم است و بر سنت دایم و قایم باشد. با طلبه طبق دستور شرع و با اخلاق برخورد کند.

۲. اول اخلاص دوم اتفاق و اتحاد سوم غم امت و همدردی آن و مکمل کردن ضروریات مدرسه و مدرسین و طلبه.

۳. با ملایمت، حکمت، موعظهٔ حسنه، برخورد اخلاقی و تدبیر عقلی و فکری و سیاسی.

۴ـ آری! می‌توانند.

۵ شوال ـ ۱۴۲۲ هـ. ق.

مکتوب ۱۲۲۶

در پاسخ و راهنمایی فردی در بعضی امور

(چند وقتی است [فکر می‌کنم] وجود من هیچ فایده‌ای ندارد و خصوصاً از وقتی‌که جنگ آمریکا و افغانستان شروع شده و هر لحظه احتمال حمله به مناطق مرزی هست، فکر می‌کنم اگـر بمیـرم بدون ایمان مرده‌ام؛ چون هیچ عملی‌که دستگیر من باشد، ندارم. خواب دیدم شما با خانوادهٔ خود و دو خانوادهٔ دیگر به خانهٔ ما برای جماعت آمدید و مثل این بود که همهٔ ما منتظر بودیم تا این عمل ما به نحوی از طرف خداوند تصدیق شود و بعد خدا عمل ما را تصدیق کرد. آیا برای کسی‌که می‌خواهـد قرآن را حفظ کند، روزی یک جزء به ترتیب حفظ کند یا قسمت‌هایی را که حفظ کرده تکرار کند؟

وعلیکم السلام و رحمة اللّٰه و برکاته؛ امابعد:

عزیزم این توهمّات پوچ را از سر بیرون کنید بلکه در این فکر فرو روید که آن خدایی که برای کفار و بی‌دینان صدای مغفرت بعد الإیمان می‌دهد، من یک فرد مسـلمانم کـه او را بـه خدایی و به توحید قبول کرده‌ام، حتماً بر من نظر رحمت خود را متوجه می‌سازد.

خواب شما خوب است. آمدن بنده، آمدن توجه روحـی و التفـات معنـوی بـه آن طـرف است، تصدیق کردن عمل از جانب خداوند کریم، دال بر قبولیت اعمال است.

برای حفظ به ترتیب خواندن اولی‌تر است و بنده به مرید شدن شما راضیم موفق باشید.

شما را به خدا می‌سپارم و التماس دعا دارم.

۵ شوال ـ ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۲۲۷

به شخصی در راهنمایی به یک مسألهٔ إرثی و تعبیر خواب

(عموی من به‌طور پنهایی با زنی ازدواج دوم کرده بود که زن اولش خبر نداشت و در آخر عمـر مقداری لباس زنانه به خانهٔ ما آورد وگفت هیچ کس خبر نشود این‌ها مال زن اول من هستند که با او دعوا کرده‌ام و خودش رفت به سفر و در راه تصاف کرده فوت شد. حالا این لباس‌ها را چه‌کار کنیم؟ ما نه زن دوم‌اش را می‌دانیم و نه خانه‌اش را و به زن اول جرأت می‌کنیم).

وعلیکم السلام و رحمة اللّٰه و برکاته؛ امابعد:

این لباس‌ها حکم إرث دارند و در إرث عموی شما داخلند. پس اگـر عمـوی شـما اولاد دارد، این لباس‌ها را قیمت کرده یک شانزدهم قیمت به همین زن و شانزدهم دیگر بـه همـان زن غیر معلوم داده شود و اگر پیدا نشد، صدقه کرده شوند و اگر او اولاد ندارد، چهارم حصه به دو قسمت مال هر دو زن است که یک هشتم حصه به هر یکی داده شود و بـاقی مانـدهٔ آن مال اولاد است طبق للذکر مثل حظ الأنثیین تقسیم شود.

هر سه خواب شما مبارک‌اند موفق باشید و از اذکار و لطایف خود غافـل نباشـید و بـرای بنده هم دعای خیر فرمایید.

۴ شوال ـ ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۲۲۸

در پاسخ فردی در تشویق به محبت و صحبت صالحین

نوشته بود: إن‌شاء الله به ملاقات شما مشرّف خواهم شد و تمام غم‌ها و دردهای دلـم برطـرف خواهند شد. از این‌که در نامهٔ قبلی‌ام به‌جای «بسم الله...» «لا اله الا الله» نوشته بودم، پوزش می‌طلبم. بنده از این گوشهٔ جهان برای اسم شما و مدرسهٔ شما افتخار می‌کنم و در وقت نوشتن نامه خدا بوده و هست که اشک شوق ریخته‌ام و با خود گفتم خوشا به حالت که داری با علمای باعمل و با عزت وصل می‌شوی! این‌قدر سرور و خوشحالی دارم. بعضی از کتاب‌های شما را مطالعه و مرور کرده ام).

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

نامهٔ شما رسید و ملاحظه شد. بنده خوشحال شدم الحمد لله استعداد قبول حق و محبت با علما و صلحا دارید. این نعمتی بزرگ است از جانب رب العالمین که به هر کسی نمی‌رسد.

آن‌چه از استفاده نمودن از رساله‌های احقر نوشته‌اید، خداوند کریم مزید توفیق اسـتفاده و مطالعه عطا فرماید و به علم با عمل و اخلاص و استقامت و خدمت دین موفق گرداند.

مزید شما را به خداوند کریم می‌سپارم و التماس دعا دارم.

۵ شوال ـ ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۲۲۹

در پاسخ شخصی در اظهار عذر تأخیر جواب و تعبیر خواب

نوشته بود: مدتی است با نوشتن نامه مزاحم شما می‌شوم و آن‌را بهانه‌ای جهت متصل شدن به معظم‌له یا دریافت راه و برنامه که برایم تدارک ببینید، می‌دانم و عذر می‌خواهم و استدعا و تمنا دارم تا حد امکان خواب‌ها به صورت کوتاه و با کلمات «خوب است» یا «بد نیست» تعبیر نفرمایید بلکه به صورت مشرح بیان فرمایید. ۱. خواب دیدم با همسرم در منزل بودیم، ناگهان صدای محکمی شنیدیم. بعد گویا در منزل دراز کشیده بودم، نوری آمد و به بدنم خورد و بالا رفت که تو به‌جایش می‌میری ذکر زیاد کردم وگفتم من ذکر خدا را می‌کنم، نمی‌میرم بعد توی ذهنم آمد آن‌که ذکر می‌کند، زودتر می‌میرد، ۲. همسرم خواب می‌بیند که مادرش گفته برویم سر قبر مادرم ولی قبر مادرش را نمی‌بینند بعد می‌گوید سر قبر مسعود فاتحه می‌خوانیم. وقتی می‌آیند بر قبرهای دیگر چراغ روشن است و لی قبر مسعود نه. از مادرش می‌پرسد، می‌گوید چون فامیل‌های آن‌ها زودتر آمده و چراغ روشن کرده‌اند و باز از قبر مسعود بخار می‌آید می‌گوید بیا پنکه بیاوریم ...، ۳. دیدم با پسر عموی مرحوم نزد ملایی جادوگر رفته بودیم تا بر پسر عمو غالب شوم. ملا گفت پنج تا برای تو خوب بود نه سه تا بعد می‌خواستم کشیده‌ای به او بزنم، او صورتش را نیم رخ کرد تا بزنم و چون نگران آینده‌اش بود، این کار را نکردم و بعد پسرعمو چهره‌اش اصلاً مشخص نبود، آن پنج دعا را از من گرفت).

وعلیکم السلام و رحمة اللّٰه و برکاته؛ امابعد:

نامهٔ شما رسید و از تأخیر جواب معذورم دانید؛ چراکه بنده در این دو ماه شعبان و رمضان فرصت نامه نویسی ندارم وگر نه نامهٔ هر فرد مسلمان نزد بنده محترم و واجب الجواب است، اما به شرط فرصت و در تأخیر جواب نباید دل خسته شوید.

عزیزم! بنده اختصار جوابات را در بسیاری از موارد از تفصیل آن بهتر می‌دانم ولو اینکه شخصی مسائل آن را خوب نداند. آن‌چه از تعبیر خواب‌های شما در ذهن می‌آید، این است:

۱ـ صدای محکم که شنیدی یک نوع تذکری بود از ارواح طیبه؛ فرشته باشد یا جن و آن چه در ذهن شما برادر همکار آمد، تصرّف قوهٔ متخیّله بود. آن نور که دیده‌ای، نور قلب شما از ایمان شما بود و آن صدای که می‌میری، اشاره است که موت برای هر کس هست باید برای آن آمادگی کنید.

۲ـ این خواب از خواب‌های شوریده و بی‌معناست و از باب «أضعاث احلام» و از

بوقلمونی‌های قوهٔ واهمه است.

۳ـ این خواب نیز از نیرنگ‌های مرتکزه در واهمهٔ جنابعالی بود. واللّه اعلم بالصواب.

مزید شما را به خدا می‌سپارم و التماس دعا دارم.

یکم شوال ـ ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۲۳۰

در پاسخ فردی در تشویق به محبت اهل صلاح

(نوشته بود: از این‌که مزاحم می‌شوم، معاف بفرمایید چون چاره‌ای ندارم و نزد شما حرف دلم را بدون واهمه می‌توانم بیان کنم و این بیانگر عطوفت و مهربانی شما است نسبت به شاگردان و مریدان خود. الله تعالی به فضل خاص خود دوری از منهیات عطا فرموده ولی اثر آن‌ها در مغز هست و می‌خواهم این هم دور شود و محبت علماء و مخصوصاً علمای دیوبند خیلی پیدا شده است و آن‌ها محبوب‌ترین افراد هستند مخصوصاً شما مرشد گرامی. بنده در خواب‌ها مساجد، امامت، نماز، تلاوت و شما را می‌بینم که به این حقیر لطف داشتید. در خوابی دیدم با چند طالب بودم چند سگ بر ما حمله می‌کنند و ما آن‌ها را زدیم بعداً همراهان بس کردند و من ماندم و سگ‌ها مثل انسان بودند. دیگر این‌که تا از خواب بیدارم نکنند، بیدار نمی‌شوم و گاهی تکبیر اولی از من فوت می‌شود و آدم با دل و با جرأت نیستم و ترس در وجودم هست و اکثر اذکار خوانده می‌شود).

وعلیکم السلام و رحمة اللّه و برکاته؛ امابعد:

عزیزم! دعای احقر برای همه مخلصین هست، اما انتظام قبولیت در دست ذاتی دیگر است و محبتی که به شما انعام شده است، آن را غنیمت بدانید و برای ادامهٔ آن از خداوند کریم دعا کنید.

خواب‌ها همه مبارک‌اند. سگ‌ها در خواب، افراد خدا ناشناس و لاابالی هستند که بر علیه دین و مشایخ حمله می‌کنند.

خداوند همه وصف‌های نازیبای شما را به وصف‌های زیبا و شیوا مبدّل گرداند. و مزید در ادامهٔ تحصیل و فراگیری علم دین سعی کرده باشید.

شما را به خدا می‌سپارم و التماس دعا دارم، والدین محترمَین شما را سلام عرض است.

یکم شوال ـ ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۲۳۱

در پاسخ شخصی در تعبیر خوابش

نوشته بود: إن‌شاء الله که همیشه تندرست باشید. من یکی از دوستداران و کمترین کسان درگاه شما می‌باشم و دست شما را به گرمی می‌بوسم و چند خواب دیده‌ام: ۱. دیدم به کوه‌ون آمدم و لـی فرق داشت و شما فرق می‌کردید که ریش نداشتید و لباس کُردی به تن و عمامهٔ شطرنجی داشتید. مشغول نوشتن نامه به انگلیسی بودید و به من گفتید من نمی‌دانستم و ناراحت شدید و بعـد وقتـی می‌خواستید بیرون شوی، فرمودید: به هرکس چیزی داده‌ام، اگر آن را نگاه نداشته باشد، ضرر می‌کند، ۲. دیدم پیرمردی از آشنایان به من گفت: اگر ذکر «لا اله الا الله» را نکنی موفـق نمـی‌شـوی، ۳. خواهر زاده‌ام خواب دیده که از طرف خدا برگشته‌ام و وردِ «لاحول» را گفته بودم. استاد جان! اراده‌ام ضعیف شده و آن عشق گذشته را ندارم، دلسوزانه راهنمایی فرمایید و از دعا محروم نفرمایید و در آخر تقاضا دارم بفرمایید ما که زیاد دسترسی به شما نداریم، برای حال و کارهای‌مان چه‌کار کنیم؟

عزیز محترم السلام علیکم و رحمة اللّٰه و برکاته؛ امابعد:

نامهٔ شما ملاحظه شد، اما در جواب آن تأخیر شد از این وجه عـذر مـی‌خـواهم. خداونـد کریم من و شما را به بندگی خود موفق و خاتمهٔ من و شما را به خیر گرداند.

عزیزم! اجمالاً خواب‌های شما همه خوب‌اند.

۱ـ این خواب دلالت دارد که اثر سلسله‌ای که احقر دارم، به کردستانِ شما می‌رسد و امید است که از اثر آن اهل زبان‌های دیگر مثل انگلیسی‌ها وغیره هم بهره‌بردار خواهند شد؛ إن شاء اللّٰه تعالی.

۲ـ این هم یک نوع ترغیبی است برای ذکر.

۳ـ تعبیر این خواب این است که شما برای ذکر الهی و برای توحیـد موفـق خواهیـد شـد. اراده و ارتباط معنوی را محکم‌تر و به ذکر لطایف سعی کنید که در اراده و ارتباط معنوی شما زیادتی و محکم‌تری پیدا می‌گردد إن‌شاء اللّٰه. به قول رومی:

اندرین رَه می‌تراش و می‌خراش — تا دم آخر دمی غافل مباش
در بهاران کـی شـود سرسبز سـنگ — خاک شود تا گُل برُوید رنگ رنگ

عزیزم! شما فرزندان معنوی را خیلی دوست می‌دارم و دعاگویم. شما می‌توانید از دور هم از طریق نوشتن نامه از احقر استفاده کنید.

شما را به خدا می‌سپارم و التماس دعا دارم.

۲ شوال ـ ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۲۳۲

در پاسخ شخصی در تعبیر خوابش

(امیدوارم خداوند متعال شما را در هردو جهان کامیاب گرداند. ۱. خواب دیدم در مدینه منوره هستم و قرار بود ما را بالای نخل عجوه ببرند و جوی آبی بود من شروع به وضو گرفتن کردم، ۲. دیدم پدرم اسب لاغری داشت و من اسلحه‌ای نزد او داشتم سه تیر به اسب زد و اسب درحال مردن بود، ۳. اول دعا می‌کنم خداوند به شما عمر طولانی عطا بفرماید. دیدم از دنیا انتقال فرمودی و جسد شما روی تختی بود و بعد گویا زنده بودی ولی صحبت نمی‌کردی، مردم گفتند مولانا نیازی ندارد، ۴. رودخانهٔ سرباز آب داشت و مردم از شما اجازه گرفتند تا جُویی بکشند، ۵. دیدم در مسجد خداآباد در حال ذکر بودی و من و یک ابدال درحال ذکر نشسته بودیم. روی ابدال به‌طرف شرق و روی شما به جنوب بود. ابدال با شعر از شما سؤالی پرسید و شما در فکر جواب دادن بودی و سؤال سنگین بود و شما سر به شمال دراز کشیدی تا جواب منکشف شود بعد ابدال گفت دعا کن و لبخند کرد).

عزیزم محترم و مخلص ملا محمّدیوسف! وعلیکم السلام و رحمة اللّه و برکاته؛ امابعد:

نامهٔ شما ملاحظه شد، موفق باشید و در دنیا و آخرت با اولاد و احفاد کامیاب و با سعادت باشید و خواب‌هایی که دیده‌اید، همهٔ آن‌ها مبارک‌اند.

در خواب دوم دیدن پدر با اسب لاغر، این اسب، یکی از نواسه‌های ناباب اوست که به نظر او مردنش از زندگی بهتر است.

۳ـ مردن بنده خوب است، مراد مردن هوای نفسانی و رذایل روحانی‌اند.

۴ـ خیلی مبارک است. این فیض علم است که إن‌شاء اللّه تعالی به بندگان خداوند کریم تقسیم می‌شود.

۵ـ این خواب دلالت دارد که در دور و بَر مدرسه و مسجد خدا آباد، پادیگ، گروهی از

محافظین از روحانیون وجود دارد که تصرّف‌شان از جهات أربعه‌ی دنیا جاری است. ممکن است سؤال ابدال در موضوع پیشگویی کشمکش موضوع افغانستان و آمریکا باشد. واقعاً جواب این پیش بینی سنگین است.

شما را به خدا می‌سپارم و التماس دعا دارم.

۳ شوال ـ ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۲۳۳

در پاسخ جناب تایبادی در مورد حسن ظنّ و تعبیر خواب

از روی لطف و مرحمت نظری به این حقیر بنمایید که لباس سعادت وابسته به نظر شما مقبولان بارگاه الهی است. ۱. خواب دیدم با مادرم در شمال ایران کنار دریا هستیم و خانهٔ گِلی داریم و باران بارید و آب بالا آمد به طوری که چیزی نبود که به خانه برسد، ۲. دیدم برای معلمی به روستایی فرستاده شدم دیدم تخته‌هایی از آسمان به‌طرف ما پرت می‌شدند، خود را پشت درختان پنهان می‌کردم از آسمان سنگ باریدن گرفت که از سر و جلو چشمان ما رد می‌شدند. دیدم آب دریا به‌طرف ما آمد من و معلمی دیگر روی درختان رفتیم که متوجه شدم آن در حرکت است و ما را از آب دور کرد. سوراخی بزرگ توجه مرا جلب کرد از آن خارج شدم دیدم مورچه‌هایی به‌طرف من می‌آیند از داخل آن‌ها عبور کردم همه محو شدند و تمام دشت را پر از دختران دیدم که چادرهای گلدانی پوشیده بودند ...، ۳. خواب دیدم که مادرم خداوند تعالی را در خواب دیده است و از ایشان پرسیدم، توضیح داد. بعد بیدار شدم همان روز رفتم از مادرم پرسیدم گفت من در خواب ندیدم، حدس زدم خواب به شما مرتبط می‌شود چون امام محمد غزالی می‌فرمایند: صورتی از الله در قلب عارف نقش می‌بندد که اگر پرده‌ها برداشته شود، با واقعیت هیچ فرقی نمی‌کند. خواهشمندم از مشاهدات خود چه در عالم رؤیا و یا بیداری از خداوند متعال برایم توضیح دهید، ۴. دیدم با دامادم داخل باغچه‌ای سرسبز هستم داخل آن قبری قدیمی بود. گفتم باز کنند حتماً دارای گنج است. داخل قبر تابوت مانندی بود حرکت دادیم تعدای سکه طلا بیرون آمد که ادهم برداشت و یک سکه من برداشتم و به ادهم دادم. خواهشمندم در تعبیر کلمهٔ «ادهم» توضیح بدهید چون دو سه بار دیگر در خواب دیده‌ام، ۵. دیدم به مسجدی قدیمی و بزرگ برای نماز می‌روم. همین که برای وضو رفتم، شخصی بنام حسن از من جلوتر بود خواستم سبقت بگیرم، نتوانستم ... مردم به‌صورت التحیات نشسته بودند و شخصی بنام محبوب حواس مرا جلب کرد، ۶. دیدم دو شخص بنام‌های «رمضای» آمده بودند تا مرا زنده به‌گور کنند و کردند ولی من در قبر زنده بودم. وقتی بیدار شدم

حدس زدوم باید مصداق قول بزرگان که فرموده‌اند: «موتوا قبل أن تموتوا» شوم و باید ماه شعبان را روزه بگیرم.

عزیز محترم مولانا غیبی! السلام علیکم و رحمة اللّه و برکاته؛ امابعد:

نامهٔ آن عزیز رسید و سبب خوشحالی گردید. خداوند کریم حسن ظنّ امثال شما را در حق این فقیر إجابت فرماید و شما را با خانوادهٔ خود موفق و منصور و خاتمهٔ من و شما را به خیر گرداند.

۱ـ خواب‌هایی که دیده‌ای، همه مبارکند. خواب اول اشاره به گِلِ ایمان و اذکار شما هست. دریا، هم فیض رحمت است.

۲ـ آن تخته‌ها و سنگ باری، عذابی بود مثل هجوم و حملهٔ آمریکا علیه اسلام و طلبه. آب دریا، رحمت بود. آن درخت، دعا یا توجه یک ولی از اولیا بود. مورچه‌ها، گروه کفار و ظالمین‌اند الحمد للّه شما سالم ماندید. آن دخترها، صورت مثالی اعمال خیر بودند.

۳ـ این خواب مبارک‌تر از همه هست. در خواب، دیدن خداوند کریم نزد اهل سنت جایز و ثابت است؛ اگر چه بیان کم و کیف آن جایز نیست. **لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ**.

۴ـ مبارک است. این باغ اسلام بود و طلای داخلش، نور ایمان بود. «ادهم» به معنی رنگ سیاه کامل می‌آید که به شُست‌وشُو زایل نگردد. برای شما تعبیرش، به معنی یک رنگی و پختگی در عقیده و توحید است.

۵ـ اشاره است که حسن عملی شما تا حدودی کوتاهی دارد، اما با این هم نزد خداوند کریم محبوبیت دارد.

۶ـ «رمضان» [یا «رمضای»] از «رمض» است به معنی سنگ ریزه‌ی گرم که می‌سوزاند. این دو رمضان یکی صورت مثالی عقیده و دوم صورت مثالی عملی شما بود و شما را به فنا فی اللّه دعوت کردندیعنی **«موتوا قبل أن تموتوا» واللّه اعلم بالصواب**.

۴ شوال ـ ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۲۳۴

به فردی در راهنمایی به بعضی امور

۱. دختر عمه‌ای دارم که از کوچکی پدرم او را به اسم من کرده. عمه‌ام دوست دارد و پسر عمه هم راضی بود فقط پدرش پول پرست است و دوست ندارد و دختر را نمی‌دانم راضی است یانه! و به وسیلهٔ هیچ کس هم نمی‌توانم بپرسم که راضی است یانه! آیا با این وضع با او ازدواج کنم یانه؟ چه‌کار کنم تا با گوش خود بشنوم که آیا راضی است یانه؟ ۲. تعویذی دیدم نوشته بود: «یا فرعون یا نمرود یا شداد یا ابوجهل یا بدوح» آیا با این الفاظ صحیح است و اگر کسی ببیند چه عکس‌العملی نشان بدهد؟ و به چه عملی داده می‌شود؟ ۳. شرایط کسی‌که تعویذ بدهد چیست و آیا من می‌توانم تعویذ بدهم؟ ۴. خواب دیدم این قدر مار زیاد است! همه را کشتم فقط یکی که نتوانستم و خیلی وحشت آمد بر دلم.

وعلیکم السلام؛ امابعد: نامهٔ طولانی شما ملاحظه شد.

۱ـ شما در مورد ازدواج استخاره کنید اگر استخاره موافق آمد، ازدواج کنید و خیر است و اگر نه کناره گیرید. این کار [که با گوش خود بشنوی،] از من بر نمی‌آید.

۲ـ این تعویذ به این الفاظ ناجایز است، این را نابود کند و برای سحر و جادو از ارواح خبیثه استمداد می‌کنند.

۳ـ این شرایط را در رسالهٔ «التحقیق الوجیز» نوشته‌ام مطالعه کنید و شما حیثیت خود را از همان رساله درک کنید.

۴ـ خواب شما بد نیست. مار، دشمنان‌اند که بر بعضی غالب شدید نه بر بعضی دیگر.

۴ شوال ـ ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۲۳۵

در پاسخ فردی در تسلّی و ترغیب به صبر در مشکلات زندگی

(۱. عرض به حضور مبارکتان این‌که چند مدت است که در کوه‌های آتشین حوادث قرار دارم و در این مورد آن‌حضرت را اطلاع داده بودم البته کماکان ادامه دارند اما رو به زوال هستند و همچنان که متذکر شده بودید، یقیناًفایدهٔ آن‌ها را می‌بینم و بزرگترین فایده، شکست نفسم بوده و هست که

قبلاً أنانیت داشت و دیگران را پایین‌تر تصور می‌کردم اما الحمد لله کم‌کم دارند از سرم بیرون می‌روند، ۲. سؤال: در کتب فقه در صورت فرض کفایه بودن جهاد، رضایت وکسب اجازهٔ والدین شرط قرار داده شده است و در زمان حاضر عموماً والدین شوقی ندارند و فرزندان را از خدا و رسول و جهاد دوست‌تر می‌دارند و نمی‌خواهند جهت إعلای کلمهٔ الله فدا بشوند و برعکس در جنگ‌های یکدیگر تحریض و تشجیع می‌کنند، حالا اگر کسی بدون اجازه به جهاد افغانستان که از نظر اکثر علمای جهان جهادی شرعی هست، برود و کشته شود، آیا گناه‌کار می‌شود؟).

فرزند عزیز و مخلص! وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

۱. جان من! انسان «فِي كَبَدٍ» خلق شده است و در حقیقت نزد حکیم مطلق آن‌چه به درد و مصایب می‌رسد، به آرامش و آسایش و به عبادت نمی‌رسد. بزرگان فرموده‌اند: «غم و ألم که یک ساعت در آن صبر و استقامت باشد، بهتر است از عبادت مقبول هفتاد ساله»؛ خصوصاً برای راه سلوک و عرفان که درد و غم برای ترقی مقامات از لوازمات است.

حضرت شهباز بلند پرواز عارف شیراز مترنّم است:

دمی با غم به سر بردن جهان یک سر نمی‌ارزد
به مَی به فروش دلق ما کزین بهتر نمی ارزد
به کوی مَی فروشانش به جامی بر نمی گیرند
زهی سجاده و تقوی که یک ساغر نمی ارزد
شکوه تاج سلطانی که بیم جان درو در جُست
کلاهی دلکش است اما به ترک سر نمی‌ارزد
چه آسان می‌نمود اول غم دریا به بوی سود
غلط کردم که این طوفان به صد گوهر نمی‌ارزد

در جایی دیگر می‌فرماید:

من از رنگ صلاح آن دم به خون دل بشستم دست
که چشم باده پیمایش صلا بر هوشیاران زد
در آب و رنگ رخسارش چه جان دادیم وخون خوردیم

چو نقشش دست داد اول رقم بر جان سپاران زد

عزیزم! از این وجه است که روز به روز در دل ماها و اولیای سلسله، محبوب‌تر می‌شوید.

خواب‌های شما همه دال‌اند بر پیروزی این حرکت و خداوند کریم إن‌شاء الله تعالی از شما به مراحل مختلف کار می‌گیرد.

۲. جواب سؤال شما امید است که در مجلس «مارگگان» به شما رسید الحمد لله متوجه شدید. مزید شما را به خدا می‌سپارم و التماس دعا دارم.

۴ شوال ـ ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۲۳۶

در پاسخ خواهری در راهنمایی بیعت و جواب سؤالاتی چند

۱. بنده از خراسان، باخرز مادر ... از شاگردان شما می‌باشم که سه ماه پیش با نامه اجازۀ بیعت به من رسید، ولی هرچه نامه قبل و بعد از بیعت نوشته بودم، جوابی ندیدم. همان‌طور که فرموده بودید از روی رسالۀ «کنزالدارین» می‌خوانم و بعد از نماز، تلاوت و کار خانه‌داری وگاهی بعد از عصر درس ترجمۀ قرآن و خیاطی زنانه و درس بچه‌ها دارم و چون وضعیت خراب شده و بدعات رسم زندگی مردم شده، آیا به این کلاس‌ها در مسجد، برای جمعه و عیدین بروم؟ ۲. آیا در حالت بیماری طولانی و حالت تهوع می‌توان در نماز آب دهان را در پارچه‌ای بیندازد یا در این حالت نماز نخواند؟ ۳. آیا گوشت مرغ‌هایی‌که با دستگاه اتوماتیک کشته می‌شوند، خوردن آن جایز است؟ ۴. اگر خواهری بر سرش حنا بسته بود، آیا در وقت نماز می‌تواند از روی حنا مسح کند؟ ۵. برادرم بعد از دو ماه نامزد خود را طلاق داده و طلاق را نوشته است و دختر بسیار خوب و حافظه و باکره است و هردو پشیمان‌اند، آیا امکان رجوع هست؟ ۶. پدر جان! من مریض و هم مریض‌دارم؛ پدر شوهر فلج و برادر جوانم بیماری سختی دارد، تقاضای دعا داریم و خداوند مرا به دست دکتر نامحرم نیندازد و برای فرزندان نیز.

مریدۀ محترمه محمودی! وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

۱ـ نامۀ شما ملاحظه شد. مزید برای بندگی مولای خود موفق و مؤید باشید. غیر از این نامه، نامه‌های قبلی شما به بنده نرسیده‌اند وگر نه بنده در جواب هیچ فردی کوتاهی نمی‌کنم. الحمد لله، شکر خدا را ادا کنید که به بیعت موفق شدید و در سلسلۀ مریدان حضرت

خواجگان نقشبند و اولیای کبار داخل شدید و برای وظایف رسالهٔ «کنز الدارین» و به خدمت تعلیم موفق شده‌اید. کارگزاری‌ای که نوشته‌اید، خیلی خوب و مبارک است. بر آن ادامه داده و استقامت کنید. برای نماز جمعه و عیدین ضرورت رفتن زنان در مذهب ما نیست.

۲ـ آری! می‌تواند به کنار پارچه بیندازد و نماز را ادامه دهد.

۳ـ از این گوشت‌ها پرهیز لازم است.

۴ـ اگر جِرم حنا بر آن چسپیده و دست به موها نمی‌رسد، روا نیست و اگر فقط رنگ حنا است، جایز است.

۵ـ بعد از تمام شدن عدت می‌تواند او را دو مرتبه عقد ببندد با عقد جدید و مهر جدید.

۶ـ بنده برای همهٔ شما دعا می‌کنم و از شما هم التماس دعا دارم. البته وظایف خود و ذکر اسم ذات «اللّه» را ادامه دهید تا خاتمهٔ ما و شما به ذکر اللّه باشد. و اگر وقتی ضرورت فرستادن نامه شد، به دست یا به وسیلهٔ حافظ... تیموری ارسال کنید.

شما را به خدا می‌سپارم و التماس دعا دارم.

۴ شوال ـ ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۲۳۷

در پاسخ فردی در راهنمایی به حل مشکلات

نوشته بود: چند ماه پیش با دوستان جماعت تبلیغ به خدمت شما آمدیم ولی حالا بیشتر خود را معرفی می‌کنم. بنده ... ساکن ایرانشهر هستم و تحصیلاتم را به پایان رسانده و در کنکور قبول شده‌ام. مادر و خواهرم مریض هستند و نیاز به دکتر دارند و من از طرف قرضداران (مردمی و بانک) زیر فشارم و من سنّم به ۳۰ سال رسیده و ازدواج نکرده‌ام و به نصرت جماعت‌ها می‌روم. مردم می گویند مبلّغی که سنّت اصلی را تکمیل نکرده، مبلّغ نیست و... حالا گردابی از مشکلات برای ما ساخته شده است. تقاضای دعا دارم تا مشکلات ما حل شوند و زندگی را شروع کنم و عهد کرده‌ام که اگر لایق بدانید، شما را در مراسم عقد خود به‌عنوان استاد و پدر خود بیاورم، ولی نمی‌دانم این آرزویم عملی می‌شود یانه؟. تقاضای دعا و راهنمایی در این موارد دارم.

عزیزم محترم! وعلیکم السلام و رحمة اللّه و برکاته؛ امابعد:

نامهٔ شما را ملاحظه کردم. خداوند کریم مشکلات شما را حل فرماید و به شما از پریشانی‌ها آرامش ببخشد. همه کارها به دست خداوند کریم‌اند هرچه او بخواهد، اختیار دارد. کار ما بندگان صبر و نیاز است. مسلمان باید به توقع اجر اخروی، زحمت‌های دنیوی را تحمّل کند؛ چراکه هر زحمتی دنیوی، اجری اخروی ـ به شرط صبر و شکر ـ در پی خواهد داشت.

عزیزم! اگر به عقد موفق شدید، در ایرانشهر علما بسیار است یکی را برای این کار انتخاب کنید بنده فرصت ندارم عذر می‌خواهم.

شما بعد از نماز اشراق ۱۲۰۰ مرتبه «يَا بَدِيْعَ الْعَجَائِبِ بِالْخَيْرِ» را بخوانید و اول و آخر آن ده ده بار درود را نیز بخوانید و این عمل را تا چهار روز انجام دهید و نیز این دعا را بعد از هر نماز صد صد بار خوانده و برای مشکلات خود دعا کنید: «اللّٰهُمَّ أكْفِنِي بِحَلالِكَ عَنْ حَرامِكَ وَبِطاعَتِكَ عَنْ مَّعْصِيَتِكَ وَبِفَضْلِكَ عَمَّنْ سِواكَ». شما را به خدا می‌سپارم و التماس دعا دارم.

۱۰ شوال ـ ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۲۳۸

در پاسخ شخصی در راهنمایی به بعضی ادعیه

نوشته بود: برادر ملاحی در حرکت بود لازم دانستم چند سطری بنویسم. همان کتابی‌که از سخنان گهربار حضرتعالی جمع‌آوری شده و جاویدان در آن سفر به شما گفته بود، از بعضی از پیروان شیخ محمدصالح پردل به چاپ رسیده و یکی فرستادم و کتاب دیگری بنام «خزینۀ الأسرار الکبری» و خیلی روایاتش مطابق «تبیین الفرقان» هستند یکی از خلیج برایم فرستاده و چند مسأله از آن گرفته ام و فکر کردم در راه عرفان مفید باشند، اما این‌که بدانم صحیح است یانه؟ نسخه‌ای از آن فرستادم. از فضایل سورۀ فتح و... نوشته، اجازۀ خواندن آن‌را از شما می‌خواهم. مزید یکی از دوستان بنام آزرخش مبلغ... آورده که با برادر غانم و دیگر مبلغ ... در آخر رمضان آورد که با ملاحی فرستادم.

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

حال بنده بد نیست خداوند کریم شما را حفظ فرماید.

نامهٔ شما از دست ملاحی رسید وکتاب هم همراه داشت و هردو کتاب رسیدند خیلی متشکرم. اکثر روایات آن کتاب صحیح‌اند البته بعضی روایات ضعیف هم دارد. آن‌چه شما

از استفاده از آن اجازه خواسته‌اید، اجازه دارید و مبلغ آقای آزرخش هم رسید جزاه الله خیرا.

عزیزم! بیشتر به کار لطایف متوجه باشید و از دعوات صالحات فراموش نفرمایید.

الحاج جاویدان و دیگر بزرگواران را سلام عرض است.

۱۰شوال ـ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۲۳۹

در پاسخ خواهری در مورد تعبیر خواب و راهنمایی

نوشته بود: الحمد لله به برکت دعای شما در منطقهٔ ما تحولات زیادی آمده است بالخصوص در شب‌های اخیر رمضان که جلسات برگزار شده تا این‌که نوبه به روستای ما آمد و خواهران با ستر و حجاب شرکت کردند و انتظامات بوده که من سرپرست انتظامات بودم. شب بعد من خواب دیدم که زنی به من گفت من قاصد پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وسلم هستم و فرموده شما مجبور هستید امام باشید. من گفتم نمی‌توانم گفت: مردم برای تو قبول کرده‌اند تو هم قبول کن... .

دختر محترمه خانم نوری زاده! وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

نامهٔ شما رسید و ملاحظه شد. خداوند کریم شما را در دین و تحصیل دین و خدمت به دین مبین موفق و کامیاب گرداند.

آن‌چه که از تحوّلات و تأثّرات نوشته بودید، خداوند کریم آن‌را روز افزون گرداند.

خوابی که دیده‌ای، خیلی مبارکست. این خواب مبارک اشاره است به همین سرپرستی شما که در دربار آن‌حضرت علیه‌السلام هم مقبول شده است و به شما تأکید شد که همین سرپرستی و دعوت دینی را ادامه دهید.

برای درس و تلاوت قرآن کریم و دعوت خواهران دیگر سعی کرده باشید و ذکر و تسبیح را بسیار کنید. التماس دعا دارم.

۱۰شوال ـ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۲۴۰

در پاسخ فردی در تعبیر خواب‌هایش

(۱. خواب دیدم در مسافرخانهٔ شما مردم زیادی بود و من هم بودم چیزی مثل پوشهٔ قرآن با

خط طلایی و عربی به من دادید و فرمودید این‌را بخوان، ۲. دیدم در مسجد نشسته بودید و مردم زیادی بود و شما پول تقسیم می‌کردید و به من کتابی تقدیم نمودید، ۳. در اعتکاف خـواب دیـدم وضو می‌گیرم و بر بدن و لباسم نجاست بود و یک لوله آب در دستم بـود و همـه نجاسـت‌هـا را شستم. من از این خواب ناراحت هستم، ۴. در ۳۰ رمضان خواب دیدم که کتاب‌های زیادی از طرف شما آورده بودند و گفتند حضرت صاحب فرموده این‌ها را برای مردم تقسیم کن).

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد: نامهٔ شما ملاحظه شد، موفق و سالم باشید. خواب‌های شما همه خوب‌اند:

۱ـ این‌ها، همین مردم‌اند که برای نیازهای دینی و دنیوی نزد بنده مراجعه می‌کنند، آن‌چه شما را دیدم، مبارک باد.

۲ـ پول در این خواب، اشاره به همین مراجعین‌اند که به أغراض دنیوی مراجعه می‌کنند. کتابی که به شما رسید، جایزهٔ دینی و مبارک است.

۳ـ این خواب از همه خوب‌تر است. این نجاست‌ها، گناه‌های کبیره و صغیره بودنـد. آن لولهٔ آب، فیوض و برکات رمضان مبارک بودند که گناه‌های شما را شستشو کرد.

۴ـ این خواب خیلی مبارک و اشاره است که به وسیلهٔ شما و شاگردان شما علم دین این مدرسه در منطقه و مُلک شما پخش می‌گردد و سبب نفع مردم خواهد شد؛ إن‌شاء اللّه تعالی. مزید خیر است و التماس دعا دارم.

۱۱ شوال ـ ۱۴۲۲ هـ. ق.

مکتوب ۱۲۴۱

در پاسخ کسی در موضوع بیعت و سؤالی چند

۱. چند مدت پیش نزد شما آمدم ولی نتوانستم بیعت کنم، الآن اگر می‌شـود از راه دور بیعـت می‌کنم، ۲. در نامهٔ قبلی‌ام از شما درخواست کرده‌بودم که در مورد خاطرات مولانا عبدالعزیز رحمه‌الله برای ما بنویسید ولی شما همکاری نکردید و از آن روز است که کار ما خوابیده، عاجزانه تقاضا دارم اگر همکاری نمی‌کنید لطفاً چند سطری بنویسید تا دل من تسکین گردد، ۳. می‌خواهم بدانم ایـن سخن از شماست که در درس تفسیر گفته‌ای: «من به انگشت کوچک مولانا عبدالعزیز نمی‌رسم». در مورد صحت و کذب این جمله توضیح دهید.

عزیزم! وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

۱ـ بیعت مردان دست به دست می‌باشد نه از راه دور.

۲ـ بنده که با جناب مولانا عبدالعزیز رحمه‌الله این قدر صحبت نداشته‌ام که از خاطراتش معلوم شوم و بنویسم. آیا در فکر نادانی مثل تو همین خوب است که من به دروغ همکاری تو بکنم؟! چرا به‌نزد برادر و فرزندانش و دامادش مراجعه نمی‌کنید و همکاری نمی‌خواهید. معلوم می‌شود که هدف شما نوشتن خاطرات مولانا نیست بلکه چیزی دیگر است. دل خود را به کلمات برادر، فرزند و داماد او تسکین بدهید.

۳ـ بنده یاد ندارم که در درس تفسیر چه گفته‌ام؟! لیکن حقیقت همین است که من به خاک پای مولانا عبدالعزیز رحمه‌الله و به سگان دربار او نمی‌رسم. این جمله خیلی صحیح و بدون تصنّع و تکلّف است.

۱۵ شوال ـ ۱۴۲۲ هـ. ق.

مکتوب ۱۲۴۲

به خواهری در تبدیل سبق و ترغیب به ذکر و طریقِ به خواب دیدن مرده

نوشته بود: خواستارم که در کمال صحت و سلامتی بوده باشید. نامۀ پرمهر و محبت شما رسید و الحمد لله طریقه‌ای را که راهنمایی کرده بودید، با شوق انجام می‌دهم و خیلی تغییر کرده‌ام. قبلاً دلم سخت بود الآن الحمد لله تا نام الله و رسول و اصحاب گرفته می‌شود، اشک از چشمانم جاری می‌شود. ۱. خواب دیدم شما آمده بودی رمشک و مردم در مسجد جامع استقبال کردند و به من گفتید بیا آن‌جا جواب سؤالات شما را می‌دهم، ۲. دیدم کمی داروی زرد رنگ به من دادی وگفتی دهانت را شستشو بده، ۳. پدرم هفت سال است وفات یافته است من هرچه نفل می‌خوانم و تلاوت می‌کنم و به ارواحش می‌فرستم، ولی در خوابم نمی‌آید، راهنماییم فرمایید، ۳. بازهم مزاحم می‌شوم مرا در طریقۀ دوم راهنمایی کنید.

دختر محترمه‌ام فلانه! وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

نامۀ شما رسید و ملاحظه گردید خداوند کریم شما را به خدمات دین موفق و دل شما را نرم بکند و اخلاق را به اخلاق شیوا و زیبا مبدل و از نور ذکر خود را منور گرداند.

۱. خواب شما اشاره است که بهره‌ای از علم و عرفان این‌جا به آن مناطق شما إن‌شاء الله

تعالی می‌رسد.

۲. این داروی زرد رنگ اشاره به نور لطیفهٔ قلب و فیض آن بود و مراد از شستشو کردن دهن، قلب و زبان را به ذکر خدا مشغول کردن و از کثافت‌های زبانی مثل دروغ و غیبت و غیره پاک کردن است.

۳. برای دیدن پدرت یا مرده‌ای دیگر در خواب، این عمل را انجام دهید إن‌شاء الله به هدف خود می‌رسید. بعد از نماز عشا چهار رکعت نفل نیت کنید و در هر چهار رکعت بعد از فاتحه سورهٔ «أَلْـهٰكُمُ التَّكَاثُرُ» را بخوانید و بعد از آن با وضو رو به قبله بر جنب راست خفته این دعا را بخوانید: «اللّٰهُمَّ أَرِنِي فُلاناً عَلَى الـحٰالَةِ اللَّتِي هُوَ عَلَيْها» و به جای «فلان» نام همان مرده را ببرید.

۴. سبق دوم در طریقهٔ لطیفهٔ روح و آن زیر پستان راست به فاصلهٔ دو انگشت است. از این به بعد خیال خود را همان‌جا داشته اسم «الله» را همان‌جا ضرب کرده و همان مقدار که در قلب ذکر کرده‌اید در این هم بکنید.

۱۶شوال ـ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۲۴۳

در پاسخ فردی در موضوع تصوّف و لطایف

نوشته بود: نامهٔ پرفیض و برکت شما از دست دوستی رسید و مزید فرحت بخشید امیدوارم خدای قدوس عمر با عزت عنایت و شما را برای اسلام و مسلمین حفظ فرماید. نور چشما! فرموده بودید که جواب نامه‌های قبل ارسال گردیده، ولی از کم سعادتی واصل نگردیده‌اند. دیگر این که تمامی لطایف عالم امر تلقین ذکر شده بودند پس، برای إشتغال به ذکر، چگونه و چه مقدار و به چه کیفیت مشغول شوم؟ و ساعتی را خاصتاً معین فرمایید تا در آن متوجه آن منبع فیاض گردم. مطلب دیگر این که شنیده می‌شود برادر عزیز ملا حسن زارعی خلیفهٔ آن بزرگوار می‌باشد، به توصیه و اصرار دوستان می‌خواستم صحت آن‌را تحقیق کنم. در خاتمه عاجزانه تقاضای دعای خیر و توجهات خاص را دارم.

مخلصی و محترمی و ارجمندی صوفی محمّدرضا صاحب!

السلام علیکم و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

حال بنده بد نیست خداوند کریم را سپاسگذارم. امیدوارم که الله سبحانه و تعالی جناب را از همه آفات و بلیات زمینی و زمانی وآفاقی و أنفسی حفظ نموده و در راه عرفان سرفرازی عطا فرماید.

نامهٔ مبارك شما رسید و بنده را بعد از مدت درازی خوشحال ساخت. عزیزم! دوری جسمانی مضرّ نیست؛ به شرط برقراری ارتباط وکینونت روحانی و معنوی، ارتباط معنوی را محکم‌تر سازید. به قول شیرازی رحمه‌الله:

یار مردان خدا باش که در کشتی نوح　　　هست خاکی که به آبی نخرد طوفان را

ایضاً [می‌فرماید]:

حافظ از باد خـزان در چمن دهـر مرنج　　　فکر معقول بفرما گل بی‌خار کجاست

عزیزم! لطایف خمسه را به نوبت یومیه ذکر کنید؛ مثلاً در روز شنبه، قلب و در یکشنبه روح را ذکر کنید تا آخر... بعد از تمام شدن آن، (مجدداً) دوره کنید. الآن شما را به ذکر لطایف عالم خلق از نفس گرفته و ذکر سلطان اجازه می‌دهم که ذکر کنید راهنمایی را از خلاصة التصوف نگاه کنید، فیض به شما آن‌جا خواهد رسید.

می‌نداند عشق سال و ماه را　　　نزد دور و دیرِ زودِ راه را

به قول شیرازی رحمه‌الله:

دلا مبر طمع از لطف بی نهایت دوست　　　چو لاف عشق زدی سر باز چابک و چُست

اگر می‌خواهی که سلسلهٔ فیض حضرات خواجگان (قدّس‌الله‌اسرارهم) بر سر خود سراریز کنی، در ثلث اخیر شب ساعت دو نیم به بعد متوجه شوید. به قول شیرازی:

شهسوار من که مه آیینه دار روی اوست
تاج خورشید بلندش خاک نعل مرکب است
مرغ خوش خوان را بشارت باد کاندر راه عشق
دوست را با ناله ی شب های بیداران خوش ست
از صبا هر دم مشام جان ما خوش می شود

آری آری! طیب انفاس هوا داران خوش است
تا کشوده گل نقاب آهنگ رحلت ساز کرد
ناله کن بلبل که گل بانگ دل افکاران خوش است
از زبان سوسن آزاده ام آمد به گوش
کاندرین دیر کهن کار سبک‌باران خوش است
حافظا ترک جهان گفتن طریق خوش دلی‌ست
تا نپنداری که احوال جهان داران خوش است

آن‌چه دربارۀ زارعی شنیده‌اید، آری! [درست است و] به علت دوری آن دیار اجازت مقیده به ایشان داده شده است نه مطلقه. و السلام.

۱۶شوال ـ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۲۴۴

در پاسخ فردی در تعبیر خوابش

نوشته بود: سه نامه برای شما نوشته‌ام که نامۀ سوم را درحالی دریافت کردم که نامۀ داخلش عوض شده بود دومرتبه نوشتم، جوابش مختصر بود لذا در این بار با عرض معذرت جواب را کمی مفصّل‌تر بنویسید. ۱. در سوم رمضان مادرم خواب می‌بیند که من و او به دشت و کوهی می‌رفتیم، شخصی را با عمامۀ سبز ملاقات کردیم و ما را به حوضی برد که چشمه‌ای از آن جاری بود و مردم زیادی وجود داشت و فرمود این‌ها اصحاب من هستند. لباس‌ها را شستیم و فرمود حالا پاک هستید و بعد ما را به خانۀ کهنه‌ای بُرد و دو نامه؛ یکی برایم و یکی برای خواهر حافظۀ کل قرآنِ من داد و آن‌ها را مُهر زد و پول زیادی به ما داد. به خانه آمدیم خسته بودیم من خواب رفتم دوباره آن شخص نورانی آمد و مرا با عصا بیدار کرد و بعد از مصافحه فرمود: نامه‌ای‌که برایت نوشته‌ام باید درس‌ها را ادامه بده و من نامه را برای چیزی دیگر مُهر زده‌ام وکار ما را انجام بده ما کار شما را انجام می‌دهیم (من به دعوت و تبلیغ خیلی علاقه دارم و در حوزه برنامه داریم)، ۲. مادرم نیز خواب دیده که حضرت فاطمه رضی‌الله‌عنها را ملاقات کرده و در خانه‌ای کهنه زندگی می‌کرد، ۳. خواب دیدم داخل کوچۀ مان برای نماز ایستاده‌ام و پشت‌سرم جمعیت زیادی ایستاده بود، ۴. آیا تعویذ «گردنامه» ثبوت دارد؟ ۵. شخصی دختران دیگران را برای جوانان برای کار بد می‌برد، با او چگونه مقابله کرد؟

وعلیکم السلام و رحمة اللّٰه و برکاته؛ امابعد:

نامهٔ اشتباهی احقر با نامهٔ شما رسید. واقعی اشتباهاً این طور شده است.

خواب اول شما مبارکست. آن شخص امید است که نبی صلی‌الله‌علیه‌وسلم بود و آب، رحمت بود. شستن لباس‌ها کنایه از شستن گناهان بود. مُهر زدن نامه، امید است که دلالت بر خاتمه به خیر بودن است. حوض و چشمه، هر دو آب رحمت‌اند. نامه، اشاره به راهنمایی به طریق دعوت است مُهر، آن است که نوشتم. پول عطیه، اجر است. زدن عصا، تنبیه است وکارها یعنی دعوت و سنّت است.

۲ـ اشاره به مفهوم خواب اول است.

۳ـ ممکن است که این‌ها محافظین از روحانیون بودند.

۴ـ گردنامه ثابت نیست.

۵ـ این عمل سخت حرام است و این پول هم حرام و اگر کسی قدرت مقابله دارد، او را با قدرت منع کند.

۱۶شوال ـ ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۲۴۵

به فردی در پاسخ به مسألهٔ حکم شغل خیّاطی و توضیح شعری از کتاب «کریما»

۱. چون اکثر مردم لباس خلاف سنّت می‌دوزند، آیا شغل خیاطی خوب وکسب آن حلال است یا خیر؟ ۲. معنی این ابیات را در «پنچ‌کتاب» (کریما) در بیان شراب برایم واضح بنویسید.

وعلیکم السلام و رحمة اللّٰه و برکاته؛ امابعد: نامهٔ شما رسید و ملاحظه شد موفق باشید.

۱. شما به آن‌ها بگویید که من لباس خلاف نمی‌دوزم به جایی دیگر بروید هرکه مطابق سنت بدوزد، شما بدوزید و اگر شغلی بهتر دارید، همان را اختیار کنید.

۲. معنای این ابیات را در شرح کریما به نام «دُرّ یکتا» یا شرحی دیگر ملاحظه کنید بنده فرصت ندارم.

۱۶شوال ـ ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۲۴۶

به ... در ترغیب به خدمت دین مبین

نوشته بود: سلامتی و موفقیت روز افزون آن‌حضرت را در خدمت به دین و مسلمین از خداوند متعـال خواستارم و سپاسگزارم که ما را نصیحت فرموده بودید و این شکسته‌نفسی شما بیانگر بزرگواری شما است. امیدوارم همواره ما را ارشادفرمایید. الحمد لله در ماه مبارک رمضان برای اولین بار جلسۀ باشکوه ختم قرآن برگزار شد و تأثیرات مثبت آن در کل منطقه شایستۀ تحسین است و جلسات مشابه وعظ در روستاهای هم‌جوار با حضور طلاب محترم. تشکیل چندین جماعت۳ روزه تا ۴ ماه از دیگر برکات ماه مبارک است. بحمد الله جوانان با مطالعۀ کتب مفید کـه اکثـراً از تألیفـات حضـرتعالی هسـتند و بخصوص نشریات «صبای کوهستان»، «پیوند اندیشه‌ها» و «ندای اسلام» دگرگون و جذب شده‌اند. بدون تملّق بنده با شما ارادت خاصی دارم، ولی متأسفانه تاکنون دیدار شما نصیبم نگردیده و قصد دارم در تعطیلی به خدمت برسم و دعا کنید این خشکسالی برطرف گردد. ضمناً از طـلاب گرانقـدر [ایـن منطقه و متعلّم در آن حوزه] تقدیر و تشکر می‌نماییم و در پایـان از شـما و سـایر علمـای محتـرم و مدرسین حوزه دعوت می‌نماییم که در صورت امکان از این منطقۀ رمشک بازدیدی بنمایید.

عزیزم! وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

نامۀ شما رسید و ملاحظه گردید و باعث خوشحالی گردید خداوند کریم شما را به خدمت دین موفق فرماید و در امان خود از هر بلای دینی و دنیوی حفظ فرماید. بنده هم بسیار بسیار سپاسگذار آن فرزندان اسلامی هستم که حرف و نصایح بنده را بـه گـوش و اسـتقبال گـرم تحویل می‌گیرند. خداوند کریم شما را توفیق ادامۀ اعمال خیر عطا فرماید و از برکات قرآن کریم و فیوض رمضان مبارک تا دم حیات بهره‌مند و موفق گرداند.

الله تعالی خشکسالی دینی و دنیوی ما و شما همـه مسـلمین را برطـرف گردانـد و از ابـر رحمت و نور برکت خود سرفراز گرداند.

بازدید آن مناطق، وابسته به توفیق خداوند کریم و شرط فرصت است.

شوق ما با دیدن آن دوستان غایبان   مثل شوق تشنگان باشد به باران روان

بستگان شما را سلام عرض است.

۱۶شوال ـ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۲۴۷

به فردی در توجیه احوال و تعبیر خواب و مسایلی دیگر

نوشته بود: ۱. یکی از حالاتی‌که از سنین هشت نُه سالگی با من بوده و احساس می‌کنم، این‌که انگار شما را قبلاً دیده و آشنا بوده‌ام و در نزدیکی آقا سید عبدالرحیم، ۲. اغلباً مسایل و مشکلی‌که برایم پیش بیاید و قصد کنم پیش شما بیایم، همان‌جا که هستم مشکل برطرف می‌شود، ۳. احساس می‌کنم چیزی همراه و متوجه من است و مرا حفاظت می‌کند، ۴. حالاتی‌که بر من غالب می‌شوند، «هو الله»، «الله هو» و... و خفگی در گلو هست، ۵. هرگاه به منارهٔ مسجد نگاه کنم، انگار می‌لرزند، ۶. همسرم خواب دیده که من و او با سواری و وسیله‌ای به آسمان می‌رفتیم، ۷. یک ماه است که صاحب پسری بنام «محمّد» شده‌ام یکی خواب دیده که پسرم صحبت می‌کند و می‌گفت: خداوند مرا فرستاده تا مردم را به راه راست هدایت کنم. سؤالات: ۱. بفرمایید آیینهٔ پیمبر چه کسی است؟ ۲. از نظر خودمان، گرفتن سود بانکی و جایزه چه حکم دارد؟ و در چه راهی باید صرف کرد؟ ۳. اگر کسی؛ مانند مدرسی یا حافظ قرآن علاقه به بیعت با حضرت داشت، اجازه است او را بیاوریم؟ ۴. کمالات ثلاثه چیست؟ ۵. اگر مرید بدون إذن مرشد به‌کسی توجه کرد و متأثر شد، حکمش چیست؟ ۶. نسبت چیست و حصول نسبت یعنی چه؟ ۷. باطنیه و قرامطه و زیغ چه کسانی‌اند؟ ۸. اهل اهواء چه کسانی اند؟ ۹. آیا پشت‌سر اهل... (غیر مذهب) نماز خواندن جایز است؟ (از هرمزگان).

فرزند ارجمندم! وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

نامهٔ گرامی شما ملاحظه شد خداوند کریم شما را حفظ و سعادت دارین عطا فرماید و به راه عرفان و محبت عارفان سرگرم و خاتمهٔ من و شما را به خیر و عافیت گرداند، آمین.

حالاتی‌که تحریر فرموده‌اید، همه مبارک و بشارات و الطاف خداوند کریم‌اند بر شما، شکر این نعمت‌ها را ادا کنید.

خواب‌ها هم مبارک و بشارت‌اند و آن‌چه همسرت دیده است، همهٔ این‌ها یک نوع نعمت و بشارت‌اند از جانب خداوند کریم و آن‌چه در موضوع پسرت نوشته‌اید، خیلی مبارک است؛ اشاره است به سعادت این بچه و داعی بودن او در راه خداوند کریم در مستقبل إن‌شاء الله تعالی.

۱ـ آیینهٔ پیغمبر، علمای ربانی و اولیای کاملین می‌باشند.

۲ـ [در مذهب شما هم حرام است. سود بانکی را] از بانک گرفته و به فقرا و نیازمندان

[بدون نیت ثواب و صدقه بلکه به نیت دفع بلا] بدهد.

۳ـ اجازه است هر فرد که ارادهٔ بیعت دارد، بیاید و اگر معذور یا زن است، نباید غایبانه بیعت کند.

۴ـ کمالات ثلاثه در تصوف، کمالات نبوت، کمالات رسالت و کمالت اولوالعزم مراداند.

۵ـ توجه مرید بدون اذن پیر به کسی خوب نیست.

۶ـ نسبت، تعلق مع الله را گویند و طریق آن در خلاصة التصوف موجود است.

۷ـ هر چه نوشته‌اید، از انحرافیات و اهل زیع‌اند.

۸ـ هر که غیر از اهل سنت و از مذاهب اربعه به دور باشد، از اهل هواء است.

۹ـ جایز نیست.

۲۳ شوال ـ ۱۴۲۲ هـ . ق .

مکتوب ۱۲۴۸

به شخصی در مورد ترغیب به ذکر و پاسخ به یک مسأله

(از نماز جمعه در سنندج برگشته برادرم... را دیدم گفت به‌کوه‌ون بر می‌گردم من هم وقت را فرصت دانستم وکمی وقت شما را می‌گیرم. استاد جان! روزی از کلاس برگشتم کمی خوابیدم دیدم به حج رفته‌ام. در مورد ذکرهایم کمی تنبلی می‌کنم و کار تبلیغ هم ضعیف است، دعا کنید. سؤال: ۱. اگر کسی مریض باشد و یک دو ماهی از نمازهایش فوت شود، وارثین او چه کار بکنند؟ ۲. بفرمایید: تفسیر شما چند جلد چاپ شده و هدیه‌اش چه قدر است؟. إن‌شاء الله خود شما و هم علمای منطقه را برای پیشبرد و تبلیغ دین در کردستان فکرمند بفرمایید

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

حال بنده خوب است خداوند کریم شما را حفظ فرماید.

نامهٔ شما ملاحظه شد و موجب خوشی گردید، موفق باشید.

خوابی که دیده‌اید، مبارک است و برای ذکر خود تنبلی نکنید که ذکر، انسان را به خداوند کریم می‌رساند و مقبول بارگاه الهی می‌گرداند.

ذکر کن ذکر تا تو را جان است　　　پاکی دل ز ذکـر رحـمن است

اندرین ره می‌تراش و می‌خراش　　　تا دم آخـر دمی غـافل مباش

۱ـ اگر مریض در همان مرض مُرد و در مرضش حواس داشته بود و بی‌هوش نبـود و وقـت مرگ وصیت کرد پس، فدیهٔ نمازهای او را وارثان او بدهند.

۲ـ تفسیر، ۶ جلد چاپ شده و تمام شده‌اند.

مزید خیر است، شما را به خدا می‌سپارم و التماس دعا دارم.

۲۷ شوال ـ ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۲۴۹

در پاسخ جناب ملا حسن زارعی در مورد تعبیر خواب و عرفان

حمداً لمن أبدع الأکوان من عدم　　　هو الغفور لعبد عاد بالندم

ثم الصلاة علی مبدی طرائقتنا　　　محمد شمس رشد ضاء فی الظلم

کذا علی الآل و الأصحاب قاطبة　　　هم النجوم فسنهتدی بهدیهم

* * *

مدتی این مثنوی تأخیر شد　　　مهلتی بایست تـا خـون شد

مرشد عزیز! إن‌شاء الله حالتان خوب و سلامت باشد و همواره در عروج و ترقی باشید و مـا را هم بهره‌مند کنید. از دوری و فراق چه گویم؟! دوست ندارم زیاد مزاحم شـوم، بـا وصـف ویرانـی درون، چند خواب و واقعه پیش آمده عرض می‌کنم: ۱. در واقعه و رؤیایی فکر می‌کـردم خـدمت یکی از سادات و سلاطین هستم که خیلی اهل زهد و عرفان بود و حـال در قیـد حیـات نیسـت. گفتم خوبست «فصوص الحکمِ» شیخ اکبر را نزدشان می‌خوانم. بعد از آن علـوم و معـارف شـیخ ابن‌عربی قُدس‌سره بر دل و فکر فائض شد و تا حدودی اطلاع حاصل شد، ۲. خواب دیدم با گریـه و زاری و دست بوسیدن نزد شما هستم و یک شجرهٔ عربیهٔ منظوم آماده کرده بودم، فرمودید کـار خوبی است، ۳. یکی از مشایخ را در خواب دیدم که به محض دیدن، گرمی وگریه غالب شـد، ۴. یکبار دیگر در خدمت شما رسیدم در آخر گفتم آیا ذکر یا مراقبه‌ای دیگر شروع کنم؟ فرمودیـد: از «الم» شروع کن. صبح فکر کردم آیا منظور الف و اول مراقبات است یـا حقیقـت قـرآن اسـت؟!

شب بعد باز به خدمت رسیدم فرمودی منظورم حقیقت قرآن است؛ زیرا در ضـمن نفـی و اثبـات، مراقبات هم گذشته است. فعلاً الحمد لله از توجهات حضرتعالی حالم خوب است. گـاهی معـارف حضرت مولای روم و گاهی معارف حضرت ابن‌عربی و بعضی وقت‌ها علوم حضرت مجدّد قدّس‌الله اسرارهم فائض می‌شود؛ به‌طوری‌که خود را لایق نمی‌دانم و بعضی وقت‌ها نظریهٔ شیخ اکبر وگـاهی حضرت جلال‌الدین رومی قدّس‌الله‌اسرارهم بیشتر مقبول می‌شوند ولی این‌طور معلوم می‌شـود کـه فرق و اختلاف بسیار دقیق و جزئی میان حضرت مجدّد و ابن‌عربی و مولای روم رحمهم‌الله وجـود دارد که نزد محققین به خلف لفظی راجع می‌شود.

از احقر محمّدعُمر مجددی خدمت مخلصی و محترمی جناب ملا حسن زارعی صاحب! زاد لطفه السلام علیکم و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

حال بنده بد نیست خداوند کریم شما را سالم دارد، آمین.

نامهٔ گرامی شما شرف ورود حاصل کرد و موجب خوشحالی بنده گردید بیش از پیش موفق باشید. عزیزم! رؤیا و حالاتی‌که تحریر فرموده‌اید، الحمد للّه همه خوب و مبارک‌ند.

خواب چهارم که اشاره به «الم» کرده شد، مراد از آن حقیقت قرآن مجید اسـت، امـا بـا مهلت یعنی شما استعداد حقایق دارید، اما عجله نکنید. درس شـما بـه همـان‌جـا کـه رسـیده است، به همان ردیف دوم و سوم را اجازه دارید و از دعوات صالحات فراموش نفرمایید.

احمد و دیگر احوال پرسان را سلام عرض است.

۲۵ شوال ـ ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۲۵۰

در پاسخ به فردی در مورد توبه بعد از لغزش

نوشته بود: حدود یکسال می‌شود به ملاقات شما نیامده‌ام؛ چون مشکلات مرا گرفته و شیطان بر من غلبه کرد رفتم مازندران و توسط جادو و نیرنگ‌های عمه‌ای‌که داشتم، از راه منحرف شـدم وگفت دخترم را به تو می‌دهم و تو درس را کنار بگذار من هم پروایی نکردم و در غفلت بسر بردم و از دایرهٔ اسلام و سنّت بیرون شدم. در این مدت همیشه در این فکر بودم آیا می‌شود با شما ملاقات داشته باشم. یک هَو الله نظر رحمت انداخت و خودم را دم کردم و متوجه شدم و توبه کردم، حـالا حالتم بهتر شد و الله توبهٔ بندهٔ گناه‌کار را قبول کرد و الآن دوباره در حوزه آمده‌ام. دعا کنید الله پاک استقامت نصیب کند و مشکلات را حل کند و با شما ملاقات داشته باشم و راهنمایی‌ام فرمایید.

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

خداوند کریم شما را موفق به هدایت به دین گرداند.

عزیزم! از لغزش خود باز بیایید و از آن‌چه کرده‌اید، توبه کنید خداوند، کریم است توبه را قبول می‌کند و دو مرتبه به درس و ذکر و وظایف ادامه دهید إن‌شاء اللّٰه تعالی بنده دعا می‌کنم شما هم همّت کنید خداوند کریم شما را بر جادهٔ مستقیم برقرار دارد. ارتباط خود را با علمای ربانیین برقرار کنید که دین شما محفوظ می‌ماند. خداوند کریم من و شما و تمام برادران و خواهران امت محمد صلی‌الله‌علیه‌وسلم را بر خط مستقیم برقرار گرداند، آمین.

۲۵ شوال ـ ۱۴۲۲ هـ. ق.

مکتوب ۱۲۵۱

در پاسخ فردی در مورد دعا در رفع مشکلات و علم دین

نوشته بود: پس از عرض و تقدیم سلام از صمیم قلب امیدوارم روزگار به‌کامتان باشد و در زیر سایهٔ خداوند متعال ایام را سپری فرمایید. یکی از شاگردان شما عازم بود که به خدمت شما بیاید، این نامه را نوشتم. استاد جان! برایم دعا بفرمایید تا الله تعالی مشکلاتم را حل فرماید و برای تمام مردم کردستان دعای خیر بگویید تا از چنگال نفس و شیطان رهایی یابند.

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

نامهٔ شما رسید خوشحال شدم خداوند کریم مشکلات شما را سالم و حفظ فرماید و توفیق دین مبین و علم دین عطا فرموده و از همه آفات و بلیات حفظ و مشکلات دینی و دنیوی شما را برطرف گرداند. خداوند کریم همه امت محمد صلی‌الله‌علیه‌وسلم را اصلاح فرماید و بالخصوص اهل مناطقی را که از دین فهمی عقب افتاده‌اند.

سلام دوستان دور بر ما ابر نیسان است
که بر ما ارتباط دوستی را نیز جنبان است
عزیزم دوستی با دوستان آغاز آسان است
ولی شرط ادامه در محبت نور انسان است

شما را به خدا می‌سپارم و التماس دعا دارم.

۲۵ شوال ـ ۱۴۲۲ هـ. ق.

مکتوب ۱۲۵۲

در پاسخ فردی در مورد سؤال از حکم روزه در دهم محرم الحرام

بنده در طرح این سؤال می‌خواهم که شما جوابگوی آن باشید. سؤال مذهبی است و من از جواب آن عاجزم و آن این‌که اهل‌سنت در رابطه با دهم محرم الحرام می‌گویند که هرکس در این روز روزه داشته باشد، گناهان یکسال او معاف می‌شوند، اما اهل‌تشیع می‌گویند نه! این کاری‌که شما انجام می‌دهید، خلاف شرع است بلکه ثواب در آن‌ست که باید در این روز عزاداری کرده شود. در جواب دادن به این برادران همکاری نمایید.

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

در ابتدای نامه نوشتن «بسم الله...» مستحب است «به نام خدا» نوشتن بدعت است.

آن‌چه اهل سنت می گویند، صحیح است؛ چراکه پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وسلم خودش در حدیث همین طور دستور فرموده است. در سنن ترمذی و ابی‌داؤد وغیره روایت موجود است. بلکه عمل اهل تشیع خلاف سنت و شرع است؛ زیرا عزاداری در این روز نه در زمان پیامبر اسلام بوده و نه در زمان خلفا و حضرت علی و صحابه رضی‌الله‌عنهم. این عزاداری در مورد شهادت حضرت حسین رضی‌الله‌عنه شما اهل تشیع بعد از سیصد هجری شروع کرده‌اید و قبل از آن نبوده است. خود حضرت علی و فاطمهٔ زهرا و حضرت حسین و حسن و همهٔ ایمهٔ اهل‌بیت رضی‌الله‌عنهم به‌دستور پدر بزرگ خود این روز را مثل سنّی‌ها روزه گرفته و از خداوند کریم ثواب و اجر اخروی خواسته‌اند. در این مورد در کتب احادیث و تاریخ اسلام و از خود ابن‌عباس رضی‌الله‌عنه روایت‌ها هست.

۲۷ شوال ـ ۱۴۲۲ هـ. ق.

مکتوب ۱۲۵۳

در جواب شخصی در مورد احتیاط از محبت خلفای مبتدع

نوشته بود: امیدوارم حال مبارکتان خوب باشد و صمیمانه تبریکات حلول عید سعید فطر را به حضورتان عرض می‌کنم. استاد معظم! نامه نمی‌دهم چون جواب‌هایی‌که می‌فرستی، گویا توقیف می‌شوند و بدستم نمی‌رسند. دیگر این‌که کار خوب پیش می‌رود و در مراقبات لطیفه‌ها هستم. امسال قسمت شد به پیشاور رفتم و پیش جناب سیف‌الرحمن هم رفتم و چند شبی ماندم و خیلی اذیت شدم که صحبت‌ها در این مورد زیاد است، إن‌شاء الله بیایم تعریف می‌کنم.

مخلصی و محترمی حاج ... السلام علیکم و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

نامۀ جنابعالی در پنجم ذیقعده رسید و در ششم آن جوابش نوشته شد، شما را و وسیلۀ شما را تبریک می‌گویم. خداوند کریم در آن برکت دهد و خصوصاً در دین و ایمان و اذکار و لطایف شما برکت عطا فرماید.

عزیزم! از این‌که شما نزد بسیاری از خلفا و آقاهای مبتدع می‌روید، در نسبت مجددیت شما خیلی نقص پیدا خواهد شد؛ زیرا نسبت مجددی نسبت ناب سنت نبی کریم صلی‌الله‌علیه‌وسلم است الآن در نسبت‌های بعضی خانواده‌ها خیلی بدعت و منهیات آمیخته شده است. نزد آن ها اگر عرفانی باشد، آن عرفان ناب نمی‌باشد بلکه آمیخته با بدعات و رسوم می‌باشد که در حضرت خداوندکریم در عالم آخرت ارزش یک جَو هم ندارد. الحمد لله شما خود بویی از عرفان و نسبت برده‌اید و حق و باطل را می‌توانید امتیاز داد، اما هوشیار باشید شیّادی و هرزه‌درایی به گُربُزی خود نسبت نورانی شما را مکدّر نکند. به وقت فرصت، آمدن شما به نزد احقر خیلی ضروری و صلاح است، مزید شما را به خدا می‌سپارم و التماس دعا دارم.

۶ ذیقعده ـ ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۲۵۴

در پاسخ خانمی که در مورد تبریک برای فرا رسیدن ماه مبارک رمضان نوشته بود و ترغیب‌شان برای ادامۀ نماز و ذکر و تلاوت

دختر محترمه‌ام! وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

نامهٔ شما رسیده خوشحال شدم، خداوند کریم شما را حفظ فرموده و به دین خود موفق و از عرفان بهره‌مند گرداند. برای نماز و ذکر و تلاوت قرآن کریم پایبند و مستقیم باشید و بنده را هم در دعاهای خود یاد کنید، بنده هم دعاگوی شما هستم.

۶ ذیقعده ـ ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۲۵۵

در پاسخ شخصی در راهنمایی به بیعت زنان

نوشته بود: در این سال که در زاهدان سکونت‌پذیر شدم، ضمن تدریس و عمل بر وظایف یک کار سنگین به‌عهده گرفته‌ام وآن این‌که در حاشیهٔ شهر زمینی خریده‌ام برای مسجد و مدرسه که زیر بنای ۳۰۰ متر مسجد ساخته شده و در رمضان نماز خوانده شده و از این به بعد ارادهٔ ساخت اتاق‌های مدرسه دارم و این همه را مرهون توجهات و دعاهای شما می‌دانم و نیز در مکتب خواهران درس دارم که بنابر ترغیب من بعضی از خواهران ارادهٔ بیعت دارند گفتم هریکی نامه‌ای برای شما بنویسید.

مخلصی و محترمی السلام علیکم و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

نامهٔ گرامی آن جناب با نامه‌های طلبگاران بیعت رسید و موجب مسرّت گردید. خداوند کریم من و شما را به خدمت دین موفق گرداند و ذوق علم و لذت عرفان نصیب گرداند. کاری که به ذمه گرفته‌اید، عندالله سنگین نیست خود را به الله تعالی سپرد کنید، کارهای سنگین را آسان می‌گرداند. بنده از این‌که به خدمت دین و علم مشغولید، خیلی خوشحال شدم و از اعماق قلب برای شما دعا می‌کنم. تعلیم خواهران نیز به طریق شرعی یکی از فرایض اسلام است، موفق باشید.

برای این طلبه که تقاضای بیعت کرده‌اند، اولاً از طرف بنده عرض سلام بکنید و بگویید بنده فرصت نداشتم که جواب هر فردی را از شما جدا جدا بنویسم، از این وجه از شما عذر خواهی می‌کنم و ببخشید.

ثانیاً راهنمایی بیعت زنان را ملاحظه فرمایید وآینده اگر زنی میل بیعت پیدا کند، اگر پنج یا ده یا بیست نفر باشند، به اتفاق یک نامه بنویسند و تقاضای بیعت کنند؛ مثل خواهران زابلی

که تقریباً بیست نفر به بالا بودند، یک نامهٔ تقاضایی به وسیلهٔ مولوی عبدالحکیم صاحب نوشته بودند و بیعت داده شدند. لازم نیست هر فرد جداگانه بنویسد. الآن برای بیعت متوجه باشید:

آن‌ها را بگویید که شبی از شب‌ها بعد از نماز عشا و بر سر جای نماز خود را رو به قبله نشسته در دل خود نیت کند که الآن رو به روی «محمّدعُمر» نشسته‌ام و بیعت می کنم. در این وقت کلمهٔ طیبه و کلمهٔ شهادت و کلمهٔ استغفار را یک یک بار بخواند. بعداً بگوید: ایمان آوردم به اللّه تعالی و رسوله و به هر حکمی که ایشان امر فرموده‌اند و بیزار شدم از هر کاری که ایشان منع فرموده‌اند و بیزار شدم از شرک و کفر و بدعات و تمام گناه‌ها و بیعت کردم با «محمّدعُمر» در طریقهٔ نقشبندیه مجددیه. بعداً چشم را بند کند و متوجه قلب خود که زیر پستان چپ به فاصلهٔ دو انگشت است، باشد و اسم «الله» را به زبان گوید و بر دل ضرب کند و با تسبیح شمار کند و سیصد بار همین اسم را بگوید و بعد دعا کند. سپس بعد از هر نماز همین عمل را انجام دهد و اگر فرصت نشد، در وقتی دیگر انجام دهد. پس، [با انجام این عمل آن شخص] بیعت کرده و مرید شده است. بعد از آن اگر حال و خوابی رخ دهد، بنویسید. و مزید آنان را به دعاهای ص۱۶ و۱۷ رسالهٔ «کنزالدارین» [ص۲۹ و ۳۰ گنجینهٔ دعا و اوراد، عنوان «ادعیه و اذکار بعد از نمازها و دیگر اوقات] راهنمایی کنید که اگر فرصت داشته باشند، آن‌ها را بخوانند. مزید التماس دعا دارم.

۶ ذیقعده ـ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۲۵۶

در پاسخ شخصی در تعبیر خواب و ترغیب به اذکار

نوشته بود: السلام علیکم ورحمة الله امیدوارم سلام گرم مرا که از فرسنگ‌ها راه نثار جان پاکت می‌کنم، پذیرا باشید. حقیر بجز دوری شما ناراحتی دیگری ندارم. ۱. خواب دیدم در یکی از شهرستان‌های بزرگ هستم و خانه‌ای قدیمی داشتم که انشعاب برق نمی‌دادند بعد خانه‌ای رفتم مأمور برق همونجا بود گفت حالا برق را وصل می‌کنم، ۲. خواب دیدم در مسجد مشغول نماز بودید و من هم وارد شدم بعد که سلام دادید و بلند شدید، افراد زیادی بودند طلب دعا کردند و وقتی مرا دیدید سلام کردم و یکدیگر را در آغوش گرفته و صورت همدیگر را بوسیدیم، ۳. دیدم موتور را درب خانه گذاشتم، آن‌را دزدیدند دیگری خریدم، دوباره همین واقعه پیش آمد، ۴. دیدم من

و همسرم کنار جُوی آب روان و سبز بودیم اما بو می‌داد تصمیم گرفتیم بـرویم تـا سرچشـمۀ آن کجاست؟ رفتیم آب از زیر زمین بیرون می‌آمد و بو نداشت، ۵. در ذکر این را مشـاهده کـردم کـه گویا امام بودید قبل از تکبیر دیدم صف کج است، آخر صف بودم و با صدای بلند گفـتم صـف را راست کنید، ۶. دیدم روی موتور به دره وکوه و جادۀ باریک رفتم، پرت شدم و خود را به‌طرف کوه آویزان دیدم، منتظر چند نفر بودم که از پشت پیاده در حرکت بودند تا مرا نجات دهند... .

مخلصی و محترمی جناب حاج یوسف‌زاده السلام علیکم و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

نامۀ شما رسید و خیلی خوشحال شدم. خداوند کریم شما را سعادت در دین عطا فرموده و بر همه مرضیات خود موفق گرداند.

۱ـ خواب اول شما اشاره است که وجود جنابعالی از این زمان قبل نور بـاطن کمـا حقـه نداشته بود و الآن امید است که به‌برکت ذکر الله منور گردد.

۲ـ اشاره به محبت و نسبتی است که از این پرگناه به شما رسیده است.

۳ـ این خواب از تخیّلات واهمه است.

۴ـ این برای هر دو تای شما مبارك است. آب صاف، فیض رحمت است.

۵ـ اشاره است که به اتباع سنّت موفق خواهی شد.

۶ـ این هم خوب است و یک نوع سختی از شما إن‌شاء الله تعالی برطرف خواهد شد.

بقیه خواب‌ها هم مبارك‌اند موفق باشید. برای اذکار خود سعی کرده باشید. بنده دعاگو و از شما هم دعاجو هستم. به حاج بحری و جاویدان سلام عرض است.

۷ ذیقعده ـ ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۲۵۷

به فردی که در مورد روش برخورد با مردم و در امور مدرسه راهنمایی طلبیده بود

جناب مولوی رحمت‌اللّه صاحب! السلام علیکم و رحمة اللّه و برکاته؛ امابعد:

نامۀ گرامی شما رسید و خوشحال شدم.

عزیزم! برای ذکر و سبق لطیفۀ خود کوشش کنید تا ذکـر در قلـب جـاری گـردد. اگـر

می‌خواهید که کارتان رو به ترقی کند، با مردم با اخلاق ملایم صحبت و برخورد کنید، امید خود را به خداوندکریم وابسته کنید. در امور مدرسه، اخلاص و صدق و صفا را شیوهٔ خود گردان، طلبه را به تعلیم و اخلاق نگرانی کن، خرج و مصرف مدرسه را از راه کمک از مردم خیّر حاصل کن و از مخلصین بگیر. مشتی نمونهٔ خرواری است.

مزید شما را به خداوند کریم می‌سپارم و التماس دعا دارم.

۷ ذیقعده ـ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۲۵۸

در جواب شخصی در مورد چند سؤال

نوشته بود: ۱. الحمد لله تا حدودی به وظیفه‌ام تلاش دارم، اما وقتی‌که دل‌چسپی حاصل می‌شود، خمیازهٔ طولانی می‌آید، ۲. دوست دارم به قوت کمی اکتفا کنم، لیکن ترتیب بهم می‌خورد، چه روشی اختیار کنم؟ ۳. اکثر اوقات در کلاس حفظ حاضری می‌دهم خدمت بچه‌ها وقت صرف می شود و گاهی کسالت دارم و تلاوت کم نصیب می‌شود، گرچه چیزی نیستم، اما طلبه را نصیحت می‌کنم، ولی خودم برعکس عمل نشان می دهم، گاهی خواب‌هایی می‌بینم که پریشان می‌شوم؛ مثلاً ریش ندارم و...، ۳. پیراهن کشیده و خوابیدن چطور است؟ ۴. گاهی طلبه که درس خوب نمی خوانند، عصبانی می‌شوم، چگونه خود را کنترل کنم؟ ۵. در بعضی مراسم اعمال بد مثل دهل و طبل به‌کار می‌برند و بعد مرا برای عقد دعوت می‌کنند، چه کارکنم؟

وعلیکم السلام و رحمة اللّه و برکاته؛ امابعد:

خداوند کریم شما را سالم و موفق گرداند. وظایف خود را تا می‌توانید انجام دهید، سستی نکنید.

۲ـ کم خوردن تنها کمالی نیست بلکه کمال در ادامهٔ ذکر و اتباع سنت است. خداوند کریم تمام نواقصات دیگر شما را اصلاح فرماید.

۳ـ اگر مرد است، پیراهن و زیرپوش را بیرون کردن و خوابیدن هیچ اشکالی ندارد.

۴ـ کنترل کردن خودت، در اختیار خود شماست.

۵ـ شما در مجلس دهل نروید البته در وقتی دیگر اگر عقد دهید مشکلی ندارد که

مجلس خالی از خرافات باشد و اگر اصلاً ننویسید بهتر است.

شما را به خداوند کریم می‌سپارم و التماس دعا دارم.

۷ ذیقعده ـ ۱۴۲۲ هـ. ق.

مکتوب ۱۲۵۹

در جواب طلبه‌ای کُردی در مورد تحقیق مفهوم حدیثی و اقسام اعمال و نیات و اعتقادات

نوشته بود: امید است در سلامت کامل به‌سر ببرید و از فتنهٔ فتنه‌جویان در امان باشید. غرض، عرض یک مریضی سخت و بزرگ و طلب دعا و راهنمایی است. امروز حدیثی خواندیم که مسکین را بسیار در وحشت انداخته است. حدیث این‌ست: «**إن اول الناس یقضی یوم القیامة علیه رجل أستشهد فأتی به فعرفها قال ماعملتَ فیها؟ قال قاتلتُ فیک حتی أستشهدتُ قال کذبتَ ولکنّک قاتلتَ لأن یقال فلان جرئ...» الی آخر الحدیث**. من به این مرض مبتلا هستم که نمی‌توانم از دست شیطان و وسوسه‌هایش خود را خلاص کنم. هرکاری می‌کنم که نسبت به مشهور شدن بی‌توجه باشم، نمی‌شود وگرفتار هستم. اگر عربی می‌خوانم، اول نیتم خراب می‌شود و در ذهن می‌آید که مترجمی خوب شوم و فلان فلان کتاب را ترجمه کنم و یا نویسنده‌ای مشهور بشوم؛ مثل مولانا ندوی رَحِمَهُالله یعنی خدمت دین انجام می‌دهم ولی در کنارش آن شهرت و نام و نشان می‌آید و یا در ذکر کردن همین‌طور که تا مثل امام ربانی باشم، شاگرد و مرید تربیت کنم و یا در علم ظاهری تلاش کنم تا مثل مولانا عبدالحمید و... باشم یا از او مهم‌تر یا در راه خدا شهید بشوم، ولی تصویر بعدی در ذهن می‌آید که مردم از من یاد کنند و... . و خلاصه در هرکار همین‌طورم. فکر می‌کنم با این گونه هیچ عمل از من قبول نمی‌شود و در قیامت جز خسارت و بدبختی چیزی دیگر نصیبم نمی‌شود. این درد بزرگی است امیدوارم راه علاج و داروی شفابخش ارسال فرمایید.

محترمی و مخلصی جناب محمدایوب گنجی! زاد فضله السلام علیکم و رحمة اللّه و برکاته؛ اما بعد موفق و سالم باشید.

عزیزم! آن‌چه هدف اصلی و عمق حدیث مبارک است، شما پی نبرده‌اید. این حدیث و امثال آن دال و مُشیر بر آنند که اعمال و نیات و اعتقادات خیر مسلمان چهار صورت دارند:

۱ـ این که همان نیت و اعتقاد و عمل که مسلمان دنبال آن است، تمام نیت و اراده‌اش تحصیل کمالات دنیوی است و بس، هدفی دیگر اخروی در نظر ندارد. در این صورت

خسر الدنیا و الآخرة است و هدف اصلی این حدیث و امثالش همین است؛ هم‌چنان‌که از محتوای آن روشن است. در این صورت آن شخص مصداق این شعر شیرازی و شعر اقبال می‌باشد. شیرازی [می‌فرماید]:

حافظا! مَی‌خور و رندی کن و خوش باش ولیک
دام تزویر مکن چون دیگران قُرآن را

اقبال [رحمه‌الله می‌فرماید]:

از شگرفی‌های این قرآن فروش ‌ ‌ ‌ ‌ دیده‌ام روح الأمین را در خروش

۲ـ در عملش دو طرفه نیت دارد؛ خیر و شر. یعنی نیت تحصیل کمالات دنیوی و اخروی هر دو دوش به دوش دارد هم‌چنان‌که در نامۀ شما هست پس در این صورت مصداق این حدیث نیست، اما اجر کامل به او نخواهد رسید بلکه یک نوع نقص در اعمالش وجود دارد.

۳ـ در عملش نیت یک طرف غالب و طرفی دیگر مغلوب است پس، حکم همان جهت غالب را پیدا می‌کند.

۴ـ اراده و هدف اصلی و عمدی او رضای مولٰی و خدمت تحصیل خیر اخروی‌ست، اما خیال و وهمش به این طرف و آن طرف ضمناً و تمناءاً می‌رود، در این صورت او مخلص است و در عمل او هیچ خللی نیست و مصداق این حدیث هم نیست بلکه عکس آن، بسیاری احادیث در همین موردِ چهارم موجود است که این فرد را اجر کامل می‌رسد و کوچک‌ترین إختلالی در اعمال او پیدا نمی‌شود.

همین ناراحتی و احساس شما از محتوای این حدیث، دلیل بر اخلاص شماست؛ زیرا غیرمخلص این را مهمّ نمی‌داند و احساس خطر نمی‌کند؛ چنان‌که در حدیثی آمده است که منافق این حقایق را مثل مگسی که بر بینی او پرواز کند، تصور می‌کند.

خود احقر الآن توقعم از ایمان شما بیشتر شد که الحمد للّٰه احساس و درد دین دارد. **فللّٰه الحمد والمنّة، وفّقنا اللّٰه و إیّاکم لما یحبّ ویرضی.**

۹ ذیقعده ـ ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۲۶۰

در جواب فردی از طلبه در مورد تعبیر خوابی چند

نوشته بود: حدود ۸ ماه است سبق روح را از شما تعلیم گرفته‌ام و الحمد لله تأثیر گذاشته و از بسیاری از اخلاق‌ها و افعال بد کناره گرفته‌ام ولی هنوز هم در لجن‌زار گناه غوطه‌ور هستم. در این باره بعد از الله تعالی خود را مدیون شما می‌دانم. ۱. خواب دیدم که شما به شهرستان ما آمده بودید و بنده با ماشینی بعنوان راهنما در جلو حرکت می‌کردم و کل خیابان ازمردم موج می‌زد. از من سؤال کردید این‌ها چه‌کسانی‌اند؟ گفتم فقرا هستند. شما لوازم شخصی مثل تسبیح و خودکار را از جیب درآورید و فرمودید: این را به فلانی و این را به فلانی بده تا این‌که همه را تقسیم کردم، راه را باز کردند، ۲. چند وقت پیش که ملحدان زبان طعن را بر صحابه و خصوصاً بر امیر معاویه رضی‌الله‌عنه باز کرده بودند، خیلی ناراحت بودم و خواب دیدم که حضرت امیر معاویه رضی‌الله‌عنه لباس ساده‌ای به تن داشتند و موی مبارکش بزرگ و چهره‌اش بسیار نورانی بود. یک ملحد آمد وگفت من قبلاً دوست شما بوده‌ام، به من منصبی بده. فرمود: فقط بعنوان محافظ خود می‌توانم بپذیرم نه کاری دیگر. حضرت با کمال سادگی روی تکه چوبی بدون بالش خوابیده. آن شخص با شمشیری قدم می‌زد و ناگهان به حضرت حمله‌ور شد بنده هم بر او حمله نموده و بعد از مقداری او را به قتل رساندم.

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

عزیزم! الآن تا مدتی روی همین سبق کار کنید خداوند کریم اخلاق‌های نازیبای من و شما را به اخلاق‌های شیوا و پسندیده مبدّل گرداند.

خواب اول شما خیلی مبارکست. دلالت دارد که نسبت علمی و عرفانی احقر در مناطق شما به رنگ سنت به وسیلهٔ شما پخش خواهد شد؛ به شرط آن‌که شما استقامت نشان دهید.

خواب دوم اشاره است برای آن‌که شما برای دفاع از صحابه رضی‌الله‌عنهم روزی موفق خواهی شد. مزید التماس دعا دارم.

۹ ذیقعده ـ ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۲۶۱

در پاسخ خانمی در مورد سؤالی چند

نوشته بود: ۱. من یکی از دختران شما و از امت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم هستم. از علما شنیده

و در کتاب‌ها خوانده‌ام که اسم باید خوب باشد. اسم مرا «نازخاتون» گذاشته‌اند، پدر گرامی اگر خوب نیست، اسمی برایم بنویسید، ۲. زن تا چه مقدار می‌تواند ابروهایش را باریک کند؟ ۳. اگر زن در نماز روسری و چادر را دو بار سرش بگرداند چطور است؟ آیا تشبّه به مردان می‌شود؟ چون در حدیث **«لیّة لا لیّتین»** آمده پس، معنی حدیث چیست؟ ۳. آیا در ایصال ثواب اسم مرده و پدرش لازم است؟

دختر محترمه! وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

نامهٔ شما رسید و خوشحال شدم موفق باشید.

۱ـ نام شما نام گناهی نیست البته ثوابی هم نیست.

۲ـ ابروهای زن اگر مزاحم چهره باشد و موی بلند پیدا شود، می‌تواند آن را اصلاح کند، ولی مبالغه نکند.

۳ـ اگر به یک بار پیچ دادن روسری قرار گیرد و بار بار منکشف نمی‌گردد، نمی‌تواند دو بار بپیچد وگر نه جایز است. هدف حدیث، مبالغه و مشابهت با عمامهٔ مردان است که این قدر نپیچد که با مردان مشابه شود.

۴ـ گرفتن اسم مرده و پدرش بهتر است و الا خداوند کریم از اراده هم باخبر است اگرچه اسم پدرش را نبرد. شما را به خداوند کریم می‌سپارم.

۱۵ ذیقعده ـ ۱۴۲۲ هـ.ق.

<u>مکتوب ۱۲۶۲</u>

به خواهری در پاسخ به مسأله‌ای و تسلّی در غم و رنج

نوشته بود: امیدوارم حالتان خوب بوده و در پناه ایزد متعال تندرست و اوقات را بگذرانید. تقاضای دعا دارم که از لحاظ روحی ضعیف هستم، دنیا برای ما زندان شده است، همه اهل روستا به چشم حقارت به ما می‌نگرند و پدر و مادر هم می‌گویند: تو از علما بهتر می‌دانی که همه تلویزیون دارند و به همه مجالس می‌روند و شما از همه مردم جدا هستید. و هم‌چنین در تعزیه‌ای رسم سنت را برگزار کردیم، دیگر از نظر مردم آبروی خود را از دست دادیم، به نظر شما چه‌کار کنیم؟ آیا هجرت کنیم؟ با بدعات درگیر هستیم و دیگر از دست ما کاری ساخته نیست، لطفاً راهنمایی کنید. آیا زن حایضه می‌تواند تلاوت قرآن را گوش کند یا تفسیر و

دعاهای عربی و حدیث بخواند یانه؟ (از تایباد)

وعلیکم السلام و رحمة اللّه و برکاته؛ امابعد:

نامهٔ شما رسید و خوشحال شدم موفق باشید و به عبادت خداوند کریم سرگرم باشید و به اهداف دینی خود نایل باشید. دنیا همه‌اش برای ما زندان است ناراحت نباشید این مشکل‌های چند روزه تمام می‌شوند.

به رنج و راحت گیتی مرنجان دل مشو خرّم

که آیینهٔ جهان گاهی چنین گاهی چنان باشد

همّت و استقامت، کار هر کس نیست از طعن همسایه و پدر و مادر متأثر نشوید و دست به کار نامشروع تلویزیون وغیره نزنید.

به‌کاری‌که در مورد تعزیه به اتباع سنت کرده‌اید، شما را تبریک می‌گویم آبروی شما نزد خدا و رسول خیلی بالا رفته است چرا غم و فکر می‌کنی! بلکه باید افتخار کنی که برای ادای سنت موفق شده‌اید و خدا و رسول او را راضی کرده‌اید. همان‌جا بمانید و هیچ فکر نکنید الله تعالی یار شماست. این درگیری شما جهادی بزرگ و مبارزه‌ای عظیم الشأن است با نفس و شیطان رجیم.

زن حایضه می‌تواند به تلاوت قرآن گوش کند وکتاب‌های تفسیر و دعا و احادیث و همه اذکار را می‌تواند بخواند فقط به آیات دست نزند.

شما را به خدا می‌سپارم و التماس دعا دارم.

۱۵ ذیقعده ـ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۲۶۳

در پاسخ خواهری در مورد سؤال از تلویزیون و تربیت اولاد و...

۱. دلم می‌خواهد پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وسلم را در خواب ببینم چه کار کنم؟ ۲. می‌خواهم بدانم خداوند از من رضایت دارد، چه کار باید بکنم؟ ۳. می‌خواهم فرزندی تربیت کنم که برایم باقیات صالحات

باشد، چه‌کار کنم؟ و هزاران سؤال دیگر بفرمایید آیا می‌توانم دلم را به شما گرم کنم و مکاتبه کنم؟ آیا می‌توانم بیعت کنم؟ با دل و جان بیعت می‌کنم اگر خداوند لیاقت بدهد، لطف فرموده با دست خط مبارکتان بنویسید، امید دارم بتوانم آن‌چه رضای الله و رسولش است، انجام بدهم. یک فرزند دختر چهار ساله دارم و در خانه تنها است، پدرش کارمند است. مدتی است بهانهٔ تلویزیون می‌کند و از خانه بیرون می‌شود و در خانهٔ همسایه تلویزیون تماشا می‌کند و من نمی‌گذارم با بچه‌های کوچه هم‌بازی شود. اقوام می‌گویند برایش تلویزیونی بگیر تا در خانه بماند، چه کار کنم و چه جواب قانع کننده‌ای بدهم؟ اوقات فرزند را با چه چیزی پر کنم؟ از دعا و راهنمایی خویش بی‌نصیبم نفرمایید.

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

نامهٔ شما ملاحظه شد خداوند کریم شما را به بندگی خودش موفق گرداند و از رحمت خداوند کریم ناامید نباشید و از گناه‌ها دور و ترسان باشید.

۱ـ درود بسیار بخوانید، امید است که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وسلم را در خواب می‌بینی.

۲ـ بندگی خداوند متعال و اتباع سنت کرده و از گناه‌ها پرهیز کنید، خداوند متعال راضی خواهد شد.

۳ـ فرزند را به علم دین و عبادات مشغول کن، از باقیات صالحات می‌باشد.

آری! می‌توانی سؤالات ضروریه را مکاتبه کنی و می‌توانی تقاضای بیعت کنی. الآن اگر بیعت می‌خواهی، شبی بعد از نماز عشا بر جای نماز خود رو به قبله نشسته و اراده کنید که الآن از «محمّدعُمر» بیعت می‌کنم بعد از این اراده، یك بار کلمهٔ طیبه و کلمهٔ شهادت بخوانید و سه بار کلمهٔ استغفار بخوانید بعداً بگویید: بیعت کردم با «محمّدعُمر» در طریقهٔ نقشبندیه مجددیه. بعد آن ۳۰۰ بار کلمهٔ «اللّٰه» را آهسته به زبان بگویید و خیال را به زیر پستان چپ به فاصلهٔ دو انگشت بدارید که قلب همین جاست. بعداً پس از هر نماز همین ذکر «اللّٰه» را همین مقدار یا کم و بیش ورد کنید و حالات بعدی را بنویسید.

تلویزیون به هرحال حرام است و ممنوع، از حدیث و فقه حرمتش ثابت است. اوقات فرزندت را به تعلیم قرآن کریم پر کنید و به نوعی دیگر او را مشغول کنید.

۱۵ ذیقعده ـ ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۲۶۴

در پاسخ طلبه‌ای در مورد سؤالی چند

(۱. چه اسبابی باعث می‌شود که انسان موفق به انجام اعمال خیر می‌شود؟ ۲. حکم مولودخوانی چیست؟ با کمی دلالیل وافیه؛ چون در منطقهٔ ما پیری هست آن‌را انجام می‌دهد و از کتاب‌های مولانا عبدالحی رحمه الله و... دلیل گرفته است، ۳. دور کردن وساوس چگونه است؟ ۴. اینجانب شاگرد شما درس و مطلب را سریع درک می‌کنم، اما بعد از مدتی نمی‌توانم به یاد بیاورم یعنی حضور ذهن ندارم، راه چاره چیست؟ یا تعویذی برای حقیر بنویسید).

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

خداوند کریم شما را به بندگی و طاعت خود موفق و قبول فرماید.

۱ـ چهار اسباب‌اند که اگر انسان آن‌ها را دنبال کند، موفق به انجام اعمال خیر می‌باشد:

۱) کثرت ذکر الله؛

۲) نماز با جماعت و خشوع؛

۳) تلاوت قرآن کریم؛

۴) کثرت خواندن درود و شریف.

۲ـ مولود خوانی اگر به طریق رسم و رسوم نامشروع نباشد و از تمام خرافات شرعی خالی باشد، نزد بعضی امکان دارد و اگر خرافی باشد، مولانا عبدالحی و... همه آن‌را بدعت و نادرست گفته‌اند.

۳ـ دور کردن وساوس به تحویل نگرفتن آن‌هاست.

۴ـ از خداوند کریم دعا کنید تا حافظه‌ات را قوی گرداند، نیازی به تعویذ نیست.

۱۵ ذیقعده ـ ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۲۶۵

در پاسخ فردی از طلبه در مورد چند سؤالی

(بنده طلبهٔ چهارم سطح در مدرسهٔ شورشادی هستم، چند سؤال داشتم: ۱. انسان چه کاری انجام دهد تا از ترس خدا اشک جاری شود؟ چون از بعضی مثل من جاری نمی‌شود نمی‌دانم از

قساوت قلبی است، ۲. طلبه‌ای چه کاری انجام دهد تا رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم را به خواب ببینـد؟ ۳. من از اساتید در مورد محمد بن ابی‌بکر و مالک اشتر سؤالاتی کرده‌ام، جواب چندانی نـداده‌انـد که عقیدۀ ما نسبت به ایشان چیست؟ واقعۀشان که معروف است، لذا با حوالـۀ کتـب عقیـدۀ مـا را بنویسید).

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد: نامۀ شما ملاحظه شد، موفق باشید.

۱ـ جاری شدن اشک، کمال انسانی نیست، باطل‌ها هم اشک می‌ریزند، بلکـه کمـال در اتباع سنت و ذکر و عبادت است.

۲ـ طلبه در زمان تحصیل تقوٰی و اتباع سنت و حسن ظنّ بر سلف صالحین و کثرت ذکر و صحبت صالحین داشته باشند، امید است که از او خدمت گرفته می‌شود.

۳ـ این هم امری ضروری نیست بلکه با اتباع سـنت و کثـرت درود، امیـد اسـت آن ذات گرامی صلی‌الله‌علیه‌وسلم را در خواب می‌بیند.

۴ـ محمد بن ابی‌بکر فردی مسلمان، اما اشتباه کننده و فریب خورده‌ی منافقین شـد. البتـه مالک اشتر سرگروه اشرار سبابیه و مدعی اسلام بود. به کنجکاوی ایـن مسـایل هـیچ نفعـی نیست؛ نه دینی و نه دنیوی به جز از تضیع اوقات خود و مزاحمت دیگران و به مطالعۀ احوال این‌ها نیز وقت خود را ضایع نکنید.

نصیحت: در تحصیل علم دین، سعی کرده باشید و از خرافات لایعنی مثل دنبـال کـردن این مسائل نباشید.

۱۵ ذیقعده ـ ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۲۶۶

در راهنمایی فردی در چند مورد

(اینجانب اهل تاش هستم. از جواب نامۀ شما تشکر دارم و عید فطر را بر شما تبریک می‌گویم و آرزوی سلامتی برای جنابعالی دارم و چند سؤال داشتم: ۱. پانزده سال است که وساوس شیطانی مرا اذیت می‌کند؛ مخصوصاً از وقتی‌که بیعت گرفتم، در وقت نماز، تلاوت، ذکر و سایر اوقات مـرا اذیـت می‌کند. این عادت بد و فکرها و وساوس را چگونه از خود دور کنم؟ ۲. بجز از وقت‌هایی‌که برای ذکر

قلبی مشخص نموده‌اید، در سایر اوقات آیا ذکر لفظی انجام بدهم؟ ۳. آیا در وقت مشکلات روحی یا موارد ضروری می‌توانم به جناب شیخ احمد هاشمی مراجعه کنم؟ ۴. آیـا اجـازه دارم از کتـاب شـفاء الأسقام استفاده کنم؟ ۵. ذکر «الله الصمد» را می‌توانم انجام داد یاخیر؟)

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد: خداوند کریم شما را به بندگی خودش قبول فرماید و توفیق ذکر و رضای خود نصیب گرداند.

۱ـ عزیزم! در مورد وساوس اصلاً ناراحت نباشید؛ زیرا هـر وسوسـه کـه خـودش بـدون اختیار و توجه شما، به شما هجوم آورَد، آن نه گناهی دارد و نه مانع ترقی ذکر و عرفان است بلکه آن مثل بخاری می‌آید و می‌گذرد. شما فقط به آن‌ها توجه ندهید، از کثرت ذکـر اللّـه وسوسه‌ها کم زور خواهند شد، کلاً رفع نمی‌گردند.

۲ـ در سایر اوقات اگر متوجه به ذکر قلبی باشید یا به ذکر لسانی، همه خوب است البته از غفلت بپرهیزید.

۳ـ آری! می‌توانی که به جناب شیخ هاشمی مراجعه کنی.

۴ـ آری! می‌توانی که از شفاء الأسقام استفاده کنی.

۵ـ این عمل را ترک کنید، بهتر است. امروزه چون‌که ارزاق آمیخته با حلال و حرام شده است، ذکر «الله الصمد» نتیجه‌ای ندارد.

مزید شما را به خداوند کریم می‌سپارم و التماس دعا دارم.

۱۵ ذیقعده ـ ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۲۶۷

در پاسخ حافظی در تشویق به ذکر و اشتغال به قرآن

نوشته بود: در شغل دینی و به ذکر مشغولم. شوق و ذوق به تلاوت قرآن عظیم الشأن، خواندن نماز طولانی، به درس و مطالعه و دروس باطنی پیدا شده است و در یـک هفتـه قـرآن را خـتم می‌کنم لذا برای حقیر دعای توفیق عمل بفرمایید. درس من مراقبۀ چهارم اسـت، اگـر اجـازه بـه درسی می‌فرمایید، در نامه تحریر بفرمایید.

از احقر محمّدعُمر خدمت محترم حافظ! السلام علیکم و رحمة اللّه و برکاته؛ امابعد:

حال بنده بد نیست خداوند کریم شما را سالم دارد. خداوند کریم توفیق علم و عمل و اخلاص عطا فرماید و شوق ذکر و تلاوت و بندگی را زاید گرداند. به این توفیق که در هفته‌ای ختم قرآن می‌کنی، خداوند کریم را شکرگزار باش. همین إشتغال بالقرآن و محبت و تعلق با قرآن کریم، بزرگترین نعمت است که به هرکس نمی‌رسد. **ذلک فضل اللّه یؤتیه من یشاء.**

به مراقبهٔ پنجم اجازه دارید و در آن مشغول باشید. بنده را در دعوات صالحات یاد فرموده باشید و شما را به خدا می‌سپارم.

۱۶ ذیقعده ـ ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۲۶۸

در پاسخ حافظی در مورد درد و حالش و رباعیاتش

(احقر در زمینهٔ سرودن رباعیات به فضل الهی و به‌برکت فیوضات شما الحمد لله تا حدودی می‌توانم افکار و جذبهٔ روحانی خویش را در راستای سلوک و عرفان و عشق در کالبد رباعی و دو بیتی‌ها بگنجانم.۲۰ رباعی از خویش برای شما گلچین کرده‌ام، راهنمایی فرمایید. حضرت صاحب! از وقتی‌که بیعت کرده‌ام، پنج بار دیوانه و حیران شده‌ام و یکبار در کراچی درحال مشغول بودن به حفظ قرآن، سر به بیابان کشیدم و بسیاری از وقت خود در بیمارستان و حالت جنون طی کرده‌ام. بنده چهار سبق طی کرده و در خواب سبق پنجم را تعلیم دادید و از فیوضات باطنی شما در خواب مستفید شدم و فرمودید: طوری ذکر کن تا ذکر خدا در رگ و پوست بدنت جاری گردد. گرچه زیاد پایبند به ذکر نیستم، الحمد لله در حالات جنون عروج می‌کنم که قلم از نوشتن آن عاجز است. دعا بفرمایید تا خداوند به راه راست هدایت کامل بدهد.

فرزند عزیزم حافظ مسکوتانی! وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

نامهٔ شما را ملاحظه کردم خداوند کریم جذبات روحانی و شوق عرفان شما را در محوطهٔ سنت نبی کریم صلی‌الله‌علیه‌وسلم روز به روز زیاده‌تر گرداند.

رباعیات جنابعالی را نگاه کردم و خیلی پسندیدم. خداوند کریم جنون عشق خود و جنون إحیای سنت را برای من و شما ارزانی بخشد.

آری! لطیفهٔ أخفٰی را به وجه احسن ذکر کنید. مزید التماس دعا دارم.

۱۶ ذیقعده ـ ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۲۶۹

در پاسخ خانمی در مورد تشویق به نماز و فکر دین

نوشته بود: عید فطر را به شما تبریک می‌گویم. مقصر هستم که خیلی وقت است از شما بی‌خبرم. چند وقتی بود نماز نمی‌خواندم، اما چند وقت است تصمیم جدی گرفته‌ام. خیلی دلم می‌خواهد درس بخوانم و وارد دانشگاه شوم، اما چون حافظه‌ام کم شده است، میل به درس ندارم، در این باره برایم دعا کنید که خیلی غصه می‌خورم؛ چون در غیر این صورت هیچ به درد نمی‌خورم. مشکلی دیگر هم دارم، اما روم نمی‌شود امیدوارم خداوند خودش کارها را درست کند و مرا ببخشد.

خانم محترمه! وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد: از یادآوری شما متشکرم.

نامه‌ای که در ۷ شوال فرستاده‌اید، در ۱۵ ذیقعده به دست بنده رسید. عروسی هر دو برادرت را تبریک می‌گویم. خداوند در عقد، خانه، رزق، عمر و دین‌شان برکت پیدا فرماید.

دختر محترمه! از این‌که در نماز و ذکر و تلاوت قرآن کوتاهی می‌کنی، خیلی ناراحتم، خداوند شما را موفق گرداند. همّت خود را بلندتر و کوشش خود را زیاده‌تر کنید. بنده را در مورد نماز بیشتر ناراحت نکنید.

ببین! به‌سبب ماندن از تعلیم دانشگاهی چه قدر تحسّر می‌خوری! اما برای فوت نماز که سرمایهٔ دو جهانی و موجب رضای خداوند تعالی و رسول صلی‌الله‌علیه‌وسلم می‌باشد، چندان فکر و تأسّف نداری. از فوت شدن درس دانشگاه غصه مخور که این، امر و متاعی محض دنیوی‌ست بلکه برای نماز و دین و ذکر و عبادت خود باید غصه بخوری. بزرگان گفته‌اند:

غم دین خور که غم غم دین است   همه غم ها فروتر از این است

غم دنیا مخور که بی هود است   هیچ کس در جهان نیاسود است

مزید شما را به خدا می‌سپارم و التماس دعا دارم.

۱۷ ذیقعده ـ ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۲۷۰

به خانمی در پاسخ به یک مسأله

(یک ماه پیش نامه‌ای برای شما نوشته بودم، ولی هنوز جوابی نرسیده است و این دومین نامه است، امیدوارم جواب نامۀ اول نیز برسد. سؤالی داشتم که بعضی از زنان در دوران حاملگی ترشح آب دارند و لکه‌های آب بر لباس خود می‌بینند، آیا باید بعد از هر دیدن آب غسل کنند یا تنها وضو بگیرند؟)

خانم محترم و علیکم السلام و رحمة اللّٰه و برکاته؛ امابعد:

بنده نامه‌ها را حتما جواب و پست می‌کنم البته اگر پست و کارمندان آن از بنده حساس هستند و نامه‌ها را رد می‌کنند، خدا داناست.

جواب سؤال شما: در صورت ترشح آب، غسل لازم نیست البته اگر همین ترشح ادامه دارد که در هر وقت نماز دیده می‌شود پس، برای هر وقت نماز وضو گرفته و نماز بخوانند.

مزید برای ذکر و نماز و تلاوت قرآن کریم کوتاهی نکنید و برای بنده نیز دعا کنید. خداوند کریم دین، خانه، اولاد و مال شما را برکت بدهد و به بندگی خود موفق گرداند.

۱۷ ذیقعده ـ ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۲۷۱

به مولوی ... در توضیح یک حدیث

(نوشته بود: مشغول خدمت دین می‌باشم و مدرسه‌ای بنا کرده‌ام و مشکات شریف و کُتُب دیگر تدریس می‌کنم. بنده در یک حدیث گیر کرده‌ام و از این قرار است: **«ومن خرج بشئ منه فعليه غرامة مثليه والعقوبة»** (باب **اللقطة**، ص۲۶۲).

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

خداوند کریم شما را مزید به خدمات دین موفق گرداند و مدرسۀ شما را برکت بدهد.

مقصد از این جملۀ حدیث مبارک این است: فرمودند صلی‌الله‌علیه‌وسلم: «هرکه از فقرا و نیازمندان که ضرورت شدیده و گرسنگی کامل داشته باشد، می‌تواند از ثمر معلق شخصی

دیگـر بـه مقـدار رفـع گرسـنگی اسـتفاده کنـد و بعـداً از صـاحب مـال اجـازه بگیـرد یـا قیمتش را بپردازد و کسی که بردارد و ببرد چیزی از آن ثمره به‌قدر بیش از ضـرورت خـود، پس بر او لازم است دو مثل قیمتش و تعزیر هم بر او هست».

ابن‌ملک می‌فرماید: این غرامت دو مثل و تعزیر، زجراً هست. حضرت عمر رضی‌الله‌عنه بـر ظاهر حدیث عمل می‌فرمود و به قال احمد و گفته شده این حکم در صدر اسلام بود و بعداً منسوخ شد. (کذا فی المرقاة شرح المشکوٰة: ۱۶۳/۶).

مزید بستگان شما را سلام عرض است.

۱۷ ذیقعده ـ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۲۷۲

در پاسخ فردی در مورد استقامت و اخلاص

(نوشته بود: چندی قبل مریضی‌ای داشتم که برای نماز نمی‌توانستم بلند شوم و نامه‌ای ارسال کردم و جنابعالی جواب و علاج را لطف فرمودید و الحمد لله تا حد زیادی اثر شده؛ گرچه برای تهجد سست هستم، استدعای دعا دارم. الآن علاج بیماری دیگری را جویا هستم و آن این‌کـه از زمـان طلبگـی هرکاری انجام می‌دهم، همیشه مخلوق در نظرم است که مرا تعریف کنند و حتی بعد از مـوت خـود دوست دارم تعریف مرا بکنند. خلاصه، خیلی عدم اخلاص مشاهده می‌کنم. طلب دعا و علاج دارم).

عزیزم مولوی... وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

خداوند کریم برای اخلاص و استقامت موفق فرماید.

عزیزم! اگر میل قلبی شما همین تمنّا بدون اختیار را دارد، هیچ اشکالی و نگرانـی نـدارد؛ چراکه امور غیر اختیاری مسئولیتی عندالله ندارند. البته اگر شما خود عمداً اراده و نیـت دیـد مردم می‌کنید، این ریا است و خطر دارد و علاجش این است که خود را از همه کمتر بدانید. از دید کهتری و کمتری خود، این مرض به مرور ایام دفع خواهد شد.

مزید التماس دعا دارم.

۱۷ ذیقعده ـ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۲۷۳

در پاسخ فردی در تشویق به ذکر

(حالاتی‌که برایم پیش آمده: وقتی به ذکر مشغول می‌شوم، شروع خوب است، ولی بعد به‌جای «الله» «الله هو» جاری می‌شود و وقتی نَفَس را نگاه می‌دارم، قلبم به‌کُندی شروع به حرکت و الله را یاد می‌کند. جناب مولانا! می‌خواهم درد دل کنم: بنده آدم ترسو، بی‌عقل، بی‌علم هستم. وقتی با کسی حرف بزنم، نمی‌توانم جوابش را بدهم و قلب تپش می‌کند. صاحب تعمیرگاهی هستم، ولی ده هزار تومان نقد هم ندارم. غم زندگی یک طرف است وگرفتاری‌ها یک طرف. تمام امید من اول به الله است و بعد به راهنمایی شما نیازمندم. اما به هر حال الله را شاکرم که پنج کلاس سواد دارم که کلام الله را بخوانم و پنج وقت نماز را نصیب من کرده است).

به نام آن‌که نامش حرز جان‌هاست ثنایش جوهر تیغ زبان‌هاست

عزیزم... وعلیکم السلام و رحمة اللّه و برکاته؛ امابعد: موفق باشید.

شما الآن به ذکر «اللّه» ادامه دهید و اگر بی‌اختیار لفظ «هو» برآمد، اشکال ندارد.

خداوند کریم مشکلات شما را حل فرماید و به خواندن علم دین و قرآن موفق گرداند. نماز و ذکر را به خوبی و مرتب ادا کنید. شما خود را به خداوند کریم حواله کنید و بندگی او را لازم بگیرید، خداوندکریم مشکلات شما را حل می‌فرماید.

۱۷ ذیقعده ـ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۲۷۴

در پاسخ فردی در مورد تعبیر خواب و راهنمایی

(چند حالت و خواب عرض می‌کنم: ۱. جدیداً گاهی اطراف شکم شروع به ذکر می‌کند و مقدار کمی لذت محسوس می‌شود، ۲. در ذکر خفی دیدم یک اتاق پر از ظروف چینی سفید شد و من و یکی دیگر روی آن نشستیم، ۳. در ذکر بودم دیدم یا خیال بسیار قوی بود در قالب تصویر درآمدن بودید، سؤال کردم: مهتر دانیال علیه‌السلام زنده است؟ فرمودید: خیر...، ۴. چند دفعه در حالت غنودگی حس می‌کنم سینه‌ام دارد بزرگ می‌شود این قدر که تمام آسمان و زمین جای می‌گیرد و گویا روح از کالبد جدا می‌گردد و بسیار لذت‌بخش است و رحمت‌های الهی بر قلب احساس می‌شوند و توجه به آن جانب پیدا می‌گردد، ۵. خواب دیدم گرگ‌ها و موش‌های وحشتناک زیادی خانه‌ها را محاصره کرده

بودند. من و گویا محمدصادق آن‌ها را نابود کردیم و پیروز شدیم، ولی دیگران را تکه پاره کردند، ۶ دیدم خانه‌ای پر از کبوترهای زیبا بود، ۷. در همین خواب دیدم از حافظ آزاد درس می‌گیرم، ولی نمی‌دانم چه کتابی بود و در همین شب شما را دیدم، گفتم: من نوح و مسیح و... علیهم‌السلام را به خواب دیده‌ام، شما التفات نکردید، ۸ آیا می‌شود مرید از مرید یا ناقص فیض ببرد؟ یعنی فیض شیخ او از ناقص هم به او می‌رسد؟ گاهی می‌بینیم فیض شما از مریدین شما یا کتاب‌ها می‌رسد، ۹. نمی‌خواستم [خواب‌ها و...] را بنویسم، اما دیدم در مکتوبات به مریدان فرموده‌ای: معاملات و خواب‌ها را بنویسید).

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

نامهٔ شما ملاحظه شد، موفق باشید. به ذکر لطایف خود متوجه باشید.

سه حال اول شما هم خوبند، اما حال چهارم خیلی مبارک است. اشاره به شرح صدر و أخذ فیض لطیفهٔ قلب است.

در خواب اول، این گرگ‌ها وغیره، جنود و نیروی شیاطین بودند. الحمدلّله شما غالب شدید و دیگران فکر خود را بکنند و در خواب دوم این کبوترها، فرشته‌های مقدّس بودند.

[در خواب سوم] درس گرفتن هم مبارک است و آن‌چه بنده التفات نکردم، علتش این بود که انسان به خوبیِ خواب‌ها مغرور نگردد. دیگر خواب‌ها هم خوب‌اند.

آری! مرید از مرید و از مثل خود و ناقص‌تر هم استفادهٔ روحی و ایمانی می‌کند و از کتب و حکایات و توجه و وطن کاملین وغیره فیض حاصل می‌شود.

خواب‌های مهم را بنویسید نه هر خواب را. شما را به خدا می‌سپارم و التماس دعا دارم.

۱۷ ذیقعده ـ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۲۷۵

به مولوی شاهوزهی در مورد تشویق به تعلیم و تبلیغ و راهنمایی و تعبیر خواب

اول نامه بسم الله نویسم — در آن ساعت که من نامه نوشتم

کنم بلبل صفت گویان زبان را — دوری ز برم ای گل خندان چه نویسم

اول از بهر ادب به تو دارم سلام — ترسم که قلبم شعله کشد صفحه بسوزد

سلام و صد سلام ای نور دیده — درود بر رسول الله نویسم

به بسم الله کـنم شیرین دهان را **هزاران اشک بـر آن نامه چکیده**

دوم از بهر محبت به تو دارم [کلام] **من مـور ضعیفم به سلیمان چه نویسم**

سلامی کز دل و کز جان رسیده **ازین دلـتـنگم به عزیزان چه نویسم**

این حقیر از نعمتی سلامتی برخوردارم و سلامتی شما را خواستارم و جز دوری شما ناراحتی دیگری ندارم. امیدوارم در آینده‌ای نزدیک فراق به وصال تبدیل گردد. خداوند متعال را بسیار سپاسگذارم که به‌سبب شما ناچیز را به خدمتی گماشته است و این از وسعت کرم اوست وگرنه من کجا و شایستگی این خدمت کجا؟! لذا برای استقامت بنده دعا بفرمایید. ثانیاً چند وقت است که ذکر از من فوت می‌شود و آن هم به‌علت مشغول تدریس بودن از صبح تا شب. همیشه تصمیم می‌گیرم که از این به بعد هر وقت بعد از نماز عشاء ذکر می‌کنم، اما دوباره مغلوب نفس می‌شوم لذا راهنماییم بفرمایید که چه قدر و چه وقت ذکر بکنم؟ دیگر چند خواب هم می‌نویسم تا با تعبیر دل‌انگیزتان مرهمی به قلب حقیر نهاده باشی: ۱. در زمین سنگلاخی بودم و به‌نظرم مدینه منوره بود. راهی بود که سر تا سر با چادرهای رنگا رنگ گرفته بود و می‌گفتند رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم از این راه به فلان غزوه رفته است و طرف دیگر نیز همین طور راهی بود و می‌گفتند از این راه برگشته است. قدم زدم تا به جایی رسیدم که دو سه قبر بود و یکی قبر رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم بود. متوجه قلب خود شدم و با احساس لذتی، پنجره‌ای دایره مانند باز شد که فقط دو چشم و حصه‌ای از بینی و پیشانی مبارک ایشان ظاهر شد. درخشانی چهرهٔ مبارک‌شان با خورشید هم قابل مقایسه نبود و قلم از بیان زیبایی چشمان مبارک عاجز است. تاب نگاه کردن نیاوردم و فریاد برآوردم و به زمین افتادم، ۲. دیدم شما بر مسند درس صحیح بخاری نشسته بودید و من و یکی دیگر گوش می‌کردیم،۳. دیدم در مسجد [محل کارم] جلسه‌ای برپا بود و مسئول من بودم و موضوع یک سخنرانی نیز در نظر گرفته بودم یکی نامه‌ای به من داد که موضوع سخنرانی خود شما بهتر است وگویا دستخط شما بود. خلاصه، سخنرانی را شروع کردم و در حال خطبه یکی عمامه‌ای به‌سرم بست... . در حال خطبه بودم، بیدار شدم.

ای نام تو بهترین سر آغاز **بی نام تـو نامه کی کـنم باز**

عزیز محترم جناب مولوی... وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

نامهٔ شما رسید و موجب خوشی شد، خداوندکریم به خدمت دین و سنت موفق گرداند.

عزیزم! در ماحولی که شما هستید، خیلی نیازمند تعلیم و تبلیغ است. قبلاً اجهل‌ترین مردم کوه، همین آهورانی‌ها بوده‌اند. خدمت دین بین این قوم حکم جهاد اکبر را دارد، تا

می‌توانید به نرمی و ملایمت کار کنید و با هر فرد از مردم با اخلاق گرامی برخورد و طلبه را با کمال شفقت و تشویق جلب کنید. برای اختلافات قومی، غیر از صلح جویی کاری دیگر نداشته باشی.

چون شما در خدمت قرآن کریم هستید، از فوت ذکر تأسّف نکنید؛ چراکه این تعلیم و خدمت قرآن کریم، بزرگترین ذکر است و نسبت مجددیه از تعلیم دینی روز به روز افزون می‌گردد و کاسد نخواهد شد. به هر مقداری که فرصت برسد، ذکر کنید.

به قول شیرازی رحمه‌الله:

آن‌چه زر می‌شود از پرتو آن قلب سیاه   کیمیائیست که در صحبت درویشان‌ست

خواب‌هایی که دیده‌اید، مبارک‌اند. خواب اول اشاره است که همین راه تعلیم قرآن کریم، راه رفتن و برگشتن جناب رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم است. دیدن ایشان، دلیل است که به اتباع سنت انشاء الله موفق خواهی شد.

دوم اشاره است که نسبت قلبی شما با احقر ارتباط کامل دارد.

سوم اشاره است که در منطقهٔ مذکور از شما کار گرفته می‌شود و تأثرات مردم از شما قوی می‌گردد. فکر حقوق و رزق نکنید خداوند متعال، کریم و رزاق است محض للّٰه و فی اللّٰه کار کنید. بنده دعاگو هستم و شما را به خدا می‌سپارم و التماس دعا دارم.

اگر در عید سعید به خانه می‌روی، پنج روز قبل از عید تعطیل کنید.

۱۸ ذیقعده ـ ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۲۷۶

در پاسخ یک نفر مولوی در تعبیر خوابش

(بنده ... شریک دورهٔ حدیث این حوزه هفته‌ها به این طرف درودهای شریف را به نیت زیارت سرور کائنات صلی‌الله‌علیه‌وسلم خوانده‌ام. دیشب خواب دیدم که با تعدادی بزرگ از اصحاب کرام رضی‌الله‌عنهم روبروی کتابخانه نشسته بودیم، دو نفر از طرف مسجد به‌طرف ما روان بودند. اصحاب کرام با دیدن ایشان بلند شدند که حضرت علی و فاطمهٔ زهراء رضی‌الله‌عنهما بودند. من هم بلند شدم و دست

مبارکشان را گرفتم و همسرشان به‌طرف اتاق دارالإفتاء رفت. دیگر این که چند هفته است قبل از نماز صبح مشغول حفظ کلام ربانی هستم، اما متأسفانه در مدت چند روز از یادم می‌رود).

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد: موفق و محفوظ باشید.

خوابی که دیده‌ای، خیلی مبارک است. این خواب من وجهٍ برای خود شما مبارک است و من وجهٍ تشریف آوری روحانیت این بزرگواران در این مدرسه و بالخصوص تشریف آوری سیدنا المرتضی و سیدتنا الزهرا رضی‌الله‌عنهم اشاره به قبولیت این مدرسه و شما و اشاره به ترقی این مدرسه و اشاره به ارتباط معنوی این اکابر است با این حوزه و کارکنان و طلبهٔ آن. **فلله الحمد والمنّة علی ذلک وعلی جمیع نعمائه.**

اگر بعد از نماز عشا هر شب صد بار فاتحهٔ شریفه را بخوانی، حافظه قوی می‌گردد و إن شاء الله حفظ برقرار می‌ماند.

۲۱ ذیقعده ـ ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۲۷۷

در پاسخ فردی در مورد تعبیر خواب

(۱. خواب دیدم نماز می‌خوانم، یک نفر غیرمذهب جلو نماز آمد و تا جایی‌که توانست، به ام‌المؤمنین عایشه و حضرت ابوبکر و عمر و عثمان رضی‌الله‌تعالی‌عنهم توهین و بی‌حرمتی کرد. در تشهد بودم دوباره توهین کرد، طاقت نیاوردم بعد از سلام او را محکم زدم و هر بار زدن کوچکتر می‌شد. بعد او را زیر آب گرفتم و بر او آب ریختم و دست زدم که با هر بار بدن او نورانی می‌شد...، ۲. دیدم به کعبهٔ مکرمه مشرف شده‌ام و مردم إحرام بسته بودند، افسوس خوردم که کاش من هم پول می‌داشتم و حاجی می‌شدم. بعد در اتاقی بسیار عالم و پیر طریقت حضور داشت من رفتم و یکی از پیران مرا صدا زد و مقداری نان و شلغم داد گفتم از دست شما نمی‌خورم که مرید شما نیستم و صبر می‌کنم تا مرشد عزیزم (یعنی شما) بیاید. آن لقمه را به دوست خود دادم، ۳. یک مسافت طولانی و تنگ دیدم که پر از قفس و پله بود، رفتم و به هر در که می‌رسیدم، آن‌را باز می‌کردم و بالا می‌رفتم...، ۴. دیدم لباس نظامی پوشیده‌ام و همراه افسران پیش رهبر کشور رفتم او مرا صدا کرد و یک مدال طلایی به من داد، ۵. من ۲۸ سال سن دارم، ولی به‌علت فقر ازدواج نکرده‌ام و برای همین گاهی به چشم چرانی و فکرهای بد مبتلا می‌شوم و حالا واقعاً میل ازدواج غالب شده است و در مقابل نفس و شیطان کم

آورده‌ام و حتی چند با فکر عمل بد پیدا شده است. از این گفته‌ام شرمنده‌ام، لیکن حقیقت را باید به استاد گفت. روزه و دیگر راه‌ها انجام داده‌ام، مؤثر نشده است. التماس دعا و راهنمایی دارم).

عزیزم مکرم شه‌بخش السلام علیکم و رحمة الله و برکاته؛ امابعد: موفق باشید.

خداوند کریم به ذکر خود سرگرم و استقامت و اخلاص عطا فرماید.

عزیزم! اوقات گرامی خود را ضایع نکنید. عمر و اوقات زندگی انسان نعمتی بزرگ‌اند، قدر آن‌ها را باید بدانیم. خواب‌های شما هم مبارکند.

۱ـ آن کس که آن حضرات رضی‌الله‌عنهم را توهین کرد، شیطان بود و به صورت (این غیر مذهب) آمده بود. آن‌چه بعد از زدنِ شما کوچکتر می‌شد، اشاره است که شما بر قدرت او الحمدلله غالب آمدید و نورانی شدنش اشاره است که به وسیلهٔ شما بسیاری از کارهای شیطانی اصلاح خواهند شد.

۲ـ این خواب هم مبارک و اشاره است که از فیض پیران طریقت بهره‌ور می‌باشید.

۳ـ این هم مبارک است. این مسافت طولانی با این شکل، صراط مستقیم و نردبان، راه عروج بود.

۴ـ این خواب دلالت بر تحوّلی در کشور می‌کند.

خداوند کریم شما را زودتر به امور عقد شرعی موفق گرداند و الله تعالی زودتر این مشکل شما را حل فرماید. در این مورد احقر دعا می‌کنم.

۲۳ ذیقعده ـ ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۲۷۸

در پاسخ فردی در مورد تعبیر خواب

نوشته بود: من دختری دانشجو در زاهدان هستم. باری بعد از نماز عشاء دعا کردم که ای خدا تو چطوری هستی و چه رنگ و چه شکلی؟ می‌خواهم ترا ببینم. بعد خوابیدیم به‌نظرم بیدار بودم که دو شخص آمدند و گفتند برویم، ناگهان از زمین بلند شدم درحالی‌که جسدم بر زمین بود. تعجب کردم که من دو نفرم. همچنان بالا رفتیم ناگهان ترس و وحشت برم داشت و همان‌جا در هوا توبه و

استغفار کردم و پشیمان شدم و به طرز عجیبی فرود آمدم و زود بیدار شدم درحالی‌که بدنم درد می‌کرد. بعد از چند ماه در رمضان خواب دیدم همان دو نفر آمده و مرا بردند و گفتند تو نبودی که خواستار دیدار الهی بودی؟ گفتم اشتباه کرده‌ام و با شما نمی‌آیم. بعد این خواب را با پسر عمویم که طلبه‌ای هست، قصه کردم، گفت ساکت باش و بعد شما را به من معرفی کرد. حالا ولوله‌ای در دلم افتاده که دوست دارم از مقرّبان و دوستداران الهی باشم، طریقه‌ای تجویز و برای پسر عمویم دعا بفرمایید.

دختر محترمه‌ام... قادری وعلیکم السلام و رحمة اللّٰه و برکاته؛ امابعد:

این دعای شما صحیح نبود بلکه یک نوع جسارت و بی‌ادبی بود. خواب اول شما هم برای شما هشدار و تهدیدی بود که از این چنین تقاضا منصرف شده و توبه کنید.

خواب دوم هم اشاره بود که آینده چنین تقاضا نکنید بلکه فقط دعا کنید که خداوندا! رضا و محبت و دیدار تو را می‌خواهم، نه اینکه چطوری و چه رنگ و چگونه هستید؟!. این سؤال و دعا حرام است. دعا می‌کنم موفق باشید.

۲۵ ذیقعده ـ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۲۷۹

در پاسخ فردی در تعبیر خواب

(غرض از مزاحمت چند خواب دیده‌ام: ۱. مراقبه نکرده بودم که خوابیدم دیدم که با همه طلاب مدرسه نشسته‌ام و یکی سر مرا می‌تراشد و در سرم غده‌هایی بود که درد می‌کردند، ۲. دیدم با پسر دایی‌ام مشغول حمام کردن بودیم، ناگهان دختر دایی‌ام داخل شد و یک چادر قرمز افتاده بود، با آن زیر بغل‌هایم را تمیز کرد و برادرش که این‌جا بود، او را منع نکرد و گویا کار او همین بود، ۳. یک حال من این‌ست که وقتی مراقبه می‌کنم و می‌خوابم، ناگهان قسمت چپ بدنم، محل قلب تپش می‌کند و تکان می‌خورد و گاهی دهانم خود به‌خود باز می‌شود و احساس می‌کنم لفظ «الله» به طور ضعیف خارج می‌شود، ۴. آیا زن خودش می‌تواند از پسری‌که دوست دارد، خواشتگاری کند؟ التماس دعا).

فرزند عزیزم! وعلیکم السلام و رحمة اللّٰه و برکاته؛ امابعد: موفق باشید.

خداوند کریم علم با عمل و اخلاص برای شما عطا بفرماید و به ذکر و عبادت خود توفیق کامل عطا کند.

۱. خواب اول شما اشاره است که اکنون حالت اولی شما به حالتی بهتر تبدیل شده و نواقصات طبعی کمتر شده‌اند.

۲. این خواب نیز اشاره است که دختر دایی شما خیرخواه شما است و علاقهٔ قلبی دارد.

۳. این حال خوب است و دلالت می‌کند که دل شما از ذکر اسم ذات متأثر شده است.

۴. آری! زن اگر بالغه هست، می‌تواند با شخصی متدیّن و خدا ترس، اگر خود اظهار خواستگاری و میل کند، در شرح مقدس مانعی ندارد؛ گرچه در عرف این امر خیلی معیوب و موجب طعن است.

۲۵ ذیقعده ـ ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۲۸۰

در پاسخ فردی در تعبیر خواب و توجیه احوال

(۱. بعد از اشراق دو بزغالهٔ فربه و گویا نر دیدم که هردو سر نداشتند و خون تازه از آن‌ها جاری بود و به طرف من آمدند من خود را کنار کشیدم تا آلود نشوم، اما یکی با من در افتاد و من گردنش را نگهداشتم، ۲. منظره‌ای عجیب در خانه‌ای شبیه خانه‌های شیب‌دار، دیدم که لانهٔ چند کنجشک و پرنده بود و چوبی برای نگهداشتن آن‌ها بسته بودند. روی چوب هُدهُدی زیبا بود و با زیرکی با من خندید، ۳. قبل از تهجد خیال کردم در صف اول مسجد نشسته‌ام. تصور کردم گروهی از اجسام ریز نارنجی رنگ درآمده‌اند و درحال چرخش هستند، ۴. و اما حالات: الحمد لله حالاتم خوب است. به فرایض، نوافل، سنن، تلاوت، مطالعه، خواندن اوراد و آیات و... پایبندم البته از ذکر کردن غافل هستم، ولی لطیفهٔ قلب جنبش دارد؛ مخصوصاً مواقع محافل ذکر و عبادت. هنگام ذکر وسواس بر من غلبه می‌کند. راهنمایی و دعای هدایت بفرمایید و خداوند مرا داعی واقعی اسلام بگرداند).

وعلیکم السلام و رحمة اللّه و برکاته؛ امابعد:

خداوند کریم به علم و عمل و اخلاص موفق و به ذکر و بندگی خود سرگرم بفرماید.

۱ـ در خواب اول این دو بزغاله، شیاطین بودند. الحمدللّه شما از آزار آن‌ها محفوظ شدید.

۲ـ این خانهٔ شیب‌دار، خانه‌ای از مقامات عرفانی بود و این گنجشک‌ها، فرشته بودند و از راه خوش آمد، خندیدند.

۳ـ این گروه اجسام انوار یا فرشته‌ها بودند.

۴ـ این هم خوب است.

حالاتی که نوشته‌اید، خیلی مبارکند و مزید موفق باشید. ذکر را بـه قـدر فرصـت انجـام دهید، اگر گاهی نشد اشکال ندارد در وقتی دیگر تکمیل کنید.

بنده دعاگو هستم خداوند کریم شما را عالم با عمل و داعی دین بگرداند و مزید التماس دعا دارم.

۲۹ ذیقعده ـ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۲۸۱

در پاسخ شخصی در مورد دفع ریا و وساوس

(در من وسوسه‌های شیطانی زیاد و چیزهای فاسد در قلب می‌آید. در کارها ریا می‌آید. نمی‌تـوانم آن‌ها را دور کنم. در نماز و دروس وسواس غلبه می‌کند. شیطان چنان بر من غالب اسـت کـه قلـبم سیاه و سخت و حواسم پرت است. گناهانم زیاد هستند که فکر می‌کنم از من بدتر کسی نیست. من نخواستم مزاحم شوم، اما مکتوبات را مطالعه می‌کنم، می‌بینم اشخاص حالات را نوشـته و راهنمـایی طلب کرده‌اند لذا برای من هم راهنمایی و دعا بفرمایید و نصیحتم هم کنید)

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

عزیزم! وساوس را دنبال‌گیری نکنید بلکه هر چه بیاید آن‌ها را هیچ تصور کرده و به کار خواندن و ذکر متوجه باشید. هر کاری می کنی، نیت بکن که این را برای رضـای الله تعـالی می کنم، بعد از آن هر چه ریا بیاید، ریا نمی‌شود. فقط به خواندن و ذکر کوشش بکن، علاج تمام امراض شما همین است.

نصیحت شما همین دو کلمه است به خواندن و ذکر کردن کوشش کنید.

۲۹ ذیقعده ـ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۲۸۲

در پاسخ فردی در تدبیر دفع وساوس و تعبیر خواب

(چند روز پیش مشغول ذکر بودم، در فکرم خیالاتی بد آمد و تا چندی از آن پریشان بودم که شبی شروع به ذکر شدم دیدم تمام بدنم تکان می‌خورد، معلوم نشد کدام لطیفه ذکر می‌کند! و اکنون هم گاهی همین طور می‌شوم. در همین حال شما را در خواب دیدم که مقداری جواری به من دادید که در جایی کشت کنم، آن‌ها را در همین مدرسهٔ کوه‌ون کاشتم. بعد مدتی فرمودید: برویم زراعت شما را ببینیم سبز شده یانه! رفتیم، بعضی سبز شده بودند. فرمودید: از کناری رد شوید تا پایمال نشوند. نیز دیشب مولانا ابراهیم دامنی رحمه الله را دیدم، اما نتوانستم با ایشان حرف بزنم، بفرمایید علت چه بود؟).

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

خیالاتی که در قلب و دماغ شما وارد می‌شوند، آن‌ها را تحویل نگیرید بلکه چنان تصور کنید که این‌ها بی‌هوده‌اند و ارزش توجه ندارند. آن‌ها را بگذارید، رفته رفته خود به خود نابود می گردند. ذکر یک لطیفه چون‌که به تمام بدن اثر دارد، از این وجه به ذکر یک لطیفه تمام لطایف و سینه اثر پذیر می گردد.

خواب اول شما خیلی مبارک است اشاره است که از این مدرسه به شما بذر علم می‌رسد که آن را در راه خداوند کریم در یک مدرسه پخش خواهید کرد و استفادهٔ علمی بر می‌دارید؛ إن‌شاء الله.

خواب دوم هم خوب است. قدرت نبودن به کلام، اشاره است که ایشان در عالم برزخ هستند و شما به آن عالم تا به حال علاقه پیدا نکرده‌اید. والله اعلم.

۲۸ ذیقعده ـ ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۲۸۳

در پاسخ فردی در تعبیر خواب و جواب مسأله‌ای

(خواب دیدم در جای نامشخصی وقت نماز صبح در جمع علما و طلاب هستم و همه منتظر شما هستند. وقت آمد، شما تشریف آوردید. مسأله: در سال۷۶ مسجدی بنا شده بود و خانم‌ها نماز می‌خواندند؛ خصوصاً در رمضان. فعلاً آن محله و مسجد را ترک کرده و فرش‌ها را جمع کرده‌ایم و

حیوانات داخل آن رفت‌وآمد دارند و سقفش هم خراب است، آیا می‌توانیم فرش‌ها را بـه مدرسـه ببریم که زنان آن‌جا درس می‌خوانند و نیاز دارد؟).

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد: خواب شما خوب است.

جواب مسأله: شما می‌توانید فرش‌های این مسجد را بـه مسـجدی دیگـر کـه متصـل آن مسجد باشد و نیاز داشته باشد، منتقل کنید نه به مدرسه. البته اگر مسجدی دیگر به آن قرب و جوار وجود ندارد که نیاز داشته باشد پس، آن‌ها را قیمتی مناسب کرده و به مدرسه ببریـد و آن قیمت را به مسجدی قریب صرف کنید.

۲۸ ذیقعده ـ ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۲۸۴

در پاسخ فردی در ترغیب به علم و ذکر و دفع میل گناه

(بنده خیلی مشکلات دارم از جمله این‌که دلم به‌طرف گناه و خلاف شرع خیلی مایـل اسـت هرچه تصمیم قطعی می‌گیرم به ترک گناه؛ حتی جریمهٔ‌جانی و مالی لازم می‌گیرم، باز هم موفق نمی‌شوم. بر اثر این به ضعف حافظه و نسیان دچـار شـده‌ام و از نمازهـا و دیگـر عبـادات خیـری نمی‌بینم. عاجزانه طلبگارم اولاًدعا بفرمایید و بعد بنده را راهنمایی نمایید)

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

عزیزم! دل هر انسان غیر از اولیای کاملین و علمای ربانین به طرف گناه‌ها میل دارد البتـه برای مسلمان لازم است که به قدر وسعت و قدرت خود احتیاط و از خداوند کـریم دعـا و طلب کند.

کامیابی دنیا و آخرت در علم و ذکر است پس، برای دفع هر بلا، کثرت ذکر الله کنید و بر عمل کردن بر علم خود سعی کرده باشید.

۲۸ ذیقعده ـ ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۲۸۵

در پاسخ فردی در تعبیر خواب و توضیح حالات

نوشته بود: ۱. در ذکر بودم، متصوّر شد یا خیال بود که شما و حضرت غوث‌محمد رحمه‌الله بودید بـه ایشان فرمودید: این دو نفر (من و... ناروی) را [علاج] بکنید یا هم‌چنین چیـزی گفتـی، ۲. گـاهی در خواب چیزی روی سینه‌ام می‌نشیند و حرکت را از من مختل می‌کنـد مثـل «وپسـوک». یکبـار بـا دست‌هایش گلوم را می‌فشرد. البته من قبل از خواب معوذتین و آیهٔ کرسی و... را دایماً می‌خـوانم، ۳. چند شب پیش حالت عجیبی؛ صدایی مثل «وُوْ»، «وُوْ» می‌آمد و قلبم در دو راهی عجیب بود و حالت غم‌انگیز روی داد. قلبم گاهی به‌جانب عشق خدا میل می‌کرد و گاهی به یاد کسی‌که در آن روستا که من می‌باشم است، افتاد و باز توجه به‌جانب الله جلّ‌جلاله می‌کشاندم، ۴. اسباق من زیاد است. بعـد از نماز صبح در قلب و بعد نماز عشاء در خفی (سبق بنده) روزانه حدود۱۵۰۰۰ یا کم و بیش ذکر می‌کنم، آیا اسباق دیگر را لازم است دوره یا روزانه تکرار کنم؟ چه قدر؟ و دیگر برای تلاوت روزانه یک جـزء یا بیشتر و سوره‌ها و معمولات دیگر قرآنی اجازه طلب می‌کنم.

از احقر ابوعبدالله مجددی دیوبندی خدمت عزیز محترم! وعلیکم السـلام و رحمـة الله و برکاته؛ امابعد:

حال اول شما مبارک است و دیگر حال‌ها هم خوبند. برای آن‌چه در سینهٔ شما در خواب حمله می‌کند، همراه این آیات، خواندن آیات حفظ که در شفاء الأسقام مرقوم‌اند و سـورهٔ طارق را هم اضافه کنید و بر هر دو کف خود دم زده بر رو و سـر و بـدن بمالیـد و بگوییـد: «الهی به حرمت این آیات و به حرمت عمر فاروق (رضی‌الله‌عنه) این بلا را از من دور کن».

در حال پنجم، آن صدای «وُوْ، وُوْ» هم صدای ذکر روحی بود که شما را از میل به‌جانب غیر اللّٰه هشدار می‌داد و تنبیه می‌فرمود و خواب شما هم بسیار مبارک است.

لطایف را همین طور به نوبت ذکر کنید، خوب است و برای خواندن اشیای مطلوب نیـز اجازه دارید.

۳ ذیحجه ـ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۲۸۶

به فردی از طلبه در راهنمایی دفع بدخوابی و تعبیر خواب

(استاد ارجمند! مدت یک سال است که وقت خواب یا وقت میل بـه خـواب یـک حالـت حایـل می‌شود که گویا تمام بدنم تحت تسلّط چیزی قرار می‌گیرد و بدن تحرّکی نمی‌کند و در سرم صدایی مثل صدای موتور ایجاد می‌شود که فکر می‌کنم دیوانه می‌شوم. شاید جنّ باشد. پارسـال هـم نامـه نوشتم، به‌محض نامه خوب شدم و چندی پیش که نامه نوشتم، گم شد. هم‌چنـین وقـت ذکـر روح، لطیفۀ قلب شروع به درد می‌کند و گاهی وقت ذکر روح یا قلب خود لطیفه حالت سـنگینی بـه خـود می‌گیرد و یا این‌که در سینه و هردو لطیفه حرارت محسوس می‌شود؛ در غیر وقت ذکر نیز. دیگر این‌که: چند بار شما را در خواب دیده‌ام که به اتاق من تشریف آورده‌اید. یکبار دیدم با رحل و تفسیر تشـریف آورده و در حال درس تفسیر هستید. بعد از درس نصیحت می‌کردید، ولی بعضی توجه نمی‌کردند. این را یاد دارم فرمودید: مهم‌ترین چیز برای سالک این‌ست که امور باطنی را برای شیخش بنویسد).

وعلیکم السلام و رحمة اللّه و برکاته؛ امابعد:

عزیزم! اگر از این حالت خود مشکوک أجنّه هستید پس، وقت خواب آیـة الکرسـی را سه بار و معوذتین را سه سه بار و قل یا أیها الکافرون و قل هواللّه را سه بار و آیات حفظ که در شفاء الأسقام مرقوم‌اند، یکبار و سورۀ طارق را یکبار بخوانید و بر کف خود دم زده و بر رو و سر و بدن بمالیـد و بگوییـد: «الهـی بـه حرمـت ایـن آیـات و بـه حرمـت عمـر فـاروق (رضی‌الله‌عنه) شیاطین و أجنه را از من دور بگردان.

در درد قلب و روح در ذکر اشکالی نیست، آن حالتی طبعی است مرض و چیزی نیست.

خواب شما هم خوب است. دلالت به محبت و علاقۀ قلبـی شـما بـا بنـده دارد. خداونـد کریم موفق گرداند و به علم و عمل و اخلاص نیز موفق بفرماید.

۳ ذیحجه ـ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۲۸۷

در پاسخ شهنوازی در مورد اذکار و لطایف و ذکر سلطان

(نوشته بود: بنده طبق مشورهٔ شما با اساتید مشوره کردم و به مشورهٔ شان همینجا زابـل مانـدم و استخاره نمودم، در خواب دیدم که از رفتن (فلانی) ناراحت بودم. احوالم عبارتند از: ۱. بعد از أخذ سبق سلطان شوق عجیبی به ذکر در وجودم آمده است. روزانه ۲/۵ الی ۳ ساعت بر لطایف ذکر می‌کـنم و دیگر اعمال هم انجام می‌دهم، ۲. از سر تا پا یک جُنبش تیز در رگ‌ها جریان است؛ بیشتر وقت ذکر، ۳. هرچند لحظه وقت درس، خلوت، هنگام خواب و تکرار نوعی جنبش و برقی در سینه‌ام می‌آید و به دنبال آن اسم ذات «یاهو» به شدت و جهر بدون اختیار بیرون می‌آید. این حالت شدت پیدا کرده و به زور کنترلش می‌کنم؛ خصوصاً وقتی اسم ذات یا نام مصطفی صلی‌الله‌علیه‌وسلم بشنوم. لذا نگرانم و درس را متوجه نمی‌شوم، ۴. خواب دیدم با شما و طلاب دیگر سوار اتوبوسی زیبا بودیم و شما در آخر روی تختی زیبا نشسته بودی و من از احوال مدارس زابل گفتم. دو نفر بدن شما را ماساژ می‌دادند، در دلم شوق آمد و گفتم می‌شود من بدن شما را ماساژ بدهم؟ فرمودی: بفرما و به زبان اردو بـه آن دو نفـر گفتی بروند. من ماساژ می‌دادم و می‌گریستم و شما دل‌داریم نمودی و غالباً بر بازوی شما یا اطراف آن این شعر نوشته بود: «ای پیک سحری تو بندهٔ شاه = غم‌ها و رنج‌های مرا کن سپری» یا «تو بندهٔ شاه منی» بود، ۵. آیا تنها اسم ذات را بر وسط سر ضرب کردن بهتر است یا ذکر «هو» را؟ کدام مـؤثرتر است؟ ۶. هنگام ضرب ذکر «هو» بر وسط سر (قالب) چه فکری باید همراه باشد، خوبست؟ ۷. بیشتر وقت ذکر سبق سلطان (قالب) اسم ذات باشد، خوبست یا این‌که «هو» را بدون برداشتن آن از قلب؟

وعلیکم السلام و رحمة اللّٰه و برکاته؛ امابعد: موفق باشید.

تحصیل علوم هر جا باشد، اشکالی ندارد و به مشورهٔ اساتید گـوش دادن لازم اسـت، تـا زمانی‌که راضی نباشند و مشوره ندهند، خیر شما در آن است و بر آن عمل‌پیرا باشید.

۱. بر ادامهٔ اذکار و برنامهٔ لطایف خیلی خوشحال شدم خیلی خوب است موفق باشید.

۲. خاصیت سلطان الأذکار همین است که هر رگ و پی و مو به ذکر مشـغول مـی‌گـردد؛ چون به برکت آن عناصر اربعه؛ باد،آتش، خاک و آب همه تزکیه می‌شوند. شکر خدا را از جان و دل ادا کنید که به این کارت توفیق بخشیده است. این نعمت خیلی بزرگ است که به هر کس و ناکس نمی‌دهند. سرمدی می‌گوید:

سرمد غم عشق را بهر کسی ندهند　　لاغـر صـفتان ناشـناسان نـدهـند

خاقانی می‌گوید:

دلِ من پیر تعلیم است و من طفلِ زبان دانش
سواد الوجه سبق مسکنت کنج و بستانش
نه هر زانو دبستان‌ست و هر دم لـوح تعلیمش
نه هـر خاکی گُل انگیزست و هر نو رشتهٔ ریحانش

۳. شما در سلطان ذکر «هو» را بیشتر کنیـد و جهـر بـدون اختیـار اشـکال نـدارد ولـی بـا اختیار نباشد، زمانی که ذکر در تمام قالب جاری می‌گردد، به برکت ذکر سلطان ـ کـه او را ذکر قالبی هم گویند ـ نه تنها به صدای «هو» و «اللّه» بلکه به هر صدای تند «هو» یا اسـم ذات بی‌اختیار در نماز و دیگر حالات جوش می‌زند و بـه عـالم علـوی عـروج مـی‌کنـد اشـکال ندارد.

۴. خواب شما مبارک و بشارت مؤمن و زمینه‌ساز مستقبل شما است؛ إن‌شاء اللّه تعالی.

۵. ذکر «هو» را بیشتر بر سر کنید.

۶. آن وقت که ذکر «هو» می‌کنی، فکر کن که او هست و دیگر همه فانی.

۷. بدون برداشتن از قلب برای شما «هو» بهتر است. همین برنامهٔ لطایف که انجـام گرفتـه است، را ادامه دهید، گفته‌اند:

به ذکر هو چو پیوستم دو عالم رفت از دستم — مثال اشتر مستم که بی‌افسار می‌گردم

سرمدی گوید:

سرمد غم عشق بوالهوس را ندهند — سوزِ دلِ پروانه مگس را ندهند
عمری باید که دوست آید به‌کنار — این دولت سرمد همه کس را ندهند

سلطان «باهو» می‌گوید:

«هو» چو کردم بارها — آخر چو با هو هو شدم

۱۴ ذیحجه ـ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۲۸۸

به فردی در پاسخ به سؤالِ «حکم گفتن «یا رسول الله»» و...

(گفتن «یا رسول‌الله» در چه صورتی جایز است؟ ضمناً جواب نامهٔ محمدرضا که پست کرده بودی، بدست من نرسیده تا برایش پست کنم، لطفاً جواب را مبذول فرمایید. امیدوارم الله تعالی عمر بی‌برکت من را بکاهد و به عمر بابرکت شما بیفزاید).

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

جواب سؤال خود را در فتاوای منبع‌العلوم، جلد اول یا دوم ملاحظه کنید. آن‌جا با تفصیل نوشته‌ام.

جواب محمدرضا را فرستاده‌ام ممکن است به گنجی رسیده و برده است.

دعایی که گفته‌ای: «از عمر تو بکاهد و به عمر من بیفزاید»، صحیح نیست. این دعایی است که شما سنّی‌ها از همسایگان کسب و استفاده کرده‌اید. عمر هیچ‌کس به‌کسی دیگر داده نمی‌شود؛ به استثنای عمر حضرت آدم علیه‌السلام که به حضرت داؤد علیه‌السلام بخشیدند و آن هم در همان عالم نه در این عالم.

۱۴ ذیحجه ـ ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۲۸۹

در پاسخ امانی در توجیه حال و تعبیر خواب

(۱. در ماه شعبان به اتفاق دوستان آمدیم و من طبق مشورهٔ شما تجدید سبق نمودم و در حلقه شرکت کردیم و حالات سنگینی فرق سر و پشت دوباره عود نمودند و الآن هم ضمن إشتغال به ذکر حالات مذکور رونما می‌گردند البته گاهی افزایش و گاهی کاهش می‌یابد. ۲. در بعضی از رؤیاهایم در مسجد امامت می‌کنم، تنها نماز می‌خوانم، حدیث بیان می‌کنم و... ۳. شبی دیدم سگ همسایه یواش دنبالم آمد، آیهٔ ... خواندم، اما نایستاد. ۴. دیدم شیخِ پیری را در محلهٔ ناآشنایی که به‌نظرم رنجور بود و تسبیح در دست داشت و رو به قبله و در جلوش نشسته بودم و وقت ذکر یک دست میان پستان‌هایم نهاد، ناگهان ضربه‌های تندی از جانب پستان چپ دیده شد و احساس ترس کردم)

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ اما بعد:

خداوند کریم به علم و عمل و اخلاص موفق گرداند.

۱. از این حالت سنگینی دلگیر نشوید. سنگینی، گاهی عرفانی می‌باشد.

۲. رؤیت امامت و نماز و کتاب حدیث همه مبارک و اشاره‌اند به اتباع سنت.

۳. این سگ، ابلیس بود که به یک تهدید دور نمی‌شود بلکه او را مبارزه می‌باید.

۴. آن شیخ که دیدی ممکن است شیخ خودت باشد به صورتی مثالی برای شما ظاهر شد.

به اذکار لطایف بکوشید، تا جامهٔ زنان نپوشند.

۱۴ ذیحجه ـ ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۲۹۰

در پاسخ به شاگردی در راهنمایی و تسلی در برخورد مصایب

نوشته بود: بنده خیلی محتاج به توجه و دعای خیر شما عالی‌مقام هستم. این فقیر در آن ارادهٔ عظیمی‌که سه سال و اندی در وجودم مثل موج می‌خروشد و نسبت به آن قاطع و مصمم هستم حتی مشکلات سختی که صدق آن در افکار نمی‌گنجد، متحمل شدم؛ من جمله جریان سفر پاکستان است. قبل از این‌که مشرف به شناخت شما بشوم، بدون شناخت جغرافیایی و لسانی سفر کردم و حتی ما دو نفر در کراچی گم شدیم و بنابه مشوره، یکی در مسجد مشغول تلاوت و ذکر و دعا و دیگری در جستجو بودیم که به طور ناباورانه مقصد را پیدا نمودیم و برای هدفم اکثریت علمای پاکستان؛ از جمله: مولانا سلیم‌الله‌خان، مولانا حکیم اختر، مولانا مفتی محمدتقی، مولانا مفتی محمدرفیع، مولانا عبدالرزاق اسکندر و... ملاقات کردم و تقاضای ارشاد و بیعت نمودم، اما بر اثر سابقهٔ مهلک خود دچار آزمایش عدم بیعت شدم. بعد از همه سختی‌ها بوسیلهٔ بهترین دوستم زمینهٔ بیعت با شما مرشد عزیزم فراهم شد. بنده لازم می‌دانم یکسال در مدرسهٔ کوه‌ون تحصیل نمایم البته با مثبت جواب دادن استخاره‌ای که جریانش را با شما در نامه‌ای متذکر شدم نه این‌که تنها هدفم تعلیم علم باشد. درس‌ها را در مدرسهٔ قبل بهتر درک می‌کردم و حتی گاهی درس را به‌کلی نمی‌فهمم لیکن به این امتحان راضی هستم و از وجود باسعادت‌تان استفاده کنم که در پی رفت‌وآمدهای چند ساله در زندگی‌ام تحوّل عجیب آمده و باعث ترقی ایمان شده است. زمانی‌که در مسیر مسجد همراه شما و در جلسات حاضر باشم و به شما نظر کنم و چند خدمتی‌که اجازه بدهید، انجام بدهم و توجه و دعای خیر شما باشد و در فکر اصلاح بنده باشید، برایم کافی است. محبت بنده با شما پدر روحانی، نشانگر محبت شما بزرگوار است. هدف من فقط برای ایجاد و دریافت ایمان هست که بتوانم در مقابل تهاجمات نفسانی و

شیطانی ایستادگی کنم و من کم‌ذهن و کم‌استعداد هم هستم. لذا تقاضای دعا و توجه دارم که خداوند صبر و استقامت و عمل کامل و اخلاص عنایت کند. به الله قسم و صد در صد به شما یقین می دهم که ربّ‌العالمین جای خالی شما یعنی تأسف و ناراحتی شما را تبدیل به شور و شادی و پـر مـی‌کنـد؛ إن‌شاء الله چون اول الله است و بعد به ذریعۀ شما.

وعلیکم السلام و رحمة اللّه و برکاته؛ امابعد:

خداوندکریم شما را علم با عمل و اخلاص نصیب فرماید و کامیابی دارَین ارزانی بخشد.

عزیزم! هیچ کارهای دین و دنیا بدون دچار مشکلات نمی‌شود. الله تعالی فرموده اسـت: ﴿لَقَدۡ خَلَقۡنَا ٱلۡإِنسَـٰنَ فِي كَبَدٍ﴾ [البلد: ۴] و بالخصوص طلب امور دینیه و بالأخص راه عرفان جگرخونی می‌خواهد. کاری شوخی نیست که هر هرزه درآیی دم از عرفان بزند.

صوفی نشود صافی تا در نکشد جامی　　　بسیار سفر کرده تا پخته شود خامی

رومی (رحمه‌الله) می‌فرماید:

اندرین ره می‌تراش و می‌خراش   تا دم آخـر دمـی غافل مباش

این مشکلاتی که شما در جستجوی مرشدی دچار شده‌اید، یک صـدم از آن مشـکلاتی نیستند که ما در این راه دچار شده‌ایم. شما شکر خدا را ادا کنید که از نزدیک سراغی یافتیـد. این‌جا که رسیده‌اید، هر چند که دچار مشکلات شوید، با کمال سعهٔ صدر تحمل کنیـد و در علم اولاً و در عرفان ثانیاً متوجه شوید. همان طور که اظهار ارادت و محبت کرده‌ایـد، موفـق باشید و گمان نبرید که هر مرشد از مرید خود اتصال رابطه و ارادت ندارد بلکـه آن قـدر کـه ارتباط پسر با پدر است، آن یک صدم از ارتباط و محبت شیخ با مرید و شاگرد [است و آن] را تحمّل می‌کنم. نزد احقر محبت قلبی و ارتباط معنوی لازم است نه خدمات و رفاقت صوری و تکلّفات ظاهری بلکه بنده از خدمات ناگفته و تکلّفات مؤدبانه و دست‌بوسی‌های بی‌معنـا و روبوسی‌های نیرنگانه خیلی در قلب آزار و ناراحتی احساس می‌کـنم. لـذا نـزد احقـر مریـد و شاگرد بی‌تکلّف و عامل بر سنت و دارای ارادهٔ صادق و حبّ قلبی، محبوب است مثل فلانی و امثاله. خداوند کریم شما را هم موفق گرداند به آن‌چه رضای خودش و رضـای حبیـبش و رضای این عاصی است.

شما در آخر نوشته‌اید که «محرمانه»، به نظر احقر این صحبت‌ها را محرمانه گذاشـتن و در صفحهٔ مکتوبات نیاوردن، ضرری بزرگ است بـرای مـردم بعـدی بلکـه بایـد آن بـر صـفحهٔ کاغذ درج شود تا دیگران را از آن برداشتی نیک پیدا گردد، لذا بنده آن را برای نقـل حوالـه [به ناقل] کردم.

۱۴ ذیحجه ـ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۲۹۱

به فردی در پاسخ به دو مسأله

(استاد بزرگوار! مدتی است فکر حقیر مسایل را خوب تشخیص نمی‌دهد. بنا بر همین مسایل چنـد بار بازگو می‌کنم تا إن‌شاء الله گره‌ها باز شوند. ۱. در مورد مجاهدهٔ اولی و ثانی که می‌فرمایند در مجاهدهٔ اولی اعمال و شوق و ذوق همه بر اثر توجهات شیخ است نه سالک، لذا مدتی اسـت کـه مـن هرچـه عبادت و ذکر می‌کنم، این طو ر می‌شود که این را پیر به تو تلقین کرد. حتی در مـواقعی‌کـه بـا مـردم صحبت می‌کنم، در ذهن می‌آید که شما حال می‌فهمید و از جانب شما آمده است. این حالت بسیار بدم

می‌آید و کلاً آن عمل ناگوار می‌شود. با خود می‌گویم توفیق اعمال و همه چیز از جانب ربّ‌العالمین است. من در این مورد اصلاً تشخیص نمی‌دهم، لذا راهنمایی فرمایید؛ چون فرموده‌اید: شرک فعلی یا شرک حالی است، ۲. این اصطلاح که سالک باید هر فیضی‌که از هرکس به او برسد، به توسط شیخ خود بفهمد، این را تشریح نمایید تا مانع فیض نگردد؛ زیرا بسیار جا شده است که احساس خوشی نموده‌ام؛ در مجلس علما وغیره ولی وقتی این‌طور شده و این فکر آمده، به‌علت ندانستن آن فیض قطع گردیده و حجاب شده است. در ضمن عبارت استاذ شما را هم خوانده‌ام، آن هم برایم نامفهوم بود لذا راهنمایی لازم را در این مورد بنمایید، ۳. در فتاوای عزیزی، ج۱، ص۸۸ در بحث استمداد از قبور این عبارت موجود است: «یا فلان بحق تبارک و تعالی حاجت مرا بخواه درست است یانی؟» که مولانا جواب داده جواز دارد حضوراً یا غیاباً. حال می‌خواهم فرق این‌را با جملاتی‌که زیارت‌پرستان بر سر قبر می‌گویند، چیست؟ چون آنان عین همین سخنان را می‌گویند و اگر بخواهم کسی را منع کنم، این گفتهٔ مولانا در ذهن می‌آید و نمی‌توانم مانع بشوم، لذا راهنمایی بفرمایید).

عزیزم محمد صادق! وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ اما بعد:

۱ـ توفیق اعمال و هر چیز بالإصالة از جانب واهب التوفیقات است، اما به واسطهٔ پیر آن چیز به مرید می‌رسد. شرک حالی آن است که بالإصالة آن حال را از کانال شیخ تصور کند و در مجاهدهٔ اولٰی چون‌که توجه پیر شامل حال است، لذا ذوق و شوق و همهٔ او به توسط پیر می‌رسد و توجه پیر به شمول قدرت خالق ذوالجلال مانع از سلطهٔ نفس و شیطان می‌شود و در مجاهدهٔ ثانیه مرید به حال خود واگذار کرده می‌شود بدون توسط شیخ. این وقت دفاع از سلطهٔ آن دو چیز (نفس و شیطان) بر مرید که قدرتش کم زور است، مشکل می‌شود وآن ذوق رو به پاشیدن می‌کند.

۲ـ تشریح این اصطلاح این است: چون واسطهٔ اصلی برای آگاه ساختن لطایف مرید و در جنبش آوردن آن‌ها و از مقرّ اصلی آن‌ها باخبر سازنده، پیر کامل است؛ به توفیق خداوندی و احساس هر نوع فیض برای مرید بعد از آگهی لطایف می‌آید پس، هر فیض از هرکس و هر عمل و هر طرف بر مرید آید و احساسش پیدا می‌شود، چون این احساس از ناحیهٔ پیر کسب شده است، گویا همهٔ آن‌ها به توسل پیر به او رسیده و می‌رسد. پیر، روشن کننده و به تحرک آورندهٔ احساسات معنوی او هست.

۳ـ در فتاوای عزیزی که بارها به چاپ رسیده، بسیار قلم خوردگی از بریلوی‌ها در آن واقع شده است از این وجه هر مسألهٔ او که خلاف تحقیق محققین باشد قابل قبول نیست.

این مسأله هم از آن‌هاست. ممکن است که اصل عبارت شاه صاحب چنین باشد: «الهی به‌حرمت فلان صاحب قبر حاجت مرا برآر و او را شفیع من گردان». شاه صاحب جواب داده که جواز دارد حضوراً یا غیاباً. این جمله که: «و دعا برای من بخواه» [و «یا فلان»]، قرینه است که این عبارت مدرج می‌باشد؛ چراکه دعا، عبادتی است و ارباب قبور به عبادت مجاز نیستند ـ مگر چند مستثنا وجود دارد ـ بلکه آن‌ها به دعای ما نیاز دارند نه این‌که ما به دعای آن‌ها نیازمندیم، فتدبر. تحقیق مسألهٔ توسل به مرده‌ها را در فتاوای منبع العلوم ملاحظه کن تا برایت روشن گردد.

۱۷ ذیحجه ـ ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۲۹۲

به فردی در تحصیل محبت خداوندکریم و چند مورد دیگر

نوشته بود: حال بنده تغییر می‌کند و بر یک حالت نمی‌ماند. در مدسه حالم خوب است، اما در تعطیلات خیلی فکری می‌شوم. در خانه اکثراً مشغول مطالعه هستم. مطالعهٔ کُتُب عرفانی و سیرت نبوی و در مورد محبت را دوست می‌دارم، تقاضا دارم اسم کُتُب را بنویسید. گاهی شیطان در دل وسوسه می‌اندازد، به بعضی از دوستان گمانم را خراب می‌کند، به گناه وادار می‌کند وگمان می‌کنم این گناه نیست و از بعضی دلم منصرف می‌شود. گاهی‌که فکرم ناراحت باشد، به ذکر و دعا و در فکر خدا و رسول مشغول می‌شوم. چه کاری انجام بدهم تا محبت الله و رسول در دل بیشتر شود وهمیشه به یاد خدا و رسول باشم و وردی نشان بدهید تا این‌ها را ببینم. در ذکر حواسم جمع نیست.

وعلیکم السلام و رحمة اللّه و برکاته؛ امابعد: موفق باشید.

عزیزم! بنده فرصت ندارم که اسم کُتُب را بنویسم شما خود دریافت و مطالعه کنید و به دنبال وساوس شیطانی نروید. خداوند کند که از گناه‌ها متنفر شوید. خداوند کریم محبت خویش را در دل شما پیدا فرماید و [روش رسیدن] آن، کثرت ذکر اللّه و صحبت کاملین و کثرت تلاوت قرآن کریم می‌باشد.

اتباع و اطاعت خدا و رسول بکنید نه تمنای دیدن آن‌ها، به دیدن آن‌ها هیچ کمالی حاصل نمی‌گردد؛ تا ارادهٔ صحیح نباشد. همین ذکر را ادامه دهید و به‌کثرت بکنید، حواس جمع خواهد شد.

مسألهٔ توسّل نه از مسایل عقیدتی هست و نه از مسایل مهمّ که در آن جرّ و بحث کرده شود؛

اگر کسی تسلیم کند به طریق صحیح، ضرر ندارد و اگر کسی انکار کند، گنهکار نمی‌شود.

۱۷ ذیحجه ـ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۲۹۳

به فردی در پاسخ به چند سؤال و طریق استقامت

(احقر مرید شما به امراض روحی مبتلایم، از شما تقاضای دعا و توجه دارم و از شما پدر مهربان ذکر دوم را خواهانم. و چند سؤال دارم: ۱. خداوند در طول تاریخ چه افرادی را برای انتشار دین قبول فرموده و از آن‌ها کار گرفته است؟ ۲. چه عواملی باعث استقامت در دین و در اعمال حسنه می‌شود؟ ۳. چگونه ادب شعائر الله و رجال‌الله و... حاصل می‌شود؟ ۴. چگونه می‌توان درد و محبت صاحب گنبد خضراء صلی‌الله علیه‌وسلم را در وجود پیدا کرد؟)

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد: موفق باشید.

به ذکر دوم، لطیفهٔ روح اجازه دارید. برای ادامهٔ ذکر لطایف کوشش کنید و در طلب علم کوتاهی نکنید.

۱ـ خداوند کریم کسانی را که جامع علم و عمل و تقویٰ و اخلاص بوده‌اند، برای انتشار دین و مذهب انتخاب و موفق فرموده است.

۲ـ تقویٰ و اخلاص و دوام ذکرالله و صحبت اهل‌الله، باعث استقامت دینی می‌شوند.

۳ـ از کثرت ذکرالله و صحبت اهل‌الله، موفق به هر نوع آداب می‌گردد.

۴ـ به ذریعهٔ اتباع سنت و کثرت درود و احترام اهل بیت و صحابه و اهل‌الله، محبت آن ذات گرامی صلی‌الله‌علیه‌وسلم پیدا خواهد شد.

۱۷ ذیحجه ـ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۲۹۴

در پاسخ فردی در مورد برنامهٔ اوقات عبادت و چند سؤال دیگر

(۱. بنده شوق و ذوق برای ذکر و مطالعه و زیارت شما خیلی دارم. بعد از هر نماز اورادی از قبیل لاحول، درود، حسبنا الله، لا اله الا الله و... می‌خوانم، اما به‌علت این‌که در اکثر اوقات مصروف به تدریس هستم، نمی‌توانم ذکر کنم و بعد از عصر گاهی به ذکر وگاهی به مشکلات منزل مشغول می‌شوم، ۲. خیلی زیاد می‌ترسم. به‌مجرد غروب آفتاب ترس مرا فرا می‌گیرد، اگر کاغذی تکان بخورد، یک سر بلند می‌روم، در روز در مسجد تنها می‌ترسم و همین‌طور اگر کسی مرا بخواهد ولو این‌که پدر

یا مادر باشد و از نماز دادن هم با وجود این‌که چند سال امام هستم، ٣. روزی زکات سورۀ فاتحه را می‌کشیدم، از گوش راست صدای تندی وزید، متوجه شدم جنّ‌های یک دختر هستند که بر سر او خوانده بودم و بعد پیش شما آمدم و اجازه خواستم فرمودی به جنّ‌ها کاری نداشته باشی، ولی چه‌کار کنم ویل‌کن نیستند و می‌گویند ما مستضعف هستیم و ملاها می‌گویند گاو وگوسفند بکشید، ۴. تقاضا دارم اوقات بنده را تقسیم بندی بکنید).

وعلیکم السلام و رحمة اللّٰه و برکاته؛ امابعد:

نامۀ طولانی شما ملاحظه شد، خداوند کریم موفق گرداند.

۱ـ خداوند کریم ذوق و شوق دینی شما را زیاده گرداند و همین برنامۀ خدمت که دارید، خوب است و آن‌را ادامه دهید، نیازی به ترتیب برنامه‌ای دیگر ندارید.

۲ـ ترس خدا را در دل جا دهید، دیگر ترس‌ها خود به خود دور خواهند شد.

۳ـ جنّی‌ها را فقط دم بزنید و به چوب نزنید. آری! اگر نروند، فتیله سوزی کنید که برای دفع ضرر از مسلمانان این قدر گنجایش دارد.

۴ـ برنامۀ تقسیم اوقات همین خوب است که خود شما مرتب کرده‌اید.

۱۸ ذیحجه ـ ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۲۹۵

در پاسخ ... در تأکید به انجام نمازهای پنجگانه و تصحیح عقاید و تعبیر خواب

(من مادر پنج فرزندم که چند ماه پیش برای اصلاح اعمالم با شما بیعت غایبانه کردم، الحمد لله به‌برکت دعا و دستور شما بعد هر نماز ۳۰۰ بار اسم «الله» را ذکر می‌کنم. چند نصیحت برایم و برای خواهر بزرگم نمایید تا در زندگی عمل بکنیم و دعا هم بکنید. بعد از بیعت چند خواب دیده‌ام: ١. دیدم شخصی آمد و گفت این پیامبر علیه‌السلام است، نگاه کردم گیاهان آن طرف از بدن مبارک پیدا می‌شدند مثل شیشه، ٢. دیدم نوری در دستم بود بسیار نورانی که شعله‌هایش از درون انگشت‌ها نمایان بود، آن را خوردم، ٣. نه در خواب بودم نه بیداری دیدم تمام بدنم در حال ذکر الله است.

وعلیکم السلام و رحمة اللّٰه و برکاته؛ امابعد:

شما و خواهرت اولاً برای نمازهای پنجگانه خوب مواظب باشید در عین اوقات و خودت با پایبندی جماعت کوشش کنید. دوم: ذکر اللّٰه را ادامه دهید. سوم: تلاوت قرآن کریم و درود شریف را وظیفه نموده و از بدعات و رسوم و لغویات بدور باشید و عقاید خود را مطابق

با قرآن و سنت کنید.

خواب اول مبارک است و در خواب دوم این نور، نوری از لطایف اذکار بود، سوم حالی از احوال لطیفهٔ قلبی بود.

خداوند کریم اوقات شما را به ذکر خود معمور گرداند.

۱۸ ذیحجه ـ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۲۹۶

در پاسخ خانمی در تشویق به علم و عبادات و راهنمایی به طریق بیعت

دختر محترمه ز. نادری! وعلیکم السلام و رحمة اللّه و برکاته؛ امابعد:

نامهٔ شما رسید و ملاحظه شد. الحمدلله که انوار توحید و قرآن و نور علم و سنت در منطقهٔ شما دور می‌زند، موفق باشید و از این نعمت بزرگ خوب بهره‌برداری کنید وکوشش کنید تا ریشهٔ شرک و بدعت از دل‌های زن و مرد و همه بیرون وکنده شود و برای خواندن و عمل کردن و بالخصوص به نمازهای پنجگانه در عین اوقات و با کمال پاکی و نظافت انجام گیرند. خداوند کریم موفق گرداند.

راهنمایی بیعت غایبانه را در نامهٔ دختر ملاحسن نوشته‌ام، شما هم آن را ببینید و همان طور عمل کنید.

۱۸ ذیحجه ـ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۲۹۷

در پاسخ خانمی در مورد تشویق به علم

وعلیکم السلام و رحمة اللّه و برکاته.

نامهٔ شما رسید و ملاحظه گردید. خداوند متعال در منطقه و مُلک شما انوار توحید و قرآن بیاورد و برای خواندن درس‌هایت کوشا باشید. خداوند متعال منطقهٔ شما را از شرک و بدعت مصون بدارد و التماس دعا دارم.

۱۸ ذیحجه ـ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۲۹۸

در پاسخ فردی در مورد بیعت

عزیزم ...کنعانی! وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

نامهٔ شما رسید و ملاحظه گردید موفق باشید. برای بیعت هر وقت فرصت پیدا کردید، تشریف بیارید تا دست به دست بیعت کنید. بیعت غایبانه برای مردان بهتر نیست.

بنده دعا می‌کنم که موفق باشید.

۱۹ ذیحجه ـ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۲۹۹

در پاسخ خانمی در تعبیر خواب و تصحیح دعا و راهنمایی به طریق بیعت

(۱. بنده خواب دیدم که حضرت علی رضی‌الله‌عنه آمد کنارم، دنیا نورانی شد. کتابی همراه داشت به رنگ سبز و گفت این‌را بخوان روی جلدش نوشته بود: «باب الأدب» و هرجایش ورق می‌زد، محو می‌شد گفتم ببینید نور ایشان است گفت نور محمد صلی‌الله‌علیه‌وسلم است که محو کرده و بعد گویا به مسجد رفتم دیدم پارچه‌ای از آسمان به زمین بود و همان کتاب را به دوستان نشان دادم و دیگر کتاب هم بود که از وسطشان نور خارج می‌شد، ۲. تعطیل کردم دیدم شخصی نورانی بیرون مکتب ایستاده و به من نگاه کرد و لبخند زد. لباس سفید داشت و کمی بلند قد و چاق بود. بعد مردم جمع شدند او را ندیدند و به آسمان رفت، ۳. دعایی آورده‌اند و می‌گویند شیطان آن‌را خوانده و حالا که لعنتی شده فراموش کرده. دعا این‌ست: «اللهم یا الله یا ... یا عظیم الخطر یا سریع الظفر یا جمال ... یا معروف العسر یا واسع المغفرة یا کاشف الغمّ یا فارج الهمّ مالک یوم الدین بحق ایاک نعبد وایاک نستعین برحمتک یا ارحم الراحمین» آیا دعایی هست و صحیح است یاخیر؟

دختر محترمه آزادی! وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

نامهٔ شما رسید و ملاحظه گردید موفق باشید.

خواب اول که دیده‌اید، شما را مبارکباد. آن کتاب که شما را راهنمایی فرمود، قرآن کریم بود آن پارچهٔ سفید که از مسجد تا آسمان چسپیده بود، این رشتهٔ فیض نماز و قرآن بود که به جانب آسمان ارتباط داشت.

دیدن بنده اشاره است که نور علم این حوزه به منطقهٔ شما می‌رسد.

آن شخص که دم در مکتب قرآن دیدید، جبرییل علیه‌السلام یا فرشته‌ای دیگر بود که از خدمت شما خوشش می‌آمد و گویا شما را با اشاره تبریک می‌داد.

دعایی که نوشته‌اید الفاظش صحیح است، ولی در حدیثی صحیح نیامده است و سندش صحیح نیست.

شما هر سه نفر که بیعت خواسته‌اید، بعد از نماز عشا بر جای نماز خود رو به قبله نشسته اراده کنید که الآن از «محمّدعُمر» بیعت می‌کنیم سپس یک بار کلمهٔ طیبه و یک بار کلمهٔ شهادت و سه بار کلمهٔ استغفار بخوانید بعد آن بگویید: «ایمان آوردم به خدا و رسولش و به هر حکمی که ایشان حکم فرموده‌اند و بیزار شدم از کفر و شرک و بدعت و از کاری که ایشان منع فرموده‌اند و بیعت گرفتم از «محمّدعُمر» در طریقهٔ نقشبندیه مجددیه. بعد از آن سیصد بار با زبان بگویید «اللّه» و خیال را زیر پستان چپ ـ که محل دل است ـ بدارید و بعد از هر نماز هم همین وظیفه را انجام دهید.

۱۹ ذیحجه ـ ۱۴۲۲ هـ.ق.

<u>مکتوب ۱۳۰۰</u>

در پاسخ فردی در تعبیر خواب

(۱. بعد از نماز تهجد مشغول ذکر شدم و به فکرم خواب نبودم شما با لباس و قبای سفید و عصا جلو من ایستادید، ۲. دیدم وارد شهری شدم، مردم مرا نفرین کردند که چرا بیعت کرده‌ای؟ و مرا تنگ کردند می‌خواستم بیرون بروم، مرا نگذاشتند گفتم: من پیش جناب مولانا محمّدعُمر (رحمه‌الله) بیعت کرده‌ام، به محض شنیدن اسم شما راه را باز کردند وگفتند تو آزادی هرچه می‌کنی بکن. بعد گویا اذان شد و مولوی ... گفت شما اذان می‌دهی و به قصد زیارت شما راهی مسجد شدیم وقتی می‌خواستم شما را مصافحه کنم، پرسیدید دیشب چه خوابی دیده‌ای؟ از سؤال چنان غرق در محبت شدم که شما را معانقه نمودم).

وعلیکم السلام و رحمة اللّه و برکاته؛ امابعد: خواب‌هایی که دیده‌ای، خوبند.

۱- آن‌چه از تمثّل احقر در جلو خود دیدی، ممکن است صورتی مثالی یا روحانی باشد.

۲ـ ممکن است این‌ها گروهی از أجنّه یا روحانی باشند.

خداوند کریم موفق گرداند و به بندگی خود سرگرم فرماید.

عزیزم! به درس‌های باطنی خود کوشش نموده و از بدعات و رسوم خیلی دور باشید.

دوستان را سلام عرض است.

۱۸ ذیحجه ـ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۳۰۱

در پاسخ فردی در مورد چند سؤال

۱. «میان عاشق و معشوق رمزی‌یست = کرام الکاتبین را هم خبر نیست» این شعر از کیست و تا چه مقدار مطلبش صحیح است؟ درصورت صحیح بودن، با نصوصی‌که کراماً کاتبین از اعمال خیر و شرّ انسان باخبرند، معارض است و اگر عشق الهی مستثنی باشد، پس عشق فاسد را چگونه می‌توان مستثنی کرد که خبر ندارند؟ ۲. صحابه رضوان‌الله‌تعالی‌علیهم همیشه مشتاق صحبت نبی علیه‌الصلاةوالسلام بودند؛ من‌جمله هنگام ورود ابن‌ام‌مکتوم رضی‌الله‌عنه آن‌حضرت علیه‌السلام بنابر مصلحت تا حدی اعتنا نکرد و آیات «عبس» نازل شد پس آن‌حضرت چگونه به حضرت وحشی رضی‌الله‌عنه می‌فرماید: «فهل تستطیع أن تغیب وجهک عنّی» حالا این‌را چطور به نبی علیه‌السلام نسبت داد که انبیاء علیهم‌السلام از همه رذایل معصوم بودند و بغض را نمی‌توان نسبت داد چون به همه انبیاء شق صدر صورت گرفته است و سینه‌های‌شان پاک است پس مفهوم این جمله چه می‌توان باشد؟

وعلیکم السلام و رحمة اللّه و برکاته؛ امابعد:

این شعر از هر کس که باشد، محتوای آن صحیح هست. معنای «رمز» اینجا رشتهٔ حب و ارتباط معنوی آن دو طرف است؛ حقیقی باشد یا مجازی، پس کرام الکاتبین از آثار آن‌ها باخبرند نه از مقدار حب آن‌ها. این، بر کرام کاتبین لازم نیست.

۲ـ بلاریب علاقهٔ معنوی همه صحابه برقرار بود، اما ابن‌ام‌مکتوم رضی‌الله‌عنه علتی چنان نداشتند که موجب تغییر خاطر سامیِ [رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم] گردد و حضرت ایشان به حرص ایمان قوم متوجه او نشدند، خداوند این بی‌توجهی بی‌مورد حقیقی را نپسندید و عتاب فرمود. به خلاف وحشی رضی‌الله‌عنه که آنجا علت قتل سیدنا امیر حمزه رضی‌الله‌عنه علت قادحه بود که از دیدن وحشی احتمال تغییر طبیعت بشری حضرت ایشان می‌بود بدون اختیارش و این عیب و حسد نیست بلکه مثل به هم خوردن طبیعت موسی علیه‌السلام از دیدن سحر ساحران وغیره است که عیبی ندارد و مثل ترجیح حبّ یکی از ازواج مطهرات بر دیگری که در اختیار نبی نیست و او معذور و مغفور و معصوم است، اما همین تغیّر طبعی احتمال داشت که مانع فیض نبوت از وحشی یا وقوع نقمتی

از مولای کل بر وحشی گردد. لذا از کمال ترحّم رحمت للعالمین بر امت خود نخواست که فیض باطن‌اش از او مسدود گردد یا بر علیه او نقمتی ایراد شود. از باب اینکه بسیار دوری ضروری بود با او [چنین] معامله فرمودند، این را کمال شفقت و مرحمت گویند نه حسد و غیره که زننده بر عصمت انبیا باشد. فتدبّر، فإنه دقیق.

۱۸ ذیحجه ـ ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۳۰۲

به فردی در راهنمایی به برخورد با گروه‌های انحرافی و چند سؤال دیگر

۱. حالم این‌ست که دلم می‌خواهد خداوند ما را هدایت کند وگرچه از بدانم، اما محبت اولیاء و خصوصاً شما استاد محبوب در گوشت و خونم عجین شده است، ۲. خوابی دیده بودم و شما تعبیر فرموده بودی که پدر بزرگم نوه‌ای دارد که مرگ او از زندگی بهتر است، می‌خواهم بدانم کیست؟ اگر منم، برایم دعا کنید و پسرعمویم به گمراهان پیوسته است دعا کنید، ۳. در شهر در هر قدم فساد و موسیقی است و نیز با اهل فرقه‌های باطل چگونه رفتار کنیم؟ ۴. یک طالب‌علم واقعی دارای چه صفاتی باشد تا خادم مخلص دین و مُوحّد کامل باشد؟ ۵. دوست دارم برنامهٔ ۲۴ ساعت مرا شما تنظیم کنید، ۶ در وقت فراغت، مطالعه بهتر است یا ذکر و دیگر عبادت نفلی؟ ۷. کدام عمل خیر است که با انجام آن انسان را به تمام اعمال خیر توفیق می‌رسد وکدام عمل بد است که با إجتناب از آن از سایر اعمال بد محفوظ می‌ماند؟ ۸. چیزی از چیزهای شخصی شما را به‌طور تبرّک و یادبود می‌خواهم، اگر مصلحت می‌دانید وگرنه معذرت می‌خواهم.

وعلیکم السلام و رحمة اللّه و برکاته؛ امابعد:

خداوند کریم ما و شما را به صراط مستقیم هدایت و محبت شما را با صالحین زیاده گرداند (آمین).

۲ـ آن نوه غیرمعلوم است که کدام یک می‌باشد و تا به حال روشن نیست. شاید همان باشد که به گمراهان پیوسته است و اللّه اعلم.

۳ـ شما با فرقه‌های انحرافی با ملایمت و تدبیر و دعوت صحیح رفتار کنید. [با آنان تند و شدید] برخورد نکنید که از آن کارهای ناموزون ایجاد خواهد شد.

۴ـ یک طالب علم اگر دارای صفاتی باشد که در کتاب خودم «پرسش و پاسخ» در جواب سؤالی گفته‌ام، یک فرد خادم دین مخلص گردیده و موفق خواهد شد.

۵ـ برنامه ریزی هیچ فردی از دیگری مناسب نیست بلکه هر کسی برای اعمال شباروزی خود، خودش برنامه ریزی کند.

۶ـ برای طلبه مطالعۀ کُتُب دینی وقت فراغت بهتر است و برای غیر طلبه ذکر و تلاوت و هر عبادت که میسر گردد.

۷ـ به کثرت ذکر اللّه و صحبت کاملین و مطالعۀ سیرت نبی (صلی‌الله‌علیه‌وسلم) و صحابه و صالحین (رضی‌الله‌عنهم)، انسان را به هر خیر توفیق می‌رسد و به برکت دوری از غفلت و حبّ دنیا و صحبت ناجنسان و بدعات انسان از هر بدی محفوظ می‌ماند.

۸ـ احقر اشیای خود را مبارک نمی‌دانم از این وجه از دادن تبرّک معذورم.

خواب‌هایی که در نامه نوشته‌اید، خیلی مبارک‌اند، اما به آن‌ها معزور نشوید.

والدَین شما را سلام عرض است.

۱۸ ذیحجه ـ ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۳۰۳

به خواهری در تبریک به رعایت حجاب شرعی و تعبیر خواب و...

(من دختری باحجاب هستم که الحمد لله از کوچکی حجاب را رعایت کرده‌ام و این اولین نامه‌ای است که به شما می‌نویسم غرض این که چند تا نصیحت بفرمایید. پدر بزرگوار! دارم قرآن مجید را ناظره می‌خوانم و ترجمه‌اش را هم از رفیق حیاتم گوش می‌کنم. یک خواب هم دیده‌ام زحمت کشید تعبیر بفرمایید: دیدم نزد رودخانه‌ای حضرت عیسی‌عليه‌السلام با مادر گرامیش نشسته است رُخ بی‌بی به‌طرف قبله بود و بدنش را کاملاً با چادری پوشانده بود در دامن او چیزی؛ فرزند یا قرآن پاک بود. وقتی از آمدن‌شان مطلع شدم، از بس‌که مشتاق دیدار بودم، از خانه بیرون آمدم ناگهان دیدم کفار به‌طرف ایشان می‌آمدند، خواستم ایشان را مطلع سازم، چون چشمم به ایشان افتاد، با شوق و ذوق نگاه می‌کردم و لذت می‌بردم تا این‌که بیدار شدم. رنگ بی‌بی سفید و چشمانش بزرگ بود).

وعلیکم السلام و رحمة اللّه و برکاته؛ امابعد:

شما را به رعایت حجابت تبریک می‌گویم که در این دور پُر فِتَن چنین واجبی را انجام می‌دهید که تشبّه به صدر اول دارید. نصیحت بنده این است که نمازهای پنجگانه و تلاوت قرآن کریم را به وجه احسن انجام دهید و از بدعات و رسوم به دور و به سنت شرعی محکم

باشید و از منهیات بپرهیزید و تقوٰی را شعار خود بگردانید.

خواب شما مبارک است؛ این یک نوع بشارت است برای شما که تقوٰی و حجاب را رعایت کرده‌ای، دیدن ایشان اشاره است که شما به کارهای نیک موفق و امید اولاد صالح دارید؛ إن‌شاء اللّه تعالی.

۱۹ ذیحجه ـ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۳۰۴

در پاسخ به ... تیموری در ترغیب به ذکر و تعبیر خواب

(نوشته بود: به امید این‌که حال مبارکتان خوب و طاعات و عبادات مقبول درگاه ربّ‌العزت و ایام به کام باشد. وجود مبارک شما هر لحظه به پیش رو مجسّم دارم و این لطف و احسان الله ذوالجلال است که نصیب من گردانیده است؛ به قول مولانا رحمه‌الله: اول ابلیس مرا استاد بود = بعد از آن ابلیس پیشم باد بود. حضور معظم مرشد! خواب دیدم که جناب حافظ احمدعلی که برای نماز فرض امامت می‌کند و بنده پشت‌سر ایشان اقتدا نمودم و در پهلوی من یک سیّدی ایستاده بود. بنده از دعای شما بزرگوار نماز تهجدم فوت نمی‌شود و به ذکر پایبندم، تقاضامندم درس مرا در نامه‌ای ار سال نمایید).

وعلیکم السلام و رحمة اللّه و برکاته؛ امابعد:

نامهٔ شما رسیده و ملاحظه گردید و خوشحال شدم. خداوند کریم شما را به امور دین و ذکر خود موفق گرداند و خاتمهٔ ما و شما را به خیر گرداند.

عزیزم! سبق ذکری که گرفته‌ای، به آن کوشش کنید تا ذکر در قلب جاری گردد و نماز پنجگانهٔ خود را با جماعت برقرار داشته باشید. رسالهٔ «کنزالدارین» بنده را پیدا کرده وظایفی که در ص ۱۶ و۱۷ [ص۲۹ و ۳۰ گنجینهٔ دعا و اوراد] موجوداند، به آن‌ها عامل باشید و خانوادهٔ خود را هم به این امور ترغیب نمایید.

خواب شما خواب مبارکی است و خوش به حال شما که پسرت حافظ و مشغول علم است و احقر قلباً او را خیلی دوست می‌دارم اگر چه او بچه است و حقیقت را نمی‌داند.

این سعادت به زور بازو نیست　　　تا نبخشد خدای بخشند

پسرِ پشت حافظ نماز خواندن اشاره است که پشت‌سر شما اولاد شما چندی حافظ می‌شوند. مزید التماس دعا دارم.

۲۱ ذیحجه ـ۱۴۲۲ هـ.ق.

مکتوب ۱۳۰۵

در پاسخ فردی در مورد چند سؤال که پرسیده بود

بنده چند سؤال دارم لطفاً پاسخ آن‌ها را بفرمایید: ۱. در بین چهار دریا یک‌دانـه گـوهر اسـت = هشت پسر و نُه دختر و یک مادر است = هرکه این‌را نداند از حیوان بدتر است، ایـن چـه مفهـومی دارد؟ ۲. سه گودال پر از آب بود که آب جاری نباشد، یکی زنا کرد و در یکی از آن‌ها غسل کـرد و دیگری احتلام شد و در گوال دیگر غسل کرد و فرد دیگری با همسـر همبسـتر شـد و در گـودال سوم غسل کرد، در کدام یک آشامیدن و وضو گرفتن روا می‌باشد؟ ۳. بعضی می‌گوینـد خورشـید و نزد بعضی ماه و نزد بعضی زمین و نزد بعضی آسمان می‌چرخند، به نظر شما کـدام مـی‌چرخـد؟ ۴. اگر کسی با مادر زنش یا خواهر زنش زنا کند، آیا زنش طلاق می‌شود یا گناه کبیره است؟ ۵. کـدام یک از این افراد زودتر به جنّت می‌روند: پیامبر، حاجی، شهید، عالم، طالب راه خدا، پادشـاه عـادل و سخاوتمند؟ ۶. کسی نماز را کامل می‌خواند، ولی روح و خیالش در نماز نباشد، آیـا نمـازش درسـت است؟ ۷. تفنگی تیر در داخل دارد و شخص نمی‌داند و بسوی فردی دراز می‌کنـد و مـی‌گویـد تـرا کشتم، ناگهان تیر پرتاب می‌شود و به شخص اصابت می‌کند، اگر بمیرد آیا در دنیا و قیامـت خـون او به گردنش هست؟ ۸. شخصی تفنگی داشت دیگری از او گرفت که شـکار مـی‌کنـد امـا رفـت مردمی کشت، آیا صاحب تفنگ شریک جرم است؟ ۹. شخصی بسوی یکی تفنـگ دراز کـرد، امـا نزَد، دیگری به شوخی تیری زد ولی به او نخورد و سومی به دشمنی و حسـد بـه یکـی تیرانـدازی کرد اما به او نخورد، به نظر شما جرم این‌ها چـه و چـه مقـدار اسـت؟ ۱۰. چنـد نفـر بسـوی یکـی تیراندازی کردند و او بر اثر آن مُرد ولی مشخص نمی‌شود تیر کدام یک به او اصـابت کـرده، حـالا خون این شخص از کدام یک گرفته شود؟ ۱۱. اگر چند نفر مال کسی را غارت کردنـد و دزدیدنـد، این شخص کدام یک را بگیرد؟ ۱۲. آیا خرید و فروش اسلحه گناه است؟ خرید و فـروش تریـاک، هیروئین، مُرفین و دیگر چیزها که به مردم ضرر دارند چطور اسـت؟ ۱۳. قربـانی شخصـی قبـل از عید گم می‌شود و به بازاری دیگر می‌رود آن‌جا شخصی بـرای خـودش مـی‌کشـد، آیـا قربـانی او می‌شود؟ اگر نمی‌شود جرم او چه هست؟ ۱۴. بعضی می‌گویند خداونـد وقتـی حضـرت آدم﵇ را درست کرد، مقداری خاک باقی ماند و از آن درخت خرما را درست کرد، آیا صـحت دارد؟ ۱۵. اگـر کافر، مشرک، غیرمذهب و مسلمان بدون بسم‌الله مرغ و... را بکشد، آیا حـرام اسـت؟ ۱۶. بـه نظـر شما بزرگترین علامت فنای دنیا چند و کدامند؟ ۱۷. شخصی برای زنا رفت و با دختر روبوسی کرد، ولی از ترس، عمل صورت نگرفت، دیگری هم برای زنا رفت ولـی نصـفه راه از تـرس برگشـت و دیگری با نامحرم نشست، آیا این‌ها زنا محسوب می‌شوند؟ ۱۸. بعضی می‌گوینـد پیـامبر ۹۹ سـال عمر داشته؛ ۶۳ سال زندگی در دنیا و ۳۶ سال زمانی‌که به معراج رفته است، آیا این حـرف درسـت است؟ لطفاً جواب‌ها را کامل و به لغت بلوچی بدهید.

وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته؛ امابعد:

عزیزم! انسان باید مسایلی را سؤال کند که در آن‌ها نفع دینی یا دنیوی باشد. مسایلی که به این هر دو تعلق ندارند، سؤال از آن‌ها فضولی و تضییع اوقاتِ خود و دیگران است و جواب از آن‌ها هم لازم و واجب نیست.

سؤال اول و دوم و سوم شما از همین فضولیات هستند، زیبا بود که از آن‌ها جواب داده نمی‌شد، اما بنده محض به توجه دادن امثال شما جوانان جواب دادم.

۱ـ این یک معمّا و إلغاز است؛ مراد از گوهر، دماغ انسان است، چهار دریا، آب دهن، آب چشم، آب بینی و آب گوش و مادر، مغز انسان است. مراد از هشت پسر، قوهٔ حافظه دو درجه، قوهٔ واهمه دو درجه، قوهٔ حسّ مشترک دو درجه و قوهٔ خیالیه هم دو درجه هستند و نُه دختر، قوای ترکیبیهٔ این‌ها با عقل‌اند که نُهم قوهٔ عاقله است. تشریح کلی در این‌جا مشکل است.

۲ـ اگر این هر سه آب از صد گز (ذراع) مربعِ شرعی کمتراند، در هیچ یکی از آن‌ها غسل جایز نیست و اگر به قدر صد گز مربع می‌باشند، در هر کدام اختیار غسل دارد و اگر تنها یکی صد گز می‌شود، در همان غسل یا وضو کند یا بنوشد.

۳ـ خورشید و ماه حرکت مستقله دارند. نزد بعضی آسمان و نزد برخی زمین می‌چرخد. سائنیس‌دانان امروزه می‌گویند: زمین می‌چرخد و قدیمی‌ها می‌گویند آسمان. از نظر عقل هیچ کدام بعید نیست و از نظر نقل، قول قدما مؤیّد است.

۴ـ از زنا با مادرزنش، زنش حرام ابدی و طلاق می‌گردد و زنا با خواهر زنش حرام و کبیره است و زنش طلاق نمی‌شود.

۵ـ بعد از پیامبران، صدیقان و علمای ربانیین و اولیای کامل بعد شهدا به جنت می‌روند. دیگران همه بعدی‌اند.

۶ـ آری! نمازش در همین حالت در شرع مقدس صحیح است.

۷ـ آری! خون او در هر دو جهان بر سر او هست؛ چراکه شوخی به اسلحه گرچه تیر نداشته باشد، باز هم ناجایز و حرام است.

۸ـ اگر تفنگ دهنده قطعاً ندانسته باشد و آن شخص دشمن دار نبوده و سابقهٔ چنین عمل نداشته باشد، در این صورت دهنده شریک جرم نیست.

۹ـ این تیراندازان نزد خداوند کریم مجرم‌اند؛ به قصد باشد یا شوخی؛ زیرا ترساندن مسلمان

به اسلحه حرام است. پیامبر اسلام ﷺ فرموده است: «**هرکه بر مسلمان اسلحه بـه شـوخی دراز کند، او از امت من نیست و فرشتگان او را لعنت می‌کنند**».

۱۰ـ در این صورت اگر وارث مقتول یکی را متهم می‌کند و شـاهد دارد کـه تیـر او او را کشته است یا در صورت عدم شاهد قسم بخورد، بر او لازم می‌آیـد و اگـر کسـی را شخصـاً متهم نمی‌کند، خون او ساقط می‌گردد و خون بها را قاضی بعد از تحقیق فیصله کند.

۱۱ـ همه مجرم‌اند و همان خسارت بر همه تقسیم می‌گردد.

۱۲ـ خرید و فروش اسلحه اگر حکومت منع نکند، جایز است و اگر منع کند، جایز نیست. خرید و فروش تریاک و هیروئین و... و هر شئ مضرّ برای مسلمانان، حرام است.

۱۳ـ قربانی کشنده ادا نمی‌شود و قیمـت ایـن گوسـفند را بایـد بـه صـاحبش ـ اگـر آن را می‌خواهد ـ رد کند.

۱۴ـ چنین روایتی آمده است، ولی ضعیف است و اعتبار ندارد.

۱۵ـ اگر عمداً بسم الله نکرد، نزد حنفیه حرام و نزد شافعیه حلال است و اگر به فراموشـی نکرد، مذبوحهٔ مسلمان حلال است نه مذبوحهٔ کافر و مشرک.

۱۶ـ علامات بزرگ هفت‌اند، در کتاب «علامات قیامت» بببن، بنده فرصت ندارم.

۱۷ـ این همه زنا به شمار می‌روند، بوسیدن، نگاه کردن و دست زدن، سه زنا هستند؛ زنای دهن و چشم و دست. زنای پا، رفتن است. نشستن با بیگانه و صحبت کردن، سه زنـای دیگـر هستند: یکی نگاه کردن، دیگری صحبت کردن و سوم تمنای نفس.

۱۸ـ این صحیح نیست پیامبر ﷺ در این عالم فقط ۶۳ سال عمـر داشـت. معـراج، عمـری شمار نیست. اگر عمری شمار کرده شود پس، عمر آن‌حضرت ﷺ از یک ملیون سال بیشتر می‌شود نه ۹۹ سال.

۲۲ ذیحجه ـ ۱۴۲۲ هـ.ق.

* * * *

فهرست عناوین

